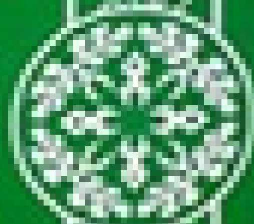
نهضت فاطمیه

و شمه‌ای از کرامات

فاطمه زهرا علیها السلام

تألیف

میر سید حجت موحد ابطحی



بسم الله الرحمن الرحیم

نهضت فاطمیه و شمه ای از کرامات فاطمه زهرا علیهاالسلام

نویسنده:

سید حجت موحد ابطحی

ناشر چاپی:

حبل المتین

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نهضت فاطمیه و شمه ای از کرامات فاطمه زهرا علیهاالسلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : موحد ابطحی، حجت، - ۱۳۳۳

عنوان و نام پدیدآور : نهضت فاطمیه و شمه ای از کرامات فاطمه زهرا علیهاالسلام/ تالیف حجت موحد ابطحی

مشخصات نشر : قم: حبل المتین، ۱۳۸۲.

شابک : ۹۶۴-۷۷۹۲-۱۴-X۱۰۰۰۰ریال:(دوره) ؛ ۹۶۴-۷۷۹۲-۱۴-X۱۰۰۰۰ریال:(دوره) ؛ ۹۶۴-۷۷۹۲-۱۴-X۱۰۰۰۰ریال:(دوره) ؛ ۹۶۴-۷۷۹۲-۱۴-X۱۰۰۰۰ریال:(دوره) ؛ ۹۶۴-۷۷۹۲-۱۳-۱(ج.۱) ؛ ۹۶۴-۷۷۹۲-۱۲-۳(ج.۲)

وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع : فاطمه زهرا(س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- فضایل

موضوع : فاطمه زهرا(س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- تحقیق

رده بندی کنگره : BP۲۷/۲/م ۸۱۳ن ۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۷۳

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۲-۲۷۶۲۵

ص:۱

جلد ۱

اشاره

این مجموعه به محضر مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله که به یاد مصائب فاطمه زهراء سلام الله علیها اشک غم باریدند به محضر مقدس امیرالمومنین علیه السلام که در شهادت فاطمه زهرا سلام الله علیها آرزوی مرگ نمودند به محضر مقدس همه امامان معصوم علیهم السلام که د رمصیبت مادرشان ناله ها سر دادند به محضر مقدس حضرت بقیه الله علیه السلام که در مصیبت زهرای مرضیه دل شکسته اند و به همه امامزادگان، زعماء و پرچمداران دین، و همه دلسوختگان و غمزدگان آن مظلومه، و به هر کس که با فکر و اندیشه، قلم و بیان، مقام و رتبه، هنر و ابتکار، همت و خدمت خود، به آستان مقدس حضرت زهراء علیها السلام عرض ادب می نماید.

اهداء می گردد

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا و حبیبنا و طبیبنا الذی بعث رحمه للعالمین، و بشیرا للمذنبین محمد خاتم النبیین و علی آله الطیبین الطاهرین الانجبین، لا سیما الامام المنتظر، و الولی المنتقم الحجه بن الحسن المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و لعنه الله علی اعدائهم اجمعین من الان الی یوم الدین آمین آمین آمین.

ص:۴

پیش گفتار:

با گـذشت چهارده سال از شـروع فعالیت های گسترده، برای بزرگـداشت شـهادت مظلومه تاریـخ اهل البیت علیه السـلام یعنی فـاطمه زهراء علیهـا السـلام چه بسـیار عرض ادب هـا و کوشـش هـا که در دفـاع از آن مظلـومه شـهیده به وسـیله علاقمنـدان و دلباختگـان آن حضـرت انجـام گرفته است. رهبران دینی و معنوی، اندیشـمندان و متفکران اهل قلم و بیان شاعران و هنرمنـدان صاحبان مال و منال، عهـده داران پست و مقام، دسـته جات و گروه ها و در یک کلام همه و همه (با تمام ابزار و امکاناتی که در اختیار داشـته اند، اعم از مادی و معنوی) دست به کار شده و نام و یاد حضـرت زهرا علیها سلام را گرامی داشته و ناله ها و پیام های آن مظلومه را همراه با سوز و گداز و اشک و ناله خویش به جهانیان رسانده اند و از هیچ فداکاری دریغ ننموده اند.

بسـیاری از دلسوزان ارزشـهای معنوی و الهی اصـرار دارنـد که گوشه هایی از این همه ادب و اخلاص و همت و خـدمت ثبت شود و برای آیندگان منعکس گردد. آنها می گویند گرچه صـحنه های بزرگ عشق و ایثار سوز و شور و برنامه های مخلصانه و فداکارانه را نمی توان آن چنان که هست تشریح نمود ولی می توان با اشاره هایی (گرچه ناقص) از این همه ایمان و اعتقاد و جهاد و عمل برای آیندگان به یادگار گذاشت.

برخی از آگاهان و آینده نگران مصـرانه می فرمودند: گذشـتگان نوشـتند و ما از آثار و گزارشات آنها از گذشته خبردار شده ایم و ما باید بنویسیم تا آیندگان از ایمان و اعتقاد و باورها و عملکردهای دینی و الهی مردم این زمان آگاه شوند و لذا از یک سال قبل در صدد بر آمدم که با جمع نمودن اطلاعاتی

درباره برنامه های متنوع و گسترده علاقمندان به فاطمه زهراء علیها السلام (در شهرها و روستاها و کشورهای گوناگون) گوشه هایی از اثار بزرگ نهضت فاطمیه را دسته بندی نموده و عرضه نمایم و البته می دانم که ذکر نام هر مسجد یا حسینیه یا دارالشفاء یا خیریه ای که به نام فاطمه زهراء علیها السلام نامیده شده اشاره به یک سلسله عرض ادب ها و اخلاص ها همت ها و فداکاری هاست و هیچ کس نمی تواند با آمار و ارقام و با الفاظ و عبارات آن همه ارزش مادی و معنوی را تشریح نماید. حرکت هر دسته ای و یا برگزاری هر مجلسی و یا تاسیس هر بنیان دینی و خیری در برگیرنده چه بسیار از کششها و کوششها همت ها و خدمت ها است و تالیف هر کتاب یا مقاله ای و سرودن هر مدیحه یا مرثیه ای نشات گرفته از چه ذوقها و قریحه ها ابتکارها و خلاقیت ها تدبیرها و طراحی ها است و این همه قابل بیان و تشریح کامل نمی باشد ولی:

آب دریا را اگر نتوان کشید***پس به قدر تشنگی باید چشید

و البته با دعای خیر و استغاثه به ذیل عنایت حضرت زهرای مرضیه علیها السلام برای همه کسانی که خالصانه همکاری نمودند و در زمینه ارائه گزارش ها و آمارها و نقل کرامتها و بشارتها و منعکس نمودن ارادتها و علاقه ها حد اکثر تلاش خود را مبذول داشتند موفقیت و سعادت دنیا و آخرت آرزو می نمایم و امیدوارم که از برکات کوثر اهل البیت علیهم السلام در دنیا و شفاعت آن حضرت در آخرت بهره مند شوند و با توجه به علاقمندی به بی نام و نشان بودن بسیاری از عرض ادب کنندگان به آستان مقدس حضرت زهرا علیها السلام سعی نموده ایم جز در مواردی که ذکر نام و عنوان ضرورت دارد و در تامین هدف مقدس کتاب تاثیر قابل توجه دینی و اجتماعی می گذارد در سایر موارد تنها با اشاره به ارزشهای روحی و معنوی ارادتمندان و صاحبان همت و خدمت از داستان یا عمل و یا آثار آنها یاد نمائیم.

عوامل موثر در گسترش نهضت فاطمیه

اشاره

ص:۷

نمونه هایی از دلائل موفقیت

در حرکت فاطمیه عده ای از دوستان و علاقمندان به خاندان عصمت و طهارت علیها السلام بالاخص فاطمه زهرا علیها السلام از سال ۱۴۱۱ قمری تاکنون مستمرا فعالیت تبلیغی، خدماتی و اجتماعی داشته و دارند که از طبقات مختلف و با سطوح گوناگون تحصیلی و موقعیت اجتماعی می باشند همانند: دکتر، مهندس، استاد حوزه علمیه ، خطیب و امام جماعت، دانشجو محصل، بازاری، کاسب ، کارگر و ... و جامع و هماهنگ کننده آنها عشق و علاقه معنوی به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است و در زیر لوای خلوص نیت هر کاری که پیش آید و مفید به نظر برسد انجام می دهند. نه تقسیم کار به شکل رایج و نه عنوان و مسئولیت رسمی و نه حقوق و مزایا و نه سایر امور دست و پاگیر در عمل و خدمت آنها به آستان مقدس حضرت زهرا علیها السلام مطرح نمی باشد نه در جایی اسم نویسی کرده اند و نه ادعائی دارند و نه الزام تشکیلاتی حاکم بر آنها می باشد بلکه برای خشنودی حضرت زهرا علیها السلام و به عنوان دفاع از حق آن مظلومه تاریخ ااسلام هر خدمتی را انجام می دهند. محل فعالیت آنها هر جایی است که کمترین زمینه ای باشد و زمان کوشش آنها هر وقتی است که به نظر مناسب آید و نوع کار آنها هر عملی است که مفید تشخیص داده شود اعم از : گفتن و نوشتن، نصب پوستر وپلاکارد فروش و پخش کتاب و جزوه، تشویق برای تشکیل جلسه و برنامه جشن یا عزاداری،

ص:۹

کمک مالی یا عملی و فکری، سنیه زنی یا اشک ریختن و ناله زدن سوختن و دلسوزی کردن، صفر و حضر و ....

و در یک کلام از هر چه که در آستان مقدس حضرت زهرا علیها السلام عرض ادب و ارادت به حساب آید استقبال می کنند.

اجمالی از دلائل موفقیت

۱-اخلاص در عمل

۲-تواضع و فروتنی در خدمت

۳-عدم انتظار از دیگران

۴-کوچک نشمردن هیچ کار موثر و مفید

۵-استمداد از ارواح اولیای الهی، بالاخص روح مطهر حضرت صدیقه طاهره علیها السلام و پدر و همسر و فرزندان آن حضرت یعنی ائمه معصومین و امامزادگان عظیم الشان علیهم السلام

نقش دعا و توسلات در گسترش و نفوذ نهضت فاطمیه

از اولین سالهای شروع نهضت فاطمیه به نظرمان رسید هم چنان که در هر کار بزرگ یا کوچک زندگی فردی و یا اجتماعی دعا و توسل نقش و تاصیر اساسی و کلیدی دارد و چه بسیار از موانع و مشکلات بزرگ که با عنایت الهی و شفاعت اولیاء الله از سر راه برداشته می شود در این حرکت و نهضت دینی و ولائی نیز بایستی از این وسیله بزرگ بهره مند شویم و لذا نه تنها در هنگام برخورد با مشکلی خاص در برنامه های گسترده فاطمیه به دعا و توسل پناه می بردیم بلکه از چند ماه قبل از ایام فاطمیه از طلاب با اخلاص حوزه علمیه و نیز از مردم با ایمان و ولایت مساجدی که با آنها رابطه داشتیم و هم

چنین از کسانی که به مدینه منوره و مکه مکرمه یا کربلای معلا و نجف اشرف و سایر اعتاب مقدسه عراق و یا به مشهد مقدس مشرف می شدند و یا به زیارت مسجد مقدس جمکران و حرم حضرت معصومه علیها السلام نائل می گردیدند تقاضا می کردیم که نه تنها در دعاهای عمومی خود موفقیت برنامه های فاطمیه را از درگان الهی تقاضا کنند بلکه عاجزانه تقاضا می کردیم با انقطاع کامل و التجای مجدانه با توسل به زیارت عاشورا و نماز استغاثه به حضرت زهرا علیها السلام نماز استغاثه به حضرت بقیه الله علیه السلام و عریضه نوشتن به آن حضرت تشکیل جلسات بی ریاء و با حضور قلب به نام نامی هر یک از چهارده معصوم علیهم السلام و نیز حضرت زینب علیها السلام و حضرت اباالفضل علیه السلام و حضرت ام البنین علیها السلام و مادران پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام و حضرت رقیه علیها السلام و سایر امامزادگان عالی مقام و نیز علماء بزرگ تاریخ شیعه که فانی در ولایت اهل البیت علیه السلام بوده اند استمداد بجویند و موفقیت برنامه ها را بیش از آنچه در خیال و ذهن ما تصور می شود خواستار شوند. در طول سال های گذشته آثار اجابت این دعاها را نه تنها این کمترین و همراهان نزدیک مکررا مشاهده کرده ایم بلکه گاهی به شکل معجزه آسائی بشارت اجارت دعا و رسیدن عنایت غیبی و توجه خاص صاحبان ولایت به وسیله کسانی که در جریان مسائل نبوده اند به ما می رسید و مثل آفتاب روشن می شد که به احترام شهیده بزرگ اسلام حضرت زهرای مرضیه علیها السلام و دعای دلسوختگان بی ادعاء و توسلات مخلصانه مرد و زن و پیر و جوان و خردسال این مردم دلباخته دعاها مستجاب شده و توسلات به نتیجه رسیده

است(۱) و سفره فیض فاطمی گسترده تر شده و نهضت فاطمیه جهان شمول گشته و تابش انوار حضرت زهرا علیها السلام وسیع تر گردیده است. در بسیاری از موارد تاثیر اقداماتی که انجام می دادیم بسیار فراتر از حد انتظار بوده مثلا پیشنهاد یا درخواستی از یکی از علماء بزرگ و یا مراجع عالیقدر تقلید یا شخصیتی برجسته و متنفذ اجتماعی داشته ایم که بیش از حد انتظار مورد قبول و اقدام آن مرجع عالیقدر یا آن شخصیت بزرگ قرار گرفته و آن بزرگواران بنا بر اعتقاد و علاقه شدید قلبی خودشان از هیچ گونه کوشش و اقدامی دریغ نمی نمودند و هم چنین تاثیرگذاری اقدامات و برنامه هایمان را بر روی نویسندگان و محققین و یا تاسیس کنندگان موسسه ها و مراکز دینی و اجتماعی به نام نامی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را مرهون همین الطاف و اجابت دعاها می دانیم.

آری چه بسا نیمه شبی یا وقت سحری جوانی دلسوخته حضرت زهرا علیها السلام صورت روی خاک گذاشته و با اشک جاری التجا کرده و با تکرار جمله یا مولاتی یا فاطمه اغیثینی نیروهای غیبی الهی را متوجه این حرکت نموده و یا پیر سالخورده و مو سفیدی موهای سفید خود را روی دست گرفته و با اشک جاری بر روی صورت خود دریای رحمت الهی را متلاطم کرده و لطف خدا و اولیاء او را متوجه برنامه ها نموده است چه می دانیم؟ خدا دعای مستجاب را در میان دعاها مخفی کرده و بنده مورد لطف خود را در میان بندگان پنهان نموده و ناله های موثر و اشک های کارساز و استغاثه های

۱- در بخش های دیگر کتاب، مخصوصا قسمت کرامات حضرت زهرا علیها السلام نشانه های روشنی را ملاحظه می فرمائید.

سد شکن را بی پاسخ نمیگذارد.

فقـط می دانیم گسترش موج نهضت فـاطمیه (از نقطه ای محـدود و از محیطی کوچک به همه جا و در همه ابعاد) رهین لطف بی پایان الهی و عظمت حضـرت زهرا علیها السـلام و پدر و همسـر و فرزندان معصومشان و تاثیر عجیب اخلاص ها و ناله های انسان های دل شکسـته و بی ادعای است که فقط دفاع از حضـرت فاطمه علیها السـلام را می خواهنـد و بس و از عمق جانشان خدا را می خوانند و آرزوی ظهور منتقم حقیقی حضـرت مهدی موعود عجل الله فرجه را دارند که از سـتمگران به آن مظلومه بزرگ انتقام بگیرد.

نقش دلهای سوخته و اشکهای جاری در گسترش فاطمیه

از مجموع صـحنه های گوناگون که در طول چهارده سال در شـهرهای مختلف و مجالس و مراکز گوناگون مشاهده گردید و نیز از هزاران گزارش کتـبی و شـفاهی کـه از مبلغیـن و برگزارکننـدگان مراسم عزاداری فـاطمه زهرا علیهـا السـلام و خطبـاء و مداحان عالی مقام به دست ما رسـیده بر می آید که هرگاه در اثر معرفت نسـبت به مقام و عظمت حضرت زهرا علیها السلام و توجه به مصـائب شدیـده ای که به آن حضـرت وارد گردیـده دلهـای شـیعیان می سوزد و اشک آنها جاری می شود آمادگی عجیبی برای هرگونه حمـایت و دفـاعی از حق آن حضـرت و اقـدام و کوشـش برای ترویـج از مکتب حیات بخش آن شـهیده بزرگ پیدا می کنند آری احساسات لطیف دوسـتان و شـیعیان فاطمه زهرا علیها السـلام و دل سوخته و اشک جاری آنها زمینه را برای هرگونه اقـدام علمی و تحقیقی قلمی و بیانی فردی و اجتماعی فراهم می سازد و آنها آماده می شونـد که برای دفاع از حریم

ص:۱۳

مقدس و حق مسلم و غصب شده آن شهیده مظلومه از مال و جان آبرو و مقام قلم و بیان تدبیر و درایت خود استفاده نمایند و خود را در جمع یاران و سربازان آن حضرت وارد نمایند که نمونه این امر را در اطلاعیه ها و فتاوای مراجع تقلید و با پای برهنه در عزاداری آن حضرت شرکت نمودن آنها و نیز تاسیس هزاران بیمارستان درمانگاه مسجد مدرسه موسسه خیریه مراکز علمی و فرهنگی هیئت های دینی و عزاداری و ... به نام نامی ن حضرت و صرف میلیاردها تومان در راه ترویج و دفاع از حق و مکتب آن حضرت و نیز تشکیل هزاران هزار مجلس و محفل و حرکت دادن دستجات بی شمار عزاداری و برگزاری جشنهای میلاد مقدس آن حضرت ملاحظه نمود.

کرامات بی شمار فاطمه زهرا پشتوانه نهضت فاطمیه

گزارش های کتبی و شفاهی از داخل و خارج و از سراسر شهرها و روستاهای کشور پهناور ایران که به وسیله مبلغین و برگزار کنندگان مراسم و شرکت کنندگان در عزاداری ها و جشنهای فاطمیه و در یک کلام عموم طبقات در اختیار ما قرار گرفته و می گیرد نشان دهنده این است که هر کسی که در آستان مقدس فاطمه زهرا علیها السلام انجام وظیفه نموده و می نماید و با مال و جان و آبرو و تدبیر و فعالیت بدنی عرض ادب می کند آن چنان از کرامات آن حضرت بهره می برد که او را در این مسیر الهی دلگرم و ثابت قدم می نماید. یکی از مدرسین عالیقدر که در زمینه امور فاطمیه بسیار فعال و مخلص و متواضع است در گزارش کتبی و جالب خود می نویسد:

از جمله اموری که در این مدت دریافتم این بود که آن کسانی که در منزل خود مجلس روضه می گرفتند به طور معجزه آسائی (لااقل) مشکلات

مادیشان حل می شد.

و نمونه این جمله ها و عبارات را در اظهارات دانشگاهیان حوزویان بازاریان و اداریان و عموم مردم (اعم از زن و مرد) فراوان به صورت کتبی و شفاهی دیده و یا شنیده ایم (۱) و این نویسنده کمترین مکررا و به نحو قطع و یقین لطف و بزرگواری فاطمه زهرا علیها السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و ائمه معصومین علیهم السلام و بالاخص حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله فرجه و نیز حضرت ام البنین علیها السلام و حضرت اباالفضل علیه السلام را احساس کرده ام و مورد لطف و عنایت آن بزرگواران قرار گرفته ام که اگر عنایات آنان نمی بود این همه موفقیت به دست نمی آمد و با وجود دشمنان فراوان و سنگ اندازان معاند که با زبان و قلم و تمام ابزارهای مادی دشمنی می کنند ادامه فعالیت بسیار مشکل بود و نتیجه های بسیار کمتری حاصل می گردید.

نقش فراگیر بودن نصب پرچم ها و پوسترها

از قسمت های بسیار جالب و موثر در جریان حرکت و نهضت فاطمیه این است که پرچم ها و پوسترهای مربوط به مراسم فاطمیه در منطقه خاص و محله ای مخصوص و مرکزی معین نصب نمی شود بلکه در همه خیابان ها میدان های شهر اداره ها وزارتخانه ها مراکز علمی و آموزشی مجموعه های تجاری مغازه ها اتوبوس های شهری و بین شهری حوزه های علمیه و دانشگاه ها مراکز نظامی و انتظامی و ... نام مقدس آن حضرت در

۱- در یک بخش مستقل در همین کتاب نمونه هایی از کرامات آن حضرت را به نحو مشخص ذکر می نمائیم.

شکـل پرچم یـا پوستر یـا برچسب های کوچک دیـده می شود و بزرگـداشت فاطمیه مخصوص پائین شـهری ها یا اداری ها یا بازاری ها یا طلبه ها و یا ... نمی باشد و علاقمندان مخلص حضـرت زهرا علیها السـلام با صرف امکانات مادی و معنوی محیط هـایی را هم که انگیزه هـای دینی و معنوی در آنهـا ضـعیف تر است زیر پوشـش انوار فـاطمیه قرار می دهنـد و در نتیجه تـاثیر برنامه های سازنده و الهام بخش فاطمیه بسـیار عمیق تر و وسـیع تر خواهد بود و چه بسا قشـرهای بی تفاوت نسبت به ارزشهای والای الهی و مذهبی زیر تابش انوار شخصیت معنوی و آسمانی حضرت زهرا علیها السلام به سوی اهداف مقدس قرآن و اهل البیت علیهم السـلام هـدایت می شونـد که نمونه هـای بسـیاری از آن را در سالهـای گذشـته و در ضـمن گزارش های کتبی و شفاهی در یافته ایم و نویسـنده کمترین نمونه های عجیب و بهت آوری از آن را در بسـیاری از شـهرها و بالاخص قسمت های شمال شهر تهران و در مناطقی که حال و هوای دینی کمتر است مشاهده کرده ام.

آداب نصب پرچم ها و پوسترهای فاطمیه

برنـامه اصـلی دوسـتانی که از اولین سالهـای شـروع نهضت فـاطمیه تـاکنون در زمینه فعـالیت های تبلیغاتی مراسم بزرگداشـت شهادت فاطمه زهرا علیها السـلام انجام وظیفه نموده و می نمایند این است که قبل از شـروع اقدامات در جلسه توسـلی شـرکت می جوینـد و علاـوه بر شـنیدن دسـتورات اخلاـقی مربوط به برخورد بـا مردم در هنگام نصب پوسترها و پرچم ها دست به دعا برمیدارند و یا توسل به ارواح مقدسه همه معصومین علیه السـلام بالاخص حضرت زهرا علیها السلام و حضرت بقیه الله الاعظم عجـل الله فرجه و ذکر مصـیبت و عزاداری بر مصـائب وارده بر آن حضـرت و اسـتمداد از همه اولیاء الهی برای موفقیت در این خدمات مشغول فعالیت می شوند.

ص:۱۶

با این که اکثر تلاشگران در این حرکت مقدس جوان هستند ولی از خواب و استراحت خود کم می کنند و عاشقانه مشغول خدمتگزاری می شوند و تقریبا در همه اوقات انجام برنامه های فاطمیه با وضو می باشند و ذکر یا زهراء و صلوات بر آن حضرت (۱) مایه قوت روح و دل و جان آنها است.

نصب پرچم ها در سطح شهر شبانه انجام میگیرد و با اخلاص شگفت انگیز و در اولین سالهای شروع نهضت فاطمیه که ایام شهادت حضرت زهرا علیها السلام در سرمای زمستان بود از ساعت ۱۰ شب تا اذان صبح در آن سرمای سخت این جوان های دلباخته فاطمه زهرا علیها السلام در میدان های شهر به نصب پرچم ها مشغول بودند و تنها شعله های محبت حضرت زهرا علیها لاسلام که با قطرات اشک چشمانشان افزایش می یافت گرم می شدند.

آری در آن سرمای شدید و بالای تیرهای برق یا نردبان های بلند با بدنهایی ضعیف و روان هایی نیرومند شعارهای فاطمیه را در دید عموم قرار می دادند و با توجه عموم مردم را به عظمت شخصیت وشهادت حضرت زهرا علیها لاسلام جلب می نمودند.

پوسترها بی نام و نشان باشد

در سال ۱۴۱۲ قمری در دومین سال شروع نهضت فاطمیه و در آستانه انجام برنامه های تبلیغی مراسم عزاداری فاطمه زهرا علیها السلام در هنگامی که طرح های متعدد برای پوسترهای فاطمیه آماده شده و فیلم و زینگ آنها مهیا گردیده بود یکی از فداکاران در آستان مقدس حضرت زهر علیها السلام که دارای

۱- اللهم صل علی فاطمه و ابیها، و بعلها و بنیها، و السر المستودع فیها بعدد ما احاط به علمک

حالات و روحیات معنوی ویژه ای است و با خلوص نیت خدمات خود را به محضر آن حضرت عرضه می دارد در یک رویای صادقه (که همراه با نشانه های صدق و حقیقت بود) شرفیاب محضر صدیقه طاهره علیها السلام گردید و آن بزرگوار پس از آنکه پوسترها را ملاحظه فرمودند و یکی یکی آنها را مورد لطف و نظر عنایت خود قرار دادند کلامی فرمودند که مضمونش این بود که پای پوسترها اسم و عنوانی نباشد و در اثر این عنایت و دستور از آن سال تاکنون تمامی پوسترها و پرچم هایی که در اشکال و طرح های گوناگون و فراوان و گسترده در تمامی شهرها و روستاها نشر و ارشال گردیده و حتی به خارج از کشور فرستاده شده بدون اسم و عنوان می باشد و از شگفتی های این عنایت و راهنمایی نورانی این است که تاثیر تبلیغی و برکات معنوی این نوع پرچم ها و پوسترها فوق العاده است و بازتاب انتشار آنها بسیار وسیع و تاثیرش در دلها بسیار عمیق می باشد و در طول دوازده سالی که این راهنمایی نورانی و ولائی مورد توجه و عمل قرار گرفته آثار و برکات بسیار زیادی ظاهر گردیده و مکررا از ناحیه صاحب نظران و عموم مردم با ایمان شگفتی آثار این برنامه جالب مورد تاکید و تایید قرار گرفته و برای خودمان هم به شکل قطعی و حتمی و عینی در آمده است.

شعارهای پرچم های فاطمیه

نمونه هایی از شعارهایی که روی پرچم های مراسم فاطمیه نوشته شده و در تمامی میدان ها و محل های قابل توجه نصب می گردد ذیلا تقدیم علاقمندان می گردد. اشک ریزان لباس عزا چهره غمزده نشانه سوز دل ما در مصیبت زهرای مرضیه علیها السلام است.

ص:۱۸

مردم اصفهان همراه با بقیه الله الاعظم عجل الله فرجه در مصیبت زهرای مطهر علیها السلام عزادار و گریانند.

اظهار علاقه و عزاداری های مردم در شهادت فاطمه زهرا علیها السلام نشات گرفته از ایمان و معرفت آنان نسبت به قرآن و مکتب ولایت می باشد. مکتب تشیع با وجود فاطمه زهرا علیها السلام چهره ای دلپذیر و شکوهی افتخار آفرین یافته است. خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام به شخصیت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام افتخار می کنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله به وجود فاطمه زهرا علیها السلام افتخار می نمودند. شهادت و مظلومیت صدیقه شهیده حضرت زهرا علیها السلام سند حقانیت مذهب شیعه و مکتب ولایت می باشد. شخصیت فاطمه زهرا علیها السلام موجب افتخار بانوان مسلمان می باشد. شهر ما عزدار صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام می باشد. همراه با ملت ایران و تمامی جهان تشیع مردم شهر ما عزادار شهادت فاطمه زهرا علیها السلام هستند. چهره هایمان گرفته دلهایمان می سوزد و اشکهایمان جاری است و در عزای فاطمه زهرا علیها السلام دل شکسته ایم. گذشت قرنهای متمادی یاد عزای جانسوز فاطمه زهرا علیها السلام را از دلها نبرده است جوان و پیر زن و مرد غنی و فقیر همه در عزای صدیقه شهیده زهرای مرضیه علیه السلام گریان و سوگوارند. ای ارواح اولیاء و شهداء ما هم عزادار و گریان در مصیبت زهراء مرضیه ایم

ص:۱۹

فاطمه زهرا علیها السلام میوه دل رسول خدا صلی الله علیه و آله و نور چشم خدیجه کبری علیه السلام است. فاطمه زهرا علیها السلام روشنی چشم رسول خدا صلی الله علیه و آله و موجب قرار دل خدیجه کبری علیها السلام است. شیعه در جهان سرافراز است که اسوه و هدایت گری همانند فاطمه زهرا علیها السلام برگزیده است. ملت شیعه در برابر ملت ها به وجود فاطمه زهرا علیها السلام افتخار می کند ای حبیبه حق ای شهیده راه ولایت ای زهرای مرضیه علیها السلام در سوگت گریانیم. جهان شیعه قرنهاست در عزای فاطمه شهیده علیها السلام اشک می ریزد. ای دلها بسوزید و ای اشکها بریزید زیرا فاطمه زهرا علیها السلام شهیده راه ولایت مظلومه است ای سید و سالار شهدا ای حسین بن علی علیه السلام ما در عزای مادر شهیده تان سوگواریم. دوستداران عصمت کبری فاطمه زهرا علیها السلام همه عزادار و سوگوارند. شهادت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام بر شیعیان و دوستان تسلیت باد. ای مظلومه تاریخ اهل البیت علیهم السلام ای صدیقه شهیده علیها السلام همیشه در سوگت گریانی. ای مظلومه شهیده! ای فاطمه صدققه علیها السلام د رعزایت اشک ریزانیم. یا رسول الله صلی الله علیه و آله ! در عزای عزیزتان حضرت زهرای مرضیه علیه السلام به سوک نشسته ایم. در عزای صدیقه کبری فاطمه شهیده علیها السلام اشکی جاری و قلبی سوزان و

چهره ای غمگین داریم.

یا بقیه الله علیه السلام ! در عزای مادر مظلومه تان زهرای شهیده علیها السلام می سوزیم. شهادت ام الائمه صدیقه شهیده فاطمه زهرا علیها السـلام تسـلیت باد ای زهرای مرضیه علیها السلام ! در مراسم عزای جانسوزتان سیاه پوش و دل سوخته ایم. اصفهان شهر علامه مجلسی شهر ولایت در عزای زهرای شهیده سوگوار است یا امیرالمومنین علیه السلام ! ما را د رغم مصیبت عزیزتان زهرای مرضیه شریک بدانید. یا علی! اشک جاری و چهره غمگین و دل سوزان ما نشانه همدردی ما در شهادت زهرای مرضیه علیها السـلام است. ای ائمه معصومین علیهم السلام ! و ای صاحبان عزای زهرای شهیده علیها السلام ما نیز غمزده و دل شکسته ایم. یا بقیه الله! ما هم در غم شهادت صدیقه شهیده علیها السلام غمگین و اشک ریزانیم. یا فاطمه الزهرا علیها السلام! دلهایمان می سوزد و اشـکهایمان جاری گشته و در شهادت مظلومانه تان عزاداریم. ای مظلومه بزرگ و ای فاطمه صدیقه علیها السلام ! نـاله هـای جانسوزتـان آرام و قرار از ما گرفته است. اشـکهای چشـمان ما و سوز دلهای ما پاسـخی به فریادهای مظلومانه فاطمه زهرا علیها السلام می باشد. ملت شیعه با چهره غمگین و دل سوزان عزادار فاطمه زهرای شهیده علیها السلام است.

ص:۲۱

ایمان و اعتقاد به حضرت زهرا تامین کننده هزینه ها

از هزاران گزارش کتبی و شفاهی و مشاهدات مکرر و عینی به خوبی روشن می شود که این همه موفقیت و نتیجه گیری در مراسم و برنامه های فاطمیه که نیاز به بودجه های فراوان و هزینه های غیرقابل احصاء و شمارش دارد چگونه حاصل می شود محبت شدید احساسات لطیف و معرفت وسیعی که در جامعه ودر یک یک مردم با ایمان نسبت به فاطمه زهرا علیها السلام وجود دارد همه مشکلات را آسان نموده و سرمایه اصلی برای تامین هزینه ها و بودجه های لازم در این زمینه خواهد بود.

نه تنها کسانی که از مال و ثروت خود در راه برگزاری مراسم سوگواری و عزاداری و جشن های مربوط به حضرت زهرا علیها السلام و نیز تاسیس موسسه ها و خیریه ها و مراکز علمی و فرهنگی و سایر مسائل مربوط به آن حضرت هزینه های سنگینی را بر عهده می گیرند در این برنامه های مهم نقش دارند بلکه بسیارند کسانی که در هنگام فروختن لوازم مربوطه یا انجام خدمات لازم همانند چاپ کتاب یا پوستر و سایر خدمات سهم بزرگ و قابل توجهی از هزینه ها را تقبل نموده و خود را شریک و سهیم در اجرای برنامه های تنظیم شده می نمایند و صحنه های باشکوهی از همکاری های دسته جمعی و اجتماعی را در زیر لوای نام مقدس آن حضرت و به منظور گسترش ابعاد فاطمیه به نمایش می گذارند و همانند برنامه های حسینی و مراسم عاشورا که با حضوری همگانی و همکاری همه جانبه جلوه هایی تماشائی و شور و حالی استثنائی دارد چشم و دل همه را متوجه خود نموده است.

ص:۲۲

علاقه قلبی مردم به حضرت زهراء مایه سربلندی مبلغین دین

در مجموعه گزارش های کتبی و شفاهی صدها مبلغ دینی که در ایام فاطمیه و به مناسبت شهادت حضرت زهرا علیها السلام به منظور تبلیغات فاطمیه به شهرها و روستاهای مختلف می روند و نیز از خبرها و گزارش های طلاب و محصلین و عموم جوان هایی که د رزمینه نصب پرچم ها و پوسترهای حضرت زهرا علیها السلام در شهر اصفهان و سایر شهرها و روستاها در طول چهارده سال گذشته فعالیت داشته اند به خوبی استفاده می شود که علاقه و محبت قلبی اقشار گوناگون مردم نسبت به حضرت زهرا علیها السلام با همه تفاوت ها و گرایش های گوناگون فکری و اجتماعی که دارند و تجلی آن علاقه ها و محبت ها در کلام و رفتار و بالاخص در چهره و اشک جاری آنها نقش بسیاری در پیشرفت تبلیغات فاطمیه و سرعت یافتن فعالیت ها و تاثیرگذاری آنها داشعته است.

آری یک مبلغ دینی یا نصب کننده پرچم و پوستر در هنگامی که احساس کند مخاطبین او نسبت به موضوع تبلیغات نه تنها مخالفتی ندارند بلکه از اعماق وجودشان علاقه و اعتقادی پاک را نشان می دهند و با جمله هایی از قبیل: احسنت خدا خیرتان بدهد خیر از جوانیت ببینی بفرمائید کامتان را شیرین کنید همچنان که کام جان ما را با نام و یاد فاطمه زهرا علیها السلام شیرین کردید و ... به تشویق آن مبلغ یا تلاشگر در راه تبلیغات فاطمیه می پردازند آن مبلغ و تلاشگر احساس سربلندی می کند و خستگی از جسم و جانش دور می شود و برای فعالیت بیشتر در همان زمان و در دوره ها و سالهای دیگر آماده می شود و موفقیت و پیشرفت در کار به شکل غیر منتظره ای حاصل می گردد.

استقبال عمومی در همه جا و در میان همه طبقات

در میان صدها گزارش واصله از کسانی که در سراسر ایران و حتی کشورهای سوریه و لبنان و عراق و پاکستان و هندوستان و عربستان سعودی کویت دبی و دهها کشور دیگر اسلامی و غیر اسلامی پوستر برده و نصب کرده اند و یا به علاقه مندان تحویل داده اند جریانات بسیار جالب و شنیدنی و به یاد ماندنی و حیرت انگیز ملاحظه می شود که از یک طرف عمق دلبستگی انسان ها را (اگر چه شیعه و حتی مسلمان نباشند) به خاندان رسالت بالاخص حضرت زهرا علیها السلام ثابت می کند و از طرف دیگر نشان می دهد که ظاهر افراد را نباید میزان قضاوت درباره روح و روان و گرایش ها و کشش های روحی و اعتقاداتشان قرار داد مثلا- در هنگام توزیع پوسترها گاهی جوان هایی که ظاهر مذهبی ندارند آن چنان با ادب و تواضع تقاضای گرفتن پوستر حضرت زهرا علیها السلام را می نمایند که اشک شوق را بر دیده های انسان جاری می سازد.

و هم چنین گاهی برخورد زنهای ظاهره دلبسته به زرق و برق های زندگی و احیانا بدحجاب نسبت به حضرت زهرا علیها السلام و پوسترهای مربوط به آن حضرت انسان را متعجب و منقلب می کند و در مواردی اشک جاری آنها با دیدن نام مقدس حضرت زهرا علیها السلام و طرح های پوسترها که منعکس کننده مظلومیت آن شهیده بزرگ است همه را تحت تاثیر عظمت و نفوذ معنوی حضرت زهرا علیها السلام در دلها قرار می دهد. گاهی مغازه دارانی که ویرین مغازه شان بسیار شیک است به نصب کنندگان پوسترها می گویند: هر جا که چشمگیرتر است نصب کنید در وسط شیشه بزرگ

ص:۲۴

۳*۳ نصب کنید بیا روی قلب من بچسبان دو عدد دیگر برای دو محل دیگر بده چسب بیشتر بزن که جدا نشود برای منزل هم بدهید هر کجا که دید بهتری دارد بچسبانید.

باقیماندن پوسترهای سالهای گذشته (پنج-شش- هفت سال قبل تاکنون) در مغازه های خیابان های مناطق اعیان نشین و حتی مسیح نشین نشانه همین عمق محبت است. شخصا استقبال عجیب مغازه دارهای دمشق را از پوسترهای حضرت زهرا علیها السلام و نیز التماس های عراقی های زیر چکمه حزب بعث را نسبت به دریافت پوسترهای آن حضرت فراموش نمی کنم. احترام شایان توجه مسیحی های جلفای اصفهان و مغازه های شبک خیابان های بالای شهر تهران-مشهد- تبریز- اصفهان - شیراز و ... نشانه های جالبی برای فطرت پاک انسان ها و علاقه مندی آنها به نور الهی یعنی حضرت زهرای مرضیه علیها السلام است.

تقاضای مصرانه برای دریافت پوسترهای حضرت زهرا علیها السلام از کشورهای اروپائی آفریقائی آسیایی استرالیا و آمریکا همه از تابش نور حضرت زهرا علیها السلام بر دلهای همه طبقات و در همه فرهنگ ها حکایت می کند.

تشویق نویسندگان و مولفان برای تالیف کتاب درباره فاطمه زهراء

از برنامه هایی که از سال های اول نهضت فاطمیه موردنظر قرار گرفت تشویق نویسندگان عالیقدر برای تحقیق و تالیف کتاب درباره شخصیت و شهادت و ابعاد گوناگون زندگی فاطمه زهرا علیها السلام بود که از طریق گوناگون انجام گرفت و

ذیلا به چند مورد اشاره می نمائیم.

۱-تجلیل و تکریم زبانی و یا حمایت عملی از شخص نویسندگان

۲-حمایت مادی از مولف برای چاپ و نشر کتاب

۳-تجلیل و احترام در مجامع عمومی از نویسندگان و جلب توجه مردم به آنها

۴-تشویق برخی از ناشران برای چاپ و نشر کتابهایی که مربوط به فاطمه زهرا علیها السلام است.

۵-پرداخت وام و تسهیلات برای چاپ و انتشار چنین تالیفات.

۶-تشویق خیر اندیشان برای خرید کتابهای یاد شده و توزیع آنها در مسابقات علمی و یا مراکزی که نیاز به مساعدتهای مناسب دارند.

۷-ارسال کتاب به شهرها و کشورها به منظور نشر فرهنگ فاطمیه و ایجاد فضای مناسب برای عرضه محصول تحقیقات علمی و قلمی نویسندگان عالیقدر

۸-برگزاری مسابقات علمی که نیاز به مطالعه دارد و زمینه را برای عرضه کتاب و استقبال عمومی از کتابهای متنوع در مورد شخصیت و عظمت حضرت زهرا علیها السلام را فراهم می سازد. برنامه های انجام شده که با حمایت و پشتیبانی مراجع عالیقدر علماء اعلام خدمتگزاران به دین و مکتب اهل البیت علیهم السلام در مراکز رسمی و دولتی و عموم خیراندیشان و مردم علاقه مند به فاطمه زهرا علیها السلام انجام گرفت آن چنان تاثیر گذاشت که فعالیت های تحقیقی و تالیفی این دوره چهارده ساله با تمام چهارده قرن گذشته برابری می کند و امید است این حرکت اساسی تداوم یابد و آثار بیشتر و جدیدتری را به عالم علم و قلم و تبلیغات دینی عرضه نماید.

ص:۲۶

نقش خطباء و سخنوران در نهضت فاطمیه

در جریان نهضت فاطمیه تبیین و تشریح تحریک و تشجیع برنامه ای ضروری و غیرقابل اغماض بود بیان عظمت و شخصیت فاطمه زهرا علیها السلام شرح سختی و بزرگی مصیبت ها و توضیح انگیزه ها و هدف ها در مبارزات حضرت زهرا علیها السلام و نیز روشن کردن علل توجه به حوادث تلخ آن دوران و ریشه یابی و تشریح آثار توطئه ها و خیانت های سردمداران ظلم سقیفه برای به جریان افتادن نهضت فاطمیه و تکامل و اوج گیری آن امری لازم و حیاتی به شمار می آمد و در این صحنه اساسی بود که خطباء و سخنوران نقش بسزائی بر عهده گرفتند و با مطالعاتی گسترده و ارزیابی هایی شایسته و به کارگیری ذوق و ابتکار و همت و پشتکار پیام رسان مظلومیت فاطمه زهرا علیها السلام گشتند و در هر شهر و دیار و در هر مجلس و محفل پا بر روی منبر گذاشتند و در زمینه های فوق درفشانی کردند و مغزها و قلبه را از معرفت و محبت فاطمه زهرا علیها السلام پر نمودند.

چه بسا با یک سخنرانی جمعیتی را به حرکت در آوردند و جمعی را به تصمیم گیری برای اقدامی به نام فاطمه زهرا علیها السلام وادار نمودند. نقش این سخنرانی ها در تاسیس مساجد خیریه ها فاطمیه ها دارالشفاها مدرسه ها کتابخانه ها و دهها عنوان دیگر نه تنها غیرقابل انکار بلکه حیاتی می باشد. این کمترین نویسنده در طول چهارده سال نهضت فاطمیه شخصا شاهد بودم که با یک سخنرانی مخلصانه و از سوز دل چه موجی ایجاد می گردید و چه مبالغی سنگینی برای بزرگداشت فاطمیه و یا تاسیس مراکز گوناگون دینی و اجتماعی به نام صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام تعهد و پرداخت می گردید.

ص:۲۷

در طول سالهـای گذشـته شـهرهای بزرگ (چنـد صـد هزار نفری تا میلیونی) با چنـد سـخنرانی موثر و نافـذ از روی اخلاص به حرکت در می آمـد و بـا تشـکیل دسـتجات عزاداری و برگزاری مجـالس دینی و سوگـواری و سـایر اقـدامات موثر به نهضـت فاطمیه می پیوست تا اینکه هم اکنون در سراسـر کشور و بسـیاری از شهرهای کشورهای اسلامی و حتی غیراسلامی تحت تاثیر این حرکت قرار گرفته در دو سه سـال اخیر در بسـیاری از آنهـا مجالس و محافل متعـددی تشـکیل می شود و مراسم فاطمیه به شکـل گسترده ای برگزار می گردد. گزارشـها از کشورهـای اروپائی آسـیایی آفریقایی آمریکا و کانادا استرالیا نشان می دهد که به تدریـج بزرگداشت فاطمیه در همه جا و همه کشورها مطرح گردیده و رو به گسترش است و در این میان نقش خطباء و گویندگان مذهبی بسیار اساسی و چشمگیر می باشد.

تشویق شعراء به سرودن اشعار درباره فاطمه زهرا علیها السلام

از اولین سال شروع نهضت فاطمیه و از اولین جلسه رسمی آن در سال ۱۴۱۱ قمری (یکهزار و چهارصدمین سال شهادت فاطمه زهرا علیها السـلام) تشویق و حمایت از شـعراء دلسوخته اهل البیت علیهم السـلام موردنظر بود زیرا آنها می توانستند با استفاده از ذوق لطیف اسـتعداد سـرشار احساسـات پـاک و آمیخته با عشق و محبت به اهل البیت علیهم السـلام بالاخص حضـرت زهرا علیها السلام که در وجودشان نهفته است در تحریک احساسات عمومی و جهت دهی به گرایشات اجتماعی نقش عمده ای را بر عهـده گیرنـد و خود را در زمره احیـاگران فرهنـگ فاطمیه قرار دهنـد و از برکات دنیوی و پاداش های آخرتی آن بهره مند شوند.

جلب توجه عمومی به شعر و شعرای اهل البیت علیهم السلام و ذکر خیر و آثار

ص:۲۸

و برکات خدمات و زحمات آنان و نیز همکاری و تعاون برای نشر و پخش آثار آنها و هم چنین تشویق گویندگان و مداحان برای دستیابی به سروده های جدید درباره حضرت زهرا علیها السلام و حمایت از آنهایی که شعر تازه ای می سرایند یا حفظ نموده و در مجالس عمومی عرضه مینمایند و ... همه و همه زمینه را برای ایجاد انگیزه در شعراء اهل البیت علیهم السلام فراهم نمود تا درباره ابعاد گوناگون زندگی و شخصیت و مظلومیت و شهادت و آثار مجاهدت های حضرت زهرا علیها السلام شعرهای جالب و مهیج و متنوع و مناسب زمان بسرایند که دهها مجموعه چاپ شده در دوره اخیر در برگیرنده قسمتی از این سروده های فراوان می باشد اجرهم علی الله و رزقهم الله بیتا فی الجنه و شفاعه الزهراء علیها السلام.

نقش شعراء و مداحان در جریان نهضت فاطمیه

از اولین سال حرکت وسیع و شروع نهصت فاطمیه شعراء دلسوخته و دلداده اهل بیت علیهم السلام با سرودن اشعاری درباره چهاردهمین قرن شهادت فاطمه زهرا علیها السلام (که بخش عمده آنها در یادواره ای به همین عنوان چاپ و منتشر گردید) حضور و فعالیت و علاقمندی و اخلاص خود را به نمایش گزاردند و پیاپی با سرودن اشعاری تازه در مدح و منقبت و یا مرثیه و مصیبت گام های تازه ای در این راه نورانی برداشتند و با مطالعاتی بیشتر و عمیق تر و بهره گیری از واژه هایی نو و با به کارگیری ذوق و ابتکار و خلاقیت تحسین بر انگیزی تحولی در فصل شعر و ادبیات فاطمیه ایجاد کردند و با خیزشی چشمگیر هم در زمینه بیان فضائل و هم در زمینه برانگیختن احساسات لطیف انسان ها در حمایت و دفاع از مظلومیت و شهادت آن حضرت به موفقیت بی سابقه ای دست یافتند.

مجموعه های بسیار ارزشمندی که به بیش از هشتاد عنوان کتاب می رسد و مخصوص به اشعار مربوط به حضرت زهرا علیها السلام است و در آنها انواع و اقسام سروده های مولودیه مدیحه مرثیه نوحه سینه زنی و یا زنجیرزنی جمع آوری شده و بعضا چندین بار به چاپ رسیده علاوه بر سروده هایی که در دیوان های عمومی یا مجله ها و روزنامه ها و نشریه های مساجد و حسینیه ها و مدارس و دانشگاه ها به چاپ رسیده یا در تک برگه هایی در محدوده یک انجمن ادبی یا مجلس جشن و عزای فاطمی منتشر گردیده نشانه روشنی از یک جهش عمومی و نهضت همگانی است که سربازان و سرداران مخلص آن شعرای دلبسته به اهل البیت علیهم السلام می باشند و آنها با این حرکت پاک و مخلصانه خود توانسته اند در حرکت دادن جمعیت ها و منسجم کردن نیروها و ایجاد موج عاطفی و معنوی نقش موثر و بسزائی را بر عهده گیرند.

و البته کاملا واضح است که نقش مداحان و مرثیه سرایان در این صحنه حیاتی و اساسی است زیرا اگر مداحان مخلص پرکار با سلیقه و دلسوز نباشند سروده های شعراء در انجمن های ادبی و سنیه های پرسوز شاعرانه و یا حداکثر در سطحی محدود از مطبوعات و کتابهای کم مصرف بایگانی شده و چه بسا با گذشت زمان به فراموشی سپرده می شود.

آری مداحان دلباخته اهل البیت علیهم السلام هستند که نتیجه ذوق و ابتکار قریحه و استعداد و نیز عنایت و کرامات اولیاء الله را نسبت به شاعر به جامعه منتقل می کنند و دلها و جان های دلباختگان را به کمک آن سروده ها سیراب از آب ولایت و سرشار از شوق و محبت می کنند و متقابلا باغ ها و گلستان های شعر و ادب را با ایجاد استقبال های عمومی و تشویق های مردمی از سروده ها

سرسبز و شاداب می نمایند و به بیانی دیگر آنها عامل ارتباطی بین شاعر و مردمند که نتیجه فکر و اندیشه و ذوق و ادب و سلیقه و ابتکار شاعر را به مردم منتقل می کنند و در برابر تشویق ها و حمایت های روحی و پذیرش ها و انتقادهای آنان را با اشاره و نشانه یا صراحت و بیان روشن به شعراء منعکس می نمایند و در تکامل شعر و حفظ و تداوم آن گامهایی موثر و لازم برمیدارند.

در نهضت فاطمیه چه بسا مداحی دلسوخته دهها هزار نفر را در مجلسی محلی یا رسانه ای عمومی به سوی مکتب اهل البیت علیهم السلام سوق داده و آتش عشق و محبت را در دلها برافروخته است جمعی را گرد هم آورده و جمعیتی را دلباخته کرده است. نقش مداحان در حرکت دستجات عزاداری اساسی و در گرم نگاه داشتن کانون اجتماعات مذهبی شایسته تقدیر و سپاسگذاری است.

فعالیت های مردمی عامل گسترش نهضت فاطمیه

در تمامی شهرها و روستاهای ایران و در خارج از کشور هیئت های مذهبی موسسه های خیریه مردان و زنان علاقمند هر کدام مطابق ذوق و سلیقه و ابتکار خویش دست به کار شده اند و با توجه به امکانات مادی و نفوذ اجتماعی و توان علمی خود فعالیت هایی علمی و فرهنگی خدماتی تبلیغاتی و ... انجام داده و می دهند و موجب نشر و گسترش نهضت فاطمیه گردیده اند که بررسی همه فعالیت های آنها به هیچ وجه ممکن نیست زیرا همانند مراسم بزرگ عاشورای حسینی در همه جهان از چنان وسعتی همه جانبه برخوردار است که احصاء و شمارش ارقام و اعداد انواع کارها

ص:۳۱

هزینه های مصرف شده و ... ممکن نمی باشد ولی به عنوان نمونه گزارش فعالیت های یکی از موسسه های خیریه به نام (هیئت فرهنگی خیریه ای محمد الامین) را در سال ۱۳۸۰و ۱۳۸۱ شمسی ارائه می نمائیم تا این که مردم دنیا بدانند در اظهار علاقه و ارادت به حضرت زهرا علیها السلام دلباختگان آن حضرت چگونه اقدام می نمایند.

فعالیت های سالانه هیئت فرهنگی خیریه ای محمد الامین صلی الله علیه و آله در ایام فاطمیه ۱۴۲۲ قمری (۱۳۸۰ شمسی)

با توجه به مسئولیت شرعی و انگیزه های ایمانی و دینی که هیئت فرهنگی خیریه ای محمد الامین به آنها اعتقاد دارد و در راستای طرح های بزرگ خود به یاری خدا و یاوری امام زمان عجل الله فرجه شروع به احیاء و زنده نگه داشتن ایام فاطمیه سالگرد شهادت بانوی بانوان جهان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در سراسر جهان کرده است.

سال گذشته (۲۰۰۱ میلادی) در لبنان با هدف زنده نگه داشتن ایام فاطمیه فعالیت های زیر انجام گرفت:

۱-چاپ بیش از ۱۰۰/۰۰۰ جزوه و کتابچه برای بزرگسالان و کودکان درباره مظلومیت و فضائل حضرت زهرا علیها السلام

۲-چاپ بیش از ۳۰/۰۰۰ پوستر رنگی

۳-چاپ بیش از ۱۰/۰۰۰ پوستر سیاه و سفید

۴-تولید ۹۶ پلاکارد بزرگ که سخنان حضرت زهرا علیها السلام را در بر می گرفتند.

۵-چاپ روایت مشهور ان الله یرضی لرضاک و یغضب لغضبک بر روی

ص:۳۲

۳۰۰۰ قلم

۶-تولید مدالهایی که روی آنها احادیث حضرت زهرا علیها السلام نقش بسته

۷- ۱۰/۰۰۰ پرچم سیاه با شعار یا زهرا علیها السلام

۸- ۳۰۰۰ تابلوی رومیزی با نام حضرت زهرا علیها السلام

۹- ۵۰۰۰ آویز ماشین که زیارت حضرت زهرا علیها السلام یا نام مبارك او را در بر می گیرد.

۱۰- ۳۰۰۰ برچسب در ۱۶ نوع درباره حضرت زهرا علیها السلام

۱۱- توزیع ۱۰۰۰ بلوز مشکی برای کودکان که روی آنها یا فاطمه اشفعی لنا فی الجنه نوشته شده است.

۱۲- اعزام مداحان مشهور برای گرامیداشت شبهای عزاداری و برگزاری مراسم سینه زنی.

۱۳-اعزام گروهی از خطیبان دینی برای سخنرانی مذهبی در لبنان.

فعالیت های سالانه هیئت فرهنگی خیریه ای محمد الامین صلی الله علیه و آله در ایام فاطمیه ۱۴۲۲ قمری (۱۳۸۱ شمسی)

برنامه ها و تلاش های فرهنگی خیریه محمد الامین در قالب (چاپ و توزیع کتاب و پوستر و اعلامیه و ...) در مناطق دور دست و محروم مانند: سیستان و بلوچستان و بیرجند و زابل و تمام جنوب اعم از آبادان و بوشهر و خرمشهر و اهواز و هم چنین مناطق مهم مانند: رشت، تهران اصفهان و خراسان و شهرستان ها و مراکز استان ها تمرکز دارد که ذیلا آمار آن ارائه می گردد.

۱-جزوه (قطره ای از دریای فضائل حضرت زهرا علیها السلام) ۱۰/۰۰۰ عدد

۲-پرتوئی از بزرگواری حضرت زهرا علیها السلام ۱۰/۰۰۰ عدد

ص:۳۳

۳-شبهای پیشاور جلد ۱-۲ ، ۲۰۰۰ عدد

۴-عمر مادرم ۵۰۰۰ عدد

۵-قبر مادرم کجاست؟ ۵۰۰۰ عدد

۶-فدک ۱۰/۰۰۰ عدد

۷-شهادت حضرت زهراء واقعیتی که قابل انکار نیست ۱۰/۰۰۰ عدد

۸-حضرت محسن علیه السلام ۵۰۰۰ عدد

۹-شهادت مادرم افسانه نیست ۵۰۰۰ عدد

۱۰-این فاطمه است که سخن می گوید ۱۰/۰۰۰ عدد

۱۱-مادر گلها فاطمه ۵۰۰۰ عدد

۱۲-اما دخترم فاطمه ۵۰۰۰

۱۳-ام ابیها-ویژه کودکان ۱۰/۰۰۰ عدد

۱۴-لمعه من صحیفه فاطمه (=پرتویی از کتاب فاطمه) ۵۰۰۰ عدد

۱۵-بروشور قالوا فی الزهراء (درباره حضرت زهراء گفته اند) ۱۰/۰۰۰ عدد

۱۶-پوستر رنگی در چهار رنگ ۲۶۰۰۰ عدد

۱۷-پوستر سیاه و سفید ۲۵۰/۰۰۰ عدد

۱۸-برچسب برای ماشین ها و شیشه ها ۵۰۰/۰۰۰ عدد

۱۹-قاب رومیزی- فاجعه حضرت زهرا علیها السلام ۵۰۰۰ عدد

۲۰-آویزهای ویژه اتومبیل ۱۰/۰۰۰

۲۱-چاپ روایت ان الله یرضی لرضاك و یغضب لغضبک روی قلم ۵۰۰۰ عدد

۲۲-بلور مشکی ۵/۲۸۰ عدد

۲۳-پرچم سیاه یا زهراء ۳۰/۰۰۰ عدد

۲۴-پلاکارد ۲*۳، ۱۰۰۰ عدد

۲۵-اعزام سخنران دینی به مناطق دور و مهم ایران بیش از ۳۰ نفر

نقش صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در برنامه های فاطمیه

سازمان صدا و سیما با توجه به امکانات گسترده ای که دارد در توجه دادن عموم مردم (در داخل کشور و در سطح جهانی) نسبت به عظمت فاطمه زهرا علیها السلام نقش عمده و اساسی بر عهده دارد زیرا رساندن پیام ها و جهت گیری های مراجع معظم تقلید و سردمداران رسمی کشور (در سطحی وسیع و جهانی) و نیز نشان دادن نهضت عمومی مردم علاقمند و دلباخته در مورد فاطمه زهرا علیها السلام تنها به وسیله چنین تشکیلات گسترده و عظیمی میسر می باشد و امید است دست اندرکاران این مجموعه بزرگ هر چه بیشتر بتوانند در نشر و ترویج آرمان ها و اهداف مقدس آن حضرت و پدر و فرزندان معصومشان علیهم السلام گام بردارند.

نقش شخصیت های رسمی در نهضت فاطمیه

شخصیت های رسمی کشور (در دولت و مجلس و قوه قضائیه) همانند عموم مردم علاقمند در این نهضت مقدس هماهنگ و همراه عمل کرده و در اظهار ارادت نسبت به ساحت مقدس حضرت زهرا علیها السلام کوتاهی نکرده اند و همین امر از جهانی نقش موثر داشته است زیرا اولا با حضور شخصیت های رسمی افراد وابسته به گروه های انحرافی مخالف مکتب اهل البیت علیهم السلام از آزردن علاقمندان و کارشکنی در بزرگداشت حضرت زهرا علیها السلام تا حدود زیادی دست برمیدارند و ثانیا علاقمندانی که در اثر تبلیغات ممتد دشمنان و معاندان ترسی مزمن در وجودشان رسوب کرده است به راحتی می توانند

ص:۳۵

علاقه و محبت درونی خود را (که سالها و دوره ها مخفی مانـده است) اظهار نمایند و نشان دهند که فطرتی پاک، بی آلایش، و دوستدار خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام دارند که:

اِنَّ الَّذینَ آمَنوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ سَیَجعَلُ لَهُمُ الرَّحمنُ وُداً

و به فرمایش امام سجاد علیه السلام:

اُعطینَا العِلمَ وَ الحِلمَ وَ ... وَ المَحَبَّهَ فی قُلُوبِ المِومِنین

بهره برداری از امکانات روز در برنامه های فاطمیه

در برنـامه های تبلیغاتی فاطمیه از انواع ابزارهای روز ماننـد فیلم ویـدئویی نوار کاست سـی دی (cd) های صوتی- تصویری و نرم افزارها اسـتفاده می شود و با تهیه و توزیع گسترده آنها در نشر فرهنگ فاطمیه در داخل کشور و در سطح جهانی اقدام می گردد و در این زمینه بسـیاری از سازمـان هـا و موسـسه هـای علمی و تبلیغی در سـطوح مختلف و بـا امکانات متفاوت مشـغول فعالیت می باشـند و هر فرد یا گروهی با بر عهده گرفتن سـهمی از کارهای مفید و یا ضـروری ادب و ارادت خود را نسـبت به حضرت زهرای مرضیه علیها السلام اظهار می دارد.

حرکت دستجات عزاداری در همه شهرها و روستاها

از اولین سـال شـروع نهضت فـاطمیه یکی از مهمترین برنـامه هـایی که مورد تاکیـد قرار گرفت حرکت دسـتجات عزاداری در خیابان ها و بازارها و ورود آنها با حالت سـینه زنی به مجالس عزاداری فاطمیه بود که تاثیر شگرف و تکان دهنده ای در توجه عمـومی به ایـام فـاطمیه از خود بجـای می گـذاشت. شور عزای دسـته جمعی بیش از هر عامـل موثر دیگر تکـان دهنـده سوال برانگیز و ایجاد کننده خیزش اجتماعی در حمایت از مظلوم می باشد.

ص:۳۶

دقیقـا و قطعـا نقش موثر این دسـتجات در به کار افتادن قلم ها بیان ها هنرها ابتکارها و خلاقیت ها بیش از هر عامل موثر دیگر می باشد.

تجربه گسترده (در طول سالهـای گذشـته در ایـام فـاطمیه در همه شـهرها و روسـتاها) نشان داده است که فراگیر شـدن مراسـم عزاداری و موج خیز شـدن و راه یـافتن آن به همه طبقـات و اقشـار گونـاگون جامعه نیاز به این وسـیله موثر دارد مخصوصا در هنگـامی که جمعیت سوگـوار و دسـته عزاداری از شـور و سوز معنوی و خلوص و تواضع چشـمگیری برخوردار باشـند که هر بیننـده ای را (اعم از عـالم و عـامی غنی و فقیر مـذهبی یـا غیر آن) تحت تـاثیر قرار می دهـد و هر کـدام از آنهـا را به احساس مسـئولیت در برابر شخصـیت و مظلومیت و شـهادت حضـرت زهرا علیهـا السـلام و دفـاع از حق آن حضـرت وا می دارد. آری تجربه چنـدین قرن دسـتجات عزاداری حسـینی (در همه کشورها و منطقه ها) نشان می دهد که برای برانگیختن عواطف پاک انسان ها و بیـدار ساختن وجدان های آماده و ایجاد جنبش و خیزش برای دفاع از حق مظلومه تاریخ اهل البیت علیهم السـلام و اول شـهیده راه اسـلام و قرآن یعنی فاطمه زهرا علیها السـلام هر چه بیشتر باید برای حرکت دسـتجات عزاداری فاطمیه سـرمایه گذاری مادی و معنوی نمود و تمام توان و امکانات گوناگون فردی و اجتماعی را در این راه مقدس به کار گرفت.

نهضت فاطمیه زمینه ساز مسابقات علمی و دینی

در سالهای گذشـته و در راسـتای ترویج و گسترش معارف فاطمی در اسـتان های مختلف و در مراکز فرهنگی و علمی و دینی (اعم از مساجد حسینیه ها مراکز وابسته به آموزش و پرورش و سایر مجموعه های فرهنگی و

دینی مسابقات متنوع و متعددی برگزار نموده اند که با طرح سوالات گوناگون و در سطح مختلف ابعاد گوناگون زندگی و مبارزات و شهادت و مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام و نیز آثار تاریخی شخصیت و شهادت آن بزرگوار را مورد بحث و تحقیق و بررسی قرار داده اند و بدین وسیله توجه افکار جوانان را به سوی آشنائی با زندگی و مسائل و معارف مربوط به حضرت زهرا علیها السلام معطوف نموده اند و با اهداء جوائز به پژوهشگران و پاسخ گویندگان به سوالات مطرح شده و بالاخص برگزیدگان آنها سطح معرفت و آشنایی عموم مردم و به ویژه جوانان را ارتقاء بخشیده اند و البته این مسابقات گاهی در سطح یک مدرسه و یک مرکز علمی و دینی و در محدوده ای نسبتا کوچک برگزار می گردد و گاهی در سطح یک شهر یا یک منطقه به اجراء در می آید و نکته مهم در این مسابقات علمی و دینی این است که به خاطر عشق و علاقه مردمی که مبنای انجام این حرکت سازنده است بسیاری از بودجه های برگزاری این مسابقات از نذورات و تبرعات مردم تامین می شود و حضور روحی و معنوی جامعه و علاقمندان به حضرت زهرا علیها السلام پشتوانه بسیار خوبی برای ثمربخشی این حرکت سازنده می باشد.

انواع پرچم ها و فرشهای مزین به نام فاطمه زهرا علیها السلام

در ادامه گسترش برنامه های فاطمیه تولید پرچم های گران قیمت با پارچه های مخملی و گلدوزی مفصل و مشتمل بر شعارها احادیث و اشعار مربوط و مخصوص به حضرت زهرا علیها السلام (که قبلا این نوع پرچم دوزی مخصوص امام حسین علیه السلام و عاشورا بود) در سطحی وسیع در حال انجام و رو به افزایش می باشد و هم چنین تولید فرش های دست بافت یا ماشینی که به

عنوان تابلوهای نفیس در سالن های پذیرایی و در اطاق های مخصوص در منازل شخصی نصب می شود و همه مزین به اسماء مبارکه حضرت زهرا علیها السلام و صلوات بر آن حضرت و احادیث نورانی در فضیلت آن بزرگوار می باشد و در نتیجه نه تنها نام و یاد آن حضرت در مراسم مخصوص میلاد و شهادت در مجالس و محافل عمومی مطرح می باشد بلکه در دوره سال و در اجتماعات فامیلی و دوستانه تابلوهای نفیس فاطمیه زینت بخش می باشد.

طرحی ابتکاری د ررابطه با حضرت زهرا علیها السلام

یکی از خطباء نامدار و علاقمند به آستان مقدس حضرت زهرا علیها السلام که در بسیاری از شهرهای بزرگ و کوچک ایران و نیز در کشورهای خارج سخنرانی و برنامه تبلیغی دارد و بیشتر دوره سال را در شهرهای دور و نزدیک سپری می کند یک برنامه تربیتی-دینی دارد که در یکصد و هشتاد شهر بزرگ و کوچک اجرا نموده و ثمرات و آثار آن را آزموده است و آن طرح این است که پیشنهاد می کند هر خانواده ای یکی از بهترین اطاق های منزلشان را (که معمولا به نام مهمانخانه و یا اطاق و یا سالن پذیرائی می خوانند) به نام مقدس یکی از معصومین علیهم السلام (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت زهرا علیها السلام دوازده امام معصوم علیهم السلام) نامگذاری نمایند. (۱) و سعی کنند که در آن اطاق و یا سالن

ص:۳۹

۱- خطیب یاد شده یکی از اطاق های منزل خود را به نام بیت الرقیه علیها السلام نامیده و خودش را مستاجر آن حضرت می داند و داستان جالبی دارد که ذیلا از قول ایشان نقل می نمایم: اولین باری که موفق شدم بر روی منبر امام حسین علیه السلام بنشینم روضه حضرت رقیه را خواندم و از آن روز به بعد تصمیم گرفته ام که تا آخر عمرم در شب اول همه مجالس روضه آن حضرت را بخوانم. دوازده سال قبل یک شب توسل به حضرت رقیه داشتم و سپس به منزل پدرم آمدم و هنگامی که خوابیدم در نیمه های شب مادرم مرا بیدار کردند و فرمودند چرا گریه میکنی؟ و ملاحظه کردم بالش زیر سرم کاملا تر شده است گفتم مگر چه شده؟ فرمودند: وقتی در خواب بودی روضه حضرت رقیه می خواندی و من از صدای تو بیدار شدم و مدتی است بالای سرت نشسته ام و گریه می کنم گفتم: در خواب می دیدم که وارد یک مجلس با شکوهی شده ام و در اول مجلس یک آقای بسیار مهربان و با هیبت مرا با اسم صدا زدند عرض کردم : بله آقا یا امیرالمومنین فرمودند: چه کسی این عمامه را بر سر شما گذاشته؟ عرض کردم : آقای خادمی (منظور آیه الله آقای حاج آقا حسین خادمی قدس سره می باشند) فرمودند: خداوند او را رحمت کند بسیار سید خوبی بود سپس عمامه را از سرم برداشتند عرض کردم: ای وای من بدون عمامه چه کنم؟ حضرت لبخندی زدند و فرمودند: نترس یک عمامه زیبائی برایت می پیچم و بر سرت می گذارم بعد یک عمامه مشکی پیچیدند (خطیب یاد شده از سادات نیستند و عمامه مشکی تعبیری دارد که در آخر داستان ذکر می شود) و بر سرم گذاشتند و فرمودند: زیباتر شدی سپس اشاره کردند به آخر مجلس و فرمودند: آن منبر سه پله ای را مبینی؟ عرض کردم بله آقا فرمودند: بر روی منبر بنشین و روضه دخترم رقیه را بخوان ۱۴ آقای سید جوان را دیدم عرض کردم آقا من بروم روضه بخوانم؟ پس آقایان سادات چه؟ فرمودند: اینها مستمع هستند تو روضه بخوان عرض کردم: به چشم و شروع به خواندن روضه نمودم و امیرالمومنین علیه السلام از شدت گریه شانه هایشان می لرزید. صبح آن روز به محضر مرحوم آیه الله حاج سید احمد فقیه امامی قدس سره مشرف شدم و جریان خواب را گفتم ایشان فرمودند: حتما برای آقای صدیقین بگو تا تعبیر کنند به

خدمت مرحوم آیه الله صدیقین رسیدم و هنگامی که جریان را گفتم ایشان بلند شدند و مرا بوسیدند و فرمودند: عمامه سیاه نشانه محبت و ولایت شما است نسبت به اهل بیت علیهم السلام و حضرت دستشان بالای سر شما است و دو مطلب دیگر هم در تعبیر خواب فرمودند که دستور دادند برای کسی نقل نکنم و وقتی جریان تعبیر خواب را برای مرحوم آیه الله امامی نقل کردم ایشان فرمودند: من هم همین تعبیر به نظرم رسید و مطلب مهم این است که روضه حضرت رقیه مورد تایید اهل بیت علیهم السلام می باشد.

جلسات گناه برقرار نکنند و در آن مکان شریف مرتکب گناه نشوند و هم چنین سعی کنند نمازهای خودشان را در آن محل بخوانند و در هنگام دعا و یا توسلی که در نظر دارند از همان محل استفاده کنند. در بررسی های انجام شده و جستجو درباره آثار این برنامه دینی و فرهنگی نتایج و آثار فراوان تربیتی در خانواده ها داشته و در سامان بخشیدن به روابط اخلاقی و ترتیبتی و دینی اعضای خانواده تاثیر بسیار سازنده ای گذاشته است.

نکته جالب در اجرای برنامه یاد شده این است که در یکی بررسی آماری پس از جستجو و پرسش و تحقیق معلوم گردیده که در مجموع شهرهای بزرگ و کوچک و در میان هزاران منزلی که این برنامه در آن ها انجام شده از هر ده نام گذاری انجام گرفته پنج مورد آن از نام مبارک فاطمیه یا بیت الزهرا علیها السلام استفاده شده است که نشان دهنده گسترش و عمق توجه عمومی (با همه تفاوت هایی که در فرهنگ ها و گرایش های اجتماعی وجود دارد) نسبت به عظمت حضرت زهرا علیها السلام در همه شهرهای کشور می باشد.

نقش مراجع تقلید در نهضت فاطمیه

اشاره

ص:۴۳

نقش مراجع معظم تقلید در حفظ و گسترش نهضت فاطمیه

پس از آنکه حرکت نورانی و معنوی نهضت فاطمیه در سطحی وسیع و به شکلی مورد توجه د رکشور ایران و سایر بلاد مطرح گردید نیروهای شیطانی دست به کار شدند و به اشکال گوناگون برای رشد و گسترش و جهانی شدن این حرکت نورانی مانع تراشی کردند و با سرح سئوالات و شبه های رنگارنگ در صدد تضعیف و توقف نهضت فاطمیه بر آمدند و سعی نمودند که از یک طرف طرفداران و یاوران این حرکت مقدس را متزلزل نمایند و از طرف دیگر از رشد و گسترش آن جلوگیری نموده و نگذارند جمعیت هایی تازه و علاقه مندانی جدید به این برنامه حیات بخش و انسان ساز به پیوندند ودر این موقعیت بسیار حساس و خطیر بود که مراجع معظم تقلید دامت برکاتهم و ادام الله ظلهم اقدام نمودند و از یک طرف با اطاعیه های روشنگر و آگاهی بخش و از طرف دیگر با پاسخ به سوالات و دفع شبهه ها با منطقی قوی و استدلالاتی مستحکم به دفاع از این حرکت مقدس پرداختند و نیروهای فکری دشمن را به عقب راندند و فضای فکری و عاطفی جامعه را در تمامی بلاد اسلامی و غیر اسلامی برای حفظ و تداوم و گسترش این حرکت الهی و حیات بخش آماده نگه داشتند. این بزرگواران با بهره گیری از جایگاه مقدس و بلند خود در جامعه از یک طرف و با خضوع و تواضع خویش در برابر عظمت حضرت زهرا علیها السلام از طرف

ص:۴۵

دیگر و با اشک و آه جانسوز خویشتن در مصائب آن مظلومه شهیده دل و جان مردم و احساسات و عواطف پاک انسان های حق طلب و حقیقت جو را تحت تاثیر قرار دادند و آنها را هر چه بیشتر در مسیر فعالیت و کوشش در راه مقدسی که در پیش گرفته بودند یاری رسانیدند. و اینک برای نمونه از اقدامات چند نفر از مراجع معظم تقلید دامت برکاتهم یاد می کنیم و امیدواریم در کتابی مستقل از فداکاریها و اقدامات همه آن بزرگواران به تفصیلی کامل و در خور یاد نمائیم.

۱-آیه الله العظمی گلپایگانی قدس سره

مرجع عالیقدر جهان تشیع و زعیم حوزه های علمیه مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج سید محمدرضا موسوی گلپایگانی قدس سره الشریف این بزرگ فقیه و مرجع آگاه از دیر زمان علاقمند به بزرگداشت مقام حضرت زهرا علیها السلام بوده اند و نسبت به مظلومیت و شهادت آن حضرت عنایت خاص داشته اند و در شروع نهضت فاطمیه در سال یکهزار و چهارصد و یازده قمری که مقارن با چهاردهمین قرن شهادت حضرت زهرا علیها السلام بود نقش اساسی و حیاتی ایفا نمودند و با اطلاعیه تاریخی و راه گشای خود نه تنها در بیداری و توجه جامعه آن روز (در ایران و جهان) نسبت به شخصیت و شهادت فاطمه زهرا علیها السلام تاثیر کم نظیری گذاردند بلکه در به ثمر رسیدن برنامه های گسترده ای که در شهر ولائی اصفهان در آن سال انجام گرفت (۱) و به خاطر

۱- پایه گذاری نهضت فاطمیه به عنوان یک هزار و چهارصدمین سال شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در اصفهان انجام گرفت و با تشکیل جلسات بسیار زیاد و حرکت دستجات عزاداری در سطحی وسیع و تاسیس خیریه ها و دارالشفاها به نام حضرت زهرا علیها السلام و نامگذاری مسجدها حسینیه ها مدرسه ها و سایر مراکز علمی و اجتماعی به نام آن حضرت و تالیف کتاب و سرودن اشعار فراوان درباره شخصیت و شهادت آن مظلومه جهش بی سابقه ای در امر فاطمیه انجام گرفت که تاکنون ادامه دارد و همه ساله رو به گسترش می باشد و حرکت کاروان های عظیم تبلیغی و عزاداری به سوی شهرها و استان های کشور بخشی از فعالیت های بزرگ یاد شده می باشد (برای آشنایی بیشتر با شروع نهضت فاطمیه در اصفهان و تمامی ایران به کتاب یادواره یکهزار و چهارصدمین سال شهادت فاطمه زهرا علیها السلام به قلم این نویسنده مراجعه شود.

گستردگی و تنوع آنه و شرایط حساس آن زمان (با توجه به وجود گروه های انحرافی که در اصفهان و توابع آن دارای قدرت و سلطه بودند) نقش بسیار حساسی ایفا نمودند و اطلاعیه ایشان پشتیبانی بی نظیری از آن اقدامات بزرگ و دست اندرکاران آن به حساب آمد. مرحوم آیه الله العظمی آقای گلپایگانی قدس سره در رهنمودهای تاریخی خود به همه برنامه های گسترده ای که در شهر اصفهان در حال انجام بود عنایت فرمودندو نها را به عنوان دستورالعملی برای کل ایران و شیعیان جهان مطرح نمودند.

اطلاعیه مهم و تاریخی آیه الله العظمی گلپایگانی درباره چهاردهمین قرن شهادت حضرت زهرا علیها السلام

قال الله تعالی: و ذکرهم بایام الله

و قال عز من قائل: قل لا اسئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی

یکهزار و چهارصدمین سال شهادت ام الائمه النقباء حجه الله الکبری بقیه النبوه و ثمره الرساله سیده نساء العالمین فاطمه الزهراء علیها السلام یگانه دخت پاک نبی گرامی صلی الله علیه و آله را به محضر مقدس حضرت بقیه الله العظم حجه ابن الحسن العسکری ارواحنا و ارواح العالمین له الفداء و مسلمانان جهان خصوصا شیعیان و ملت

ص:۴۷

شریف یـاران تسـلیت عرض می کنم و توجه تمـامی مسـلمانان را به جلالـت و عظمت مقام والای بانوئی معطوف می دارم که خداونـد متعال در قرآن از او به کوثر یاد می کنـد و بعد از نزول آیه تطهیر در کنار خانه فاطمه می فرماید: السـلام علیکم اهل البیت و رحمه الله و برکاته انما یریـد الله لیـذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا و به هنگام مباهله مصـداق نسائنا و نسائکم قرار می گیرد و آیات و یطعمون الطعام علی حبه مسـکینا و یتیما و اسیرا انما نطعمکم لوجه الله لا نرید منکم جزاءا و لا شکورا و یوثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصه در شان او و همسر و فرزندانش نازل می گردد.

پیامبر گرامی اسلام دستش را می بوسید و او را به جای خویش می نشاند و با لقب ام ابیها خطاب می کرد و کرارا در باره اش می فرمود: انت سیده نساء العـالمین انت سـیده نسـاء اهـل الجنه من الاـولین و الاـخرین فـداک ابوک یا فاطمه، ان الله یرضـی لرضاک و یغضب لغضبک.

و هر گـام پیـامبر صـلی الله علیه و آله بـا حضـرت علی علیه السـلام برای بیان اسـرار خلوت می فرمود فاطمه علیها السـلام را نیز شرکت می داد. فاطمه علیها السـلام ولیه الله، حجه الله و پاره تن و روح رسول الله صـلی الله علیه و آله بود احدی از او به پیغمبر صلی الله علیه و آله شـبیه تر و نزدیکتر و محبوبتر نبود. او صـدیقه کبری و نـاموس الله عظمی بود و خداونـد متعـال نسب پیغمبر صلی الله علیـه و آلـه و امامـان مکرم را از ذریه او قرار داد. ادب و اطـاعت خـالص او از پـدرش و احـترام بی نظیر پـدرش از او همسـرداری خـانه داری تربیت فرزنـد و همه صـفات و اخلاـقش آموزنـده و مشـحون به حقـایق عالی عرفانی و عنایات خاصـه سبحانی بود. اکنون که این ایام مصادف با یکهزار و چهارصدمین سال شهادت صدیقه

طاهره علیها السلام است انتظار دارم مسلمانان و شیعیانی که به وسیله مودت و دوستی خاندان رسالت و ولایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به خداوند متعال تقرب می جویند یا اقامه مجالس بیشتر و مراسم سوگواری و ذکر مناقب و فضائل و تعظیم و تجلیل از شخصیت آن بانوی اسلام و فخر عالم نسوان و انسان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام تجدید عهد کنند و برای خودسازی و تکمیل نفس و نهذیب اخلاق از این برنامه ها استفاده های ارزشمند نمایند. و نیز پیرامون ابعاد گسترده حیات و شخصیت والا ـ و خصائص مقدس اخلاقی و علمی و سیره و روش و مجاهدت آگاهانه و احتجاجات و عبادات و زهد و صبر و ایثار و شجاعت و صراحت و فصاحت و بلاغت و علم و عرفان و عبادت عصمت و طهارت آن بانوی بانوان سیمینارها تشکیل شود و رسانه های گروهی مولفان و نویسندگان با تالیف کتاب و رساله و خطباء و شعراء با ایراد سخنرانی ها و سرودن اشعار نغز و شیوا و خلاصه همگان د رخور امکانات خود این فرصت را گرامی بدارند و ابعاد عظمت شخصیت آن بانوی بی همتا و همچنین دیدگاه ها و تعالیم قولی و عملی آن حبیبه خدا را در مورد زن و نقش و موضع او در اجتماع تبلیغ نمایند.

شایسته است بانوان برای پیمودن مدارج ترقی و تعالی به حضرت زهرا علیها السلام این بانوی برگزیده خدا تاسی بجویند و در رعایت حیا و حجاب و عفت و التزام به تکالیف شرعی او را رهبر یگانه خود بدانند زیرا فاطمه زهراء علیها السلام برای جامعه بانوان بهترین الگو می باشند. و نیز شایسته است متمکنین با تاسیس مراکز عام المنفعه در جهت تامین نیازهای جامعه اسلامیمان خاطره بزرگداشت مطلع پانزدهمین قرن شهادت

دخت گرامی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را برای همیشه در دلها زنده نگهدارند. از خداوند متعال مسئلت می نمائیم که در آخریت ما را از شفاعت آن شفیعه کبری و در دنیا از عنایات و تائیدات فرزند عزیزش فخر آل رسول صلی الله علیه و آله حضرت بقیه الله الاعظم مهدی موعود ارواح العالمین له الفداه محروم نفرماید و به همه مسلمانان توفیق حفظ ارزشهای اسلامی و وحدت کلمه و تعظیم شعائر و نیروی کفر ستیزی و روحیه استقلال و استغنا از بیگانگان و جهاد با استعمارگران عطا فرماید و وطن اسلامی ما و همه سرزمین های مسلمان نشین را از شر تطاول استکبار غرب و شرق محافظت فرماید.

بِحَقّ سَیِّدَتِنا فاطِمَه الزَّهراءِ وَ بِحَقِّ اَبیها وَ بَعلِها وَ بَنیها صَلَواتُ اللهِ عَلَیهِم اَجمَعین

نهم جمادی الاولی ۱۴۱۱ محمدرضا الموسوی الگلپایگانی

پس از انتشار اطلاعیه یاد شده در سطح اصفهان و چاپ بخش هایی از آن در روزنامه های اطلاعات و رسالت و جمهوری اسلامی و ابرار در روز پنجشنبه ۸ آذرماه ۱۳۶۹ برابر ۱۰ جمادی الاولی ۱۴۱۱ قمری و مشاهده آثار و برکات آن نامه مفصل و جالبی تهیه نمودیم و با امضای علماء بزرگ و مجتهدین و مدرسین حوزه علمیه اصفهان در ماه جمادی الاولی ۱۴۱۲ قمری به محضر آیه الله العظمی آقای گلپایگانی ارسال داشتیم و با اظهار تشکر از اطلاعیه مهم و تاریخی ایشان و اشاره به برکات و آثار اقدامات آن بزرگ مرجع عالیقدر تقاضا نمودیم که مجددا برای تعطیلی رسمی و قانونی سالروز شهادت حضرت زهرا علیها السلام اقدام فرمایند و اینک متن آن نامه:

متن نامه مجتهدین و مدرسین اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

محضـر مبارک مرجع عالیقدر شیعه حضرت آیه الله العظمی آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی متع الله المسلمین بطول بقائه الشـریف بعـد از تقـدیم مراتب تجلیـل و احترام و دعـا برای طول عمر و عزت و عظمت آن پیشوا و مرجع بزرگ دینی معروف می داریم: نزدیک به یک سال است که از برگزاری مراسم بزرگـداشت یک هزار و چهارصدمین سال شـهادت صدیقه طاهره حضـرت فاطمه زهرا علیها السـلام می گذرد و اطلاعیه بسـیار مهم و تاریخی آن جناب در آن مناسبت و راهنمایی های اساسی که از آن مقام مقدس ابراز گردید و نیز پیام آن مرجع عالیقدر برای مسـئولین محترم دولت جمهوری اسـلامی ایران برای انجام تعطیلی رسـمی به مناسبت سالگرد شهادت حضرت زهرای مرضیه علیها السلام که مقامات رسمی کشور با کمال احترام و ادب پذیرا گردیدند همه و همه آثار بسـیار ارزشمند معنوی و تبلیغی به جای گذارده و هر چه بیشتر مکتب مقدس اهل البیت علیهم السـلام گردیـده و تاکنون چندین موسـسه خیریه به نام حضـرت زهرا علیها السـلام تاسـیس گشـته و در دسـتگیری و کمک به نیازمنـدان اقـدامات سودمنـدی تحقق یـافته است و مجموعـا نه تنهـا پیام و رهنمودهای آن پیشوای عالیقـدر موجب گردیـد که مراسم سوگواری ایام فاطمیه در سراسـر کشور و بالخصوص شـهر مـذهبی اصـفهان به صورت کاملا بی سابقه ای انجام پـذیرد بلکه آثار و برکات معنوی و ارشادی و اجتماعی آن هنوز مستمر می باشد و ادامه یافته است.

ص:۵۱

فرصت را مغتنم شمرده تقاضا می نمائیم که مجددا در مورد تعطیلی سراسری سالروز شهادت حضرت زهرا علیها السلام برای این سال و همه سالها اقدام فرمائید. سلامت و طول عمر و عظمت آن مرجع عالقدر را از خداوند بزرگ خواهانیم. و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

اقداماتی دیگر

مرحوم آیه الله العظمی آقای گلپایگانی علاوه بر اطلاعیه مهم خود با پیغام هایی برای مسئولین رسمی کشور آنها را به سوی بهره برداری از وسائل ارتباط جمعی و بالاخص صدا و سیمای رسمی کشور جهت بزرگداشت شهادت حضرت زهرا علیها السلام دعوت نمودند و از انها خواستند که با تعطیل رسمی تمام کشور در یک روز به عنوان (سالروز شهادت حضرت زهرا علیها السلام در یکهزار و چهارصدمین سال آن) توجه همه مردم ایران و جهان را به عظمت حضرت زهرا علیها السلام و اهمیت بزرگداشت شهادت آن حضرت معطوف دارند و در نتیجه اقدامات خالصانه و آگاهانه آن مرجع عظیم الشان در آن زمان سر فصلی بزرگ در امر بزرگداشت شهادت حضرت زهرا علیها السلام گشوده شد که تاکنون آثار و برکات آن باقی و مستمر می باشد و همچنین مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی در فرصت های مختلف و در مناسبت های گوناگون ارادت بسیار عمیق خودشان را نسبت به حضرت زهرا علیها السلام ابراز می داشتند که ذیلا به مواردی از آنها اشاره می نمائیم:

اگر همه علماء شیعه موافقت کنند من مخالفت می کنم.

قبر مطهر حضرت زهرا علیها السلام باید مخفی باشد.

عده از تجار شیعه تونس و مالزی تصمیم گرفته بودند که موافقت دولت

ص:۵۲

سعودی را برای احداث بنائی و بقعه ای در بقیع به عنوان مزار حضرت فاطمه زهرا علیها السلام جلب کنند و مسئولین دولت سعودی احداث چنین بنائی را متوقف بر موافقت و تائیدیه رسمی علماء و مراجع تقلید ایران کرده بودند از این جهت آنها رهسپار ایران شدند و با مسئولین و مراجع عالیقدر ایران ملاقات کردندو آیه الله العظمی آقای گلپایگانی قدس سره فرمودند:

اگر همه علماء شیعه موافقت نمایند من مخالفت می کنم زیرا طبق دستور حضرت زهرا علیها السلام قبر مطهر آن حضرت باید مخفی باشد و فقط حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداه باید آن را آشکار نمایند. (۱)

نکته مهم: شاید انعطاف و نرمشی که مسئولان سعودی در ابتدا درباره تاسیس بنائی به نام مزار حضرت زهرا علیها السلام از خود نشان داده اند (با این که با تاسیس هر بنائی در بقیع و همه قبرستان ها به سختی مخالفت می کنند) دلیلش این است که آنها فکر کرده اند که اگر علماء شیعه با چنین ساختمانی موافقت کنند یک سند بزرگ برای حقانیت شیعه و مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام از بین می رود و وصیت بزرگ و دشمن شکن صدیقه طاهره زهرای شهیده علیها السلام شکسته می شود و این یک موفقیت بزرگ برای دشمنان آن حضرت به حساب می آید.

چند نکته مهم درباره عزاداری بر حضرت زهرا علیها السلام

مرحوم آیه الله العظمی آقای گلپایگانی قدس سره نسبت به حضرت زهرا علیها السلام عزاداری بر آن حضرت توجه و عنایت خاصی داشتند و در این رابطه چند نکته و گفته مهم از ایشان نقل می نمائیم:

۱- مجله خورشید مکه شماره ۵صفحه ۱۹ جمادی الاولی و جمادی الثانیه ۱۴۲۳

الف-ایشان می فرمودند : گریه بر ائمه اطهار علیهم السلام تولی (اظهار محبت و پذیرش ولایت و سرپرستی خاندان عصمت علیهم السلام) است ولی گریه بر حضرت زهرا علیها السلام هم تولی است و هم تبری(تبری اظهار بیزاری از دشمنان خاندان عصمت و طهارت علیهم لاسلام)

ب- ایشان پس از رحلت در عالم رویا فرمودند: هر چیزی که مربوط به من بوده را اگر خواستید تعطیل کنید مانعی ندارد لکن توسل و عرض ادب به مقام والای حضرت زهرا علیها السلام را ترک نکنید.

ج-ایشان را پس از ارتحالشان در عالم رویا دیده بودند که مشغول پذیرایی از عزاداران حضرت زهرا علیها السلام هستند و می فرمایند:

خودم می خواهم عرض ادب نمایم.

۲-آیه الله العظمی شیراز

مرجع عالیقدر مرحوم آیه الله العظمی حاج سید محمد حسینی شیرازی قدس سره که دارای مقام بلند علمی و فقهی و مرجعیت دینی و جامعیتی کم نظیر بودند و تالیفات فراوانی از خود به جای گذاشتند که شمار آنها به یکهزار و پانصد جلد می رسد و تنها دوره الفقه ایشان به یکصد و پنجاه جلد بالغ می گردد. آن بزرگمرد در بسیاری از کشورهای آسیایی، اروپائی، آفریقائی، استرالیا و آمریکا و کانادا به وسیله اعزام نماینده و تاسیس مساجد و حسینیه ها و سایر مراکز دینی و اجتماعی به نشر و ترویج مکتب مقدس اهل البیت علیهم السلام می پرداختند و آثار علمی و اجتماعی آن بزرگمرد جهانگیر بود و با نگرشی وسیع مسائل عموم مسلمان ها وبالاخص شیعیان را مورد توجه قرار می دادند و در مورد جوان ها و نجات آنها از دام شیاطین جن و انس راهنمائی ها و دلسوزی های ویژه داشتند و در تالیفات و سخنرانی هایشان توجه و عنایت

خاصی نسبت به اهل البیت علیهم السلام و بالاخص حضرت زهرا علیها السلام و سید الشهدا علیه السلام داشتند. آن بزرگوار در مورد حضرت زهرا علیها السلام با عنایت خاصی عرض ادب و اخلاص می نمودند که ذیلا به مواردی اشاره می نمائیم:

۱-با تالیف کتاب ارزشمند من فقه الزهرا علیها السلام نگرش جدیدی را نسبت به خطبه ها و دعاها و سایر کلمات نورانی حضرت زهرا علیها السلام مطرح نمودند و آن آثار ارزشمند و الهی را الهام بخش در باب استنباط احکام فقهی و مسائل دینی (در بخش های اصول دین، فروع دین، آداب و اخلاق) می دانستند و قول و فعل و تقریر آن حضرت را همانند پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام حجت شرعی می شمردند و در فهم و استخراج عموم مطالب دینی به سخنان آن حضرت تمسک می جستند. در کتاب یاد شده که در شش جلد تالیف گردیده و تاکنون چهار جلد آن به چاپ رسیده است حدیث شریف کساء و خطبه ها و دعاها و سایر کلمات حضرت زهرا علیها السلام مورد استفاده و استناد فقهی قرار گرفته است. (۱)

۲-تالیفات متعدد دیگری در مورد شخصیت حضرت زهرا علیها السلام از ایشان به یادگار مانده است بدین قرار:

۱- پس از ارتحال ناگهانی و جانسوز آن بزرگ مرجع عالیقدر یکی از علاقمندان به خاندان رسالت علیهم السلام در عالم رویا می بیند که : باغ و گلستانی است که به نظر بهشت بوده است و آن بزرگوار در آنجا نشسته بوده اند و در اطراف ایشان کتاب هایی دیده می شده که متوجه می شود تالیفات و آثار علمی آن بزرگمرد است ولی تابلوئی نورانی بالای سر ایشان بوده است که بر آن نوشته بوده: من فقه الزهراء علیها السلام که به خوبی استفاده می شود گرچه کتابهایشان ارزشمند و سرمایه بهشت و آخرت بوده است ولی تابلوی افتخار و نشان برجسته ایشان کتاب من فقه الزهراء علیها السلام می باشد.

الف-فاطمه علیها السلام افضل اسوه للنساء

ب-فاطمه الزهراء علیها السلام امتداد النبوه

ج-لمحه عن عظمه الزهراء علیها السلام

د-المعصومین الاربعه عشر علیهم السلام (بخش فاطمه الزهرا علیها السلام)

ه-المدایح و المراثی للمعصومین الاربعه عشر (بخش فاطمه زهرا علیها السلام) از سرود های آن بزرگمرد.

و-الاستفتائات حول فاطمه الزهرا علیها السلام

ز-هدایات المعصومین (بخش فاطمه زهرا علیها السلام)

۳-و نیز سوالاتی از آن بزرگوار شده است درباره حضرت زهرا علیها السلام و سایر معصومین علیهم السلام که ذیلا به چند مورد آنها (پس از ترجمه به زبان فارسی) اشاره می شود:

الف-سوال: آیا پیامبر صلی الله علیه و آله و دخترشان فاطمه زهرا علیها السلام و امامان دوازده گانه معصوم هستند؟ و عصمت آنها در چه زمینه ای است؟ ایا فقط معصوم از معصیت هستند یا علاوه بر عصمت از معصیت معصوم از خطا و نسیان نیز هستند و یا این که علاوه بر اینها معصوم از خواب رفتنی که موجب گذشتن وقت نماز بشود نیز هستند؟

جواب:پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دخترشان فاطمه زهرا علیها السلام و امیرالمومنین علیه السلام و امامان یازده گانه از فرزندان آنها علیهم السلام همه معصوم از هر معصیت و هر خطا و نسیان و خواب غالب شونده (که موجب خروج وقت نماز بشود) هستند حتی آنها از ترک اولی نیز معصوم می باشند و در بسیاری از کتابهایمان (در اصول عقائد و فقه) درباره دلیل های عقلی و نقلی این مطالب بحث کرده ایم.

ب-:سوال: شما در کتابتان (من فقه الزهرا علیها السلام) بیش از یک بار فرموده اید: حضرت زهرا علیها السلام مرتبه بلندی دارند آیا حدود این مرتبه بلند چیست؟ آیا این

مرتبه بالاتر از مرتبه همه ائمه است؟ یا بالاتر از مرتبه بعضی از آنها ست ؟ یا اینکه ائمه علیهم السلام بر حضرت زهرا علیها السلام برتری دارند؟

جواب: بله حضرت زهرا علیها السلام مرتبه بلندی دارند ولی پائین تر از مرتبه پدرشان رسول خدا صلی الله علیه و آله و ایشان همتای شوهرشان امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه السلام هستند و بالاتر از یازده امام دیگر علیهم السلام می باشند.

ج-سوال: آیا فاطمه زهرا علیها السلام شهیده هستند؟ و شما در کتاب ارزشمندتان (من فقه الزهرا علیها السلام) ذکر کرده اید که آن حضرت به شهادت رسیده اند.

جواب: بله شهادت آن حضرت در روایات صحیحه ای وارد شده است و در کتب تاریخ نیز ذکر شده است.

د- سوال: آیا حضرت زهرا علیها السلام صدیقه بودند؟ هم چنانکه قرآن کریم در مورد حضرت مریم دختر عمران فرموده است که او صدیقه بوده است (مائده ۷۵)

جواب: بله در حدیث معتبر رسیده است که آن حضرت صدیقه بودند و به همین جهت کفو و همتای ایشان امام امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه السلام ایشان را غسل دادند با این که زنی وجود داشت که عهده دار غسل آن حضرت بشود زیرا صدیق را غسل نمی دهد جز صدیق و حضرت زهرا علیها السلام افضل از مریم صدیقه بوده اند چنانچه از روایات شریفه متواتره استفاده می شود.

ه:سوال: حضرتعالی برای تواریخی که زدن حضرت زهرا علیها السلام و غصب فدك آن حضرت و نیز فشار دادن به آن حضرت بین در و دیوار و سقط نمودن محسن علیه السلام و امثال این مصائب را نقل نموده اند چه اندازه ارزش قائل می شوید؟

جواب: همه اینها ثابت شده است و صحیح می باشد.

و- سوال: نظر حضرتعالی در مورد ولایت تکوینی و ولایت تشریعی برای چهارده معصوم علیهم السلام (به صورت عام) و برای فاطمه زهرا علیها السلام (به صورت

خاص) چیست که در کتاب ارزشمندتان (من فقه الزهراء علیها السلام) به آن اشاره نموده و توجه داده اید؟

جواب: ادله معتبره که به وسیله موارد فراوان تائید گردیده دلالت دارد بر اینکه فاطمه زهرا علیها السلام و سایر معصومین علیهم السلام همه ولایت تکوینیه و تشریعیه دارند

ز- سوال: شما در کتاب ارزشمندتان (من فقه الزهرا علیها السلام) ذکر کرده اید که حضرت زهرا علیها السلام در دفاع از ولایت شوهرشان امام امیرالمومنین علیه لاسلام و فرزندان یازده گانه شان اهتمام (خاصی) داشته اند آیا حدود آن چگونه است؟ و آیا بر ما نیز در این زمان واجب است که این اهتمام را داشته باشیم؟

جواب: همانان حضرت فاطمه زهرا علیها لاسلام پس از پدر بزرگوارشان (پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله) اولین مدافع از ولایت امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه السلام بودند و در این راه خودشان را قربانی کردند و هم چنین فرزندشان محسن را نیز فدا نمودند و هیچ فرصتی را در راه دفاع از آن حضرت و اثبات حقشان از دست ندادند و بر مومنین است که از حضرت زهرا علیها السلام پیروی کنند و در هر زمان و مکانی بر حسب شرائط مذکوره در کتب فقهی از هدایت های فاطمه زهرا علیها السلام بهره گیری نمایند زیرا گرفتار و رفتار و تقریر آن حضرت حجت شرعی می باشد.

ح- سوال: شما در کتاب (من فقه الزهرا علیها السلام) فرموده اید: مستحب است نقل و روایت خطبه فدک چونکه شماری از معصومین علیهم السلام آنرا نقل فرموده اند آیا علاوه بر این مستحب می دانید ذکر اموری را که متعلق به فاطمه زهرا علیها السلام است همانند مصائبی که پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله بر آن حضرت وارد گردید؟

جواب: بله همه اینها مستحب است و هیچ کدام از این ها از قول یا فعل یا تقریر آن حضرت خارج نیست و همه اش حجت است و اما آنچه که مربوط به فضائل و مناقب آن حضرت است پس اشکالی نیست که ذکر آنها و نقل و نشر آنها

مستحب است بلکه گاهی واجب می شود وقتی که مصداق برای امر واجبی همانند: امر به معروف و دعوت به خیر و ترویج دین حنیف اسلام باشد.

ط- سوال: در جلد اول از کتاب ارزشمند (من فقه الزهرا علیها السلام) ذکر نموده اید که حضرت زهرا علیها السلام از جمله کسانی هستند که اطاعتشان بر همه خلائق واجب است و استناد به بعضی از روایات نموده اید آیا این روایات به نظر شما معتبر هستند؟

جواب: بله این روایات معتبر هستند و ما بر اعتبار این روایات تاکید نموده ایم و در همان کتاب دلیل های دیگری نیز ذکر نموده ایم چنانچه در کتاب: الفقه و البیع و شمار دیگری از کتابهایمان در مورد مطالب یاد شده به تفصیل بحث نموده ایم.

۴-مرحوم آیه الله العظمی شیرازی قدس سره در مسائل فقهی در ابواب مختلف به شخصیت حضرت زهرا علیها السلام توجه خاصی داشتند مثلا در بحث نجاست کافر دشمن داشتن حضرت زهرا علیها السلام یا دشنام دادن به آن حضرت را موجب نجاست دانسته اند همانند کسی که در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم لاسلام چنین کند و هم چنین در باب وضوء فرموده اند: کسی که وضوء ندارد نمی تواند بر اسم مبارک حضرت زهرا علیها السلام دست بگذارد و لمس نماید. و یا در باب مبطلات روزه دروغ بستن به حضرت زهرا علیها السلام را نیز موجب باطل شدن روزه دانسته اند و در احکام تولی و تبری دوست داشتن حضرت زهرا علیها السلام و دشمن داشتن دشمنان حضرت زهرا علیها السلام را لازم شمرده اند و در مسائل یاد شده حضرت زهرا علیها السلام را در ردیف پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام قرار داده اند در حالی که در برخی از رساله های عملیه چنین توجهی نشده است.

۵-در مقدمه کتاب (من فقه الزهرا علیها السلام) می فرمایند: و شاید از مصداق های مجهولیت قدر و ارزش حضرت زهرا علیها السلام این باشد که از کلمات و خطبه های

آن حضرت در فقه استفاده نمی شود و در ضمن ادله و شواهد فقهی مورد ذکر قرار نمی گیرد.

۶-در اشاره به عظمت زهرا علیها السلام می فرمایند: آن حضرت بالاتر و برتر از آن هستند که من فقیر عاجز بتوانم درباره ایشان آنچه را لایق مقامشان هست بیان کنم در حالی که آن بزرگوار قطب دائره امکان هستند و معرفت و شناخت آن حضرت مدار معرفت و شناخت در قرون گذشته بوده است (۱) و هیچ کس نمی تواند احاطه بر عظمت و شخصیت آن حضرت پیدا کند جز نبی و وصی و آن حضرت به جز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر همه انبیاء برتری دارند و بر همه اولاد طاهرینشان حجت می باشند و بر همه ملائکه برتری دارند و ولایت تکوینیه دارند و بر غیب آگاه می باشند و بضعه الرسول بودنشان تنها در جنبه مادی نیست بلکه بضعه الرسول در جنبه معنوی نیز می باشند. (۲)

۷-آخرین دست نوشته های آن بزرگمرد مقدمه ای است بر کتاب جدیدی که تصمیم به تالیف آن در مورد فضائل و مناقب فاطمه زهرا علیها السلام داشته اند و آن مقدمه در کتابی به نام آخرین سخن به چاپ رسیده است.

۳-آیه الله العظمی صافی گلپایگانی

مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی مدظلله از زمان مرجعیت عامه و جهانی مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج سید محمد رضا موسوی گلپایگانی قدس سره در مراسم بزرگداشت یک هزار و چهارصدمین سال شهادت حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام (که آن بزرگوار با پیام مهم

۱- و علی معرفتها دارت القرون الاولی

۲- برگرفته از فرازهایی از مقدمه (من فقه الزهرا علیها السلام)

و تاریخی و راه گشای خود و نیز با اقدامات جدی و تاثیر گذارشان بر مسئولین رسمی کشور در شروع نهصت فاطمیه گام های بلندی برداشتند) در کنار آن بزرگ مرجع عظیم الشان و جهانی بودند و پس از عهده داری مقام زعامت و مرجعیت تقلید خود به دفاع از حریم مقدس و مظلومیت حضرت زهرای مرضیه علیها السلام پرداختند و در پاسخ به شبهات و سوالات و نیز راهنمائی قاطبه مردم در احیاء و بزرگداشت فاطمیه قدم های برجسته ای برداشتند و فقه و اجتهاد و اندیشه و قلم و مرجعیت و زعامت دینی را در خدمت به آستان مقدس حضرت زهرا علیها السلام به کار گرفتند و اینک به نمونه هایی می پردازیم:

۱-دو سوال مربوط به یکدیگر از محضر ایشان شده که پاسخ داده اند بدین قرار: آیا اعتقاد به این که فدک ملک خالص حضرت زهرا علیها السلام است از ضروریات مذهب است و یا این که این مطلب مطابق با واقع است و لکن از ضروریات نیست؟ و آیا اعتقاد به این که حضرت زهرا علیها السلام و ائمه معصومین علیهم السلام افضل از تمام مخلوقات خداوند حتی انبیاء الهی به جز حضرت رسول صلی الله علیه و آله هستند جزء ضروریات مذهب است و یا این که از مسلمات است ولی ضروری مذهب نیست؟

جواب: اگر مقصود از ضروریات مذهب این است همانطور که در ضروریات دین اگر کسی آن را انکار کند و ملتفت باشد که انکارش مستلزم انکار نبوت و اخبار صادق مصدق است از دین خارج می شود این دو موضوع هم از ضروریات مذهب است اگر کسی هر یک از آنها را انکار کند و ملتفت باشد که اخبار قطعیه الصدور از ائمه معصومین علیهم السلام بر آن دلالت قطعی دارند این انکار مستلزم انکار ائمه علیهم السلام است موجب خروج از مذهب است.

۲-در پیـام مهمی بـه سوگـواره شـعر فـدک حضـرت زهرا علیهـا السـلام در بیـت العبـاس لامـرد فـارس (پس از تشـکر از برگزارکنندگان سوگواره و شعرای متعهدی که اشعار نغز و پرمعنی و هدایت بخش و ولایت آموز آنان سه شماره از سوگواره شعر فدک حضرت زهرا علیها السلام را مزین نموده است) چنین بیان فرموده اند:

امروز انجـام این برنامه ها و تشـکیل این جلسات و سـخنرانی ها و این نشـریات و سـرودن این اشـعار که هر بیت آن مفتاحی از گنجهای علم و معرفت الهی و آشـنائی با غیب نامتناهی است در احیای دین و اظهار شکوه و عزت مسلمین و دفع مبطلین بسیار مفیـد و سودمنـد است و هر شـعر و هر بیتی از این اشـعار موجب فتـح قلوب و تحریک جامعه و تهییج همگان (مخصوصا نسـل جـوان) بـه شـتاب بـه سـوی ترقی و تعـالی و عزت و شخصـیت و اسـتقلال اسـلامی است. در این برهه از زمـان از اهم وظـایف مسلمانان مخصوصا جوانان غیور و آگاه حفظ شخصیت اسلامی و افتخار به هویت دینی است.

و در قسمت دیگری از پیام فرموده اند:

در این ایـام فـاطمیه آن خطبه تـاریخی حضـرت زهرا سـلام الله علیها که متضـمن همه گونه پیام لازم و سازنـده در تمام نواحی حیات است باید مورد توجه قرار بگیرد. این خطبه تنها یک خطبه نیست یک معجره بزرگ و بسیار با عظمت است. خواهران و برادران همگان بایـد به معانی بلند و درسـهای عالی این خطبه آشـنا شوند امروز بانوان مسـلمان باید این خطبه را بخوانند و در معـانی آن تامـل نماینـد و همه مـا بایـد زن و مرد به شخصـیت اسـلامی خود و به اینکه اسـلامی قرآنی زهرائی زینـبی علوی و حسینی معرفی شویم افتخار نمائیم امید است این برنامه ها و این خدمات که همه در راه آموزش تعهدات دینی

ص:۶۲

و تعظیم شعائر اسلامی است موجب خشنودی و رضایت حضرت ولی امر و صاحب عصر مولانا المهدی بقیه الله ارواح العالمین له الفداء گردد.

۳- در پاسخ به سوالی درباره فدک و اثبات حقانیت حضرت زهرا علیها السلام بیانات بسیار مفصلی (در ده صفحه) ایراد فرموده اند که در کتاب معارف دین جلد دوم از صفحه ۱۲۸ تا ۱۳۷ به چاپ رسیده است و ذیلا به بخش هایی از جواب که موردنظر می باشد توجه می نمائیم:

در باب غصب فدک از حضرت زهرا علیها السلام آنچه از ابی بکر و همدستانش صادر شد با موازین قضائی مخالفت صریح داشت و معلوم بود که روش آنها یک روش عادی و سالم و دور از غرض نبود مسئله یک مسئله سیاسی خالص و بر اساس اغراض شخص ابوبکر و گروه او جریان پیدا کرد گروهی که برخلاف حکم خدا و ابلاغات پیغمبر صلی الله علیه و آله خصوصا در احادیث متواتر و مکرر ثقلین و ابلاغ بسیار رسمی و علنی غدیر می خواستند مسیر خلافت و امامت امت را از مسیری که به وحی الهی معلوم شده بود تغییر دهند و در مسیر اهواء جاه طلبانه خود قرار دهند به شهادت مصادر و مآخذ معتبر این گروه ریاست طلب که از زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله دست به کار توطئه و تخریب شدند راه سیاست اسلامی را طوری منحرف کردند که در آینده بدترین نظام ها و خشن ترین حکومت ها و بی رحم ترین و بی دین ترین و هرزه ترین و عیاش ترین افراد بر جوامع مسلمانان حاکم شدند از جمله تصمیم هایی که در آغاز کار و شاید پیش از هر اقدم گرفتند مصادره اموال یگانه فرزند پیغمبر (سیده زنان اهل بهشت و سیده نساء عالمیان علیها السلام) بود زیرا می دانستند با ایثاری که آن بانوی دنیا و آخرت دارد عوائد و محصول این اموال را در راه خدا به فقراء

مسلمین و ارباب حوائج بذل و انفاق می نماید و داشتن چنین موضعی طبعا یکی از موجبات بقاء نفوذ خاندان رسالت در قلوب خواهد بود از این جهت تصمیم گرفتند آن امکانات مالی و مادی را از آنها بگیرند و دست آنها را از اعانت و یاری به مردم کوتاه نمایند آیا اگر فدک در اختیار عایشه یا حفصه بود ابوبکر و عمر با آنها این گونه معامله می کردند؟ یا حتما آن را تائید می نمودند و اگر همه مسلمانان هم استرداد آن را درخواست می کردند به عذر این که عمل پیغمبر خدا غیرقابل نقض است به تقاضای آنها اعتنا نمی کردند؟

حاصل این که مسئله مسئله ساده نبود مسئله ریاست و حکومت بود و تصدیق فاطمه زهرا علیها السلام مفهومش اعلام بطلان همه آن نیرنگ ها و توطئه ها و اسباب چینی های آن عده معلوم الحال بود و پس از تمام این نکات و ملاحظات آنچه نفاق این توطئه گرها را اثبات می نماید و ایمان صادق آنها را به وحی و رسالت زیر سوال برده است این است که آیا اینها در صداقت و طهارت حضرت زهرا علیها السلام بعد از ان همه تنصیصات و تصریحات پیغمبر صلی الله علیه و آله و بعد از نزول آیه تطهیر و آن اعلام های مکرر که : (زهرا از اهل بیت علیهم السلام است و از اهل آیه تطهیر است و سیده زنان عالمیان و سیده زنان اهل بهشت است) و ... شک داشتند اگر شک داشتند پس شک آنها با ادعاء ایمان به خدا و رسول چگونه قابل قبول است؟ و اگر شک نداشتند پس این معاملات و این ظلمها را که مرتکب شدند چگونه جواب می دهند؟

و پس از همه اینها آیا این بود مزد رسالت پیغمبری که آن همه رنج و اذیت و زحمت و مرارت را در راه هدایت این مردم متحمل شد که پاره تن او را اینگونه برنجانند آیا اگر فدک ملک مسلمین بود همانطور که به امر خداوند

متعال پیغمبر صلی الله علیه و آله آن را به حضرت زهرا علیها السلام واگذار کرده بود ابوبکر هم آن را واگذار می کرد و به خدا و پیغمبر تاسی می نمود کسی از مسلمانان به او اعتراض می کرد؟ یقینا هیچ مسلمانی (مگر همان عده ای که بودن فدك را در اختیار زهراء علیها السلام مخالف سیاست های خود می دانستند) دیگران همگان راضی به استرداد فدك از آن حضرت نبودند و انتظار هم نداشتند که با چنین پیش آمد ناگواری مواجه شوند و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون.

۴-و در اطلاعیه مهمی که به زبان عربی منتشر گردیده و در چهار صفحه بزرگ می باشد مطالب مهمی را در مورد مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام و تفسیر و تحصیل آنها مطرح نموده اند که بخش هایی از آنها را به زبان فارسی عرضه می نمائیم:

از حقائق تاریخی که برای هر پژوهشگری روشن است حوادثی است که در سال دهم هجرت و بعد از آن کمی قابل از ارتحال رسول خدا صلی الله علیه و آله رخ داد مخصوصا وقایع دردناکی که پس از رحلت آن حضرت اتفاق افتاد و یک حزب سیاسی مستبدانه وارد میدان شد و هدف او تسلط بر امر قیادت و رهبری امت و دستیابی به حکومت و ریاست بود.

همانا آنچه نسبت داده شده به این گروه سیاسی از ارتکاب جرائم دردناك و ستمگری های زشت که بدترین آنها جلوگیری از حکومت شرعیه منصوصه از طرف حق تعالی... و غصب حقوق سیده نساء العالمین (حضرت فاطمه زهرا علیها السلام) و کتك زدن و سیلی زدن به آن حضرت وسقط نمودن جنین او (که سبط سوم رسول خدا صلی الله علیه و آله محسوب می گردید) می باشد و آن چنان آن بانوی بزرگوار را آزرده ساختند که آنها را دور کرد و باقیمانده عمر خود را در حال

خشم و غضب بر آنهـا سپری نمود و پس از هر نمـازی به آنهـا نفرین می نمود تا این که مظلومانه و سـتم کشـیده به پـدر خود صلی الله علیه و آله ملحق گردیـد. همه آنچه به آن گروه سیاسـی نسـبت داده شـده و همه رفتارهای زشتی که در زمینه ظلم به صـدیقه طـاهره حضـرت زهرا علیهـا السـلام و امیرالمومنین علیه السـلام انجـام داده انـد اموری است که به حسب عادت در آن فضای قسوت بار از آن دلسـنگ ها اتفاق خواهد افتاد و آنچه نقل شده و به دست ما رسـیده از اعمال وحشـتناک آنها کمترین چیزی است که در چنین مواقع وحشتناک و انقلاب ها و توطئه های سیاسی به وقوع می پیوندد.

آنها کار بسـیار بزرگ و وحشـتناکی می خواسـتند انجام دهنـد می خواسـتند راهی را که رسول خدا صـلی الله علیه و آله برای امت خود تعیین نموده بودنـد تغییر دهنـد و می دانسـتند که به مقوصـد خود دست نمی یابنـد جز بـا ظلم به بنی هاشم و در هم شکسـتن آنها مخصوصا فاطمه زهرا علیها السـلام که بانوی بانوان جهان و یادگار باقیمانده از رسول خدا صلی الله علیه و آله و یکتا فرزند رسول اعظم اسلام صلی الله علیه و آله بودند.

رئیس آن فرقه سیاسـی وارد بر خـانه فاطمه زهرا علیها السـلام شـد به همراهی تازیانه به دست های جفاکار و طغیان گر خود و رخ داد آنچه رخ داد از ضرب و سقط جنین و جز اینها از اموری که تاریخ نتوانسته است ضبط ونقل نماید.

خلاصه آنکه هیـچ کس از آگاهان و مطلعان از تاریـخ شک نمی کنـد که آنچه نقل شـده درباره آن سـتمگران از قبیل کتک زدن به فـاطمه زهرا علیهـا السـلام و اسـقاط جنین آن حضـرت و غصب حق آن بزرگوار اموری است که در یک چنین صـحنه های وحشـتناکی (که برای رسـیدن به آن اهداف پلید و شـیطانی به وجود می آید) اتفاق خواهد افتاد زیرا آنها می دانستند که به مقاصد شیطانی خود

ص:۶۶

بدون این کارهای زشت دست نخواهند یافت.

و همه آنچه نقل شده فقط بعض از ستم ها و ظلم هایی است که روا داشته شده و در نزد شیعه و غیر شیعه ثابت و مشهور است.

و از قرن اول تاریخ اسلام تا قرن پانزدهم در کتابها نوشته شده و حتی در قصیده های شعرای نیکوکار ذکر گردیده و با این که از ناحیه حکومت های ستمگر نقل این وقایع تلخ ممنوع بوده ولی محرمانه و به شکلی سری نقل گردیده است.

۵-در پاسخ به سوالی که در سال ۱۳۷۸ انجام شده در مورد ولایت حضرت زهرا علیها السلام پاسخ بسیار مفصل و مشروحی داده اند که بخشی از آن را نقل می نمائیم:

سوال: ولایت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از چه نوع ولایتی است آیا اولا مثل ائمه اطهار علیهم السلام حضرت زهرا علیها السلام ولایت دارد یا ندارد؟ و اگر دارد از چه نوع ولایت می باشد؟ تکوینی است یا تشریعی؟

جواب: ولایت تکوینی حضرات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام را به طور مفصل در کتاب ولایت تکوینی و تشریعی در ح دی که برای مثل این حقیر قلیل البضاعه میسر است شرح و توضیح داده ام. این ولایت برای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نیز ثابت و مسلم است قول و فعل و تقریر آن حضرت در فقه و تفسیر قرآن و بیان عقائد و احکام و کل اموری که از دین گرفته می شود نیز بر حسب احادیث متواتر ثقلین و ادله و احادیث دیگر حجت است. آن حضرت اظهر مصادیق عترت و اهل بیت است و به صریح آیه تطهیر از هر رجس و آلایشی از جمله رجس جهل پاک و منزه است او سیده نساء العالمین و

سیده نساء اهل الجنه است و عدل قرآن مجید و در مقامات و درجات ولایت تکوینی و علم لدنی با سایر معصومین علیهم السلام همانند و هم طراز است.

۶-و در پاسخ به سوالی درباره استفاده از سهم مبارک امام علیه السلام برای ساختن مسجدی به نام حضرت زهرا علیها السلام در منطقه کهنوج چنین مرقوم فرموده اند:

بسمه تعالی-از اهتمام مومنین و آقایان محترم نسبت به تاسیس مسجد به نام نامی حضرت زهرا علیها السلام قدردانی و تشکر می شود امید است با همت مومنین مسجد به نحو احسن سالختمان آن نخست از خیرات و مبرات و زکوه تامین گردد و در صورت عدم کفاف مجازند از ثلث سهم مبارک امام علیه السلام به مصرف برسانند خداوند توفیق و برکت عطا فرماید.

۴-آیه الله العظمی وحید خراسانی

مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی آقای شیخ حسین وحید خراسانی مدظلله العالی در سالهای گذشته و در صحنه های مختلف با توجه به موقعیت برجسته ای که در حوزه علمیه قم دارند و با عنایت به شمار بسیار زیاد شاگردان و تربیت یافتگان مکتب علمی و اجتهادیشان دست به کار شده اند و برای برافراشتن پرچم بزرگداشت شهادت حضرت زهرا علیها السلام از هیچ اقدام و کوششی دریغ نفرموده اند. این بزرگمرد با اطلاعیه ها و سخنان برجسته و آگاهی بخش و نیز با بهره گیری از مقام بلند فقهی و اجتهادی و مرجعیت دینی و هم چنین با جدیت و استمرار در مجاهدت های گوناگون نقش بسیار موثری در حفظ و تداوم و گسترش نهضت فاطمیه ایفاء نموده اند.

اقدام برای تعطیلی سالروز شهادت حضرت زهرا علیها السلام

آیه الله العظمی وحید خراسانی با توجه به شخصیت و عظمت علمی و اجتماعی

خویش از یک طرف و با عنایت به اخلاص و اعتقاد بسیار عمیقشان نسبت به حضرت زهرا علیها السلام و اساسی بودن نقش عاشورائی شدن ایام شهادت آن حضرت از طرف دیگر با مجاهدتی پیگیرانه از رئیس محترم جمهور و هیئت دولت و نمایندگان مجلس شورای اسلامی خواستند که در روز شهادت حضرت زهرا علیها السلام به طور رسمی و قانونی تعطیل سراسری در کشور اعلام نمایند و در اثر فعالیت های مخلصانه و صادقان بسیار این آرزوی بزرگ برآورده گردید و در هیئت دولت و نیز در مجلس شورای اسلامی با رای قاطع نمایندگان روز سوم جمادی الثانیه هر سال به عنوان روز شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام تعطیل رسمی اعلام گردید و از سال ۱۴۲۰ قمری (۱۳۷۸ شمسی) این مصوبه بسیار ارزشمند و تاریخی به اجرا در آمد.

آثار و برکات تعطیلی رسمی سالروز شهادت حضرت زهرا علیها السلام

با توجه به موقعیت ممتاز و برجسته کشور اسلامی ایران در میان کشورهای اسلامی و نیز در میان جمعیت های مسلمان سایر کشورها تعطیلی سالروز شهادت حضرت زهرا علیها السلام به نحو رسمی و قانونی و در سطح همه ارکان دولت و ملت توجه همه جهانیان را به مسئله شخصیت و عظمت حضرت زهرا علیها لاسلام و نیز شهادت و مظلومیت آنحضرت جلب نمود و با توجه به تبلیغات عمومی از طریق صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و فعالیت های تبلیغی مردمی (از طریق خطباء نویسندگان شعراء مداحان و برنامه های گسترده مساجد و حسینیه ها و سایر مراکز دینی) موج نهضت فاطمیه ابعاد بسیار مهم و جدیدی یافت و بسیاری از شهرها و کشورها که تا این تاریخ تحت تاثیر مراسم

بزرگداشت فاطمیه قرار نگرفته بودند موج نورانی فاطمیه دلها را مسخر نمود و عواطف و احساسات پاک مردم را در همه بلاد و مناطق در بر گرفت. و دوستان اهل البیت علیهم السلام: به جهت این موفقیت مسرور گردیدند و دشمنان خاندان رسالت سر خورده و مایوس شدند و حتی بعضی از علماء آنها نگرانی خود را اظهار داشته و گفتند: در طول تاریخ چنین ضربه سنگینی بر ما وارد نگردیده بود.

اطلاعیه ای تاریخی و هدایتگر

آیه الله العظمی وحید خراسانی علاوه بر اطلاعیه ها و سخنان گوناگون در مقاطع مختلف در یک اطلاعیه مهم و پنج صفحه ای (از صفحات بلند) در تاریخ جمادی الثانیه ۱۴۲۲ قمری به سبکی اصولی و مستدل جایگاه حضرت زهرا عیها السلام و نقش بزرگداشت شهادت آن حضرت را تشریح کرده اند و رهنمودهای مهمی را در چگونگی بزرگداشت آن حضرت بیان نموده اند که به فرازهایی از آن توجه می نمائیم.

در قسمتی از اطلاعیه چنین فرموده اند.

آن چه توجه به آن لازم است آن است که حلقه وصل تمام امت تا قیام قیامت به آن رسالت عظمی و امامت کبری انسیه حوراء حضرت فاطمه زهرا علیها السلام اوست که وسیله امتداد وجود خاتم د راین عالم است جنبه ملکی آن حضرت که نسل اوست و جنبه ملکوتی آن حضرت که دین اوست به صدیقه کبری علیها السلام باقی و برقرار است اوست که واسطه طلوع نجوم هدایت و کواکب آسمان ولایت است. افق زندگانی او مشرق حلم حسنی و شجاعت حسینیه و عباده سجادیه و مآثر

ص:۷۰

باقریه و آثار جعفریه و علوم کاظمیه و حجج رضویه و جود تقویه و نقاوه نقویه و هیبه عسکریه است از حسینی که مصباح الهدی و سفینه النجاه است تا مهدی موعودی که منتهی الیه مواریث انبیاء و به رزق الوری و بوجوده ثبتت الارض و السماء است ثمرات آن شجره طیبه است که اصلها ثابت و فرعها فی السماء توتی اکلها کل حین باذن ربها.

و در قسمتی دیگر چنین مرقوم فرموده اند

آیا چه شد که چنین کسی با دلی پر درد دل از فرزندانی چون حسن و حسین کند و از دختران خردسال خود چشم پوشید و کنار تربت پدر گفت: یا الهی عجل وفاتی سریعا و

صبت علی مصائب لو انها *** صبت علی الایام صرن لیالیا

هنگامی که به خاک سپرده شد از بدن رنجور او شبهی باقی مانده بود و صارت کالخیال و آن راد مردی که دنیا و آخرت در مقابل قدرت او به زانو در آمد در این مصیبت آن چنان از پای در آمد که به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: اما حزنی فسرمد و اما لیلی فمسهد

و در بخشی دیگر وظایف ما را معین فرموده اند

آیا وظیفه ما در مقابل این داهیه دهیا چیست؟

وظیفه ما این است در این مصیبت کبری که ناموس خدا و بضعه خاتم انبیاء و کفو سید اوصیاء و مادر ائمه هدی نیمه شب غریبانه دفن شد و قبر او که گنجینه اسرار خداست مخفی ماند به پا خیزیم و آن چه در توان داریم در تعظیم شعائر روز شهادت او انجام دهیم چون شهادت آن حضرت سند احقاق حق اول المظلومین است و لم ار مثله حقا اضیعا.

ص:۷۱

احیاء شعائر فاطمیه

احیاء روز شهادت آن حضرت به شعائر فاطمیه احیاء امر امیرالمومنین علیه السلام است و احیاء امر نفس رسول خدا صلی الله علیه و آله احیاء امر خاتم النبین است و احیاء امر سید انبیاء احیاء امر تمام انبیاء و مرسلین است و احیاء امر انبیاء احیاء معرفت و عبادت رب العالمین است.

امید است در حد امکان عزاداری متناسب با عظمت آن حضرت به همت کسانی که امیدوار به شفاعت پدرش در روز قیامت هستند و آرزومند دیدار شوهرش هنگام جان دادن هستند و در وحشت و وحدت شب اول قبر به جز دعای صدیقه کبری علیها السلام امید به جائی ندارند انجام شود و همه هیئات مذهبی در مصیبت مادر خامس آل عبا برای تسلیت سید الشهداء علیه السلام پرچم های عزا را بردارند به امید آن که تسلیتی باشد از امت به پدر و شوهر او (که شخص اول و دوم عالم امکانند) و مرهمی باشد بر جراحت قلب فرزندان معصوم او (که ائمه انس و جانند) و عرض ارادتی باشد به کسی که اکنون لنگر زمین و آسمان و ولی عصر و صاحب الزمان است.

و در قسمت دیگری نوشته اند

خوشا به حال کسانی که موفق شوند به خدمت به آستان مقدس آن شفیعه روز جزاء و به رضای آن حضرت نائل شوند به رضای خدا که رضای خدا منتهی الآمال انبیاء و اولیاء است ذلک فضل الله یوتیه من یشاء باید به اقامه شعائر روز شهادت آن حضرت این طریقه حقه

از نیرنگ مخالفین و منافقین صیانت شود

و در قسمت دیگری از اطلاعیه پس از درج وصیت نامه آن حضرت نوشته اند:

غرض اشاره به جمله آخر این وصیت است و اقرء علی ولدی السلام الی یوم

القیامه [(۱)] که این جمله گواه آن است که بـا ارتبـاطش بـا عـالم غیب و احاطه اش به عالم شـهود می دانست که تا روز قیامت سلسله اولاد او منقرض نخواهد شد و از امیرالمومنین علیه السلام خواست که سلام او را به فرزندانش تا روز قیامت برساند.

فاطمیین و فاطمیات بایـد بدانند چه تاج افتخاری بر سـر آنها گذاشت و چه مسـئولیت سـنگینی بر دوش آنها نهاد تاج سـلاطین دنیا کجا و افسر سلام ناموس خدا بر سر ذریه زهراء کجا.

سلام صدیقه کبری علیها السلام سلام بر خاسته از قلب سوره یس است و این سلام متصل به سلام قولا من رب رحیم است که قلب سوره یس است.

مسئولیت سنگین در برابر سلام حضرت زهراء علیها السلام:

مسئولیت سـنگینی در جواب این سـلام است این سـلام از کسـی است که هُوَ اللهُ الَّذی لا اِلَهَ اِلا هُوَ المَلِکُ القُدُّوسُ السَّلامُ المُومِنُ المُهَیمِنُ العَزیزُ الجَبّارُ المُتَکَبِرُ

در دنیا و آخرت بر او سـلام می کنـد جواب این سـلام آن است که هر یک از فرزنـدان آن حضـرت تا روز قیامت باید از حق مادر خود به تمام وجود دفاع کنند و جواب این سـلام از هر سیدی متناسب مقام اوست مبادا سیدی به مقامی برسد و در قلمرو مقام و منصب او در احقاق حق آن حضرت کوتاهی بشود که احقاق حق او احیاء مذهبی است که با تن رنجوری که به پدرش می گفت: رفعت قوتی و با دل افسرده که در فراق چنان پدری می گفت:

ماذا علی من شم تربه احمد*** ان لا یشم مدی الزمان غوالیا

حالی در دفاع از امامت ائمه معصومین علیهم السلام می گفت:

و طاعتنا نظاما للمله و امامتنا امانا للفرقه

۱- یعنی یا علی! سلام مرا به فرزندانم تا قیامت برسان

مبادا از رسیدگی به شیعیان محروم او غفلت شود که قلب او تعلق به قلوبی دارد که برای حزن او محزون و برای شادی او شادند.

جواب سلام ساداتی که به مرتبه ای از علم نائل شده اند آن است که ایتام آل محمد صلی الله علیه و آله را به حکمت و موعظه حسنه و جدال به احسن کفالت کنند و نگذارند این کبوتران بال و پر شکسته در غیبت صاحبشان در دام شبهات مخالفین گرفتار و شیاطین جن و انس آنها را صید کنند جواب سلام ساداتی که به مال و منالی رسیده اند آن است که از مال خود در تحکیم مبانی آئینی که در راه او جان داد دریغ نکنند و برای احیاء شعائر روز شهادت او انفاق کنند. عامه سادات در این کلمات جانسوز تامل کنند که به امیرالمومنین وصیت کرد: مرا شب حنوط کن و غسل بده و کفن کن و بر من نماز بخوان و شب مرا دفن کن و احدی را اعلام مکن.

حداقل جواب سلام

کمترین جوابی که از آنها ساخته است آن است که به جبران غربت آن جنازه که یتیمان او از سینه اوجدا نمی شدند. (هر چند که جبران شدنی نیست) در هر شهر و قریه در شام غریبان آن حضرت پرچم های مصیبت به دست بگیرند و شال عزا به گردن کنند و در خیابان ها بگردند. و به جده خود بگویند: هرگز تو را و ستم هایی که کشیدی از یاد نخواهیم برد و هر چه را فراموش کنیم آن دل افسرده و تن آزرده و قبر گم شده را فراموش نخواهیم کرد.

دسته عزاداری با پای برهنه

حضرت آیه الله العظمی وحید خراسانی علاوه بر اقامه مجلس عزا در بیت شریف خودبه مناسبت شهادت حضرت زهرا علیها السلام از سال ۱۴۲۰ قمری (۱۳۷۸

ص:۷۴

شمسی) در روز سم جمادی الا-ثنیه با پای پیاده و برهنه روی اسفالت های داغ شهر قم به سوی حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام حرکت می کنند و جمعیت عزادار (از علماء و فضلاء و عموم مردم دلسوخته) به دنبال ایشان به راه می افتند و شور عزای حضرت زهرا علیها السلام را همگانی می نمایند و از آن زمان و با توجه به اقدامات ایشان برای انجام تعطیلی سالروز شهادت حضرت زهرا علیها السلام نفوذ ایشان در قلبها بیشتر و عمیق تر گردیده تا آنجا که بعضی از علماء سادات که از مدرسین مشهور هم می باشند با کمال افتخار پای حضرت آیه الله العظمی وحید خراسانی را بوسیدند و به این بوسه افتخار می کنند.

اقدامات دیگر

آیه الله العظمی وحید خراسانی در سال های گذشته با اقداماتی گسترده و پیگیرانه در تشویق علماء بزرگوار در شهرها و استان های کشور برای بزرگداشت شهادت فاطمه زهرا علیها السلام از طریق حرکت دادن دستجات عزاداری و برگزاری مجالس فراوان و با عظمت نقش اساسی ایفا نموده اند و با اعزام نمایندگان خود به مناطق مختلف بزرگان علمی و اجتماعی شهرها را به سوی این هدف مقدس حرکت داده اند که در به ثمر رسیدن برنامه های گذشته و گسترش و همگانی شدن مراسم فاطمیه بسیار موثر بوده است و پس از اقدامات خالصانه و آگاهانه ایشان دستجات عزاداری بسیار مفصلی با هدایت و پیشوایی عالمان (بالاخص سادات و ذراری حضرت زهرا علیها السلام) در شب و روز شهادت آن حضرت به حرکت در می آید و عاشورای فاطمی به مراحل بسیار جالب و ارزشمندی می رسد و همانند عاشورای حسینی د رهمه شهرها و روستاها و در میان همه اقشار جامعه با همه ابعاد زندگی مردم

ص:۷۵

ارتباط پیدا می کند و در اعماق جان آنها نفوذ می یابد.

۵-آیه الله العظمی آقای تبریزی

مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی آقای حاج میرزا جواد آقا تبریزی مدظلله العالی در سال های گذشته با استفاده از علم و اجتهاد و فقاهت و مرجعیت و مقام اجتماعی و اشک و ناله و تواضع و خضوع خود با کمال شجاعت و صراحت و قاطعیت در این جهاد مقدس وارد گردیده اند که ذیلا به نمونه هایی اشاره می نمائیم:

الف: پاسخ به سوالات و شبهات

در طول چندسال گذشته استفتائات فراوانی از داخل و خارج کشور از این بزرگ مرجع عالیقدر گردیده و ایشان پاسخ داده اند که در کتابی به نام (ظلامات فاطمه الزهرا علیها السلام) منتشر گردیده و فشرده ای از آنها را به زبان فارسی عرضه می داریم:

۱-سوال: برخی در این سخن تشکیک کرده اند که اهل بیت علیهم السلام و از جمله حضرت زهرا علیها السلام خلقت نوری دارند و قبل از آفرینش موجودات به صورت نوری آفریده شده اند نظر مبارک شما چیست؟

جواب: در اخبار و روایات فراوان وارد شده است که خداوند متعال نور فاطمه زهرا علیها السلام را قبل از خلقت آدم علیه السلام آفریده است و احتمال داده نمی شود که همه این روایات خلاف واقع و کذب باشد و اعتقاد به این مطلب و اگر چه واجب نیست و از ضروریات مذهب نمی باشد ولی اعتقاد به این مطالب نشانه کمال عقیده است و هر کس به نحو یقین و اطمینان از مصادر مناسب

چنین اعتقاداتی را به دست آورد به فوز و رستگاری نائل گردیده است. (۱)

۲-سوال: بعضی در مورد حضرت زهرا و حضرت زینب و حضرت خدیجه و حضرت مریم علیهم السلام و همسر فرعون و طبیعت و سرشت آنها عقیده دارند که با دیگر زنها تفاوت ندارند و هیچ گونه عنصر غیبی ممتازی که آنها را از حد زنهای عادی خارج کند وجود ندارد فقط شرائط طبیعی و فضای زندگی که آنها در آن قرار گرفته بودند به شکل طبیعی امتیازاتی روحی و عقلی برای آنها قرار داده است.

جواب: این گفتار از اصل و ریشه باطل است زیرا خلقت و آفرینش حضرت زهرا علیها السلام همانند افرینش ائمه علیهم السلام می باشد که با لطف خاص الهی به اتمام رسیده است زیرا خداوند متعال می دانسته است که آنها با اخلاص کامل در عبادت و اطاعت او می کوشند و هیچ بعید نیست که آفرینش اولیاء خود را به خصوصیاتی ممتاز سازد که از همه مخلوفات متمیز و برجسته باشند چنانچه در قرآن کریم در مورد حضرت عیسی بن مریم علیه السلام آمده است و در روایات و اخبار فراوانی که مشتمل بر احادیث صحیحه می باشد (و عامه و خاصه نقل کرده اند) در مورد حضرت زهرا علیها السلام آمده است که نطفه آن حضرت از میوه بهشتی پیدا شده و در هنگامی که در رحم مادر بوده اند با مادر خود سخن می گفته اند و نیز وارد شده است که ملائکه بر حضرت زهرا علیها السلام فرود می آمده اند و جبرئیل پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله بر آن حضرت وارد می شده و به ایشان تسلیت می داده و خبرهائی برای آن حضرت می آورده است که امیر

۱- در همین زمینه سوال و جواب های دیگری نیز انجام گرفته است به کتاب (ظلامات فاطمه الزهرا علیها السلام) مراجعه شود.

المومنین علی علیه السلام آنها را می نوشته اند.

۳-سوال: حدیثی که وارد شده است در چندین مصدر از خداوند متعال که فرمود: یا احمد لولاک لما خلقت الافلاک و لولا علی لما خلقتک و لولا فاطمه لما خلقتکما (۱) آیا صحیح است یا نه؟ و اگر صحیح است چه معنائی دارد؟ آیا حضرت زهرا علیها السلام علت غائی موجودات می باشند؟

جواب: اگر این حدیث به طریق معتبری رسیده باشد بدین معنی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان علیهم السلام علت غائی بای خلقت افلاک می باشند به این معنی که غرض و داعی خداوند متعال از آفرینش این است که اینهایی را که ممتازترین و قوی ترین مخلوقات در مقام بندگی هستند بیافریند زیرا خود فرموده است: ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون (۲) و اگر در علم الهی نگذشته بود که در میان مخلوقات پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم لاسلام و نیز سایر بندگان و صلحاء از انبیاء گذشته و پاکان و صالحان از امت های آنها وجود دارند همانا هیچ مخلوقی را نمی آفرید (چنانچه در آیه یاد شده اشاره شده است)

۴-سوال: در خبری وارد شده است از امام حسن عسکری علیه السلام که فرمودند : نحن حجج الله علی خلقه و جدتنا فاطمه حجه الله علینا. آیا چگونه مولا و سیده ما حضرت فاطمه علیها السلام حجه بر ائمه علیهم السلام هستند ؟

جواب: چونکه مصحف فاطمه علیها السلام (که در آن امور و احوالی که در مورد ذریه آن حضرت جاری می شود تا روز قیامت وجود دارد) در نزد ائمه علیهم السلام موجود بوده است و ائمه معصومین علیهم السلام به آن مراجعه می نموده اند و آن مصحف حجه بر آنها بوده است و به همین جهت حضرت فاطمه علیها السلام حجه بر

۱- مجمع النورین، صفحه ۱۴

۲- سوره ذاریات، آیه ۵۶

امامان علیها السلام بوده اند.

۵-سوال: شخصی است فتنه انگیزی کرده و مسئله حضرت زهرا علیها السلام را به عنوان یک مسئله تاریخی (مربوط به گذشته) دانسته است به راستی آیا همین طور است؟ یا اینکه این بحث با اعتقادات دینی ما ارتباط دارد؟

جواب: قضیه حضرت زهرا علیها السلام و جریانات زندگی آن حضرت در زمان حیات پدر بزرگوارشان و مصائبی که بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله بر آن حضرت وارد گردید یکی از دلیل های قاطع برای حقانیت مذهب تشیع می باشد چونکه به اتفاق تمام تواریخ آن حضرت پس از وفات پدر بزرگوارشان از ناحیه آن جماعت مورد آزار قرار گرفتند در حالی که خداوند متعال در قرآن مجید می فرماید : (قل لا اسئلکم علیه اجراً الاّ المودّه فی القربی (۱) و رسول خدا صلی الله علیه و اله قربائی نزدیکتر از فاطمه زهرا علیها السلام نداشتند در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: (انما فاطمه بضعه منی من آذاها فقد آذانی و من احبها فقد احبنی) ولی آنها حضرت زهرا علیها السلام را رعایت نکردند و او را آزردند و ستم هایی بر آن حضرت روا داشتند که به شهادت ایشان منتهی شد و در حالی از دنیا رفتند که بر آنها غضبناک بودند و از انها رضایت نداشتند و اگر نبود نارضایتی و غضب آن حضرت پس چرا وصیت کردند که شبانه آن حضرت را دفن نمایند و مخفیانه مراسم غسل و کفن و دفنشان انجام گیرد و قبرشان مخفی بماند و آیا غیر از این بود که آن حضرت می خواستند بدین وسیله غضب خودشان را بر آن جماعت (ستمگر و غاصب) به همه اعلام نمایند و نشانه ای باشد که همه از مصیبت های وارده و سخط و غضب آن حضرت آگاه شوند همان سخط

۱- سوری شوری، آیه ۲۳

و غضبی که موجب سخط و غضب خدا است چنانچه پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیثی که عامه و خاصه نقل کرده اند فرمودند: (ان الله یغضب لغضب فاطمه و یرضی لرضاها) و همین اشاره برای کسی که قلب سلیم دارد و گوش خود را به حق می سپارد کافی است.

۶-سوال: آیا گریه های حضرت زهرا علیها السلام پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله جنبه عاطفی داشته یا وظیفه ای بوده برای معصوم (حضرت زهرا علیها السلام) که به خاطر هدف مقدسی دنبال می کرده اند؟ و آیا این گریه ها با مقام تسلیم و رضا در برابر قضا و قدر الهی سازگار می باشد؟

جواب: گریه ای که اظهار مهربانی و شفقت است منافاتی با مقام تسلیم در برابر قضا و قدر الهی و صبر عند المصیبه ندارد زیرا یعقوب نبی علیه السلام در فراق فرزند خود یوسف علیه السلام آنقدر گریست که چشمانش سفید شد با این که او پیامبر معصوم بود و قرآن داستان گریه های او را نقل می فرماید و اما گریه های حضرت زهرا علیها السلام علاوه بر این که امری وجدانی در فراق پدرشان حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله بود وسیله ای برای اظهار مظلومیتشان و مظلومیت شوهرشان امام علی علیه السلام بود و عاملی برای آگاهی بخشیدن به مردم د رمورد غصب حق امیرالمومنین علیه السلام در امر خلافت رسول خدا صلی الله علیه و آله به شمار می رفت و نشانه غصه های حضرت برای مسلمین بود که چرا به عقب برگشته و مرتد گردیدند و چرا زحمات رسول خدا صلی الله علیه و آله در تربیت بعضی از مسلمان ها به هدر رفته است چنانچه گریه بر امام حسین علیه السلام از شعائر الهی است زیرا اظهار حقی است که امام حسین علیه السلام به خاطر آن خودشان را قربانی کردند و مبارزه و ستیز با باطلی است که بنی امیه حاکم گردانیده بودند و به همین جهت امام زین

العابدین علیه السلام مدتی طولانی در مصیبت پدر بزرگوارشان گریستند و مقصودشان اظهار مظلومیت امام حسین علیه السلام و یاری رساندن به اهداف مقدس آن حضرت بود و مخفی نماند که گریستن حضرت زهرا علیه السلام و امام زین العابدین علیه السلام در مدت طولانی از مسلمات در نزد شیعه امامیه می باشد.

۷-سوال: بعضی از برادران در اطراف مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام و شکستن پهلوی آن حضرت اشکال کرده اند و گفته اند که شکستن پهلو از طریق ائمه علیهم السلام ثابت نشده نظر مبارک شما چیست؟

جواب: مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام از مسلمات است و برای اثبات آن بیش از این دلیل نمی خواهد که آن حضرت وصیت نمودند که شبانه دفن شوند و قبرشان مخفی بماند تا این که کسانی که به آن حضرت ظلم و ستم روا داشته اند بر جنازه ایشان حاضر نشوند.

۸-سوال: آیا دادخواهی هایی که ام الائمه الاطهار فاطمه زهرا علیها السلام متعرض آنها شده اند در مورد حاکمان آن وقت همانند غصب فدك هجوم و حمله به خانه آن حضرت و شکستن پهلوی ایشان و سقط نمودن فرزندشان (که جنین بود به نام محسن بن علی علیه السلام) و سیلی زدن به صورت آن حضرت و هم چنین قضیه گریستن آن حضرت در فراق پدرشان رسول خدا صلی الله علیه و آله و دیگر ستم هایی که بر آن حضرت وارد شد آیا ارتباطی به عمق و ریشه عقائد ما از قبیل توحید و نبوت و امامت و معاد دارد یا نه؟

جواب: آنچه ثابت شده است از ستم های فراوانی که بر صدیقه زهراء فاطمه علیها السلام وارد شده ارتباط تامی دارد با امر ولایت که رکن پنجم اسلام می باشد و این امر (که ولایت رکن پنجم اسلام است) به صراحت از عده ای از نصوص معتبره

استفاده می شود همانند روایت صحیحه زراره از امام باقر علیه السلام که می فرمایند: (بنی الاسلام علی خمسه اشیاء : علی الصلوه و الزکوه و الحج و الصوم و الولایه) (۱) و ارتباط موضوع این ستم ها با امر ولایت (و امامت) روشن می شود برای کسی که در مسائل مربوطه به آن حوادث و عوامل آنها دقت بنماید.

۹-سوال: خبر رسیده است که شما تایید نمی کنید کسانی را که در شهادت حضرت زهرا علیها السلام تشکیک می کنند (و تردید می نمایند) آیا شما چنین افرادی را به فقاهت می شناسید؟

جواب: جایز نیست تایید کسی که شک می کند در شهادت حضرت زهرا علیها السلام و ما او را فقیه نمی شناسیم چون اگر فقیه می بود همانا اطلاع پیدا می کرد از روایت صحیحه ای که تصریح می نماید به شهادت حضرت زهرا علیها السلام و سایر روایاتی که سبب شهادت آن حضرت را بیان می نماید.

۱۰-سوال: نظر شما چیست درباره کسی که تردید و تشکیک می نماید در قضایای حضرت زهرا علیها السلام و عصمت و منزلت حضرت زهرا علیها السلام را مطرح می نماید و به شکل سوال احادیث و روایاتی که در حق آن حضرت وارد گردیده را مورد بحث قرار می دهد و در سند آنها ایراد وارد می کند و به خاطر اغراض شخصیه فتنه و اختلاف بین شیعیان ایجاد می کند؟ و مسائلی را که با اعتقادات برخورد دارد به شکلی سطحی موردنظر قرار می دهد؟

جواب: اینهایی که به این امور می پردازند اهل ضلال و گمراهی هستند و گمراه کننده اند پس اگر قابل هدایت هستند از خداوند سبحان می خواهیم که آنها را به راه راست وص راط مستقیم هدایت نماید و اگر از کسانی هستند که بر دل ها

۱- کافی، جلد ۲، صفحه ۱۸

و گوش ها و چشم هایشان مهر (گمراهی) خورده پس کارشان در آخرت واگذار به خدا شده است و در دنیا به مومنین غیرتمند در دین و مذهب وگذار می شوند تا از آنها بیزاری بجویند.

۱۱-سوال: آیا اعتقاد به عصمت حضرت زهرا علیها السلام از ضروریات مذهب ما (شیعیان)می باشد؟

جواب: بله این مسئله از ضروریات مذهب ما است همانند عصمت سایر ائمه علیه السلام

۱۲-سوال: ایا فعل و تقریر حضرت زهرا علیها السلام داخل در سنت است یعنی آیا حجه است یا نه؟

جواب: فعل و قول حضرت زهرا علیها السلام معتبر است مثل اعتبار فعل و قول امام علیه السلام و حکم تقریر حضرت زهرا علیها السلام همانند تقریر امام علیه السلام می باشد.

۱۳-سوال: با توجه به آیه مباهله و آنچه که روایات فراوان و زیارت ها (همانند زیاره جامعه کبیره مثلا) بر آن (هماهنگی دارند ایا می توان قائل شد به این که امامان دوازده گانه علیهم السلام و حضرت زهرا علیها السلام برتری دارند بر همه خلق به جز رسول اکرم صلی الله علیه و آله.

جواب: بله گفتار یـد شده متیقن و حتمی است با توجه به آیات و روایاتی که به انها (در سوال) اشاره شد و موید آن روایات زیارات (ماثوره) می باشد.

ب-حرکتی تاریخی و تکان دهنده و موج آفرین

از سال ۱۳۷۸ شمسی (۱۴۲۰ قمری) در روز شهادت حضرت زهرا علیها السلام (سوم جمادی الثانیه) حضرت آیه الله العظمی آقای حاج شیخ جواد تبریزی مد ظله العالی به جهت بزرگداشت شهادت آن حضرت از بیت شریفشان با پای پیاده و برهنه

به سوی حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام حرکت کردند (۱) و به دنبال ایشان جمع زیادی از علماء و فضلاء و طلاب و عموم مردم با ولایت و دلسوخته حضرت زهرا علیها السلام با پاهای برهنه در این حرکت مقدس شرکت نمودند.

این حرکت د رهوای بسیار گرم تابستانی قم روی آسفالت های داغ آن هم از بزرگواری که در سنین بالا و همراه با ضعف می باشند آن چنان تکان دهنده بود که خبر این حرکت در شهرها و کشورهای گوناگون منعکس گردید و در مطبوعات منتشر شد و در توجه دادن عموم مردم به عظمت شهادت حضرت زهرا علیها السلام نقش بسیار موثری ایفا نمود و مخصوصا در حرکت دادن هیئات عزاداری برای بزرگداشت ایام فاطمیه و شهادت فاطمه زهرا علیها السلام بسیار مفید واقع گردید و این برنامه همه ساله تاکنون ادامه دارد.

یکی از علماء سادات که از مدرسین مشهور می باشند با افتخار تمام پای آیه الله العظمی تبریزی را بوسیدند و به این بوسه (که به احترام فاطمه زهرا علیها السلام و به مناسبت اقدام نورانی آن بزرگمرد بود) افتخار می نمودند.

۶-آیه الله العظمی مکارم شیرازی

مرجع عالیقدر آیه الله العظمی آقای حاج شیخ ناصر مکارم شیرازی دام ظله از دیر زمانی نسبت به مقام و منزلت حضرت زهرا علیها السلام عرض ادب و ارادت داشته اند و با تالیف کتابهایی در زمینه شخصیت و هدایت گری های آن حضرت و خطبه ها و مبارزات آن بانوی مظلومه و دفاع هایی که از حق امیرالمومنین

۱- همزمان با این حرکت مقدس حضرت آیه الله العظمی آقای حاج شیخ حسین وحید خراسانی مدظلله نیز از بیت شریفشان به سوی صحن و حرم مقدس حضرت معصومه علیه السلام حرکت کردند و نقش بسیار موثری ایفا نمودند

علی علیه السـلام نموده انـد در حفظ و حراست و نشـر و گسترش فرهنگ فاطمی همت گمارده انـد و در هنگامی که برخی از وابسـتگان به وهـابیت شـهادت حضـرت زهرای مرضـیه علیهـا السـلام را افسـانه خواندنـد و در مقاله ای منتشـر نمودنـد ایشن با اسـتدلالاتی قوی و متین شـهادت آن مظلومه بزرگ را به اثبات رسانیدند و در سطحی وسیع منتشر ساختند و با توجه به این که در این استدلالها فقط به کتب عامه و مهم آنها استناد شده است پاسخی دندان شکن به آن مقاله سست بنیاد محسوب گردید.

تالیفات آیه الله العظمی آقای مکارم شیرازی بدین قرار می باشد:

۱-با شخصیت ترین بانوی جهان که به زبان فارسی می باشد و به زبان فرانسوی و اردو و عربی نیز ترجمه شده است.

۲-حضرت زهرا علیها السلام و ماجرای غم انگیز فدک که به زبان انگلیسی نیز ترجمه شده است.

۳-حماسه بزرگ که به زبان انگلیسی ترجمه شده است.

۴-خطبه آتشین بانوی اسلام در بستر شهادت که به زبان فرانسوی و ترکی آذری نیز ترجمه شده است.

۵-زندگانی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام که ۳۳۵ صفحه می باشد و چهار نوبت به چاپ رسیده است.

۶-زهرا علیها السلام برترین بانوی جهان که ۲۰۶ صفحه می باشد و دو نوبت به چاپ رسیده است.

۷-شیوه همسرداری در خانواده نمونه

۸-فضائل حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از دیدگاه دیگران

۹-نام های نورانی فاطمه زهرا علیها السلام

تالیفات حضرت آیه الله مکارم با توجه به موقعیت و شخصیت ایشان در میان طبقات تحصیل کرده و دانشگاهیان تاثیر بسیار مثبت و ارزشمندی در آگاهی جامعه نسبت به شخصیت و عظمت حضرت زهرا علیها السلام داشته و دارد.

و هم چنین سخنرانی های آیه الله العظمی آقای مکارم شیرازی در انجمن محبان الفاطمه در مشهد مقدس در آگاهی اقشار جامعه و نسل جوان نسبت به حضرت زهرا علیها السلام بسیار موثر و سازنده بوده است.

۷-آیه الله العظمی روحانی

مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی آقای حاج سید صادق روحانی مظله العالی علاوه بر برنامه های بزرگداشت شهادت حضرت زهرا علیها السلام در بیت شریفشان و حمایت از دوستان و علاقمندان به آن حضرت در پاسخ به سوالاتی که از محضر ایشان (در رابطه با عظمت و شخصیت حضرت زهرا علیها السلام) شده است مطالبی فرموده اند که توجه به آنها حائز اهمیت می باشد و ذیلا به نمونه هایی اشاره می نمائیم:

۱-سوال: نظر حضرتعالی درباره افکاری که مطرح نموده است درباره شکستن پهلو حضرت زهرای بتول علیها السلام چیست؟

جواب: شکستن پهلوی حضرت بتول علیها السلام از اموری است که با نقل عامه و خاصه ثابت شده است و از مطالبی است که هیچ گونه شبهه ای در آن وجود ندارد

۲-سوال: آی حضرت زهرا علیها السلام ولایت تکوینیه دارند؟

جواب: ولایت تکوینیه ای که برای سایر معصومین علیها السلام وجود دارد برای حضرت زهرا علیها السلام عینا وجود دارد.

ص:۸۶

۳-سوال: آیا نافله مغرب و عشاء ثوابش بیشتر است یا تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام؟

جواب: تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام افضل است زیرا در خبر معتبر نقل شده است از امام باقر علیه السلام که فرمودند: خداوند به هیچ نوعی از حمد پرستش نشده است که افضل از تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام باشد و در خبر دیگری است از امام صادق علیه السلام که فرمودند: تسبیح فاطمه علیها لاسلام در هر روزی پس از هر نمازی محبوب تر و پسندیده تر است نزد من از هزار رکعت نماز در هر روز و اخباری که فضیلت تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بیان می کند متواتر است.

۴-سوال: آیا پهلوی حضرت زهرا علیها السلام شکسته شده است بعضی می گویند که سابقا منزل ها (در نداشته) و با قطعه ای پارچه (همانند پرده) پوشانده می شده است ؟

جواب: آنچه در مورد حضرت زهرا علیها السلام اتفاق افتاده از امور ثابت شده است و استناد آنها به احادیث و نصوص معتبره است و کسی انکار این امور مسلمه را نمی نماید جز این که جاهل یا اهل عناد و سرکشی باشد.

۵-در ضمن سوالاتی از محضر آن بزرگوار درباره کسی که فضائل حضرت زهرا علیها السلام را انکار نموده و یا در مصائب آن حضرت شک و شبه ای ایجاد کرده پاسخ هایی داده اند که مشتمل بر این جمله است:

او گمراه کننده است و کتابهای او از کتب ضلال می باشد.(۱)

۱- به سلسله اصدارات موقع یا حسین (شماره ۱) در بخش های مختلف مراجعه شود.

بزرگداشت مراسم شهادت حضرت زهرا علیها السلام از دیدگاه مراجع تقلید

سوالاتی از مراجع معظم تقلید انجام شده در مورد راه اندازی دستجات عزاداری در ایام شهادت حضرت زهرا علیها السلام و اقدام برای عظمت دادن به مراسم فاطمیه (همانند عاشورای حسینی علیه السلام) که آن بزرگواران در پاسخ آن سوالات چنین مرقوم فرموده اند:

آیه الله العظمی وحید خراسانی

احیاء روز شهادت آن حضرت به شعائر فاطمیه احیاء امر امیرالمومنین علیه السلام است و احیاء امر خاتم النبیین صلی الله علیه و آله است و احیاء امر تمام انبیاء و مرسلین است و احیاء معرفت و عبادت رب العالمین است.

باید با اقامه شعائر روز شهادت آن حضرت این طریقه حقه از نیرنگ مخالفین و منافقین صیانت شود.

آیه الله العظمی صافی گلپایگانی

برگزاری این مراسم باید هر چه باشکوهتر و با معنی تر انجام شود و اهتمام و مشارکت در آن از حسنات بزرگ است و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب.

آیه الله العظمی آقای میرزا جواد اقا تبریزی

مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام و صبر مولانا امیرالمومنین علیه السلام از ادله قاطعه حقانیت مذهب تشیع می باشد که باید با مراسمی همچون عاشورا اعم از روضه خوانی سینه زنی برپائی دستجات و نقل مصائب آن دو بزرگوار آن را زنده نگه داشت تا جایی برای وسوسه بد اندیشان باقی نماند.

آیه الله العظمی مکارم شیرازی

اقامه عزاداری در ایام و لیالی شهادت سیده نساء العالمین من الاولین و الاخرین فاطمه زهرا علیها السلام از افضل قربات است.

ص:۸۸

نقش تحقیق و تالیف در نهضت فاطمیه

اشاره

ص:۸۹

تحقیق و تالیف در خدمت فاطمه زهرا علیها السلام

از اولین سالهای شهادت حضرت زهرا علیها السلام قلم و تالیف و تصنیف کتاب در خدمت به حفظ ارزشهایی که آن حضرت به خاطر آنها مبارزه کرده و به شهادت رسیدند به کار گرفته شده است و انسان هایی با ایمان و اندیشمند و دور اندیش با ثبت حقائق زندگی و شخصیت و فضایل آن حضرت از یک طرف و ضبط و نوشتن مظلومیت ها و رنج ها و درد دلهای آن مظلومه از طرف دیگر به یاری حق شتافته اند و اجازه نداده اند که آن همه حقیقت پنهان بماند و ستمگران به اهداف شوم خودشان برسند.

این نویسندگان ارزشمند و فداکار همانند مبارزان در میدان جنگ و شمشیر به دست های جانباز عمل نموده اند و در حفظ و حراست از ارزش های مکتب ولایت و امامت و آرمان های مقدس حضرت صدیقه شهیده علیها السلام مهمترین نقش را بر عهده گرفته اند. یک مطالعه دقیق و حساب شده نشان می دهد که اگر این نویسندگان فداکار دلسوز و با ایمان نبودند همانا بسیاری از حقایق تاریخ اسلام و مکتب اهل البیت علیهم السلام برای ما مجهول مانده بود و ما نیز همانند دیگران در بی خبری به سر می بردیم.

نگاهی به کتاب نامه هایی که درباره فاطمه زهرا علیها السلام نوشته شده نشان می دهد که در همه دوره ها و قرن ها تحقیق و تالیف درباره ابعاد زندگی و شهادت و

مبارزات حضـرت زهرا علیها السلام وجود داشته وهیچ گاه جهاد با قلم در دفاع از آن حضرت ترک نشده است و عشق وعلاقه ها و محبت ها و سوز و گدازها به وسیله قلم در پیشگاه مقدس ان حضرت ابراز شده است. در اثر مجاهدتهای این بزرگان علم و قلم است که ما به خوبی به حقایق تاریخی آن دوره واقف می شویم و فریادمی زنیم:

بشکند آن دست هایی که حرکت زهرای مرضیه علیها السلام را شکستند و حریم خانه وحی را مورد تهاجم قرار دادند و حبیبه خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله را در جوانی و با دلی پر از غصه به شهادت رساندند.

نهضت تالیف و ترجمه کتاب درباره شخصیت و شهادت فاطمه زهرا

از پدیده های بسـیار جالب و شـگفت انگیز در چهارده سال گذشـته (از یک هزار و چهارصدمین سال شـهادت حضـرت زهرا علیهـا السـلام تـاکنون) این است که به شـکل یک جنبش و خیزش عمومی صاحبان قلم و محققان و نویسـندگان دست به کار شـده انـد و درباره ابعاد گوناگون زنـدگی شخصـیت مظلومیت و شـهادت حضـرت زهرا علیها السـلام آثاری کاملا متفاوت به وجود آورده اند.

بعضـی از آنها درسند مطالب بررسی های موشکافانه انجام داده اند و بعضی دیگر در تنوع موضوعات پیگیری کرده اند بعضی بر مصادر و مآخـذ اهل سـنت تاکیـد داشـته انـد و بعضـی دیگر بر همه منابع تکیه کرده انـد عده ای جنبه های الگوئی زندگی حضـرت زهرا علیها السـلام را تشـریح کرده انـد و جمعی دیگر مظلومیت های آن حضـرت را دقیقا تشـریح نموده اند برخی از نویسندگان به جنبه های ادبی کتاب و استفاده از لغت های جدید و واژه های جالب توجه

داشته اند برخی به طور فشرده مطالبی را درباره حضرت زهرا علیها السلام ارائه کرده اند و برخی دیگر با تفصیل بسیار زیاد قلم فرسائی نموده اند و ...

و در یک کلام نویسندگان محقق با سلیقه ادیب و نوآور هر کدام با سبک و سلیقه و با هدفی مشخص درباره حضرت زهرا علیها السلام به تالیف کتاب پرداخته اند ک در مجموع همه ابعاد مطالب مور نیاز درباره آن حضرت مورد بررسی قرار گرفته است و هر کسی را با هر نوع گرایشی بی نیاز می سازد. شمار این تالیفات آن چنان است که موضوع کتابهای تالیف شده در این دوره چهار الی پنج برابر مجموع کتابهایی است که از آثار نویسندگان در طول چهارده قرن گذشته در دسترس ما می باشد و یا نام آنها به دست ما رسیده است.

کتابنامه های مربوط به حضرت زهرا علیها السلام

از سال ۱۳۸۷ قمری تاکنون ۱۴۲۴ بیش از بیست کتابنامه در زمینه معرفی کتابهای تالیف شده درباره فاطمه زهرا علیها السلام تهیه شده و در دسترس علاقمندان قرار گرفته که هر کدام از آنها با هدف و وضعیت خاصی نوشته شده است. بعضی از انه مختصر و برخی مفصل می باشد ولی همه آنها در این زمینه عرض ادب و ارادت نموده اند و شرایط را برای پیشرفت و تکامل کتابنامه نویسی برای موضوع موردنظر آماده نموده اند و همه آنها در این موفقیت بزرگ سهیم بوده و می باشند. (۱)

۱- فهرستی از این کتابنامه ها را نویسنده محقق آقای اسماعیل انصاری زنجانی در کتاب ارزشمند فاطمه در آئینه کتاب چاپ چهارم از صفحه ۱۴ تا ۱۷ آورده اند.

مفصل ترین کتابنامه فاطمیه

تاکنون (۱۴۲۴ قمری) مفصل ترین کتابنامه ای که درباره معرفی کتابهای مربوط به حضرت زهرا علیها السلام تالیف گردیده کتاب ارزشمند فاطمه در آئینه کتاب می باشد که چاپ چهارم آن در سال ۱۴۲۴ قمری (تابستان ۱۳۸۰ شمسی) منتشر گردیده ودر این کتاب ۲۰۲۲ کتاب مستقل درباره فاطمه زهرا علیها السلام به ۲۷ زبان معرفی گردیده است و با مطالعه این کتابنامه مفصل و ارزشمند اشک شوق از یک طرف و اشک غم از طرف دیگر از دیدگان انسان سرازیر می شود اشک شوق برای این که در طول تاریخ همیشه انسان های پاک و با ایمان و دلباخته ای بوده اند که ا زحق و حقیقت دفاع کنند و بالخصوص در این دوره اخیر که زن و مرد د انشگاهی و حوزوی شاعر و نویسنده و ... به حرکت در آمده اند و در پاسخ به فریادهای مظلمیت حضرت زهرا علیها السلام با اندیشه و قلم خود به میدان آمده اند و به یاری آن مظلومه شتافته اند و اشک غم برای این که با مطالعه این کتاب ها و عناوین آنها انسان متوجه می شود که ستمگران چقدر به آن بانوی صدیقه مطهره علیها السلام ستم روا داشته اند و چه ناله های جانسوزی که از آن مظلومه مقهوره سر داده شده است.

تالیف کتاب درباره فاطمه زهرا به زبان های گوناگون

کتابهایی که درباره فاطمه زهرا علیها السلام نوشته شده و تاکنون معرفی گردیده به این زبان ها می باشد: ۱-فارسی ۲-عربی ۳- اردو ۴-انگلیسی ۵-فرانسوی ۶-آلمانی ۷-روسی ۸-ترکی آذری ۹-ترکی استانبولی ۱۰-ایتالیایی ۱۱- اسپانیایی ۱۲- تاجیکی ۱۳-کردی ۱۴-گجراتی ۱۵-مالایو ۱۶-هندی ۱۷-سندی ۱۸-چینی ۱۹-تاملی ۲۰-بنگالی ۲۱-تایلندی ۲۲-سواحلی

۲۳-هوسائی ۲۴-سومالیایی ۲۵-پرتغالی ۲۶-بوسنیائی ۲۷-آلبانیایی

بیشترین رقم کتاب تالیف شده مربوط به زبان فارسی است با ۱۰۴۷ عنوان (۱) و پس از آن مربوط به زبان عربی است با ۶۱۴ عنوان و بعد از آن متعلق به زبان اردو است با ۲۱۴ عنوان

سیصد کتاب جدید در دو سال اخیر

از زمان انتشار چهارمین چاپ کتاب فاطمه در آئینه کتاب در سال ۱۴۲۲ قمری تاکنون ۱۴۲۴ حدود سیصد کتاب دیگر درباره فاطمه زهرا علیها السلام تالیف گردیده و بسیاری از آنها چاپ و منتشر شده است که رقم یاد شده در فصل قبلی ۲۰۲۲ را به بیش از ۲۳۰۰ عدد می رساند و نشان می دهد که نهضت تالیف در این موضوع مهم و حیاتی و استقبال عمومی در شهرها و کشورها از این حرکت علمی-اعتقادی-تاریخی-فرهنگی ادامه دارد و نه تنها د رکشور ایران بلکه در تمامی کشورهای اسلامی و غیر اسلامی علاقه و گرایش نسبت به مسئله معرفت و آشنایی با شخصیت و شهادت حضرت زهرا علیها السلام ادامه دارد و رو به افزایش می باشد.

تنوع و گوناگونی نویسندگان درباره فاطمه زهرا

با نگاهی به تالیفات انجام شده درباره حضرت زهرا علیها السلام ملاحظه می نماییم که از شصخیت های بزرگ و برجسته ای همانند: شیخ مفید، شیخ صدوق، علامه

۱- دلیل این موفقیت و برتری جریان نهضت فاطمیه است که از اصفهان و به نحو عام از ایران شروع شده و عامل سرعت و تکامل نهضت تالیف درباره شخصیت و شهادت حضرت زهرا علیها السلام گردیده است.

مجلس علامه امینی تا علاقه منـدان دلباخته ای از طلبه های حوزه علمیه و دانش آموزان و دانشـجویان جوان می باشـند. و هم چنین ملاحظه می کنیم که نویسـندگان درباره این موضوع مقدس حتی از غیر شـیعیان و غیرمسـلمانان نیز می باشند و این همه نشان می دهد که شخصیت فاطمه زهرا علیها السلام مورد توجه همه اقشار اجتماعی قرار گرفته و در حوزه و دانشگاه مدرسه و اداره و در همه فضاهای موجود در جامعه تابش نور زهرائی دلها و جانها را جذب نموده است.

گسترش و وسعت فضاهای تحقیق و تالیف درباره حضرت زهرا علیها السلام

بررسی تالیفات منتشـر شده درباره فاطمه زهرا علیها السـلام نشان می دهد که در موضوعات بسیار فراوان و متنوع که متعلق به شئون گونـاگون زنـدگی و شـهادت آنحضـرت می باشـد نویسـندگان محقق قلم فرسائی کرده انـد که ذیلا به بخشـی از این موضوعات اشاره می نماییم:

۱-خلقت نوری آن حضرت

۲-ولادت و جریانات استثنائی و معجزات مقارن و قبل و بعد از میلاد آن حضرت

۳-نامها و القاب و کنیه های حضرت و معانی آنها

۴-دوران رشد و مراحل اولیه زندگی آن حضرت

۵-ازدواج آن حضرت با امیرالمومنین علیه السلام و مسائل وابسته به آن

۶-معاشرت آن حضرت با امیرالمومنین علیه السلام و مسائل وابسته به آن

۷-فضائل و خصائل ملکوتی و استثنائی آن حضرت

۸-نمازها دعاها و مناجات ها و تسبیحات مربوط به آن حضرت و نیز زهد و

عبادت و گریه های آن بزرگوار

۹-مبارزات اساسی و مجاهدت های آن حضرت در زمینه رسواسازی منافقان و دشمنان رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و امامت ائمه علیهم السلام

۱۰-مظلومیت ها و مصائب بی مانندی که متحمل گردیدند

۱۱-شهادت آن حضرت و تاثیرات تاریخی آن و نیز وصایای آگاهی بخش و بیدارگر و دشمن ستیز آن مظلومه

۱۲-نقش حیاتی مظلومیت و شهادت و وصایای آن حضرت در حفظ و حراست از ارزشهای مکتب ولایت علیه السلام و احقاق حقوق امیرالمومنین علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام و ثبات و استمرار مکتب تشیع

۱۳-بهره برداری جهان امروز از شخصیت و شهادت آن حضرت در راه حفظ ارزش های اسلامی و حفظ اساس مکتب و مذهب شیعه

۱۴-صحنه های بزرگ تجلی عظمت آن حضرت در قیامت و پیروزی و خشنودی پیروان آن بزرگوار و خذلان و بدبختی و خسران ابدی و پشیمانی و رسوائی دشمنان آن مظلومه

تنوع و تفاوت در جهت گیری تالیفات

کتابهای منتشر شده نشان می دهد که هر دسته ای از محققین و نویسندگان به سوی جهتی از جهات مهمه در کار تحقیق و تالیف تمایل داشته اند که نمونه هایی را ذکر می نمائیم:

۱-بعضی از آنها سعی بسیار نموده اند که با تتبع فراوان برای هر مطلبی اسناد بیشتری از کتب شیعه و غیر شیعه از قدماء و متاخرین به دست آورده و ارائه نمایند.

۲-بعضی از آنها د رزمینه تحلیل مسائل زندگی آن حضرت و ارزیابی آثار و برکات کلمات رفتارها و وصیت های آن بزرگوار بحث های موثر و جالبی ارائه کرده اند

۳-برخی از نویسندگان خواسته اند در بحث های رجالی حدیثی مقابله نسخه های خطی اتصال سند مطالب تا زمان زندگی و شهادت آن حضرت خدمات علمی خود را عرضه نمایند.

۴-برخی دیگر تلاش زیادی کرده اند که با ترجمه کتاب یا کتابهایی درباره فاطمه زهرا علیها السلام آثار و برکات فعالیت علمی و تحقیقی و قلمی نویسندگان و محققین یک زبان را به مردمی که به زبان های دیگر آشنا هستند منتقل نمایند و محصول ارزشمند تلاش علمی و تحقیقی یک دانشمند بزرگ را در اختیار جمعیت های بیشتری قرار دهند و به این وسیله آن ها را نیز بهره مند نموده و به مقام و منزلت حضرت زهرا علیها السلام آگاه نمایند.

۵-عده ای از صاحبان قلم به نوسازی کتابهای گذشتگان همت گمارده و کتابهای مهمی را که به علت شخصیت برجسته مولفین یا مطالب و تحقیقات ممتاز آنها دارای اهمیت ویژه ای می باشد نوسازی کرده و در صمن حفظ اصول مهمه کتاب و مطالب عمده و اصلی آن با دسته بندی مناسب روز و عبارت پردازی مطابق فرهنگ معاصر ثمربخشی آن را افزایش دهند.

۶-برخی از صاحبان قلم و محققین عالیقدر به تشریح متون خطبه ها دعاها و احادیث حضرت زهرا علیها السلام پرداخته اند که آثار فراوانی را در بردارد.

۷-و هم چنین به برخی از نویسندگان دلباخته برخورد می نمائیم که به وسیله به کارگیری لغات و واژه های مهیج زیبا و برانگیزاننده

ص:۹۸

و جمله بندی های شیوا و دلپذیر و تاثیرگذار کتابهایی را تالیف نموده اند که برای طبع های نوپسند و روح های ظریف و احساسات و ذوق های لطیف و طرفداران هنر و ادبیات جدید بسیار جالب می باشد و آنها را شدیدا تحت تاثیر قرار می دهد و بدین وسیله جمعیت کثیری را به خیل علاقمندان به حضرت زهرای مرضیه علیها السلام ملحق می نماید.

۸-و نیز به دسته دیگری از صاحبان تالیف برخورد می نماییم که با جمع آوری داستان های زیبا و جالب و آموزنده از زندگانی آن حضرت روح و روان علاقمندان به آن بانوی نمونه را تزکیه نموده و به سوی ارزشهای متعالی هدایت می نمایند.

۹-و جمع دیگری نیز به جمع آوری اشعار متنوع در زمینه های گوناگون زندگی و شخصیت و شهادت حضرت همت گمارده اند که با زبان شعر همه چیز را تفسیر و تبیین نموده و با شمشیر بران شعر و ادب پیروزی هایی را نصیب حق و طرفداران آن نموده اند.

۱۰-و در نگاهی دیگر به محققین و نویسندگان بزرگی برخورد می کنیم که در اثبات مظلومیت و شهادت حضرت زهرای مطهره علیها السلام از هیچ تحقیق و بررسی صرف نظر ننموده و برای اثبات خدشه ناپذیری آن از هیچ کوشش و مجاهدت و تفحص و تتبعی دریغ ننموده اند.

کتابهای فراوانی را سطر به سطر مطالعه کرده با مصادر و منابع گوناگون مقابله نموده و با مدارک و مآخذ مورد قبول مخالفان مقایسه کرده و با روشی مقبول و استدلالاتی تشکیک ناپذیر ستمگری های دشمنان و مصائب آن بانوی مظلومه را به اثبات رسانیده اند.

ص:۹۹

۱۱-و دسته ای از نویسندگان به دفع شبه ها و اشکالات مخالفین پرداخته و سنگ اندازی های آنها را خنثی نموده اند.

۱۲-و جمعی دیگر نیز با توجه به مخاطبان خود عنایت ویژه خود را متوجه چگونگی روحیه خوانندگان نموده اند همانند: کتاب برای کودکان و نوجوانان کتاب برای تازه آشنایان با دین و ... که این نوع از کتابها در قشرهای وسیعی از جامعه تاثیرگذار می باشد.

تقسیم کتابها با نگرشی دیگر

در بخش قبل کتابهای مربوط به حضرت زهرا علیها السلام را دسته بندی نمودیم و در این قسمت با نگرشی دیگر تقسیم بندی دیگری می نمائیم و از هر قسمتی چند نمونه را به عنوان مثال مورد اشاره قرار می دهیم:

کتابهای مفصل و دارای نقاط برجسته

در میان کتابهای تالیف شده درباره فاطمه زهرا علیها السلام به کتابهایی برخورد می نمائیم که نویسندگان آنها با فعالیتی گسترده و پشتکاری اعجاب انگیز اثاری ماندگار و مفصل به وجود آورده اند که در موضوع خود از اهمیت خاصی برخوردار است که ذیلا به چند نمونه اشاره می نمائیم.

الف-اعلموا انی فاطمه

این کتاب به زبان عربی و در ده جلد قطور می باش و نویسنده آن خطیب نامدار عرب و دلباخته و دلسوخته حضرت زهرا علیها السلام آقای شیخ عبدالحمید مهاجر می باشد این مجموعه ده جلدی در ۷۶۰۲ صفحه به چاپ رسیده و ابعاد گوناگون زندگی و شخصیت و درسهای اخلاقی و تربیتی و اجتماعی حضرت

ص:۱۰۰

زهرا علیها السلام را مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار داده است و برداشت های جالبی از زندگانی آن حضرت نموده و یکی از مفصل ترین کتابها درباره حضرت زهرا علیها السلام می باشد.

ب-جامع احادیث فاطمه الزهرا

کتابی است که در حدود ۱۰ جلد می باشد و همه احادیث مربوط به حضرت زهرا علیها السلام از منابع شیعه و غیر شیعه در آن گردآوری شده و احادیث یاد شده از نظر رجال و درایه مورد بررسی قرار گرفته است.

این کتاب عربی و خطی می باشد. (۱)

ج-عوالم العلوم-جلد ۱۱

بخش مربوط به حضرت زهرا علیها السلام از کتاب عظیم عوالم العلوم و المعارف که با تحقیق و پاورقی به وسیله موسسه الامام المهدی علیه السلام قم زیر نظر آیه الله العظمی آقای حاج سید محمدباقر ابطحی مدظله در سال ۱۳۶۳ شمسی و با همت مرحوم آیه الله حاج سید احمد فقیه امامی قدس سره (موسس کتابخانه عمومی الزهرا علیها السلام اصفهان) به چاپ رسید و در سال ۱۴۱۱ قمری چاپ دوم آن با استدراکات بیشتر در ۶۷۲ صفحه با همکاری موسسه الامام المهدی علیه السلام و کتابخانه الزهرا علیها السلام اصفهان چاپ و منتشر گردید ولی در اثر موفقیت نهضت فاطمیه انگیزه تحقیق بیشتر در محققین موسسه الامام المهدی علیه السلام به وجود آمد و با استدراکات و تحقیقاتی بسیار گسترده و کامل مقدمات چاپ سوم کتاب را فراهم نمودند و با همکاری موسسه الامام المهدی علیه السلام و کتابخانه الزهرا علیها السلام کتاب یاد شده در ۱۳۱۲ صفحه وزیری (در دو جلد) آماده گردید در اولین

۱- فاطمه در آئینه کتاب صفحه ۲۲۳ شماره ۳۷۶

سال ارتحال مرحوم آیه الله المامی قدس سره (موسس کتابخانه الزهرا علیها السلام) چاپ و منتشر گردید.

در چاپ سوم این کتاب تحقیقات و استدراکات بسیار مفصل و جالبی انجام گرفته و در بسیاری از مباحث کتاب همانند: بحث فدک مصائب و مظلومیت های حضرت زهرا علیها السلام کلمات و دعاهای آن حضرت و ... راه گشایی های بسیار ارزشمندی انجام گرفته که در تحول علمی و تحقیقی در مباحث مهمه مربوط به حضرت زهرا علیها السلام نقش داشته و در بسیاری از تحقیقات و تالیفات بعد از آن در ادامه این حرکت علمی بزرگ گام های موثری برداشته شده است.

الکوثر فی احوال فاطمه بنت النبی الاطهر

کتابی است به زبان عربی و چاپی که در هفت جلد بزرگ وزیری تنظیم شده است و آنچه از آیات و روایات درباره فاطمه زهرا علیها السلام آمده جمع نموده و مورد بحث قرار داده است نویسنده کتاب دانشمند محقق آقای سید محمدباقر موسوی می باشند.(۱)

ه-زندگانی حضرت زهرا علیها السلام

این کتاب در هفت جلد تهیه گردیده و روایات مربوط به حضرت زهرا علیها السلام از جلد ۴۳ بحار الانوار و سایر مجلدات آن جمع آوری گردیده و به زبان فارسی ترجمه شده است و احادیث شریفه اعراب گذاری شده و تحقیقات و علیقاتی بر آنها افزوده شده است. (۲)

۱- فاطمه در آئینه کتاب صفحه ۶۰۱ شماره ۱۵۹۹

۲- فاطمه در آئینه کتاب صفحه ۳۵۵ شماره ۸۰۷

و-متن درس زهرا شناسی

مجموعه درسهایی است برای بانوان که از زندگی حضرت زهرا علیها السلام استفاده می شودو در ده جلد جمع آوری گردیده است. (۱)

ز-متن فقه الزهرا

کتابی است در ۶ جلد که مسائل فقهی از خطبه ها و دعاهای حضرت زهرا علیها السلام و نیز حدیث شریف کساء استخراج و استنباط گردیده و نویسنده آن مرجع عالیقدر مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج سید محمد حسینی شیرازی قدس سره می باشند.

کتاب یاد شده که با سبکی نوین و روشی ابتکاری تالیف گردیده مسائل گوناگون اعتقادی فقهی و اخلاقی را با استفاده از آثار جاوید حضرت صدیقه طاهره عرضه نموده و در اختیار شیفتگان هدایت های خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام بالاخص حضرت زهرای مرضیه علیها لاسلام قرار داده اند و تاکنون چهار جلد آن به چاپ رسیده و منتشر گردیده است.

ح-الموسوعه الکبری عن فاطمه الزهرا

کتابی است بسیار مفصل در بیست جلد که با هدف جمع و تدوین و تحقیق تمام موضوعات مربوط به حضرت زهرا علیها السلام از همه مدارک و منابعی که در دسترس بوده فراهم گردیده است و برای آماده سازی این کتاب بیش از سی هزار جلد کتاب از منابع شیعه و غیر شیعه از کتب تفسیر و حدیث و رجال و تاریخ و ... مورد مطالعه قرار گرفته و فیش برداری شده است.

۱- فاطمه در آئینه کتاب صفحه ۶۳۰ شماره ۱۶۸۶

اقدام برای تالیف این کتاب بیش از ده سال سابقه و ادامه دارد (۱) و تاکنون جلد ۱و۲و۳و۲۰ آن به چاپ رسیده است.

و همچنین کتابهای بسیار ارزشمند دیگری تالیف و منتشر گردیده که به خاطر تحقیقات زیاد و یا تفصیل کامل از اهمیت ویژه برخوردار می باشند همانند:

ملحقات احقاق الحق بخش مربوط به حضرت زهرا علیها السلام که در ششصد صفحه از احادیث اهل سنت زیرنظر مرحوم آیه الله العظمی آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی قدس سره فراهم گردیده و هم چنین کتاب ارزشمند فاطمه الزهرا فی القرآن تالیف حضرت آیه الله العظمی آقای حاج سید صادق حسینی شیرازی مدظله که به سبکی جالب و موثر ایات شریفه قرآنی که (به اقرار عامه و طبق روایات آنها) درباره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می باشد مورد بحث قرار داده اند و در این زمینه در نشان دادن جایگاه بزرگ و برجسته حضرت زهرا علیها السلام در قرآن مجید گامی شایسته برداشته اند و تاکنون چهار نوبت به چاپ رسیده و منتشر گردیده است.

و هم چنین کتاب فاطمه بهجه قلب المصطفی از نویسنده محقق ایه الله شیخ احمد رحمانی همدانی که تاکنون چندین بار اصل کتاب و ترجمه آن به زبان فارسی چاپ شده و مورد استفاده محققین و نویسندگان و عموم مردم قرار گرفته است. و نیز کتابهای دیگری که نویسندگان بزرگ آنها نه تنها در بیداری عموم مردم و توجه به عظمت حضرت زهرا علیها السلام موثر بوده اند بلکه تالیفات آنها سرمایه ای برای دیگر نویسندگان و محققین بوده است.

ص:۱۰۴

۱- فاطمه در آئینه کتاب صفحه ۶۷۷ شماره ۱۸۴۳

کتابهایی که عمدتا در اثبات مظلومیت حضرت زهرا است

در دوره اخیر شماری از تالیفات پرارزش به وسیله نویسندگان محقق و دلسوخته عرضه شده است که مصائب و مظلومیت های حضرت زهرا علیها السلام را با ادله فراوان و مخصوصان با استناد به روایات عامه اثبات نموده اند و گام بزرگی در راه موفقیت نهضت فاطمیه برداشته اند ک ذیلا به شماری از آنها اشاره می نمائیم:

الف-آتش به خانه وحی که از منابع مهم و معتبر عامله مظلومیت حضرت زهرا علیها لاسلام اثبات شده است.

ب-احراق بیت الزهرا فی مصادر اهل السنه این کتاب ترجمه عربی آتش به خانه وحی است

ج-احراق بیت فاطمه فی الکتب المعتبره عند اهل السنه که آتش زدن خانه حضرت زهرا علیها السلام و اعتراق ابوبکر را به مسئله سوزندان خانه در هنگام مرگ خودش از کتب عامه اثبات نموده است.

د-بر خانه فاطمه چه گذشت؟ در این کتاب آتش زدن در خانه حضرت زهرا علیه السلام و ضرب و جرح آن حضرت از منابع شیعه و عامه مورد بحث قرار گرفته است.

ه-جزاء اعداء الصدیقه الشهیده، فاطمه الزهراء فی دار الدنیا در این کتاب که سه جلد می باشد مجازات دشمنان حضرت زهرا علیها السلام مورد بحث قرار گرفته و ظلم هایی همانند آتش زدن به در خانه سقط چنین شهادت حضرت محسن علیه السلام و ... بررسی شده است.

و-رنج های حضرت زهرا علیها السلام این کتاب ترجمه کتاب ماساه الزهراء علیها السلام از

نویسنده محقق و نامدار سید جعفر مرتضی عاملی می باشد و در این کتاب مصادر آتش زدن در خانه حضرت زهرا علیها السلام زدن حضرت فاطمه شکستن پهلوی آن حضرت مجروح شدن چشم آن حضرت شهادت حضرت زهرا علیها السلام و حضرت محسن علیه السلام مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

ز-ظلامات فاطمه الزهراء فی السنه و الآراء در این کتاب ستم های وارده بر حضرت زهرا علیها السلام در قصه فدک و هجوم به در خانه حضرت و قصه ضرب و شکستن پهلو و خبر مسمار و اسقاط جنین و منع حضرت از گریستن و اخفاء قبر حضرت از روایات و گفتار علماء و بزرگان مورد بحث و اثبات قرار گرفته است.

ح-ظلامات الصدیقه الشهیده الزهرا و شرح ماوقع علیها من الجنایات در این کتاب انواع ظلم و ستم هایی که بر فاطمه زهرا علیها السلام وارد گردیده اثبات شده است اعم از ستم های : روحی جسمی و اجتماعی و ...

ط-علی باب فاطمه درباره ظلم های فراوان از احراق باب و ضرب و اسقاط محسن و ... بحث شده است.

ی-ماساه الزهراء جلد ۱و۲ در این کتاب که از نویسنده محقق و نامدار سدی جعفر مرتضی عاملی می باشد به سبکی علمی و بسیار محققانه و متین مظلومیت ها و مصائب حضرت زهرا علیها السلام از نظر تاریخ و حدیث و نظریه های بزرگان مورد بررسی قرار گرفته است و شبهات موجود رد شده است و به همین جهت نام دیگر کتاب (شبهات و ردود) می باشد.

یا- المحسن بن فاطمه در این کتاب از حضرت محسن و مظلومیت های او و مادرش فاطمه زهراء علیها السلام بحث شده است و به زبان فارسی می باشد و انواع

مصائب و مظلومیت های حضرت زهرا علیها السلام را ترشح نموده است.

یب-مقتل الزهراء که به زبان عربی می باشد و شهادت حضرت زهرا علیها السلام و دلائل و مقدمات آن به شکل مقتل نویسی با اتکاء به مدارک شیعه و عامه نقل گردیده است.

یج-الهجوم علی بیت فاطمه در این کتاب قضیه هجوم به خانه فاطمه زهرا علیها السلام مورد بحث قرار گرفته و ستم های وارده تشریح گردیده است. این کتاب به زبان فارسی نیز ترجمه گردیده و به نام : هجوم به خانه فاطمه نامگذاری شده است. و همچنین کتابهای دیگری در این زمینه تالیف گردیده است همانند:

مقتل الزهرا علیها السلام (از پنج نویسنده به نحو مشترک) مقتل فاطمه الزهرا علیها السلام و مقتل محسن و ... و هم چنین بخش فاطمه الزهرا علیها السلام از کتاب عوالم العلوم که در چاپ سوم آن که با استدراکات فراوان در ۱۳۱۲ صفحه چاپ شده بخش بسیار مفصل و مستندی درباره انواع مصائب و مظلومیت های فاطمه زهرا علیها السلام آورده شده که راه گشای برای بسیاری از محققین و مولفین در این موضوع مهم بوده است.

مجموعه های شعری درباره فاطمه زهرا

بخش قابل توجهی از کتابهای منتشر شده درباره فاطمه زهرا علیها السلام در برگیرنده سروده هایی است که شعرای علاقمند به اهل البیت علیهم السلام درباره آن حضرت سروده اند و سیری روحانی در آن اشعار نشان می دهد که در سالهای اخیر چه تحول عظیم و بی سابقه ای در ادبیات فاطمی به وقوع پیوسته است در این کتابها طوفان عشق و ارادت نسبت به حضرت زهرا علیها السلام ترسیم

عظمت و شخصیت آن حضرت تشریح و تبیین مظلومیت ها و مصیبت های وارده بر آن مظلومه با زبان شعر و ادب عرضه گردیده و در دلها موجی از شور و سوز ایجاد می نماید و سهم بزرگی از حرکت آگاهی بخش را بر عهده گرفته است و ذیلا به قسمت عمده این مجموعه ها اشاره می نمائیم:

۱-آئینه عصمت ۲-آئینه کوثر ۳-آئینه و سنگ ۴-آتش در حرم ۵-اشک نامه ۶-انسیه حوراء ۷-باز هم از تو سخن می گویم ۸-بانوی آب ۹-بانوی آفتاب ۱۰-بر بال فرشتگان ۱۱-بهشت آرزو ۱۲-بهشت بی نشان ۱۳-تولد مادر ۱۴-جلالت حضرت زهراء ۱۵-چشمه بی نشان ۱۶-خاتون نور ۱۷-خورشید عالمتاب حضرت زهراء ۱۸-دختران نمونه ۱۹-در رثای کوثر ۲۰-در غربت کوثر ۲۱-دو دریای رحمت ۲۲-دیوان الحنین فی ذکری الطاهرین ج ۳ یا (فی رثاء فاطمه الزهراء) ۲۳-دیوان الزهراء (از مهاجر) ۲۴-دیوان الزهراء (از عندلیب) ۲۵-دیوان زهرائیه ۲۶-دیوان العبرات الفاطمیه ۲۷-دیوان فاطمه علیها السلام ۲۸-دیوان فاطمه الزهراء ابراهیم جواد ۲۹-دیوان فاطمه الزهراء کامل سلمان جیوری ۳۰-دیوان فاطمه الزهراء محمد عبدالرحیم ۳۱-دیوان فاطمه الزهراء محمد روحانی ۳۲-دیوان الفاطمیات ۳۳-دیوان کسر الضلع فی مظلومیه الزهراء ۳۴-دیوان لوعه الزهراء جلد ۳، ۳۵-راز دل ۳۶-روضه الزهراء ۳۷-ریحانه بهشت۳۸-ریحانه النبی ۳۹-زلال کوثر ۴۰-شبنم داغ ۴۱-شرار عشق ۴۲-شعرای محسن بن علی (درباره شعرائی که درباره محسن به زبان فارسی و عربی و ترکی و اردو سروده اند) ۴۳-شعر شناسی فاطمه ۱۵۰۰ قطعه شعر که درباره حضرت زهرا علیها السلام سروده شده و از هر قطعه یک بیت آورده شده و به زبان های عربی و فارسی و ترکی و انگلیسی و غیره می باشد. ۴۴-شمع سوزان علی ۴۵-ضریح گمشده ۴۶-طلوع فاطمه ۴۷-عصمت

سبز ۴۸-عطر گل یاس ۴۹-غربت خورشید ۵۰-غمنامه فاطمه ۵۱-فاطمه الزهراء ۵۲-فاطمه الزهراء فی دیوان الشعر العربی ۵۳-فاطمه زهراء یاس عصمت ۵۴-فاطمیات ۵۵-الفاطمیات و مختارات من الادب الفاطمی ۵۶-فاطمیون ۵۷-فدک الزهراء ۵۸-قوافل الشعر فی سیره الزهراء ۵۹-کتیبه تولا ۶۰-کعبه عفاف ۶۱-کلمه الزهراء ۶۲-کلید هفت آسمان ۶۳-کوثر (برگزیده سروده های دانش آموزان کشور) ۶۴-کوثر اشک ۶۵-کوثر نور ۶۶-گلبن عصمت ۶۷-لاله های زهرائی ۶۸-للزهراء شذی الکلمات ۶۹-مثنوی غربت ۷۰-مجموعه ادب الزهراء ۷۱-مجموعه اشعار فاطمه زهراء ۷۲-مجموعه اشعار برگزیده درباره حضرت زهراء ۷۳-مجموعه شعر اهل بیت دفتر دوم حضرت فاطمه ۷۴-مصائب فاطمه الزهراء ۷۵-مناقب فاطمی در شعر فارسی ۷۶-موسوعه ادب المحنه (شعراء المحسن بن علی) ۷۷-ناله های زهرائی ۷۸-نغمه های فاطمیه ۷۹-نگین عصمت ۸۰-نیلوفر کبود ۸۱-ودیعه الرسول ۸۲-ویژه نامه ... بانوی آفتاب ۸۳-همای بهشتی ۸۴-یاس شقایق گون ۸۵-یاس کبود ۸۶-یاس مدینه ۸۷-یادواره یک هزار و چهارصدمین سال شهادت فاطمه زهرا علیها السلام

در کتاب های یاد شده اشعار عربی-فارسی-ترکی-اردو - انگلیسی در زمینه مدح و منقبت مصیبت و نوحه سرائی جمع آوری شده است و از تنوع بسیار زیادی برخوردار می باشد زیرا همه شعراء با همه درجات علمی و مطالعات متفاوتی که دارند و با ذوق ها و نگرش ها و گرایش های گوناگونی که در افکار و اندیشه های آنها وجود دارد خود رادر زمره دوستان و علاقمندان حضرت زهرا علیها السلام قرار داده اند و در حمایت از مکتب و راه آن حضرت از شمشیر زبان و ادب بهره جسته اند.

ص:۱۰۹

در میان شعراء یاد شده دانشمندان و اندیشمندانی از زن و مرد نوجوان و جوان و میان سال و کهن سال دانشجو و فارغ التحصیل دانشگاه طلبه و استاد حوزه علمیه و مرجع تقلید و ... وجود دارد و همه و همه در پاسخ به فریادهای مظلومانه حضرت زهرا علیها السلام که فرمودند:

ما هذِهِ الغَمیزَةُ عن حَقّی وَ السِّنَهُ عَن ظُلامَتی

آرام ننشستندو از حق مسلم فاطمه مظلومه دفاع نمودند و خود را به خواب غفلت نزدند بلکه در رساندن ناله های مظلومانه آن شهیده بزرگ به مردم جهان از ذوق و استعداد و هنر و ابتکار و نوآوری خویش بهره گرفته اند.

و در یک کلام با زبان شعر به یاری زهرای مظلومه علیها السلام برخاسته اند.

کتابهایی که سر فصل ها و تیترهای جالب دارد

عده ای از نویسندگان درباره فاطمه زهرا علیها السلام برای اینکه بتوانند مخاطبین زیادی را متوجه عظمت و شخصیت و شهادت حضرت زهرا علیها السلام بنمایند در کتابهایشان از عنوان های جذاب و جالب توجه استفاده کرده اند و بدین وسیله در گسترش فرهنگ زهرا شناسی گام مثبت و ارزشمندی برداشته اند که به نمونه هایی از این قبیل اشاره می نمائیم:

الف-بانوی اول صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام در این کتاب سرفصل ها و عنوان هایی از این قبیل وجود دارد:

۱-شکفتن یک گل ۲-به دنبال آفتاب ۳-پیوند دو دریا ۴-در سوک یک عزیز ۵-تیغی برفرق ظلم ۶-شب چراغ ۷-آخرین فروغ و ...

ب-بوی گل یاس در این کتاب عنوان هایی از این قبیل وجود دارد:

۱-عطر یاس ۲-سال حزن ۳-چهره خاک آلود ۴-قلب فاطمه ۵-لبخند گرم

ص:۱۱۰

۶-مهمان جوان ۷-صدای مهربان ۸-تمام شادی دنیا ۹-گریه نوزاد ۱۰-مهربانی بلال ۱۱-اولین غنچه ۱۲-مانند دو الماس ۱۳-سایه غم ۱۴-بوی پائیز ۱۵-نخل های خفته و ...

ج-تولد مادر با عناوینی این چنین: ۱-الهام شب ۲-مدینه من ۳-جام روز الست ۴-صبح شفق ۵-اسوه هستی ۶-گل بهشت ۷-تولد کوثر ۸-اشک فاطمه ۹-گل میثاق ۱۰-عالمه دهر ۱۱-مصباح رب کریم ۱۲-سرود کوثر

د-حضرت محسن علیه السلام این کتاب داستان گونه ای است که شهادت حضرت محسن علیه السلام را ترسیم نموده و غم نامه ای است که مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام را بیان می کند و عنوان هایی از این دست دارد: ۱-یا موقد النار مهلا ۲-آشنایی با گل زهرا ۳-در انتظار غنچه ۴-روزهایی با یاد مادر و فرزند ۵-قلبم زبانه می کشد و ... و در مجموع کتاب از واژه هایی بهره گیری شده که بر قلب خواننده خراشی عمیق وارد می کند و او را در برابر دردها و رنج های حضرت زهرا علیها السلام و محسن شهیدشان دگرگون می سازد.

۰-خزان در بهار که در این کتاب هیجده مناسبت از هیجده سال زندگی حضرت زهرا علیها السلام آمده است.

و-ستاره دنباله دار امامت عناوین کتاب از این قرار می باشد:

۱-مروارید چشم ۲-پای طلب ۳-بال پرواز ۴-لباس صبر ۵-بلور شبنم ۶-تسبیح حمزه ۷-خوشه گندم ۸-دست دعا ۹-یار دیر آشنا ۱۰-ریشه رشد ۱۱-گوش هوش ۱۲-آب حیات ۱۳-خون تشیع ۱۴-بشارت شفاعت ۱۵-نفس مسیحائی ۱۶-جامه احرام ۱۷-سجاده نور ۱۸-مهر نماز

در این کتاب به مراحل هیجده بهار عمر حضرت زهرا علیه السلام پرداخته است

و عنوان سیر و سفری از سرآغاز سپیده صبح تا سرانجام سیاهی شب گشت و گذاری از قعر بحر احمر تا قله کوه نور به آن داده است.

ز-فاطمه زهرا شکوفه عصمت

در این کتاب هیجده مناسبت مطابق هیجده سال سن حضرت زهرا علیها السلام آمده است و فصول کتاب بدین قرار است:

۱-هیجده آیه قرآن درباره حضرت زهرا ۲-هیجده حدیث درباره حضرت زهرا ۳-هیجده گفتار درباره حضرت زهرا ۴-هیجده خاطره از هیجده سال ۵-هیجده داستان از زندگی آن حضرت ۶-هیجده حدیث منقول از آن حضرت ۷-هیجده مناسبت از هیجده سالگی زندگی حضرت ۸-هیجده ویژگی از حضرت ۹-هیجده صفت والای حضرت ۱۰-هیجده نام از نام های حضرت ۱۱-هیجده فراز از خطبه حضرت ۱۲-هیجده فراز از وصیت نامه حضرت ۱۳-هیجده مظلومیت از حضرت ۱۴-هیجده شعر درباره حضرت ۱۵-هیجده رباعی درباره حضرت ۱۶-هیجده مطلب درباره عبادات زیارات و توسلات ۱۷-هیجده کتاب فارسی پیرامون حضرت ۱۸-هیجده منبع و مرجع پیرامون شخصیت حضرت

ح-قبر مادرم کجا است؟

نویسنده کتاب (که بانوئی دلباخته حضرت زهرا علیها السلام است) دختری را در جستجوی قبر گمشده مادر (فاطمه زهرا) علیها السلام ترسیم کرده است و کتاب او مشتمل بر تیترهای جالی این چنین می باشد:

در جستجوی گمشده قبر مادرم را نشانم بده مادر شبانه به خاک می رود آیا قبر مادرم پیدا می شود؟ به زیارت مادر می روم قبر مادر کنار ما به جای قبر گمشده نماز فاطمه حرز فاطمه تسبیح فاطمه راز دل قبر بی نشان مادر به زهرا چه

گذشت؟ غروب زهره زهرائی مادر کجائی؟

نویسنده با تعبیرات و تیترهای جذاب و تکان دهنده ای که انتخاب نموده و خواننده را در دریایی از غم و اندوه در مصیبت زهرای شهیده فرو می برد.

ط-هیجده بهار گل

در این کتاب هیجده موضوع به شماره سالهای عمر حضرت زهرا علیها السلام مطرح گردیده است:

۱-مژده جان بخش ۲-کوثر جوشان عصمت ۳-رسم مستوری ۴-شادی عرش گستر ۵-جامه عروسی ۶-دو دیدگاه ۷-فضیلت ویژه ۸-صمیمیت ۹-دعائی بی ریا ۱۰-آئین مهر ورزی ۱۱-خشم و رضا ۱۲-تسبیحات ۱۳-اهل بیت علیهم السلام ۱۴-روزه پربرکت ۱۵-مباهله ۱۶-اذان خاطره انگیز ۱۷-سند عفاف ۱۸-خزان شکیب علی علیه السلام.

در مجموع کتابهای دوره اخیر بهره گیری از واژه های مهیج حزن آور و تکان دهنده و انگیزه ساز فراوان دیده می شود که نگاهی به مجموع کتابهای معروفی شده در کتاب نفیس فاطمه در آئینه کتاب موضوع یاد شده را به خوبی نشان می دهد.

کتابهایی که جنبه الگویی فاطمه زهرا را نشان می دهد

بخش قابل توجهی از کتابهای منتشره مربوط به تشریح نقش الگویی فاطمه زهرا علیها السلام است که ذیلا به نمونه هایی اشاره می نمائیم:

۱-آداب زندگی یا اقتباس از زندگی حضرت زهرا علیها السلام ۲-اخلاق فاطمه علیها السلام ۳-اداره منزل ۴-اسوه اخلاق ۵-الگوی مادران ۶-پاره پیامبر (الگوی کمالات الگوی شوهرداری الگوی خانه داری و ... بحث شده) ۷-تربیت فرزند ۸-چگونگی

انطباق شاخص های تربیتی حضرت فاطمه با عصر حاضر ۹-خوشبختی چیست ۱۰-فاطمه اسوه آگاهی و عفاف ۱۱-فاطمه اسوه زنان ۱۲-فاطمه الگوی آسمانی برای زنان زمینی ۱۳-فاطمه الگوی زندگی ۱۴-فاطمه الگوی زن مبارز ۱۵-فاطمه الگوی زن مسلمان ۱۶-نقش الگویی حضرت زهرا علیها السلام ۱۷-همسرداری و شیوه های تربیتی در سیره فاطمه زهرا علیها السلام.

کتابهایی که جنبه تحلیلی دارد

در شماری از تالیفات درباره حضرت زهرا علیها السلام به بررسی و تحلیل رویدادهای زندگی آن حضرت پرداخته شده است همانند:

۱-ابعاد سیاسی زندگانی حضرت زهرا علیها السلام ۲-تحلیل حوادث ناگوار زندگی فاطمه زهرا علیها السلام ۳-تحلیل سیره حضرت زهرا علیها السلام ۴-تحلیلی از زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام ۵-جایگاه عبادت حضرت زهرا علیها السلام (که تحلیلی نو از نقش عبادت آن حضرت) می باشد.

کتابهایی که از کتب مهم قدیمی اقتباس یا نمونه برداری یا ترجمه شده است.

در جریان نهضت فاطمیه تالیف درباره فاطمه زهرا علیها السلام کتابهای مهم و فراموش شده ای مورد توجه قرار گرفته و با اقتباس یا فصل برداری و یا ترجمه آنها کتابی قابل بهره برداری برای عموم علاقمندان به حضرت زهرا علیها السلام تهیه و منتشر گردیده است که ذیلا به چند نمونه اشاره می نمائیم:

۱-آیات و معجزات سید النساء فاطمه الزهرا علیها السلام

این کتاب فصلی از کتاب الثاقب فی المناقب تالیف ابن حمزه است که توسط هیئت فاطمه الزهرا علیها السلام تهران ترجمه شده و مستقلا به چاپ رسیده است.

ص:۱۱۴

۲-بوی بهشت سوخته

این کتاب برگزیده ای از کتاب جلاء العیون علامه مجلسی است که به سبک و روش روز آماده و منتشر گردیده است.

۳-تبسم روح

این کتاب ترجمه کتاب الثغور الباسمه، فی فضائل السیده فاطمه است که از عبدالرحمن سیوطی می باشد و با مقدمه و شرح حالی از مولف به زبان فارسی منتشر گردیده است.

۴-خانه غم

این کتاب ترجمه کتاب بیت الاحزان مرحوم حاج شیخ عباس قمی می باشد

۵-در فضائل الگوی زنان فاطمه علیها السلام

اصل این کتاب از جلال الدین سیوطی است که به زبان فارسی ترجمه شده است.

۶-رنجها و فریادهای فاطمه علیها السلام

ترجمه ای است از کتاب بیت الاحزان مرحوم حاج شیخ عباس قمی

۷-زندگانی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

گزینشی است از مطالب کتاب شریف جلاء العیون علامه مجلسی و منتهی الآمال مرحوم محدث قمی درباره حضرت زهرا علیها السلام که به سبک ساده نویسی عرضه شده است.

۸-صدیقه شهیده زهرا علیها السلام

ترجمه ای است از کتاب وفاه الصدیقه الزهرا علیها السلام از نویسنده بزرگ مرحوم سید عبدالرزاق موسوی مقرم

۹-فاطمه علیها السلام دخت پیامبر صلی الله علیه و آله

ص:۱۱۵

که ترجمه قسمتی از کتاب المجالس السنیه می باشد.

۱۰-اللمعه البیضاء فی شرح خطبه الزهرا علیها السلام

کتاب ارزشمندی است از مرحوم انصاری قراچه داغی تبریزی متوفای ۱۳۱۰ قمری که در سال ۱۲۹۷ قمری به چاپ رسیده بوده و پس از گذشت یکصد و بیست و یک سال در سال ۱۴۱۸ قمری با تحقیق و شرح حال مولف مجددا به چاپ رسیده است.

۱۱-الکلمه الغراء فی تفضیل الزهراء علیها السلام

از بزرگمرد جهان شیعه سید عبدالحسین شرف الدین که مکررا چاپ شده و مکررا به فارسی ترجمه گردیده و به چاپ رسیده و نیز به زبان ترکی استانبولی ترجمه و چاپ شده است.

۱۲-ما روته العامه من فضائل الزهراء علیها السلام

تالیف یکی از علماء قرن دوازدهم به نام حیدر علی بن محمد شیروانی است که در سال ۱۴۲۱ قمری ترجمه و منتشر گردیده است. هم چنان که ملاحظه می نمائید در جریان نهضت تحقیق و تالیف در دوره اخیر آثار گذشتگان و احیاء و نشر آنها نیز مورد توجه قرار گرفته است.

کتابهایی که به وسیله طبقه نسوان تالیف یا ترجمه شده است

شمار زیادی از دوشیزگان و بانوان با درجات متفاوت علمی در میان نویسندگان کتاب درباره فاطمه زهرا علیها السلام دیده می شوند که نقش بسیار موثری در رشد و پیشرفت نهضت فاطمیه دارند.

آنها با احساسات و عواطف خاصی که در وجودشان هست می توانند در برانگیختن احساسات جامعه در دفاع از مظلومیت و حقوق آن حضرت نقش

ص:۱۱۶

موثری ایفا می نمایند. ذیلا نمونه هایی از کتابهایی که نویسنده آنها از طبقه نسوان می باشند ذکر می نمائیم و تنوع این کتابها از نام های آنها به خوبی آشکار می باشد.

۱-ابعاد خانوادگی و سیاسی شخصیت حضرت زهرا علیها السلام ۲-ابعاد سیاسی زندگی حضرت زهرا علیها السلام ۳-از فاطمه تا فاطمه علیها السلام ۴-باز هم ز تو سخن می گویم ۵-بانوی آفتاب ۶-بانوی بهشت ۷-بانوی نمونه اسلام ۸-بزرگ زن جهان ۹-بوی بهشت ۱۰-تابش زهرا علیها لاسلام در آئینه شعر عربی ۱۱-جایگاه عبادت در زندگی حضرت زهرا علیها السلام ۱۲-جایگاه و منزلت حضرت زهرا علیها السلام از دیدگاه اهل سنت ۱۳-جلوه های رفتاری حضرت زهرا علیها السلام ۱۴-چرا فاطمه فاطمه علیها السلام شد ۱۵-حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ۱۶-خطبه آتشین حضرت زهرا علیها السلام ۱۷-خطبه های حضرت صدیقه کبری علیها السلام ۱۸-دیوان الحنین فی ذکری الطاهرین جلد ۳، ۱۹-راز دل ۲۰-زندگنی سیاسی حضرت زهرا علیها السلام ۲۱-زندگی حضرت فاطمه علیها السلام ۲۲-صدیقه اطهر علیها السلام ۲۳-عمر مادرم ۲۴-فاطمه الگوی آسمانی برای زنان زمینی ۲۵-فاطمه علیها السلام حبیبه المصطفی ۲۶-فاطمه در آئینه اهل سنت ۲۷-فاطمه زهرا علیها السلام ۲۸-فاطمه الزهرا علیها السلام ۲۹-فاطمه الزهرا علیها السلام اسوه المراه المسلمه ۳۰-فاطمه زهرا علیها السلام بانوی نمونه اسلام ۳۱-فاطمه زهرا علیها السلام در مقام جهاد و مقاومت ۳۲-فاطمه زهرا علیها السلام مظهر اسماء الله تعالی ۳۳-فاطمه الزهرا علیها السلام نبراس الرساله ۳۴-فاطمه علیها السلام فی محنه التاریخ ۳۵-فرازهایی از زندگانی حضرت زهرا علیها السلام ۳۶-قبر مادرم کجاست؟ ۳۷-قطره از دریا ۳۸-قلم ها و سایه ها ۳۹-کتاب الزهراء علیها السلام ۴۰-کرامات حضرت زهرا علیها السلام ۴۱-کشتی پهلو گرفته به روایتی دیگر ۴۲-کوثر هدایت ۴۳-لاله های پرپر فاطمه علیها السلام ۴۴-مادر خوبی داشتیم

۴۵-مجموعه مقالات برگزیده پیرامون حضرت زهرا علیها السلام ۴۶-مقام علمی و کرامات حضرت زهرا علیها السلام ۴۷-یاس آسمانی

برای آشنایی بیشتر با تالیفات یاد شده و نویسندگان آنها که همه از طبقه نسوان می باشند به کتاب فاطمه در آئینه کتاب مراجعه شود ولی نکته مهم د رمجموع آثار یاد شده این است که د رزمینه تحقیق جمع آوری و تتبع ترجمه به زبان های خارجی و ... این علاقمندان دلباخته سهم بسزائی بر عهده گرفته اند.

کتابهایی از پایان نامه های تحصیلی

در میان کتابهای تلایف شده درباره فاطمه زهرا علیها السلام به عنوان های برخورد می نمائیم که مربوط به پایان نامه های تحصیلی می باشد و عمده نویسندگان آن از طبقه نسوان می باشند و نمونه هایی را ذکر می کنیم:

۱-بررسی علل و عوامل حمله به خانه امامت و ولایت از پایان نامه های جامعه الزهرا علیها السلام قم در سال ۷۹-۱۳۷۸

۲-پرتویی از زندگانی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از پایان نامه های جامعه الزهرا علیها السلام قم.

۳-چگونگی انطباق شاخص های تربیتی حضرت فاطمه با عصر حاضر از پایان نامه های جامعه الزهرا علیها السلام قم در سال ۱۳۷۶ شمسی

۴-چلچراغ از پایان نامه های مدرسه شهیدین در سال ۸۰-۱۳۷۹

۵-حضرت فاطمه در قرآن از پایان نامه های تحصیلی جامعه الزهرا علیها السلام قم.

۶-حیات سیاسی حضرت زهرا علیها السلام از پایان نامه های تحصیلی جامعه الزهرا علیها السلام قم.

۷-زندگی حضرت زهرا علیها السلام از ولادت تا شهادت از پایان نامه های

تحصیلی جامه الزهرا علیها السلام قم.

۸-زندگانی سیاسی حضرت زهرا علیها السلام د رزمان پیامبر از پایان نامه های تحصیلی جامعه الزهرا علیها السلام قم.

۹-فاطمه علیها السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله تا شهادت (۱) از پایان نامه های تحصیلی مدرسه شهیدین قم

۱۰-فاطمه علیها السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله تا شهادت (۲) از پایان نامه های تحصیلی مدرسه شهیدین قم

۱۱-فاطمه علیها السلام در قرآن از دیدگاه تفاسیر شیعه از پایان نامه های تحصیلی جامعه الزهرا علیها السلام سال ۷۵-۱۳۷۴

۱۲-فاطمه زهرا علیها السلام از دیدگاه ابن ابی الحدید از پایان نامه های تحصیلی جامعه الزهرا علیها السلام

۱۳-فاطمه علیها السلام همسر نمونه از دیدگاه آیات و روایات از پایان نامه های تحصیلی جامعه الزهرا علیها السلام قم سال ۱۳۷۷-۷۸

۱۴-فدک در تاریخ از پایان نامه های تحصیلی جامعه الزهرا علیها السلام سال ۱۳۷۸

۱۵-فدک عطیه الهی از پایان نامه های موسسه آموزشی و پژوهشی مذاهب اسلامی در قم

۱۶-نقش حضرت فاطمه علیها السلام در دفاع از ولایت از پایان نامه های جامعه الزهرا علیها السلام قم

۱۷-همسرداری و شیوه های تربیتی در سیره فاطمه زهرا علیها السلام از پایان نامه های جامعه الزهرا علیها السلام قم سال ۱۳۷۷

ص:۱۱۹

توضیحا پایان نامه های مدرسه شهیدین متعلق به آقایان و پایان نامه های جامعه الزهرا علیها السلام از خانم ها می باشد.

مجموعه های دانش آموزی در رابطه را حضرت زهرا علیها السلام

اداره آموزش و پرورش بعضی از استان های کشور برنامه ای را به اجرا در آوردند و دانش آموزان را به مطالعه و تحقیق درباره فاطمه زهرا علیها السلام تشویق نمودند و از آنها خواستند که نتیجه مطالعات خود را در کتابهایی تنظیم نموده و ارائه نمایند که نتیجه این حرکت مجموعه های ارزشمندی است که ذیلا به برخی از آنها اشاره مینمائیم:

۱-حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام این کتاب به وسیله پنج نفر از دانش آموزان دختر در استان اردبیل در سال تحصیلی ۷۴-۱۳۷۳ تالیف شده است.

۲-حضرت فاطمه علیها السلام این کتاب به وسیله شش نفر از دانش آموزان دختر از استان همدان در سال تحصیلی ۷۵-۱۳۷۴ تالیف شده است.

۳-زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام این کتاب به وسیله چهار نفر از دانش آموزان دختر از استان مازندران در سال تحصیلی ۷۵-۱۳۷۴ تالیف شده است.

۴-زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام این کتاب به وسیله سه نفر از دانش آموزان پسر از استان لرستان در سال ۷۴-۱۳۷۳ تالیف شده است.

۵ تا ۱۱-زندگی نامه فاطمه زهرا علیها السلام شش نفر از دانش آموزان دختر از استان کرمان هر کدام به نحو مستقل کتابی نوشته اند و به نام زندگی نامه فاطمه زهرا علیها السلام نامیده اند.

۱۲ تا ۱۶-عروس نور پنج نفر از دانش آموزان پسر از استان اصفهان هر

کدام به نحو مستقل کتابی نوشته اند که به نام عروس نور یا زندگی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نامیده اند.

۱۷-فاطمه زهرا علیها السلام کتابی است که سه نفر از دانش آموزان دختر در استان ایلام در سال ۷۳-۱۳۷۲ تالیف نموده اند.

۱۸-فاطمه زهرا علیها السلام در مقام جهاد و مقاومت این کتاب را دانش آموزان آموزشگاه شریعت در شهر ری تالیف نموده اند.

۱۹-فاطمه علیها السلام گلی از باغ محمد صلی الله علیه و آله این کتاب به وسیله دو نفر از دانش آموزان دختر از استان لرستان در سال ۷۳-۱۳۷۲ تالیف شده است.

۲۰-فدک قصه مظلومیت این کتاب را چهار نفر از دانش آموزان دختر از استان آذربایجان شرقی در سال ۷۵-۱۳۷۴ تالیف نموده اند.

۲۱-کوثر این کتاب برگزیده سروده های دانش اموزان کشور درباره حضرت زهرا علیها السلام است.

۲۲-یا فاطمه الزهرا علیها السلام این کتاب به وسیله دو نفر از دانش آموزان دختر از استان خوزستان در سال ۷۵-۱۳۷۴ تالیف شده است.

موارد فوق نمونه ای از تلاش و کوشش علمی دانش آموزان استان های گوناگون است که علاقه و محبت و معرفت خود را نسبت به فاطمه زهرا علیها السلام نشان داده اند و می توان به وسیله این نشانه ها نفوذ نهضت فاطمیه را در قشر جوانان تحصیل کرده ارزیابی نمود.

کتابهایی که برای کودکان و نوجوانان نوشته شده و بخشی از آنها مصور می باشد

در میان تالیفات فراوان درباره فاطمه زهرا علیها السلام به شماری از آنها برخورد

ص:۱۲۱

می نمـائیم که بـا زبـان کودکان و نوجوانان نوشـته شـده و چه بسا همراه با تصویرهای مناسب عرضه گردیـده که در توجه این بخش مهم از جامعه نسبت به حضرت فاطمه علیها السلام نقش موثر دارد که ذیلا اشاره می نمائیم:

۱-ام ابیها مصور برای دختران

۲-بانوی آسمانی برای نوجوان ها و دانش آموزان

۳-برگزیدگان جلد ۳ (حضرت فاطمه علیها السلام) برای نوجوانان

۴-برگ گل سرخ برای نوجوانان

۵-بوی گل یاس برای کودکان و نوجوانان

۶-حیاه فاطمه الزهرا علیها السلام مصور برای کودکان و نوجوانان

۷-خطبه حضرت زهرا علیها السلام (ویژه نوجوانان)

۸-داستان زندگی حضرت فاطمه علیها السلام مصور برای کودکان

۹-شکوفه مصور برای کودکان

۱۰-عطر یاس بهشتی برای کودکان

۱۱-کوثر قرآن کیه؟ قطعه شعرهایی به زبان کودکان

۱۲-النور الزهراعلیها السلام مصور برای نوجوانان

این نوع از کتابها فرهنگ زهراشناسـی را از ابتـدا در نسل جدیـد جامعه مطرح می نمایـد و می توانـد در عمومی شدن فرهنگ فاطمیه نقش سازنده ای داشته باشد و جالب است که برخی از این کتابها چندین بار چاپ و منتشر گردیده.

کتابهایی که در کشورهای خارجی به چاپ رسیده است.

در میان کتابهای مربوط به حضرت زهرا علیها السلام شمار زیادی را می یابیم که

محل چاپ و نشر آنها کشوری غیر ایران می باشد و نشانه سرایت نهضت فاطمیه به کشورهای دیگر می باشد که ذیلا به نمونه هایی اشاره می نمائیم:

۱-باقه من سیره الزهراعلیها السلام -موسسه درالحکمه-دمشق

۲-بنور فاطمه اهتدیت -دار الارشاد-بیروت

۳-حضرتی فاطیما-دار التبلیغ لندن

۴-حضرتی فاطیما- اورینت سارایوو

۵-حقیقت مصحف فاطمه علیها السلام-بیروت

۶-حوار مع فضل الله حول الزهراعلیها السلام -کویت -دار زینب، بیروت

۷-حیاه الزهرا علیها السلام-به زبان اسپانیائی در برزیل چاپ شده

۸-حیاه الزهرا علیها السلام-به زبان پرتغالی در برزیل چاپ شده

۹-داستیت آو فدک -مجتمع خوجه شیعه اثنی عشری-لندن

۱۰-دلایت-موسسه بلال -دارالسلام -تانزانیا که شماره مخصوص مجله دلایت است که به مناسبت چهاردهمین قرن شهادت حضرت زهرا علیها السلام به چاپ رسیده است.

۱۱-الزهراء علیها السلام بین الثناء و الولاء -مکتبه الاسد-دمشق

۱۲-السیده الزهراء علیها السلام رمز الطهاره -عدن-مسجد الحسینی

۱۳-السیده فاطمه الزهرا علیها السلام-بیروت

۱۴-سیره الزهرا علیها السلام-لبنان-بیروت

۱۵-شذره عصمتیه فی سر من لیله القدر الفاطمیه-موسسه بضعهالمصطفی لاحیاء تراث اهل البیت علیها السلام-کویت

۱۶-شرح خطبه الزهراء علیها السلام و اسبابها-موسسه الوفاء -بیروت

ص:۱۲۳

۱۷-صدف امامت -هند (به زبان اردو)

۱۸-الصدیقه الزهرا علیها السلام -بیروت

۱۹-فاطمه الزهرا علیها السلام چین (به زبان چینی چاپ شده)

۲۰-فاطمه الزهرا علیها السلام نبراس الرساله الاسلامیه-دمشق

۲۱-فاطمه علیها السلام فی التاریخ -لبنان-بیروت

۲۲-فی مدرسه الزهراء علیها السلام -لبنان-بیروت

۲۳-کتاب الزهراعلیها السلام -سوریه-دمشق

۲۴-کوثر الولایه-لبنان-بیروت

۲۵-مجله المرشد-لبنان-بیروت (تهیه شده در سوره است)

۲۶-المحسن بن فاطمه علیها السلام-سوریه دمشق دار الصدیقه الشهیده

۲۷-مسند فاطمه علیها السلام-لبنان-بیروت (دو مرتبه در بیروت چاپ شده)

کتابهایی که به زبان های خارجی تالیف یا ترجمه شده

در میان انبوه کتابهایی که درباره فاطمه زهرا علیها السلام نوشته شده یا ترجمه گردیده بیش از یکصد و چهل کتاب به زبان های گوناگون دنیا به غیر از عربی و فارسی می باشد همانند: انگلیسی، اردو، آلمانی، ایتالیایی و ... که نشان دهنده آمادگی دنیا برای آشنایی با شخصیت وعظمت حضرت زهرا علیها السلام می باشد و جالب است که بدانیم شماری از این کتابها با تیراژهای زیاد و گاهی همراه با تکرار چاپ می باشد و همه نشانه های روشنی از موفقیت نهضت فاطمیه در سطح جهانی می باشد و برای آشنایی با این کتابها به کتاب : فاطمه در آئینه کتاب چاپ چهارم مراجعه فرمائید.

ص:۱۲۴

کتابهایی که متعلق به مراکز دولتی است

در میان کتابهای منتشر شده درباره فاطمه زهرا علیها السلام به شمار قابل توجهی از کتابهای مربوط به حضرت زهرا علیها السلام برخورد می نمائیم که زیر نظر اداره یا سازمان و یا موسسه ای دولتی تهیه و منتشر شده که نشان دهنده حضوری عمومی و شرکتی همگانی در نهضت فاطمیه است.

در حدود چهل کتاب از این قبیل وجود دارد که هماهنگی ملت و دولت را در خدمت فرهنگی به آستان مقدس حضرت زهرا علیها السلام نشان می دهد.

کتابهایی با خط بریل درباره فاطمه زهرا علیها السلام

در میان کتابهای مربوط به حضرت زهرا علیها السلام به شماری از کتابهایی برخورد می نماییم که برای استفاده نابینایان با خط بریل تهیه و منتشر شده است و نشانه گسترش و عمومیت نهضت فاطمیه حتی در میان نابینایان می باشد.

کتابهایی که مکررا چاپ شده

در میان کتابهایی که در دوره اخیر تالیف و منتشر شده است کتابهایی را می بینیم که مکررا به چاپ رسیده اند و در سطحی وسیع مورد استفاده و مطالعه قرار گرفته اند که نشانه روشنی از یک دگرگونی اساسی در فرهنگ جامعه در مسئله علاقمندی به حضرت زهرا علیها السلام و گرایش به سوی آشنائی با شخصیت و عظمت و شهادت و مظلومیت آن حضرت می باشد و ما ذیلا به تعدادی از آنها که تا سال ۱۴۲۲ قمری چهار نوبت چاپ یا بیشتر داشته اند را یاد می نمائیم و از بردن نام کتابهایی که دو یا سه نوبت چاپ شده اند به جهت اختصار پرهیز می کنیم زیرا شمار این دسته از کتابها بسیار زیاد می باشد.

۱-ام ابیها که از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ ، ۹ مرتبه به چاپ رسیده است.

۲-انوار زهرا علیها السلام که در سال ۱۳۶۶ چاپ شده و از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۶

به چاپ دوازدهم رسیده است

۳-بانوی بانوان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام که تا سال ۱۳۷۴ هشتمین چاپ آن انجام شده است.

۴-بانوی نمونه اسلام فاطمه زهرا علیها السلام که تا هفدهمین چاپ آن را مطلع گشته ایم.

۵-برگزیدگان جلد ۳ (حضرت فاطمه زهرا علیها السلام) که از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ چهار نوبت چاپ شده است و همین کتاب به زبان روسی و ترکی استانبولی نیز ترجمه و چاپ شده است.

۶-بیت الاحزان فی مصائب سیده النسوان از مرحوم محدث قمی (حاج شیخ عباس) که در سال ۱۴۲۱ در بیروت چاپ ششم آن به انجام رسیده است.

۷-جلوه های رفتاری حضرت زهرا علیها السلام که تا سال ۱۳۷۹ هشت نوبت چاپ شده است و به زبان روسی نیز ترجمه شده و به چاپ رسیده است.

۸-خلاصه زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام که تا سال ۱۳۷۷ پنج نوبت چاپ شده است.

۹-دختران پیغمبر صلی الله علیه و آله سخن می گویند که تا سال ۱۳۶۳ چهار نوبت چاپ شده.

۱۰-در مکتب فاطمه علیها السلام که تا سال ۱۳۷۵ پنج نوبت چاپ شده است.

۱۱-زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام که تا سال ۱۳۷۷ سی و دو نوبت به چاپ رسیده است.

۱۲-صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام که چهار نوبت چاپ شده است.

۱۳-فاطمه علیها السلام اسوه زنان که تا سال ۱۳۷۶ هشت نوبت چاپ شده است.

ص:۱۲۶

۱۴-فاطمه علیها السلام الگوی زندگی که تا سال ۱۳۷۹ شش نوبت چاپ شده

۱۵-فاطمه علیها السلام برترین بانو که هشت نوبت چاپ شده است.

۱۶-فاطمه علیها السلام برترین بانوی اسلام که تا سال ۱۳۷۷ نه بار به چاپ رسیده است.

۱۷-فاطمه علیها السلام در آئینه کتاب که تا سال ۱۳۸۰ چهار نوبت (با تکامل وسیع) به چاپ رسیده است.

۱۸-فاطمه زهرا علیها السلام که تا سال ۱۳۷۴ هفت بار چاپ شده است.

۱۹-فاطمه زهرا علیها السلام که تا سال ۱۳۷۴ چهار نوبت چاپ شده است.

۲۰-فاطمه زهرا علیها السلام از ولادت تا شهادت که تا سال ۱۳۷۵ پنج نوبت به چاپ رسیده است.

۲۱-فاطمه الزهرا علیها السلام ام ابیها که در سال ۱۳۷۹ هشتمین چاپ آن انجام شده است.

۲۲-فاطمه الزهرا علیها السلام المراه النموذجیه فی الاسلام که تا سال ۱۳۷۴ چهار نوبت چاپ شده است.

۲۳-فاطمه الزهرا علیها السلام فی القرآن که در سال ۱۳۷۹ شمسی چاپ چهارم آن انجام شده است.

۲۴-فاطمه الزهرا علیها السلام من المهد الی اللحد که در سال ۱۴۲۱ قمری در بیروت چاپ پنجم آن انجام شده و ترجمه های متعددی هم دارد که آنها نیز مکررا چاپ شده است.

۲۵-فاطمه الزهرا علیها السلام و تر فی غمد که در سال ۱۴۲۱ قمری پنجمین چاپ آن انجام شده است.

۲۶-فاطمه الزهرا علیها السلام و الفاطمیون که در سال ۱۴۱۹ قمری پنجمین چاپ آن انجام شده است.

۲۷-فدک فی التاریخ که در سال ۱۴۱۶ پنجمین چاپ آن انجام شده است.

۲۸-کرامات الفاطمیه که در سال ۱۳۷۹ چهارمین چاپ آن به انجام رسیده است.

۲۹-کشتی پهلو گرفته که در سال ۱۳۷۷ شانزدهمین چاپ آن انجام یافته است.

۳۰-گلواژه آفرینش که تا سال ۱۳۷۵ هفت بار چاپ شده است.

۳۱-مسند فاطمه الزهرا علیها السلام که تا سال ۱۴۱۹ پنج نوبت در ایران و بیروت (لبنان) چاپ شده است.

۳۲-یاس کبود (مجموعه اشعار) که تا سال ۱۳۷۹ چهار نوبت چاپ شده

کتابهای کنگره بین المللی حضرت زهرا

کنگره بین المللی حضرت زهرا علیها السلام در ساری از استان مازندران بیش از بیست کتاب کوچک و بزرگ منتشر نموده که از تنوع جالبی برخوردار می باشد همانند: ۱-بخشنده چون دریا ۲-چهل حدیث آموزنده ۳-حدیث کساء ۴-حضرت زهرا علیها السلام در کلام ولایت ۵-خطبه حضرت زهرا علیها السلام (ویژه نوجوانان) ۶-خلاصه مقالات کنگره حضرت زهرا علیها السلام ۷-اختر شایسته ۸-درسهایی از زندگی حضرت زهرا علیها السلام ۹-در صحنه اجتماعی ۱۰-صفای زندگی ۱۱-علم فاطمه علیها السلام ۱۲-عملکرد کنگره حضرت زهرا علیها السلام ۱۳-عملکرد یادواره و کنگره ۱۴-فاطمه علیها السلام و حقوق زنان در جامعه ۱۵-فص حکمه عصمتیه فی کلمه فاطمیه ۱۶-ترجمه فص حکمه عصمتیه ۱۷-فکری و فرهنگی از الگوهای رفتاری حضرت

زهرا علیها السلام ۱۸-گزارش مقالات ارسالی به کنگره حضرت زهرا علیها السلام ۱۹-مثل یک پروانه ۲۰-مجموعه اشعار برگزیده درباره حضرت زهرا علیها السلام ۲۱-مصاحبه ها و میزگردها ۲۲-معرفی کنگره حضرت زهرا علیها السلام ۲۳-ویژه نامه کنگره حضرت زهرا علیها السلام

کنگره یاد شده در سال ۱۴۱۸ قمری (۱۳۷۶ شمسی) برگزار گردیده است.

هفتاد کتاب از مخالفین درباره فاطمه زهرا

در کتابی به نام (ویژه نامه نشست مقدماتی کنگره بانوی آفتاب) در ابتدا سروده هایی از شعرائی که اکثر آنان کرد می باشند و به زبان فارسی در مدح و منقبت حضرت زهرا علیها السلام سروده اند نقل گردیده و سپس مطالبی با عناوین: حضرت فاطمه علیها السلام محور اهل بیت علیهم السلام حضرت فاطمه علیها السلام مظهر طهارت و عصمت حضرت فاطمه علیها السلام مظهر ایثار حضرت فاطمه علیها السلام کوثر پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است و در پایان کتاب کتابشناسی فاطمی با معرفی هفتاد کتاب از مولفین اهل سنت درباره حضرت زهرا علیها السلام با ذکر مشخصات مطرح گردیده. (۱)

چند نکته مهم درباره تالیف کتابهای فاطمیه

با توجه به کتابهای تالیف شده درباره فاطمه زهرا علیها السلام در دوره اخیر و بررسی انگیزه های تالیف چگونگی انتشار استقبال عمومی از این کتابها و ... نکات قابل توجهی به دست می آید که به مواردی از آن اشاره می نمائیم.

امروز مسئله ولایت اهل بیت از همه چیز مهم تر است

یکی از فضلاء مورد وثوق که از نویسندگان و صاحب تالیفات متعدد

۱- فاطمه علیها السلام در آئینه کتاب، صفحه ۷۱۵ شماره ۱۹۸۸

می باشد نقل نمودند که: بیش از ده سال قبل شبی در عالم رویا دیدم که با بعضی از برادران طلبه در ساختمانی چند طبقه مشغول مباحثه درسهای رسمی و معمول حوزه علمیه بودیم در همین حال چند نفر شخصیت محترم که دارای وقار و متانت خاصی بودند وارد شدند و با جاذبه خاصی که داشتند ما را به سوی خود جذب نمودند و با اشاره ما را دعوت نمودند که به طبقه پنجم آن ساختمان برویم هنگامی که وارد آن طبقه شدیم ملاحظه کردیم که عده ای و در راس آنها حضرت آیه الله العظمی آقای مکارم شیرازی مدظله العالی حضور دارند و مشغول مذاکره هستند در این هنگام شخصیت بزرگوار که ما را به سمت این مجلس با معنویت هدایت نمودند فرمودند:

شما نیز از این گونه مجالس داشته باشید امروز مسئله ولایت از همه چیز مهمتر است و آقای مکارم شیرازی در حق مادر ما خدمت نموده است. جریان مفصل خواب را که بسیاری از جزئیات آن را با گذشت زمان فراموش کرده ام طی نامه ای به محضر حضرت آیه الله العظمی آقای مکارم شیرازی ارسال داشتم و معظم له این حقیر را مورد لطف قرار داد و اظهار فرمودند: در همان تاریخ و همان شب مجلسی در مشهد مقدس داشتیم که در آن مجلس پیشنهاد شد موضوعی پیرامون شخصیت حضرت زهرا علیها السلام تنظیم و منتشر گردد و با این رویا معلوم شد(۱) که آن اقدام مورد تایید معنوی و غیبی قرار گرفته است.

۱- بیننده خواب هیچ گونه اطلاعی از برنامه های حضرت آیه الله مکارم شیرازی وجلسه یاد شده در مشهد مقدس نداشته است.

تحولی شگفت انگیز و کارساز در زمینه تالیف کتابهای فاطمه زهرا

بـا یک مقایسه دقیق بین کتابهایی که درباره فاطمه زهرا علیها السـلام در زمان گذشـته تالیف گردیـده و کتابهایی که در دوره اخیر عرضه شـده است به یـک نکته اساسـی و مهم پی می بریم و آن این که در آثـار گذشـته عنـایت به جلب توجه عمومی و جـذب خواننـدگان و مطالعه کننـدگان بیشتر مورد دقت و توجه ویژه نبوده است ولی در آثار و تالیفات این دوره با اسـتفاده از طرح های متنوع روی جلـد و نام گـذاری کتابها و بهره گیری از تیترهای جذاب و دسـته بندی های نو درباره مطالب و رعایت حجم خـاص برای کتاب (با توجه به مخاطب های خاص آن و هم چنین رعایت حالات و روحیات طبقه های گوناگون مطالعه کننـده (از کودک و جوان و میان سال و نیز گروه های مختلف فکری و علمی) سـعی شـده است که انگیزه مطالعه در سـطحی وسیع تر فراهم گردد و این یک تحول چشمگیر و موثر می باشد.

توجه به مصائب و مظلومیت های فاطمه زهرا علیها السلام

از عوامل بسـیار موثر در توجه عمومی و همگانی نسبت به عظمت و شخصیت حضرت زهرا علیها السلام و موفقیت نویسندگان و مولفـان در این موضوع مهم توجه و بیـداری مردم در مورد مظلومیت و رنـج هـای حضـرت زهرا علیها السـلام است زیرا این توجه احساسات پاک و عواطف انسانی عموم مردم را بر می انگیزد و به دفاع از آن حضـرت وا می دارد و همین امر زمینه ساز علاقمنـدی عمومی برای آشـنائی بیشتر بـا فضائـل درسـهای آموزنـده تـاریخچه زنـدگی و دیگر موضوعات مهمه زنـدگی آن حضرت می گردد و نهضت تالیف را به ثمرهای جدی و واقعی خود می رساند.

توجه عمومی به عنوان شهادت در زبان و قلم

با توجه به مطالب یاد شده است که گویندگان و نویسندگان عنوان شهادت حضرت زهرا علیها السلام را کاملا مورد توجه و عنایت خود قرار داده اند و تاثیر فعالیت های تحقیقی و تالیفی و تبلیغی و اجتماعی خویش را افزایش داده اند در کتاب های دوره های گذشته عنوان های : وفات الزهراء ، وفات الصدیقه وفات حضرت فاطمه، وفات بی بی فاطمه و ... فراوان به چشم می خورد در حالی که در کتابهای دوره اخیر عنوان های شهادت و زندگی حضرت زهرا علیها السلام مقتل الزهراء، مقتل فاطمه الزهراء، مقتل فاطمه، صدیقه شهیده زهراء، ظلمات الصدیقه الشهیده، الزهراء علیها السلام الظلامه الفاطمیه فراوان دیده می شود و این تحول چشم گیر نقش بسیارز یادی در حرکت و خیزش جامعه برای آشنایی با حضرت زهرا علیها السلام و دفاع همه جانبه از حق آن حضرت داشته است.

نقش بیداری عمومی در سرت نهضت تالیف کتاب

از عوامل بسیار موثر در پیدایش و گسترش نهضت تالیف کتاب درباره فاطمه زهرا علیها السلام بیداری عمومی و توجه همگانی نسبت به عظمت آن حضرت می باشد و در این زمینه نقش هیئات عزاداری و مجالس سوگواری که موجب توجه عمومی گردیدند شایان توجه می باشد زیرا در اثر همین بیداری و توجه کتابهای تالیف شده زمینه چاپ و انتشار یافتند و پس از انتشار با استقبال عمومی و خریداران فراوان و مطالعه کنندگان زیاد مواجه گردیدند و همین امر سبب یک خیزش و حرکت مستمر برای تالیفات جدید و برداشتن گامهای بعدی درباره این امر مهم و حیاتی گردید.

در دوره های گذشته چه بسا کتابی تالیف می گردید و برای همیشه به

ص:۱۳۲

صورت خطی باقی می مانـد ولی هم اکنون اکثریت قـاطع تالیفات درباره فاطمه زهرا علیها السـلام به مرحله چاپ و انتشار می رسـد و بسـیاری از آنهـا مکررا چـاپ و منتشـر می گردد. و از نشـانه هـای روشن برای نقش بیـداری عمومی در ایجاد نهضـت تـالیف این است که شـروع نهضت فـاطمیه در میـان مردم در سال ۱۴۱۱ قمری و شـروع حرکت وسـیع چـاپ و انتشار کتابهای مربوط به حضـرت سه -چهار سال بعـد از آن می باشـد و با مطالعه کتابنامه ها و توجه به تاریـخ تالیف و نشـر کتابهای منتشـره نکته فوق به خوبی روشن می گردد.

طرح های روی جلد از جاذبه های نهضت تالیف فاطمیه

از جـاذبه هـای تالیفـات متنوع و فراوان درباره حضـرت زهرا علیها السـلام در دوره اخیر انواع طرح های زیبا حزن آور و تکان دهنـده است که می توانـد سـلیقه ها و ذوق های مختلف را تحت تاثیر قرار داده و به مطالعه محتوای کتاب هـدایت نمایـد. این طرح ها که حقیقت های تلخی را از مظلومیت فاطمه زهرا علیها السـلام به تصویر کشـیده هر خفته ای را بیدار و هر وجدانی را به درک حقیقت وا می دارد و بی خبران و بی خیالان را به تفکر و اندیشه هدایت می نماید.

طرح های یاد شده نشان می دهد که نه تنها نویسندگان و محققان در خدمت فاطمه زهرا علیها السلام می باشند بلکه هنرمندان و صاحبان ذوق و سلیقه و ابتکار نیز سر بر آستان آن حضرت سائیده و عرض ادب می نمایند.

ص:۱۳۳

عناوین زیبا از ویژگی های نهضت تالیف فاطمیه

از ویژگی هـای نهضت تـالیف برای فـاطمه زهرا علیهـا السـلام در دوره اخیر این است که برای کتابهـا نامهـا و عنوان های نو و تکان دهنـده ای انتخاب شـده که در تاثیر گذاری آن در جامعه بسـیار موثر می باشد و در عمومی سازی فرهنگ فاطمیه نقش اساسی ایفا می نماید که ذیلا به نمونه هایی از آن اشاره می نمائیم:

از عناوین فارسی

آئینه عصـمت، آئینه کوثر، آتش در حرم، آوای کوثر، از میـان شـعله هـا، اگر نبود فـاطمه علیهـا السـلام ، اشـک عرش، بانوی آفتـاب، بر کرانه کوثر، بوی بهشت، بوی بهشت سوخته، بهشت بی نشـان، پاره آفتاب، تحفه آسـمانی، چشـمه در بستر، خاتون نور، خسوف عصمت، خورشید شب، در سوگ بانوی آفتاب، رخساره خورشید، زخم خورشید، زلال کوثر، سرچشمه اشک و غم، شـبنم داغ، شـقایق کبود، شمع سوزان علی علیه السلام، شکوفه عصمت، صدف عصمت، صلای صلابت، ضریح گمشده، طلوع فاطمه علیها السـلام، عصـمت سبز، عطر یاس بهشتی، غربت خورشـید، فدک مرثیه ای که دوباره باید خواند، فصل سرد ، قبر مـادرم کجـاست؟، کشـتی پهلو گرفته، کعبه عفـاف، کوثر اشـک، گلوبنـد عصـمت در راه فـدک، گلهـای زهرائی، گوهر آفرینش، محبوبه پروردگار، لهیب آتش در خانه وحی، و کوثر همچنان جاری است، یاس اسمانی، یاس کبود.

از عناوین عربی

ودیعه الرسول صـلی الله علیه و آله مفتاح الفردوس، اعلموا انی فاطمه، الزهراء علیها السـلام، عبق الرساله و عبیر محمد صـلی الله علیه و آله ، الزهرا علیها السلام فی محراب الالم الخالد، الزهراعلیها السلام

ص:۱۳۴

لم لم تذکر ماساتها، غضب البتول، فاطمه حوریه الارض، فاطمه علیها السلام صوت الحق و صرخه الصدق، الکوثر انین الزهراء علیها السلام، النار الحاطمه لقاصد احراق بیت فاطمه علیها السلام، النار الموقده لقاصد احراق بیت السیده، و کانت صدیقه، واما ابنتی فاطمه.

کتابخانه تخصصی حضرت زهرا

در تاریخ ۲۱ ربیع الاول ۱۴۲۳ قمری به دیدار نویسنده محقق و دلباخته حضرت زهرا علیها السلام آقای اسماعیل انصاری زنجانی دام عزه و توفیقه (نویسنده گرانقدر کتاب فاطمه در آئینه کتاب شرفیاب شدم و در بیت شریف ایشان با کتابخانه تخصصی بسیار ارزشمندی مواجه گردیدم که در آن در حدود یکهزار کتاب به زبان های گوناگون عربی و فارسی و اردو و سایر زبان های خارجی جمع آوری گردیده بود که نکته های بسیار مهمی را در دید ر تماشاگری قرار می داد که مهمترین آنها نهضت بزرگ تحقیق و تالیف درباره فاطمه زهرا علیها السلام در دوره اخیر می باشد.

با تماشای آنهمه کتاب درباره حضرت زهرا علیها السلام که چگونگی تالیف و طبع و نشر آنها سندی گویا بر دلباختگی، دلسوختگی، و دلدادگی و محبت و مودت عمیق و گسترده و زوال ناپذیر نویسندگان، ناشران، طراحان، و عموم دست اندرکاران تهیه و نشر این کتابها می باشد حالت شوق و شوری در خود احساس نمودم و برخود بالیدم که دوستدار و خدمتگزار بانوی بزرگواری هستم که این همه دلسوخته و دلشکسته وغمزده در آستان مقدسش سر تعظیم فرود آورده و عرض اخلاص نموده اند.

ص:۱۳۵

برگزاری مراسم شب شعر درباره فاطمه زهرا

از برنامه های جالب در ننهضت فاطمیه برگزاری مراسمی برای عرضه سروده های شعرای عالیقدر از سراسر کشور می باشد که نمونه ای از آن برنامه ستاد (شب شعر فدک الزهرا علیها السلام) در لامرد فارس است که مجموعه برگزیده ای از سروده های عرضه شده را که شمار آنها به ۹۹ مدیحه و مرثیه از ۶۳ شاعر گرانقدر می رسد در کتابی به نام فدک الزهراعلیها السلام به چاپ رسانده و منتشر نموده اند که نام دیگر کتاب سوگواره شب شعر، ویژه صدیقه طاهره علیها السلام می باشد و در سال ۱۳۷۹ شمسی به چاپ رسیده است. (۱)

جایگاه مطبوعات در نهضت فاطمیه

در سال های اخیر که توجه عمومی به زندگانی و شخصیت و فضایل و مصائب حضرت زهرا مرضیه علیها السلام گسترش یافته و مطالعه درباره ابعاد گوناگون زندگی و مبارزات و شهادت آن حضرت جنبه همگانی یافته است روزنامه ها و مجلات که عمده ترین رسانه مطبوعاتی کشور می باشند سهم به سزائی را در بخش معرفی و شناساندن عظمت و برجستگی شخصیت و فضایل و مناقب آن حضرت در زمینه های گوناگون بر عهده گرفته اند و هر کدام با توجه به ظرفیت ها و امکانات علمی خود به وظیفه دینی و اجتماعی و رسانه ای خود عمل نموده اند. به عنوان نمونه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی (پژوهشگاه) وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم با استفاده از کامپیوتر (رایانه) لیست

۱- فاطمه در آئینه کتاب، صفحه ۵۴۸، شماره ۱۴۲۲

موضوعی جالبی را تهیه نموده از یک سلسله روزنامه ها و مجلاتی که مقالات متنوعی درباره حضرت زهرا علیها السلام در آنها چاپ و منتشر گردیده با ذکر تاریخ انتشار و خلاصه مطلب و نام نویسنده در آن لیست ذکر گردیده است. در لیست یاد شده که به دست این نویسنده رسیده و ۳۷ صفحه می باشد ۳۷۷ مقاله معرفی شده که در روزنامه های : ۱-اطلاعات ۲-کیهان ۳-جمهوری اسلامی ۴-رسالت ۵-جهان اسلام ۶-سلام چاپ شده است.

و در مجله های : ۱-آئینه پژوهش ۲-اعتصام ۳-التوحید ۴-اهل بیت ۵-بینات ۶-پاسدار اسلام ۷-پیام زن ۸-تراثنا ۹-حوزه ۱۰-رساله الثقلین ۱۱-زائر ۱۲-کیهان اندیشه ۱۳-کیهان هوائی ۱۴-مسجد ۱۵-معرفت ۱۶-مکتب اسلام ۱۷-میقات حج ۱۸-نور علم چاپ و منتشر گردیده است.

در لیست یاد شده عمدتا مقاله های منتشر شده در سال های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ شمسی معرفی گردیده و بعضی از مقالات مربوط به سالهای قبل از این تاریخ میباشد. بیشترین رقم مقالات یاد شده مربوط به روزنامه اطلاعات با ۶۹ مورد و روزنامه کیهان با ۶۶ مورد و روزنامه رسالت با ۵۰ موردو مجله پیام زن با ۴۹ مورد و روزنامه جهان اسلام با ۲۰ مورد می باشد. با توجه به ارقام و آمار یاد شده و با ملاحظه توجه عمومی و جهانی نسبت به حضرت زهرا علیها السلام می توان حدس زد که در سال های پس از ۱۳۷۵ شمسی تاکنون و در دهها مجله و روزنامه دیگر که در کشور ایران و برخی از کشورهای دیگر منتشر گردیده آمار و ارقام مقالات منتشره درباره حضرت زهرای مرضیه علیها السلام بسیار بیشتر و گسترده تر می باشد و با توجه به تنوع

مخاطبـان این رسانه های مطبوعاتی به نقش ارزشـمند این ابزار اطلاع رسانی در رشـد فرهنگ فاطمیه و ایجاد شـناخت عمومی نسبت به عظمت فاطمه زهرا علیها السلام می توان پی برد.

ص:۱۳۸

آثار و برکات بزرگداشت شهادت فاطمه زهرا علیها السلام

اشاره

ص:۱۳۹

فریاد مظلومیت فاطمه زهرا علیها السلام درهم شکننده قدرت مخالفان

همچنـان که قـدرت و نفوذ و سـلطه امویـان و مخصوصـا معاویه و بالاخص یزیـد بن معاویه با هیـچ وسـیله تبلیغی - اجتماعی- سیاسی در هم شکسته نشد جز با بیان مظلومیت های امام حسین علیه السلام و برافراشته شدن پرچم افتخار:

یا لثارات الحسین علیه السلام

و در طول زمان در زیر لواز عزای حسـینی نه تنها شوکت و قـدرت و نفوذ و سـلطه اموی در هم شکسـته ماند بلکه در هر زمان که دنباله روهای مکتب اموی و سـفیانی در صـدد بر آمدنـد که در ویرانه های اقتدار شـیطانی بن امیه بنیانی بر پا کنند و مجدا سر و سامـانی به افکـار و انـدیشه ها و فرهنگ و اعتقاد اموی بدهنـد پرچم مظلومیت سـید الشـهدا علیه السـلام و آثار و برکات خون آن حضرت و توجه جهانی به مظلومیت آن بزرگوار مانع گردیده و طرفداران آن حرکت پلید را رسوا نموده است.

هم چنین پیروان مکتب اهل البیت علیهم السلام و طرفداران ولایت امیرالمومنین علی علیه السلام برای در هم شکستن قدرت و نفوذ دشـمنان آن حضـرت و درهم کوبیـدن پایگـاه های فرهنگی و اعتقادی و اجتماعی آنها بایستی مظلومیت های فاطمه زهرا علیها السلام را به گوش جهانیان برسانند زیرا که وجدان های بیدار که در تمامی ملتها و کشورها به فراوانی وجود دارد با

ص:۱۴۱

توجه به این مظلومیت ها از ظالمان و طراحان آن حرکت و مکتب شیطانی بیزاری می جویند و از پیروی راه و مرام و مکتب آنها فاصله خواهند گرفت. آری هیچ دلیل عقلی و نقلی محکم و متقنی به اندازه صورت نیلی شده فاطمه زهرا علیها السلام (در اثر سیلی دشمن ستمگر) نمی تواند وجدان ها را بیدا نموده و به حرکت در آورد. آری هیچ آیه و روایتی به اندازه پهلوی شکسته و محسن سقط شده فاطمه زهرا علیها السلام نمی تواند سردمداران غصب خلافت را در افکار عمومی و اندیشه های بیدار و وجدان های سالم رسوا سازد. آری آیا کدام برهان منطقی به اندازه تاثیر ناله های جانسوز فاطمه زهرا علیها السلام می تواند وجدان های بیدار را بر علیه طراحان نقشه غصب فدك و غصب خلافت برانگیزد.

بررسی تاریخ مناظرات علمی و بحث های اعتقادی و کلامی و تاثیرات سازنده و شگرف آن در طول بیش از چهارده قرن از یك طرف و مطالعه نتایج قیام امام حسین علیه السلام و آثار درخشان آن در بیدار کردن وجدان ها به نفع پیروان مکتب اهل البیت علیهم السلام و رسواسازی ظالمان و ستمگران و پیروان مکتب ابوسفیانی و اموی از طرف دیگر به خوبی به اثبات می رساند که برای در هم شکستن قدرت و شوکت دشمنان ومخالفان مکتب ولایت امیرالمومنین علی علیه السلام بایستی در راس همه فعالیت های موثر از بیان مظلومیت ها و رنج های جانکاهی که بر ناموس کبرای الهی صدیقه شهیده فاطمه زهرا علیها السلام وارد شده بهره گرفت و از آثار عجیب ناله ها و اشکهای جانسوز و بیدادگر آن حضرت برای لرزاندن و در هم شکستن پایه های قدرت و نفوذ غاصبان حق

ص:۱۴۲

امیراملومنین علی علیه السلام و ستمگران بر خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام بهره گیری نمود و بر همین اساس است که دشمنان ولایت امیرالمومنین علیه السلام همیشه در صدد بوده اند مصائب و مظالمی که بر حضرت زهرای مرضیه علیها السلام وارد شده است را انکار نموده و یا کم رنگ جلوه دهند و یا از انتشار آنها در میان عموم مردم جلوگیری نمایند.

فاطمه زهرا علیها السلام و فاطمه ام البرکات

هم چنان که فاطمه زهرا علیها السلام ام البرکات هستند و از هر یک از ابعاد وجود و شخصیت آن حضرت برکاتی به عالم بشریت و جهان خلقت می رسد یعنی نسل پاک و بی نظیر آن حضرت علم لدنی و بی پایان آن عالمه محدثه کرامات و الطاف گسترده آن منبع فیض و کرم و در یک کلام خیر کثیر آن کوثر خاندان رسالت آثار و برکات گوناگون بر انسان و طبیعت فرو می ریزد همین طور فاطمیه و برنامه های گسترده آن برکات فراوان دینی و اجتماعی داشته و دارد که ذیلا به برخی از آنها اشاره می شود.

۱-برنامه های عزاداری فاطمیه زمینه فعالیت های تبلیغی را در همه جا و مخصوصا بسیاری از منطقه های شهری و شهرک ها و روستاها که در دوره سال زمینه تبلیغات دینی در آن ها محدود می باشد فراهم نموده است.

۲-تاثیر آن در توجه بانوان به مسئله حجاب بسیار ارزشمند و جالب بوده است و جنبه های عاطفی عزاداری ها و سوز و گداز سوگواری ها و مظلومیت فاطمه زهرا علیها السلام در توجه آنان نقش بسزایی داشته است.

۳-در ایجاد گرایش اجتماعی در انتخاب نام دختران از اسماء مقدسه حضرت زهرا علیها السلام و سایر اهل البیت علیهم السلام و پرهیز از نام های غیر اسلامی و

ناهماهنگ با فرهنگ مذهبی تاثیر گسترده ای داشته و در یک بررسی آماری که انجام شده (و در فصل جداگانه ای مطرح می نمائیم) موفقیت چشمگیری به دست آمده است.

۴-در استحکام بخشیدن به پایه های اعتقادی مردم بالاخص در برخی از مناطقی که زمینه تزلزل باورهای دینی فراهم گشته و عوامل بی دینی فراوان شده نقش موثری داشته است.

۵-و بالاخره مراسم و برنامه های فاطمیه زمینه ساز مطالعه و تحقیق و جستجو درباره شخصیت و عظمت و شهادت حضرت زهرا علیها السلام گشته و به همین جهت آمار مقالات و کتابهای منتشر شده درباره فاطمه زهرا علیها السلام در هیچ دوره ای در این حد سابقه نداشته است.

مراسم فاطمیه سر فصل برنامه های سالیانه

در بسیاری از محله ها در حاشیه شهر بزرگ اصفهان و نیز در عده ای از روستاها و شهرک ها برگزاری مراسم عزاداری فاطمیه و نقش و تاثیر معنوی و تبلیغی آن سر فصل حرکتی جدید گردیده و برنامه های دینی گسترده را در تمامی دوره سال پایه گذاری نموده است و جلسات قرائت قرآن بیان احکام و اخلاق خواندن دعای ندبه دعای کمیل زیارت عاشورا زیارت آل یاسین و ... و هم چنین سایر برنامه های دینی و اجتماعی و خیریه ای را در میان مردم آن مناطق راه اندازی نموده و گسترش داده است و همگان از برکات ام البرکات یعنی حضرت زهرا علیها السلام بهره مند گردیده اند.

ص:۱۴۴

یکی از افغانی های مقیم اطریش که فرد تحصیل کرده و مذهبی است برای مراسم درگذشت و تدفین و بزرگداشت مادرش که مصادف با ایام فاطمیه ۱۴۲۳ بود به ایران و قم آمده بود یکی از طلاب فاضل و مخلص مقیم حوزه علمیه اصفهان که از سادات بزرگوار می باشد پوسترها و پرچم های مربوط به فاطمیه و کتابی مربوط به حضرت زهرا علیها السلام را به ایشان هدیه می کند و درباره مراسم فاطمیه در ایران و بالخصوص در اصفهان توضیح می دهد و آن مرد افغانی مقیم اطریش می گوید: در اطریش ما شیعیان برنامه عزاداری و فعالیت در عاشورای حسینی داریم ولی با فاطمیه و مسائل مربوط به شهادت حضرت زهرا علیها السلام بیگانه بودیم و آن چنان تحت تاثیر قرار می گیرد که مصمم می شود پوسترها و پرچم ها و کتابهایی را به اطریش ببرد و مراسم فاطمیه را در آنجا پایه گذاری نمایدو اظهار داشته بود که گرچه شمار شیعیان در آنجا کم است ولی از نظر علمی و فرهنگی و فعالیت های اجتماعی و دینی در سطح بسیار خوبی هستند و می توانند بر غیر شیعیان تاثیرگذار باشند چنانچه در ایام محرم غیر شیعیان را در مراسم عاشورای حسینی دعوت نموده و تحت تاثیر برنامه های عزاداری امام حسین علیه السلام و عاشورا قرار می دهند.

تجلی پوسترهای فاطمیه در نمایشگاه بین المللی هندوستان

مرحوم آیت الله حاج سید اسماعیل هاشمی د رحدود هشت سال قبل تلفن زدند که در یک نمایشگاه بین المللی در کشور پهناور هندوستان یکی از دوستان اهل البیت علیها السلام که جوانی با ولایت و پرشور است شرکت می کند و اظهار علاقه نموده که پوسترهای گوناگونی که به نام نامی حضرت زهرا علیها السلام

چاپ و منتشر شده در غرفه ای از آن نمایشگاه عرضه نماید و بدین وسیله در ترویج نام و مکتب مقدس آن حضرت اقدام نماید در آن تاریخ در حدود یکصد و پنجاه نوع پوستر آماده و موجود بود نمونه هایی از هر کدام در اختیار ایشان قرار داده شد. پس از گذشت یکماه آیت الله هاشمی بشارت دادند که ان جوان دلباخته اهل البیت علیهم السلام موفق گردیده که آن پوسترها را در یک غرفه با شکل جالبی در دید تماشاگران آن نمایشگاه بین المللی قرار دهد و با کمال تعجب همه ملاحظه می نمودند که تماشای آن پوسترهای گوناگون و مزین به نام مبارک حضرت فاطمه از جاذبه های دینی نمایشگاه محسوب گردیده و خبرنگاران با تهیه گزارش و عکس از آن غرفه نورانی علاقه و توجه خودشان را به حضرت زهرا علیها السلام اظهار داشته و عکس و گزارشها را در مطبوعات هندوستان منتشر می سازند.

نقش پوسترهای حضرت زهرا در کشورهای افریقائی

پس از ارسال مقدار زیادی از پوسترهای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به کشور مالی و شمار دیگری از کشورهای آفریقایی گزارشات بسیار تکان دهنده ای از تاثیر این پوسترها در عموم مردم بالاخص تحصیل کرده های آن کشورها واصل گردید تا آنجا که پوسترها را قاب گرفته در مساجد کتابخانه ها اداره های دولتی و ... نصب نموده اند و حتی عکس هایی برای ما ارسال نمودند از دکترها اساتید دانشگاه ها (اعم از زن و مرد) که در کنار پوسترهای حضرت زهرا علیها السلام ایستاده اند و عکس یادگاری گرفته اند و یکی از وزرای کشور مالی یکی از پوسترها را قاب گرفته و در وزارتخانه بالای سرش قرار داده بود.

ص:۱۴۶

ذیلا دو نامه ارسالی از آفریقا که چگونگی تاثیر پوسترها را نشان می دهد تقدیم می داریم:

نامه آقای حکیم الهی

حجه الاسلام و المسلمین آقای شیخ مجید حکیم الهی دام عزه موفق گردیده اند پوسترهای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را در چندین کشور آفریقایی به دست شیفتگان و علاقمندان به حضرت زهرا علیها السلام برسانندو دلهایشان را بدین وسیله در محبت و عشق آن حضرت مشتعل سازند و در این زمینه نامه ای ارسال داشته اند که بخشی از آن را ملاحظه می فرمائید.

بسم الله الرحمن الرحیم

صلی الله علیک یا حبیبه الله

محضر مبارک حضرت حجه الاسلام و المسلمین حاج آقا حجه ابطحی دام عزیزا فی عین ربه

سلام علیکم بعد الحمد و الصلاه و عرض بهترین ادبها و ارادات قلبیه و ودیه و تحیات طول عمر با برکت و مثمر و صحه و عافیه حضرتعالی مطلوب و مسئول ماست و رجاء واثق به عنایات حجه الله علی الائمه علیها السلام که زیارت طاوس اهل الجنه نصیب گردد چنان که جویای احوال شده بحمده و لطفه نفسی می آید.

رسوم مبارکه و صور نورانیه بین شیفتگان و سوختگان کوثر خالد و گم شدگان وادی ضلالت و قاصرین معرفه ذوات مقدسه توزیع، فَاَصبَحَت ظَاهِرَهً عجیبهً ، حَیثُ لَمْ یَتَعَهَّدُوا بِمِثْلِ ذلِکَ فَاحتَلَّت مَکاناً رَفیعاً وَ حازَت عالیهً فی قُلُوبِ النَّاسِ فَنَحْنُ زَیَّنا بِهَا الْمَسَاجِدِ وَ المَکاتِبَ وَ الْمُجَامِعِ العامَّهَ فَکُلُّ لَیلٌ

وَ نَهَارٍ یُراجِعُونَ سِیَّما الَّذینَ یَفقِدوُن تِلکَ الصُّوَرَ النّورانِیَّه وَ یُطالِبُونَ لِتَزیینِ مَسَاجِدِهِمْ وَ التَّبَرُّک لِبُیُوتِهِم وَ مَعامِلِهِم وَ وَرشاتِهِم فَحَمداً وَ شُکراً لَهُ عَلی هَذِهِ النِّعمَهِ العَظیمَه

چنانچه ملاحظه می فرمائید در این نامه نوشته اند که پوسترهای نورانی فاطمه زهرا علیها السلام بین علاقمندان به آن حضرت در کشور مالی توزیع گردید و به عنوان پدیده ای عجیب مطرح شد چون توزیع چنین پوسترهایی سابقه نداشت و در میان مردم آن سامان جایگاه بلندی یافت و ما مسجدها وکتابخانه ها و مجامع عمومی را به وسیله آنها تزیین نمودیم و در هر شب و روز کسانی که پوسترها به دستشان نرسیده به ما مراجعه نموده و به قصد تزیین مساجد و تبرک خانه ها و تجارت خانه ها و مغازه هایشان از ما مطالبه میکنند و خدای را بر این نعمت بزرگ ستایش و شکر می کنیم.

بامکو-مالی

BAMAKO-MALI

نامه یکی از علماء کشور مالی

یکی از علماء مذهبی کشور مالی پس از دریافت پوسترهای حضرت زهرا علیها السلام نامه تشکرآمیزی ارسال داشته که دقت در عبارات آن می تواند اندازه تاثیر این پوسترها را روشن نماید ذیلا اصل نامه و مفاد فارسی آن را تقدیم می داریم:

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل و سلم و زد و بارک علی سیدنا محمد و علی اهل بیته الاطهار الی الاسید العاشق بحب الروح التی هی بین جنبی النبی محمد الحبیب علیه و اله السلام و الذی هو حقیقه سر من رآه. ذلک الشیخ عبدالمجید حکیم الهی دام عزیزا فی عین ربه.

السلام علیکم و رحمه الله و برکاته

لقد کانت لهدایاکم الثمینه- المشعه بانوار الولاء التام لاهل البیت علیهم السلام و المروجه و الکاشفه لمناقبهم الشیقه و مزایاهم المطربه- فی قلوب افراد جماعتنا- فکل من نظر الی تلکم الاسماء النورانیه المبارکه و الاوصاف الروحانیه المقدسه المعلقه بعضها فی المساجد و الاخر فی المدارس تمنی ان لو کان یملک مثلها لیبارک بها محلته و یزینها بها.

و لکم منا جزیل الشکر و الثناء طالبین من ذی العظمه و الکبریاء ان یخلفکم مزید العطاء و ان یضرم نار الولاء الخالص فی سرکم لاهل البیت الاتقیاء کما نستدر من سماحتکم تکثیف هذه الهدایا الینا حتی یتعرف بها الناس علی ائمه اهل البیت علیهم السلام و یقدروهم تقدیرا.

ابوجعفر محمد جباتی

در این نامه پس از سلام وص لوات بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت طاهرین آن حضرت و خطاب به اقای حکیم الهی آمده است:

همانا هدایای ارزشمند شما که با انوار ولایت تام نسبت به اهل بیت علیهم السلام نورانی مب شاد و از مناقب شوق برانگیز و مزایای نشاط آور آنها پرده بر میدارد و آنها را در دل مردم ما ترویج می نماید آن چنان که هر کس به این نام های نورانی و اوصاف مقدس و روحانی که د رمساجد و مدارس نصب شده است نظر می افکند آرزو می کند که ای کاش او هم همانند آنها را در اختیار داشت تا محله خودش را به وسیله آن متبرک سازد و آن را زینت بخشد. سپاس و ثنای خود را به شما ابلاغ می کنیم و از خدای بزرگ می خواهیم که عطای بیشتر نصیبتان نماید و شعله های ولایت نسبت به اهل بیت علیهم السلام را د ردلتان مشتعل و برافروخته سازد و از شما می خواهیم که پی در پی چنین

هدایایی برای ما بفرستید تا مردم با امامان اهل البیت علیهم السلام آشنا شوند و از آنها به شکلی شایسته قدردانی نمایند.

نامه ای از کشور استرالیا

در طول سالهای گذشته نامه های فراوانی از سراسر کشور و سایر مناطق جهان رسیده است که نشان دهنده نفوذ و گسترش نهضت فاطمیه در همه کشورها و اقصی نقاط جهان می باشد به عنوان نمونه بخشی از نامه ای از حسینیه الرسول الاعظم صلی الله علیه و آله در جنوب استرالیا تقدیم خوانندگان می گردد:

حضور محترم حجه الاسلام و المسلمین جناب آقای حاج سید حجت ابطحی دام ظله با تشکر فراوان بابت ارسال کتیبه ها و پوسترها و برچسب ها و کتابهایی که برای ایام شهادت بی بی دو عالم حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام برای ما ارسال کردید اجر شما و دیگر بانیان این کار خیر با خود حضرت انشاء الله در دنیا و در آخرت شفاعت آن مظلومه شهیده شامل حالتان شود.

الحمدلله تمام ولادتها و شهادت های ائمه اطهار علیهم السلام به نحو احسن برگزار می شود ومسلمانان شیعه و سنی و از ملیت هایی چون ایران و عراق و افغان و لبنان شرکت می کنند و اگر کتاب و یا برچسب و یا کتیبه ارسال کنید به نحو احسن استفاده می شود البته شرکت کنندگان به زبان های فارسی و عربی و انگلیسی صحبت می کنند.

حسینیه الرسول الاعظم صلی الله علیه و آله جنوب استرالیا -۶ ذیقعده ۱۴۲۲

نام فاطمه زهراء و تاسیس مسجدی اعجاب انگیز

یکی از خطباء نامدار که در سراسر کشور مورد توجه می باشد و به خاطر داشتن علاقه و ارادت نسبت به ساحت مقدس حضرت زهرا علیها السلام نفوذ کلام و

موفقیت در تبلیغ نصیبش گردیده است در سال ۱۳۷۶ شمسی دعوت می شود که در محله ای به نام شیخ آباد از توابع شهر مبارکه (۱) در مسجدی که سی سال قبل به وسیله یکی از خیراندیشان محل ساخته شده بوده سخنرانی می کند. استقبال عمومی از برنامه سخنرانی و احساس کمبود محل برای اجتماع مردم سبب شد که اندیشه تاسیس یک مسجد بزرگ در مغزها مطرح شود ولی فکر هزینه های سنگین تاسیس چنین مسجد بزرگی با توجه به محدودیت های شدید اقتصادی مردم منطقه مانع از انجام هر اقدامی به حساب می آمد تا آنکه شبی خطیب یاد شده خطاب به مردم شیخ آباد می گوید: من از حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء خجالت می کشم که در منطقه شما پایگاهی به نام مادرشان حضرت زهرا علیها السلام وجود ندارد. با بیان این مطلب مردم حاضر در مجلس به گریه شدید در آمدند و این سخن در اعماق وجودشان تاثیر عجیبی گذاشت سپس خطیب یاد شده اظهار داشت: اگر به شما بگویند قبرستان بقیع را در اختیار شما م یگذاریم برای ساختن بقعه و حرم و رواق و بارگاه آن چه می کنید؟ باز هم صدای گریه مردم بلند شد و آه و ناله سر دادند ناگهان همان موسس اصلی مسجد قدیمی برخاست و گفت: من تا فلان مقدار (که مبلغ سنگینی بود) کمک میکنم ولی خطیب یاد شده اظهار داشت که تا فردا شب صبر می کنیم که هر کسی برای خشنودی قلب حضرت ولی عصر عجل الله فرجه هدیه ای را به مسجد الزهرا علیها السلام تقدیم کند خطیب یاد شده اظهار داشت که: خدا شاهد است نام مبارک مسجد

۱- مبارکه جزء منطقه لنجان از توابع اصفهان می باشد که به علت صنایع فولاد مبارکه نامش بر سر زبان ها قرار گرفته است

الزهرا علیها السلام دفعتا به زبانم جاری شد و مردم با شنیدن این نام مقدس با اشک جاری و شور و سوز غیرقابل توصیفی ۳ صلوات بسیار بلند و عجیبی فرستادند و پیشنهاد مرا تایید کردند. فردای آن شب هر کسی مبلغی را با شاخه گلی یا رمان سبزی همراه با نامه ای پر از درد دل خطاب به حضرت زهرا علیها السلام و امام زمان عجل الله فرجه تقدیم نمود و پله های منبر گلباران و پول باران شد و در همان شب ۲۳ میلیون تومان پول جمع آوری گردید و بعضی از جوان ها و مردم ضعیف که پولی نداشتند نام نویسی کردند که در هر هفته چند روزی را برای ساختن مسجد کارگری کنند و کامیون داران هم ثبت نام نمودند که برای حمل ضایعات و نیز آوردن مصالح ساختمانی (که در چنین ساختمان عظیمی حجم زیادی دارد) اقدام نمایند و برای هر یک از مخارج گنبد و مناره ها و کاشی کاریهای تمام شبستان و بنای محراب و سنگ کاری ها و آئینه کاری ها اشخاصی عهده دار گردیدند و د رمدت زمانی بسیار کوتاه مسجدی با عظمت ساخته شد که با کاشی کاریهای زیبا و مزین به منظره مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و قبرستان بقیع و حرم و بارگاه نجف اشرف و کربلای معلا و کاظمین وسامرا و مشهد مقدس و قم و ... و نیز آئینه کاریهای زیبا شکوه و عظمت خاصی یافته است. شبستان بزرگ مسجد به ضمیمه بالکن آن (که طبقه دوم محسوب می شود) گنجایش اقامه نماز جماعت برای پنج هزار نمازگزار را دارد. این نویسنده کمترین با دیدن ساختمان بزرگ و تزئینات گسترده مسجد و با در نظر گرفتن مدت زمان تاسیس و تزئین و نماکاری مسجد و با توجه به امکانات محدود مالی مردم شیخ آباد مبارکه به راستی نفوذ معنوی حضرت

زهرا علیها السلام را در قلوب مردم و عشق و ارادت و دلبستگی شدید آنها را به آن مظلومه بزرگ دریافتم و با اعجاب و تحسین به این همه ایمان و ارادت و شور و محبت تعظیم کردم.

اعزام مبلغ در دهه فاطمیه

در زمان گذشته اعزام مبلغ از حوزه های علمیه عمدتا در ماه مبارك رمضان و دهه اول محرم (ایام عاشورای حسینی) و دهه آخر ماه صفر (ایام اربعین و شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله بود ولی از زمان شروع نهضت فاطمیه و گسترش آن به تدریج اعزام مبلغ در ایام فاطمیه علیها السلام نیز توسعه یافته و مبلغین بسیاری از حوزه های علمیه به سوی شهرها و روستاها اعزام می شوند و تبلیغات ایام فاطمیه به عنوان بخش عظیمی از برنامه های تبلیغی مطرح گردیده است. نکته جالب در این فصل از تبلیغات این است که با توجه به مرسوم نبودن تبلیغات و عزاداری فاطمیه در بسیاری از شهرها و روستاها بسیاری از مبلغین مخلص داوطلبانه به شهر یا روستائی می روند و مردمی را که با چنین برنامه ای آشنائی نداشته اند به حرکت در آورده و پایه گذار برنامه فاطمیه می شوند و مردم را به برگزاری مراسم بزرگداشت شهادت حضرت زهرا علیها السلام برای اولین بار د رتاریخ آن شهر یا روستا تشویق می نمایند و به تدریج سنت حسنه ای را با عناوین : (عاشورای فاطمی)، (مراسم فاطمیه)، (عزای فاطمیه) پایه گذاری می نمایند.

نقش فاطمیه در پیشگیری از منکرات

طی بررسی هایی که در طول چهارده سال فعالیت های مربوط به بزرگداشت فاطمیه علیها السلام انجام گرفته و طبق گزارشهای کتبی و شفاهی که از سراسر ایران و خارج از کشور به ما رسیده توجه مردم به شخصیت و مظلومیت فاطمه زهرا علیها السلام تاثیر بازدارنده ای از منکرات و کارهای خلاف شرع داشته است و نه تنها در متن اجرای مراسم بزرگداشت شهادت آن حضرت مردمان عادی و مسلمانان معمولی را از بسیاری از خلاف کاری ها باز داشته بلکه بسیاری از خلاف کارهای سرشناس و بی اعتنای به ارزشهای دینی و اخلاقی را نیز تحت تاثیر قرار داده و آنها به احترام حضرت زهرا علیها السلام و حفظ حرمت آن بزرگوار تا حدود قابل توجهی دست از کارهای زشت خود برداشته اندو یا از پرده دری و بی بند و باری آشکار و گسترده و بی باکانه خودداری نموده اند. آری علاقه و محبت قلبی مردم به فاطمه زهرا علیها السلام نه تنها در جذب آنها به سوی ارزشهای دینی و اعتقادی تاثیرگذار می باشد بلکه نقشی بازدارنده از زشتیها و افسار گسیختگی ها داشته و در موارد بسیاری نابسامانی هایی را برطرف نموده است.

مراسم فاطمیه زمینه ای برای نشر معارف اسلامی

هم چنان که عاشورای حسینی و مراسم عزاداری سید الشهداء حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام بستر مناسب و بزرگ و وسیعی برای نشر معارف دینی و اخلاقی و بیان و تشریح اهداف و مقاصد و اعتقادات و احکام اسلامی است و در زیر لوای عزای امام حسین علیه السلام منبرها و کرسی های خطابه در تمامی

شهرها و روستاها نهاده می شودو از اصلی ترین مباحث اعتقادی و اجتماعی تا ساده ترین مطالب اخلاقی و تاریخی مورد تبلیغ و ترویج قرار می گیرد و در اقصی نقاط جامعه شیعه به وسیله اعزام مبلغ و تشکیل مجالس عزاداری اقدام مناسب برای نشر فرهنگ دینی و آشناسازی مردم با دین و مذهبشان انجام می گیرد در جریان نهضت فاطمیه نیز (که در سالهای اخیر شروع شده و گسترش یافته است) اعزام مبلغ تشکیل مجالس سوگواری و بیان مسائل و مباحث دینی نشر کتاب و مقالات ارزشمند دینی با الگوگیری از شخصیت فاطمه زهرا علیها السلام پخش فیلم ها و برنامه های اخلاقی و تربیتی و مذهبی و ... از رسانه های جمعی و صدا و سیمای برخی از کشورها بالاخص جمهوری اسلامی ایران و ... به شکل بسیار جالب و موثری انجام می گیرد.

در سالهای اخیر و در جریان حرکت فاطمیه برگزاری مجالس مذهبی در سراسر کشور آن چنان گسترش یافته که در برخی از شهرها ایام فاطمیه اول و دوم همانند ماه محرم و صفر و بالاخص دهه عاشورای حسینی حرکت دستجات عزاداری و برگزاری مجالس دینی حالت همگانی به خود می گیرد و هیچ ناحیه و خیابان و محله و کوی و کوچه ای نیست که پرچم مجلس عزای فاطمه زهرا علیها السلام برافراشته نگردد و بدین وسیله در نشر معارف اسلامی از دیدگاه مکتب اهل البیت علیهم السلام گامی بزرگ برداشته می شود.

گسترش نامگذاری به نام های مقدس از اثار نهضت فاطمیه

در جریان گسترش برنامه های فاطمیه در تمامی شهرها و روستاهای کشور در اثر توجه عمومی به عظمت حضرت زهرا علیها السلام و آشنایی عموم

ص:۱۵۵

طبقات با شخصیت و برکات وجودی آن حضرت و نیز در اثر فعالیت های گوناگون مبلغین در گسترش دادن فرهنگ فاطمیه همانند اعطاء جوایز قابل توجه به کسانی که مفتخر به همنامی با حضرت زهرا علیها السلام هستند (۱) سه برنامه جالب اتفاق افتاد:

۱-گسترش بی سابقه انتخاب نام هایی همانند: فاطمه، زهرا، صدیقه، طاهره، حوراء ، منصوره، و دیگر نام های حضرت زهرا علیها السلام برای نوزادان دختر آن چنانکه در بعضی از مناطق این تحول موجب اعجاب و شگفتی گردیده است.

۲-تغییر نام دادن دختران جوان و بانوان بزرگسال از نام های قدیمی و دور از فرهنگ دینی به نام های حضرت زهرا علیها السلام و سایر چهره های برجسته مکتب اهل البیت علیهم السلام .

۳-تحول در نامگذاری نوزادان پسر و نیز تغییر نام افراد بزرگسال به نام های مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان و منتسبین به خاندان رسالت علیهم السلام و این برنامه بسیار جالب و تاثیرگذار در جهت گیری فرهنگی خانوده ها یکی از برکات نهضت فاطمیه به شمار می رود.

تجلی فطرت های پاک در نهضت فاطمیه

در گزارشات کتبی و شفاهی مبلغین و دست اندرکاران فعالیت های فاطمیه

ص:۱۵۶

۱- در برخی از مناطق کشور فرهنگ عمومی جامعه کمتر با مکتب اهل البیت علیهم السلام آشنا می باشد و لذا از طریق برنامه های تشویقی همانند اعطاء جوایز به کسانی که همنام با یکی از ائمه معصومین علیهم السلام یا حضرت زهرا علیها السلام هستند می توان در مسیر نزدیک کردن فرهنگ عمومی آنها به مکتب نورانی اهل البیت علیهم السلام قدم برداشت.

فراوان آمده و نیز در مشاهدات عینی خودمان در شهرهای گوناگون و مخصوصا در منطقه هایی که مردم آنها از دیدگاه مذهبی مثبت به نظر نمی رسند صحنه های تکان دهنده ای ملاحظه شده و می شود با این کیفیت که جوانی با لباس و آرایشی مخصوص که هیچ گاه به نظر نمی رسد در دل و جان او گرایشی معنوی و الهی وجود داشته باشد با دیدن صحنه ای از عزاداری های مخلصانه و پرسوز بر حضرت زهرا علیها السلام آن چنان تحت تاثیر قرار گرفته که نه تنها به تماشای عزاداران پرداخته بلکه همراه آنها به راه افتاده و در مساجد و حسینیه ها وارد شده و سینه زدن و اشک ریختن در عزای فاطمه زهرا علیها السلام او را به جمع دلباختگان آن حضرت ملحق نموده است و در پاسخ به این سوال که انگیزه شما از شرکت در این عزاداری چیست؟ پاسخ داده که امیدواریم برکات و عنایات حضرت زهرا علیها السلام ما را هم در بر بگیرد ما هم آن حضرت را دوست داریم ما که غیر از او وسیله ای نداریم نام و یاد او برای ما نیز تسلی بخش است. و هم چنین در بسیاری از موارد دختران و بانوانی را ملاحظه می نمودیم که لباس و هیئت ظاهری آنها نشانه ای از گرایش های دینی نشان نمی داد ولی در برابر صحنه های عزاداری بر حضرت زهرا علیها السلام اشکی جاری دلی سوزان و عاطفه هایی پاک و برانگیخته داشتند و به احترام آن حضرت کیفیت لباس و هیئت ظاهری خود را بهبود می بخشیدند و بدین وسیله رشته ارتباط قلب خود را با ارزشهای دینی و الهی برقرار می ساختند.

در مشاهدات عینی و گزارش های واصله تاثیر و نقش عزاداری های فاطمیه در ایجاد انقلاب درونی و جهت دادن دلها به سوی مقدسات مذهبی و باز گرداندن فراریهای از دین و روحانیت و پایگاه های مذهبی به سوی فطرت اصیل اسلامی بسیار محسوس و حتی در برخی از موارد غیرمنتظره است .

ص:۱۵۷

و اگر برنـامه هـای عزاداری هـای حضـرت زهرا علیهـا السـلام بـدون آلایـش هـای نامطلوب و با خلوص نیت و بـدون ضـمائم نـاهمگون انجـام گیرد بهترین تـاثیر را بر روی طبقـات مختلف و بالاـخص زنـان و جوان هـای از راه دین فاصـله گرفته خواهد گذاشت و نقش بسیار سازنده ای در هدایت به سوی مقدسات دینی ایفا خواهد نمود.

با اشک جاری میگفت چرا ما این قدر بی خبریم

یکی از فضلای مخلص ودلباخته اهل البیت علیهم السلام که در یکی از شهرهای جنوب اصفهان به نام بهارستان سکونت دارد (و در آنجا فعالیت تبلغیی و دینی بسیار محدود است) در ایام فاطمیه پوسترهای مربوط به شهادت حضرت زهرا علیها السلام را در قسـمت های مهم و اصـلی شـهر نصب می کند و چهره شهر و خیابان های آن را دگرگون می سازد ناگاه خانمی با ظاهری نامنـاسب دیـده می شـودو ایشـان نگران می شـود کـه نکنـد مـورد اعـتراض آن خـانم قرار بگیرد کـه چرا ایـن پوسترهـا را می چسـبانی؟ ولی برخلاـف انتظـار آن خـانم چنـد عـدد از پوسترهـا را میگیرد و بـا توجه به محتوای جـانسوز و تکان دهنـده آنها پسوترها را بوسه باران می نماید و به شدت گریه می کند و می گوید: چرا ما اینقدر بی خبریم

پاسخی الهامی و آینده ای درخشان

در اولین سـال شـروع نهضت فـاطمیه در اوج جوش و خروش برای به حرکت در آوردن دسـتجات عزاداری و تهیه پرچم هـا و پوسترها و آماده سازی و جـذب افراد مخلص و علاقمنـد به برگزاری مراسم عزاداری و بزرگـداشت چهاردهمین قرن شـهادت حضرت زهرا علیها السلام با افکار گوناگون و سلیقه های متفاوتی برخورد می کردیم که اگر عنایات پی در پی و ظهور و

کرامات و تاییدات غیبی نبود چه بسا آن حرکت نو و بی سابقه در مراحل اولیه اش با شکست روبرو می گردید. برخی از علاقمندان به اهل بیت علیهم السلام نیز با اینکه در اصل دفاع از حریم حضرت زهرا علیها السلام نظر موافق داشتند ولی در شکل برنامه و نقطه شروع حرکت سوال و شبهه داشتند. آنها می گفتند: با نصب پرچم ها و پوسترها وزیاد شدن جلسات و به حرکت در آمدن دستجات عزاداری و ... چه نتیجه ای حاصل می شود؟ بایستی قدمی در راه آشناسازی جامعه با تاریخ زندگی و شخصیت و اهداف حضرت زهرا علیها السلام برداشت. این سوال از ناحیه بعضی از دوستان تحصیل کرده مطرح گردید و بدون این که سابقه ذهنی در جواب آن داشته باشم به شکل عجیب و غیرمنتظره ای جواب سوال به دل و جانم الهام شد که : وقتی توجه اقشار مردم به فاطمه زهرا علیها السلام و مخصوصا شهادت مظلومانه و دلسوزانه آن حضرت جلب شد (با توجه به ایمان وطینت پاکی که در آنان وجود دارد) همگی دستبه کار می شوند و علماء و محققین می نویسند و میگویند و شعراء با ایمان و دارای ذوق لطیف می سرایند و دلسوزان جامعه به یاد آن مظلومه به مدد و یاری بیچارگان و گرفتاران می شتابند و بالاخره یک نهضت فراگیر که شامل همه ابعاد علمی-اجتماعی-فرهنگی- و ... می باشد شکل می گیرد. خدا می داند که آنچه به زبانم جاری شد و در پاسخ به سوال یاد شده گفتم و هم اکنون پس از گذشت چهارده سال تحقق آن را می بینم چیزی نبود که درباره اش فکر کرده باشم و از روی علم و اندیشه اکتسابی بیان کرده باشم بلکه الهامی غیبی بود که از عنایات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می شمارم.

ص:۱۵۹

آری کجـا می توانسـتم فکر کنم که فقط در مـدت چهارده سال بیش از یک هزار جلـد کتاب به زبان های زیاد و با تحقیقات گسترده تالیف و چاپ و منتشـر شود که بعضی از آنها ۱۰ جلد قطور و یا ۲۰ جلد می باشد و چگونه می توانسـتم بیندیشم که در جامعه ای که در آن سالها روضه خوانـدن برای حضـرت زهرا علیها السـلام مورد اعتراض و هجوم قرار می گرفت به مرحله ای برسـد که ایـام فاطمیه حال و هوای عاشورای حسـینی به خود بگیرد و رسـما یک روز به نام نامی آن حضـرت تعطیل اعلام شود و دسـتجات عزاداری بـا حضور بزرگترین مراجع تقلیـد (و بـا پای برهنه در روی آسـفالت های داغ) به حرکت در آیـد و موجی نورانی و گسترده در همه بلاـد ایجاد نمایـد. آیا چگونه می توانسـتم با فکر ناقص خودم تصور کنم با گـذشت ۱۴ سال چند صد مرکز بزرگ بیمارسـتانی و درمانگاهی و آزمایشـگاهی به نام حضـرت زهرا علیها السلام نامگذاری می شود و صدها مدرسه و دبیرستان و دبستان به نام آن حضرت تاسیس و نامیده شود و دهها خیریه و دارالشفاء و صندوق های انفاق و امداد به نام و یاد آن حضرت پایه گذاری گردد.

آی الهامی الهی وموفقیتی درخشان و غیبی سر لوحه نهضت مقدس فاطمی است.

اعتقاد شیخ حسن علی اصفهانی درباره حضرت زهرا

اعجوبه روزگار و صاحب نفس نامدار مرحوم حاج شـیخ حسـنعلی اصـفهانی (نخودکی) که آثار نفس رحمانی و برکات روح قدسـی و ملکوتی او زبـانزد و عـالم گیر است و داسـتان هـای برنـامه های شـگفت انگیز او تکان دهنـده و اعجاب انگیز ومحیر العقول می باشد و در اثر عبادت و مجاهدت و

ریاضت های سخت و زیارت و اعتکاف در اماکن متبرکه و مداومت و مراقبت بر انواع عبادات و اذکار و تمرین های سخت مسیر تکامل روح را پیموده است خود ایشان اظهار می داشته اند که:

روح همه این اعمال خدمت با اخلاص نسبت به سادات و ذریه فاطمه زهرا علیها السلام است و بدون آن اینگونه اعمال همچون جسمی بی جان می باشد و آثاری بر آنها مترتب نمی شود. (۱)

و این مطلب برگرفته از حدیث امام صادق علیه السلام است که می فرمایند:

خَیرُ العَمَلِ بِرٌّ فاطِمَهَ وَ وُلدِها

یعنی بهترین عمل نیکی کردن به حضرت فاطم زهرا علیها السلام و فرزندان آن حضرت می باشد.

جهانی شدن فاطمیه مقدمه ای بر ظهور حضرت مهدی

با توجه به این که در هنگامه ظهور حضرت بقیه الله الاعظم حجه بن الحسن العسکری عجل الله فرجه به مدینه منوره تشریف می برند و قبر آن دو نفر را می شکافند و آنها را به جرم ستم هایی که بر حضرت زهرای شهیده علیها السلام و فرزند مظلومشان حضرت محسن بن علی علیه السلام روا داشتند به مجازات می رسانند به نظر می رسد که این نهضت جهانی فاطمیه که شدیدا مورد عنایت الهی است و کرامات و تاییدات غیبیه (به شکل بی نظیری) در تحقق آن ظاهر می شود مقدمه ای است برای آمادگی جهانیان و اگاهی آنها از ستم گریهای :

صنمی قریش که در هنگام مجازاتی که از ناحیه حضرت بقیه الله الاعظم

۱- نشان از بی نشان ها، چاپ اول، صفحه ۲۷

عجلل الله فرجه بر آن ستمگران وارد می شود همگان آماده و منتظر باشند و آن انتقام الهی و نمونه به عنوان یکی از اقدمات برجسته منجی و مصلح جهانی جلوه نماید و همه بدانند که دعایشان مستجاب گردیده و فریادهایشان که می گفتند:

اَینَ مُعِزِّ الاَولِیاء وَ مُذِلُّ الاَعداء

بی جواب نمانده و دشمنان خدا ذلیل شده و به مجازات رسیده اند.

تهیه و پخش فیلم فاطیما در سه نوبت با فاصله زمانی کوتاه

پیشگفتار- در کشور پرتغال شهری است به نام فاطمه (فاطیما) که زیارتگاه بسیار مهمی در آن واقع است و همه ساله محل رفت وآمد جمعیت های بسیاری می باشد که برای گرفتن شفای خود و دعا برای رفع انواع مشکلات و سختی های زندگی به آنها مراجعه می نمایند. در سال ۱۹۱۷ میلادی سه نوجوان اعلام کردند که : در این محل شاهد ظهور بانویی درخشنده بوده اند به نام فاطیما دختر پیامبر صلی الله علیه و آله که به دنبال جریانات مهم دیگری که رخ داد توجه عموی به دهکده آنها جلب گردید وبا گذشت زمان زیارتگاه مهم و بزرگی شکل گرفت. نشانه های قابل توجه و با ارزشی در این جریان وجود دارد که به خوبی نشان می دهد بانوی درخشنده یاد شده فاطمه زهرا علیها السلام درخت گرانقدر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می باشند.

پاپ ژان پل دوم رهبر کاتولیک های جهان معتقد است که: در پناه نام فاطمه علیها السلام ازمرگ نجات یافته است.

وی در سفری به پرتغال تصمیم گرفت به شهر فاطیما برود به علت اینکه ده سال قبل از آن تاریخ از مرگ نجات یافته بود و نجات خود را در پناه نام

فاطمه علیها السلام می دانست و به خاطر برگزاری مراسم شکرگزاری تصمیم گرفته بود که به آن مکان مقدس برود. (۱)

جریان تهیه و پخش فیلم فاطیما علیها السلام

در سال ۱۳۷۵ شمسی (۱۴۱۷ قمری) فیلم بسیار جالب و مستندی از شهر فاطمه «فاطیما» و برنامه دعا و استغاثه های عظیمی که انجام می شود و سیل عظیم زائران که به این مرکز دعا و نیایش می آیند توسط برخی از ایرانیان تهیه شد و از تلویزیون جمهوری اسلامی ایران پخش گردید و آن چنان مورد استقبال شدید علاقمندان بهفاطمه زهرا علیها السلام قرار گرفت که سیل تقاضای علاقمندان برای پخش مکرر آن مسئولین سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران را موظف نمود که با فاصله نزدیک زمانی برای بار دوم فیلم یاد شده را پخش نمایند و هم چنین تقاضای مکرر و فراوان آنها را به پخش فیلم برای سومین بار تشویق نمود که چنین تکراری آن هم با فاصله نزدیک (در ایام فاطمیه اول و دوم) جلب توجه نمود و نشان دهنده علاقه همه اقشار جامعه نسبت به فاطمه زهرا علیها السلام بود. و جالب است که علاقمندان بسیاری با تهیه فیلم ویدئویی از این گزارش خاطره شیرین آن را در زندگی خود (با تهیه فیلم آن) نگهداری نمودند و موسسه های تکثیر فیلم های ویدئویی هزاران نسخه از این فیلم را تهیه نموده و به فروش رسانیدند.

۱- روزنامه رسالت، یکشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۰-۲۸ شوال ۱۴۱۱ شماره ۱۵۳۹ صفحه ۱۶ به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی

فیلم یـاد شـده که تصـاویر جـالبی را از سه نوجـوان مـدعی دیـدار فاطیمـا و زیارتگـاه یـاد شـده و چگونگی ازدحـام زائران در زیارتگاه فاطیما و حرکت آنها با پای پیاده و یا با کنده های زانو را نشان می دهد و هم چنین مسـجمه سفید فاطیما را که چادر بر سـر و تسبیـح به دست دارد (که از نشانه های یک بانوی مسـلمان می باشد) در حالی که سـید دعاکنندگان و پناهندگان در اطراف آن مجسـمه به نیـایش و توسل مشـغولند به نمایش گـذارده است و همراه نمایش تصاویر یاد شـده گزارش جالبی را از تاریخچه دهکده و زیارتگاه فاطیما عرضه نموده است که ذیلا تقدیم علاقمندان حضرت زهرا علیها لاسلام می نمائیم.

بسم الله الرحمن الرحیم

شنیـدن نـام دهکـده فاطیما ما را با واقعه ای تاریخی آشـنا کرد و با منطقه ای در جغرافیای جهان آنجا که نام فاطمه از مرزهای اسـلام فراتر رفته و به گونه ای عجیب بین ادیـان الهی سـایه افکنـده است. فاطیمـا در قاره اروپا در کشور کوچک پرتغال میان محبان خود سالهاست که خیمه تضـرع و دعا افکنـده است آنان که در عصـر خلا معنویت در جهان تیره ماوائی ندارند هر سال بسوی فاطیما می شـتابند و از بانوی صاحب تسبیـح طلب شـفاعت می کنند فاطیما در ذهن آنان مظهر نور و درخشـش زهرائی است فاطیمـا در نگـاه آنان دخت پیامبر صـلی الله علیه و آله است و بانوی صاحب تسبیـح فاطیما نـدای ظهور منجی حقیقی در عالم است آنان از فاطیما شـفا می گیرندو برای او نذر میکنند و از فرسنگها راه مسیر زیارت را با پای پیاده و زانوان زخمی می پیماینـد هیـچ کس نیست که منکر معجزه فاطیمـا در جهان تشـنه معنویت باشـد و هیـچ کس نیست که از فاطیما خاطره شـفا و تزکیه نفس خویش را با خود به شهر دلگیری بازنگرداند

و سـال را با خاطره زیارت فاطیما به پایان نبرد و هیـچ کس نیست که صـدای زنگ های برج بلنـد فاطیما را بشـنود و به معجزه فاطیما نیندیشد.

کشور پرتغال در بخش غربی شـبه جزیره ایبری و بر کرانه اقیانوس اطلس و در مغرب اسـپانیا قرار گرفته است و اگر چه پس از پایان پنج قرن سلطنت فاتحان مسلمان از اواخر قرن ۱۱ میلادی مناره های بلند مساجد تبدیل به برج های کلیسا شده اما بیش از نیم قرن است که نام دخت پیامبر صـلی الله علیه و آله بر بلندترین برج کلیسای دهکده فاطیما می درخشد. آری مناره ها تبدیل به برج هـا شدنـد و فاتحان مسـلمان شال ۱۷۱۰ میلادی از پرتغـال هجرت کردنـد امـا نام حضـرت فاطیما هرگز از قلوب مردم پرتغـال و مناطق اطراف محو نگشت. واقعه ای که در سال ۱۹۱۷ میلادی در پرتغال روی داد سرچشـمه ای شد که فاطیما را از قلبها به زبان ها و سپس به سنتی ویژه در تاریخ اعتقادات عمیق مردم پرتغال تبدیل کرد.

فاطیما دهکـده ای که در پی اسـتقبال خیل بی شـمار زائران اکنون به یک شـهر زیارتی تبـدیل شـده است مانند تمام شـهرهای زیـارتی دنیـا یعنی وجود یـک مراد به نام فاطیما و یک بقعه و زیارتگاه و قـدمگاه هایی که زائران و مشـتاقان به آنجا می آیند چهره جدید شـهر نتوانسته است خصوصیات قدیمی این شهر را محو سازد مسلمین در سال ۷۱۰ میلادی وارد شبه جزیره ایبری شدنـد و خاطره حضور فاتحان مسـلمانی همچون عبـدالرحمن هرگز از ذهن و دل مردم پرتغال محو نشده است وجود نام هایی همچون الجیش و العربی بر تارک خیابان های شـهر تا امروز خبر از وجود مسـلمین در این شهر را دارد. مردم شبه جزیره ایبری بسیاری از آداب و رسوم و حرفه هایی را که به

ص:۱۶۵

وسیله فاتحان مسلمان آورده شده پذیرفتند و همچنان حفظ کرده اند روش سنتی کشاورزی حجاب زنان و آشنایی دیرینه مردم با معتقدات اسلامی نشانه ای از این پذیرش دیر سال است. در جای جای این منطقه می توان حضور فاتحان مسلمان را حس کرد در این میان آنچه بیش از همه انسان را به سده های اول اسلام مرجوع می کند خاطره بانوئی است که کودکان راستگوی روستا او را به نام فاطیما و بانوی صاحب تسبیح می دانند و معرفی نموده اند واقعه از آنجا آغاز می شود که سه کودک روستایی در اطراف دهکده چشم بر حقیقتی می گشایند که بعد از آن ریشه عقیده مردم آن منطقه می شود جسیکا ۷ ساله فرانسیسکو ۹ ساله و لوسیا ۱۰ ساله شاهد اصلی این واقعه لوسیا است و واقعه از زبان این سه کودک این چنین نقل شده است. در سال ۱۹۱۶ میلادی (یک سال قبل از دیدار با بانوی درخشنده) فرشته ای بر ما ظاهر شد و سه بار این گفته را تکرار کرد:

من فرشته صلح هستم خدایا من ایمان دارم و باور دارم و عشق می ورزم بتو و من طلب استغفار می کنم از آنان که باور ندارند و عشق نمی ورزند و ایمان ندارند. فرشته دو بار دیگر در تابستان و پائیز بر آنها ظاهر شد و در هر بار یک چیز را از آنان خواهش کرد: قربانی بدهند و استغفار کنند برای گناهکاران و دعا کنند برای متحول شدن آنها. این سه برخورد بود که بچه ها را برای دیدن بانوی صاحب تسبیح آماده کرد در سال ۱۹۱۷ میلادی بچه ها دو بر نور درخشنده ای را دیدند و سپس بر بالای درخت بلوط نور عظیمی ظاهر شد بانوئی درخشنده تر از خورشید به نام فاطیما او فرمود: نمی خواهم شما را بترسانم بچه ها گفتند: شما که هستید؟ فرمود:

من فاطمه دختر پیامبر گفتند: شما از کجا آمدید؟ فرمود: من از بهشت آمده ام گفتند: از ما چه می خواهید؟ فرمود: من آمده ام از شما بخواهم باز اینجا بیائید بعد به شما خواهم گفت که از شما چه می خواهم.بانوی صاحب تسبیح بعد از آن هر ماه ظاهر شد از ماه می تا ماه اکتبر و در آخرین و ششمین دیدار او معجزه بزرگی را در مقابل دیدگان هفتاد هزار نفر جمعیتی که گرد آمده بودند نمایان ساخت در برابر دیدگان منتظر جمعیت باران بطور ناگهانی ایستاد ناگهان خورشید به لرزش در آمد و ایستاد و دوباره چرخید و ایستاد به طوری که مردم احساس کردند هر لحظه میرود که خورشید بر آنان فرود آید پس از این واقعه خورشید به جای اول خود بازگشت و به همان درخشش معمول و زیبای خود ادامه داد اولین عکس از این واقعه در روزنامه لیسبون در پنجم اکتبر همان سال منتشر شد خبر همین واقعه هم بود که چشم جستجوگر خیل مشتاقان را متوجه مدعای سه بچه روستایی کرد و هم اکنون دیگر هر آنچه که می گفتند مورد قبول افرادی بود که به چشم خویش نخستین کرامت حضرت فاطمه علیها السلام را دیده بودند.

لوسیا وارد زندگی مذهبی شد و زنده ماند زیرا که عهده کرده بود با بانو که در ترویج عبودیت تلاش کند و زنده بماند فرانسیسکو و جسیکا در دو و سه سال بعد در اثر بیماری ریوی از بین رفتند. لوسیا هم صدا را شنید و هم سخن گفت و هم بانو را دید. جسیکا هم بانو را دیدو هم صدایش را شنید و فرانسیسکو فقط بانو را دید. حقانیت بچه ها را ابتدا پدر و مادر آنها باور می کردند چرا که می گفتند: آنها در زندگی هرگز دروغ نگفته اند. در هر حال نه تنها مرگ دو کودک کوچک

ص:۱۶۷

از عمق اعتقـاد آنـان نکـاست بلکه چون بانوی درخشـنده به دو کودک قول داده بود که آن دو را به بهشت ببرد اعتقاد انها را نسـبت به عمق مسـئله افزود این کودکـان در چشم مردم کودکـانی مقـدس و مـذهبی شـده انـد. در سال ۱۹۱۹ عبادتگاهی در دهکده فاطیما ساخته شد و سه سال بعد توسط افراد متعصب منفجر شد ولی بعد از مدتی دوباره برپاگشت.

درسال ۱۹۲۸ اولین سـنگ ساختمان اصلی بنا نهاده شد در سال ۱۹۳۰ اسـقف لیبریا اجازه برگزاری آئین پاک فاطیما را صادر کرد اجـازه کلیسا در سال ۱۹۳۲ برای برگزاری مراسم عبـادت بانوی ما فاطیما بود که سـرانجام در سال ۱۳۵۳ به این زیاترگاه پشـتوانه ای رسـمی داد اگرچه این همه فقط در جهان سـیاست می گذشت ولی قلوب مردم از همان روز وقوع واقعه خورشـید دهکـده فاطیمـا محلی برای زیـارت قلوب مردم شـد. هر سـاله در سـیزدهم مـاه می دوسـتداران فاطیمـا از تمامی نقاط پرتغال و کشورهای اطراف برای زیارت و نیز دعا و توبه و طلبشفا و تزکیه روح به این منطقه می آیند. رخسار معنوی این سفر رخساری بس شـگفت آور است شـهر بـانوی صـاحب تسبیـح آنجـا که چنان اثری عمیق در قلوب زائران قرار داده که هر ساله آنها را به آنجا میکشاند آنجا مردم از حضرت فاطیما شفا می گیرند از او طلب شفاعت می کنند.

و خود را مدیون دعای مستجاب بزرگ بانوی درخشنده می دانند.

هیچ کس نمی تواند کرامت جاری در بستر این واقعه تاریخی را کتمان سازد که موج روز افزون جمعیت مشتاق زیارت فاطیما موجی نیست که بتوان در برابر عظمت پرشگفتی آن با کتمان و پرده پوشی برخاست. شهر

فاطیما در پشت این اعتقادهاست که چهره ای از توسل و اکرام بین الادیان پیدا کرده است هر کسی با آئین مرسوم خاص خود از فاطیما تجلیل میکند نذر شمعها با پای پیاده به زیارت آمدن ها بپا داشتن مراسم شب احیا و دعا برگزار کردن مراسم ذکر و انابه همه و همه جلوه ای از توسل قلبی مردم به حضرت فاطیما است. در این بین ذکر تسبیحات از همه بیشتر رواج دارد که در آخرین دیدار بانوی بزرگ اسلام از مردم خواسته است که هر روز به این تسبیحات ادامه دهند این تسبیحات به زبان های مختلف است و از مهمترین ادعیه در مراسم پاک بانوی فاطیما است. زوار می آیند تا مجسمه سفید را به یاد حضرت فاطیما ببینند همه برگرد مجسمه برای درخواست و تشکر بسیج می شوند برخی التماس دعا دارند و برخی طلب شفاعت و بازگشت ایمان به قلب های آنان. آنان د رانتظار طلوع خورشید عدالت از فاطیما طلب عوض شدن زندگیشان را می نمایند.

معمولا اتفاق نمی افتد کسی دست خالی از شهر فاطیما برگرد.

در سمت چپ عبادتگاه بیماران برای طلب شفا یا طلب قدرت تحمل بیماری شب را به انتظار صبح در حال احیاء بسر می برند هیچ زبانی یارای بیان آن جاذبه عمیق را ندارد که میان این مردم و توسل عجیبشان به این بانو ره گشوده است. این همه صبر و شکیب در مهیا شدن برای بزرگداشت خاطره دیدار این بانوی بزرگ آیا عجیب نیست؟ آیا عجیب نیست که این مردم در سفری از جهان مسیحیت به جهان اسلام دخیل عشق و انابه و ارادت عجیب خود را نسبت به دخت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله اسلام می بندند.

این مردم هر آنچه از مذهب می شناسند در حد وسع و فهم و توان خود به

پـای فاطیما می ریزنـد آنان به تصورات خود از قـدات فاطیما در آئینی پاک و روحانی جسـمیت می بخشـند. آنان برای فاطیما نـذر می کننـد و کیلومترهـا راه را بـا پای پیاده و زانوی زخمی می پیماینـد تا به او برسـند و بار سـنگین دردهای خویش را در جهان تشـنه معرفت به حقیقتی بسپارند که در نظر آنان سـمبل نجات و پاکی و رسـتگاری است که اگر این نیست چیست این موج جمعیت و تبلور احساس؟

موج حضور مردم هر ساله در این مراسم افزایش می یابـد و آنان که می بیننـد و آنان که می فهمند و حقیقت حضور فاطیما را در این شـهر مقدس حس می کنند آنان را که ندیده اند و آنها را که نمی فهمند و آنان را که تشنه حقیقت حضورهای نورانی د رجامعه ای بی ولایتند به سمت ولایت فاطمه می خوانند. محل یکی از این دیدارها (۱) در کنار چاه خانه پدر لوسیا است که در آنجا آنها با حضـرت زهرا علیها السـلام آشـنا شدند. در سـیزدهم می ۱۹۶۷ پـاپ زان پل شـشم در پنجاهمین سالگرد آئین فاطیما شرکت کرد در سیزدهم می ۱۹۸۲ پاپ ژان پل دوم برای تشکر از حفظ جان خود به زیارت فاطیما آمد. شب اصلی دعا شب سـیزدهم ماه می است که به وصـیت بانوی صاحب تسبیح باید به دعا و تسبیح و اسـتغفار سپری شود این درسـی است که مردم از فاطیما گرفته و به ساحت باورهای قلبی و قبلی خویش افزوده اند و این چنین است که مراسم فاطیما از واقعه ای که می توانست در تاریخ به فراموشی سپرده

۱- اشاره است به دیدارهایی که در سال ۱۹۱۷ سه نوجوان دهکده داشته اند و در اول داستان مورد اشاره قرار گرفت

شود اکنون به گواه شاهدان تبدیل به یک محل عبادت در شهر فاطیما شده است خواه معرفت به فاطمه داشته باشند یا نداشته باشند و باید گفت که اکنون حضرت فاطیما مظهر برآوردن آرزوهای مردم این بخش جهان شده و موج روز افزون فاطیما به شهر فاطیما ابعاد گسترده بین المللی داده است و این فقط تاثیر نام است چه رسد به پیام آن هم بر قلب مردمی که نام فاطمه را بر دختران خود می گذارند. زوار در آخرین مرحله آئین فاطیما در هنگام خداحافظی این جملات را زمزمه می کنند:

بانوی ما، فاطیما، بانوی صاحب تسبیح، بانوی درخشنده من اکنون مجبورم از تو جدا شوم اما از خدا می خواهم این آخرین دیدار من با تو نباشد و همیشه این التماس و شوق در وجود من زنده باشد یا فاطمه! خداحافظ، ای بانوی پاک ماه

نکته هایی مهم

در پخش مجدد فیلم فاطیما سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (شبکه دوم) میزگردی را ترتیب داده و پخش نمود که چند نفر از دست اندرکاران تهیه فیلم و گزارش شهر زیارتی فاطیما نکات مهمی را در توضیح محتوا و چگونگی برنامه فیلم یاد شده بیان نمودند که ذیلا به چند مورد از آنها اشاره می نمائیم.

۱-در منطقه ای که شهر فاطیما قرار گرفته نام فاطیما فراوان است و از اسم هایی است که مورد علاقه شدید می باشد و نه تنها در پرتغال بلکه در غرب اسپانیا و جنوب فرانسه نیز همین علاقه وجود دارد بلکه علاقه به

فاطیما در بسیاری از قسمت های آسیا و آفریقا نیز موجود می باشد.

۲-کلیساهایی به نام فاطیما وجود دارد (که این نشان دهنده توجه عمیق مردم آن مناطق به بانوی بزرگ فاطیما است)

۳-جایگاه ها و قدمگاه هایی در کشورهای مختلف به نام فاطمه فاطیما وجود دارد

۴-از سراسر جهان برای زیارت شهر فاطیما می آیند.

۵-عنوان بانوی صاحب تسبیح نشانه جالبی است برای اینکه مقصود از فاطیما فاطمه زهرا علیها السلام هستند زیرا آن حضرت هستند که تسبیحات مخصوص و مشهور دارند (تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام)

۶-بانوی درخشنده مرادف و هم معنای زهرا علیها السلام است و درخشنده تر از خورشید اشاره به معنی زهره الزهراء علیها السلام است.

۷-در فیلم مستندی که کلیسا ساخته است در آن فیلم نام (فاطیما دختر محمد صلی الله علیه و آله) دختر پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله می باشند)

۸-گاهی تعبیر می شود به : بانوی پاک که مرادف با طاهره و صدیقه طاهره می باشد.

۹-در مورد فاطیما محزون بودن مطرح شده است که می دانیم در اواخر عمر حضرت حزن و اندوه و گریه ای داشتند که در مورد هیچ کدام از بانوان بزرگ تاریخ نظیر نداشته است.

۱۰-آمارهایی وجود دارد از شفاهایی که به ثبت رسیده و رقم آنها به پانزده هزار می رسد (که البته در این موارد رقم موارد ثبت نشده بسیار

بسیار بیشتر خواهد بود)

۱۱-در همه جای شهر فاطیما این نام مقدس روی تابلوها و در دید عموم وجود دارد.

۱۲-مردم آن شهر با صراحت می گفتند:

فاطیما دختر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است.

۱۳-در آنجا مشهور بود که اگر کسی نام فاطیما داشته باشد از آتش جهنم دور خواهد بود.

۱۴-در زیارت فاطیما فقط پیران و سالخوردگان نبودند که به زیارت می آمدند بلکه جوان ها و تحصیل کرده های فراوانی بودند که با عشق و علاقه زیاد و باورهای جدی برای عرض حاجت و استمداد معنوی آمده بودند.

۱۵-اسامی عربی هنوز وجود دارد و نشان می دهد که این محیط با مسلمانها کاملا آشنا است.

۱۶-جمعیت هایی که می آمدند چه بسا مسافتی طولانی را با سر زانو و تسبیح به دست می پیمودند (و گاهی زانوهایشان زخمی می شد)

۱۷-سیاه پوست و سفیدپوست پیر وجوان زن و مرد تحصیل کرده و عامی خود را به فاطیما می رسانند و همه در قلبهایشان کشش و گرایش شدید معنوی وجود دارد.

۱۸-به معنی عام بازگشت انسان ها به دین و معارف الهی و حالات روحانی و معنوی به طور جدی و قطعی احساس می شود.

برکات نهضت فاطمیه در زمینه احیاء امر اهل البیت علیهم السلام

پس از انکه نهضت فاطمیه در سال ۱۴۱۱ قمری شروع گردید برکات عجیب و غیرمنتظره ای در زندگی و برنامه های علمی و عملی این نویسنده کمترین ظاهر گردید و موفقیت های غیرقابل توصیف و پیش بینی برای این بنده کمترین (با کمک دوستانی که در نهضت فاطمیه مخلصانه اقدام می کردند) حاصل گردید که دست یابی به آنها جز با عنایات اهل البیت علیهم السلام و صاحبان ولایت الهیه مقدور نمی باشد که ذیلا به مواردی از آنها اشاره می نمایم:

۱-توجه دادن به مسئله شهادت حضرت زینب علیها السلام

از اولین آثار قابل توجه نهضت فاطمیه توجه دادن عموم مردم و تشویق طلاب و روحانیون برای مطرح کردن موضوع شهادت حضرت زینب علیها السلام در نیمه رجب در مساجد و حسینیه ها و برگزاری جلسه عزاداری آن حضرت در منزل شخصی این نویسنده (که محل برگزاری برنامه های فاطمیه است) بود که سر فصلی در بزرگداشت حضرت زینب علیها السلام به شمار می اید و از سال ۱۴۱۶ آغاز گردیده است.

۲-تحولی بزرگ در جلب توجه عمومی به مسئله غدیر

در سال ۱۳۷۵ شمسی (۱۴۱۷ قمری) و تلاش برای برگزاری جشنهای غدیر در سطحی وسیع تر که با برنامه ای جالب و گسترده انجام گرفت جمع زیادی از مدرسین و طلاب حوزه علمیه با همکاری عده ای از معلمان و دبیران مدارس و دبستان ها و دبیرستان های وابسته به آموزش و پرورش و نیز عده ای از کارمندان در مساجد و حسینیه ها و نیز مدارس و ادارات اعلام نمودند هر کس نامش علی است گرچه به نحو مرکب باشد همانند محمدعلی، علیرضا، رجبعلی، غلامعلی، محب علی و ... یک فتوکپی از

شناسنامه اش بیاورد پس از این اعلام در نماز جماعت ها و محافل دینی از قبیل هیئت های مذهبی و جلسات دعای ندبه و دعای کمیل و ... در سطح شهر اصفهان و شهرستان های اطراف سیل فتوکپی با نام علی بود که سرازیر شد و بر مبنای حرف اول فامیل آنها این فتوکپی ها دسته بندی می گشت و در دفترهایی به نحو مجزا ثبت می گردید و تعداد بیست هزار عدد فتوکپی (از شهر اصفهان و سایر شهرها و روستاهای تابعه و برخی از شهرهای دیگر استان های کشور) جمع گردید.

بیست هزار جایزه از قبیل فرشهای جانمازی ساعت های دیواری مزین به جمله نورانی علی ولی الله قاب های نفیس مزین به پوسترهای گوناگون مذهبی و مخصوصا مربوط به حضرت زهرا علیها السلام لوازم خانگی تابلوهای جیری مذهبی (محصول کارخانه گلبافت) قابهای تشکر از پدران و مادرانی که نام حضرت علی علیه السلام را بر فرزندان خود نهاده اند و در یک قرعه کشی بسیار جالب بیست هزار جایزه به صاحبان فتوکپی های یاد شده اختصاص یافت و با نوشتن نام هر کدام از شرکت کنندگان در برنامه بر روی جایزه تعیین شده آنها کار برگزاری جشن های غدیر از هیجدهم تا آخرین روز ماه ذی الحجه آغاز گردید.

سیصد مجلس جشن غدیر

به مدت ۱۳ روز تا آخر ماه ذی الحجه به نوبت در مساجد حسینیه ها مدارس ادارات کارخانه ها و دیگر مراکزی که فتوکپی های اشخاصی که مفتخر به نام مبارک علی علیه السلام بودند و تحویل داده بودند جشن هایی برگزار شد و پس از انجام برنامه های جشن غدیر جوائز آنان اعطاء گردید. در این جشن ها که با همکاری عده ای از روحانیون طلاب حوزه علمیه

دبیران و معلمان و دیگر فعالان مذهبی در ادارات و کارخانه ها (در شهرهای مختلف) برگزار می گردید تحولی بسیار جالب و عمومی در توجه به عظمت غدیر حاصل گردید که به دنبال آن در سالهای بعد تاکنون آثار بسیار مثبتی را به دنبال داشته است. تعداد شصت نفر از طلاب ومدرسین حوزه علمیه (که عمده آنها از فعالان نهضت فاطمیه هستند) در جریان جشن های غدیر و تهیه و آماده سازی و توزیع جوائز بیست هزاری فعالیت مستمر یک ماهه ای را دنبال می نمودند که با فداکاری و اخلاص و پشتکار آنها این حرکت عظیم به مراحل پایانی خود رسید و جمع فراوانی که شمار آنها قابل بررسی نمی باشد در آماده سازی جشن ها و تهیه لوازم برگزاری جشن در هر مسجد یا حسینیه یا مدرسه یا کارخانه یا اداره و ... تلاش مخلصانه می نمودند که اجر همه آنها با مولایمان امیرالمومنین علی علیه السلام و فرزندان معصومشان بالاخص حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه باشد.

کرامات بزرگ، پشتوانه حرکت غدیر

از اولین روز اعلام برنامه یاد شده (در آخر ماه ذی القعده در سالروز شهادت امام جواد الائمه علیه السلام) که مراسم بزرگداشت شهادت آن حضرت در حضور چند صد نفر از مدرسین و طلاب حوزه علمیه برگزار بود و این کمترین سخنرانی آن روز را بر عهده داشتم و اهمیت غدیر و برنامه موردنظر را توضیح دادم آثار عنایت معنوی یکی پس از دیگری ظاهر شد و هر چه به عید غدیر و گستردگی برنامه ها نزدیک تر می شدیم ظهور کرامات و تائیدات الهی در دلگرمی یاران علاقمند و تلاشگران در موارد یاد شده تاثیرات عجیبی بر

جای می نهاد (۱) و این حرکت بسیار وسیع را که از نظر امکانات مالی اقدامات اجرائی برنامه ریزی و هماهنگی کم سابقه و در نوع خود بی سابقه بود به نتیجه مطلوب رساند.

تا نجف راهی نمانده است

در اوج فعالیت های اجرائی برای انجام برنامه یاد شده یکی از روحانیون علاقمند و پرجوش(در انجام کارهای غدیر) در عالم رویا می بیند کاروانی آماده شده است برای رفتن به سوی نجف (در آن هنگام هنوز راه عتبات عراق بسته بود) و به آنتن تمام اتومبیل هایی که عازم حرکت بودند پرچم سبزی آویزان بوده است که ناگاه اعلام می شود تا نجف راهی نمانده است.

رویای ایشان به فال نیک گرفته شد و امیدوار شدیم که به زودی راه عتبات عراق باز می شود (و چنین هم بود) زیرا اولین کاروان زائرین ایرانی و اصفهانی شش ماه بعد از این جریان در سالروز میلاد مقدس حضرت زهرا علیها السلام در حرم امیرالمومنین علیه السلام جشن میلاد مقدس فاطمه زهرا علیها السلام را برگزار نمودند. برخی از صاحب دلان نظرشان بر این بود که این عرض ادب به ساحت مقدس امام علی علیه السلام واقدام خالصانه تاثیر معنوی در برطرف شدن موانع و زمینه سازی برای گشوده شدن در رحمت الهی یعنی حرم های مقدس نجف اشرف و کربلای معلی و سایر مشاهد مشرفه عراق داشته است.

۱- امیدوارم که در فرصتی مناسب شماری از آن عنایات و کرامات را در مجموعه ای مستقل منتشر سازم تا موجب دلگرمی بیشتر برای دلباختگان ولایت مولی الموالی امیرالمومنین علی علیه السلام باشد.

نکته مهم و جالب در همه این برنامه ها این بود که در هیچ کدام از مراحل این برنامه گسترده نام و نشانی از هیچ گروه و هیئت یا موسسه و یا شخصیتی ملاحظه نمی گردید و همه در حد توان خود به ساحت مقدس امیرالمومنین علیه السلام عرض ادب می نمودند.

پیشگیری از شکست حریم امامت

در سال ۱۴۲۰ قمری ایام شهادت امام نهم حضرت جواد الائمه علیه السلام (آخر ذی القعده) در آستانه نوروز ۱۳۷۸ شمسی قرار گرفته بود وسالروز شهادت امام محمد باقر علیه السلام (هفتم ذی الحجه) و شهادت حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام (نهم ذی الحجه) مقارن با ایام نوروز گردیده بود و هیئت های مذهبی که عهده دار برگزاری مراسم بزرگداشت شهادت این دو امام معصوم علیهما السلام و مراسم بزرگداشت حضرت مسلم علیه السلام بودند (به علت ترس از عدم حضور و همکاری مردم در مراسم یاد شده) تصمیم بر تعطیل آن مراسم گرفته بودند.

هشدای معنوی و توفیقی الهی

در اثر یک هشدار معنوی تصمیم گرفته شد (با کمک دوستانی از حوزه علمیه و بازار اصفهان) مجلس بزرگداشت شهادت حضرت جواد الائمه علیه السلام در مسجد نو بازار اصفهان برگزار شود که با حضور صدها نفر از مدرسین و طلاب و بازاریان و متدینین از شکوه و عظمتی کم نظیر برخوردار گردید و نیز یک هیئت عزاداری با همکاری عده ای دیگر از روحانیون و طلاب و بازاریان از کنار مزار شریف مرحوم علامه مجلسی د رمسیر بازار حرکت نمود و به سوی مدرسه صدر بازار به راه خود ادامه داد و در نزدیک مسجد نو بازار با ملحق شدن حضار به مجلس یاد شده موج عظیمی برخاست که در تاریخ برگزاری

مراسم بزرگداشت حضرت جود الائمه علیه السلام سابقه نداشت و بدین وسیله از شکسته شدن حریم عظمت آن امام بزرگوار در برابر موج اجتماعی نوروز پیشگیری به عمل آمد و در سالروز شهادت امام محمد باقر علیه السلام که به مناسبت ایام نوروز بازار تعطیل بود در منزل شخصی اینجانب (واقع در خیابان احمدآباد بیت الزهرا علیها السلام) مجلس بسیار مفصلی برگزار نمودیم که از اذان صبح تا ظهر ادامه داشت و جمعیت غیرمنتظره ای حضور یافتند و با عزاداری های پی در پی و سخنرانی های پرمحتوا عظمت سالروز شهادت امام پنجم علیه السلام نیز مراعات گردید. در شب عرفه (شب شهادت حضرت مسلم علیه السلام) نیز از مسجد الکریم (واقع در خیابان بزرگمهر) دسته عزاداری حرکت داده شد و در مهدیه میرداماد واقع در جوار مسجد حاج محمد جعفر آباده ای عزاداری باشکوه و مفصل برگزار گردید و غربت و شهادت حضرت مسلم گرامی داشته شد. سه برنامه یاد شده که با موفقیتی غیرمنتظره و باور نکردنی انجام شد از برکات فاطمیه و با یاری جستن از نیروهای مخلص بزرگداشت مراسم نهضت فاطمیه انجام گرفت.

حفظ حریم محرم و عاشورا

در سال ۱۴۲۳ قمری ایام عاشورای حسینی مقارن گردید با نوروز ۱۳۸۱ شمسی و روز ششم محرم الحرام مصادف با اول فروردین ماه بود و دستهای پلیدی در کار بود که با ترویج و حمایت از برنامه های عید حرمت محرم و عاشورای حسینی را خدشه دار کنند ولی با لطف الهی و امدادهای غیبی موفق گشتیم تا از اول ماه ذی الحجه ۱۴۲۲ با دو برنامه هماهنگ و هم

زمان از انجام خواسته های دشمنان دین و حریم ولایت جلوگیری نمائیم.

الف- زمینه سازی برای هرچه با شکوهتر شدن برنامه های عید غدیر و مطرح نمودن عنوان هایی همانند: هفته غدیر، دهه غدیر، جشن های غدیر و تشویق مردم به دید و بازدیدهای فامیلی در روزهای قبل و بعد از غدیر و اقدام برای تهیه انواع پرچم ها و پوسترها برای بزرگداشت غدیر که مردم با برگزاری برنامه اهی جشن و شادمانی و پوشیدن لباس نو و دید و بازدیدهای فامیلی و انجام چراغانی نیازمندی روحی خود و بستگانشان را در مورد برنامه های شاد و شادی بخش تامین نمایند و ترک برنامه های نوروزی به احساسات آن ها صدمه ای وارد نسازد.

ب-آماده سازی مردم برای با عظمت برگزار نمودن برنامه های عزاداری محرم و عاشورا و فعال نمودن هیئات مذهبی و مساجد و حسینیه ها برای هر چه زودتر به استقبال محرم رفتن.

برای زمینه سازی برای انجام برنامه های فوق چند صد نفر از مدرسین و روحانیون و طلاب را دعوت نمودیم و در یک جلسه ای که معنویت و خلوص در آن حاکم بود حساسیت زمان و موقعیت جامعه بیان گردید و با توجه به شور و علاقه و خلوص و پشتکاری که در آن عزیزان وجود داشت هر کدام از آنها در قسمتی از شهر و روستاها جمع زیادی از مردم را آگاه و آماده نمودند آن چنان که قبل از فرا رسیدن ایام محرم بسیاری از مساجد و مراکز دینی و حسینیه ها کاملا سیاه پوش گردیده و علاوه بر آن پرچم های مخصوصی تهیه گردید که در آن عکس یک سینی سبزه و یک گل زیبایی که خون از آن می چکید ترسیم گشته و اشعار زیر در آن نوشته شده بود:

امسال بهار، رنگ ماتم دارد***هر لاله به دیده، اشک شبنم دارد

آمیخته با غم است میلاد بهار***عید است ولی شور محرم دارد

و بر نواری که در اطراف سینی سبزه بسته شده بود این مصرع جالب توجه می کرد: محرم است و دل سبزه زار گریان است

پرچم های یاد شده (که پوستر آن هم تهیه گردید) به تعداد زیاد و در سطحی بسیار گسترده در همه مناطق توزیع و نصب گردید. هم چنین با تشویق هیئات عزاداری بر این که زودتر از هر سال حرکت خودشان را شروع کنند و نیز با درخواست از شعراء عالیقدر که در مزنیه حفظ حرمت محرم و عاشورا در ایام نوروز شعر بگویند و هر کدام سهم بسزائی را در این حرکت آگاهی بخش بر عهده گرفتند گامهای بسیار موثری در رسیدن به این هدف مقدس برداشته شد. در آن زمان سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران نیز با یک سری برنامه های خوب و سازنده نقش بسیار مفیدی را در این راستا ایفا نمود. و در مجموع دولت و ملت زن و مرد کوچک و بزرگ حریم عاشورا و محرم را رعایت نمودند و نه تنها مراسم سنتی و عمومی نوروز مزاحمتی برای شور محرم ایجاد ننمود بلکه یکی از پرشورترین محرم ها و عاشوراهای تاریخ کشورمان را به چشم دیدیم.

جالب توجه اینکه بسیاری از افرادی که در مسائل مذهبی بی تفاوت هستند و یا موضع منفی دارند در این قضیه بیشترین رعایت را در مورد حرمت سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام از خود نشان دادند.

عنایاتی الهی

به دنبال این عرض ادب عمومی برکات و آثاری الهی (اعم از شخصی و عمومی)ظاهر گردید که فراگیرترین آنها برطرف شدن خشکسالی

خطرناکی بود که بسیاری از مناطق کشور را دچار تهدید جدی کرده و حتی رودخانه زاینده رود اصفهان برای اولین بار در تاریخ خود خشکید و پیش بینی میشد که برای تابستان سال ۱۳۸۱ شمسی در بسیای از استان ها علاوه بر ممنوعیت کشاورزی (در بسیاری از مناطق) طرح جیره بندی آب شهری در تهران و شماری از شهرهای بزرگ دیگر به اجرا در آید ولی با عنایت الهی و در اثر توسلات و عرض ادب شایسته در شروع سال جدید بارش های پیاپی و فراوان خشکسالی را برطرف نمود و در استان اصفهان بیشترین بارندگی در طول ۳۶ سال انجام گرفت.

بزرگداشت شهادت حضرت رقیه علیها السلام

از سال ۱۴۱۲ قمری در سالروز شهادت حضرت رقیه علیها السلام (پنجم ماه صفر) در اثر عنایات و کراماتی که خود مشاهده نمودم سعی نمودم که در این زمینه اقدامی بنمایم و به تدریج در جلسات و برنامه های خصوصی و عمومی اهمیت این مظلومه بزرگ و یادگار امام حسین علیه السلام را مورد توجه دوستان قرار دهم و با تشویق نویسندگان و گویندگان زمینه توجه بیشتر و عمومی به این مظلومه را فراهم نمایم و با لطف الهی آن چنان باب رحمت الهی در این زمینه گشوده شد که در اعلامیه های بسیاری از مجالس عزاداری در دهه اول ماه صفر نام حضرت رقیه علیها السلام و بزرگداشت شهادت آن حضرت رسما عنوان می شود و روز پنجم ماه در عموم مجالس سوگواری برای آن شهیده مظلومه عزاداری انجام می شود و د ر سال گذشته ۱۴۲۳ قمری در همه برنامه های صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران از حضرت رقیه علیها السلام و حرم مطهر آن حضرت برنامه های بسیار جالبی پخش گردید.

ص:۱۸۲

تشویق و حمایت از بزرگداشت میلاد و شهادت حضرت معصومه علیها السلام

اقـدام جهت بزرگـداشت میلاـد مقـدس حضـرت معصومه علیها السـلام (روز اول ذیقعـده الحرام) و نیز برگزاری مراسم جهت شهـادت آن بزرگوار (دهم، و یـا دوازدهم ربیع الثـانی) و دعوت از روحـانیون و طلاب حوزه علمیه برای تجلیل شایسـته از این مراسم و چاپ پوستر در مورد آن حضرت.

جلب توجه علاقمندان به میلاد حضرت علی اکبر علیه السلام

تشویق برای برگزاری جشن میلاد مقدس حضـرت علی اکبر علیه السلام همراه با تهیه و چاپ پوستری زیبا با خط مرحوم استاد حبیب الله فضائلی که در سطحی گسترده و با رنگ های مختلف منتشر گردید.

بزرگداشت وفات حضرت سکینه بنت الحسین علیهما السلام

اقدام جهت بزرگداشت وفات حضـرت سـکینه بنت الحسـین علیهما السلام در روز پنجم ماه ربیع الاول که از سال ۱۴۲۱ قمری شروع گردید و با حرکت دادن دستهعزاداری و شرکت در مجلس سوگواری در منزل یکی از علماء بزرگوار توجه عموم مردم به بزرگـداشت این واقعه جلب گردیـد و در سال ۱۴۲۳ قمری همراه جمعی از خـدمتگزاران برنامه های فاطمیه علیها السـلام به مشهد مقدس مشرف شدیم و در روز پنجم ربیع الاول (سالروز وفات آن حضرت) یک دسته عزاداری بسیار عظیم و پرجمعیتی از حسـینیه اصـفهانیها به سوی صـحن و حرم مطهر امام رضا علیه السـلام حرکت به راه افتاد که جمع کثیری از عزاداران با پای برهنه و با اشک جاری و شور و سوزی منقلب کننده مسیر خیابان تا صحن مطهر را پیمودند که زائرین و اهالی مشهد را تحت تاثیر شدید قرار داد

و برای اولین بار در آن شهر مقدس بزرگداشت وفات حضرت سکینه علیها السلام پایه گذاری گردید.

در یک کلام

و در یـک کلام جلب توجه طلاب و روحـانیون در مناسـبت های مربوط به میلاد و شـهادت ائمه معصومین علیهم السـلام که حتمـا در سـخنرانی های خودشان درباره آن مناسـبت بزرگ (که د رارتباط با حزن و انـدوه و یا شادی اهل بیت علیهم السـلام می باشـد) بحث و گفتگو نماینـد و در صورت امکـان با برگزاری مراسم سوگواری در مسـجد محل اقامه نماز جماعتشان و یا تهیه شـیرینی و انجام چراغانی (اگرچه به صورت محـدود) روزهای متعلق به چهارده معصوم علیهم السـلام و فرزندان بزرگوار آنها را (که از ایام الله است) گرامی بدارند.

برکاتی گسترده و فیض هایی الهی

اقـدامات یاد شـده توفیق و دست یابی به آنها عمـدتا در اثر برکات و آثار نهضت فاطمیه بوده و یاران ودوسـتان حضـرت زهرا علیها السـلام که در آن حرکت مقدس با آنها آشـنا شده ایم در به ثمر رسیدن این اقدامات نقش اساسی داشته اند و خلوص و علاقه و همت و پشتکار و بی ادعایی آنها سرمایه اصلی موفقیت آنان و این نویسنده کمترین بوده است و به دلیل اخلاص آنها و توسـلات بی شائبه و بی ریایشان در هر کاری که در رابطه با خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام بوده موفقیت های دور از انتظار داشـته ایم و البته اهل البیت علیهم السـلام بر مبنای بزرگواری هایی که دارند بیش از انتشار در ابعاد معنوی و علمی و مادی عنایات و برکاتشان را شامل حالمان نموده اند و به قول شاعر:

تو بندگی چو گدایان به شرط مزد مکن***که خواجه خود روش بنده پروری داند

مراکز دینی و علمی و اجتماعی به نام فاطمه زهرا علیها السلام در سراسر جهان

اشاره

ص:۱۸۵

تاسیس و نام گذاری مارکز بزرگ علمی و دینی به نام های مبارک فاطمه زهرا علیها السلام

پیش گفتار

در معرفی و ذکر مساجد و حسینیه ها و فاطمیه ها و مدارس و سایر موسسه های دینی و علمی که به نام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نامیده شده حداکثر کوشش را نموده ایم و از سایت های گوناگون داخلی و خارجی بهره جسته ایم و با بسیاری از مراکز گوناگونی که با این نوع مطالب آشنایی داشته اند ارتباط برقرار کرده ایم ولی به طور قطع و یقین می دانیم که شمار این نوع مراکز که به نام نامی حضرت زهرا علیها السلام نامیده شده در سطح کشور و در شهرها و کشورهای خارج بیش از این موارد می باشد و این حرکت شروع یک اقدام تحقیقاتی می باشد که امید است در آینده بتوانیم با کمک سایر علاقمندان با برنامه ای وسیع تر و نگرشی سازنده تر (در داخل و خارج) آمارهای کاملتری به دست آوریم و در این زمینه عرض ادب بنمائیم.

ص:۱۸۷

مساجدی که به نام فاطمه زهرا علیها السلام نامیده شده است.

در سال های گذشته در سراسر کشور و همه شهرها و روستاها مساجد فراوانی به نام های مقدس حضرت فاطمه زهرا علیها السلام تاسیس و نامگذاری شده است و ما به عنوان نمونه تنها به مواردی در تهران بزرگ و نمونه هایی در استان اصفهان اشاره می نمائیم:

مساجدی که در تهران به نام های حضرت زهرا علیها السلام نامیده شده است.

۱-مسجد الزهراء علیها السلام-منطقه ۱- تجریش- خیابان شهید نیازاده

۲-مسجد فاطمیه- منطقه ۱- بازار تجریش

۳-مسجد الزهرا علیها السلام -منطقه ۲- شهر آرا- خیابان ۲۵

۴-مسجد فاطمیه- منطقه ۳- خیابان زرگنده - خیابان شهید عمرانی

۵-مسجد ابن الزهرا علیها السلام -منطقه ۴-مجیدیه شمالی-خیابان پرتوی

۶-مسجد فاطمه زهرا علیها السلام -منطقه ۴-تهرانپارس- میدان پروین

۷-مسجد فاطمیه- منطقه ۴-خاک سفید-وفادار شرقی

۸-مسجد الزهرا علیه السلام -منطقه ۵-بزرگراه آیه الله کاشانی

۹-مسجد الزهرا علیها السلام -منطقه ۶-بزرگراه آیه الله کاشانی

۱۰-مسجد بنی فاطمه علیها السلام -منطقه ۷-خیابان شهید مدنی جنوبی

۱۱-مسجد فاطمیه-منطقه ۷-خیابان کهن-کوچه مسجد

۱۲-مسجد جامع فاطمیه-منطقه ۸-میدان تسلیحات

۱۳-مسجد فاطمه الزهرا علیه السلام -منطقه ۸-شهید آیت

۱۴-مسجد فاطمیه-منطقه ۸-خیابان دماوند-خیابان وحیدیه

۱۵–مسجد الزهراء علیها السلام–منطقه ۹– مهرآباد جنوبی– خانه های سازمانی

۱۶–مسجد حضرت فاطمه زهراء ۳– منطقه ۹– مهرآباد جنوبی– ۲۰ متری توکلی)

۱۷–مسجد فاطمه زهرا علیها لاسلام –منطقه ۹–خیابان آزادی–بلوار استاد معین

۱۸–مسجد فاطمیه–منطقه ۹–خیابان هاشمی–بلوار استاد معین

۱۹–مسجد حضرت زهرا علیها السلام –منطقه ۱۰–خیابان قزوین–خیابان شهید سبحانی

۲۰–مسجد فاطمه علیها لاسلام –منطقه ۱۱–خیابان رباط کریم

۲۱–مسجد فاطمیه–منطقه ۱۱–خیابان نواب صفوی نرسیده به خ قزوین

۲۲–مسجد الزهرا علیها السلام–منطقه ۱۲–بازار حضرتی–کوچه منیری

۲۳–مسجد الزهراء علیه السلام –منطقه ۱۲–خیابان خیام–بازار پاچنار

۲۴–مسجد الزهراء علیها السلام–منطقه ۱۲–خیابان ری–آب منگل

۲۵–مسجد الزهرا علیها السلام–منطقه ۱۲–خیابان وحد اسلامی–کوچه وزیر دفتر

۲۶–مسجد الفاطمه علیها السلام–منطقه ۱۲–خیابان مولوی–باغ فردوسی

۲۷–مسجد فاطمه زهرا علیها السلام –منطقه ۱۲–خیابان شهید هرندی–کوچه معصومی

۲۸–مسجد فاطمیه–منطقه ۱۳–خیابان دماوند خیابان کهن

۲۹–مسجد حضرت زهرا علیها لاسلام –منطقه ۱۴–خیابان شهید جمال تاجیک

۳۰–مسجد فاطمیه–منطقه ۱۴–خیابان ۱۷ شهریور خ شهید داود عجب گل

۳۱–مسجد محبین الزهرا علیها السلام –منطقه ۱۴–خیابان خاوران خیابان بهشت

۳۲–مسجد الزهراء علیها السلام –منطقه ۱۵–افسریه پانزده متری اول

۳۳–مسجد الزهراء علیها السلام –منطقه ۱۵–اتابک خیابان درخشان نو

۳۴–مسجد الزهرا علیها السلام –منطقه ۱۵– خیابان خاوران پانزده متری نفیس

۳۵-مسجد حضرت زهرا علیها السلام -منطقه ۱۵-خیابان خاوران خ شهید صادقی

۳۶–مسجد فاطمه الزهرا علیها السلام –منطقه ۱۵–افسریه پانزده متری اول

۳۷–مسجد فاطمه الزهرا علیها السلام –منطقه ۱۵–خ شهید فرهنگی کوی معصومی

۳۸–مسجد فاطمیه –منطقه ۱۵–افسریه پانزده متری اول

۳۹–مسجد فاطمیه–منطقه ۱۶–بیست متری جوادیه کوی شقاقی

۴۰–مسجد حضرت زهرا علیها السلام –منطقه ۱۷–بیست متری ابوذر شهید آقاجانی

۴۱–مسجد فاطمه الزهرا علیها السلام –منطقه ۱۷–بیست متری ابوذر خ راد مردان

۴۲–مسجد فاطمیه–منطقه ۱۷–خیابان شهسوار حقیقی جنوبی

۴۳–مسجد فاطمیه–منطقه ۱۸– شهرک ولیعصر خیابان شهید حسینی

۴۴–مسجد الزهرا علیها السلام –منطقه ۱۹–خانی آباد بیست متری سجاد

۴۵–مسجد فاطمی علیها السلام– منطقه ۱۹–خانی آباد نو دوازده متری شهید محرمی

۴۶–مسجد فاطمیه –منطقه ۱۹–نعمت آباد خیابان طالقانی

۴۷–مسجد حضرت زهرا علیها السلام منطقه ۲۰–خیابان یادآوران احمدیه

۴۸–مسجد فاطمه زهرا علیها السلام –منطقه ۲۰–شهر ری خیابان ۲۴ متری

۴۹–مسجد فاطمه زهرا علیها السلام –منطقه ۲۰–شهر ری خیابان سیمان

۵۰–مسجد فاطمیه–منطقه ۲۰–سه راه ورامین– جاده سوم

۵۱–مسجد فطمه الزهرا علیها السلام –ضلع شمالی خیابان خواجوی کرمانی

مساجد اصفهان و حومه که به نام های فاطمه زهرا علیها السلام نامیده شده است.

۱–مسجد الزهرا علیها السلام اصفهان هزار جریب

۲–مسجد الزهراعلیها السلام اصفهان چهارباغ پائین کوچه رشتیها

۳–مسجد الزهرا علیها السلام اصفهان خیابان احمدآباد

۴-مسجد الزهراعلیها السلام اصفهان خیابان سیمین

۵-مسجد الزهرا علیها السلام اصفهان خیابان جی

۶-مسجد الزهرا علیها السلام اصفهان خیابان پروین جنب متجتمع ملاصدرا

۷-مسجد الزهرا علیها السلام اصفهان ارغوانیه

۸-مسجد الزهرا علیها السلام اصفهان شهرک فجر

۹-مسجد الزهرا علیها السلام اصفهان هسته

۱۰-مسجد الزهرا علیها السلام اصفهان قهجاورستان

۱۱-مسجد الزهرا علیها السلام اصفهان اتوبان ذوب آهن

۱۲-مسجد الزهرا علیها السلام اصفهان کوجان

۱۳-مسجد الزهرا علیها السلام اصفهان ملک شهر

۱۴-مسجد الزهرا علیها السلام اصفهان گلدشت فلکه شهدات خ مالک اشتر

۱۵-مسجد فاطمه زهرا علیها السلام اصفهان

۱۶-مسجد بتول الزهرا علیها السلام اصفهان خیابان مسجد سید

۱۷-مسجد صدیقه طاهره علیها السلام اصفهان خیابان خرم

۱۸-مسجد فاطمیه اصفهان خیابان آتش

۱۹-مسجد فاطمیه اصفهان خیابان نیکبخت

۲۰-مسجد فاطمیه اصفهان حسین آباد

۲۱-مسجد فاطمیه اصفهان رهنان

۲۲-مسجد فاطمیه اصفهان خیابان زینبیه

۲۳-مسجد کوثر علیها السلام اصفهان خیابان کمال

مساجد شهرستان های استان اصفهان که به نام فاطمه زهرا علیها السلام است

۱-مسجد فاطمیه آران و بیدگل

۲-مسجد بیت الزهرا علیها السلام اردستان روستای تلک آباد

۳-سجد فاطمه الزهرا علیها السلام انارک

۴-مسجد الزهرا علیها السلام برخوار شاهین شهر

۵-مسجد الزهرا علیها السلام برخوار دلیگان

۶-مسجد فاطمیه برخوار حبیب آباد

۷-مسجد الزهرا علیها السلام برآن جنوبی شهرک اندلان

۸-مسجد الزهرا علیها السلام برآن شمالی شهرک برسیان

۹-مسجد الزهرا علیها السلام تیران و کرون قهریزجان

۱۰-مسجد حضرت زهرا علیها السلام جرقویه مالواجرد

۱۱-مسجد الزهرا علیها السلام جرقویه حسن آباد

۱۲-مسجد فاطمیه خمینی شهر آدریان

۱۳-مسجد فاطمیه سمیرم خیابان قدس محله کوشک

۱۴-مسجد فاطمه زهرا علیها السلام علویجه خیابان امام خمینی

۱۵-مسجد الزهرا علیها السلام فریدن نهر خلج

۱۶-مسجد فاطمه زهرا علیها السلام فریدن داران بلوار طالقانی

۱۷-مسجد فاطمه زهرا علیها السلام فریدن دامنه خیابان یادگار امام

۱۸-مسجد فاطمه الزهرا علیها السلام کوهپایه جلگه سیچی

۱۹-مسجد الزهرا علیها السلام گلپایگان شهرک طالقانی

۲۰-مسجد الزهرا علیها السلام گلپایگان جلگه گیشی

۲۱-مسجد فاطمیه گلپایگان

۲۲-مسجد فاطمیه مبارکه محله محمودیه

۲۳-مسجد الزهرا علیها السلام مبارکه شیخ آباد

۲۴-مسجد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نجف آباد خیابان و الفجر

۲۵-مسجد الزهرا علیها السلام نجف آباد خیابان مطهری

۲۶-مسجد الزهرا علیها السلام نطنز خیابان هفده شهریور

تاسیس فاطمیه ها در سراسر ایران

از دیر زمانی در مراکز و شهرهای شیعه علاوه بر مساجد که پایگاه پرستش و عبادت پروردگار و تبلیغ و ترویج دین می باشد بناهای فراوانی با کمیت و کیفیت متفاوتی (که بعضا از عظیم ترین و باشکوه ترین ساختمان ها می باشند) تاسیس گردیده و به نام مقدس حسینیه نامگذاری شده است و علاوه بر عزاداری بر سید الشهدا علیه السلام و بسیاری از برنامه های مذهبی و تبلیغی که در دوره سال در این حسینیه ها برگزار می گردد و در بسیاری از شهرها و کشورهای غیراسلامی و یا غیر شیعی حسینیه تنها مرکز تجمع شیعیان و محل برگزاری نماز جماعت و ایراد سخنرانی های مذهبی و فعالیت های اجتماعی و خیریه ای و جایگاه فعایت های فرهنگی و نشر کتاب و مقالات دینی می باشد ولی در دوره اخیر و در جریان حرکت و نهضت فاطمیه در بسیاری از شهرها پایگاه هایی به نام و یاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام تاسیس

ص:۱۹۳

گشته (۱) و به منظور نشر و ترویج اهداف و مقاصد الهی آن بانوی مظلومه علیها السلام مورد بهره برداری دینی و اجتماعی قرار می گیرد و علاوه بر برگزاری مراسم عزاداری و سوگواری برای آن حضرت و نیز برقراری برنامه جسن و سرور در میلاد آن بزرگوار بسیاری از کارهای خیریه ای و خدمات درمانی نسبت به نیازمندان و فعالیت های تبلیغی و فرهنگی در آنها انجام می گیرد و از مراکز دینی مورد توجه به شمار می رود. بناها و تاسیسات یاد شده عمدتا به نام فاطمیه و گاهی به نام بیت الزهرا علیها السلام و یا دارالزهرا علیها السلام و ... نامیده شده است.

۲۱۹ فاطمیه در ایران

طبق آماری که به وسیله سازمان اوقاف تا سال ۱۳۷۵ شمسی تهیه شده تعداد ۲۱۹ فاطمیه در سراسر کشور تاسیس گشته است بدین قرار:

استان آذربایجن شرقی ۱ عدد

استان آذربایجان غربی ۱ عدد

استان اردبیل ۱ عدد

استان اصفهان ۱۵ عدد

استان بوشهر ۳عدد

استان تهران ۹ عدد

استان چهارمحال و بختیاری ۱ عدد

۱- چنانچه مراکزی نیز به نام مهدیه علیه السلام زینبیه علیها السلام بیت العباس علیه السلام محسنیه و ... تاسیس گردیده است.

استان خراسان ۳۴ عدد

استان خوزستان ۹ عدد

استان زنجان ۱ عدد

استان سمنان ۲۹ عدد

استان سیستان و بلوچستان ۱ عدد

استان فارس ۱۱ عدد

استان کرمان ۵ عدد

استان گیلان ۴ عدد

استان لرستان ۶ عدد

استان مازندران ۸۰ عدد

استان مرکزی ۲ عدد

استان هرمزگان ۱ عدد

استان همدان ۳ عدد

استان یزد ۲ عدد (۱)

حسینیه ها و ... به نام های حضرت زهرا علیها السلام

علاوه بر فاطمیه ها در سراسر کشور (که در بخش جداگانه اشاره کردیم) حسینیه هایی به نام حضرت زهرا علیها السلام نامیده شده و یا مراکزی به عنوان بیت الزهراء علیها السلام دارالزهراء علیها السلام بیت الاحزان نام برده شده است که ذیلا اشاره

۱- البته بایـد توجه داشت که این آمار مربوط به سال ۱۳۷۵ شمسـی می باشد و شامل بیت الزهراء ها و دارالزهراء ها نمی شود و اسـتان هایی که اخیرا مسـتقل شـده همانند اسـتان های قم و قزوین و گلسـتان فاطمیه هایشان در آمار اسـتان های اصـلی آنها آمده است.

می نمائیم:

۱-حسینیه بنی فاطمیه علیها السلام تهران میدان بهارستان سرچشمه

۲-حسینیه فاطمیه تهران راه آهن بیست متری جوادیه

۳-بیت الزهرا علیها السلام تهران پارس بالاتر از فلکه سوم

۴-بیت الزهرا علیها السلام تهران خیابان پاسداران

۵-حسینیه بنی فاطمه علیها السلام اصفهان خیابان ابن سینا

۶-بیت الزهرا علیها السلام اصفهان احمدآباد جنب رادیولوژی مهدیه

۷-دارالزهرا علیها السلام اصفهان احمدآباد کوی لت جنب مسجد خان

۸-بیت الزهرا علیها السلام اصفهان خیابان ملک بازارچه حاج آقا شجاع

۹-حسینیه بنی فاطمه علیها السلام اصفهان دستجرد قداده

۱۰-بیت الاحزان فاطمه زهرا علیها السلام اصفهان کهندژ نبوی منش

۱۱-بیت الزهرا علیها السلام قم بازارچه نزدیک مسجد فاطمیه

۱۲-حسینیه محبان الزهرا علیها السلام بیرجند شرق محله چهار درخت

۱۳-حسینیه فاطمه الزهرا علیها السلام ایلام (جهت بانوان)

۱۴-بیت الزهرا علیها السلام جرقویه حسن آباد

۱۵-فاطمیه اصفهان کوی سپاهان

تاسیس هیئات مذهبی به نام های حضرت زهرا علیها السلام

از آثار نهضت فاطمیه در دوره اخیر تشکیل و تاسیس هیئت های مذهبی در سراسر کشور به نام های مبارک فاطمه زهرا علیها السلام می باشد که هر کدام از آنها در زمینه برنامه های تبلیغ دین و انجام خدمات اجتماعی و برگزاری مراسم عزاداری فعالیت های سودمندی را بر عهده گرفته اند و ذیلا فقط نام و عنوان

هیئت های مذهبی شهر اصفهان و حومه نزدیک آن را ذکر می نمائیم:

۱-هیئت بنی فاطمه علیها السلام صفهان خیابان ابن سینا

۲-هیئت عزاداران حضرت زهرا علیها السلام اصفهان خیابان رکن الدوله

۳-هیئت فاطمیه اصفهان خیابان احمدآباد

۴-هیئت فاطمیون اصفهان خیابان وحید خیابان رودکی

۵-هیئت فاطمیه مسجد شمس اصفهان خیابان ابن سینا

۶-هیئت فاطمیه اصفهان خیابان وحید مسجد امام حسین علیها السلام

۷-هیئت فاطمه الزهرا علیها السلام اصفهان خیابان کهندژ جوی آباد

۸-هیئت فاطمه الزهرا علیها السلام اصفهان خیابان کاوه خیابان شهید کرمی

۹-هیئت فاطمیه اصفهان خیابان آتشگاه آزادان

۱۰-هیئت فاطمیه بهارستان اصفهان بهارستان فاز یک

۱۱-هیئت متوسلین به حضرت زهرا علیها السلام اصفهان خیابان ملک

۱۲-هیئت متوسلین به حضرت زهرا علیها السلام اصفهان بزرگمهر مبارزان

۱۳-هیئت متوسلین به حضرت زهرا علیها السلام اصفهان خیابان نیکبخت

۱۴-هیئت متوسلین به حضرت زهرا زهرا علیها السلام اصفهان ۲۴ متری (سیار)

۱۵-هیئت محبان حضرت زهرا علیها السلام اصفهان بهارستان خ بنفشه

۱۶-هیئت محبان حضرت مهدی فاطمه زهرا علیها السلام اصفهان (سیار)

۱۷-هیئت محبان الزهرا علیها السلام اصفهان خیابان عسکریه مسجد الحر

۱۸-هیئت محبان الزهرا علیها السلام اصفهان خیابان جی کوچه شفیعی

۱۹-هیئت محبان حضرت زهرا علیها السلام اصفهان (سیار)

۲۰-هیئت محفل حضرت زهرا علیها السلام اصفهان (سیار)

ص:۱۹۷

۲۱-هیئت حدیث کساء فاطمه زهرا علیها السلام اصفهان سیار

۲۲-هیئت محسنیه علیه السلام اصفهان خیابان احمدآباد مسجد خان (۱)

۲۳-هیئت فاطمه الزهرا علیها السلام جرقویه حسن آباد

۲۴-هیئت متوسلین به فاطمه الزهرا علیها السلام جرقویه نیک آباد

۲۵-هیئت مکتب الزهرا علیها السلام جرقویه آذرخواران امامزاده مراد

۲۶-هیئت فاطمه الزهرا علیها السلام جرقویه محمدآباد

۲۷-هیئت مذهبی بنی الزهرا علیها السلام خمینی شهر منظریه

۲۸-هیئت فاطمیه خمینی شهر خیابان امام شمالی

۲۹-هیئت فرهنگی مذهبی حضرت زهرا علیها السلام خمینی شهر جوی آباد

۳۰-هیئت فاطمیه خمینی شهر آدریان مسجد فاطمیه

۳۱-هیئت فاطمه زهرا علیها السلام دستجرد برخوار خیابان نسیم

۳۲-هیئت فاطمه الزهرا علیها السلام زرین شهر خیابان ولیعصر

۳۳-هیئت متوسلین به حضرت فاطمه الزهرا علیها السلام فولاد شهر

۳۴-هیئت فاطمه الزهرا علیها السلام فریدونشهر روستای خمسه لو

۳۵-هیئت فاطمیه قهجاورستان مسجد الحسین علیه السلام

۳۶-هیئت فاطمه الزهرا علیها السلام ام الائمه علیهم السلام نجف آباد یزدانشهر

۳۷-هیئت عزاداران و متوسلین فاطمیه هرند امامزاده عبدالعزیز

۳۸-هیئت حضرت فاطمه الزهرا علیها السلام وزیچه خیابان نبوی منش

۱- انجمن ها و جلسات دیگری نیز وجود دارد هماننـد مکتب الزهرا که جلسه هفتگی برای تربیت مداح می باشد و زیر نظر

آقای حسن زاده (شاعر اهل البیت علیهم السلام) و آقای حاج حسن مهرپرور (مداح اهل البیت علیهم السلام) اداره می شود.

و همچنان که ملاحظه می نمائید از شهرهای دیگر استان همانند: کاشان گلپایگان خوانسار و شهرضا و ... و دیگر استان ها دیگر آماری ارائه نداده ایم و تنها به آمار هیئت های مذهبی اصفهان و حومه نزدیک آن اکتفا نموده ایم.

موسسه های خیریه به نام های حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

۱-موسسه خیریه فاطمیه سمنان کوی فاطمیه

۲-موسسه اسلامیه خییه فاطمیه تهران نیاوران میدان باهنر

۳-موسسه خیریه صدیقه طاهره علیها السلام تهران انقلاب میدان فردوسی

۴-خیریه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام تهران خیابان ری شهید صادقی

۵-خیریه حضرت زهرا علیها السلام تهران خیابان شریعتی ایستگاه رضائیه

۶-خیریه محبان الزهرا علیها السلام تهران

۷-بنیاد فاطمه الزهرا علیها السلام تهران بلوار کشاورز (جهت کمک ازدواج)

۸-موسسه خیریه فاطمه علیها السلام اصفهان برخوار

۹-انجمن خیریه حضرت زهرا علیها السلام اصفهان (شماره ثبت ۴۴۹)

۱۰-موسسه دارالشفاء زهرای مرضیه علیها السلام اصفهان

۱۱-انجمن مددکاری مجتمع فاطمیه اصفهان

۱۲-موسسه خیریه سادات بنی الزهرا علیها السلام اصفهان

۱۳-انجمن خیریه حضرت زهرا علیها السلام اصفهان (شماره ثبت۱۰۲۷)

۱۴-موسسه خیریه حضرت فاطمه علیها السلام اصفهان (شماره ثبت ۸۹۸)

۱۵-موسسه خیریه و قرض الحسنه حضرت زهرا علیها السلام اصفهان

۱۶-موسسه خیریه و قرض الحسنه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام اصفهان

۱۷-موسسه خیریه حضرت فاطمه علیها السلام اصفهان (شماره ثبت ۸۶۷)

۱۸-خیریه الزهرا علیها السلام اصفهان

و چنانچه ملاحظه می فرمائید موسسه های یاد شده عمدتا مربوط به تهران و اصفهان می باشد و از سایر شهرهای ایران آماری در دسترس ما نبوده است.

صندوق های قرض الحسنه به نام های حضرت زهرا علیها السلام (در اصفهان و شهرهای تابعه)

از فعالیت های اجتماعی دوره اخیر که در نهضت فاطمیه انجام شده تاسیس صندوق های قرض الحسنه است که ذیلا به آماری در رابطه با اصفهان و حومه نزدیک اشاره می نمائیم:

۱-صندوق قرض الحسنه فاطمه زهرا علیها السلام اصفهان شماره ثبت ۵۶۹

۲-صندوق قرض الحسنه فاطمیون اصفهان شماره ثبت ۳۴۷

۳-صندوق قرض الحسنه فاطمه زهرا علیها السلام اصفهان شماره ثبت ۳۶۴

۴-صندوق قرض الحسنه کوثر علیها السلام اصفهان شماره ثبت ۳۶۶

۵-صندوق قرض الحسنه فاطمیه کربلائیهای مقیم اصفهان

۶-صندوق قرض الحسنه فاطمه زهرا علیها السلام اصفهان شماره ثبت ۱۹۴

۷-صندوق قرض الحسنه فاطمیه اصفهان شماره ثبت ۲۱۳

۸-صندوق قرض الحسنه فاطمه زهرا علیها السلام اصفهان شماره ثبت ۲۴۲

۹-صندوق قرض الحسنه حضرت زهرا علیها السلام اصفهان ش ثبت ۱۱۴۵

۱۰-موسسه قرض الحسنه و خیریه حضرت زهرا علیها السلام اصفهان

۱۱-موسسه قرض الحسنه و خیریه حضرت فاطمه زهرا اصفهان

۱۲-صندوق قرض الحسنه فاطمه الزهرا علیها السلام اصفهان

ص:۲۰۰

۱۳-صندوق قرض الحسنه حضرت زهرا علیها السلام اصفهان

۱۴-موسسه صندوق قرض الحسنه بنی فاطمه علیها السلام اصفهان

۱۵-صندوق قرض الحسنه بنی الزهراء علیها السلام اصفهان

۱۶-صندوق قرض الحسنه الزهرا علیها السلام اصفهان مجتمع ملاصدرا

۱۷-صندوق قرض الحسنه کوثر علیها السلام اورگان مبارکه

۱۸-صندوق قرض الحسنه کوثر علیها السلام خمینی شهر

۱۹-صندوق قرض الحسنه کوثر علیها السلام شاهین شهر

۲۰-صندوق قرض الحسنه کوثر علیها السلام شهرضا

۲۱-صندوق قرض الحسنه فاطمه زهرا علیها السلام دولت آباد لودریچه

۲۲-صندوق قرض الحسنه فاطمه زهرا علیها السلام شهرک قائمیه

۲۳-صندوق قرض الحسنه فاطمه زهرا علیها السلام روستای اراضی مبارکه

۲۴-صندوق قرض الحسنه حضرت فاطمه علیها السلام سیمان اصفهان

۲۵-صندوق قرض الحسنه فاطمیه رهنان خیابان شریف

۲۶-صندوق قرض الحسنه فاطمیه جرقویه رامشه

۲۷-صندوق قرض الحسنه فاطمیه سگزی (سجزی)

۲۸-صندوق قرض الحسنه حضرت زهرا علیها السلام قریه کساره

۲۹-صندوق قرض الحسنه الزهرا علیها السلام ملک شهر

۳۰-صندوق قرض الحسنه حضرت فاطمه علیها السلام مبارکه

مدارس علمیه مخصوص نسوان به نام های فاطمه زهرا علیها السلام در استان اصفهان

۱-مکتب فاطمه علیها السلام اصفهان

۲-مدرسه الزهرا علیها السلام اصفهان

۳-مکتب کوثر علیها السلام اصفهان

۴-مدرسه علمیه فاطمه الزهرا علیها السلام خمینی شهر

۵-مکتب الزهرا علیها السلام داران

۶-مدرسه علمیه فاطمیه درچه

۷-مکتب کوثر علیها السلام کاشان

۸-مدرسه زهرائیه علیها السلام نجف آباد

۹-مدرسه فاطمیه نجف آباد

در مدرسه های یاد شده طبق نظام حوزه ای علوم اسلامی مورد تدریس قرار می گیرد و طلاب آن که از دختران و بانوان می باشند با علوم دینی آشنا می شوند و در هدایت مردم و تبلیغ دین فعالیت می نمایند.

مدارس علمیه در سایر شهرهای ایران

۱-مدرسه علمیه مکتب فاطمیه دامغان

۲-حوزه علمیه الزهرا علیها السلام اراک

۳-مدرسه علمیه فاطمیه زابل

۴-مکتب الزهرا علیها السلام دزفول

۵-مدرسه علمیه الزهرا علیها السلام زنجان

۶-مدرسه مکتب الزهرا علیها السلام همدان

ص:۲۰۲

۷-مدرسه علمیه ام ابیها علیها السلام تهران

۸-حوزه علمیه الزهرا علیها السلام میاندوآب

۹-مدرسه علمیه حضرت فاطمه علیها السلام تهران

۱۰-مکتب فاطمه علیها السلام فسا

۱۱-حوزه علمیه الزهرا علیها السلام یزد (۱)

۱۲-حوزه علمیه خواهران مکتب الزهرا علیها السلام گرگان

۱۳-جامعه الزهرا علیها السلام قم

مراکز دانشگاهی به نام فاطمه زهرا علیها السلام

۱-دانشگاه الزهرا علیها السلام تهران

۲-دانشگاه علوم پزشکی فاطمیه قم

۳-دانشکده پرستاری حضرت زهرا علیها السلام بندر انزلی خ آذربایجان

تاسیس و نامگذاری مدارس به نام فاطمه زهرا علیها السلام

در دوره اخیر و در جریان توجه عمومی به عظمت و مقام و منزلت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در تمام نقاط کشور و بالاخص شهر و استان مذهبی و با ولایت اصفهان تاسیس و نامگذاری مراکز تربیتی و تحصیلی (اعم از کودکستان، دبستان، مدرسه راهنمایی تحصیلی، دبیرستان، پیش دانشگاهی) به نام مقدس آن بانوی بزرگ و اسوه بی مانند در حد قابل ستایش

۱- مدارس علمیه یاد شده در بخش اخیر به علاوه چندین مدرسه دیگر در سراسر کشور در مسابقه (عروس وحی) شرکت نموده و شماری از شرکت کنندگان حائز رتبه برتر گردیده اند.

و اعجاب آوری رایج گردیده است و نشانه علاقه و محبت نسبت به آن حضرت و آگاهی و معرفت عمومی در مورد شان و منزلت و عظمت و بزرگی آن حبیبه خدا و رسول صلی الله علیه و آله می باشد و هم اکنون برای نشان دادن این توجه عمومی (به عنوان نمونه)مراکز تحصیلی وابسته به آموزش و پرورش استان اصفهان را معرفی نموده و در ابتدا بخش مربوط به شهر اصفهان را ذکر می نمائیم و سپس از مدارس و مراکز تحصیلی دیگر شهرها و روستاهای استان اصفهان یاد نموده و این فصل را به پایان می بریم:

مدارس شهر اصفهان

۱-مدرسه ابتدایی کوثر علیها السلام

خیابان آتشگاه محله آزادان دارای شش کلاس

۲-مدرسه ابتدایی فاطمیه

خیابان آتشگاه نزدیک سه راهی خمینی شهر دارای چهار کلاس

۳-مدرسه راهنمایی تحصیلی طاهره علیها السلام

خیابان خیام خیابان میرزاطاهر دارای پنج کلاس

۴-کودکستان و آمادگی دخترانه فاطمیه

خیابان مشتاق کوی سپنتا

۵-کودکستان و آمادگی دخترانه کوثر علیها السلام (شماره ۲)

خیابان علامه امینی کوی شهید توکلی نسب

۶-مدرسه ابتدائی فاطمیه

خیابان مشتاق کوی سپنتا دارای شش کلاس

۷-مدرسه ابتدایی کوثر علیها السلام (شماره ۱و۲)

خیابان علامه امینی کوی شهید توکلی نسب جمعا دارای شانزده کلاس

۸–مدرسه ابتدائی الزهرا علیها السلام

خیابان بزرگمهر خیابان سپهبد قرنی دارای پنج کلاس

۹–مدرسه راهنمایی الزهرا علیها السلام

خیابان بزرگمهر خیابان سپهبد قرنی دارای دو کلاس

۱۰–مدرسه راهنمایی مرضیه علیها السلام

خیابان مشتاق اول نرسیده به صدا و سیما دارای شش کلاس

۱۱–متوسطه مرضیه علیها السلام

خیابان مشتاق اول جنب صدا و سیما

۱۲–متوسطه منصوره علیها السلام

خیابان چهارباغ خواجو روبروی بانک ملت

۱۳–پیش دانشگاهی منصوره علیها السلام

خیابان چهارباغ خواجو روبروی بانک ملت دارای چهار کلاس

۱۴–مدرسه ابتدایی کوثر علیها السلام (شماره ۲)

خیابان امیر حمزه خیابان چهارم بالاتر از مجتمع تجاری دارای نه کلاس

۱۵–مدرسه ابتدایی ندای زهرا علیها السلام

خیابان نیکبخت پشت دادگستری دارای هشت کلاس

۱۶–مدرسه راهنمایی خیر النساء (شماره۱و۲)

خیابان کشاورزی کوچه شهید مجتبی محمدی جمعا دارای ده کلاس

۱۷–مدرسه راهنمایی الزهراء

خیابان سجاد کوچه شهید فضل الله زمانی دارای سه کلاس

ص:۲۰۵

۱۸-متوسطه صدیقه کبری (شماره ۱و۲)

خیابان ارتش کوچه شهید مهرعلیان جمعا دارای سی و چهار کلاس

۱۹-متوسطه فاطمه زهرا علیها السلام

خیابان وحید خیابان رودکی جنب راهنمایی توکل دارای دوازده کلاس

۲۰-متوسطه الزهرا علیها السلام

خیابان سجاد کوچه شهید فضل الله زمانی دارای دوازده کلاس

۲۱-پیش دانشگاهی فاطمه زهرا علیها السلام

خیابان وحید خیابان رودکی جنب راهنمایی توکل دارای پانزده کلاس

۲۲-پیش دانشگاهی راضیه علیها السلام

خیابان سیلو دارای یازده کلاس

۲۳-پیش دانشگاهی الزهرا علیها السلام

پل آذر کوچه آسیاب مجتمع مسکونی صاحب الزمان دارای دو کلاس

۲۴-مدرسه راهنمایی راضیه علیها السلام

خیابان پروین دارای بیست و یک کلاس

۲۵-متوسطه بنی فاطمه (شماره ۱و۲)

خیابان ابن سینا جمعا دارای چهل کلاس

۲۶-متوسطه فاطمیه

خیابان پروین دارای بیست کلاس

۲۷-مرکز تربیت معلم فاطمه زهرا علیها السلام

خیابان مدرس ایستگاه سرچشمه کوی مهرآباد نو دارای هفده کلاس

۲۸-مدرسه ابتدایی راضیه علیها السلام

خیابان کاشانی کوچه شهید نعمتی دارای پنج کلاس

۲۹-مدرسه ابتدایی فاطمیه (شماره ۱)

رهنان خیابان ابوذر دارای هشت کلاس

۳۰-مدرسه ابتدایی کوثر علیها السلام

دروازه تهران خیابان رباط دارای پانزده کلاس

۳۱-مدرسه راهنمایی راضیه علیها السلام

خیابان کاشانی کوچه شهید نعمتی دارای شش کلاس

۳۲-مدرسه راهنمایی فاطمیه

رهنان خیابان ابوذر دارای ده کلاس

۳۳-مدرسه راهنمایی کوثر علیها السلام

دروازه تهران خیابان رباط دارای پانزده کلاس

۳۴-مدرسه راهنمایی پیام زهرا علیها السلام

خیابان رباط کوی استاد شهریار دارای سه کلاس

۳۵-مدرسه راهنمایی مکتب فاطمه علیها السلام

ملک شهر خیابان مطهری دارای چهار کلاس

۳۶-متوسطه الزهرا علیها السلام (شماره ۱و۲)

خانه اصفهان خیابان ماه فرخی دارای بیست و دو کلاس

مدارس دیگر شهرها و روستاهای اصفهان اصفهان

۳۷-دبستان فاطمه الزهرا علیها السلام

آران و بیدگل روستای کاغذی دارای پنج کلاس

ص:۲۰۷

۳۸-مدرسه راهنمایی فاطمه الزهرا علیها السلام

آران و بیدگل بیدگل خیابان امام خمینی دارای شش کلاس

۳۹-مدرسه راهنمایی کوثر علیها السلام

آران و بیدگل خیابان معلم روبروی زایشگاه دارای شش کلاس

۴۰-مدرسه راهنمایی کوثرعلیها السلام

اردستان نیسیان دارای پنج کلاس

۴۱-پیش دانشگاهی کوثر علیها السلام

اردستان نیسیان دارای دو کلاس

۴۲-کودکستان و آمادگی حضرت زهرا علیها السلام

باغبادران روستای کچوئیه

۴۳-مدرسه ابتدایی حضرت زهرا علیها السلام

باغبادران روستای کچوئیه دارای پنج کلاس

۴۴-مدرسه راهنمایی صدیقه علیها السلام

باغبادران روستای زمان آباد دارای سه کلاس

۴۵-مدرسه راهنمایی کوثر علیها السلام

باغبادران دهستان چم کوه دارای سه کلاس

۴۶-متوسطه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

باغبادران کوچگان جنب مسجد جامع دارای شش کلاس

۴۷-متوسطه عمومی کار و دانش فاطمیه

باغبادران دارای چهار کلاس

۴۸-مدرسه راهنمایی فاطمه الزهرا علیها السلام

ص:۲۰۸

برآن شمالی (جی) روستای تیمارت دارای سه کلاس

۴۹-مدرسه راهنمایی فاطمیه

برآن جنوبی (جی) جاده جرقویه ازیران دارای چهار کلاس

۵۰-دبیرستان متوسطه فاطمیه

برآن جنوبی (جی) جاده جرقویه ازیران دارای نه کلاس

۵۱-پیش دانشگاهی فاطمیه

برآن جنوبی (جی) جاده جرقویه ازیران دارای چهار کلاس

۵۲-کودکستان کوثر علیها السلام

برخوار حبیب آباد خیابان شهید مطهری

۵۳-کودکستان مکتب الزهرا علیها السلام

برخوار کربلکند

۵۴-کودکستان راضیه علیها السلام

برخوار روستای کمشچه

۵۵-مدرسه ابتدایی کوثر علیها السلام

برخوار حبیب آباد خیابان شهید مطهری دارای یازده کلاس

۵۶-مدرسه ابتدایی مکتب الزهرا علیها السلام

برخوار کربکند دارای شش کلاس

۵۷-مدرسه ابتدایی راضیه علیها السلام

برخوار روستای کمشچه دارای نه کلاس

۵۸-مدرسه راهنمایی الزهرا علیها السلام

برخوار روستای کمشچه دارای هفت کلاس

۵۹-مدرسه راهنمایی فاطمه زهرا علیها السلام

برخوار دارای شش کلاس

۶۰-دبیرستان متوسطه فازمه زهرا علیها السلام

برخوار بخش برخوار دارای چهار کلاس

۶۱-دبیرستان متوسطه فاطمیه

برخوار کمشچه دارای پنج کلاس

۶۲-مدرسه ابتدایی حضرت فاطمه علیها السلام

بوئین میاندشت ششجوان دارای پنج کلاس

۶۳-مدرسه راهنمایی فاطمیه

بوئین و میاندشت بلوار معلم دارای شش کلاس

۶۴-مدرسه راهنمایی حضرت زهرا علیها السلام

بوئین و میاندشت دهستان بلطاق دارای سه کلاس

۶۵-دبیرستان متوسطه حضرت زهرا علیها السلام

بوئین و میاندشت خیابان کارگر دارای نه کلاس

۶۶-کودکستان مکتب الزهرا علیها السلام

پیربکران دارجان دارای دو کلاس

۶۷-مدرسه ابتدایی مکتب الزهرا علیها السلام

پیربکران گرکن شمالی روستای دارجان دارای پنج کلاس

۶۸-مدرسه راهنمایی راضیه علیها السلام

پیربکران خط لارگان روستای بجگرد دارای پنج کلاس

۶۹-مدرسه راهنمایی صدیقه کبری علیها السلام

ص:۲۱۰

پیربکران روستای طاد دارای شش کلاس

۷۰-مدرسه راهنمایی فاطمیه

پیربکران روستای سهلوان دارای شش کلاس

۷۱-دبیرستان متوسطه مرضیه علیها السلام

پیربکران روستای پلارت دارای پنج کلاس

۷۲-مدرسه حرفه ای حضرت زهرا علیها السلام

پیربکران روستای سهلوان دارای شش کلاس

۷۳-کودکستان مطهره علیها السلام

تیران و کرون

۷۴-مدرسه ابتدایی فاطمیه

تیران و کروان تیران خیابان مطهری دارای هفت کلاس

۷۵-مدرسه ابتدایی مطهره علیها السلام

تیران و کرون بخش کرون افجان دارای پنج کلاس

۷۶-مدرسه راهنمایی کوثر علیها السلام

تیران کوی آسیاب دارای پنج کلاس

۷۷-مدرسه راهنمایی شبانه مرضیه علیها السلام

تیران کوی آسیاب دارای سه کلاس

۷۸-مدرسه راهنمایی حضرت زهرا علیها السلام

تیران و کرون بخش کرون دولت آباد دارای هفت کلاس

۷۹-مدرسه راهنمایی زکیه علیها السلام

تیران و کرون بخش کرون بودان دارای شش کلاس

ص:۲۱۱

۸۰-دبیرستان متوسطه فاطمیه

تیران و کرون تیران فلکه معلم دارای نه کلاس

۸۱-متوسطه زهرائیه علیها السلام

تیران و کرون بخش کرون افجان دارای یازده کلاس

۸۲-مدرسه راهنمایی فاطمیه

جرقویه سفلی نیک آباد دارای شش کلاس

۸۳-مدرسه راهنمایی حضرت زهرا علیها السلام

جرقویه سفلی نیک آباد دارای پنج کلاس

۸۴-کودکستان و آمادگی فاطمیه

جرقویه علیا حسن آباد

۸۵-کودکستان و آمادگی زهرای اطهر علیها السلام

جرقویه علیا کمال آباد

۸۶-مدرسه ابتدایی فاطمیه

جرقویه علیا حسن آباد دارای شش کلاس

۸۷-مدرسه ابتدائی زهرای اطهر علیها السلام

جرقویه علیا کمال آباد دارای پنج کلاس

۸۸-مدرسه ابتدایی مرضیه الزهرا علیها السلام

جرقویه علیا روستای دستجرد دارای پنج کلاس

۸۹-مدرسه راهنمایی فاطمه الزهرا علیها السلام

جرقویه علیا دستجرد دارای سه کلاس

۹۰-مدرسه راهنمایی کوثر علیها السلام

ص:۲۱۲

جرقویه علیا روستای اسفنداران دارای سه کلاس

۹۱-دبیرستان متوسطه کوثر علیها السلام

جرقویه علیا روستای اسفنداران

۹۲-مدرسه ابتدایی صدیقه طاهره علیها السلام

چادگان روستای مندرجان دارای چهار کلاس

۹۳-مدرسه راهنمایی حضرت زهرا علیها السلام

چادگان خیابان امام خمینی دارای شش کلاس

۹۴-مدرسه راهنمایی فاطمیه

چادگان کیشنیزچان دارای چهار کلاس

۹۵-مدرسه راهنمایی فاطمیه

خمینی شهر خیابان امیرکبیر هرستان دارای هفت کلاس

۹۶-مدرسه راهنمایی کوثر علیها السلام

خمینی شهر آدریان خیابان اردیبهشت دارای ده کلاس

۹۷-مدرسه راهنمایی مرضیه علیها السلام

خمینی شهر خیابان امام شمالی دارای شش کلاس

۹۸-مدرسه راهنمایی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

خمینی شهر خیابان حافظ دارای سه کلاس

۹۹-دبیرستان متوسطه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

خمینی شهر خیابان امام شمالی دارای شش کلاس

۱۰۰-مدرسه راهنمایی فاطمیه

خوانسار خیابان آیه الله خوانساری دارای پنج کلاس

ص:۲۱۳

۱۰۱-پیش دانشگاهی فاطمه الزهرا علیها السلام

خوانسار خیابان امام بلوار معلم دارای پنج کلاس

۱۰۲-مدرسه ابتدایی فاطمه زهرا علیها السلام

خوراسگان نارونند دارای نه کلاس

۱۰۳-مدرسه ابتدایی فاطمه علیها السلام

خور و بیابانک روستای فرخی دارای شش کلاس

۱۰۴-مدرسه راهنمایی کوثر علیها السلام

خور و بیابانک خیابان امامزاده سید داوود دارای چهار کلاس

۱۰۵-مدرسه راهنمایی صدیقه کبری علیها السلام

خور و بیابانک روستای فرخی دارای چهار کلاس

۱۰۶-مدرسه ابتدایی مرضیه علیها السلام

داران بلوار دارای چهار کلاس

۱۰۷-دبیرستان متوسطه فاطمیه

داران دامنه خیابان مخابرات دارای هفت کلاس

۱۰۸-دبیرستان متوسطه حضرت فاطمه علیها السلام

درچه خیابان امام خمینی دارای دوازده کلاس

۱۰۹-پیش دانشگاهی حضرت فاطمه علیها السلام

درچه خیابان امام دارای شش کلاس

۱۱۰-مدرسه راهنمایی راضیه علیها السلام

درچه خیابان دکتر بهشتی دارای چهارده کلاس

۱۱۱-مدرسه ابتدایی فاطمیه

ص:۲۱۴

دهاقان خیابان شریعتی دارای نه کلاس

۱۱۲-مدرسه ابتدایی زهرا علیها السلام

دهاقان روستای همگین دارای چهار کلاس

۱۱۳-مدرسه ابتدایی طاهره علیها السلام

دهاقان روستای دزج دارای پنج کلاس

۱۱۴-مدرسه راهنمایی کوثر علیها السلام

دهاقان خیابان دارائی دارای پنج کلاس

۱۱۵-دبیرستان متوسطه کار و دانش حضرت فاطمه علیها السلام

دهاقان دارای یازده کلاس

۱۱۶-مدرسه راهنمایی حضرت فاطمه علیها السلام

دهق خیابان امام خمینی دارای چهار کلاس

۱۱۷-دبیرستان متوسطه فاطمیه

دهق خیابان امام خمینی دارای هفت کلاس

۱۱۸-مدرسه ابتدایی پسرانه کوثر علیها السلام

رودشت (جلگه) هرند روستای گیشی دارای سه کلاس

۱۱۹-مدرسه ابتدایی حضرت زهرا علیها السلام

رودشت (جلگه) هرند روستای قلعه بالا دارای دو کلاس

۱۲۰-مدرسه راهنمایی فاطمیه

رودشت (جلگه) هرند دارای چهار کلاس

۱۲۱-مدرسه راهنمایی زکیه علیها السلام

رودشت (جلگه) هرند روستای اسلام آباد دارای چهار کلاس

ص:۲۱۵

۱۲۲-متوسطه الزهرا علیها السلام

رودشت (جلگه) هرند ازیه دارای چهار کلاس

۱۲۳-کودکستان فاطمیه

زرین شهر ورنامخواست انتهای خیابان امام

۱۲۴-مدرسه ابتدایی فاطمیه

زرین شهر ورنامخواست انتهای خیابان امام دارای شش کلاس

۱۲۵-مدرسه راهنمایی حضرت زهرا علیها السلام (شماره ۱و۲)

زرین شهر خیابان شهید مدنی جمعا دارای سیزده کلاس

۱۲۶-مدرسه راهنمایی کوثر علیها السلام (شماره ۱و۲)

زرین شهر خیابان سجاد کوچه ثار الله دارای سیزده کلاس

۱۲۷-مدرسه راهنمایی حضرت فاطمه علیها السلام

زرین شهر خیابان شریعتی دارای پانزده کلاس

۱۲۸-دبیرستان متوسطه مطهره علیها السلام

زرین شهر بلوار شهید رجائی دارای ده کلاس

۱۲۹-کودکستان و آمادگی الزهرا علیها السلام

زواره کوی بنجیره

۱۳۰-مدرسه ابتدایی الزهراء علیها السلام

زواره کوی بنجیره دارای چهار کلاس

۱۳۱-مدرسه راهنمایی فاطمیه

زواره سه راه حسن آباد دارای شش کلاس

۱۳۲-مدرسه ابتدایی فاطمیه

ص:۲۱۶

سمیرم خیابان شیخ صدوق دارای پنج کلاس

۱۳۳-مدرسه ابتدایی محدیثه علیها السلام

سمیرم انتهای خیابان قدس دارای شش کلاس

۱۳۴-مدرسه راهنمایی طاهره ر

سمیرم خیابان هلال احمر دارای شش کلاس

۱۳۵-دبیرستان متوسطه صدیقه کبری علیها السلام

سمیرم قلعه خیابان شیخ صدوق دارای چهار کلاس

۱۳۶-دبیرستان متوسطه فاطمه الزهرا علیها السلام

سمیرم انتهای خیابان قدس دارای هشت کلاس

۱۳۷-دبیرستان متوسطه مرضیه علیها السلام

سمیرم شهر ونک دارای شش کلاس

۱۳۸-کودکستان و آمادگی الزهرا علیها السلام

شاهین شهر شهرک گلدیس دارای دو کلاس

۱۳۹-مدرسه ابتدایی الزهرا علیها السلام

شاهین شهر شهرک گلدیس دارای یازده کلاس

۱۴۰-مدرسه راهنمایی راضیه علیها السلام

شاهین شهر بلوار امام خمینی دارای سه کلاس

۱۴۱-مدرسه راهنمایی انصار الزهرا علیها السلام

شاهین شهر خیابان فردوسی دارای چهار کلاس

۱۴۲-مدرسه راهنمایی صدیقه علیها السلام

شاهین شهر خیابان عطار دارای سه کلاس

ص:۲۱۷

۱۴۳–دبیرستان متوسطه کوثر علیها السلام

شاهین شهر بانک استان دارای شش کلاس

۱۴۴–کودکستان زهرا علیها السلام

شهرضا خیابان امیرکبیر

۱۴۵–کودکستان فاطمیه

شهرضا جاده شیراز منظریه

۱۴۶–کودکستان کوثر علیها السلام

شهرضا روستای اسفرجان

۱۴۷–مدرسه ابتدایی زهرا علیها السلام

شهرضا خیابان امیرکبیر دارای پنج کلاس

۱۴۸–مدرسه ابتدایی فاطمه علیها السلام

شهرضا میدان شهدا اول خیابان ناوب صفوی دارای یازده کلاس

۱۴۹–مدرسه ابتدایی فاطمیه

شهرضا منظریه دارای پنج کلاس

۱۵۰–مدرسه ابتدایی کوثر علیها السلام

شهرضا روستای اسفرجان دارای سه کلاس

۱۵۱–مدرسه راهنمایی راضیه علیها السلام

شهرضا روستای اسلام آباد دارای شش کلاس

۱۵۲–دبیرستان متوسطه کار و دانش صدیقه طاهره علیها السلام

شهرضا خیابان حافظ شرقی دارای پانزده کلاس

۱۵۳-مدرسه راهنمایی کوثر علیها السلام

ص:۲۱۸

طالخونچه دارای هفت کلاس

۱۵۴-متوسطه شبانه روزی کوثر علیها السلام

علویجه (مهردشت) دارای ده کلاس

۱۵۵-پیش دانشگاهی الزهرا علیها السلام

علویجه (مهردشت) دارای دو کلاس

۱۵۶-مدرسه راهنمایی الزهرا علیها السلام

فریدن روستای دره بید دارای چهار کلاس

۱۵۷-مدرسه راهنمایی الزهرا علیها السلام

فریدن روستای گنجه دارای سه کلاس

۱۵۸-مدرسه راهنمایی فاطمیه

فریدن روستای چهل خانه دارای پنج کلاس

۱۵۹-مدرسه راهنمایی فاطمیه

فریدن روستای نهر خلج دارای پنج کلاس

۱۶۰-دبیرستان متوسطه الزهرا علیها السلام

فریدن روستای گنجه

۱۶۱-دبیرستان متوسطه الزهرا علیها السلام

فریدن روستای دره بید

۱۶۲-دبیرستان متوسطه حوراء علیها السلام

فریدن روستای چهل خانه دارای سه کلاس

۱۶۳-مدرسه ابتدایی فاطمیه

فریدون شهر خیابان نواب صفوی دارای پنج کلاس

ص:۲۱۹

۱۶۴-مدرسه ابتدایی زهرا علیها السلام

فریدونشهر روستای سووشجان دارای سه کلاس

۱۶۵-مدرسه راهنمایی زکیه علیها السلام

فریدون شهر روستای قلعه سرخ دارای سه کلاس

۱۶۶-دبیرستان متوسطه الزهرا علیها السلام

فریدون شهر خیابان شهید مدنی دارای نه کلاس

۱۶۷-کودکستان فاطمیه

فلاورجان مینادشت خیابان محمد کیان

۱۶۸-مدرسه ابتدایی فاطمیه

فلاورجان مینادشت دارای یازده کلاس

۱۶۹-مدرسه راهنمایی مرضیه علیها السلام

فلاورجان سه راه سیمان چهارراه حسن آباد دارای شش کلاس

۱۷۰-مدرسه راهنمایی صدیقه کبری علیها السلام

فلاورجان روستای مهرنجان دارای چهار کلاس

۱۷۱-مدرسه راهنمایی طاهره علیها السلام

فلاورجان روستای هویه دارای چهار کلاس

۱۷۲-مدرسه راهنمایی کوثر علیها السلام

فلاورجان زازران دارای هشت کلاس

۱۷۳-دبیرستان متوسطه فاطمیه (شماره ۱و۲)

فلاورجان خیابان امام خمینی جمعا دارای بیست و شش کلاس

۱۷۴-پیش دانشگاهی راضیه علیها السلام

ص:۲۲۰

فولادشهر محله ب۱ پارکینگ سپاه دارای هشت کلاس (دولتی)

۱۷۵-پیش دانشگاهی راضیه علیها السلام

فولادشهر محله ب۱ پارکینگ سپاه دارای سه کلاس (مشارکت مردمی)

۱۷۶-دبیرستان متوسطه الزهرا علیها السلام

قهدریجان دارای ده کلاس

۱۷۷-پیش دانشگاهی الزهرا علیه السلام

قهدریجان دارای سه کلاس

۱۷۸-کودکستان الزهرا علیها السلام

کاشان خیابان نواب صفوی

۱۷۹-کودکستان کوثر علیها السلام

کاشان خیابان امیرکبیر

۱۸۰-مدرسه ابتدایی کوثر علیها السلام

کاشان خیابان امیرکبیر دارای شش کلاس

۱۸۱-مدرسه ابتدایی الزهرا علیها السلام

کاشان خیابان نواب صفوی دارای شش کلاس

۱۸۲-مدرسه ابتدایی فاطمیه

کاشان روستای سار

۱۸۳-مدرسه راهنمایی کوثر علیها السلام

کاشان خیابان اباذر دارای شش کلاس

۱۸۴-مدرسه راهنمایی الزهرا علیها السلام

کاشان خیابان امیرکبیر دارای سه کلاس

ص:۲۲۱

۱۸۵-دبیرستان متوسطه فاطمه الزهرا علیها السلام

کاشان بلوار شهید مفتح دارای هیجده کلاس

۱۸۶-دبیرستان متوسطه الزهرا علیها السلام

کاشان خیابان ملامحسن دارای شش کلاس

۱۸۷-پیش دانشگاهی الزهرا علیها السلام

کاشان خیابان ملامحسن دارای دو کلاس

۱۸۸-مدرسه راهنمایی الزهرا علیها السلام

کرارج (جی) روستای دشتی دارای شش کلاس

۱۸۹-دبیرستان متوسطه الزهرا علیها السلام

کرارج (جی) روستای دشتی دارای سه کلاس

۱۹۰-کودکستان و پیش دبستان حضرت زهرا علیها السلام

کلیشاد خیابان شهید مطهری دارای دو کلاس

۱۹۱-مدرسه ابتدایی حضرت زهرا علیها السلام

کلیشاد خیابان مطهری دارای شش کلاس

۱۹۲-مدرسه راهنمایی حضرت زهرا علیها السلام

کلیشاد خیابان مطهری دارای دوازده کلاس

۱۹۳-کودکستان فاطمیه

کوهپایه

۱۹۴-مدرسه ابتدایی فاطمیه

کوهپایه دارای شش کلاس

۱۹۵-مدرسه ابتدایی مکتب الزهرا علیها السلام

ص:۲۲۲

کوهپایه روستای جزه

۱۹۶-مدرسه راهنمایی صدیقه کبری علیها السلام

کوهپایه روستای زفره دارای سه کلاس

۱۹۷-مدرسه راهنمایی فطمیه

کوهپایه روستای جزه دارای سه کلاس

۱۹۸-مدرسه راهنمایی الزهرا علیها السلام

کوهپایه روستای سجزی دارای شش کلاس

۱۹۹-دبیرستان متوسطه فاطمه الزهرا علیها السلام

کوهپایه تودشک دارای هشت کلاس

۲۰۰-مدرسه راهنمایی فاطمیه

گز بلوار امام خمینی دارای چهار کلاس

۲۰۱-کودکستان کوثر علیها السلام

گلپایگان خیابان آیه الله گلپایگانی

۲۰۲-کودکستان دار الزهرا علیها السلام

گلپایگان روستای فیلاخص

۲۰۳-مدرسه ابتدایی دار الزهرا علیها السلام

گلپایگان روستای فیلاخص دارای چهار کلاس

۲۰۴-مدرسه ابتدایی کوثر علیها السلام

گلپایگان خیابان آیه الله گلپایگانی دارای پنج کلاس

۲۰۵-مدرسه ابتدایی فاطمیه

گلپایگان روستای دستجرده دارای دو کلاس

ص:۲۲۳

۲۰۶-مدرسه ابتدایی فاطمیه

گلپایگان روستای شادگان دارای سه کلاس

۲۰۷-مدرسه راهنمایی فاطمیه

گلپایگان گوگد دارای نه کلاس

۲۰۸-مدرسه راهنمایی راضیه علیها السلام

گلپایگان روستای ورزنه دارای سه کلاس

۲۰۹-مدرسه راهنمایی فاطمیه

گلپایگان روستای اسفرنجان دارای پنج کلاس

۲۱۰-مدرسه راهنمایی کوثر علیها السلام

گلپایگان روستای فیلاخص دارای سه کلاس

۲۱۱-دبیرستان متوسطه الزهرا علیها السلام

گلپایگان کوی دانشسرا دارای ده کلاس

۲۱۲-دبیرستان متوسطه فاطمه زهرا علیها السلام

گلپایگان خیابان ایه الله گلپایگانی دارای شش کلاس

۲۱۳-پیش دانشگاهی الزهرا علیها السلام (دولتی)

گلپایگان کوچه دانشسرا دارای یازده کلاس

۲۱۴-پیش دانشگاهی الزهرا علیها السلام (مشارکت مردمی)

گلپایگان کوچه دانشسرا دارای پنج کلاس

۲۱۵-کودکستان فاطمیه

مبارکه قهنویه

۲۱۶-کودکستان مرضیه علیها السلام

ص:۲۲۴

مبارکه سراورد

۲۱۷-کودکستان زهرا علیها السلام

مبارکه روستای حسن آباد

۲۱۸-کودکستان فاطمه زهرا علیها السلام

مبارکه احمد آباد

۲۱۹-مدرسه ابتدایی فاطمیه

مبارکه قهنویه دارای هفت کلاس

۲۲۰-مدرسه ابتدایی مرضیه علیها السلام

مبارکه سراورد دارای پنج کلاس

۲۲۱-مدرسه ابتدایی زهرا علیها السلام

مبارکه روستای حسن آباد دارای پنج کلاس

۲۲۲-مدرسه ابتدایی کوثر علیها السلام

مبارکه روستای اراضی دارای پنج کلاس

۲۲۳-مدرسه ابتدایی راضیه علیها السلام

مبارکه روستای فخر آباد دارای پنج کلاس

۲۲۴-مدرسه ابتدایی صدیقه کبری علیها السلام

مبارکه روستای هراتمه دارای سه کلاس

۲۲۵-مدرسه ابتدایی فاطمه زهرا علیها السلام

مبارکه روستای احمدآباد دارای چهار کلاس

۲۲۶-مدرسه راهنمایی مطهره علیها السلام

مبارکه روستای آدرگان دارای سه کلاس

ص:۲۲۵

۲۲۷-دبیرستان متوسطه الزهرا علیها السلام

مبارکه خیابان اباذر دارای پنج کلاس

۲۲۸-دبیرستان متوسطه فاطمه زهرا علیها السلام

مبارکه خیابان شریعتی دارای هفده کلاس

۲۲۹-دبیرستان متوسطه فاطمه زهرا علیها السلام

میمه خیابان حافظ دارای هشت کلاس

۲۳۰-پیش دانشگاهی فاطمه زهرا علیها السلام

میمه خیابان حافظ دارای دو کلاس

۲۳۱-کودکستان فاطمیه

نائین بافران دارای دو کلاس

۲۳۲-مدرسه ابتدایی فاطمیه

نائین بافران دارای پنج کلاس

۲۳۳-مدرسه راهنمایی فاطمه الزهرا علیها السلام

نائین خیابان حافظ دارای شش کلاس

۲۳۴-مدرسه راهنمایی کوثر علیها السلام

نائین چوپانان دارای سه کلاس

۲۳۵-مدرسه ابتدایی حضرت زهرا علیها السلام

نجف آباد خیابان منتظری شملای دارای هفت کلاس

۲۳۶-مدرسه ابتدایی راضیه علیها السلام

نجف آباد یزدانشهر دارای هفت کلاس

۲۳۷-مدرسه راهنمایی فاطمیه

ص:۲۲۶

نجف آباد خیابان پانزده خرداد جنوبی دارای هشت کلاس

۲۳۸-مدرسه راهنمایی صدیقه کبری علیها السلام

نجف آباد خیابان شریعتی دارای سه کلاس

۲۳۹-دبیرستان متوسطه حضرت فاطمه علیها السلام

نجف آباد خیابان شریعتی دارای سیزده کلاس

۲۴۰-دبیرستان متوسطه حضرت زهرا علیها السلام

نجف آباد امیرآباد دارای چهارده کلاس

۲۴۱-دبیرستان متوسطه حضرت زهرا علیها السلام

نجف آباد امیرآباد دارای سیزده کلاس

۲۴۲-دبیرستان متوسطه صدیقه کبری علیها السلام

نجف آباد خیابان شریعتی دارای هشت کلاس

۲۴۳-دبیرستان متوسطه کوثر علیها السلام

نجف آباد خیابان منتظری جنوبی دارای ده کلاس

۲۴۴-پیش دانشگاهی کوثر علیها السلام

نجف اباد خیابان منتظری جنوبی دارای سه کلاس

۲۴۵-مدرسه ابتدایی کوثر علیها السلام

نطنز خیابان فاطمیه دارای پنج کلاس

۲۴۶-مدرسه راهنمایی فاطمیه

نطنز خیابان امیرکبیر دارای شش کلاس

۲۴۷-مدرسه راهنمایی فاطمه زهرا علیها السلام

نطنز طرقرود دارای سه کلاس

ص:۲۲۷

۲۴۸-مدرسه راهنمایی مکتب الزهرا علیها السلام

نطنز خالد آباد دارای سه کلاس

۲۴۹-دبیرستان متوسطه فاطمه زهرا علیها السلام

نطنز طرقرود

۲۵۰-مدرسه ابتدایی فاطمه الزهرا علیها السلام

ورزنه (بن رود) خیابان دکتر بهشتی دارای پنج کلاس

۲۵۱-کودکستان فاطمیه

وزوان (میمه) دارای یک کلاس

۲۵۲-مدرسه ابتدایی فاطمیه

وزوان (میمه) دارای پنج کلاس

۲۵۳-مدرسه راهنمایی کوثر علیها السلام

وزوان (میمه) دارای شش کلاس

۲۵۴-مدرسه راهنمایی مرضیه علیها السلام

هفتشویه (جی) دارای سه کلاس

آموزشگاه های اصفهان

۱-آموزشگاه کوثر علیها السلام اصفهان خور خیابان امامزاده

۲-آموزشگاه فاطمه زهرا علیها السلام اصفهان خ وحید خ رودکی

۳-آموزشگاه صدیقه کبری علیها السلام اصفهان خیابان ارتش

۴-آموزشگاه فاطمیه (۱) اصفهان خیابان پروین

۵-آموزشگاه فاطمیه (۲) اصفهان خیابان پروین

۶-آموزشگاه کوثر (۱) اصفهان خیابان زینبیه

ص:۲۲۸

۷-آموزشگاه کوثر (۲) اصفهان خیابان زینبیه

۸-آموزش گلسازی الزهرا علیها السلام اصفهان

۹-حسابداری عمومی تکمیلی الزهرا علیها السلام اصفهان

مدارس و مراکز آموزشی سایر استان های ایران

تنها به شمار محدودی از مراکز آموزشی و مدارس سایر استان های ایران که به نام های فاطمه زهرا علیها السلام نامیده شده اند دست یافته ایم که ذیلا اشاره می شود.

۱-دبیرستان الزهرا علیها السلام آهنگر کلای بابل

۲-مدرسه کوثر اراک شهرک شهید مصطفی خمینی

۳-مدرسه فاطمیه (۲) اراک شهرک ولی عصر علیه السلام خ پسندیده

۴-مدرسه الزهرا علیها السلام اراک خ دانشگاه خانه سازی قنات

۵-مردسه فاطمیه (۱) اراک شهرک ولی عصر علیه السلام خ پسندیده

۶-مدرسه فاطمیه اراک روستای داودآباد

۷-مدرسه دار الزهراء علیها السلام اراک روستای کارچان

۸-مدرسه حضرت صدیقه کبری علیها السلام اراک خیابان قیام روبروی درب ورودی میدان تره بار

۹-مدرسه محدثه علیها السلام اراک خ محسنی کوچه محسن

۱۰-دبیرستان دخترانه الزهرا علیها السلام اسلامشهر

۱۱-دبیرستان فاطمه علیها السلام اسلامشهر

۱۲-دبیرستان فاطمیه اسلامشهر

۱۳-دبیرستان فاطمه الزهرا علیها السلام ایلام ملکشاهی

۱۴-آموزشگاه فاطمه الزهرا علیها السلام ایلام ملکشاهی

۱۵-آموزشگاه قالی بافی الزهرا علیها السلام بندر ترکمن

۱۶-مدرسه راضیه علیها السلام بیرجند خ قائم کوچه نهضت

۱۷-مدرسه فاطمه زهرا علیها السلام بیرجند سجاد شهر کوی رضویه

۱۸-مدرسه محدثه علیها السلام بیرجند خ توحید ۱۸ پلاک ۲

۱۹-مدرسه مطهره علیها السلام بیرجند خ شهید مصطفی خمینی ۱۱

۲۰-پیش دانشگاهی فاطمیه پاکدشت

۲۱-پیش دانشگاهی مرضیه علیها السلام پاکدشت

۲۲-کار و دانش فدک پاکدشت

۲۳-کار و دانش راضیه علیها السلام پاکدشت

۲۴-دبیرستان فاطمه زهرا علیها السلام پاکدشت

۲۵-دبیرستان فاطمیه پاکدشت

۲۶-دبیرستان کوثر علیها السلام پاکدشت

۲۷-دبیرستان مرضیه علیها السلام پاکدشت

۲۸-دبیرستان الزهرا علیها السلام تهران

۲۹-کار و دانش فدک تهران منطقه فشافویه

۳۰-مدرسه فاطمه الزهرا علیها السلام تبریز

۳۱-مدرسه الزهرا علیها السلام تبریز

۳۲-مدرسه کوثر تبریز

۳۳-دبیرستان فاطمه علیها السلام تهران

۳۴-دبیرستان فدک تهران منطقه ۱۸

۳۵–نمونه دولتی فدک (۹۵) تهران

ص:۲۳۰

۳۶–حضرت فاطمه علیها السلام (۹۵) تهران

۳۷–دبیرستان فاطمیه تهران

۳۸–حسابداری عمومی تکمیلی الزهرا علیها السلام تهران

۳۹–ابتدایی کوثر علیها السلام تهران سراج خ شهید ممنونی

۴۰–ابتدایی کوثر قرآن علیه السلام تهران فرجام شرقی بلوار چمران

۴۱–مدرسه راهنمایی حضرت زهرا علیها السلام تهران میدان حسین آباد جوانشیر

۴۲–مدرسه راهنمایی صدیقه کبری علیها السلام تهران کیمیه بلوار بهار

۴۳–دبیرستان صدیقه کبری علیها السلام تهران کیمیه بلوار بهار

۴۴–مدرسه راهنمایی راه فاطمه علیها السلام تهران بلاور بیژن گلستان هشتم

۴۵–دبیرستان راه فاطمه علیها السلام تهران بلوار بیژن گلستان هشتم

۴۶–مدرسه راهنمایی مرضیه علیها السلام تهران چهارراه رشید خ شهید باغدارنیا

۴۷–دبیرستان حضرت زهرا علیها السلام تهران حسین اباد خ جوانشیر

۴۸–دبیرستان فاطمه زهرا علیها السلام تهران فرجام غربی نرسیده به میدان صد

۴۹–دبیرستان مرضیه علیها السلام تهران خ فرجام خ رشید شمالی

۵۰–دبیرستان راضیه علیها السلام تهران تهران پارس ۱۹۰ شرقی

۵۱–دبیرستان فاطمه زهرا علیها السلام تهران فرجام غربی ایستگاه سید

۵۲–پیش دانشگاهی مرضیه علیها السلام تهران بزرگراه رسالت چهارراه رشید شمالی

۵۳–پیش دانشگاهی فاطمه الزهرا علیها السلام فرجام غربی میدان ۵۶

۵۴–هنرستان کار و دانش فاطیما علیها السلام تهران فرجام شرقی خاور کوی مینو

۵۵–هنرستان فنی حرفه ای راه فاطمه علیها السلام تهران مجیدیه شمالی شانزده متری دوم گلستان ۵ شرقی

۵۶-پیش دانشگاهی شهیدای کوثر علیها السلام تهران اراضی سلیمانیه

۵۷-مدرسه فاطمه الزهرا علیها السلام تهران خ شهرزاد خ شهید طالبی

۵۸-مدرسه فاطمیه تهران خ خاوران پشت اداره آموزش و پرروش

۵۹-مدرسه فاطمه زهرا علیها السلام تهران ستارخان

۶۰-آموزشگاه حضرت زهرا علیها السلام چهار دانگه

۶۱-مدرسه فاطمیه شیراز

۶۲-مدرسه مکتب الزهرا علیها السلام شیراز

۶۳-آموزشگاه فاطمیه قلعه سلیمانخانی

۶۴-حسابداری عمومی تکمیلی الزهرا علیها السلام کرج

۶۵-پیش دانشگاهی حضرت زهرا علیها السلام کلاچای

۶۶-مرکز آموزش خواهران الزهرا علیها السلام گرگان

۶۷-آموزشگاه فدک هشتگرد شهر جدید

۶۸-دبیرستان الزهرا علیها السلام همدان ناحیه یک چهارراه پاستور

۶۹-دبیرستان کوثر همدان خیابان دیباج

۷۰-دبیرستان فدک همدان حصار راه علی آباد

۷۱-دبیرستان فاطمه الزهرا (۲) علیها السلام همدان سی متری سعیدیه

۷۲-دبیرستان فاطمه الزهرا (۱) علیها السلام همدان سی متری سعیدیه

۷۳-دبیرستان فاطمیه بزرگسالان همدان بلوار شهید مدنی

۷۴-دبیرستان فاطمه الزهرا علیها السلام همدان اکباتان خ شهید توپچی

۷۵-مدرسه الزهرا علیها السلام (مکتب الزهرا علیها السلام) یزد خ سلمان فارسی

۷۶-مدرسه ام ابیها علیها السلام

ص:۲۳۲

۷۷-دبیرستان فاطمیه

۷۸-مدرسه الزهرا علیها السلام

۷۹-هنرستان فدک

۸۰-هنرستان ندای زهرا علیها السلام

۸۱-پیش دانشگاهی الزهرا علیها السلام

تاسیس و نامگذاری مراکز درمانی و بیمارستانی به نام های فاطمه زهرا علیها السلام

از قسمت های جالب در فصل توجه عمومی به مقام و عظمت صدیقه کبری علیها السلام تاسیس و یا نامگذاری مهمترین مراکز پزشکی و درمانی (اعم از بیمارستان درمانگاه آزمایشگاه داروخانه مرکز توانبخشی و...) به نام مقدس آن حضرت می باشد که با توجه به شخصیت علمی و تحصیلات عالیه دست اندرکاران این مراکز (که از پزشکان و متخصصان علی مقام و تربیت یافتگان مراکز دانشگاهی می باشند) شایان بسی دقت و توجه می باشد.

بخشی از این مراکز که جنبه خیریه ای و مردمی دارد تاسیس آن و جمع آوری کمک های مادی و معنوی مردم به اعتبار اعتقادات و باورهای دینی جامعه نسبت به حضرت زهرا علیها السلام انجام گرفته و پشتوانه هر کمک یا حمایتی از جانب خیراندیشی با ایمان کرامتی از حضرت زهرا علیها السلام یا برآورده شدن حاجتی با شفاعت آن بزرگوار بوده و علاقه قلبی مردم نسبت به آن حضرت سرمایه شکل گیری آن مرکز یا موسسه درمانی بوده است.

و بخش دیگری که جنبه دولتی دارد علت نامگذاری آنها به نام نامی فاطمه زهرا علیها السلام اعتقاد پاک و علاقه قلبی دست اندرکاران آن مرکز نسبت به فاطمه

زهرا علیها السلام بوده که در اثر تجلی خاصی که از جانب آن حضرت ظاهر گردیده یا قصد توسلی که داشته اند آن مراکز را به نام بانوی مظلومه نامیده اند. و در یک کلام این نام گذاری ها نشان دهنده اعتقاد و علاقه پاک مردم ودست اندرکاران امور درمانی نسبت به حضرت زهرا علیها السلام از یک طرف و نشان دهنده ظهور کرامات و عنایات و شفا گرفتن و روا شدن حاجت ها از جانب آن حضرت از طرف دیگر می باشد و اینک آمارهایی از مراکز درمانی که در سراسر کشور به نام های فاطمه زهرا علیها السلام نامیده شده است را تقدیم علاقمندان به ساحت مقدس آن حضرت می نمائیم و سپس به عنوان نمونه از چند مرکز مشخص با کمی تفصیل بحث نموده و توجه مطالعه کنندگان را به اهمیت این نام گذاری ها جلب می نمائیم.

بیمارستان هایی که به نام های فاطمه زهرا علیها السلام است

۱-بیمارستان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام خوزستان خرمشهر

۲-بیمارستان یا زهرا علیها السلام خوزستان دزفول

۳-بیمارستان فاطمی علیها السلام اردبیل

۴-بیمارستان فاطمه زهرا علیها السلام مازندران بابل

۵-بیمارستان فاطمه الزهرا علیها السلام هرمزگان جزیره قشم

۶-بیمارستان فاطمه زهرا علیها السلام بوشهر

۷-بیمارستان الزهرا علیها السلام اصفهان

۸-بیمارستان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام اصفهان

۹-بیمارستان فاطمیه استان اصفهان خوانسار

۱۰-بیمارستان فاطمه زهرا علیها السلام نجف آباد یزدانشهر

ص:۲۳۴

۱۱-بیمارستان فاطمیه نطنز

۱۲-بیمارستان کوثر علیها السلام قزوین

۱۳-بیمارستان کوثر علیها السلام گیلان آستانه اشرفیه

۱۴-بیمارستان الزهرا علیها السلام گیلان رشت

۱۵-بیمارستان فاطمه زهرا علیها السلام استان گلستان مینودشت

۱۶-بیمارتسان الزهرا علیها السلام قم

۱۷-بیمارستان فاطمی (سهامیه) قم

۱۸-بیمارستان فاطمیه همدان

۱۹-بیمارستان الزهرا علیها السلام استان کرمانشاه گیلان غرب

۲۰-بیمارستان فاطمیه خراسان مشهد

۲۱-بیمارستان فاطمه زهرا علیها السلام مازندران ساری

۲۲-بیمارستان فاطمیه سمنان

۲۳-بیمارستان فاطمیه خراسان شاهرود

۲۴-بیمارستان حضرت فاطمه علیها السلام فارس شیراز

۲۵-بیمارستان الزهرا علیها السلام آذربایجان شرقی تبریز

۲۶-بیمارستان فاطمه زهرا علیها السلام یزد مهریز

۲۷-بیمارستان الزهرا علیها السلام سیستان و بلوچستان زاهدان

۲۸-بیمارستان خیریه قلب فاطمه الزهرا علیها السلام فارس شیراز

دارالشفاها و درمانگاه ها به نام فاطمه زهرا علیها السلام

۱-درمانگاه خیریه فاطمیه آران و بیدگل

۲-مرکز بهداشتی درمانی فاطمیه آران و بیدگل

ص:۲۳۵

۳-دارالشفاء کوثر علیها السلام اصفهان

۴-دارالشفاء فاطمیه اصفهان

۵-دارالشفاء حضرت زهرا مرضیه علیها السلام اصفهان

۶-درمانگاه بیمارستان حضرت زهرا علیها السلام اصفهان

۷-دارالشفاء حضرت صدیقه طاهره علیها السلام اصفهان

۸-درمانگاه مرکز پزشکی الزهرا علیها السلام اصفهان

۹-درمانگاه ویژه الزهرا علیها السلام اصفهان

۱۰-کلینیک ویژه الزهرا علیها السلام اصفهان

۱۱-مجتمع پزشکی الزهرا علیها السلام استان اصفهان خمینی شهر

۱۲-درمانگاه بیمارستان فاطمیه استان اصفهان خوانسار

۱۳-درمانگاه خیریه حضرت زهرا فاطمیه نجف آباد گلدشت

۱۴-مرکز بهداشتی درمانی امام سجاد فاطمیه استان اصفهان نجف آباد

۱۵-درمانگاه و اورژانس فاطمیه استان اصفهان نطنز بادرود

۱۶-دارالشفاء فاطمه زهرا علیها السلام خراسان بیرجند

۱۷-درمانگاه بیمارستان فاطمیه خراسان مشهد

۱۸-درمانگاه شبانه روزی فدک خراسان مشهد

۱۹-مرکز بهداشتی درمانی حضرت زهرا علیها السلام خراسان مشهد

۲۰-مرکز بهاشتی درمانی الزهرا علیها السلام خراسان گناباد

۲۱-مرکز تسهیلات زایمانی الزهرا علیها السلام خراسان گناباد

۲۲-درمانگاه بیمارستان فاطمه الزهرا علیها السلام استان یزد مهریز

۲۳-مرکز بهداشتی درمانی شماره ۳ فاطمه الزهرا علیها السلام استان یزد اردکان

ص:۲۳۶

۲۴-درمانگاه فاطمه الزهرا علیها السلام مازندران آمل

۲۵-درمانگاه بیمارستان فاطمه زهرا علیها السلام مازندران ساری

۲۶-درمانگاه شبانه رزوی کوثر علیها السلام گیلان آستانه اشرفیه

۲۷-درمانگاه تخصصی مرکز آموزشی درمانی الزهرا علیها السلام رشت

۲۸-درمانگاه شبانه روزی کوثر علیها السلام گیلان رشت گلسار

۲۹-درمانگاه عمومی الزهرا علیها السلام گیلان رشت

۳۰-مرکز بهداشتی درمانی صدیقه طاهره علیها السلام گیلان لاهیجان

۳۱-مرکز بهداشتی درمانی زهرا علیها السلام اردبیل مغان

۳۲-پایگاه بهداشتی الزهرا علیها السلام آذربایجان شرقی تبریز

۳۳-درمانگاه الزهرا علیها السلام آذربایجان غربی ارومیه

۳۴-درمانگاه زنان و زایمان کوثر علیها السلام آذربایجان غربی ارومیه

۳۵-پلی کلینیک فاطمیه سمنان

۳۶-درمانگاه حضرت فاطمه علیها السلام تهران پاکدشت

۳۷-درمانگاه حضرت فاطمه علیها السلام تهران

۳۸-درمانگاه بیمارستان حضرت فاطمه علیها السلام تهران

۳۹-درمانگاه خیریه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام تهران

۴۰-درمانگاه خیریه مسجد جامع فاطمیه تهران

۴۱-درمانگاه خیریه مکتب الزهرا علیها السلام تهران

۴۲-موسسه خیریه درمانی حضرت فاطمه علیها السلام تهران

۴۳-درمانگاه کوثر علیها السلام تهران

۴۴-درمانگاه تخصصی بیمارستان و زایشگاه فاطمه زهرا تهران

ص:۲۳۷

۴۵-دارالشفاء حضرت فاطمه زهرا علیها السلام تهران ری

۴۶-مرکز بهداشتی درمانی حضرت زهرا علیها السلام تهران ری

۴۷-درمانگاه فاطمه الزهرا علیها السلام تهران شمیرانات

۴۸-مرکز بهداشتی درمنی الزهرا علیها السلام (شهرک دانش) تهران

۴۹-درمانگاه بیمارستان فاطمه الزهرا علیها السلام تهران کرج

۵۰-درمانگاه بیمارستان کوثر علیها السلام قزوین

۵۱-درمانگاه الزهرا علیها السلام (شماره ۱) قم

۵۲-درمانگاه الزهرا علیها السلام (شماره ۲) قم

۵۳-درمانگاه تخصصی زنان (زایشگاه الزهرا علیها السلام) قم

۵۴-دندانپزشکی فاطمیه سلامت قم

۵۵-مرکز بهداشتی درمانی فاطمیه سلامت قم

۵۶-پلی کلینیک حضرت فاطمه علیها السلام استان مرکزی سربند

۵۷-درمانگاه الزهرا علیها السلام (شماره ۱۹) همدان

۵۸-بیمارستان آموزشی درمانی فاطمیه همدان

۵۹-دارالشفاء خیریه الزهرا علیها السلام تهران

۶۰-کلینیک تخصصی دندانپزشکی حضرت زهرا علیها السلام تهران

۶۱-پایگاه بهداشتی الزهرا علیها السلام سیستان و بلوچستان زاهدان

۶۲-پایگاه بهداشتی حضرت فاطمه علیها السلام سیستان و بلوچستان زاهدان

۶۳-کلینیک تخصصی چشم پزشکی الزهرا علیها السلام زاهدان

۶۴-مرکز بهداشتی درمانی حضرت فاطمه علیها السلام زاهدان

۶۵-مرکز بهداشتی درمانی حضرت زهرا علیها السلام رفسنجان

ص:۲۳۸

۶۶-بنیاد خیریه فاطمیه (شماره۱) استان کرمان سیرجان

۶۷-درمانگاه فاطمیه کرمان

۶۸-کلینیک تخصصی حضرت فاطمه الزهرا علیها السلام هرمزگان قشم

۶۹-درمانگاه کوثر علیها السلام هرمزگان قشم

۷۰-درمانگاه کوثر علیها السلام (قلب الزهرا) فارس شیراز

۷۱-درمانگاه فاطمه الزهرا علیها السلام فارس شیراز

۷۲-درمانگاه فاطمه زهرا علیها السلام (۲) فارس شیراز

۷۳-درمانگاه الزهرا علیها السلام فارس کازرون

۷۴-درمانگاه بیمارستان فاطمه الزهرا علیها السلام فارس لامرد

۷۵-درمانگاه فاطمه الزهرا علیها السلام فارس لامرد

۷۶-مرکز بهداشتی درمانی صدیقه طاهره علیها السلام فارس لامرد

۷۷-مرکز بهداشتی درمانی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بوشهر دیلم

۷۸-درمنگاه فاطمه الزهرا علیها السلام چهارمحال و بختیاری اردل

۷۹-درمانگاه حضرت فاطمه علیها السلام (شماره ۲) چهارمحال بروجن

۸۰-درمانگاه بیمارستان یا زهرا علیها السلام خوزستان دزفول

۸۱-مرکز بهداشتی درمانی کوثر علیها السلام (شماره ۱۳) لرستان بروجرد

۸۲-پایگاه بهداشتی الزهرا علیها السلام لرستان گوهر دشت

۸۳-درمانگاه خیریه شبانه روزی حضرت زهرا علیها السلام ایلام

آزمایشگاه هایی که به نام های حضرت زهرا علیها السلام است

۱-آزمایشگاه کوثر علیها السلام اردبیل

۲-آزمایشگاه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بوشهر

ص:۲۳۹

۳-آزمایشگاه حضرت فاطمه الزهرا علیها السلام بوشهر

۴-آزمایشگاه مرکز بهداشتی درمانی فدک شهرکرد

۵-آزمایشگاه الزهرا علیها السلام شهرکرد

۶-آزمایشگاه مرکز بهداشتی درمانی حضرت فاطمه علیها السلام (شماره ۲) شهرکرد

۷-آزمایشگاه دانشکده پرستاری الزهرا علیها السلام بروجن

۸-آزمایشگاه تشخیص طبی کوثر علیها السلام بروجن

۹-آزمایشگاه مسعودیه حضرت زهرا علیها السلام اصفهان

۱۰-آزمایشگاه دارالشفاء حضرت زهرای مرضیه علیها السلام اصفهان

۱۱-آزمایشگاه الزهرا علیها السلام خیابان صفه اصفهان

۱۲-آزمایشگاه حضرت زهرا علیها السلام اصفهان

۱۳-آزمایشگاه الزهرا علیها السلام اصفهان ساختمان تجاری الزهرا علیها السلام

۱۴-آزمایشگاه الزهرا علیها السلام اصفهان خمینی شهر

۱۵-آزمایشگاه فاطمیه (خیابان ۱۳ محرم داخل بیمارستان

۱۶-آزمایشگاه الزهرا علیها السلام اصفهان زرین شهر

۱۷-آزمایشگاه کوثر علیها السلام اصفهان زرین شهر

۱۸-آزمایشگاه کوثر علیها السلام سه راه بهداری اصفهان

۱۹-آزمایشگاه فاطمیه استان اصفهان بادرود

۲۰-آزمایشگاه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام اصفهان یزدانشهر

۲۱-آزمایشگاه کوثر طاها علیها السلام شیراز روستای گویم

۲۲-آزمایشگاه بیمارستان کوثر علیها السلام قزوین

۲۳-آزمایشگاه مرکز بهداشتی درمانی حضرت زهرا علیها السلام قزوین آبیک

ص:۲۴۰

۲۴-آزمایشگاه مرکز بهداشتی درمانی بوئین زهرا علیها السلام قزوین بوئین

۲۵-آزمایشگاه بیمارستان زنان و زایشگاه الزهرا علیها السلام قم

۲۶-آزمایشگاه درمانگاه الزهرا علیها السلام قم

۲۷-آزمایشگاه مرکز آموزشی درمانی الزهرا علیها السلام گیلان رشت

۲۸-آزمایشگاه کوثر علیها السلام گیلان

۲۹-آزمایشگاه صدیقه طاهره علیها السلام گیلان لاهیجان

۳۰-آزمایشگاه کوثر علیها السلام گیلان آستانه اشرفیه

۳۱-آزمایشگاه بیمارستان فاطمیه همدان

۳۲-آزمایشگاه بنیاد فاطمیه کرمان

۳۳-آزمایشگاه بیمارستان الزهرا علیها السلام کرمانشاه گیلان غرب

۳۴-آزمایشگاه یا زهرا علیها السلام اهواز

۳۵-آزمایشگاه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام اهواز

۳۶-آزمایشگاه حضرت زهرا علیها السلام (فارابی) مشهد

۳۷-آزمایشگاه بیمارستان فاطمیه مشهد

۳۸-آزمایشگاه تشخیص طبی فدک مشهد

۳۹-آزمایشگاه فاطمه الزهرا علیها السلام لرستان نورآباد

۴۰-آزمایشگاه حضرت فاطمه علیها السلام اراک شهرک مهاجران

۴۱-آزمایشگاه فاطمه زهرا علیها السلام بابل

۴۲-آزمایشگاه بیمارستان حضرت فاطمه علیها السلام مازندران

۴۳-آزمایشگاه فاطمیه شاهرود

۴۴-آزمایشگاه بیمارستان فاطمیه سمنان

ص:۲۴۱

۴۵-آزمایشگاه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام تهران

۴۶-آزمایشگاه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام تهران

۴۷-آزمایشگاه فاطمه الزهرا علیها السلام اشتهارد

۴۸-آزمایشگاه حضرت زهرا علیها السلام تهران جاده ورامین

۴۹-آزمایشگاه درمانگاه خیریه مکتب الزهرا علیها السلام شهید بهشتی

۵۰-آزمایشگاه کوثر علیها السلام شهید بهشتی

۵۱-آزمایشگاه تشخیص طبی کوثر علیها السلام شهید بهشتی پاکدشت

داروخانه هایی که به نام فاطمه زهرا علیها السلام است

۱-داروخانه الزهرا علیها السلام اصفهان هرند

۲-داروخانه حضرت زهرا علیها السلام ایلام

۳-داروخانه فاطمیه کرمان

۴-داروخانه الزهرا علیها السلام کرمانشاه گیلان غرب

۵-داروخانه الزهرا علیها السلام لرستان

۶-داروخانه کوثر علیها السلام اراک

۷-داروخانه حضرت فاطمه علیها السلام اراک

۸-داروخانه الزهرا علیها السلام سیستان و بلوچستان زاهدان

۹-داروخانه گلستان فاطمه علیها السلام شیراز بلوار شهید چمران

۱۰-داروخانه مرکز پزشکی الزهرا علیها السلام اصفهان خیابان صفه

۱۱-داروخانه الزهرا علیها السلام اصفهان

۱۲-داروخانه دارالشفای حضرت زهرای مرضیه علیها السلام اصفهان

۱۳-داروخانه کوثر علیها السلام تهران

ص:۲۴۲

۱۴-داروخانه بیمارستان فاطمیه خوانسار

مرکز فیزیوتراپی و توانبخشی به نام فاطمه زهرا علیها السلام

۱-فیزیوتراپی کوثر علیها السلام اصفهان شهرضا

۲-فیزیوتراپی الزهرا علیها السلام اصفهان نجف آباد

۳-فیزیوتراپی کوثر علیها السلام اصفهان خیابان شیخ بهائی

۴-مرکز توانبخشی فاطمیه اصفهان خیابان فروغی

۵-فیزیوتراپی حضرت زهرا علیها السلام فارس لار شهر

۶-فیزیوتراپی بیمارستان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام مازندران بلوار ارتش

۷-فیزیوتراپی کوثر علیها السلام مازندران ساری

۸-کلینیک فیزیوتراپی بیمارستان فاطمیه سمنان

۹-فیزیوتراپی بیمارستان فاطمیه شاهرود

۱۰-مرکز جامع توانبخشی پزشکی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام تهران ورامین

۱۱-حضرت فاطمه علیها السلام تهران گلشهر

۱۲-توانبخشی پزشکی بیمارستان حضرت فاطمه علیها السلام تهران

۱۳-فیزیوتراپی کوثر علیها السلام اصفهان

۱۴-فیزیوتراپی دارالشفای حضرت زهرای مرضیه علیها السلام اصفهان

مرکز بزرگ پزشکی الزهرا علیها السلام اصفهان

این مرکز واقع در جنوب غربی دانشگاه اصفهان و در مجاورت بلور صفه می باشد و وسعت آن به ۲۷ هکتار می رسد. دارای ۸۶ هزار مترمربع ساختمان می باشد در شش طبقه (زیرزمین هم کف چهار طبقه بخش های بیمارستان) و با دویست نفر عضو هیئت علمی

و یک هزار و پانصد نفر پرسنل (در رده های گوناگون) دارای موقعیت بسیار برجسته ای می باشد در طبقه زیرزمین کلاس های درس سالن سخنرانی با ظرفیت ۲۶۰ نفر (تالار محسن) چاپ و تکثیر دفتر گروه های آموزشی انبارهای مختلف لندری آشپزخانه رستوران پاویون اساتید واحد تعمیرات CSR تجهیزات پزشکی فیزیوتراپی اتوپسی خیاط خانه روابط عمومی نماز خانه سمعی بصری. در طبقه همکف شامل اورژانس ICU اورژانس پذیرش لیزیک، ازمایشگاه ، رادیولوژی، CTS ، کتابخانه، مرکز کامپیوتر واحد های مالی و اداری، ریاست، مددکاری، مدارک پزشکی، داروخانه، درمانگاه، بانک، فروشگاه مرکز تلفن و پیج معاونت پرستاری.

طبقه اول: اتاقهای عمل (۱۸ واحد) ICU جراحی، ICU اعصاب، CCU ، بخش قلب، بخش جراحی اعصاب، بخش جراحی ۳ بخش ارولوژی واحد تنفس دفتر تاسیسات.

طبقه دوم: اتاق های عمل زنان و زایمان بخش زایمان لیبر ICU نوزادان، پاویون و اینترنها و رزیدنتها بخش داخلی اعصاب زنان و مردان واحد بهداشت.

طبقه سوم: بخش اطفال ۱و۲ بخش گوش و حلق و بینی فک و صورت ارتوپدی مردان ارتوپدی زنان جراحی توراکس روانپزشکی اطفال جراحی ۱و۲

طبقه چهارم: بخش گوارش، بخش ریه، بخش پوست، بخش تب، بخش

ص:۲۴۴

عفونی، بخش ویژه ۱و۲ بخش جراحی نوزادان جراحی اطفال روماتولوژی

یادآوری می شود بخش های فوق تخصصی شامل بخش توراکس (جراحی ریه) جراحی نوزدان جراحی اطفال جراحی فک و صورت بخش دیالیز بخش لیزیک روماتولوژی می باشد.

در بخش ارتوپدی اعمال فوق تخصصی زیر انجام می گیرد:

آرتروسکوپی، توتال هیپ، توتال نی ، نرود با گنوستیک، EEG، ICU ، EMG در مجموع مرکز آموزشی -درمانی الزهرا علیها السلام دارای ۲۴ اتاق عمل مجهز به مدرنترین تجهیزات پزشکی روز می باشد به همین منظور از استان های همجوار بیماران نیازمند به اساتید فوق تخصصی به این مرکز اعزام می گردند و هم چنین دارای سی تخت ICU , CCU می باش که مجهز به سیستم مرکزی مانیتور سانترال و تخت های پیشرفته مجهز به دو سیستم الکترونیکی و مکانیکی می باشد آزمایشگاه این مرکز یکی از بزرگترین آزمایشگاه های کشور می باشد به خاطر داشتن تجهیزات مدرن آزمایشگاهی و نیروهای متخصص و تقریبا تمامی آزمایشهای آنزیمی و رادیو اکتیو و پاتولوژی مورد درخواست در این بخش انجام می شود. درمانگاه های این مرکز مجهز به دستگاه های آندوسکوپی اسپیرومتری و برونکوسکوپی، ادیومتری، پواتراپی (درمانگاه پوست) اکو، تست ورزشی، الکترو می باشد. و در یک کلام نامگذاری چنین مجموعه بزرگ علمی و آموزشی و درمانی (که در سطح کشور دارای برجستگی ممتاز می باشد) به نام مقدس حضرت

ص:۲۴۵

زهرا علیها السلام نشانه برجسته ای از فرهنگ دینی و معنوی حاکم بر دانشمندان و اندیشمندان جامعه ما می باشد و آثار و برکات این نامگذاری در توجه مراکز پزشکی جهان (که در ارتباط مستقیم و مرتب با این مرکز بزرگ هستند) به شخصیت و عظمت حضرت زهرا علیها السلام کاملا آشکار و قابل توجه می باشد.

دارالشفای زهرای مرضیه علیها السلام

این دارالشفاء با همت و همکاری مردم با ایمان اصفهان در سال ۱۴۱۱ قمری (۱۳۶۹ شمسی) در انتهای خیابان علامه مجلسی نزدیک فلکه طوقچی (میدان قدس) شروع به فعالیت نموده و به سرعت رشد و توسعه یافته است و با این که د رابتدا به صورت دو باب منزل به مساحت ۳۳۰ مترمربع بوده ولی هم اکنون در سال ۱۴۲۴ قمری (۱۳۸۲ شمسی) با پنج هزار متر زمین و هفت هزار مترمربع ساختمان در چند طبقه بسیار مجهز و مجلل در خدمت مردم و مراجعه کنندگان می باشد و با بخش های مشروحه زیر به نام نامی فاطمه زهرا علیها السلام خدمات بسیار ارزشمندی را عرضه می نماید:

۱-کلینیک تخصصی و عمومی با حضور ۹۰ پزشک در انواع تخصص ها

۲-پزشک عمومی شبانه روزی

۳-تزریقات برادران و خواهران به نحو مجزی

۴-بستری موقت برادران و خواهران به نحو مجزی

۵-رادیولوژی ۶-سونوگرافی ۷-آزمایشگاه ۸-دندانپزشکی و دندانسازی ۹-داروخانه ۱۰-اکوکاردیوگرافی و نوار قلب ۱۱-عینک سازی ۱۲-فیزیوتراپی

توضیحا: در حال حاضر ساختمان بیمارستان این دارالشفاء (در چهار

طبقه و هر طبقه به مساحت ۱۰۰۰ مترمربع) در دست ساختمان است و در نظر است که بخش های :

۱-سی سی یو (CCU)

۲-آی سی یو (ICU)

۳-داخلی ۴-جراحی

در آن راه اندازی شود

دارالشفای زهرای مرضیه علیها السلام نمودار خوبی از عشق و علاقه مردم به حضرت زهرا علیها السلام و برکات وجود مقدس آن بزرگوار برای مردم می باشد.

دارالشفای مجتمع فاطمیه

مجتمع فاطمیه اصفهان واقع در خیابان زینبیه شامل حسینیه -کتابخانه (با هیجده هزار کتاب و سیستم رایانه ای) و صندوق قرض الحسنه و انجمن مددکاری و دارالشفاء می باشد و به سرعت در حال رشد و توسعه بوده و می باشد و هم اکنون دو هزار و دویست مترمربع زمین در اختیار دارالشفاء فاطمیه قرار دارد و در جوار حسینیه بزرگ و کتابخانه فاطمیه می باشد و ساختمان آن در پنج طبقه احداث گردیده است و بخش های گوناگون دارالشفاء به سرعت در حال راه اندازی می باشد و در حال حاضر در هر شبانه روز بیش از یک هزار نفر از خدمات پزشکی و دندانپزشکی این دارالشفاء بهره گیری می نمایند (علاوه بر سایر بهره گیری های فرهنگی و دینی و خدماتی که از بخش های گوناگون این مجتمع ارزشمند نصیب مردم می گردد) و خود را مدیون صاحب اصلی مجتمع یعنی فاطمه زهرا علیها السلام می دانند.

کتابخانه هایی که به نام حضرت زهرا علیها السلام است

در سراسر کشور کتابخانه های زیادی به نام مبارک حضرت زهرا علیها السلام نامیده شده که به نمونه هایی از آنها اشاره می گردد.

۱-کتابخانه عمومی الزهرا علیها السلام اصفهان خیابان عبدالرزاق

۲-کتابخانه عمومی مجتمع فاطمیه اصفهان خیابان زینبیه

۳-کتابخانه جامعه الزهرا علیها السلام مشهد مقدس

۴-کتابخانه مرکزی دانشگاه الزهرا علیها السلام تهران دانشگاه الزهرا علیها السلام

۵-کتابخانه جامعه الزهرا علیها السلام قم جامعه الزهرا علیها السلام

۶-کتابخانه حضرت زهرا علیها السلام یزد

۷-کتابخانه حضرت فاطمه علیها السلام فوده شهرضا

۸-کتابخانه فاطمه زهرا علیها السلام قهجاورستان اصفهان

مراکز فرهنگی و فرهنگسراها و نگارخانه ها به نام فاطمه زهرا

در سراسر کشور مراکز گوناگون فرهنگی به نام حضرت زهرا علیها السلام نامیده شده که ذیلا به مواردی اشاره می نمائیم:

۱-موسسه فرهنگی صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام تهران شهرک قدس

۲-موسسه فرهنگی حضرت زهرا علیها السلام اصفهان خیابان احمد اباد

۳-خانه فرهنگی الزهرا علیها السلام قم خیابان دور شهر

۴-کانون فرهنگی فاطمه الزهرا علیها السلام مشهد خیابان هاشمی نژاد

۵-کانون فرهنگی هنری فاطمیه آزادشهر

۶-کانون فرهنگی هنری صدیقه طاهره علیها السلام بیرجند

۷-کانون فرهنگی هنری فدک بیرجند

۸-خانه فرهنگی الزهرا علیها السلام قم خیابان فاطمی

۹-فرهنگسرای فدک تهران نارمک ضلع شمالی پارک فدک

۱۰-بنیاد فرهنگی فاطمه زهرا علیها السلام تهران بلوار کشاورز

۱۱-فرهنگسرای الزهرا علیها السلام اصفهان چهارراه شکرشکن

۱۲-نگارخانه فدک تهران میدان رسالت نظام آباد

۱۳-نگارخانه کوثر علیها السلام تهران خیابان ری پائین تر از میدان قیام

۱۴-موسسه الکوثر للمعارف الاسلامیه قم خیابان سمیه خ رجائی

۱۵-مرکز فرهنگی الزهرا علیها السلام

۱۶-موسسه الزهرا علیها السلام تهران

۱۷-موسسه فرهنگی ریحانه نبی علیها السلام تهران ظهیرالاسلام خ مصباح

۱۸-نگارخانه کوثر علیها السلام اصفهان

۱۹-موسسه فرهنگی شجره طوبی فاطمه زهرا علیها السلام تهران

۲۰-موسسه فرهنگی شجره طوبی فاطمه زهرا علیها السلام قم

۲۱-بخش فرهنگی مجمع خیریه سیده النساء علیها السلام قم

۲۲-موسسه فرهنگی فاطمه زهرا علیها السلام تهران

۲۳-مرکز خدمات مشاوره ای الزهرا علیها السلام تهران منطقه ۶

۲۴-موسسه الکوثر علیها السلام سریلانکا

نمونه ای از خدمات موسسه های فرهنگی به نام حضرت زهرا

برای آشنایی با آثار و خدمات موسسه های فرهنگی به نام حضرت زهرا علیها السلام نامیده شده لیستی از کتابهای تالیف یا ترجمه شده و منتشر گردیده به وسیله موسسه الزهرا علیها السلام (وابسته به بنیاد بعثت) را ذیلا نقل می نمائیم:

۱-حدیث کساء مولف علامه عسکری به زبان ترکی استانبولی

۲-حدیث کساء مولف علامه عسکری به زبان فارسی

۳-دلائل الزهرا علیها السلام مولف محب الدین طبری به زبان عربی

۴-فضائل الزهرا علیها السلام مولف قلقشندی سیوطی به زبان عربی

۵-برگزیدگان جلد سوم مولف مهدی رحیمی به زبان فارسی

۶-فدک فی التاریخ مولف شهید صدر به زبان عربی

۷-سلام بر وحی مولف سید مهدی شجاعی به زبان فارسی

۸-سلام بر وحی مولف سید مهدی شجاعی به زبان اردو

۹-سلام بر وحی مولف سید مهدی شجاعی به زباناردو

۱۰-سلام بر وحی مولف سید مهدی شجاعی به زبان ترکی آذری

۱۱-سلام بر وحی مولف سید مهدی شجاعی به زبان انگلیسی

۱۲-سلام بر وحی مولف سید مهدی شجاعی به زبان فرانسه

۱۳-سلام بر وحی مولف سید مهدی شجاعی به زبان ترکی استانبولی

۱۴-سلام بر وحی مولف سید مهدی شجاعی به زبان آلمانی

۱۵-سلام بر وحی مولف سید مهدی شجاعی به زبان ایتالیائی

۱۶-سلام بر وحی مولف سید مهدی شجاعی به زبان روسی

۱۷-سلام بر وحی مولف سید مهدی شجاعی به زبانکریل

۱۸-سلام بر وحی مولف سید مهدی شجاعی به زبان سواحلی

۱۹-سلام بر وحی مولف سید مهدی شجاعی به زبان هوسائی

۲۰-سلام بر وحی مولف سید مهدی شجاعی به زبان اسپانیائی

۲۱-محبوبه پروردگار مولف سعید آل رسول به زبان فارسی

ص:۲۵۰

۲۲-چشمه نور- مولف سعید آل رسول به زبان فارسی

مراكز و موسسه های انتشاراتی به نام های فاطمه زهرا علیها السلام

در سراسر کشور ایران و برخی دیگر از کشورها موسسه های انتشاراتی قابل توجه و ارزشمندی تاسیس گشته و در زمینه چاپ و نشر کتاب فعالیت های گسترده و ذیقیمتی را عرضه نموده اند که ذیلا به نام و عنوان آنها اشاره می نمائیم:

۱-انتشارات الزهرا علیها السلام تهران

۲-انتشارات دانشگاه الزهرا علیها السلام تهران ونک دانشگاه الزهرا علیها السلام

۳-نشر نور فاطمه علیها السلام تهران میدان فاطمی میدان گلها

۴-انتشارات زهرا علیها السلام تهران کوی نصر خیابان ۲۶

۵-نشر مرضیه علیها السلام تهران

۶-انتشارات راضیه علیها السلام تهران میدان خراسان خیابان جهان پناه

۷-انتشارات فاطمیه تهران

۸-انتشارات حورا علیها السلام تهران خیابان شوش شرقی خیابان ارج

۹-انتشارات گلستان کوثر علیها السلام تهران خیابان سعدی شمالی

۱۰-انتشارات فاطمه الزهرا علیها السلام قم خ ارم روبروی پاساژ قدس

۱۱-انتشارات ام ابیها علیها السلام قم خیابان صفائیه

۱۲-انتشارات بنی الزهرا علیها السلام قم خیابان آیه الله مرعشی نجفی

۱۳-انتشارات عصمت علیها السلام قم

۱۴-انتشارات الزهرا علیها السلام قم

۱۵-انتشارات کوثر ولایت علیها السلام قم خیابان ۱۹ دی

۱۶-انتشارات فاطیما علیها السلام قم

۱۷-انتشارات کوثر النبی علیها السلام قم خیابان شهدا

۱۸-انتشارات فدک اصفهان خیابان مسجد سید

۱۹-فرهنگسرای الزهرا علیها السلام (نشر کتاب) اصفهان فلکه شکرشکن

۲۰-نشر محبان الفاطمه علیها السلام مشهد مقدس

۲۱-نشر جامعه الزهرا علیها السلام مشهد مقدس

۲۲-نشر زکیه مشهد مقدس

۲۳-انتشارات فاطمیه رشت

۲۴-دارالصدیقه الشهیده علیها السلام دمشق

۲۵-انتشارات دار الزهرا علیها السلام لبنان بیروت

۲۶-موسسه الزهرا علیها السلام موسسه البعثه لبنان بیروت

۲۷-موسسه بضعه المصطفی لاحیاء تراث اهل البیت علیها السلام کویت

تشکیل سایت به نام حضرت زهرا علیها السلام

در سال های اخیر علاقمندان به حضرت زهرا علیها السلام با تشکیل و راه اندازی سایت ها و صفحات وب اینترنتی فعالیت گسترده ای را در راه نشر فرهنگ فاطمیه آغاز نموده و گسترش داده ند و از این ابزار جدید (اینترنت) برای نشان دادن ابعاد شخصیت حضرت زهرا علیها السلام و نقش شهادت آن حضرت در حفظ و حراست از مکتب اهل البیت علیها السلام و ولایت امیرالمومنین علیه السلام بهره گیری می نمایند و به عنوان نمونه چ ند سایت را اجمالا معرفی می نمائیم:

۱-اشبال الزهرا علیها السلام (تا تاریخ ۱۳۸۲/۲/۲۹ تعداد ۹۱۹۷۳ نفر مراجعه کننده داشته است)

۲-شبکه دار الزهرا علیها السلام (کویت تا تاریخ ۱۳۸۲/۲/۲۹ تعداد ۱۷۲۰۶ نفر مراجعه کننده داشته است)

۳-شبکه الکوثر علیها السلام (تا تاریخ ۱۳۸۲/۲/۲۹ تعداد ۶۱۵۹۲۷ نفر مراجعه کننده داشته است)

۴-شبکه فاطمه علیها السلام

۵-شبکه فاطمه الزاهرا علیها السلام (موقع فاطمه الزهرا علیها السلام للمراه المسلمه)

۶-شبکه البتول علیها السلام (تا تاریخ ۱۳۸۲/۲/۲۹ تعداد ۵۴۹۴۳ نفر مراجعه کننده داشته است)

۷-سایت نور الزهرا علیها السلام

۸-سایت فدک (تا تاریخ ۱۳۸۲/۲/۲۹ تعداد ۶۸۵۵۰۸ نفر از این سایت دیدن کرده اند)

۹-سایت بضعه الرسول علیها السلام

۱۰-سایت سائلین الزهرا علیها السلام

۱۱-شبکه یا زهرا علیها السلام اصفهان (وابسته به موسسه آل البیت علیهم السلام)

۱۲-سایت فاطمیه (دبیرستان فاطمیه تبریز)

۱۳-موقع مواکب الزهرا علیها السلام

نامگذاری شهرها و خیابان ها و ... به نام فاطمه زهرا علیها السلام

در سراسر کشور نامگذاری شهر یا محله یا خیابان و ... به نام حضرت زهرا علیها السلام مورد توجه قرار گرفته است که ذیلا به مواردی از آن اشاره می نمائیم:

۱-شهرک فاطمیه تهران شهر ری جاده قم بعد از پل بهشتی

۲-کوی فاطمیه تهران خیابان وحیدیه تهران نو

ص:۲۵۳

۳-خیابان فاطمیه تهران

۴-چهارراه فاطمیه بندرعباس

۵-چهارراه فاطمیه یزد بلوار منتظرالقائم

۶-کوی فاطمیه شعبه مدیریتی منطقه خوزستان اهواز

۷-بلوار فاطمیه مشهد خیابان خواجه ربیع

۸-بوستان فاطمیه کاشان قمصر

۹-شهرک کوثر علیها السلام اصفهان خیابان امام خمینی

۱۰-پارک فدک تهران میدان رسالت نظام آباد

۱۱-پارک کوثر علیها السلام تهران خیابان ری پائین تر از میدان قیام

۱۲-سالن ورزشی فاطمه الزهرا علیها السلام منطقه ۵ تهران

۱۳-سرای فاطمیه تهران شمال غرب

۱۴-پاساژ الزهرا علیها السلام تهران نازی آباد

۱۵-مجتمع کوثر علیها السلام اصفهان سی و سه پل ابتدای چهارباغ بالا

۱۶-پاساژ فدک تهران ابتدای خیابان شهید بهشتی

۱۷-پاساژ فاطمیه کرج رجائی شهر فلکه دوم

۱۸-کوی فاطمیه سمنان

۱۹-پارک کوثر علیها السلام اراک خیابان مشهد

۲۰-کوی مکتب الزهرا علیها السلام کازرون

هتل هائی که به نام های حضرت زهرا علیها السلام است:

هتل الزهرا قم

هتل کوثر علیها السلام قم خیابان اراک

ص:۲۵۴

هتل فدک قم خیابان امیر کبیر

هتل کوثر علیها السلام شیراز خیابان زند

هتل الزهرا علیها السلام مشهد

هتل کوثر علیها السلام اصفهان

هتل کوثر علیها السلام کاشان

هتل کوثر علیها السلام تهران

هتل کوثر علیها السلام خوزستان

هتل کوثر علیها السلام رامسر

تاسیس مراکز اجتماعی اقتصادی و ... به نام های حضرت زهرا

در اثر رشد و گسترش توجه به شخصیت و عظمت حضرت زهرا علیها السلام بسیاری از هیئت مدیره ها یا شرکت ها ویا افراد علاقمند مراکز فعالیت اجتماعی یا اقتصادی و یا فعالیت های هنری اسلامی خود را به یکی از نام های آن حضرت نام گذاری نموده اند همانند کانون های فرهنگی مجموعه های تجاری بازرگانی پاساژ ها آژانس های سیاحتی و زیارتی کاروان های زیارتی شرکت های رایانه ای موسسه های خدمات رسانی آموزشگاه های حرفه ای و صنعتی مراکز خدمات مشاوره ای سالن های ورزشی انواع تولیدی ها تعاونی های گوناگون تعمیرگاه های صنفی و هنری سردخانه های بزرگ مجتمع های مسکونی و تجاری و ... که نشان دهنده عمق نفوذ فرهنگ فاطمیه در همه شهرهای ایران و بسیاری از کشورهای دیگر می باشد و به روشنی علاه و محبت همه اقشار و طبقات اجتماعی را نسبت به آن حضرت نشان می دهد.

شماره این نامگذاری های آن قدر زیاد است که تهیه آمار در هر موردی از موارد یاد شده در سراسر کشور غیرممکن می باشد.

مراکز علمی و دینی به نام فاطمه زهرا علیها السلام در کشورهای گوناگون

توجه به شخصیت و شهادت حضرت زهرا علیها السلام در سال های اخیر در همه کشورها در سراسر جهان آثار و برکاتی داشته است که از جمله آنها تاسیس مساجد حسینیه ها مدرسه ها و موسسه های فرهنگی و خیریه ای و ... می باشد که نه تنها محل برگزاری برنامه های فاطمیه است بلکه پایگاهی برای نشر و ترویج مکتب اهل البیت علیها السلام و همه ارزشهای اسلامی می باشد. در این بخش به شماری از این آثار در کشورهای مختلف اشاره می نمائیم و برای دستیابی به نام و برخی از خصوصیات این مراکز ارزشمند از شبکه ها و سایت های اینترنتی و تحقیق به وسیله شخصیت ها و موسسه هایی که با این کشورها در ارتباط بوده اند بهره گرفته ایم و البته می دانیم که شمار این مراکز بابرکت در سطح جهانی بیش از این مقدار می باشد ولی امیدواریم در آینده با تلاش بیشتر و همکاری همه علاقمندان اطلاعات کاملتر و سودمندتری به دست آورده و عرضه نمائیم. و هم اینک به ترتیب حروف الفبا از کشورهای موردنظر نام برده و مطالب لازم را بیان می نمائیم:

آلمان غربی

آلمان غربی که از کشورهای مهم اروپائی می باشد از دیر زمان محل مهاجرت عموم مسلمان ها و شیعیان امیرالمومنین علیه السلام بوده است و شمار

بسیاری از آنان در کشور آلمان اقامت جسته و دارای موقعیت علمی و اجتماعی می باشند. در جریان بیداری مسلمین جهان در دوره اخیر شیعیان و مسلمان های آلمان نیز به حرکت در آمده و به فعالیت گسترده دینی و کسب آگاهی های اسلامی و تبلیغ و ترویج مذهب پرداخته اند که نشانه های روشن آن در ایام ماه مبارک رمضان و ماه محرم و مراسم عاشورا و نیز در مسافرت به مکه معظمه و مدینه منوره و عتبات مقدسه عراق و مشهد مقدس و سایر مشاهد مشرفه به خوبی ظاهر می گردد. اجتماعات دینی تبلیغات مذهبی خدمات اجتماعی زیر لوای مقدسات مکتب اهل البیت علیهم السلام در کشور آلمان همه و همه نشانه واضح از این حرکت مقدس می باشد در این نهضت اسلامی توجه به شخصیت برجسته حضرت زهرا علیها السلام از جایگاه ویژه ای برخوردار است و در زیر لوای آن حضرت اقدامات بسیار ارزشمندی انجام گرفته که ذیلا به برخی از آنها اشاره می شود:

۱-تاسیس خیریه ای به نام (جمعیه الزهرا الخیریه الثقافیه) به معنی جمعیت فرهنگی خیریه ای الزهرا علیها السلام آلمان غربی سارلند.

۲-انتشارات اسلامی مونستر فاطمه علیها السلام آلمان هامبورگ

۳-تهیه و پخش کتابها و پوسترها و سایر وسایل تبلیغی فاطمیه که در سالهای اخیر انجام گرفته است.

۴-برگزاری مراسم عزاداری فاطمیه در ایام شهادت آن حضرت در سال های اخیر به نحو گسترده.

ص:۲۵۷

آمریکا و کانادا

در ایالات متحده آمریکا و نیز کشور کانادا در بخش ها و نواحی گوناگون آن جمعیت بسیاری از شیعیان امیرالمومنین علی علیه السلام اقامت جسته و زندگی می کنند و برای حفظ ایمان و ارزشهای اعتقادی خودشان به تاسیس مراکز متعدد و متنوعی از قبیل: مساجد حسینیه ها مدارس و کتابخانه ها پرداخته اند و با نام گذاری آنها به نام های مقدس پیشوایان اهل البیت علیهم السلام جهت گیری و اهداف آنها را روشن نموده اند.

در میان اسماء مقدسی که در جریان برنامه یاد شده مورد توجه بوده نام مقدس حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می باشد که ذیلا به چند مورد توجه می نمائیم:

۱-مدرسه الزهرا علیها السلام آمریکا بلانکو

۲-انجمن عزاخانه حضرت زهرا آمریکا نیویورک

۳-مسجد الفاطیما آمریکا کوئینز نیویورک

۴-مسجد الزهرا علیها السلام آمریکا

۵-هیئت فاطمه زهرا آمریکا واشنگتن

۶-موسسه الزهرا علیها السلام آمریکا کندل استیک

۷-مسجد فاطیما کانادا منترآل (مونتریال)

۸-موسسه البتول فاطمه (موسسه فرهنگی فاطمه البتول) کانادا (مراکز متعددی به این موسسه وابسته است)

۹-موسسه الزهرا العالمیه (موسسه جهانی حضرت زهرا) کانادا منترآل موسسه یاد شده (الزهرا) شامل دوازده موسسه می باشد که امور مسلمین را بر عهده دارد همانند:

ص:۲۵۸

الف: مغتسل حمزه علیه السلام برای غسل اموات مسلمین

ب:مقبره حمزه علیه السلام برای دفن اموات مسلمین

ج: مسجد الزهرا

د: حسینیه که ملحق به مسجد می باشد

ه: پارک برای مسلمان ها که از بی بند و باری کفار و هرزگی دور باشند.

و: مدرسه های اسلامی شامل: ابتدایی راهنمایی دبیرستان و ...

در ایام فاطمیه در سال های اخیر عزاداری بر فاطمه زهرا علیها السلام مورد توجه قرار گرفته و مراسم متعددی برگزار می گردد.

استرالیا

در کشور بزرگ و پهناور استرالیا همانند سایر نقاط جهان عده زیادی از شیعیان و دوستداران اهل البیت علیهم السلام و پیروان مکتب امیرالمومنین علی علیه السلام زندگی می کنند و با ساختن مسجد و حسینیه و برگزار یمراسم دینی و احیاء شعائر مذهبی و بالاخص عزاداری بر مصائب و مظلومیت خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام که رمز بزرگی برای موفقیت و تاثیرگزاری تبلیغات شیعه می باشد نه تنها در حفظ موقعیت و موجودیت خودشان اقدام می نمایند بلکه در جذب دلهای آماده و جان های پاک به مکتب مقدس اهل البیت علیهم السلام می کوشند. مراسم عزاداری برای شهادت سید الشهدا علیه السلام و احیاء شعائر حسینی نقش بسیار موثری در موفقیت تبلیغات دینی شیعیان داشته و دارد و در سالهای اخیر و در جریان نهضت فاطمیه در استرالیا نیز مراسم عزاداری بر

مظلومیت و شـهادت حضرت زهرا علیها السلام برگزار گردیده و موجب بیداری دلها شده است. در استرالیا مراکز مهمی به نام مقدس حضرت زهرا علیها السلام نامیده شده که نشانه علاقه به آن حضرت می باشد که ذیلا اشاره می شود:

۱-مسجد الزهرا علیها السلام استرالیا (که بسیار فعال می باشد)

۲-جمعیه اسلامی الزهرا علیها السلام (که در یکی از مساجد استرالیا فعالیت دارد)

۳-کالج الزهرا علیها السلام (دانشکده الزهرا) استرالیا سیدنی

افغانستان

هم چنان که در همه شـهرها و کشورها مردم با ایمان علاقه و محبت خود را نسبت به فاطمه زهرا علیها السلام در شکل تشکیل جلسات برای بزرگـداشت شـهادت آن حضـرت و تاسـیس و نامگـذاری مساجد و حسـینیه ها و مدارس به نام نامی آن مظلومه شهیـده اظهار می دارنـد شـیعیان با ایمان و اخلاص افغانسـتان نیز در سالهای اخیر بالاخص بعـد از سـقوط حکومت اسـتعماری طالبان با تاسیس و نامگذاری بنیان های دینی به نام حضـرت زهرا علیها السلام و برگزاری مجالس سوگواری و عزاداری برای آن حضـرت به دفاع از مظلومیت آن بزرگوار برخاسـته انـد و تا اندازه ای که ما خبردار شده ایم گام های شایسـته ای برداشـته شده که ذیلا اشاره می نمائیم:

۱-قلعه فاطمه زهرا کابل دشت برچی

۲-قریه الزهرا (توتاش سابق) دره صوف مابین مزار و بامیان

که در سال ۱۳۸۱ شمسی به نام الزهرا علیها السلام نامیده شده است.

۳-حسینیه فاطمه زهرا در همین قریه الزهرا علیها السلام که در زمان طالبان

تخریب گردیده بود و اخیرا تجدید بنا شده است.

۴-حسینیه الزهرا بامیان قریه قرغنتو جنب مدرسه ولی عصر عجل الله فرجه (که در سال ۱۳۷۲ شمسی تاسیس گردیده است)

۵-مسجد الزهرا ولایت غزنی ولسوالی ناهور قریه کتار روستای سبزاب که در سال ۱۳۷۸ شمسی تاسیس گشته است

۶-حسینیه بتول ولایت غزنی ولسوالی شهر خوات که در سال ۱۳۷۹ تاسیس شده است

۷-مدرسه الزهرا علیها السلام استان میدان منطقه دایمیر داد جوقل

۸-مدرسه فاطمه زهرا علیها السلام کابل منطقه تیمنی (تایمنی)

۹-حسینیه فاطمیه کابل وزیرآباد

۱۰-مسجد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام کابل قلعه فتح الله خان

۱۱-مسجد فاطمه زهرا غزنی منطقه لنگر که در سال ۱۳۸۱ شمسی تکمیل شده و به مناسبت ارسال پوسترهای حضرت زهرا از ایران به نام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نامیده شده است.

۱۲-مسجد فاطمه زهرا علیها السلام غزنی منطقه قرناله

۱۳-مسجد فاطمه زهرا علیها السلام غزنی منطقه علاء الدین

۱۴-مسجد فاطمیه استان بامیان ولسوالی یکولنگ جنب مدرسه مهدیه

۱۵-حسینیه فاطمیه استان بامیان ولسوالی پنجاب

۱۶-مسجد فاطمیه استان بامیان ولسوالی پنجاب

۱۷-حسینیه الزهرا علیها السلام بامیان قریه پای کوتل

۱۸-مسجد فاطمه زهرا بامیان قریه پای کوتل

در سال های اخیر با سقوط حکومت طالبان ارسال کتابها و پرچم ها و پوسترهای مربوط به حضرت زهرا علیها السلام به افغانستان بسیار گسترش یافته و تشکیل مجلاس برای بزرگداشت شخصیت و شهادت آن حضرت رو به افزایش می باشد و آثار نعضت فاطمیه در کشور افغانستان به خوبی نمایان گردیده و در تقویت و استحکام موقعیت شیعیان این کشور تاثیر به سزایی خواهد داشت.

و هم چنین عده ای از افغانیهای مقیم قم و اصفهان و اراک و نجف آباد در محل های گوناگون چهارده محفل قرآنی تشکیل داده اند و همه آن محفل ها را به نام حضرت زهرا علیها السلام نامیده اند (محفل قرآنی فاطمه زهرا) و بدین وسیله در نشر و گسترش فرهنگ فاطمیه اقدام نموده اند و نیز در شهر قم (نیروگاه) مدرسه ای به نام فاطمه زهرا علیها السلام برای طبقه نسوان تاسیس نموده اند.

امارات متحده عربی

اشاره

کشور امارات متحده عربی که شامل چندین شیخ نشین می باشد محل سکونت و فعالیت جمع کثیری از شیعیان ایرانی بحرینی عراقی و بومی محلی می باشد و آنها با تاسیس مساجد و حسینیه ها و برگزاری مراسم عزاداری بالاخص در ماه محرم و عاشورای حسینی ندای مکتب امامت و ولایت را سر می دهند و پرچم پرافتخار تشیع را به اهتزاز در می آورند. در سال های اخیر توجه به مسئله فاطمه زهرا علیها السلام و عظمت و شخصیت و شهادت آن حضرت رونق بیشتری گرفته و مراکزی به نام آن بزرگوار نام گذاری شده است همانند:

۱-مسجد فاطمه الزهرا علیها السلام امارات شارع میناء

۲-مکتبه و تسجیلات الزهرا علیها السلام امارات شارع میناء

۳-مستشفی الزهرا علیها السلام (بیمارستان الزهرا) امارات

۴-بیمارستان مرکزی الزهرا امارات دبی

و در ایام فاطمیه مراسم بزرگداشت شخصیت و شهادت آن حضرت به شکل قابل توجهی برگزار می گردد.

شارجه

یکی از شیخ نشین های امارات متحده عربی است و شیعیان مقیم آن در احیاء آثار حضرت زهرا علیها السلام فعالیت بسیار جالب و ارزشمندی را انجام داده اند که در شکل تاسیس حسینیه و مسجد به نام مبارک حضرت زهرا علیها السلام تجلی یافته است.

۱-مسجد الزهرا علیها السلام

مسجد بسیار مجلل و باشکوهی است که با گنبد و مناره های بسیار جالب و کاشی کاری و نماسازی زیبائی تماشاگران را به سوی خود جلب می نماید. این مسجد در ده سال قبل ۱۴۱۳ قمری در شارع کرنیش تاسیس شده و دو هزار و پانصد متر می باشد و کاشی کاری آن به سبک ایرانی است و به وسیله شیعیان بومی شارجه تاسیس شده و محل برگزاری برنامه های دینی و عزاداری های اهل البیت علیهم السلام می باشد.

۲-حسینیه الزهرا علیها السلام یا ماتم الزهرا

این حسینیه دو سال قبل تاسیس گشته و زمین آن یک هزار و پانصد متر می باشد و به نام ماتم الزهرا خوانده می شود حسینیه الزهرا همانند مسجد الزهرا از ساختمان مجلل و باشکوهی برخوردار می باشد.

ص:۲۶۳

۳-کتابخانه مسجد الزهرا

کتابخانه ای است که در مسجد الزهرا تاسیس شده و محل فعالیت علمی و تبلیغی برای شیعیان می باشد مجموعه یاد شده از جلوه های روشن برای عشق و علاقه مردم شارجه به شهیده مظلومه حضرت زهرای مرضیه علیها السلام می باشد که زیر لوای آن حضرت برنامه های دینی و تبلیغی و اجتماعی و خدماتی خودشان را انجام می دهند.

انگلستان

در کشور انگلیستان جمعیت بسیاری از عموم مسلمان ها و مخصوصا شیعیان اقامت و فعالیت دارند و با توجه به بیداری مسلمانان تاسیس مراکز دینی و تبلیغی در آنجا بسیار رو به افزایش می باشد بسیاری از مراجع معظم تقلید مساجد یا مراکز دینی قابل توجهی را در لندن تاسیس نموده اند که در تمامی دوره سال و بالاخص در مناسبت های مذهبی همانند ماه رمضان و ماه های محرم و صفر و ایام فاطمیه محل فعالیت علمی و تبلیغی می باشد دستجات عزاداری و شمار مجالس سوگواری امام حسین علیه السلام در ایام محرم و عاشورا آنقدر زیاد شده است که حال و هوایی همانند شهرهای ایران دارد و سخنرانان زیادی از کشورهای عربی و ایران به سخنرانی و تبلیغ می پردازند. در سال های اخیر استقبال بسیار جالبی از برنامه های فاطمیه و کتابهای گوناگون مربوط به شخصیت و شهادت حضرت زهرا علیها السلام به زبان های انلگیسی عربی فارسی اردو و ... و پوسترها و پرچم های فاطمیه در انگلیستان

ص:۲۶۴

و مخصوصا لنـدن انجام می گیرد و تقاضای ارسال کتابها و پوسترهای متعلق به حضـرت زهرا علیها السـلام حالت مسـتمر یافته است در شـهر لندن علاوه بر موسـسه ها و مساجد و حسینیه هایی که به نام های مقدس ائمه معصومین علیهم السلام نامگذاری شده برخی از آنها به نام حضرت زهرا علیها السلام نامیده شده است همانند:

مدرسه الزهرا علیها السلام انگلستان لندن خیابان سالوسبری

بحرین

اشاره

یکی از کشورهای منطقه خلیـج است که در قدیم الایام از مراکز مهم علمی و اجتماعی شـیعه بوده و بسـیاری از مفاخر بزرگ شیعه از آن برخاسـته اند و حوزه علمی شـیعه در بحرین یکی از حوزه های برجسته شیعه بوده است. بحرین در گذشته روزگار بسیار وسیعتر از بحرین فعلی بوده است و شامل: کویت و قطر و قسمتی از عربستان سعودی فعلی (همانند بخش قطیف و احساء و ...) می شده است. در حال حاضـر گرچه حکومت بحرین در دست غیر شـیعیان است ولی اکثریت جمعیت آن (که هشـتاد و پنج درصد می باشد) شـیعیان تشـکیل می دهند [(۱)] و برنـامه های عزاداری و تبلیغات دینی خود را برگزار می نماینـد. حسـینیه بسـیار بزرگ و مجللی دارنـد که به نـام (ماتم العجم الکبیر) نامیـده می شود که مرکز مهم فعالیت شـیعیان می باشـد در بحرین دویست و شصت مسجد کوچک و بزرگ برای شیعیان وجود

۱- دائره المعارف تشیع جلد ۳ صفحه ۱۱۹

دارد و در دو دهه قبل تنها در شهر منامه چهل حسینیه (اعم از مردانه و زنانه) وجود داشته و در شهر المحرق بیش از ده حسینیه مردانه و زنانه وجود دارد و در بعضی از محله ها چندین حسینیه موجود می باشد و هم اکنون عده ای از علما شیعه در بحرین حوزه درسی دارند و بسیاری از خطباء به ارشاد و هدایت مردم مشغول می باشند. (۱)

مراکز دینی و علمی بحرین به نام حضرت زهرا علیها السلام

۱-مدرسه الزهرا علیها السلام لتدریس القرآن

۲-مدرسه فاطمه الزهرا علیها السلام

۳-مدرسه فاطیما الزهرا علیها السلام

۴-مرکز لوازم الزهرا علیها السلام

۵-مسجد الزهرا علیها السلام که در حسینیه بزرگ ماتم العجم الکبیر در چند سال تاسیس شده است. در ایام فاطمیه مراسم عزاداری بر حضرت زهرا در بحرین برگزار می گردد

پاکستان

کشور پهناور پاکستان که در همسایگی ایران قرار گرفته از کشورهای اسلامی پرجمعیت می باشد که شمار شیعیان آن گرچه نسبت به کل جمعیت کشور در اقلیت می باشد ولی وجود شخصیت های بزرگ علمی و اجتماعی شیعه در جریان مبارزات استقلال طلبانه این کشور و در جریان اقدامات علمی و فرهنگی جامعه سبب شده است که نفوذ و قدرت شیعیان قابل توجه

۱- دائر المعارف تشیع جلد ۳ صفحه ۱۱۹

و مورد دقت و بررسی های مهم اجتماعی و سیاسی باشد.

این واقعیت که امروزه در کشور پاکستان روز عاشورا از جمله تعطیلات رسمی است(۱) و مراسم عزاداری های عاشورا و محرم از پرجاذبه ترین برنامه های اجتماعی این کشور پهناور می باشد نشان دهنده عمق نفوذ و گسترش اصول و شعائر اهل البیت علیهم السلام در میان مردم پاکستان می باشد توجه به شخصیت و عظمت حضرت زهرا علیها السلام در میان مردم پاکستان را از نشانه های گوناگون می توان به دست آورد که ذیلاـ نمونه هایی از تاسیس مراکز دینی و علمی به نام آن حضرت را یادآور می شویم:

۱-جامعه الزهرا علیها السلام (زهرا اکیدمی) پاکستان کراچی سکیمیدان لنک رود

۲-جامعه فاطمیه پاکستان روکاره رینااله خورد

۳-جمعیت طلباء فاطمیه (جامعه فاطمیه) پاکستان پنجاب رینااله خورد

۴-مدرسه فاطمه الزهرا علیها السلام پاکستان سیدآباد خیابان علمدار (علمدار رود)

۵-جامعه الزهرا علیها السلام پاکستان کراچی سی ۳۳ رضویه

۶-دارالزهرا علیها السلام پاکستان پاراچنار (صوبه سرحد)

۷-مدرسه الزهرا علیها السلام پاکستان بلتستان پاری کهرمنگ ضلع سکردو

۸-پارک فاطیما الجنه پاکستان

۹-معهد الزهرا (مرکز علمی الزهرا) پاکستان

۱۰-مدرسه فاطمیه پاکستان چکوال (مدرسه ای است برای دختران)

در کشور پاکستان فعالیت برای ترویج فرهنگ فاطمیه رو به افزایش و گسترش می باشد و به خاطر قداست و انتساب نزدیک و استثنایی آن

۱- دائر المعارف تشیع جلد ۳ صفحه ۶۰۴

حضـرت به رسول خدا صـلی الله علیه و آله شیعیان می توانند به نام نامی آن حضرت فعالیت های دینی و تبلیغی خود را توسعه داده و در سنگر مستحکم پیروی از آن حضرت از مکتب مقدس ولایت و خلافت امیرالمومنین علیه السلام دفاع نمایند.

سوریه

کشور سوریه محل دفن بسـیاری از شخصـیت های برجسـته اهل البیت علیهم السـلام می باشـد و در قبرسـتان تاریخی آن (باب الصـغیر) مـدفن بزرگـانی همچـون ام السـلمه (همسـر بزرگوار رسول خـدا صـلی الله علیه و آله) و بلاـل حبشـی (موذن فـداکار حضـرت رسـول اکرم صـلی الله علیه و آله) و فضه خـادمه (کنیز حضـرت زهرا علیهـا السـلام) و عبـدالله بن جعفر طیـار (همسـر حضـرت زینب علیها السـلام) و نیز زیارتگاه امامزادگان عظیم الشانی همچون حضـرت ام کلثوم علیها السـلام و حضرت سکینه بنت الحسـین علیه السـلام و روس شـهدای عظیم الشـان کربلاـ و چنـدین امـامزاده دیگر وجود دارد و در قلب شـهر تـاریخی و پایتخت آن (دمشق) بقعه و بارگاه خیره کننده یادگار امام حسـین علیه لاسـلام یعنی حضرت رقیه علیها السلام قرار گرفته و در حاشـیه شهر دمشق حرم و بارگاه و گنبد و مناره های باشکوه مزار شریف و نورانی عقیله بنی هاشم حضرت زینب علیها السلام چند صد هزار نفر را از کشورهای مختلف به گرد خود جمع نموده و شـهرک بزرگ زینبیه را شـکل بخشیده است و همه ساله میلیونهـا نفر زائر دلبـاخته را از همه جهان به سوی مزار شـریف خود روانه می سازد. سوریه در حال حاضـر یکی از مراکز مهم فعالیت شـیعه و پیروان مکتب اهل البیت علیهم لاسـلام و حرم مطهر حضـرت زهرا علیها السـلام و حضـرت رقیه علیها السلام و سایر مزارات شریفه محل بلند شدن ندای حق و حقیقت یعنی :

اَشهَدُ اَنَّ عَلِیّاً وَلِیُّ الله

ص:۲۶۸

می باشد و هر تماشاگری می تواند با دیدن صحنه های باشکوه حرم های یاد شده به عمق علاقه مردم شهرها و کشورهای گوناگون (از سفید و سیاه عرب و عجم و از نژادهای گوناگون) نسبت به خاندان رسالت و امامت پی ببرد.

تجلی علاقه به فاطمه زهرا علیها السلام در کشور سوریه

در سالهای اخیر و در جریان نهضت فاطمیه همت و تلاش شیعیان در راه دفاع از مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام به سطح مطلوبی رسیده و نه تنها با تاسیس موسسه ها و مراکزی برای نشر و تبلیغ اهداف ان حضرت گام های موثری برداشته شده بلکه برگزار یمراسم بزرگداشت شهادت آن حضرت و حرکت دستجات عزاداری و سینه زنی در ایام فاطمیه حال و هوای عاشورایی یافته و موج ساز گردیده است و ذیلا به نشانه هایی از این توجه و علاقه اشاره می نمائیم:

۱-حسینیه الزهرا علیها السلام که در طرف شرق حرم حضرت زینب علیها السلام واقع گردیده و بسیار نزدیک به بارگاه آن حضرت می باشد. حضور زائران حضرت زینب علیها السلام بالخصوص زواری که از کشور عربستان به این حسینیه وارد می شوند در تحکیم و تثبیت پایه اعتقادی شیعیان کشور سعودی نقش موثری دارد. این حسینیه پایگاه فعالیت دینی و تهیه و نشر مجله ها و روزنامه ها و کتابهای دینی شیعه می باشد و محل برگزاری مجالس عزاداری است و کتابخانه نیز دارد.

۲-قاعه البتول علیها السلام (سالن سخنرانی البتول) که محل برگزاری جلسات عزاداری و دعای ندبه و تعلیم قرآن می باشد و محل آن در منطقه زینبیه است

ص:۲۶۹

۳-حسینیه الصدیقه الطاهره که جایگاهی برای عزاداری ها بالاخص در دهه عاشورا است

۴-هیئت فاطمه الزهرا النسویه علیها السلام (هیئت فاطمه زهرا برای بانوان) که در حوزه علمیه زینبیه مستقر می باشد و برنامه های متعددی را به اجرا می گذارد و مجله البشری توسط این هیئت تهیه و منتشر می گردد.

۵-هیئه فاطمه الزهرا علیها السلام که حرکت بسیار مهمی را انجام می دهند و آن این که در روز سیزدهم جمادی الاولی (فاطمیه اول) بعد از اذان صبح با پای پیاده از مقابل حوزه علمیه زینبیه (در جوار حرم مطهر حضرت زینب علیها السلام) به سوی حرم حضرت رقیه علیها السلام در دمشق حرکت می کنند و چهارده کیلومتر را با حمل پرچم های سیاه و در حال سینه زنی طی می کنند و در حرم حضرت رقیه علیها السلام به عزاداری و سینه زنی می پردازند و سپس با اتومبیل به حرم مطهر حضرت زینب علیها السلام برمیگردند و به سینه زنی و عزاداری می پردازند که تا ظهر ادامه دارد. از نکات جالب این است که در بین راه به وسیله عده ای که آماده شده اند از عزاداران پذیرایی می شود و این حرکت در مسیر طولانی به نام عزاداری بر حضرت زهرا علیها السلام در بیداری مردم دمشق و سایر مردمی که از کشورهای دیگر به سوریه آمده اند تاثیر عمیق و جالبی دارد.

۶-برپایی مجالس عزاداری حضرت زهرا علیها السلام

در دفترهای مراجع معظم تقلید و تمامی حسینیه های موجود در شهر زینبیه در ایام فاطمیه مجلس عزاداری برگزار می شود و همه شیعیان سیاه پوش می شوند و در روز شهادت حضرت زهرا علیها السلام (در فاطمیه اول و دوم)

ص:۲۷۰

حوزه های درسی همه تعطیل می گردد و در منزل عده ای از علماء و طلاب حوزه علمیه نیز مجالس عزاداری برگزار شده و برنامه اطعام انجام می گیرد. در حوزه علمیه زینبیه (که اولین و مهمترین پایگاه علمی شیعه در زینبیه است) مجلس بسیار مفصل و باشکوهی برگزار می گردد و در سال ۱۴۲۲ و ۱۴۲۳ قمری دو سال گذشته خطیب نامدار و دلباخته حضرت زهرا علیها السلام صاحب کتابس نفیس و ده جلدی اعلموا انی فاطمه یعنی حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ عبدالحمید مهاجر دام عزه و توفیقه در مجلس یاد شده سخنرانی نموده اند که علاوه بر حوزه علمیه (که جمعیت چند هزار نفری را در خود جای می دهد) به وسیله اداره راهنمایی و رانندگی خیابان مقابل حوزه علمیه بسته می گردیده و مردم عزادار حضرت زهرا علیها السلام در خیابان می نشستند و در شب شهادت از مقابل حرم حضرت زینب علیها السلام تا فلکه حجیره مملو از جمعیت می گردیده است. در بعضی از شبها زمان سخنرانی به بیش از دو ساعت کشیده می شده و در سال ۱۴۲۳ قمری این مجلس به چهارده شب افزایش یافته و یکی از شیعیان فعال و علاقمند لبنان برنامه سخنرانی آقای مهاجر را به وسیله ماهواره همه روزه پخش می نموده است. مجلس یاد شده در بیداری دلها و آگاهی فکرها و به حرکت در آوردن عواطف پاک و احساسات لطیف در حمایت از مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام نقش بسیار عجیب و تکان دهنده ای داشته و تجلی جالبی از نهضت فاطمیه محسوب گردیده است.

ص:۲۷۱

۷-جشنهای میلاد حضرت زهرا علیها السلام

در سالروز میلاد حضرت زهرا علیها السلام مراسم جشنی در حوزه علمیه زینبیه برگزار می گردیده تا این که یکی از پزشکان عراقی مقیم سوریه مجلس جشن بزرگی را در منزل خود برگزار می نماید و با حضور شخصیت های علمی و اجتماعی (اعم از شیعه و غیرشیعه) بر شکوه مجلس می افزاید و سپس مجلس را به حسینیه الزهرا علیها السلام زینبیه منتقل می نماید و پس از آن مجلس بزرگ دیگری در شهر دمشق (با دعوت از پزشکان و فرهنگیان و ...) برگزار می نماید و با گذشت زمان دهها مجلس جشن در دفاتر مراجع معظم تقلید و منازل علماء مقیم زینبیه برقرار می شود که چهره منطقه و حال و هوای آن را دگرگون می سازد.

۸-در سال های گذشته در ح دود پانزده کتاب درباره حضرت زهرا علیها السلام تالیف و منتشر گردیده است

۹-در استان دیرالزور سوریه در سال های اخیر در اثر تبلیغات نمایندگانی از حوزه علمیه زینبیه جمعیت زیادی به مکتب اهل البیت علیها السلام پیوسته اند و بیست مسجد و حسینیه در آن منطقه تاسیس گردیده است که از جمله آنها:

حسینیه فاطمیه الزهرا علیها السلام می باشد که در سال ۱۴۱۸ قمری تاسیس گردیده و محل برگزاری برنامه های گوناگون دینی در مناسب های مذهبی می باشد.

۱۰-در اطراف شهر حلب که دومین شهر مهم سوریه است دو روستای شیعه نشین وجود دارد و یکی از آنها به وسیله حاکمان مخالف شیعه به نام

نامناسبی نامگذاری گردیده بوده است ولی با حمایت و همت مرحوم آیه الله شهید سیدحسن شیرازی قدس سره نام این روستا (که بیست هزار جمعیت دارد و همه شیعه هستند) به نام مبارک بلده الزهرا علیها السلام =شهر حضرت زهرا علیها السلام تغییر یافته و هم اکنون همین نام مبارک رسما مطرح می باشد و نام قبلی کاملا فراموش شده است.

۱۱-مسجد فاطمه زهرا علیها السلام در شهر حمص که به وسیله شهید آیه الله سید حسن شیرازی قدس سره تاسیس گردیده است.

۱۲-مسجد فاطمه الزهرا علیها السلام در شهر صافیتا در سوریه در منطقه ای که مربوط به علویین می باشد که به وسیله مرحوم آیه الله شهید شیرازی قدس سره افتتاح گردیده است.

۱۳-صندوق قرض الحسنه کوثر علیها السلام

۱۴-کاروان زیارتی الزهرا علیها السلام

۱۵-موقع البتول علیها السلام (شبکه بتول)

۱۶-فروشگاه الزهرا علیها السلام

۱۷-مکتبه الزهرا علیها السلام دمشق

۱۸-مکتبه البتول علیها السلام دمشق

و...

عربستان سعودی

در کشور عربستان سعودی با توجه به حاکمیت وهابیان متعصب مظاهر تشیع و دلبستگی به خاندان رسالت با مشکلات اساسی مواجه می باشد و هرگونه حرکت در این راستا با اشکال فراوان روبرو می شود ولی با این حال

ص:۲۷۳

مواردی از درخشش انوار فاطمه زهرا علیها السلام در آن کشور نیز مشاهده می شود.

۱-مسجد فاطمه زهرا علیها السلام این مسجد از مساجد سبعه در حاشیه شهر مقدس مدینه منوره می باشد و از آثار تاریخی شهر مدینه به شماره می رود گرچه سیاست حکومت سعودی برای محو آثار این مسجد به کار گرفته شده است ولی شیعیان علاقمند در کنار دیوار همان مسجد بر روی خاک ها به نماز و دعا می پردازند و از روح مقدس حضرت زهرای مرضیه علیها السلام استمداد می جویند.

۲-مدرسه الزهرا علیها السلام ریاض مدرسه است برای دختران که از نظر علمی دارای موقعیت برجسته می باشد.

۳-مدارس البتول الاهلی للبنات عربستان سعودی

۴-مستشفی الزهرا مدینه منوره شارع الامام علی علیه السلام

بیمارستان بسیار عظیمی است که رد محله شیعه نشین مدینه و در چند طبقه با امکانات پزشکی بسیار گسترده و در سطح بالا تاسس گشته است و مجهز به آزمایشگاه های متعدد می باشد و پزشکان بسیار زیاد با تخصص های گوناگون با نظم و انضباط و نظافت برجسته در آن به ارائه خدمات مجانی مشغول می باشند و تابلوی سر در این بیمارستان آنقدر زیبا است که به بیماران روحیه می باشد و با ذکر یا زهرا وارد بیمارستان می شوند و با آرمش عجیبی به درمان می پردازند.

۵-وحده البتول یکی از واحدهای دانشگاهی در عربستان سعودی

۶-تشکیل مجالس فاطمیه

در سال ۱۴۲۳ قمری در منطقه شرق عربستان (که شیعه نشین می باشد) سی و پنج مجلس بزرگداشت شهادت فاطمه زهرا علیها السلام در ایام فاطمیه تشکیل

گردید که سرفصلی مهم برای حرکت و نهضت فاطمیه در این کشور می باشد.

۷-همراهی با زائران ایرانی در زیارت حضرت زهرا علیها السلام

در هنگـام خوانـدن زیارت حضـرت زهرا علیها السـلام و ذکر مسائب آن حضـرت شـیعیان عربسـتان با علاقه زیاد به اسـتماع و قرائت و اظهار حزن و اندوه در غم مصـیبت های آن حضـرت می پردازند که این نویسـنده مکررا در حرم مطهر بقیع و یا شـبها در پشت دیوار بقیع صـحنه های جالبی را در این زمینه مشاهده کرده ام و اظهار علاقه آنان را به صورت مصافحه و ادای جمله های محبت آمیز و تشویق کننده در میافتم.

۸-استقبال شدید از پوسترها و برچسب های فاطمیه

بـا این که شـیعیان مـدینه و شـرق عربسـتان در حـال گرفتـاری به تعصـبات خشـک وهابیهـا به سـر می برنـد ولی با این حال از پوسترهای فاطمه زهرا علیها السـلام و خصوصا برچسب های مزین به نام فاطمه زهرا (که در اندازه کوچکتر می باشد) اسـتقبال شایسته ای می نمایند که خود نشانه روشنی از زمینه های روحی بسیار مهیا برای نهضت فاطمیه می باشد.

۹-فراوانی نام فاطمه و زهرا در نام گـذاری دختران نشانه برازی از علاقه قلبی مردم به فاطمه زهرا است گرچه کافران و ظالمان و مشرکان دوست نداشته باشند.

غنا (غانا)

کشور غنا از کشورهای آفریقای غربی میباشد و شیعیان و پیروان مکتب اهل البیت علیها السلام در آن کشور نسبت به حضرت زهرا علیها السلام محبت و ارادت خود را با تاسیس مراکز علمی و دینی اظهار داشته اند.

ص:۲۷۵

۱-مدرسه فاطمه الزهرا (برای تعلیم قرآن و علوم آن جهت مردان و زنان) غنا-اکرا

۲-مدرسه فاطمه زهرا علیها السلام غنا بوندوکو سوکو

فلسطین

کشور فلسطین که مورد ظلم و ستم شدید صهیونیست های نژاد پرست قرار گرفته است نشانه های روشنی از علاقه و محبت نسبت به یادگار رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت زهرای مرضیه علیها السلام را در خود حفظ نموده و نشان می دهد که ذیلا به برخی از آنها اشاره می نمائیم:

۱-هتل الزهرا علیها السلام فلسطین غزه

۲-مدرسه فاطمیه فلسطین شهرک نابلس

۳-مدینه الزهرا علیها السلام فلسطین جنوب غزه

گینه

کشور آفریقایی گینه همانند بسیاری دیگر از کشورهای آفریقایی شیعیان و علاقمندان به اهل البیت علیهما السلام در آن زندگی می کنند و عشق و علاقه خود را به خاندان رسالت (بالاخص حضرت زهرا علیها السلام) به شکل های گوناگون ابراز می دارند. تاسیس موسسه های دینی به نام حضرت زهرا علیها السلام از راه های این اظهار علاقه می باشد که ذیلا به دو نمونه اشاره می نمائیم:

۱-جمعیه السلامیه فاطمه زهرا علیها السلام جمهوری گینه (غینیه) کوناکری

۲-موسسه انجمن اسلامی فاطمه زهرا جمهوری گینه

و هر قدر شیعیان آن سامان بتوانند زیر لواز نام فاطمه زهرا علیها السلام اقدام

نمایند در رشد و موفقیت و تثبیت شخصیت اجتماعی آنان موثر خواهد بود.

لبنان

کشور اسلامی لبنان که قسمت جنوب آن از دیر زمان محل زندگی و فعالیت علمی و اجتماعی و مبارزاتی علماء بزرگ شیعه بوده و حوزه علمی آن چهره های بزرگی همانند: شهید ثانی، محقق ثانی (کرکی) شیخ بهائی شیخ حر عاملی سید شرف الدین عاملی و صدها شخصیت برجسته علمی و فقهی دیگر به عالم اسلام و تشیع عرضه کرده است هم اکنون نیز دارای موقعیت ویژه در حفظ و حراست از ارزشهای اسلامی و مکتب اهل البیت علیهم السلام می باشد. مسجدها و مدرسه ها و مراکز علمی و اجتماعی فراوان و نیز مراکز چاپ و نشر کتابهای شیعه نشانه عمق نفوذ مکتب اهل البیت علیه السلام در این کشور اسلامی می باشد. در سال های اخیر و در جریان نهضت فاطمیه آثار و نشانه های روشن تری از علاقه های قلبی مردم این کشور نسبت به حضرت زهرا علیها السلام ظاهر گردیده و همانند مردم سایر شهرها و کشورها به حرکت مقدس و سازنده نهضت فاطمیه پیوسته اند که ذیلا به مواردی از آن آثار اشاره می شود.

۱-مصلی السیده الزهرا علیها السلام (نمازخانه) بیروت (مجتمع بزرگ البرکات)

۲-مجمع السیده الزهرا علیها السلام بیروت حی السلم

۳-قاعه السیده الزهرا (سالن سخنرانی) بیروت حی السلم الحسنیه

۴-مصلی السیده الزهرا علیها السلام (نمازخانه) بیروت عین الدلبه

۵-حسینیه الزهرا علیها السلام بیروت غبیری

۶-مسجد السیده الزهرا علیها السلام بیروت الجناح

۷-مجمع السیده الزهرا علیها السلام بیروت زقاق البلاط

۸-موسسه خیریه الکوثر لبنان بیروت (برای ازدواج جوانها)

۹-انتشارات الزهرا علیها السلام لبنان بیروت (که از انتشارات مهم می باشد)

۱۰-مدرسه الزهرا علیها السلام لبنان بیروت

۱۱-حسینیه السیده الزهرا علیها السلام لبنان بیروت (که حسینیه بزرگی است)

۱۲-معهد السیده الزهرا علیها السلام (مرکز علمی) شمال لبنان (بقاع) بعلبک

۱۳-حوزه السیده الزهرا علیها السلام (حوزه علمیه) شمال لبنان (بقاع) ریاق

۱۴-مرکز البتول الصحی علیها السلام (مرکز بهداشتی) شمال لبنان (بقاع) هرمل

۱۵-مستوصف السیده الزهرا علیها السلام (درمانگاه) لبنان (بقاع) تمنین التحنا

۱۶-مدرسه الزهرا علیها السلام شمال لبنان (بقاع) طلیا

۱۷-لجنه الزهرا علیها السلام للمستضعفین (برای کمک به نیازمندان) بعلبک

۱۸-تعاونیه البتول الغذائیه (تعاونی غذائی) شمال لبنان (بقاع) هرمل

۱۹-دیوانیه السیده الزهرا علیها السلام (مجمع بزرگان) جنوب لبنان طورا

۲۰-صندوق الزهرا علیها السلام الخیری (صندوق خیریه) جنوب لبنان طورا

۲۱-صندوق الزهرا علیها السلام الخیری (صندوق خیریه) جنوب لبنان العباسیه

۲۲-حسینیه السیده الزهرا علیها السلام جنوب لبنان الحلوسیه

۲۳-دیوانیه السیده الزهرا علیها السلام (مجمع بزرگان) جنوب لبنان باریش

۲۴-حسینیه السیده الزهرا علیها السلام (در ضمن مجموعه الامام المهدی عج) جنوب لبنان حومین الفوقا

۲۵-حسینیه السیده الزهرا علیها السلام جنوب لبنان صور /۲

۲۶-مجمع السیده الزهرا علیها السلام جنوب لبنان صیدا

۲۷–حسینیه السیده الزهرا علیها السلام جنوب لبنان النبطیه

۲۸–مسجد السیده الزهرا علیها السلام جنوب لبنان عیتا الشعب

۲۹–جمعیه السیده الزهرا علیها السلام الخیریه (جمعیت خیریه) جنوب لبنان مجدل سلم

در لبنـان در سـال های اخیر برگزاری مراسم بزرگـداشت شـهادت حضـرت زهرا علیها السـلام و نیز برنامه های جشن میلاد آن حضـرت به نحو مفصـل انجـام می گردد و از برنامه های مورد اسـتقبال عموم مردم می باشـد. و نیز پخش برنامه های عزاداری حضرت زهرا علیها السلام و جشن میلاد ان حضرت از فرستنده تلویزیونی مسجد الرسول الاعظم صلی الله علیه و آله (۱) جالب توجه می باشد و نکته مهم این است که در چند سال اخیر به سرعت برنامه های فاطمیه و نشر کتابهای مربوط به حضرت زهرا علیها السلام و تاسیس مراکز علمی و دینی و تبلیغی به نام آن حضرت افزایش چشمگیری داشته و رو به گسترش می باشد.

مصر

مصر یکی از کشورهای بزرگ و مهم اسلامی با سابقه درخشان علمی و دینی می باشد که در طول زمان محل عرض ارادت و ادب نسبت به خاندان

۱- مسـجد الرسول الاـعظم صـلی الله علیه و آله در بیروت فرسـتنده تلویزیونی دارد که از طریق آن به صورت ماهواره ای برای کل جهان برنامه پخش می شود و تنها فرسـتنده شـیعه از لبنان می باشد و دکل فرستنده آن روی مناره مسجد نصب شده است. برنـامه هـای عزاداری فـاطمیه در ایـام شـهادت آن حضـرت از بخش منطقـه ای همین تلویزیـون برای لبنـان و سـوریه و اردن و فلسطین پخش می شود.

رسالت بوده است و حاکمیت ستمگران و جباران ضد اهل البیت علیهم السلام نتوانسته است عشق و علاقه مردم این کشور را نسبت به آن بزرگواران از بین ببرد. در دوره حاکمیت فاطمیان در مصر علاقه و محبت مردم آن سامان به نحو روشن و گسترده تجلی می یافت و در همه ابعاد زندگی مردم تاثیر می گذاشت شهر قاهره در آن دوره پایتخت تشیع بود و جامع الازهر که نامش یادآور لقب حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می باشد محل اعلان شعار تشیع و خواندن خطبه به نام مولی الموالی و یعسوب الدین و خلیفه بالافصل پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام بود و مرکز بزرگ علمی شیعه و محل تعلیم و نشر علوم و فرهنگ اهل البیت علیهم السلام به شمار می رفت ولی تسلط و حاکمیت مخالفین شیعه در مصر جامع الازهر را از رونق انداخت و سپس مرکز نشر فرهنگ مخالفین مکتب اهل البیت علیهم السلام گردید ولی با همه این احوال ولایت و محبت اهل البیت علیهم السلام در مصر و قاهره باقی ماند.

مقام راس الحسین علیه السلام و زینبیه علیها السلام

وجود بارگاه با عظمت راس الحسین علیه السلام در وسط شهر قاهره و نیز استانه مقدسه حضرت زینب علیها السلام در این شهر صحنه تجلی علاقه های بسیار عمیق و گسترده مردم مصر نسبت به خاندان رسالت و امامت می باشد که همه ساله و همه ماهه و همه هفته و همه روزه به مناسبت های گوناگون علاقه های عمیق مردم تجلی می یابد و برای روشن شدن مطلب گزارشی جالب در مورد مقام راس الحسین علیه السلام را که به وسیله دکتر نبیل شرف الدین (که از

نویسندگان معروف مصر است) تهیه شده و در تاریخ ۲۰۰۰/۵/۴ میلادی در شبکه اینترنت سایت هجر در اختیار مردم جهان قرار گرفته تقدیم علاقمندان به اهل البیت علیهم السلام می نمائیم. ...در هر روز بیش از پانصد مراسم عقد و ازدواج در حرم شریف حسینی برگزار می گردد که این رقم در روزهای پنجشنبه و جمعه گاهی به هزار مورد بالغ می گردد. دوستداران حرم از دورترین نقاط مصر به قاهره و به این حرم شریف روی می آورند و نسبت به آن عرض ارادت می کنند بنابراین اهالی مصر نسبت به اهل بیت علیهم السلام و به ویژه امام حسین علیه السلام و مسجد و زیارتگاهش علاقه مخصوصی دارند. شبهای ماه رمضان وضع حرم میدان مقابل آن و خیابان های اطراف به کلی دگرگون می شود از دحام جمعیت آنقدر زیاد است که جائی برای نشستن پیدا نمی شود بازارها، قهوه خانه ها، رستوران ها دست فروشی ها و ... رونق بسیار خوبی می گیرند گروهی از عاشقان حضرت سید الشهدا علیه السلام نیز خانه و زندگی را رها نموده دست از همه چیز کشیده و با وضع خاصی در کنار ضریح به تلاوت قرآن ذکر دعا و نماز می پردازند. در ماه مبارک رمضان جمعیت حاضر در حرم و اطراف آن نیازی به خرید مواد غذایی جهت افطار ندارند زیرا افراد ثروتمند و خیر از تمام روزه داران به خوبی پذیرایی می کنند. در روز عید فطر زائران و حاضران (از پیر و جوان دکتر و مهندس و ...) در حرم و اطراف آن منطقه ای را برای برگزاری مراسم نماز عید آب پاشی کرده

و هر کس به کاری مشغول می شود تا نماز عید به خوبی بر گزار گردد. پس از طلوع فجر رئیس جمهور وزراء و هیئت همراه رئیس دانشگاه بزرگ الازهر و ... برای شرکت در مراسم نماز حاضر می شوند و هر کس برای خویش زیراندازی همراه می آورد و به جمع حاضران در میدان می پیوندد گاهی تعداد نمازگزاران به یک میلیون نفر می رسد. توسل به حرم حسینی در کشور مصر دارای سابقه طولانی است و گروه های بسیاری حاجت خویش را توسط آن امام شهید از درگاه پروردگار درخواست می کنند برخی نیز توسط پست به حرم حسینی نامه می فرستند و از حرم حاجت می خواهند و تقاضای خود را با آن حضرت د رمیان می گذارند آن چنان که گویا حضرت حسین علیه السلام در قید حیات است. مدیرکل پست قاهره گفته است در سال گذشته یک میلیون نامه از دورترین نقاط مصر به خادم حرم تحویل داده شده است. و هم چنین در آستانه مقدسه حضرت زینب علیها السلام و حرم مطهر و صحن وبارگاه آن حضرت اجتماع زائران فراوان و اظهار علاقه طبقات گوناگون مردم نشانه عمق محبت آنها نسبت به خاندان رسالت و امامت می باشد و نکته جالب این است که در اطراف صحن های متعلق به حضرت زینب علیها السلام هیئت ها و حسینیه ها و موسسه های متعدد وجود دارد به نام های:

الزهراء ، الزهراء المرضیه، زهره الزهراء

که جالب می باشد و با اینکه منطقه مربوط به حضرت زینب علیها السلام است ولی نام مقدس حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به نحو فراوان ملاحظه می شود که نشانه

ص:۲۸۲

شدت ارتباط و علاقه قلبی مردم قاهره با حضرت زهرا علیها السلام می باشد.(۱)

هندوستان

اشاره

از کشورهای بزرگی است که شمار شیعیان آن بسیار زیاد می باشد و ده ها میلیون شیعه پیرو مکتب اهل البیت علیهم السلام در آن زندگی می کنند. شیعیان هند به خاطر این که در برابر اکثریت غیر شیعه و نیز اکثریت غیر مسلمان کشور پهناور هشتصد میلیونی قرار دارند در پای بندی به عقائد و دلبستگی های دینی خود جدی و قاطع هستند و لذا در برگزاری مراسم عزاداری محرم و عاشورا بسیار مصمم و پرتلاش می باشند و در حفظ ارزشهای مکتبی تشیع بسیار موفق بوده و هستند. مسجدها حسینیه ها (امام باره ها) مدرسه های دینی کتابخانه ها و مراکز اجتماعی خدماتی به نام های مقدس ائمه معصومین علیهم السلام فراوان دارند و علماء بسیاری در میان آنها به تبلیغ و ترویج اصول و شعائر دینی اشتغال دارند و در سال های اخیر نسبت به شخصیت و عظمت حضرت زهرا علیها السلام به نحو شایسته ای عرض ادب و اخلاص نموده اند. در کتابنامه فاطمه در آئینه کتاب شمار زیادی کتاب در مورد فاطمه زهرا علیها السلام معرفی گردیده است که نویسنده آنها هندی بوده و یا کتاب هایی عربی و فارسی را به زبان اردو (زبان رائج هند) ترجمه نموده و در میان مردم هند منتشر نموده اند که د ربخش تالیف و نشر کتابهای مربوط به فاطمه زهرا علیها السلام در همین کتاب توضیح می دهیم.

۱- اظهارات خطیب شهیر آقای حاج سید محمود

مراکز علمی و دینی به نام فاطمه زهرا علیها السلام

از نشانه های روشن برای توجه مردم هند به شخصیت و عظمت فاطمه زهرا علیها السلام تاسیس موسسه ها و مراکز دینی و علمی به نام آن حضرت می باشد که در زیر لوای آن بانوی شهیده فعالیت های گسترده ای انجام می گیرد و نام مقدس آن حضرت عامل موثر برای حفظ و حراست و نشر و ترویج مکتب تشیع می باشد و اینک به تعدادی از این مراکز که توانسته ایم از آنها اطلاع پیدا کنیم اشاره نموده و امیدواریم به وسیله دانشمندان و محققین و فضلای هندی تحقیق و استقصای کاملی انجام گیرد و در اختیار همگان قرار داده شود.

۱-انتشارات و کتابخانه الزهرا علیها السلام هند بمبئی ۴۰۰۰۳ خیابان دهابو (بوری ماهالا)

۲-کتابخانه الزهرا علیها السلام هند بمبئی ۴۰۰۰۰۸ خیابان نیر پلاک ۷۴

۳-کتابخانه و دبستان الزهرا علیها السلام هند بمبئی ۴۰۰۰۰۹ صندوق پستی ۵۲۹۵

۴-کتابخانه فاطمه الزهرا علیها السلام هند میمن سادات بجنور

۵-جامعه البتول للعلوم الاسلامیه للبنات هند بمبئی

۶-کتابخانه و نوارخانه دبستان الزهرا علیها السلام هند بمبئی خیابان حضرت عباس علیه السلام

یونان

یکی از خطباء مشهور که به کشورهای گوناگون مسافرت نموده اند نقل کردند که شبی بر روی بام هتل چهار طبقه ای (که در شهر آتن در آن اسکان داشتم) رفتم و یکی از شیعیان مقیم آتن همراهم بود از او سوال کردم که آیا در این شهر گنبد و مناره که نشانه بناهای دینی است وجود دارد یا نه؟ او گفت در شهر آتن بیش از ۱۰ موسسه و ساختمان (اعم از مسجد و مدرسه و بیمارستان

ص:۲۸۴

و خیابان) به نام حضرت زهرا علیها السلام (به زبان یونانی) وجود دارد (۱) که این مطلب نشان دهنده وجود علاقه های عمیق و تاریخی بین مردم یونان و شخصیت حضرت زهرا علیها السلام می باشد.

مراکز دینی و اجتماعی به نام حضرت زهرا علیها السلام در دیگر کشورها

در یک جستجوی تحقیقاتی در سایت ها و شبکه های اینترنتی و هم چنین در گزارشات اهل اطلاع دریافته ایم که در جای جای شهرها و کشورهای دنیا تاسیسات و مراکزی به نام نامی حضرت زهرا علیها السلام وجود دارد که هر کدام از آنها نشانه عشق و علاقه عده ای از مسلمان هاو بالاخص شیعیان نسبت به آن حضرت د رآن منطقه می باشد و ذیلا به برخی از آنها اشاره می شود:

۱-مسجد فاطیما ژاپن ناکایاما

۲-مدرسه فاطیما ایسلند

۳-مسجد فاطیما کویت

۴-شرکه فدک للسیاحه الدینیه اردن

۵-کشتی موتور الزهرا علیها السلام ترکیه استانبول

۶-مدینه الزهرا علیها السلام اسپانیا (اندلس)

۷-مسجد الزهرا علیها السلام ترکمنستان عشق اباد

۸-انجمن فرهنگی الزهرا علیها السلام یوگسلاوی پریزیرین

۹-وکاله الزهرا علیها السلام للسیاحه یمن صنعاء

۱۰-مرکز کلینیک الزهرا علیها السلام عمان

ص:۲۸۵

۱- اظهارات خطیب شهیر آقای حاج سید محمود

۱۱-شهر فاطیما پرتغال

در شهر فاطیما و اطراف آن بسیاری از هتل ها فروشگاه ها آکادمی ها مدرسه ها و ... به نام فاطیما می باشد.

اعذار و استمداد

بررسی های آماری و جمع اطلاعات درباره تمام مراکز دینی و علمی و اجتماعی در سراسر کشور ایران و در همه نقاط جهان که به نام های مقدس حضرت زهرا علیها السلام می باشد در مراحل ابتدایی آن قرار دارد و با همه تلاشی که در این زمینه داشته ایم یقین داریم که زمینه اقدام و کوشش بیشتر فراهم می باشد بنابراین از اینکه از تمامی مراکز مفتخر به نام مقدس حضرت فاطمه زهرا علیها السلام یاد ننموده ایم عذرخواهی نموده و از همه آگاهان برای تکامل این حرکت مقدس استمداد می جوئیم.

ص:۲۸۶

نهضت فاطمیه در دیدگاه صاحبنظران و شعراء اهل البیت علیهم السلام

اشاره

ص:۲۸۷

رشد و موفقیت نهضت فاطمیه از دید صاحب نظران

در ضـمن مصاحبه ها و گفتگوهایی که با دانشمندان و اندیشمندان گوناگون از حوزه علمیه و دانشگاه و شخصیت های علمی و اجتماعی در سطوح مختلف داشته ایم همه به این نکته توجه داشتند که نور فاطمه زهرا علیها السلام در دوره اخیر تجلی ویژه ای داشتـه و اشـعه تابناک روح مقدس آن حضرت در بخش های مختلف جامعه و د رشهرها و کشورهای گوناگون بر قلب ها و مغزهـا تـابش نموده است و به شـکل کم سـابقه و یا بی سابقه ای جلوه های این تابش احساس می شود و در تمام زمینه های علمی و فرهنگی و اجتمـاعی و خـدماتی آثـار درخشـان این تـابش و تجلی نمایـان می باشـد و در میـان هزاران نـامه و مقاله و مصـاحبه که از جاهـای مختلف دنیـا و از کشورهـای گونـاگون از آسـیا و اروپـا و آمریکا و آفریقا و استرالیا مورد مطالعه قرار گرفته به خوبی احسـاس می شود که نهضت فـاطمیه ابعاد جهانی یافته و دلهای بسـیاری در زیر تابش نور حضـرت فاطمه زهرا علیهـا السـلام روشن شـده و به سـوی مکتب مقـدس اهـل الـبیت علیهم السـلام هـدایت یـافته است. ذیلاـ به یـک نمونه از این اظهارنظرها که توسط نویسنده محقق و صاحب تالیفات حضرت حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ علی اکبر مهدی پور دام عزه انجام گرفته توجه می نمائیم. [(۱)] چهارده قرن تمام از شهادت دخت پیامبر صلی الله علیه و آله می گذرد ولی گذشت قرون و اعصار نه تنها نهضت حضرت فاطمه علیها السلام را کم رنگ نکرده بلکه هر روزی که

۱- مطالب یاد شده بخش پایانی مقاله مفصلی است که ایشان ارسال فرموده اند

می گذرد ابعاد تازه ای از قیام سرسختانه و دفاع جانانه حضرت زهرا علیها السلام از مکتب ولایت و فداکاری بی نظیرش از حجت خدا آشکار می شود. تاکنون بیش از ۲۰۰۰ اثر ارزشمند از دانشمندان شیعه و سنی به دها زبان پیرامون شخصیت والای حضرت زهرا علیها السلام و ابعاد گسترده نهضت آن حضرت به رشته تحریر در آمده است. (۱)

این صدای دادخواهی حضرت فاطمه علیها السلام است که پس از چهارده قرن در یکی از روستاهای دور افتاده پاکستان به گوش یک سنی متعصب به نام ملک محمد اشرف رسیده او را ازمنجلاب متعفن مکتب مخالفین رهایی داده به آبشخور چشمه زلال مکتب ولایت رهنمون شده و تاکنون بیش از ۱۵۰۰ تن از ابنای عامه را به دست آن مرد دستگیری نموده و به شاهره هدایت رهنمون شده است. این گستره فریاد دادخواهی حضرت فاطمه علیها السلام است که پس از چهارده قرن چون پتکی آهنین بر مغز یک پژوهشگر تونسی به نام عبدالمنعم حسن فرود می اید و واکنش آن به عنوان کتابی ارزشمند از آن مرد دانشمند به نام بنور فاطمه اهتدیت انتشار یافته دلهای مستعد را به سوی انوار حضرت زهرا علیها السلام هدایت می نماید. (۲)

دیوارهای آهنین و سدهای فولادین که پیروان سقیفه دور مدینه کشیدند تا

ص:۲۹۰

۱- مشخصات بیش از ۲۰۰۰ جلد کتاب در پیرامون صدیقه طاهره به زبان های آذری، آلبانیائی، آلمانی اردو اسپانیایی، انگلیسی، ایتالیایی، بنگالی، بوسنیایی، پرتغالی، تاجیکی، تامیلی، تایلندی، ترکی، چینی ، روسی ، سندی، سواحلی، سومالیایی، عربی، فارسی، فرانسوی، کردی ، کجراتی، مالایو، هندی و هوسایی در کتاب ارزشمند فاطمه در آئینه کتاب آمده است.

۲- مجله المنبر چاپ کویت سال ۲ شماره ۱۶ صفحه ۹ جمادی الثانیه ۱۴۲۲

فریاد دادخواهی حضرت فاطمه علیها السلام را در کوچه های تنگ بنی هاشم محصور کنند برجها و باروهای قرون و اعصار را شکسته در قرن اینترنت به گوش جهانیان می رسد و ده ها شرح و تفسیر بر فرازهای تابناک آن نگاشته می شود این مرجع گران سنگ جهان آیه الله حاج سید محمد شیرازی قدس سره می باشد که خطبه های آن اسوه بانوان را از منظر فقهی مورد بررسی قرار داده کتاب ارزشمند من فقه الزهرا علیها السلام را به حوزه های علمیه تقدیم نموده است. (۱) این خطیب بی نظیر جهان تشیع حاج شیخ عبدالحمید مهاجر است که فرازهای برجسته ای از خطبه صدیقه طاهره را در ۱۰ مجلد بزرگ شرح کرده به جامعه تشنه حقایق تقدیم نموده است.(۲)

این مرجع دوراندیش جهان تشیع حضرت آیه الله حاج شیخ حسین وحید خراسانی است که فریاد دادخواهی حضرت فاطمه علیها السلام را با بانگ رسای خود به اقطار و اکناف جهان رسانیده مسئولین میهن عزیز اسلامی را واداشته که روز شهادت آن مظلومه تاریخ را تعطیل رسمی اعلام نموده و از صدا و سیمای جمهوری اسلامی بانگ دادخواهی حضرت زهرا علیها السلام را به گوش جهانیان برسانند. ابعاد گسترده فریاد حضرت فاطمه علیها السلام است که مراجع بزرگ تقلید حضرات آیات عظام حاج میرزا جواد تبریزی، حاج شیخ حسین وحید خراسانی، حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی و دیگر مراجع درد آشنای حوزه علمیه قم دام ظلهم را وا می دارد که در روز شهادت آن حضرت به همراهی دهها هزار نفر از اساتید

۱- تاکنون چهار مجلد از این اثر ارزشمند در ایران و لبنان منتشر شده است.

۲- این کتاب در ۷۶۰۰ صفحه وزیری به سال ۱۴۱۳ه- در بیروت چاپ و منتشر شده است.

مدرسین فضلاء و طبقات مختلف در فصل تابستان با پای برهنه تا حرم مطهر کریمه اهل بیت حضرت معصومه علیها السلام سینه زنان مویه کنان روی اسفالتهای داغ قم راه پیمایی نموده صدای دادخواهی ام الائمه النجباء حضرت فاطمه الزهرا علیها السلام را در آسمان قم به طنین انداخته از طریق رسانه های گروهی به گوش جهانیان برسانند. این گستره نهضت صدیقه اطهر است که همه ساله صدها نفر از طبقات مختلف اصفهان را از دکتر مهندس طلبه مدرس بازاری و دیگر اقشار با محویت اساتید بزرگواری چون: حضرت حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج آقا حجه موحد ابطحی در خیابان های قم و تهران بر فراز اسفالت های داغ خیابان ها و کوچه ها به حرکت در آورده تا با فریادهای روشنگر خود فریاد دادخواهی آن بانوی بانوان را به گوش جهانیان برسانند. این فریاد روشنگر زهرای مرضیه است که سایت ها و پایگاه های اینترتی فراوانی را به خود اختصاص داده و مخاطبین زیادی را در اقطار و اکناف جهان به دست آورده و توجه همگان را به سوی منتقم حقیقی یوسف زهرا معطوف ساخته دیدگان منتظران شیفته و دلسوخته را به سوی جان جانان خورشید تابان تنها بازمانده از حجج آفریدگار جهان حضرت ولی عصر و زمان روحی و ارواح العالمین له الفداء جلب کرده تا روز موعود فرا رسیده پیک وحی در میان زمین و آسمان از ظهور موفور السرور یوسف زهرا و تشکیل حکومت جهانی دولت زهراء خبر دهد. (۱) به امید آن روز.

ص:۲۹۲

۱- مطابق نقل مرحوم آیه الله میرجهانی یکی از اسامی حکومت جهانی حضرت بقیه الله ارواحنا فداه دوله الزهراء علیها السلام می باشد. (الدرر المکنونه صفحه ۱۹۰)

نهضت فاطمیه از دید شعرای اهل بیت علیم السلام

اشاره

سروده شاعر اهل البیت علیهم السلام مدرس حوزه علمیه و حافظ قرآن آقای حاج شیخ رمضانعلی جان نثاری

نهضت فراگیر فاطمیه

وقوع حادثه ای از حوادث ایام ***گرفته بود ز جسم و روان من آرام

به هر طبیب نمودم رجوع بهر علاج ***جواب رد بشنیدم به اتفاق کلام

شدم غمین و مردد به کار خود گشتم*** چو هیچ راه نجاتی نبود در فرجام

به سوی چاره ندیدم رهی به غیر از این*** که با دعا و توسل زدایم این آلام

شبی شدم متوسل به بانوی دو سرا*** که هست فاطمه ام الائمه الاعلام

به حال ذکر و توسل شدم به بستر خواب*** که صحنه ای به نظر آمدم به حال منام

که یک نفر ز ذراری حضرت زهرا*** جناب ابطحی آن عالم خجسته مرام

یکی کتاب به من داد خوش خط و زیبا*** که بس قرائت آن بود سهل و بی ابهام

ص:۲۹۳

گذشت آن شب و فردا به خویشتن گفتم*** که حال خود بنمایم حضور او اعلام

چو او ز حالت من گشت با خبر از مهر*** مرا نوید شفا داد و هم نمود اکرام

پس از گزارش آن خواب مطلع گشتم*** که در میانه اوراق چند کرده مقام

به نام حضرت زهراست آن همه اوراق*** مصصم است به تالیف آن کند اقدام

به فال نیک گرفت و به من چنین فرمود*** که من قضیه آن خواب آورم به نظام

سپاس ایزد منان که داد توفیقش*** که در چنین ره پرخیز او گذارد گام

بدین طریق و روش کرد ابطحی احیاء*** طریق و سنت آباء امهات کرام

رهی که هست به ترویج مکتب زهرا*** همیشه یار و معین است قادر علام

از آن زمان که بپا کرد نهضتی پویا*** چه کارهای نکوئی که می شود انجام

چو او به رونق ایام فاطمیه فزود ***از این طریق فزون گشت رونق اسلام

بسی موسسه خیر می شود برپا *** به نام و یاد تو ای بانوی مبارک نام

بسی مراکز درمان و خیر و قرض حسن*** در افتتاح به نامت همی شود اعلام

به نام توست بسی مسجد و شفاخانه*** در این امور به حب تو می کنند اقدام

بسا امور به تجلیل حضرت زهرا*** فراهم آمده از همت خیار انام

بسی تلاش نمایند در پذیرایی*** برای خلق شود پهن سفره اطعام

از آن طعام تناول کنند بیماران*** بدان امید که راحت شوند از آلام

خطابه های فراوان همی شود انشاء *** بسی مقاله که تحریر گشته با اقلام

به شان و منزلت آن یگانه دخت رسول*** کتابهای فراوان نوشته اند اعلام

سخنوران توانا سروده اند اشعار*** به پاس حرمت آن زهره خجسته مقام

هماره چون دهه فاطمیه می آید*** چه شور و حال بپا می شود در آن ایام

چه دستجات عظیمی به راه می افتد*** به سعی و همت پرشور از خواص و عوام

به سوز دل همه آیند در عزاداری*** برهنه پای فقیهان و عالمان عظام

کند تداعی عاشورا این عزاداری *** ز ازدحام زن و مرد و شور خیزی عام

به رغم دشمن کوتاه فکر ابله تو*** خدای نور تو را دم به دم کند اتمام

خدای کشور ما از خطر مصون دارد*** به احترام تو ای بانوی بلند مقام

خدا به فیض تو حاجات ما روا سازد*** به آبروی تو هم می دهد شفا اسقام

هر آن غمی که فسرده است حال ما زهرا*** به عز و جاه تو آن را خدا دهد فرجام

عنایتی بنما ای شفیعه دو سرا*** که روی کرده به ما رنج و محنت و آلام

ز مرحمت نظری هم به جان نثار نما*** که چشم او سوی احسان و لطف توست مدام

سروده شاعر نامدار اهل البیت علیهم السلام آقای ژولیده نیشابوری

فاطمیه پرچم حق در جهان-فاطمیه خیزش فریادهاست

فاطمیه ماه ناموس خدا است*** فاطمیه فاتح ارض و سما است

فاطمیه مرکز ثقل وجود*** ز ابتدای این جهان تا انتها است

فاطمیه نقطه اوج شرف*** هدیه ای از حق به ختم الانبیا است

فاطمیه در مسیر حفظ دین*** اهتزاز پرچم صدق و صفا است

فاطمیه بازتاب احتجاج ***در حمایت ازعلی مرتضی است

فاطمیه حافظ راه علی است *** شرح مظلومی او را محتوا است

فاطمیه نقطه عشق حسین ***پای تا سر کربلا تا کربلا است

فاطمیه خانمان سوز ستم*** بی تامل هست تا هستی بپا است

فاطمیه دشمنان رسوا کند*** کز خروشش ظلم محکوم فنا است

فاطمیه روشنی بخش امم*** نقش او در هر زمان رمز بقا است

ص:۲۹۷

فاطمیه راه حق را مشعل است*** طالب حق را به جان درس وفا است

فاطمیه پرچم حق در جهان*** مردمان را رهنما و رهگشا است

فاطمیه رمز بیداری خلق*** بر علیه غاصبان بی حیا است

فاطمیه بهر هر اندیشمند*** منشا تحلیل در اندیشه ها است

فاطمیه عالمان را آگهی*** از مقام صبر و تسلیم و رضا است

فاطمیه هر کران تا هر کران*** کشتی عشق خدا را ناخدا است

فاطمیه ماه اوج بندگی است*** یکه تاز عرصه ذکر و دعا است

فاطمیه هر قدم در هر قدم*** آشنا با خلق شهر و روستا است

فاطمیه نام صدها مدرسه است*** چون به هر علمی محیط و آشنا است

فاطمیه نام صدها مسجد است*** در کنار او بسی دار الشفاء است

فاطمیه اشک را جاری کند*** سوز و ساز سینه اهل ولا است

فاطمیه ساختار اصفهان*** در مسیر خط و مشی اولیا است

تا ظهور حضرت صاحب زمان*** فاطمیه خیزش فریادها است

سروده شاعر اهل البیت علیهم السلام استاد محمدحسین سرور اصفهانی

فاطمه زهرا علیها السلام و نهضت عالمگیر فاطمیه

جمال جلوه فروزان به عالم آرائی است*** فروغ فره ایزد عجب تماشائی است

جهان جهان همه پرصحبت سیادت اوست*** به وصف سبز خصالش چه جای گویایی است

کریمه ای که نه تنها شفیعه عقبی است*** که فیض جاری او دستگیر دنیایی است

فروغناکی نامش جهان شمول شده است*** که زهره تابی صلح زمانه زهرایی است

سوی شفا کده او کسان که در مانند*** کنند روی که دایم به فیض بخشایی است

به سالهای اخیر از طریق استمرار*** به شان او چه کتب زیب دست انشایی است

به صد زبان بنوشتند صاحبان قلم*** کتابها که نشانی ز اوج حق رایی است

به هر دیار و به هر کشور و به هر شهری*** به نام او چه تجمع به حال پویایی است

به نام او چه شفاخانه ها که در کشور *** ز سعی و جهد محبان به عین کارآئی است

به سالروز شهادت ز کار دشت کشند*** که روز تعزیت و روز راهپیمایی است

به نام فاطمه بنیادهای گوناگون*** به اعتبار وجودش به حال پویایی است

نمود جلوه گری آن چنان که دشمن او***کریه منظر در تخته بند رسوایی است

تجسمی که ز کید عدوی او کردند*** به صفحه صفحه تاریخ بس تماشایی است

به نام فاطمه نسل جدید کشور ما*** ز نو وجود ورا در پی شناسایی است

به نام فاطمه بس عقده های بربسته *** گشوده از همه کارهای دنیایی است

به نام فاطمه بس شاعر مدیحت گوی*** قصیده ساز به حق گویی است و حق رایی است

به نام فاطمه ابناء طاهر او را*** جهان شیعه ز نو در پی شناسایی است

به نام فاطمه بس باب های پربرکت*** گشوده از همه کارهای دنیایی است

ز مال و جان نکند کس دریغ در این راه*** به هر زمان که گه بذل و وقت کوشایی است

یکی به رنج سفر تن دهد به خاطر او*** یکی به بحث و جدل از ره نکو رایی است

ص:۳۰۰

یکی به قدرت مالی یکی به سعی بلیغ*** به قدر همت خود در کمال پویایی است

که اصفهان به خدا مهد فاطمیون است*** چو فیض فاطمه در اعتبار بخشایی است

ز جهد مرد موحد رسالت و حجت *** به گوشه گوشه کشور به کار اجرایی است

چه خطبه ها که به اقصای ملک شد انشاد*** ز سعی او که جهانش پی شناسایی است

چه خانه ها که در این عصر بیت زهرا شد*** که بهر صاحب او اعتبار افزایی است

به ویژه بیت موحد جناب حجت را *** توان شمرد که کانون عشق و حق رایی است

فراشت رایت زهرا به عین کوشایی*** که در طریق نیاکان ز پاک سودایی است

الا! صداقت نابی که نام صدیقه*** نشان بارز اسمت ز با مسمائی است

به مدح شاعر شوریده ای چو من بنگر*** که شور و جذبه شعرم به اوج شعرائی است

منم سرور غم آگین ترین اهل سخن*** اگرچه گنج سرودم به عین گنجایی است

ص:۳۰۱

سروده شاعر با اخلاص اهل بیت علیهم السلام

حاج اقا رضا صغیر سعید

برکات فاطمه زهرا علیها السلام و نهضت فاطمیه در جهان

باز می خواهم به لطف کردگار***تاکنم رازی نهان را آشکار

هدیه ای تقدیم بر جانان کنم*** مختصر شرحی از آن عنوان کنم

تا به قول مولوی چون مشک ناب*** آفتاب آرم دلیل افتاب

گرچه این توصیف من ناقابل است *** لیک بر درگاه جانان مقبل است

بهره ور تا گردد از فیض حضور *** هدیه ای نزد سلیمان برد مور

لاجرم با شور و عشق و زمزمه*** می گشایم لب به مدح فاطمه

فاطمه مرآت ذات کبریا*** فاطمه فرمانروا بر ما سوا

فاطمه فرزند دلبند رسول*** کز مقامش مانده در حیرت عقول

آنکه آورد از خداوند جلیل *** سوره کوثر به وصفش جبرئیل

آنکه از فرط شرافت بر ملا*** بوسه می زد دست او را مصطفی

آنکه بهر یاری دین مبین*** خورد سیلی زان لعین ابن اللعین

آنکه دونان آتشی افروختند*** از تطاول خانه اش را سوختند

آنکه از جور عدو بعد از پدر*** پهلویش بشکسته شد از ضرب در

شیعیانش در عزاداری ز جان***سر به سر آماده گشته هر زمان

از برای تسلیت برخاستند*** مجلسی در هر کجا آراستند

نام آن مجلس نهادند از الم*** فاطمیه با هزاران درد و غم

بیشتر از هر کجا در اصفهان*** مجلسی آماده شد از دوستان

سیدی والا گهر حجت بنام*** ابطحی شهرت به هنگام کلام

هم موحد هم موید از رسول*** کرد از جان زحمت آن را قبول

خانه خود را به اعزازی تمام*** بیت زهرا از ادب بنهاد نام

با عزاداری برای فاطمه*** آتشی افروخت در جان همه

زین مکان همراه با سوز درون*** کرد تبلیغ عزا از حد فزون

بس مبلغ های بی حد و شمار*** شد روان زینجا به هر شهر و دیار

مردم ایران هم از نزدیک دور*** کرده استقبال از این عشق و شور

هر کجا تاسیس خیری کرده اند*** فاطمیه نام آن بنهاده اند

نی همین ایران که در اقصی نقاط *** هر کجا گسترده باشد این بساط

مدرسه خیریه بی حد و شمار*** همچو درمانا گاه باشد برقرار

تا به نام فاطمه در هر زمان*** فیض ها بخشند بر اهل جهان

چارده سال است این فیض مدام*** می رسد از این مکان بر خاص و عام

در هزار و سیصد و هشتاد و دو*** روز سوم از حلول سال نو

زد به وصف فاطمیه با امید*** چند بیتی را رقم کلک سعید

ص:۳۰۴

سروده شاعر ادیب آقای علی شیرانی صحت

جلوه خورشیدی فاطمه زهرا علیها السلام و طنین عظمت فاطمیه

به جای جای ره فاطمیه نور خداست*** به گوشه گوشه اش از جلوه بر ز اینه هاست

از این بهار شکوفاست گلشن عالم*** از این طراوت سر سبز وادی دلهاست

گل آور است زمینی که فیض در گل اوست*** بهاری است ضمیری که باغ عشق و صفاست

بیا در این ره اگر آب زندگی خواهی***بجوی مستی از اینجا که سرزمین بقاست

هزار مضطر افسرده خوشه چین زین دشت*** هزار خاطرغمدیده شاد از این صحراست

زمینه ساز شفاخانه است چون مهتاب*** به زخم غمزده مرهم به درد خسته دواست

چوآفتاب که نورش گذشته از آفاق *** طلوع جلوه خورشیدیش جهان آراست

به دستگیری هر بینواست بسته میان*** به یاوری چو عصا بهر هر فتاده ز پاست

ص:۳۰۵

از اوست گسترش علم بینش آگاهی*** از اوست رویش اندیشه ها که جلوه نماست

گشایشی که ز حق می رسد در این درگاه*** دری که بر رخ درد آشناست باز اینجاست

شکوه فصل شکوفایی است و سرسبزی *** بهار جلوه رنگین سبزه و گلهاست

طنین صیت عظیمش گذشته شهر به شهر*** هزارها گهر ناب در این دریاست

بپای ماند تا آنکه این سرادق سبز*** ز مهر و ماه شب و روز را دو دست دعاست

از این دریچه سحر جلو می کند صحت *** تجلی گل خورشید از این ید بیضاست

سروده شاعر دلباخته اهل بیت علیهم السلام سید محمدحسین صفوی قیصر

شهادت فاطمه زهرا سلام الله علیها و اثار عظیم فاطمیه در جهان

چهارده قرن پیش در عالم*** اتفاقی فتاد پر ماتم

که از آن تا به حشر می سوزد*** پای تا سر دل بنی آدم

چون پیمبر ز دار دنیا رفت*** چشم از این جهان فانی بست

مرغ روحش به عرش علیین*** کرد پرواز و با خدا پیوست

فاطمه شمع محفل طاها*** فاطمه ماه یثرب و بطحا

روشنی بخش خانه احمد*** قره العین زهره الزهرا

فاطمه باب جود را مصدر*** فاطمه کائنات را مفخر

فاطمه روح عفت و عصمت*** فاطمه بزم عشق را محور

فاطمه محرم سرای احد*** فاطمه مظهر جمال صمد

آنکه می برد از علو مقام*** سر تعظیم در برش احمد

فاطمه کنز مخفی داور*** فاطمه نور مهر جان پرور

که بود در بهشت جاویدان*** شهد نوشای چشمه کوثر

ص:۳۰۷

فاطمه آنکه باب حق گویش***بوسه می داد بر سر و رویش

می شنید آن پیام آور حق***بوی باغ جنان ز مشکویش

فاطمه آنکه رخصتی به سزا*** دارد اندر شفاعت دو سرا

فاطمه آنکه در صف محشر*** می نماید لوای حق بر پا

گشت بعد از وفات پیغمبر *** دل غمین آن حبیبه داور

که فدک را ز دست او بردند*** بشکستند پهلویش از در

غصب کردند حق حیدر را*** حق ذریه پیمبر را

دشمنان طریق حق کشتند*** محسن آن غنچه معطر را

پاس آن سختی و مرارتهار غم بابا و غربت مولا

پاس آن رنج های بی پایان*** پاس آن دردهای جانفرسا

شیعیان فاطمیه را عنوان*** کرده برپا میان نسل جوان

عشق و شور کتابخوانی را*** گسترش داده در تمام جهان

هدف فاطمیه ارشاد است*** رهنمای جوان ز بنیاد است

یک نمونه از این فداکاری*** رونق پایه های امداد است

فاطمیه شعار اسلام است*** فاطمیه قوام اسلام است

فاطمیه به گلستان جهان*** گل ناب کلام اسلام است

ص:۳۰۸

فاطمیه درخت پربار است*** خدماتی که کرده بسیار است

در بر دیدگان حق باور*** این نشان گذشت و ایثار است

فاطمیه بهشت آئین است *** فاطمیه تجلی دین است

مسلمین تمام دنیا را*** باعث افتخار وتحسین است

حمد بی حد خدای یکتا را *** که خرد کرده رهنمون ما را

تا کنیم از طریق بنیادی*** پایه ریزی جهان فردا را

از عنایات خالق بی چون*** با تلاشی ز حصر و حد بیرون

گشته سرتاسر جهان امروز*** شهرت فاطمیه روز افزون

فاطمیه کتاب ها دارد*** هر کتابیش باب ها دارد

از حدیث و روایت اخبار*** جلوه از انقلاب ها دارد

فاطمیه به یاری دادار*** کرده با دشمن خدا پیکار

هست درس کتاب و مکتب او*** عشق و شور و شهادت و ایثار

فاطمیه شعار مکتب ماست*** ورقی از کتاب مذهب ماست

این بزرگ ایت خداوندی*** موجب عزت و سعادت ماست

این بنائی که تا ابد برپاست*** یادگاری ز حضرت زهراست

خاک آن توتیای دیده کنیم*** که قدمگاه عترت طاهاست

بر چنین پایداری و همت*** آفرین بر سلاله عصمت

ابطحی سید جلیل القدر*** که بود نام نیک او حجت

شد مصمم به مقصد ارشاد*** تا نهد فاطمیه را نباید

آن بزرگ آیت خداوندی*** خدماتش نمی رود از یاد

کوشش این مجاهد نستوه*** آورد خصم دین حق به ستوه

می کند جان فاطمیون را*** فارغ از رنج و محنت و اندوه

هست این نهضت جلی به جهان*** سندی بر فضیلت انسان

تو بدین طبع ناتوان قیصر*** چون کنی فاطمیه را عنوان

ص:۳۱۰

سروده شاعر دلباخته حضرت زهرا علیها السلام حجه السلام و المسلمین حاج سید محمود میردامادی (کوچک)

فاطمیه شرح آه فاطمه است

فاطمیه مهد اجلال و کمال*** مهبط حق منشا نورو جلال

فاطمیه شد محک بر مومنین*** بهترین آیت ز ایمان و یقین

فاطمیه مام عاشورا بود*** نهضت شیعه از آن بر پا بود

فاطمیه درس تقوا می دهد*** بوی محسن بوی زهرا می دهد

فاطمیه درس درک زندگی است *** رمز شیعه مبدا بالندگی است

فاطمیه انعکاس غربت است*** گاه جنگ نوریان با ظلمت است

فاطمیه ناشر فضل علی است*** عزت زهرائیان در آن جلی است

فاطمیه شرح آه فاطمه است*** ترجمان رسم و راه فاطمیه است

فاطمیه شکوه میخ و در است *** در ره ایمان جهاد اکبر است

فاطمیه جلوه گاه اشکها است*** بر مقام فاطمیون رشکها است

فاطمیه حاکی فریادهاست*** انعکاس ان همه بیدادهاست

فاطمیه خود بود دانشگهی*** تا بروی خلق بگشاید رهی

فاطمیه شد کلاسی با هدف*** تا دهد نصرت به سلطان نجف

فاطمیه بهترین مدرسه است*** فکر ما بر این خط و هندسه است

فاطمیه مظهر کار نکوست*** خیر عالم سر گل تعلیم او است

بانی خیر از همین دانشگه است*** فکر و ذکرش در مسیر الله است

عاملان خیر هر شهر و دیار*** با مرام فاطمیون گشته یار

عامل امر ترحم بر ضعیف*** رای او زهرائی و روحش لطیف

تا قیامت در مسیر کاروان*** فاطمیه هست چون رودی روان

کوچکا بر فاطمه صدها سلام*** بعضه منی بود خیر الکلام

ص:۳۱۲

سروده شاعر علاقمند به اهل بیت علیهم السلام اقای علی غفراللهی ماهر

جاودانگی فاطمیه و برکات گسترده آن

سپاس خالق جانها و ایزد یکتا*** که از عنایت او گشت نطق من گویا

یگانه خالق هستی خدای عزوجل*** که متفق پی تسبیح او شدند اشیا

ز بعد حمد خدا مدح مصطفی گویم*** حبیب حضرت حق مقتدای اهل ولا

ز پیشگاه خداوند رخصتی خواهم*** که زیب نامه کنم نام حضرت زهرا

یگانه بانوی عالم که نام نامی او*** هزار عقده گشاید ز کار انسان ها

به ویژه آنکه بود لطف خاص او شامل*** به شیعیان و محبان همیشه در هر جا

به خادمین صدیقش عنایتی دارد*** که هست سیره آن پاک بانوی دو سرا

علی الخصوص به ذریه نکو نامش*** که هست در خور انعما و التفات و عطا

سلیل احمد مختار ابطحی که بود*** به نام حجت و حجت به دین پاک خدا

که عزم راسخ آن سید خجسته خصال*** به لطف حق دهه فاطمیه کرد بپا

که جاودانه بماند به عالم این سنت*** که هست مورد تایید ایزد یکتا

بس اهتمام به ترویج فاطمیه نمود*** که برگزار شود رسم آن چو عاشورا

بسا بنا که به اقصی نقاط عالم شد*** به نام فاطمه آن اولین آل کسا

ص:۳۱۳

مراکزی که به نامش بود ز روی خلوص*** کنند عقده گشایی ز کار خلق خدا

به نام حضرت زهرا به هر کجا برپاست*** بنای خیر و حسینیه بس به عز و علا

مراکزی ز شفاخانه هست و خیریه*** به نام فاطمه از کار خلق عقده گشا

بنای مدرسه و مسجد و کتب خانه*** مزین است به نامش به دیده بینا

نوشته اند کتاب و مقاله و اشعار*** به وصف حضرت زهرا به منطقی گویا

خطابه هاکه به توصیف او شده ایراد*** رسانده صیت مقامش به طارم اعلا

دعای خیر و توسل به یاد او جاری است *** به هر زمان به تکایا همیشه صبح و مسا

در این طریق هر آنکس قدم نهد از صدق *** رسد به منزل مقصود و رتبه والا

چو ابطحی بود از خیل خادمان درش*** جزای خیر دهد ایزدش به روز جزا

یقین شفیعه او می شود ز لطف و کرم*** به پیشگاه خداوند حضرت زهرا

امید لطف و عنایت بود مرا ماهر ***ز آستان ملک پاسبان خیر نسا

ص:۳۱۴

سروده شاعر اهل البیت علیهم السلام حجه الاسلام شیخ علیرضا محمدی مسافر

فاطمیه ظالمین را در جهان بی ارزش و مقدار کرد

فاطمیه عالمی را غرق در انوار کرد*** راه بر ترویج دین مصطفی هموار کرد

فاطمیه با جلال و جاه و قدر و منزلت*** حیله های دشمنان را نقش بر دیوار کرد

فاطمیه زد چو کوس غیرت و آزادگی*** ظالمین را در جهان بی ارزش و مقدار کرد

فاطمیه بر گلستان علی همچون سحاب*** آنقدر بارید تا گلزار دین پر بار کرد

شکر لله فاطمیه جلوه دیگر گرفت*** نام زهرا را به عالم شهره در ادوار کرد

فاطمیه آشنا بنمود زهرا را به خلق*** جانشان را تا ابد از مهر او سرشار کرد

فاطمیه آشکارا کرد کفر دومین*** هم ستم هایی که او بر مخزن اسرار کرد

فاطمیه چون که شرح غربت مولا بود*** خلق را از دشمنان مرتضی بیزار کرد

ص:۳۱۵

فاطمیه در عزای همسر شیر خدا*** مجلس ماتم بپا در کوچه و بازار کرد

فاطمیه از مصیبت های زهرای حزین*** ماجرای محسن شش ماهه را تکرار کرد

آنچه از ظلم و ستم بر دخت پیغمبر رسید*** فاطمیه شرح داد و مو به مو اظهار کرد

از فشار ضرب در آن ظالم بی آبرو*** سینه مظلومه را مجروح از مسمار کرد

سینه و میخ در و سوز و نوای فاطمه*** بین آن دیوار و در اینگونه او اقرار(۱) کرد

تا که جاویدان بماند دین ختم المرسلین*** سینه را زهرا سپر بر میخ آتشبار کرد

دختر ختم رسالت همسر سالار دین*** در ره دین خدا شش ماهه را ایثار کرد

آن مصیبت های جانسوزی که بر زهرا رسید *** فاطمه دخت نبی را لاجرم بیمار کرد

از ادب درد و غم خود با علی هرگز نگفت*** دردهای سینه را پنهان به قلب زار کرد

چونکه آمد در کنار بستر او شاه دین*** او وصیت های خود را نزد وی اظهار کرد

۱- منظور اقرار در نامه ای است که برای معاویه نوشته است

دیده از دنیا ببست و روحش از تن شد جدا ***زین الم چشم جهانی را زغم خونبار کرد

اشک ماتم حلقه زد در چشم غمبار علی*** تا نظر بر روی نیلی حیدر کرار کرد

چون مهیا شد علی از بهر غسل فاطمه*** گریه بر آن پهلو و آن سینه خونبار کرد

جسم زهرا را کفن بنمود و بر خاکش سپرد *** او شبانه مدفنش را مخفی از اغیار کرد

فاطمیه گر چه دارد قصه های آتشین*** این حدیث تلخ را سرلوحه آثار کرد

فاطمیه حاصلش این شد که از لطف خدا*** خلق را آگه ز ظلم و کینه اشرار کرد

نی فقط این قلب من محزون زهرا گشت و بس*** داغ زهرا عالمی را همچو شام تار کرد

قلب مجروح مسافر زین جفا آتش گرفت*** شکوه ها از این مصیبت در بر دادار کرد

ص:۳۱۷

سروده شاعر اهل البیت علیهم السلام حجه الاسلام شیخ علیرضا محمدی مسافر

چهارده سال نورافشانی

برنامه های فاطمیه

فاطمیه راه اشک دیده را هموار کرد*** عالمی را زین مصیبت همچو شام تار کرد

در هزار و چارصد سالی که این ماتم بپاست*** غربت و مظلومیش را بر جهان اظهار کرد

فاطمیه سالها بر مردمان مجهول بود *** آشکارا ابطحی با زحمت بسیار کرد

با تلاش و همتش آن سید والا مقام*** مجلس ماتم به پا در کوچه و بازار کرد

بیرق و لوح عزا با نام های فاطمه*** از ره عشق و وفا زیب در و دیوار کرد

چهارده سال است با اخلاص و با صدق و صفا*** اصفهان و شهرها را غرق در انوار کرد

آنقدر مدح و ثنای فاطمه عنوان نمود*** تا که دلها را ز مهر فاطمه سرشار کرد

منزل شرا بیت زهرا خواند و از آن بیت نور*** مردمان را آشنا با مخزن اسرار کرد

او چنین گفتا که از زهرا عنایت می رسد*** با کلامش خفتگان جهل را بیدار کرد

ص:۳۱۸

در عزای فاطمه آن بانوی روز جزا *** دیدگان عالمی از داغ او خونبار کرد

مجلس سوک و عزا هر سال او برپا نمود*** خلق را آگه ز ظلم و کینه اشرار کرد

چون عنایاتی بر او از آل طه می رسید*** راه عشق فاطمیه بر جهان هموار کرد

او نمی خواهد که نامش شهرتی یابد ولی*** نام زهرا مادرش را شهره در آثار کرد

ای مسافر هر که یاد فاطمه احیا نمود*** شاد قلب نازنین سید ابرار کرد

ص:۳۱۹

سروده شاعر نامدار اهل البیت علیهم السلام حاج غلامرضا سازگار میثم

جهانی شدن فاطمیه علیها السلام

زهرا است همیشه جاودانی ***مانند کتاب آسمانی

بانوی تمامی جهان هاست*** آن عصمت حی لامکانی

خورشید نبوت وولایت*** پیوسته جهانی و جنانی

این ملک وجود بوستان است***او سرو بلند بوستانی است

این نور هماره می درخشد*** بر خلق عیانی و نهانی

با او شده عالمی بهاران*** بی او گل زندگی خزانی

بانوست ولی علی دوم*** زهراست ولی رسول ثانی

تنها نه بلاد شیعه عالم*** بر او شده بزم میهمانی

تنها نه زمین که آسمانها*** دارند ز فیض او نشانی

در صحنه کل آفرینش *** از سوی خداش میزبانی

ص:۳۲۰

توحید از او بود سرافراز*** هر چند که شد قدش کمانی

ایران و عراق نه که عالم*** از اوست پر از در معانی

گردیده به ام نامی او*** الازهر مصر جاودانی

در کل وجود اهل دانش*** کردند بر او مدیحه خوانی

با نام بلند و روح افزاش*** بخشیده به خلق شادمانی

او پیر دو عالم است هر چند*** گردیده شهیده در جوانی

دارد ز حمایت امامش*** بر سینه مدال قهرمانی

خلقت به ثنای حضرت او*** اقرار کند به ناتوانی

میثم ز کتاب ابطحی گفت*** این نکته به عالم و به دانی

امروز شده است فاطمیه*** بر کل جهانیان جهانی

ص:۳۲۱

سروده شاعر گرامی اقای افیونی زاده وصفی

نهضت جهانی فاطمیه

الا که نهضت زهرا به حق جهانی شد*** به عرش رفت و فضا نیز آسمانی شد

لوای مجلس زهرا ز فاطمیون است*** صلای فاطمه در خلق جاودانی شد

سرود شاعر دلخون به وصف این نهضت*** که با نوای حزین گرم نغمه خوانی شد

به یاد روز شهادت که گشت عالم گیر*** شعار غمزدگان جمله نوحه خوانی شد

ز سوز عشق محبان حضرت زهرا*** چه شورها که بپا گشت و جاودانی شد

ز سعی ابطحی آن سخت کوش حجت نام*** عزای فاطمه بر پا ز همزبانی شد

گلی به باغ نبوت فسرده گشت ولی*** به اشک دیده خونبار باغبانی شد

بگفت وصفی دلخون به شان این نهضت*** که این عزای جهانی ز اصفهانی شد.

ص: ۳۲۲

جلد ۲

گزارشی از کاروانهای تبلیغی وعزاداری در نهضت فاطمیّه

اشاره

وآثار وبرکات آن

ص:۳۵۱

گزارشی از سفر های تبلیغی برای بزرگداشت فاطمیّه

پس از آنکه بزرگداشت شهادت فاطمهٔ زهراءسلام الله علیهااز سال ۱۴۱۱قمری،در اصفهان به نحو گسترده وهمه جانبه،و در برخی از شهر هادر محدوده ای معیّن،أنجام گرفت،و برکات و آثاردینی و معنوی آن کاملاً محسوس گردید، با جمعی از دوستان تبادل نظر و مشورت نمودیم،برای مسافرت به شهر ها و استانهائی که در این زمینه فعّالیّت مناسب نداشته اند،و به همین جهت با چند اتومبیل سواری و با همراهیِ عدّه ای از علاقمندان،عازم مسافرت شدیم.

أولین سفر تبلیغی به استانهای یزد و کرمان و سیستان وبلوچستان

در سال۱۴۱۵قمری(۱۳۷۳شمسی)از اصفهان عازم استانهای یزد و کرمان و سیستان وبلوچستان شدیم.

بعد از ظهر حرکت کردیم،ودر مسیر نائین و عقدا و اردکان ومیبد ویزد،اقدامات فشرده ای أنجام دادیم،وبرای نماز مغرب و عشاء،در مسجد بَرخوردار یزد،به سخنرانی مفصّل و پخش پوسترهای حضرت زهراء سلام الله علیها در سطحی وسیع پرداختیم،وسپس برنامه ریزی شد برای فعّالیّت مردم با ایمان وولایت یزد، برای برگزاری مجالس عزاداری در سطح گسترده،وحرکت دادن دستجات عزاداری،و نصب پرچمهای متنوّع،با شعار های جالب(که نمونه های آن ارائه گردید)که مورد استقبال مردم و علماءحاضر در مجلس قرار گرفت.

ص:۳۵۳

در این برنـامه،آیه الله علومی دامت برکـاته،بـا همکـاری بسـیار جـالب و تشویق هـای خالصانه و مهمان نوازی خودشان،روح و روان گروه تبلیغی را بسیار تقویت نمودند،روز بعد به سوی مسـجد حضـرت أباالفضل علیه السـلام ورفسنجان وکرمان حرکت کردیم،ودر طول مسـیر،بع پخش پوستر اقـدام نمودیم،و هنگـام نمـاز ظهر و عصـر،در مسـجد جامع کرمان،با سـخنرانی مفصّـِل دربـارهٔ برنـامه ریزی برای احیاءفاطمیّه،وپخش پوستر در سـطحی وسـیع،ونصب وارائـهٔ پرچمهای متنوّع،ومطرح نمودن شـعار ها وجمله های تکان دهنده ،

زمینـه را برای فعّـِالیّت علمـاءومردم کرمـان،جهـت بزرگــداشت فـاطمیّه فراهـم نمـودیم،و اسـتقبال حاضــرینِدر مجلس،کـه از دانشـگاهیان ،بازاریان،کارمنـدان ادارات،وکسـبه با ایمان بودنـد،وشـمار زیادی از آنها از جوانهای با ایمان،و دلباختهٔ أهل بیت علیهم السلام بودند،بسیار جالب توجّه بود.

مردم مهمـان نـواز کرمـان،بـا اسـتقبال گرم خودشـان،در تصــمیم گیری برای امـور فـاطمیّه،ونیز پــذیرائی بســیار صــمیمی از أعضاءکاروان،ارادت قلبی وریشه دار خودشان رابه فاطمهٔ زهراءاسلام علیها اظهار نمودند.

بعـد از ظهربه سوی شهرسـتان بم حرکت کردیم،وبرای نماز مغرب وعشاء،در مسـجد صاحب الزّمان عجّل الله تعالی فرجه وارد شـدیم،وبـا سـخنرانی مفصّـِل و نشـان دادن أنواع پرچمهـا و پوستر هـائی که می توانـد در توجّه مردم به أیّام شـهادت حضـرت زهراءالسـلام الله علیهامؤثّر باشد،زمینه را برای بزرگداشت أیّام فاطمیّهآماده نمودیم،وامام جماعت محترم مسـجد،که امام جمعهٔ شهرستان بم می باشند،وروحانی با ولایت،

وشدیداًدلبسته به حضرت زهراء سلام الله علیها هستند،حداکثرهمکاری وهمراهی را مبذول داشتند،واز آن

سال تا کنون،درأیّام فاطمیّه،با

ص:۳۵۴

برگزاری جلسات عزاداری و نصب پرچمهاو پوسترها،وأنجام اطعام و تأسیس بیت الأحزان،مراسم بزرگداشت شهادت حضرت زهراءسلام الله علیها را،در سطحی وسیع برگزار می نمایند.

روز بعد،صبح هنگام،رهسپار زاهدان شدیم،ودر طول راه ،به تمامیِ پاسگاههاوبرجک های مراقبتی(که در آن زمان،به خاطر ناأمنی های موجود،شمار زیادی از آنهادیده می شد،ودر همهٔآنها،نیرو های نگهبانی و مراقبتی،به أنجام وظیفه مشغول بودند)از پوستر های حضرت زهراءسلام الله علیها به ضمیمهٔجعبهٔگز هدیه می دادیم،که تأثیر تبلیغیِ بسیار عجیبی داشت.

هنگام ظهر وارد زاهدان شدیم،ودر مسجد جامع،به سخنرانی و پخش پوستزواهداءپرچمهای فاطمیّه پرداختیم،وبا بیان روش های مناسب،برای شروع نهضت فاطمیّه در شهر زاهدان،(که مرکز استانی است که،مخالفین شیعه فراوان هستند)زمینه را برای اقدام روحانیّت شهر،و مردم علاقمند به أهل البیت علیهم السلام فراهم ساختیم،و مقدار زیادی از پوستر ها را به حاضرین در مسجد اهداءنمودیم،که به مغازه ها و محلهای عمومی نصب نمایند،وآنها نیز با أنجام این عمل جالب،چهرهٔآن منطقه را با نام حضرت زهراء سلام الله علیها نورانی نمودند

برای نماز مغرب و عشاء به مسجد أمیرالمؤمنین علی علیه السلام رفتیم،و جمعیّت بسیارزیادی از جوانها و تحصیل کرده ها وشخصیّت های اجتماعی و محلّی،وعموم مردم علاقمند به امام علی علیه السلام حضور داشتند،وآنجا نیز با سخنرانی مفصّل،اهداءپوستر فراوان،واهداءپرچمهای فاطمیّه،و بیان روشهای عملی برای شروع نهضت فاطمیّه، برگزاری مجالس عزاداری در أیّام شهادت آن حضرت،و سایر روشهای مناسب،و تشویق برای بهره برداری از آمادگی ها

و ظرفیّت های موجود،با شور وسوز حاضرین مواجه شدیم،وآنها اصرار داشتند که چند روزی را در شهرو منطقهٔ زاهدان اقامت داشته باشیم،به جهت اینکه موج کامل تری ایجاد شود،ولی به آنها گفتیم بهتر است نیرو های محلّی دست به کار شوند،وتمام کارهای مناسب را(که بیان کرده بودیم)با کمک نیروها و امکانات محلّی أنجام دهند.

پس از نماز صبح ودعاو زیارت عاشوراء،به جلسهٔ زیارت جامعه (که مجمع علماءو روحانیّون شهر زاهدان بود)رفتیم،و پس از اتمام زیارت جامعه،جریان نهضت فاطمیّه ،و برنامه های اصفهان و قم و عنایات حضرت زهراء سلام الله علیها و گسترش بزرگداشت مراسم شهادت حضرت زهرا ءسلام الله علیها را شرح دادیم، که تمام علماء و روحانیّون حاضر، شدیداً به گریه درآمدند،و تحت شدیدترین حالت عاطفی ،و احساس لطیف معنوی قرار گرفتند، و برای مظلومیّت حضرت زهراء سلام الله علیها و غربت أمیرالمؤمنین علیه السلام بسیار گریه کردند، و پس از بیان پیشنهادات ،همگی پذیرفتند که در محیط فعّالیّت دینی و اجتماعی خود ،حداکثر کوشش را برای بزرگداشت مراسم فاطمیّه أنجام دهند، و مقداری پوستر و پرچم و وسائل تبلیغی در اختیار آنها قرار دادیم، که در مساجد و ادارات، و مراکز عمومی شهر، نصب نمایند .

مجلس یاد شده ،از نظر معنوی و روحانی، بسیارعالی برگزار شد ،و از نظر تأثیر گذاری با توجّه به حضور همهٔ روحانیّت شهر بزرگ زاهدان، کاملاً رضایت بخش و شوق انگیز بشمار رفت، و همهٔ آقایان ،برلزوم بزرگداشت شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها اذعان نمودند .

سپس به سوی شهر زابل رهسپار شدیم ،و با اهداء پوستر و گز به مأمورین

مستقر در برجکها و پاسگاهها، تبلیغات بسیار مؤثّری داشتیم ،و قبل از ظهر به زابل رسیدیم، و با دیداربا برخی از علما ءشهر،با وضعیّت آن منطقه آشنا شدیم

هنگام نماز ظهر و عصر، برنامهٔ سخنرانی و بیان راههای احیای فاطمیّه(به نحو بسیار مفصّل)در یکی از مساجد پر جمعیّت شهر اجرا نمودیم ،و با تشویق مردم به برگزاری مراسم عزاداری و نصب پرچمهای عزا در همهٔ شهر، و سایر برنامه های مناسب ،آنها را برای بزرگداشت أیّام فاطمیّه آماده نمودیم ،و به خاطر نیاز شدید منطقه ،سعی کردیم که بیشترین همکاری را برای کمک به مراسم سوگواری حضرت زهراء سلام الله علیها داشته باشیم .

بعد از ظهر آن روز، به چند روستای اطراف زابل رفتیم، و پس از پخش پوستر های فاطمیّه و توزیع گز و هدایا و گفتگو دربارهٔ برنامهٔ فاطمیّه به زابل برگشتیم، و پس از نماز مغرب و عشاء در یکی از مساجد مهم زابل، در یک جلسهٔ طولانی (بیش از دو ساعت) به أنواع روشهای مناسب، در آماده سازی مردم برای بزرگداشت أیّام شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها اقدام نمودیم، و مورد توجّه و استقبال عمومی مردم قرار گرفت.

موفقیّت های تبلیغی این کاروان فاطمی ،در مدّت زمان محدود، شور و سوز عموم مردم و علما ءهر منطقه ،استقبال عموم طبقات و جوانها از برنامه های پیشنهادی ،همراه با أشک جاری و دل شکستگی ،آن چنان تأثیر عمیقی در همسفرها داشت،که همه تصمیم گرفتیم این نوع مسافرت، همه ساله أنجام گیرد ،و در هر سال قسمتی از کشور را زیر پوشش این نوع تبلیغ ساده ،خالصانه، بی نام وبدون تشریفات، قرار دهیم ،که تاکنون (سال ۱۴۲۴ قمری) ادامه داشته است.

ص:۳۵۷

مسافرت به استان فارس

در سال ۱۳۷۴(۱۴۱۶ قمری)با جمعی از علاقمندان، برای نماز ظهر و عصر، در بیت الزهّراء سلام الله علیها به قصد توسّل اجتماعی داشتیم ،و پس از عزاداری و دعا برای موفقیّت در سفر تبلیغی ،از اصفهان عازم شهرضا شدیم ،و پس از ورود در مدرسهٔ أقدمیّه ومقداری مذاکره دربارهٔ برنامه های فاطمیّه ،به صورت دستهٔ عزاداری عازم یکی از مساجد شهر شدیم، و حرکت چنین دستهٔ عزاداری در أیّامی که مناسبت خاصّی نداشت ،تعجّب و سؤال مردم را برانگیخت ،و در همان هنگام و در روزهای بعد، زمینهٔ تبلیغات برای أیّام فاطمیّه را فراهم نموده، و علماء و طلّاب شهرضا فرصت خوبی برای آماده سازی مردم یافتند.

پس از أقامهٔ نماز جماعت، سخنرانی پرشوری دربارهٔ لزوم بزرگداشت شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها ایراد گردید، و راههای شروع نهضت فاطمیّه در شهر مذهبِی شهررضا تشریح گردید، و آن چنان احساسات جمعیّت را برانگیخت، که امام جماعت مسجد(که از روحانیّون با ولایت و پرکوش می باشند) ایستادند و فرمودند: امشب، در این مسجد قرار بوده که در زمینهٔ برنامه های اقتصادی ،ستادی تشکیل بدهیم ،ولی ألان تصمیم ما عوض شد ،و ستاد احیاء مراسم بزرگداشت شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها به وجود می آوریم، و در أیّام شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها با همکاری علماء و فضلاء و مردم متدیّن، در تمام شهرضاچهرهٔ عزاداری به شهر می دهیم، و دستهٔ عزاداری به راه می اندازیم، و جلسات متعدّد برگزار می نمائیم.

حضور عدّه ای از معمتدین محلّی، طلّاب و روحانیّون و عموم مردم علاقمند،در آن مجلس زمینه را برای نتیجه گیری بسیار خوب جهت

برنامه های فاطمیّه مساعد نمود، و در آن سال و در سالهای بعد، با فعّالیّت شایسته و مجدّانهٔ علماء و مردم شهرضا، و فراهم نمودن پوستر و پرچم فاطمیّه از اصفهان، مراسم بزرگداشت حضرت زهراء سلام الله علیها در این شهر، بسیار جالب و گسترده برگزار شد، و میدانها و مغازه های شهر سیاه پوش گردید. هنگام أذان صبح، به زیارت حرم مطهّر شاهرضا علیه السلام مشرف شدیم، و یکی از دوستان همسفر، در حرم مطهّر شاهرضاعلیه السلام از رؤیای همان شب خبر داد، که در عالم رؤیا حضرت معصومه سلام الله علیها و شرکت کنندگان در این کاروان تبلیغی ،عنایت مخصوصی مبذول داشتند. پس از نماز و زیارت و دعا ء،عازم شهر آباده شدیم، و در حوزهٔ علمیّهٔ صاحب الزّمان عجّل الله تعالی فرجه وارد گشتیم،و پس از صرف صبحانه، برای مدّرسین و طلّاب حوزهٔ علمیّه، دربارهٔ احیاء برنامه های بزرگداشت شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها توضیح دادیم، و آنها همراه با أشک و آه و ناله بر مظلومیّت آن حضرت، برنامه های پیشنهادی را پذیرفتند، و قرار شد که در همهٔ روستاها و محلهای خودشان، در تشکیل مجالس عزاداری و آماده سازی مردم و سیاه پوش کردن مساجد و حسینیّه ها اقدام نمایند، و روحیّهٔ پاک و بی آلایش طلّاب جوان آن حوزهٔ علمیّه، تأثیر بسزائی در به نتیجه رسیدن مجلس یادشده داشت، پس از آن، مقدار قابل توجّهی پرچم و پوستر در اختیار آنان قرار گرفت، و به سوی صفاشهر(دهبید)روانه شدیم، و عالم بزرگ شهر را در زمینهٔ مسائل فاطمیّه در جریان قرار دادیم و امکانات تبلیغی در اختیارشان گذاشتیم، و به سوی شهر« مرودشت» رهسپار شدیم.

نماز مغرب و عشاء را در مسجد حضرت أبوالفضل علیه السلام به جماعت خواندیم، و با توجّه به روحیّهٔ ولائی و دلباختگی به أهل البیت علیهم السلام که در امام جماعت

مسجد وجود داشت، احساس کردیم که نمازگزاران مسجد، بسیار علاقمند به خاندان رسالت علیهم السلام هستند، و در هنگامی که مشغول به وضو گرفتن بودیم، صدای بلند و پر شور جمعیّت فراوان نمازگزار، که صلوات ها را با قید

وَ عَجِّل فَرَجَهُم وَ أهلِك أعدائَهُم

می فرستادند،ما را تحت تأثیر قرار داد، و متوجّه شدیم، که بدون اختیار خودمان،و بدون هیچ اطّلاع قبلی، شایسته ترین نمازجماعت و بهترین فضای تبلیغی را برای احیاء برنامه های فاطمیّه، به دست آورده ایم، و خدا را در همان حال وضو گرفتن سپاس گفتیم.

پس از اتمام نماز عشاء به سخنرانی(۱) پرداختیم، و دو ساعت و نیم برنامهٔ سخنرانی و توضیح و توزیع پوسترها بطول أنجامید، و در سراسر برنامه، أشک حاضرین قطع نگردید، و در هنگام مناسب برای صلوات ،آن چنان این ذکر شریف را أدا می کردند، که أشک شوق همگان را جاری می ساخت.

پس از اتمام برنامه، و تصمیم گیریِ امام جماعت مسجد و مردم نمازگزار، جهت شروع اقدامات مقدّماتی برای بزرگداشت فاطمیّه، برای پذیرائی شب و صرف شام، دو نفر از نمازگزاران داوطلب گردیدند، و هر کدام از آنها، آن قدر اصرار و التجاءمی کردند، که انتخاب یکی از آنها برای میزبانی، کارِ سختی بود،

۱- تمام سخنرانی هائی که در تمام مسافرتهای تبلیغی ایراد می گردید،به صورت ایستاده أنجام می گرفت،ودرضمن آن،نشان دادن پرچمهای متنوّع،با شعارهاونوشته های مهیّج،ونیزأنواع پوسترهای فراوان،وبیان اقدامات أنجام شده دردیگر شهر ها،بالأخص اصفهان(که پایگاه اصلیِ شروع نهضت فاطمیّه است)شوق و شور حاضرین برای ورود در صحنهٔ نهضتِ بزرگ فاطمیّه،به شکل عجیبی أفزایش می یافت.

و هیچکدام از آنها، حاضر به صرف نظر از افتخار میزبانی سربازان بی نام و نشان فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها نبودند، تا اینکه با پیشنهاد امام جماعت محبوب و عزیز مسجد، بنا براستخاره گذاشته شد، و یکی از آنها مسئولیّت میزبانی را برعهده گرفت، و در یک شهر نسبتاً کوچک، بدون آمادگی قبلی، سه ساعت و نیم بعد از مغرب، فراهم نمودن وسائل پذیرائی برای یک جمعیّت نسبتاً زیاد، کار سختی بود، که عشق و علاقهٔ به حضرت زهراء سلام الله علیها آنرا آسان می کرد.

ما،هیچگاه پذیرائی آن شب را که از نظر کمیّت و کیفیّت، و نیز از جهت اخلاص و تواضع کم نظیر بود، فراموش نمی کنیم .

صبح هنگام، متوجّه شدیم که صاحب منزل و بعضی از دوستان او، تا صبح بیدار بوده اند، و در أطراف منزل به مراقبت و مواظبت مشغول بوده ند و در خدمتگزاری به آستان مقدّس حضرت زهراء سلام الله علیها و یاران آن حضرت، آخرین تلاش و همّت و علاقهٔ خود را در طبق اخلاص گذارده اند. سپس عازم شیراز شدیم، و جهت اجرای اوّلین برنامه، برای تبلیغ برنامه های بزرگداشت حضرت زهراء سلام الله علیها به حرم مطهّر أحمد بن موسی علیه السلام(شاه چراغ) رفتیم(۱) و پس از زیارت، در رواق بزرگ ورودی حرم مطهّر شاه چراغ ،به سخنرانی و پخش پوستر و توضیح برنامه های فاطمیّه پرداختیم، و با توجّه به حضور زائران فراوان، از همه نقاط مختلف استان فارس، بلکه از همهٔ

۱- به دوستان گفتم:ما به هر شهری که وارد شدیم،در صورت امکان در ابتداءبه محضر بزرگترین شخصیّت الهی و ولائی آن شهر شرفیاب می شویم،ودر شهر شیراز،بزرگترین چهره وشخصیّت آگاه و مؤثّر،امامزادهٔعظیم الشّأن،ویادگار حضرت زهراءسلام العلیها حضرت أحمدبن موسی علیهما السلام هستند.

قسمتهای کشور،مجلس بسیار شکوهمند وتأثیرگذاری تشکیل شد،و نقش آن در تأمین هدف کاروان تبلیغی، کم نظیر به شمار آمد.

نزدیک ظهر، به سوی مسجد مرحوم آیه الله العظمی حاج شیخ بهاءالدّین محلّاتی روانهٔ شدیم، و برنامهٔ جامع و همه جانبه ای را در آشـناسازیِ نمازگزاران مسجد، که از طبقات مختلف بودند، به اجرا گذاشتیم، و پس از نهار و استراحت، به سوی قصرالدّشت روانه گشتیم، و در مسجد الرّسول صَلّی الله عَلَیهِ و آله (که یکی از مساجد جدیدالتّأسیس، ولی با شکوه و مورد توجّه می باشد، و جمعیّت بسیار زیادی از همهٔ اقشار، بالأخص تحصیل کرده ها، و شخصیّت های رسمی و اجتماعی، وجوانهای با ایمان، در نماز جماعت آن شرکت می کردند)وارد شدیم، و مقصد خود را برای آیه الله حدائق (امام جماعت مسجد) بیان نمودیم، و ایشان فرمودند: گرچه ما امشب برنامهٔ دعای کمیل داریم، و مدّاح مخصوص هم دعوت کرده ایم، ولی برنامهٔ بزرگداشت شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها مهم تر است، لذا شما برنامهٔ خودتان را أنجام دهید.

حُسن استقبال آن بزرگوار،و تواضع و علاقمندی ایشان نسبت به حضرت زهراء سلام الله علیها تأثیر عجیبی داشت و نزدیک سه ساعت، توضیح و تشریح برنامه های فاطمیّه برای مردم، و نشان دادن دهها نمونه از پرچمهای فاطمیّه با شعارهای مهیّج و آگاهی بخش، و ارائه و پخش دهها پوستر،وگزارش عنایات از حضرت زهراء سلام الله علیها به خدمتگزارانی که در احیاء أمر فاطمیّه اقدام می کنند، آن چنان حال و هوائی در مجلس ایجاد کرده بود که، گویا کسی متوجّه نمی شد که مجلس چقدر طول کشیده است، وأشک وآه و نالهٔ زن و مرد، و طبقات گوناگون حاضر در در جلسه قطع نمی شد، و با یک عزاداری پرسوز و

ص:۳۶۲

سینه زنیِ پرشور، برنامه را به پایان رساندیم.

در این هنگام، حضرت آیت الله حدائق دامت برکاته، میکروفون را به دست گرفتند و با تشکّری کم نظیر،از این اقدام بی نظیر، تجلیل فراوان نموده، و فرمودند:

اگر ما دعا می خواندیم و برنامه دعای کمیل را اجرا می کردیم

ما دعا کرده بودیم، ولی با این برنامه

حضرت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها به ما دعا می کنند

واگرما هزار بار دعای کمیل می خواندیم ،اثر این برنامه و مجلس را نداشت،زیرا با این برنامه ها دین خدا زنده می شود و قوّت می گیرد پس از آن، به حسینیّه ای در دروازهٔ کازرون رفتیم، و علاوه بر تبلیغ برای برنامهٔ فاطمیّه ،عزاداری بسیار جالب و پر سوزی أنجام شد، که نقش بسیار مؤثّری در فعّال شدن أعضاء کاروان و حاضرین در حسینیّه ایفا نمود.

صبح جمعه، پس از نماز جماعت و زیارت عاشورا، به جلسهٔ هفتگی دعای ندبه که به نام نامی فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها نامگذاری شده بود رفتیم، و در آنجا نیز با حضور بسیاری از مردان فعّال و تأثیرگذار، تشریح برنامه های تبلیغی فاطمیّه و احیاء مراسم بزرگداشت شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها را دنبال کردیم.

و نیز، در شهر شیراز، با عدّه ای از علماء و مسئولین حسینیّه ها و هیئتها مذاکره نمودیم، و علاوه بر تشریح برنامه های مفید و مؤثّر، پوسترها و پرچمهائی را در اختیار آنها قرار دادیم، تا با نشر آنها زمینه را برای آماده سازیِ مردم مراسم فاطمیّه فراهم نمایند. در این سفر، ملاقات با بعضی از چهره های معنوی ،و تشرّف یافتگان به محضر حضرت بقیّه الله عَجّل الله فَرَجَه ،غنیمت برجسته ا ی بدست آمد.

ص:۳۶۳

روز شـنبه عازم مراجعت شدیم،وظهر آن روز در« سعادت شهر» برنامهٔ تبلیغی مورد نظر را در یکی از مساجد شهر أنجام دادیم، و اعضاء هیئت عزاداری آن مسـجد تصـمیم گرفتند که در أیّام شـهادت حضـرت زهراء سلام الله علیها تمام خیابان اصلیِ شهر(در مسیر اصفهان- شیراز)پرچم نصب نمایند، و دستهٔ عزاداری حرکت دهند.

هنگام عصـر، به شـهر صفاشهر(دهبید) رسیدیم، و با روحانی بزرگ شهر دربارهٔ فاطمیّه، مذاکرهٔ مفصّل داشتیم، و رهسپار شهر آباده شدیم، و با تشریح برنامه ها برای برخی از نیروهای فعّال شـهر، آنها را برای اقدام در امر احیای فاطمیّه آماده نمودیم، که با گزارشـهای واصـله درأیّام شـهادت حضـرت زهراء سـلام الله علیها متوجه شدیم که، نتیجه بسیار مطلوب و گسترده ای داشته است.

در این سـفر، علاوه بر موارد یـاد شـده، در هر فرصت منـاسب، بـا بیان مطالب برای عموم مردم(به وسـیلهٔ هر یک از دوسـتان همسـفر) و نیز بـا نصب پوسترهـا در أماکن عمومی، و پمپ بنزین ها، و مساجـد و حسـینیّه ها، و... در آماده سازی جامعه برای مراسم فاطمیّه اقدام می گردید.

سفر به کاشان- قم- مشهد مقدّس و...

در سال ۱۴۱۷ قمری در آستانهٔ أیّام فاطمیّه، از اصفهان عازم شهر مذهبی و ولائیِ کاشان شدیم، و در این شهر، که از دیر زمان مهد تشیّع، و مجمع علماء أهل البیت علیهم السلام بوده است،به تشریح برنامه های أنجام شده در شهرهای مختلف، و بالأخص شهر اصـفهان(که پایگاه أصـلی نهضت فاطمیّه می باشد) پرداختیم، و در یکی از مساجد پر جمعیّت شـهر، که بسیاری از مردم علاقمند و جوانان پرشور حضور داشتند، راههای گسترش برنامه های بزرگداشت

شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها را تشریح نمودیم، و با اهداء پرچمهای متنوّع، و أنواع پوسترهای فاطمیّه به نمازگزاران، و تشویق آنها به وسعت بخشیدن به دستجات عزاداری، و برگزاریِ مجالس بیشتر، به عزاداری و سینه زنی پرداختیم، که مورد توجّه حاضرین قرار گرفت ،وتأثیر روحی بسزائی داشت.

صبح هنگام، پس از نماز و دعا و استغاثه، به قصد استمداد معنوی از روح مقدّس حضرت معصومه سلام الله علیها عازم قم شدیم،وپس از زیارت آن حضرت و دیدار با بعضی از علماء دلباختهٔ حضرت زهراء سلام الله علیها توجّه به راهنمائیهای معنوی آنها، و الهام از أشک جاری و دل سوزان ایشان، به سوی کعبه آمال و امام مهربان، حضرت علی بن موسی الرّضا علیه السلام روان شدیم.

در طول مسیر، در شهرها و شهرکها، با گفتگوی کوتاه با مردم، و نصب پوسترها به مراکز مهم و مورد توجّه، همانند پمپ بنزین ها، ساختمانهای چشمگیر، بیمارستانها، و...و نیز پخش آنها در میان مردم، أهداف تبلیغی سفر فاطمیّه را دنبال می نمودیم.

برای نماز جماعت مغرب و عشاء، در شهر شاهرود به مسجد صاحب الزّمان عجل الله فرجه(که به امامت آیه الله، حاج سیّد علی آقا شاهرودی، فرزند مرجع عالیقدر، مرحوم آیه الله العظمی، حاج سیّد محمود شاهرودی قُدس سِرُّه، برگزار می گردید) وارد شدیم، و پس از اقامهٔ نماز، برنامهٔ بسیار مفصّلی را در مورد تشریح أهداف و چگونگیِ تأثیر گذاری، و آماده سازیِ جامعه، برای بزرگداشت شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها اجرا نمودیم، که با استقبال بسیار خوب و علاقمندانهٔ آیه الله شاهرودی، وعموم نمازگزاران مسجد مواجه گردید.

پس از آن به منزل آیه الله شاهرودی رفتیم، و تا ساعتهائی از شب به گفتگو

دربارهٔ عنایات أهل البیت علیهم السلام و بالأخص حضرت زهرای مرضیّه سلام الله علیها پرداختیم، و ایشان قضایای بسیار جالبی از حمایت های حضرت زهراء سلام الله علیها از یاران و دوستانشان نقل فرمودند، که تأثیر جالبی در روحیّه أعضاء کاروان تبلیغی فاطمیّه بر جای گذاشت، و آنها را برای فعّالیّت هر چه بیشتر، آماده نمود.

صبح روز بعد، پس از نماز و توسّل و استغاثه به ذیل عنایت حضرت زهراء سلام الله علیها و فرزند عزیزشان سیّدالشّهداء علیه السلام عازم سبزوار شدیم، و به منزل عالم برجسته و بزرگوار شهر، حضرت آیه الله، سیّد محمّد حسن علوی دامت برکاته وارد شدیم، و در آن هنگام جلسهٔ درس تشکیل می گردید، ولی به احترام حضرت زهراء سلام الله علیها مدرسه درس را تعطیل نمودند، و این نویسندهٔ کمترین، جریانات فاطمیّه در شهرها و مناطق گوناگون کشور، و شروع نهضت فاطمیّه و اقدامات أنجام شده را تشریح نموم، و برنامه های پیشنهادی و قابل عمل در شهر سبزوار را تشریح کردم، و با توجّه به اینکه عدّهٔ زیادی از علماء و روحانیّون شهر(که امام جماعت یاخطیب و واعظ بودند) در آن مجلس حضور داشتند، بهره برداری بسیار مفید و مؤثّری، برای بزرگداشت أیّام شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها در سبزوار أنجام گرفت، و در همان یک مجلس، پیام فاطمیّه، به تمامیِ مساجد و محافل دینی و اجتماعی شهر مذهبِی سبزوار منتقل گردید، و سپس مقدار زیادی از پرچمها و پوسترهای متنوّع، مربوط به حضرت زهراء سلام الله علیها در اختیار آقایان علماء شهر قرار گرفت، که در أماکن مورد توجّه نصب نموده، و مورد استفاده عموم قرار دهند.

نماز جماعت ظهر و عصر را در محضر آیه الله علوی بودیم، پس از یک پذیرایی بسیار صمیمی و وِلائی، به سوی مشهد مقدّس رهسپار شدیم،وبا

دلهائی امیدوار، و کوله باری از دردهاوحاجتها، به حریم قدس رضوی قدم نهادیم.

پس از غسل زیارت، تشرّف به حرم مطهّر و استغاثه به ذیل عنایت آن امام رئوف ،دست به کار تبلیغات فاطمیّه شدیم (۱).

برای نماز صبح به مسجد ملّاحیدر رفتیم،وپس از نماز جماعت به تشریح برنامه های فاطمیّه پرداختیم، که با توجّه به حضور جمعیّت بسیاری از زائرین تهرانی و شهرستانی ،و مجاورین مشهد مقدّس، که بسیاری از آنها از صاحبان نفوذ اجتماعی و معتمدین شهرهای خود بودند، و جمعی از علماءو روحانیّون نیز حضور داشتند، تأثیر بسیار فراوانی داشت، و در دگرگونیِ اساسی، نسبت به گرایش اجتماعی به سوی بزرگداشت همه جانبهٔ مراسم فاطمیّه، نقش بسیار زیادی ایفا نمود، که در مدّت اقامت در مشهد مقدّس، و پس از مراجعت به اصفهان، عکس العمل های آن را در گزارشهای گوناگون،و به نحو گسترده در می یافتیم.

برای نماز مغرب و عشاء، به مسجد حضرت آیه الله العظمی، آقای حاج شیخ علی آقا فلسفی دام ظلّه رفتیم، و پس از اقامهٔ نماز جماعت، خطیب بزرگواری که قرار بود سخنرانی بنمایند، و در مجلس صبح، در مسجد ملّاحیدر حضور داشتند، و تأثیر عجیب و سازندهٔ برنامهٔ بزرگداشت فاطمیّه را مشاهده نموده بودند، با حالتی بسیار متواضعانه و مخلصانه نسبت به حضرت صدّیقهٔ

۱- قبل از این سفر،و أنجام برنامه های تبلیغیِ فاطمیّه عدّه ای از مردم مشهد،درأثربی خبری از أیّام فاطمیّه مراسم عقد وعروسی خود را در آن أیّام أنجام می دادند،و چهرهٔشهر به طور کلّی،از حال وهوای أیّام شهادت زهرای مرضیّه سلام الله علیها نشانه ای نداشت،ولی با لطف و عنایت الهی ،در اثر اقدامات یاد شدهٔ در متن،تحوّلی أساسی حاصل گردید

طاهره سلام الله علیها تشریف آوردند و فرمودند: شما برنامهٔ سخنرانی و تشریح أهداف و مقاصد فاطمیّه را دنبال کنید.

جمعیّت أنبوه حاضر در مجلس، که از مدرّسین و طلّاب حوزهٔ علمیّه، و از شخصیّت های محترم بازار و دانشگاهیان، و مسئولین و کارمندان ادارات رسمی، وسایرأقشار جامعه بودند، با توجّه کامل و همراه با أشک بر مظلومیّت فاطمه زهراء سلام الله علیها نزدیک به سه ساعت، تمامیِ برنامه را دنبال نمودند، و کاملاً به تشریح فعالیت های أنجام شده، و برنامه هائی که بایستی در مشهد مقدّس أنجام گیرد، توجّه می نمودند، و نکته هائی را که در تشریح عنایات حضرت زهراءسلام الله علیهاو امام رضا علیه السلام و سایر معصومین علیهم السلام به خدمت گزاران در بزرگداشت حضرت فاطمهٔ شهیده، بیان می گردید،با حال و روحیّه ا ی دگرگون شده،به گوش جان می سپردند،وگویا دیدنِ هر پرچمی، یا پوستری که نام مبارک حضرت زهراء سلام الله علیها بر آن نقش بسته بود،و یا کلامی که دربارهٔ بزرگداشت شهادت آن حضرت گفته می شد، آب گوارائی بود که به جگر سوخته ای می رسید.

پس از پایان برنامه، بسیاری از حاضرین در مجلس، با سخنان تشویق آمیز، و با سؤال نمودن دربارهٔ وظائف آنها در برابر مظلومیّت حضرت زهراء سلام الله علیها و گرفتن آدرس و شماره تلفن برای ادامهٔ ارتباط، برای برنامه ریزی های اجرائی، شدت علاقه و تحت تأثیر قرار گرفتنِ خود را نشان می دادند، و علاوه بر پوستر های فراوانی که در میان جمع حاضر توزیع و اهداء گردید، بسیاری از آنها که در دانشگاه یا اداره ای، یا مسجد و حسینیّه ای، حضور فعّال داشتند، برای آن مراکزومجامع، پوسترهای زیادتری تحویل گرفتند، و با جدیّتِ

ص:۳۶۸

کامل ،در ایجاد حرکت در محیط کار و فعّالیّت خود، دست به کار شدند.

برخی از آنها آن چنان تحت تأثیر قرار واقع شده بودند، که همان شب با سرپرست های ادارهٔ خود، تماس گرفته بودند، و باأشک جاری، آنها را به تصمیم گیری برای برنامه های گسترده تشویق نمودند، و در مقام عمل، به نتیجه های بسیار و غیر منتظره دست یافته بودند.

پس از این برنامهٔ معنوی و پرأثر، در همان سال، بسیاری از ادارات رسمی، و مدارس آموزش و پرورش و...، پرچمهائی برای عزای فاطمیّه نصب نمودند، و در بسیاری از مساجد و حسینیّه ها و...، مجالس عزاداری با گسترش بیشتر برگزار نمودند، و کسانی که همه ساله در أیّام شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها به زیارت حضرت رضا علیه السلام مشرّف می شوند، ما را در جریان دگرگونیِ چشمگیر أیّام فاطمیّه قرار دادند.

اندازهٔ تأثیر برنامه های یاد شده، و پیشنهادات أنجام گرفته، در حدّی بود که عنوانی به جز عنایت اهل البیت علیهم السلام و بالّاخص حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نمی تواند داشته باشد،وَهذامِن فَضلِ الله وَکَرَمِ وَلِیِّهِ الإمامِ الرَّؤُف.

صبح جمعه، در یکی از جلسات دعای ندبه شرکت کردیم، و پس از أنجام برنامه عادّی جلسه، به تشریح برنامه های فاطمیّه و بیان وظائف هیئات مذهبی و عموم مردم پرداختیم، و گزارشی از اقدامات أنجام شده در شهرهای گوناگون، و موفقیّت های حاصله را برای حاضرین توضیح دادیم، که تأثیر شگرفی داشت، و آن چنان همه را منقلب کرد که در حدود یک ساعت به سینه زنی، همراه با أشک و آه جانسوز پرداختند، و تصمیمات قاطعی برای گسترش فاطمیّه اتّخاذ گردید، و مقدار زیادی از پوسترهای فاطمیّه، که در ضمنِ

طرحهـای متنوّع ،پیامهـای تکان دهنـده ای در بر دارد، در اختیار شـرکت کننـدگان قرار داده شـد، که در مناطق گوناگون، در معرض دید تماشاگران قرار داده شود.

برای ظهر جمعه، در زائر سـرای الزّهراء سـلام الله علیها برنامه فشـرده ای داشتیم، و مجموعاً در مدّت اقامت در مشهد مقدّس، با عدّه ای از خطباء ووعّاظ و مدّاحان، و نیروهای فعّال مذهبی، و دلباختهٔ أهل البیت علیهم السـلام دیدار و گفتگو داشتیم، که در آماده سازی آنها برای اجراء و گسترش مراسم بزرگداشت حضـرت زهراء سلام الله علیها در مشهد مقدّس، تأثیر بسزائی داشت ،و در حسینیّهٔ اصفهانیها نیز برنامهٔ تشریحی مفصّلی، برای زائرین داشتیم، که مورد توجّه قرار گرفت .

پس از زیارت وداع با حضـرت علی بن موسـی الرّضا علیه السـلام رهسـپار تهران شدیم، و در بین راه، در نزدیکیِ شهر قوچان، یکی از اتومبیـل هـا نقص فنّی پیـدا کرد، و به ناچـارصبر نمودیم که عیب اتومبیـل برطرف شود، و هنگـام نمـاز مغرب و عشـاء رسـید،لذا به مسجد جامع قوچان رفتیم ،و ملاحظه نمودیم که جمعیّت بسیار زیادی اجتماع نموده اند، و شبستان بزرگ مسجد، مملوّاز جمعیّت نمازگزار(أعمّ از زن و مرد) بود، از همـهٔ أقشار جامعه درآن اجتماع حضور داشـتند، و به خوبی می توان گفت که ،همهٔشهر قوچان ،در مسجد حاضر بودند، چون از هر قشر و طبقه ای، عدّه ای در نماز جماعت شرکت داشتند.

با دیـدن این جمعیّت فراوان و متنوّع، متوجّه شـدیم که نقص فنّیِ اتومبیل، بهانه ای برای حضورما در این مجلس، و تبلیغ برنامهٔ فاطمیّه، به شکل وسیع و غیر منتظره بوده است.

امام جماعت مسـجد، به شـکل عجیب و تکان دهنده ای ،از پیشـنهاد اجرای برنامهٔ فاطمیّه اسـتقبال نمود ،و لذا به نحو مفصّل به تشریح أهداف ،و برنامه ها،

وظائفی که علماء و مردم و مسئولین رسمیِ جامعه، در بزرگداشت شهادت حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها دارند، و آثار و برکات آن پرداختیم، مورد استقبال کم نظیر همۀ نمازگزاران قرار گرفت، و آنها با دیدنِ دهها نوعِ پوستر و پرچم فاطمیّه، شگفت زده شدند،و در هنگام اشاره به مظلومیّت و شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها شدیداً می گریستند، و با اینکه مجلس یاد شده نزدیک به سه ساعت طول کشید، نه تنها خسته نشدند، بلکه امام جماعت مسجد می گفتند، من از این حال و هوای مردم و شور و شوق آنها تعجّب می کنم، من باور نمی کردم که این همه برنامه متنوّع، در یک مجلس، با این سوز و ناله و علاقه و توجّه، مورد استقبال عمومی(با تفاوتی که در روحیّه ها وجود دارد) قرار گیرد.

به همۀ حاضرین به نحو گسترده پوستر اهداء گردید، و برای مراکز علمی و اجتماعی و مساجد و حسینیّه های دیگر نیز، پرچم و پوستر داده شد.

پس از پایان جلسه، و نتیجه و بهره گیری غیرمنتظره از آن، همه به این باور رسیدیم که دست غیبی یاری می دهد، و به بهانۀ نقص فنّی اتومبیل، چنین فرصت جالبی برای دستیابی به هدف مقدّس کاروانِ تبلیغیِ فاطمیّه،به دست آمد، خدا را شکر کردیم.

صبح هنگام، راهیِ تهران شدیم، و در شهرهای شیروان- بجنورد- گرگان و ساری، به نصب و توزیع پوستر پرداختیم، و شب را در ورسک استراحت نمودیم، و فردای آن، پس از نماز صبح و دعا و توسّل، عازم تهران و قم شدیم، و پس از زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها و تشکّر از عنایت و حمایتشان، عازم اصفهان شدیم، و کارنامۀ تبلیغیِ، سفری دیگر، و کوششی دیگر بسته شد.

ص:۳۷۱

سفر به شهرهای کویری و خراسان و تهران و قم

در سال ۱۴۱۸ (۱۳۷۶ شمسی) در آستانهٔ أیّام شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها، کاروان تبلیغیِ فاطمیّه، از مسیرکویر به سوی مشهد مقدّس حرکت در آمد، و در بازگشت در استان سمنان و تهران أنجام وظیفه نمود، و به فیض خدمتگزاری به آستان مقدّس حضرت زهرای مرضیّه سلام الله علیها نائل گردید(۱).

در شروع سفر، پس از اجرای برنامهٔ توسّل و استغاثه، در بیت الزّهرا سلام الله علیها به سوی شهر نائین حرکت کردیم، برای نماز مغرب و عشاء در مسجد حضرت سجّاد علیه السلام وارد شدیم، و این مسجد، دارای موقعیّتِ بسیار شایسته ای می باشد، و برنامه های دینی و ولایتیِ جالب توجّهی دارد، و امام جماعت آن، حجه الإسلام و المسلمین آقای أنصاری زاده دامت برکاته، حال و روحیّه ولائی شایسته ای دارد، و نسبت به أهل بیت علیهم السلام و بالأخص حضرت زهرای مرضیّه سلام الله علیها علاقه و محبّت زائد الوصفی، از خود نشان می دهد.

پس از برگزاری نماز جماعت به وسیله این کمترین، به تشریح برنامه های فاطمیّه، و لزوم حرکت گسترده برای بزرگداشت شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها

۱- شب قبل از شروع سفر،یکی از مخلصین حضرت زهراءسلام الله علیها که درآستان مقدّس آن حضرت گامهای بسیار متواضعانه ومخلصانه برداشته،توسّلی پیدا می کند،و از درگاه خداوند متعال،عاجزانه تقاضا می نماید که،نشانه ای برای عنایت در این سفر به او نشان داده شود،شب در عالم رؤیا در یک لحظه،همسفر ها را می بیند،و ندائی می شود(کابینهٔ زهرائی)ویکی دیگر از یاران دلباختهٔ حضرت زهراء سلام الله علیها در غالم رؤیا می بیند،پاکتهای سبز رنگی در کنار هم گذاشته شده،وندائی بلند شد که در هر کدام از این پاکتها،برنامهٔ هر مجلسی نوشته شده است.و راستی چنین بود ،آن چنان برنامه ها بدون برنامه ریزیِ قبلی،یا بر خلاف برنامه ریزی أنجام شده،اتّفاق می افتاد،وبا موفقیّت به نتیجه می رسید،که همه را حیران می ساخت.

پرداختیم،که مورد استقبال پرشور مردم قرار گرفت، وآنها با دیدن پرچمها و پوسترهای فاطمیّه، أشکهایشان جاری، و چهره هایشان غمزده گردید، و با اینکه در زمینهٔ بزرگداشت أهل بیت علیهم السلام و حضرت زهراء سلام الله علیها سابقهٔ درخشان و افتخارآمیزی دارند، ولی آن جلسه، تأثیر بسیار عجیبی داشت، که در گسترش برنامه های سوگواری، و حرکت کاروان عزاداری، در شهر نائین، و سیاه پوش نمودن خیابانها، و مردم علاقمند آن، در روز شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها نقش مؤثّری ایفا نمود.

صبح هنگام، پس از نماز جماعت و خواندن زیارت عاشورا،به سوی شهر أنارک رهسپار شدیم، ودر آن شهر،در سطحی وسیع به نصب وپخش پوستر های فاطمیّه پرداختیم،و از طریق کویر به سوی دامغان رهسپار شدیم،و در بین راه،در شهر جندق،به نصب و پخش وسیع پوستر مشغول شدیم،و برای نماز ظهر و عصر در محلّ معلّمان وارد شدیم،و پس از اقامه نماز ظهر و عصر، و عزاداری و تشویق مردم به برنامه های فاطمیّه، و تحویل امکانات مالی و تبلیغی(۱) برای نماز مغرب و عشاء، در یکی از مساجد مهم و پرجمعیّت دامغان، به سخنرانی و تشریح برنامه های لازم برای بزرگداشت شهادت

۱- با اینکه«معلّمان»یک محلّ کوچک و با جمعیّت کمی می باشد،ولی اجرای برنامه های تبلیغی فاطمیّه،تأثیر بسزائی داشت،ودر ایجاد جوّ معنوی در کاروان تبلیغی بسیار مؤثّر بود،وهمه را به سوی اخلاص(که سرمایهٔ أصلی این تبلیغات می باشد)حرکت داد،و اجتماع جمعی محدود از روستائیان،که عمدهٔ آنها را نو جوانان با صفای روستائی تشکیل می دادند،یک انقلاب روحیِ به یاد ماندنی،درأعضای کاروان(که متشکّل از مدرّسین و طلّاب و تحصیل کرده ها و فارغ التّحصیل های دانشگاه،و برخی از بازاریان بودند)ایجاد نمود،وهمه را به سپاسگزاری در پیشگاه خداوند متعال و اداشت،که موفّق شده اند در این فضای معنوی ،و فقط به خاطر خشنودی حضرت زهراء سلام الله علیها أنجام وظیفه نمایند.

حضـرت زهراء سـلام الله علیها و نشان دادن پرچمها و پوسترها، و اهداء آنها به حاضـرین پرداختیم،که شدیداً مؤثّر واقع شد، و امام جماعت مسـجد(که از روحانیّون فعّال و با نفوذ شـهر بودند) تصمیم گرفتند که، مسئولین هیئات مذهبی و معتمدین شهر،و دیگر شخصـیّت هـای مؤثّر را، در جلسه ای دعوت نماینـد، و برنـامه هـای فـاطمیّه را برای آنها تشـریح نماینـد، و همه را برای بزرگداشت أیّام شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها در سطح وسیع و همه جانبه آماده نمایند.

صبـح هنگام، پس از نماز جماعت و زیارت عاشوراء، و دعا و توسّل برای تـداوم عنایت الهی، و حمایت های صاحبان ولایت، به سوی شـهر شـاهرود حرکت کردیم، و قبل از ظهر در خیابانهای شـهر، به نصب پوستر در مغازه ها و ادارات و مراکز عمومی پرداختیم، و برای نمـاز جمـاعت ظهر و عصـر به مسـجد صـاحب الزّمان علیه السـلام رفتیم، و با حضور آیه الله ،حاج سیّد علی شاهرودی دام عزّه به تشـریح برنامه های فاطمیّه پرداختیم، که شدیـداً مورد توجّه قرار گرفت، تا آنجا که بیش از یک ساعت و نیم ،همـۀ مردم، أعمّ از زن و مرد، به سـخنرانی و تشریح برنامه ها گوش می دادنـد، و با أشک جاری، حمایت و تأیید خود را نسبت به مراسم بزرگداشت حضرت زهراء سلام الله علیها اظهار داشتند، و با زبان و دل، آمادگی خود را برای بزرگداشت أیّام فاطمیّه اعلام نمودند.

بعـد از ظهر، پس از پـذیرائی همراه با عنایت آیه الله شاهرودی، و تأییـد ایشان در اموریاد شـده، به سوی سبزوار روانه شدیم، و فقـط در بین راه، در محلهـای منـاسب به پخش و نصب پوستر پرداختیم، و در شـهر سبزوار پس از اقـامه نماز جماعت مغرب و عشـاء در مسـجد جـامع شـهر، برنـامه مفصّل سـخنرانی و تشـریح أهـداف فاطمیّه داشتیم، و مردم را به برگزاری مراسم گستردۀ عزاداری و حرکت دستجات سینه زنی تشویق نمودیم، وسپس با اهداء پوسترهای زیاد برای نصب و پخش درشهر، و هماهنگی با بعضی از متنفّذین در مساجد و هیئات مذهبی،

برنامه را به پایان رساندیم.

صبح هنگام، پس از نماز و زیارت عاشوراء، به سوی مشهد مقدّس رهسپار شدیم، و در بین راه در فرصت های مناسب، در تبلیغ فاطمیّه و نشر و پخش پوستر اقدام نمودیم، تا به آستان مقدّس امام علی بن موسی الرّضا علیه السلام شرفیاب گشتیم.

در جوار امام رؤف و مهربان، به عرض نیاز برای جلب عنایات و الطاف آن حضرت ،برای موفقیّت نهضت فاطمیّه، و جهانی شدن آن پرداختیم، و همهٔ دوستان، مهمترین حاجتشان بیداریِ همهٔ مسلمانان و مردم جهان،و آشنائی آنها با مظلومیّت حضرت زهراء سلام الله علیها و آمادگی عمومی برای دفاع از حق آن حضرت، و همسر مظلومشان أمیرالمؤمنین علی علیه السلام بود.

در این سفر، از ابتدای امر، قصد توسّل به حضرت رضا علیه السلام و التجاء به آن کهف حصین، به عنوان مقصد أصلی حرکت، در جمع همراهان مطرح گردیده بود، و همه می دانستند: فعّالیّت هائی که در زمینهٔ تبلیغات فاطمیّه أنجام می شود، هنگامی به نتیجه صحیح و مطلوب می رسد، که مورد نظر عنایت صاحبان ولایت قرار بگیرد، و با این امید به حرم مطهر امام علی بن موسی الرّضا علیه السلام مشرّف شدیم.

در شهر مشهد مقدّس، به دیدار مرجع عالیقدر، حضرت آیه الله العظمی، آقای حاج آقا حسن قمّی مدّظلّه العالی رفتیم،و گزارش برنامه های فاطمیّه و أهداف سفرها و گسترش فعالیّت ها را در سطح کشور، به عرض ایشان رساندیم،و آن بزرگوارشدیداً تحت تأثیر قرار گرفتند، و با أشک جاری و از صمیم قلب، برای موفقیّت خدمتگذاران حضرت زهراء سلام الله علیها دعا نمودند، و سپس به ذکر مصائب و مظلومیّت آن حضرت پرداختیم، که همهٔ حاضرینِ در محضر آن مرجع عالیقدر، و راسخ در ولایت اهل البیت علیهم السلام، در حالت عجیبی از سوز و گداز قرار گرفتند،که خاطرهٔ آن مجلس، هرگز فراموش نمی شود.

ص:۳۷۵

پس از آن، دهها نوع از پوستر ها و پرچمهای فاطمیّه به محضر ایشان ارائه و تقدیم گردید، که موجب خوشنودی ایشان شد ،و از اینکه مردم شهرها، به ویژه اصفهانیها، موفق شده اند چنین اقداماتی را در راه دفاع از مظلومهٔ تاریخ أهل البیت علیهم السلام انجام دهند، خوشحال گردیدند، و از صمیم قلب دعا نمودند. هم چنین در یکی از روزهای اقامت در جوار حضرت رضا علیه السلام، به بیت شریف مرجع عالیقدر، مرحوم آیه الله العظمی، آقا سیّد عبدالله شیرازی قدس سرّه رفتیم،و جریان نهضت فاطمیّه و برنامه های گستردهٔ آن را، برای آیه الله زادهٔ معظّم، و مهمانهای ایشان،که از عربستان سعودی، و از منطقه شیعه نشین آن کشور بودند، تشریح کردیم، و آنها شدیداً تحت تأثیر قرار گرفتند، و تصمیم گرفتند که با توجّه به شرائط خاصّ کشور سعودی، برنامهٔ شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها را در مجالس متعدّد، و با روشهای ممکن، مورد توجّه قرار دهند.

آنها با دیدن دهها نوع پوستر،که از تنوّع گسترده، و طرحهای زیبا، و جمله های تکان دهنده، دربارهٔ فضائل حضرت زهراء سلام الله علیها و مظلومیّت و شهادت آن حضرت بر خوردار بود، تحت تأثیر قرار گرفته، و از این ملاقات و گفتگو، و اطّلاعاتی که دربارهٔ فاطمیّه در کشور ایران به دست آوردند، خشنود شدند، پس از آن یک روضه خوان عرب زبان، شروع کرد به ذکر مصیبت، که زلزله ای به راه افتاد، و همهٔ حاضرین در یک انقلاب روحی عجیبی قرار گرفتند، و احساس نمودند که سفر و زیارت و عرض أدب آنها، مورد عنایت و لطف قرار گرفته است.

در مدّت اقامت در مشهد مقدّس، و فعّالیّت برای برنامه های فاطمیّه، یکی از خادمین با اخلاص حضرت رضا علیه السلام به عنوان تشکّر برای این امر، دو عدد از قبض های نهارِ مهمانسرای امام علی بن موسی الرّضا علیه السلام را به جمع کاروان فاطمیّه اهداء نمود، و همه آن آن را به فال نیک گرفتند، و همهٔ یاران و همسفران به

عنوان فیض معنوی،لقمه ای از آن غذای متبرّک تناول نمودند.

پس از زیارت وداع، از مشهد مقدّس رهسپار تهران شدیم و در بین راه برنامه هائی فشرده و سریع داشتیم، و در شهر تهران برای نماز مغرب و عشاء به یکی از مساجد قسمت بالای شهر رفتیم، که مسجدی باشکوه، منظّم و پر جمعیّت بود، و پس از اقامهٔ نماز، به تشریح برنامه های فاطمیّه و ارائهٔ برنامه های أنجام شده پرداختیم، و در ضمنِ نشان دادن پرچمها و پوسترها، نکته های مهمّ مصائب حضرت زهراء سلام الله علیها و وظائف ما در برابر مظلومیّت آن حضرت را بیان می کردیم، که در آماده سازیِ مردم، نقش بسزائی داشت.

جمعیّت حاضر، که بسیاری از آنها تحصیلات عالیه داشتند، و بعضاً دارای مسئولیت های مهم اجتماعی بودند، و عدّه ای از آنها از بازاریان بسیارموقّر به شمار می آمدند، و عموماً دارای فرهنگ اخلاقی و اجتماعیِ برجسته ای بودند، آن چنان نسبت به ساحت مقدّس حضرت زهراء سلام الله علیها عرض ادب و اخلاص نمودند، و با قطرات اشك و چهره های محزون خود ،آمادگی خود را برای بزرگداشت شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها اعلام داشتند که حیرت آور و عجیب به نظر می رسید.

پس از پایان مجلس، بسیاری از آنها که دارای موقعیّت خاصّی بودند، و با توجّه به مقام یا نفوذ اجتماعی و دینیِ خود، می توانستند فعالیّت مناسبی را در این زمینه داشته باشند، با مذاکره و گفتگو و سؤال دربارهٔ راههای اجرائی این حرکت دینی و معنوی، تصمیم جدّی خود را برای حضور فعّال در نهضت مقدّس فاطمیّه اعلام می نمودند(۱).

۱- پس از پایان جلسه،یکی از بانوان با ولایت ومتدیّن وبا ادب،که از نمازگزاران مسجد بود گفت:من دیشب در عالم رؤیا دیدم که شما سخنرانی می کنید،وپوستر های حضرت زهراء سلام الله علیهارا به مردم نشان می دهید.(در حالی که هیچ کس ،قبلاًاز حضور ما در مسجد یاد شده اطّلاع نداشت،ورسیدن ما به این مسجد ،بدون هماهنگیِ قبلی،وبعد از اذان مغرب بود،و بانوی یاد شده نیز،هیچ آشنائی قبلی با اعضاءکاروان فاطمیّه نداشته،و این کمترین را هیچگاه ندیده بوده است).

پس از آن، به جلسهٔ «مجمع الذّاکرین»(که مدّاحان و مرثیه سرایان تهران، در آن اجتماع می نمایند، و سرپرست آنها، شاعر و مداح نامدار، آقای حاج غلامرضا سازگار« متخلّص به میثم» می باشد) رفتیم.

آقای سازگار، به مجرّد ورود کاروان تبلیغیِ فاطمیّه مراتب احترام خود را نسبت به ساحت مقدّس حضرت زهراء سلام الله علیها اظهار داشتند، و مجلس را در اختیار ما قرار دادند.

در مجلس یاد شده، شمار زیادی از مدّاحان اهل البیت علیهم السلام از سراسر شهر تهران و برخی شهرهای دیگر حضور داشتند، که زمینهٔ بسیار مناسبی برای فعّالیّت تبلیغیِ برای گسترش برنامه های فاطمیّه بود، و لذا به تفصیل لازم، دربارهٔ اقدامات انجام شده در این زمینه، و برنامه های مؤثّر در آماده سازی جامعه، برای تشکیل جلسات عزاداری، و حرکت دستجات سینه زنی، و سیاه پوش شدن مردم در سوگ حضرت زهراء سلام الله علیها و نصب پرچمهای عزا در مراکز عمومی، و مؤسّسه ها و سازمانهای دولتی و خصوصی، و سرودن اشعار جدید و حفظ نمودن و استفادهٔ از انها در مجالس سوگواری،و سایر برنامه هائی که در شهر اصفهان به اجراءدر آمده بود،سخن گفتیم.

حاضرین در مجلس،که عمتداًاز خدمتگزارانِ اهل البیت علیهم السلام واز مدّاحان خاندان رسالت بودند، همانند سربازی فداکار و از جان گذشته، آمادگیِ خود را برای اجرای برنامه های مؤثّر، در رشد نهضت فاطمیّه سلام الله علیها اعلام نمودند، و با

واکنشهای روحی بسیار جالب(که از طرز نگاه،و اشک جاری، و ناله های جانسوز آنها، در هنگام اشاره به مظلومیّت های آن حضرت، و بیان مسئولیّت های عاطفی و دینیِ انسانها، در برابر آن مظلومهٔ شهیده، آشکار می گردید) آمادگی خود را برای شرکت در این حرکت مقدّس اظهار می داشتند.

مجلس تا پاسی از نیمه شب ادامه یافت ،و آقای سازگار، با قرائت شعری که به تازگی سروده بودند، حال و هوای معنوی عجیبی به مجلس بخشیدند، و جمعیّت حاضر، آن چنان تحت تاثیر احساسات شدید فاطمی قرار گرفتند، که هر کدام از آنها، با توان و نیروی ولائی که به دست آوردند، مصمّم گردید که در مناطق گوناگون تهران ،و مساجد و حسینیّه ها و هیئتها، و نیز در هر فرصت مناسب دیگر، مجدّانه برای بزرگداشت شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها و جلب توجّه مردم به این حرکت الهی، اقدام نمایند.

از نکات قابل توجّه این بودکه، در ضمن برنامه های پر شور وسوز جلسه، علاوه بر اشک جاری و طولانی و عمومی، چندین نفر از هوش رفتند و برخی، سرهای خود را از شدّت نگرانی برای مصائب حضرت زهراء سلام الله علیها به دیوار می کوبیدند، و جناب آقای سازگار در همان شب میهمان داشتند، ولی به احترام صدیقهٔ کبری سلام الله علیها تا آخر جلسه (که تا بعد از نیمه شب ادامه داشت) حضور داشتند، و مهمان های متعلّق به حضرت زهراء سلام الله علیها را، بر مهمانهای شخصی خود مقدّم داشتند.

مقدار زیادی پوستر و پرچم، علاوه بر حاضرین در مجلس، در اختیار مجمع الذّاکرین قرار دادیم، که برای برنامه های تبلیغیِ فاطمیّه، در شهر تهران مورد بهره برداری قرار گیرد.

صبح هنگام، عازم قم شدیم، و علاوه بر تشرّف به زیارت کریمهٔ اهل البیت حضرت معصومه سلام الله علیها و استمداد از روح مقدّس آن حضرت، شرفیابی به

محضـر بعضـی از مراجع معظّم تقلیـد، و تشـریح برنامه های سـفر تبلیغی، و عموم برنامه های فاطمیّه، برای نماز ظهر و عصـر به مسجد امام حسین علیه السلام(۱) رفتیم، و در نماز جماعت آیه الله العظمی، آقای حاج سیّد محمّـد باقر موحّد ابطحی دام ظلّه العالی شرکت جستیم.

پس از اقامهٔ نماز جماعت، و با حضور عدّه ای از فضلاء و علماء و بازاریان و دیگر اقشار مردم، به تشریح برنامه های فاطمیّه، و نتیجهٔ سـفر پر باری که به پایان آن نزدیک می شـدیم، و اسـتقبال تمامیِ مردم در همـهٔ شـهرها پرداختیم، و با توجّه به شـرائط خاصّی که در حـوزهٔ علمیّه و شـهر مقـدّس قم وجـود دارد، راههـای اجرائی و عملیِ تـوجّه عمـومی به نهضت فـاطمیّه را بیـان نمـودیم، و بـا بهره گیری از رهنمودهـای اساسـی و حیـاتیِ مرحوم آیه الله العظمی،آقـای گلپایگـانی قـدس سرّه، در یکهزار و چهارصدمین سال شـهادت حضرت زهراء سلام الله علیها، وظائف مردم را در برابر حق آن حضرت بیان کرده، و با اهداء پوستر های متنوّع و پرچمهای متعدّد، به پایان برنامه رسیدیم.

هنگام عصـر عازم اصفهان شدیم،و برای نماز مغرب و عشاء در یکی از مساجد شهر دلیجان حضور یافتیم، و پس از اقامهٔ نماز، مردم این شـهر را نیز توجیه نمودیم، و بیش از یـک ساعت، به بیان مسائل فاطمیّه و توزیع پوستر و تشـریح اهـداف این حرکت ولائی پرداختیم، و در اینجا، کارنامهٔ یکی دیگر از مسافرتهای دسته جمعی تبلیغیِ فاطمیّه، به پایان رسید.

ص:۳۸۰

۱- مسـجد امام حسـین علیه السـلام واقع در بازار می باشـد،واز نظر معنوی ،دارای موقعیّت ویژه ای است،و قبلاً محلّ اقامهٔ نماز جماعت،به وسـیلهٔمرجع عالیقـدر جهان تشیّع،مرحوم آیهالله العظمی آقای سیّد محمّـدرضا موسوی گلپایگانی قدس سرّه بوده است.

سفر به استا نهای قزوین – زنجان –آذربایجان شرقی – اردبیل – گیلان

در سال ۱۴۱۹ قمری(۱۳۷۷ شمسی) و در آستانهٔ ایّام فاطمیّه، باعدّه ای ازدوستان و یاران فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها با چند اتومبیل سواری، برای تبلیغ برگزاری مراسم بزرگداشت شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها عازم چندین استان گشتیم.

در ابتداء، جلسهٔ توسّلی برگزار نمودیم، و برای استمداد از روح مقدّس حضرت معصومه سلام الله علیها(مظهرعنایات و کرامات حضرت زهراء سلام الله علیها) عازم قم شدیم، و پس از زیارت و کسب نیروی معنوی، رهسپار قزوین شدیم. در بین راه، در پمپ بنزین ها، و مسجد های محلّ اجتماعِ مسافرین، در سطح گسترده ای پوسترهای فاطمیّه را نصب کردیم.

برای نماز ظهر و عصر به مسجد جامع قزوین رفتیم، و در آنجا چندین نماز جماعت برگزار می گردید، و در دو شبستان، همزمان، دو برنامهٔ تبلیغی، و سخنرانی و تشریح اهداف فاطمیّه، و سایر برنامه های لازم الإجراء داشتیم، و با حضور عدّه ای از روحانیّون و طلّاب و مردم علاقمند قزوین، برای گسترش مراسم عزاداری و دسته جات سینه زنی در ایّام فاطمیّه، توصیه های لازم را به سمع حاضرین رساندیم، که مورد توجّه قرار گرفت.

پس از صرف ناهار، به زیارت مزار شریف چهار أنبیاء علیهم السلام و نیز شاهزاده حسین بن علّی بن موسی الرّضا علیه السلام(که از زیارتگاه های بسیار مهم در قزوین و کلّ منطقه است) مشرّف شدیم، و سپس عازم زنجان گشتیم.

در شهر زنجان، با تشکیل گروههای منسجم، هر دسته ای در مغازه ها و اماکن عمومیِ بخشی از شهر، به نصب پوستر پرداختند، و مردم را به حضور در

مسجد بزرگ و قدیمیِ شهر(که مسجد جامع زنجان، و حوزۀ علمیّه نیز می باشد) دعوت کردند، و در هنگام نماز جماعت، جمعیّت بسیار عظیمی اجتماع نمودند، که با توجّه به اینکه حاضرین در مراسم نماز جماعت، از حوزۀ علمیّه و دانشگاه، و از اصناف گوناگون، و شاغلین در ادارات، و مسئولین مراکز مهم و حسّاس شهر بودند، زمینۀ بسیار خوب و مناسبی برای تبلیغ برنامه های فاطمیّه فراهم گردیده بود، و لذا در مدّت زمانی نزدیک به دو ساعت و نیم، به تشریح روشهای مهم و مؤثّر در ایجاد موج نهضت فاطمّیه، و ارائۀ نمونه های متنوّعی از کارهای انجام شدۀ در اصفهان پرداختیم، و با نشان دادن نمونه هائی از صدها نوع پرچم دست نوشته، با شعارها و مضمونهای مهیّج و بیدارگر، و نیز نشان دادن دهها نوع پوستر،باطرحها و مضامین بسیار متنوّع، مردم علاقمند زنجان را در جریان برنامه های قابل عمل، در نهضت فاطمیّه قرار دادیم، که با توجّه به زمینه های بسیار مساعد دینی و اعتقادی ،که در حاضرین وجود داشت، بسیار مورد استقبال قرار گرفت، و پس از آن، یک برنامۀ سینه زنیِ پرشور و سوزی انجام شد، که همه را منقلب نمود، و سپس به همۀ حاضرین از انواع پوستر ها هدیه داده شد.

بعد از پایان برنامه عمومی، عدّه ای از اشخاص مؤثّر در برنامه های دینی و اجتماعی، مذاکرات متنوّعی داشتند، و برای ایجاد تحوّل در محیط های دیگر، و مراکز اجتماعی و مساجد شهر و روستاهای مختلف، راهنمائی خواستند، و پرچم و پوستر در حدّ لازم برای فعّالیّت آنها، در اختیارشان قرار گرفت .

در منزل یکی از دلباختگان اهل البیت علیهم السلام از پذیرائیِ با صفا و با اخلاص ایشان بهره گرفتیم، و صبح هنگام، پس از نماز و دعا و زیارت عاشوراء، عازم

ص:۳۸۲

مسیر آذربایجان شده و در جایگاههای مناسب و عمومی، پوستر های حضرت زهراءسلام الله علیها را نصب نمودیم، و برای نماز ظهر و عصر، در مسجد جامع شهر هشترود به ادامهٔ برنامهٔ فاطمیّه پرداختیم، و در سطح شهر، در مغازه ها و اماکن عمومی، به نصب پوستر اقدام نمودیم، و خبرنگاران منطقه، مصاحبه نمودند ودربارهٔ اهداف این کاروان بی نام و نشان(با وسعت فعّالیّت و اقداماتی که خودشان در سطح شهر ملاحظه نمودند) و با تشریح جنبه های معنویِ این فعالیّت ها، پاسخ سؤالات آنها داده شد.

پس از آن رهسپار مراغه شدیم، و نیم ساعت بعد از مغرب به مسجد جامع شهر رسیدیم، که نماز جماعت پایان یافته بود، مردم در حال متفرّق شدن بودند، ولی با دعوت آنها برای شنیدن برنامه های فاطمیّه، مجدداً اجتماع نمودند، و حتی کسانی که در حال خروج از مسجد بودند نیز مراجعت کردند، و نزدیک به دو ساعت، سخنرانی و تشریح برنامه های فاطمیّه و ارائهٔ انواع پرچمها و پوسترها، و بیان وظائف مردم در همگانی شدن فاطمیّه انجام گرفت، که حاضرین شدیداً تحت تاثیر قرار گرفتند، و سپس به همهٔ حضّار، انواع پوسترها هدیه گردید، تا در منازل و اماکن عمومی نصب نمایند.

به مناسبت یک تصمیم گیری پیش بینی نشده، عازم شهر بُناب شدیم، و به منزل یکی از علاقمندان به اهل البیت علیهم السلام وارد گشتیم، و با اینکه دیر وقت بر او وارد شدیم، و جمعیّت کاروان فاطمیّه زیاد بود، ملاحظه کردیم که او و خانواده اش، با خلوص و علاقه و محبّت زائد الوصفی(که شگفتی همه را برانگیخت) به مهمان نوازی پرداختند، و در ذهن و خاطر همگان سؤال جدّی برای دلیل این همه لطف و محبّت، نقش بسته بود، که در ضمن گفتگوها پاسخ

آن روشن گردید،و معلوم شد شب قبل از این جریان، یکی از فرزندان صاحب منزل، رؤیای عجیبی دیده بوده است، که نشانه های روشن آن، در بیداری ظاهر گردید، و آنها متوجّه شده بودند، که برنامه های این کاروان فاطمی، مورد عنایت اهل البیت علیهم السلام می باشد.

در آن شبِ تاریخی و فراموش ناشدنی، حال و هوایِ معنویِ همراهان عجیب بود، و با توسّل ختم کبیر یا علی(۱) انقلابِ روحیِ عجیبی داشتند، و اشک و ناله و سوز حاکم بر جلسه، شگفت آور و استثنائی بود.

صبح هنگام، پس از نماز جماعت صبح و زیارت عاشوراء و استغاثه به امام زمان علیه السلام به سوی شهر عجبشیر روانه شدیم، و با توزیع و نصب پوستر و ادای توضیحات فشرده، به سوی آذرشهر حرکت کردیم، و با تشکیل گروههای منسجم در تمام شهر، نصب پوستر در انظار عمومی، به نحو گسترده انجام شد، و به صورت دستهٔ عزاداری، وارد مسجد شدیم که جلسهٔ هفتگیِ یک هیئت مذهبی، در آن برگزار گردیده بود، و از فرصت موجود، برای آماده سازیِ مردم شهر، و نیروهای موجود در مجلس، بهره گرفتیم ،و روشهای مناسب برای گسترش برنامه های فاطمیّه را تشریح نمودیم، و مقدار زیادی پوستر در اختیار حضّار مجلس، و نیز مسئولین هیئات مذهبی و امناءمساجد شهر قرار دادیم،و برخی از مسئولین شهر، سؤالاتی در مورد چگونگیِ حرکت کاروان، و اهداف فعّالیّت های یادشده داشتند، که پاسخ داده شد، و آن چنان تحت تاثیر قرار گرفتند، که آنها نیز با حمایت از برنامه های یاد شده، علاقه و محبّت قلبی خود

۱- در ختم یا علی،در یک جلسه،دوازده هزار و یکصد عدد یا علی گفته می شود،که حاصل ضربِ ۱۱۰X۱۱۰ می باشد.

را نسبت به حضرت زهراء سلام الله علیها ابراز داشتند.

پس از آن عـازم تبریز شـدیم، و یـک سـاعت قبل از مغرب به شـهر مـذهبی و ولائیِ تبریز رسـیدیم، و پس از مقـداری فعّالیّت تبلیغی در خیابانها، در یکی از مساجد مهمّ و پرجمعیّت به نام مسـجد طوبی رفتیم، که در جوار مرقد مرحوم آیه الله، حاج میرزا فتّـاح شـهیدی قـدس سـره(صاحب حاشـیه بر مکاسب) قرار گرفته است رفتیم، و در ضـمن یک برنامـهٔ مفصّل تبلیغی، همراه با تشریح فعّالیّت های انجام شده در شهر های دیگر، و ارائهٔ پیشنهادات مفید و لازم الإجراء برای گسترش فاطمیّه، عزاداریِ بسیار مفصّـلی نمودیم، که شدیداً مورد توجّه همگان قرار گرفت. در مسـجد یاد شده، از حوزهٔ علمیّه و دانشـگاه، و از مسـئولین امور اجتماعی و بازاریان، و از همهٔ اصـناف و اقشار جامعه حضور داشتند، و تاثیر همان یک برنامه تبلیغی(که نزدیک به سه ساعت طول کشـید) در سـطح آن منطقه و سایر بخش های تبریز، بسـیار قابل توجّه بود، زیرا عـدّه ای از حضّار از اشـخاص فعّال ،و از علاقمنـدان به اهل البیت علیهم السـلام بوده، و هرکـدام از آنها در اداره یا مدرسه یا دانشـگاه و یا یک مرکز دینی و اجتماعی، تاثیرگذار بودند.

صبـح هنگام، بعـد از نماز و زیارت عاشوراء و توسّل به ذیل عنایت اهل البیت علیهم السـلام عازم ملاقات برخی از علماء شـهر شـدیم، و در بین راه، به مقبره الشّـعراء (محـل آرامگاه شاعر نامـدار، شـهریار تبریزی) وارد شـدیم، و با قرائت اشـعار(علی ای همای رحمت) او، که مورد عنایت ویژهٔ امیرالمؤمنین علی علیه السـلام می باشـد، و نیز توسّل به حضـرت زهراء سـلام الله علیها مجلس بسـیار عجیـبی شـکل گرفت، که همه اعضـاء کـاروان تبلیغی، و نیز کارمنـدان مقبرهالشّـعراء، و عموم بازدیدکننـدگان، تحت تاثیر قرار گرفتند ،و یک اثر روحیِ کم نظیری نسبت به

بزرگداشت شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها در جان همه حضّار حاصل شد،که هر کدام از حاضرین را برای فعّالیّت در زمینهٔ ایّام فاطمیّه به حرکت در آورد.

پس از ملاقات با برخی از علماء شهر، و تشریح اهداف مسافرت، برای نماز جماعت ظهر و عصر به مسجد مقبرهٔ مرحوم قاضی طباطبائی، در بازار تبریز(که از مساجد مرکزیِ شهر می باشد، و جمعیّت بسیار زیادی در جماعت آن شرکت می نمایند) رفتیم، و با توجّه به کثرت جمعیّت، و زمینه های اعتقادی و پای بندیهای دینی و ولائی ،برنامهٔ سخنرانی و تشریح اهداف و وظائف مردم در ایّام فاطمیّه، بسیار مؤثّر واقع شد، و مورد استقبال قرار گرفت، و توزیع پوستر در سطح وسیع، (با توجّه به آمادگی حاضرین برای توجّه دادنِ دیگران به امر فاطمیّه) انجام گرفت.

هنگام عصر، در جلسه ای متشکّل از عدّه ای از روحانیّون فعّال و تاثیرگذار، که در مناطق گوناگونِ شهر فعّالیّت دینی و اجتماعی داشتند، شرکت کردیم، و به دنبال یک سخنرانیِ پرشوری (که به مدّت یک ساعت طول کشید) و همهٔ روحانیّون حاضر در جلسه، در مصیبت حضرت زهراء سلام الله علیها سوختند، و بر مصائب واردهٔ بر آن مظلومهٔ شهیده اشک ریختند،حالت روحیِ عجیبی حاصل گردید، و همگی اعلام کردند: ما امسال در هر فرصتی که بدست بیاوریم، حداکثر تلاش خود را برای نشر و گسترش مراسم عزاداری فاطمه زهراء سلام الله علیها به کار خواهیم گرفت،و به علّت موقعیّت اجتماعیِ حاضرین، مقدار زیادی پوستر و پرچم فاطمیّه در اختیار آنها قرار داده شد.

برای نماز مغرب و عشاء به مسجد کرامت(که محلّ عنایت و کرامت حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه به یک نفر که قطع نخاع شده بود و پس از ۴۳

ص:۳۸۶

روزگرفتاری، شفای آنی و قطعی پیدا کرده است، می باشد) رفتیم، و برنامه های گسترده ای را در مدّت سه ساعت انجام دادیم، و با توسّل به ذیل عنایت حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه برای موفقیّت در امر تبلیغات فاطمیّه سلام الله علیها مجلس خاتمه یافت . و سپس به دیدار مهدیّهٔ تبریز(که در حال ساختمان بود) نائل شدیم، و برای استراحت، به منزل یکی از مدّاحان تبریز(که طبقهٔ دوّم منزل خود را به صورت فاطمیّه درآورده بود) وارد شدیم، و با پذیرائیِ صمیمانه و خالصانهٔ آن بزرگوار و دوستان ایشان، لذّت آبرومندی به خاطر آبروی فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها را، با تمام وجودمان احساس کردیم.

صبح هنگام، پس از نماز جماعت و زیارت عاشوراء و صرف صبحانه، عدّه ای از مدّاحان و مسئولان هیئتهای مذهبی تبریز تشریف آوردند، و علاوه بر بحث و گفتگو دربارهٔ برنامه های فاطمیّه، مرثیه سرائی جالبی دربارهٔ حضرت زهراء سلام الله علیها انجام شد، که بسیار شورانگیز و پر سوز بود، و در آماده سازی همگان برای فداکاری در امور فاطمیّه و دفاع از آن حضرت، تاثیر شگرفی داشت.

پس از آن ،عازم شهر أَهَر و نیز مشکین شهر شدیم، و در شهر اهر در هنگام نماز ظهر و عصر و در مشکین شهر مدتی پس از آن، به انجام وظیفه(در توجّه مردم به فاطمیّه و نصب و توزیع پوستر) پرداختیم، و به هنگام نماز مغرب و عشاء به شهر اردبیل وارد شدیم.

در مسجد جامع اردبیل، در یکی دیگر از مساجد شهر (با تقسیم اعضاءکاروان به دو گروه) برنامهٔ مفصّل و جامعی داشتیم(که با توجّه به اعتقادات پاك، و دلبستگی های عمیق و اصیل، و تربیت های ولائی و ایمانی مردم آن منطقه)بسیار مؤثّر واقع گردید.

ص:۳۸۷

دیدن پرچم ها و پوستر ها ،همراه با جاری شدن اشکها بود، و ارائهٔ پیشنهادات برای فعّال شدن امر فاطمیّه با استقبال و شور و شوق، و سوز و گداز حاضرین همراه بود، آنها تشنه هائی بودند که ذکر مسائل مربوط به حضرت زهراء سلام الله علیهاو بیان لزوم بزرگداشت مراسم شهادت آن حضرت ،همانند آب زلال و گوارا، جگرشان را خنک می نمود، و عاشقانی بودند که ذکر مصائب جانسوز آن شهیدهٔ مظلومه، آتش به جان می افکند، و اصرار داشتند که چند روزی در اردبیل اقامت بجوئیم، و در همه نقاط شهر فعّالیّت کنیم.

شب را در منزل یکی از دلباختگان امام حسین علیه السلام که مردی مخلص، باصفا، متواضع، و دلسوختهٔ حضرت زهراء سلام الله علیها و امام حسین علیه السلام بود، با غذائی بسیار ساده، ولی بسیار گوارا و دلنشین پذیرائی شدیم، و جانمان را با صفای اوصفا بخشیدیم، و هنگام صبح، پس از نماز و زیارت و استغاثه، عازم خروج از منزل شدیم، که ناگاه دیدیم صاحب منزل مثل قطعهٔ کوه، در پیش پای ما افتاد، و با یک حالت عجیب و استثنائی گفت: من دیشب نتوانستم از شما پذیرائی کنم، من خجالت زدهٔ حضرت زهراء سلام الله علیها هستم، بایستی پایتان را روی صورت من بگذارید و عبور کنید،و آن چنان این جمله ها را از عمق جان و از روی صدق و صفا می گفت، که همه را به گریه در آورد، و این نویسندهٔ کمترین، آن چنان تحت تأثیر علاقهٔ او به حضرت زهراء سلام الله علیها قرار گرفتم،(که نسبت به خادمان آن حضرت، این چنین تواضع می نماید) که حالت روحی منقلبی پیدا کردم، و نزدیک بود از هوش بروم، که دوستان به آن مرد دلباخته گفتند: فلانی! سیّد دارد از دست می رود، اصرار نکن و برخیز، و او احترام مقام سیادت و ذریّهٔ حضرت زهراء سلام الله علیها بلند شد، و مدّتی طولانی همه دگرگون بودند (و با

دیـدن این منظره، و انواع موارد مشـابه آن، در شـهرها و منـاطق گوناگون) تماشاگرِ صـحنه های بزرگی از تجلیّ عشق و علاقهٔ دینی و ولاـئی مردم می شدنـد، پس از آن از طریـق آسـتارا،هشـتپر، رشت ،رودبـار، قزوین،کرج، تهران، قم، به سوی اصـفهان رهسـپار شـدیم، و بـا توجّه به اینکه چنـدین گروه برای نصب و توزیع پوستر داشتیم، در تمـامیِ مسـیر، به طور گسترده فعّـالیّت نمودیم، و در هنگـام نصب پوستر هـا، بـا توضـیحات لاـزم، توجّه مردم را به برنـامه هـای فـاطمیّه جلب می نمودیم، و با توفیق الهی، کارنامهٔ سفری دیگر برای عرض ادب به ساحت مقدّس حضرت زهراء سلام الله علیها به پایان رسید.

سفر به استانهای کهکیلویه بویر احمد و چهارمحال و بختیاری و مرکزی

در آستانهٔ ایّام فاطمیّه، در سال ۱۴۲۰ قمری(۱۳۷۸ شمسـی) همراه با عدّه ای از یاران حضرت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها (که از مدّرسـین و طلّاب حوزهٔعلمیّه و دانشجویان وفارغ التّحصیلان دانشگاه، و نیز از اصناف محترم بودند) با چند اتومبیل سواری، به قصـد فعّالیّت تبلیغی، جهت برگزاری هرچه باشـکوهتر مراسم بزرگـداشت شـهادت حضـرت زهراء سـلام الله علیها عازم آن مناطق گشتیم .

هنگـام نمـاز مغرب و عشاء، به مسـجد جامع محلّـهٔ قلعـهٔ سـمیرم رفتیم، و عـدّهٔ زیادی از مردم آن شـهر در مراسم نماز جماعت شرکت جسـتند، و در هنگام انجام برنامـهٔ سـخنرانی و توضـیح برنامه های فاطمیّه، بعضـی از روحانیّون و نیز برخی از مسـئولین عالی رتبـهٔ شـهر نیز حضور یافتنـد، و علاوه بر حاضـرین مجلس، (که تحت تاثیر برنامه ها و پیشـنهادات قرار گرفتنـد) برخی از حاضرین که به علت مسئولیتِ کارهای مذهبی و هیئتی، و موقعیّت برجستهٔ رسمی،

توانـائی بر جهت دهی در سـطح جامعه را داشـتند، تصـمیم گرفتنـد که از انواع امکانات موجود در شـهر،(به علاوه پوسترها و پرچمهائی که در اختیار آنها قرار گرفت) بهره گیری نموده، و در ایّام فاطمیّه، رسماً برنامه های مناسب را به اجراء درآورند، و مراکز آموزشـی نیز، بـا برگزاری مسابقـات دینی،(مخصوصاً در رابطه با شخصیّت و شـهادت حضـرت زهراء سـلام الله علیها) جوانها و نوجوانها را نیز، با معارف فاطمیّه آشنا سازند.

صبح هنگام، پس از نماز جماعت و دعا و اسـتغاثه و صرف صبحانه، چندین گروه، به نصب و توزیع پوستردر اماکن عمومی و مغازه ها پرداختند، که در ایجاد موجِ عمومی بسیار مؤثّر واقع گردید.

سپس رهسـپار یـاسوج(مرکز اسـتان کهکیلویه و بویر احمـد) گشـتیم، و در بین راه، در روسـتاها، نصب و توزیع پوسـتر انجـام گرفت، و در هنگـام ظهر به شـهر یـاسوج رسـیدیم، و بـا توجّه به موقعیّت شـهر، و فرهنگ عمومی جامعه، برای انتخاب مسـجدِ محلِّ اجراءِ برنامـهٔ تبلیغی، با موافقت اسـتخاره، تصـمیم گرفتیم که به مسـجد صاحب الزّمان علیه السـلام برویم، و پس از اقامهٔ نمـاز جمـاعت ظهر و عصـر(که توسّـط کاروان تبلیغی انجام گرفت) به صـرف نهار پرداخته و استراحت نمودیم، و چنـد گروه فعّال، در تمامیِ شهر، به نصب پوستر، در مغازه ها و اتومبیل ها و اماکن عمومی پرداختند.

بزرگترین عالِم شـهر(که پنجشـنبه و جمعه ها از شـیراز به یاسوج می آیند) شـبهای پنج شـنبه در مسـجد صاحب الزّمان جلسـهٔ تفسـیر قرآن برگزار می نماینـد، و از همـهٔ طبقـات مردم در آن مجلس حضور پیـدا می کننـد، و مسـئولین شـهر و روحانیّون، و عهده داران تعلیم و تربیت نیز، به نحو گسترده شرکت

می جویند ، و در مجموع ، مجلس بسیار مهم و پر جمعیّتی است،که تاثیر گذاری بر آن ، به معنی اثر گذاری و جهت دهی ، به همه مردم و مراکز علمی و اجتماعی شهر می باشد .

هنگـام مغرب ، ایشان تشـریف آوردنـد ، وقتی قضـیّهٔ برنامـهٔ فاطمیّه را برایشان توضـیح دادیم ، در جواب فرمودنـد: من امشـب جلسـهٔ تفسـیر قرآن را در اختیـار شـما قرار می دهم ،تا دربارهٔ حضـرت زهراء سـلام الله علیها که روح و حقیقت قرآن هسـتند ، برنامهٔ خود را اجرانمائید.

پس از اقامهٔ جماعت ، ایستادند ، و با یک احترام و تواضع جالبی ، به حاضرین فرمودند: امشب کار مهمتری پیش آمده ، و لذا تفسـیر قرآن را تعطیل می کنیم ، و مجلس را در اختیار این گروهی که برای ترویج از برنامه های حضرت زهراء سلام الله علیها آمده اند قرار می دهیم ، و با تجلیل کامل ، مجلس را در اختیار ما قرار دادند.

در مدّت سه ساعت ، تشـریح برنامه های انجام شده در اصـفهان ، و دیگر شهرها ، و نیز ارائهٔ برنامه های ممکن در شهر یاسوج و منطقه ، و نشان دادن و اهداء انواع پرچم و دهها نمونه پوستر حضـرت زهراء سلام الله علیها به مردم انجام شد ، که در تمامیِ مـدّت،اشـک و ناله از مجلس قطع نمی گردیـد،وآن عالم و سیّد بزرگوار(بـدون وقفه)اشک می ریختنـد ، و همین عواطف و احساسات عمومی ، و بالاخص اشکِ ریزانِ علماء و روحانیّون، شخصیّت های حاضـر ، تاثیر گفتارها و پیشـنهادها را چنـدین برابر می کرد ، آن چنـان که ازآن سـال، مسـئلهٔ توجّه به ایّام فـاطمیّه در شـهر یاسوج و اطراف آن ، مطرح گردیـد ، و نصـب پرچمهای عزا ، در ادارات و مدارس و مساجد و حسینیّه ها ، در سالگرد

شهادت حضرت زهراءسلام الله علیها مورد توجّه قرار گرفت،و به گفتهٔدست اندرکارانِ امور مذهبیِ شهر،تا آن زمان،برنامه ای برای فاطمیّه وبزرگداشت آن،در شهر یاسوج،انجام نمی گرفته است.

آنچه در جریان سفر به یاسوج،مورد توجّه خاصّ همهٔ همراهان قرار گرفت،انتخاب مسجد صاحب الزّمان علیه السلام با موافقت استخاره،وهمزمانیِ ورود کاروان به شهر یاسوج،با برگزاری آن جلسهٔ با عظمت،که به راحتی تشریح وتبلیغ برنامه های فاطمیّه(در سطحی بسیار گسترده وکارساز وهماهنگ)انجام گیرد،وبا آن تواضع و احترام عجیبِ آن عالم بزرگوار،توجّه عموم مردم و مسئولین شهر،به عظمت حضرت زهراء سلام الله علیها معطوف گردد،و در شهری که سابقهٔ مراسم فاطمیّه نبوده،به صورت یک نهضت وخیزشِ عمومی،مراسم بزرگداشت شهادت حضرت صدیقهٔ طاهره سلام الله علیها برگزار گردد.

پس از پایان جلسهٔ عمومی،برخی از دلسوزان امر اهل البیت علیهم السلام با کسب راهنمائی های ویژه،و تهیّهٔ امکانات بیشتر،خود را برای انجام فعّالیّت های مؤثّر،در ایّام شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها آماده نمودند،و پس از رفتن ما به محلّ اقامت آن عالم بزرگوار،دربارهٔ راههای مؤثّر برای تداوم فعّالیّت های فاطمیّه،مذاکرات و برنامه ریزی های خوبی انجام گرفت.

صبح هنگام،پش از نماز وزیارت عاشوراءوگفتگو وملاقات با برخی از علاقمندان له امور اهل البیت علیهم السلام وپیشنهادات مؤثّر برای گسترش توجّه به مسائل ولائی،به سوی شهر لردگان(واقع در استان چهار محال و بختیاری)به راه افتادیم،و دربین راه تبلیغات فشرده ای داشتیم،که سرنشینان هر کدام از اتومبیلها،در جایگاههای عمومی،به تبلیغ وپخش پوستر می پرداختند.

ص:۳۹۲

در شـهر لردگـان ، بـانوی جوانی از دنیا رفته بود، و مراسم عزاداری او بر سـر مزارش برگزار گردیـده بود، و همـهٔ مردم شـهر ، خـود را سوگوار می دانسـتند ، و گورسـتان شـهر ، و بیابـان هـای اطراف آن، زیر پوشـش جمعیّت عزادار و سـیاه پوش ، چهرهٔ عجیبی به خود گرفته بود .

همین قضـیّه ، زمینهٔ مساعدی را برای بیان عظمت شـهادت حضـرت زهراء سـلام الله علیها فراهم نموده بود، و با بیان این مطلب که ، شـما مردم با وفا ، در غم درگـذشت یک بانوی جوان ، این همه اظهار حزن و همـدردی می نمائید ، و بر سـر مزار او می آئیـد ، مگر زهرای مرضـیّه سـلام الله علیهـا ، جـوان نبودنـد ؟ چرا قبرشـان مخفی اسـت ؟ چرا نبایـد مردم برای درگـذشت آن حضرت مراسم داشته باشند ، و بر سر مزار آن حضرت اشک غم بریزند ؟ .

خلاصه آنکه آن حادثه غم انگیز ، مردم شهر را برای توجّه به عظمت شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها آماده کرده بود، و برای نمـاز مغرب و عشاء ، به یکی از مساجـد شـهر رفتیم ، و جمعیّت زیادی حضور یافتنـد ، و بیش از دو ساعت سـخنرانی ، و سـایر برنامه های تبلیغیِ فاطمیّه ، و اهـداء پوسترها به مردم ، بطول انجامیـد ، که با توجّه به آمادگی عواطف و احساسات دینیِ مردم ، و فعّال بودن روحانی مسجد ، حجه الإسلام ، آقای امیری ، تحوّل جالبی به دست آمد ، و با کمک مردم شهر و دوستانِ همراه ، مبلغ قابـل توجّهی جمع آوری شـد، برای اطعـام در مراسم بزرگـداشت شـهادت حضـرت زهراء سـلام الله علیها در ایّام فاطمیّه .

صبـح هنگام ، به طرف امامزاده حمزه علی علیه السـلام حرکت کردیم ، که آن امامزادهٔ بزرگوار ، شدیـداً مورد علاقه و اعتقاد قلبی مردم می باشد ، و در بین راه بر سر جوی آبی ، خواستم وضو بگیرم ، انگشتری مخصوصی (که از نظر معنوی

أرزش بسیار بالایی داشت) به آب افتاد ، و عمق آن حدود ۸۰ سانتیمتر بود و آب گِل آلود بود، و کف جوی آب ، گِل و لای نرم و با عمق زیاد بود ، و جستجوی یک ساعته چند نفر از دوستان به نتیجه نرسید ، و پیشنهاد شد به مسئول آبیاری منطقه ، که مسیر آب را عوض کند، تا به جستجو ادامه دهیم ، او گفت امکان ندارد ، و همه مأیوس شدیم ، و به علت اهمیّت خاص آن انگشتری ، نگرانیِ شدیدی سراسر وجود مرا فرا گرفت ، و بالتَّبع ، همهٔ دوستان پریشان شدند .

عنایت رسید

ناگاه برخی از دوستان پیشنهاد کردند که ختم یا علی برداشته شود، و همه با حالت اضطرار و یأس از أسباب ظاهری ، دست به دامان أمیر المؤمنین علی علیه السلام شدند ، و بعضی در همان حال گفته بودند : یا علی ! این سیّد ، خودش را برای همسر مظلومهٔ شما به آب و آتش می زند ، آیا راضی می شوید که این چنین پریشان و ناراحت شود؟ هنوز شمار زیادی از ذکر یا علی تکرار نشده بود ، که در میان بهت و حیرت همهٔ دوستان ، انگشتری از وسط گِل و لایِ فراوان پیدا شد ، آنهم در کف جوی آبی که آن همه آب گل آلود بر روی آن با سرعت حرکت می کرد، و در حال جستجو ، همه چیز جابجا می شد .

اشک شوق همه را فرا گرفت ، و تا مدّتی ، با دیدن این عنایت ، همه ناله می کردند، و حال و هوای روحیِ پیر و جوان ، و روحانی و دانشگاهی ، و کاسب و بازاری ، دیدنی بود، و ادامهٔ ختم یا علی با سوز و شوری عجیب ادامه یافت ، و سپس به سوی امامزاده حرکت کردیم ، و نزدیک ظهر جمعه به امامزاده رسیدیم

بیابانهای اطراف امامزاده ، از کثرت جمعیّت ، سیاه شده بود، و از نقاط دور و نزدیک ، با انواع وسائل نقلیّهٔ عمومی و شخصی ، حتی کمپرسی ها و تراکتورها ،

به زیارت آمـده بودند، و از بالایِ بلندی ، که صـحن و سـرا و حرم امامزاده قرار گرفته بود، تا چشم کار می کرد ، انسان بود و وسیله نقلیّه ، و منظرهٔ بیابان عرفات را به یاد می آورد .

نماز ظهر و عصـر را به جماعت خواندیم ، و سپس برای انبوه جمعیّت زائران ، برنامهٔ فاطمیّه را تشریح کردیم ، و به آنها توصیه نمـودیم کـه برای خشـنودی روح مطهر امـامزاده حمزه علی علیـه السـلام ، هرکـدام از شـماها ، در شـهر و روسـتایتان ، برای بزرگداشت حضـرت زهراء سلام الله علیها (مادر همهٔ امامان و امامزادگان) قدمی بردارید ، و با سوغات بردن پوسترهای مزیّن به نام و فضائل آن حضرت ، اطرافیانِ خود را نیز در این حرکت معنوی سهیم سازید .

فضای ملکوتی حرم و بارگاه امامزاده ، و روح آماده و پذیرایِ زائران ، و پیشنهادات خالصانه و معنوی ، همه را تحت تأثیر قرار داد و منقلـب کرد، و بـا تـوجّه به اینکه هر کـدام از این زائرهـا ، سـاکن شـهری و یـا روسـتائی در دورترین نقـاط اسـتان ، و یا استانهای همجوار بودند ، بازدهیِ تبلیغیِ این برنامهٔ دو ساعت و نیمه ، بسیار عالی و چشمگیر بود .

گروه هـای نصـب پوسـتر دست به کـار شدنـد، و چنـد صـد اتوبـوس و مینی بـوس و سـواری و کـامیون و کمپرسـی را پوسـتر چسـبانیدند ، و موج نهضت فاطمیّه را در آن فضای ملکوتی ، در دل همهٔ زائران (از زن و مرد ، و روستائی و شهری ، و بچه و بزرگ) ایجاد نمودند .

پس از آن به شـهر بلـداجی وارد گشتیم ، و در آنجـا پوسترهـای زیادی چسـبانیده شـد، و سـپس به سوی شـهر بروجن حرکت کردیم ، و چند گروه در سـطحی گسترده ، به نصب پوستر پرداختند، و سـریعاً عازم شهرکرد شدیم و دوستان به پوستر زدن در سطح شهر پرداختند .

در حسینیّهٔ اعظم شهرکرد ، نماز جماعت مغرب و عشاء برگزار گردید ، و تشریح برنامه های فاطمیّه انجام شد، و همانند سایر شهرها ، برنامهٔ مفصّلی به اجرا در آمد، و شب را در شهرکرد اقامت نمودیم ، و صبح هنگام طبق معمول ، به نماز و زیارت عاشورا و دعا و استغاثه پرداختیم ، و پس از صرف صبحانه ، مجدّداً ، گروه های منسجم در سطحی وسیع در خیابانهای شهر به نصب پوستر در مغازه ها و اماکن عمومی پرداختند .

مطابق تصمیم قبلی ، به سوی استان همدان رهسپار شدیم ، ولی نزدیک یک دو راهی (که راهی به سوی مقصد ، و راهی دیگر به سوی خوانسار و گلپایگان بود) حالت عجیبی در درونِ این کمترین پیدا شد ، و گویا نیروئی مرا به سوی خوانسار هدایت می کرد . تصمیم قبلی مانع می شد، ولی آن نیروی عجیب و قوی مرا به سوی مقصد جدید سوق می داد ، و در اثر این حالت شگفت آور و غیر منتظره ، تصمیم گرفتم استخاره کنم ، و مضمون آیه ای که در جواب استخاره آمد، ما را به سوی شهر خوانسار هدایت کرد، لذا به سوی شهر داران (که سر راه بود، و در مسیر شهر خوانسار قرار داشت) حرکت کردیم .

برای نماز ظهر و عصر ، در مسجد صاحب الزّمان داران ، وارد شدیم ، و به اقامهٔ نماز جماعت و تبلیغ فاطمیّه و مذاکره با طلّاب منطقه (که در حوزهٔ علمیّهٔ اصفهان اشتغال به تحصیل دارند) مشغول شدیم ، و هم چنین با شهردار داران (که جوانی با ولایت بود) مذاکره نمودیم ، و برای اقدامات لازمه جهت عزاداریهای منطقهٔ فریدن ، برنامه ریزیِ مفصّل ، انجام گرفت .

آنگاه به سوی شهر دامنه حرکت کردیم ، و نصب و توزیع پوستر در سطح گسترده ای انجام گرفت ، و عازم شهر خوانسار شدیم ، و قبل از مغرب ، به حوزهٔ علمیّهٔ حضرت ولیّ عصر عجّل الله تعالی فرجه (که از نظر وسعت و امکانات ساختمانی

و برنامه ریزی ، و نیز از نظر فعّالیّت علمی و تحقیقی و کتابخانه و ... بسیار جالب می باشد) وارد شدیم ، و برای نماز مغرب و عشاء ، به یکی از مساجد مهم و مرکزیِ شهر رفتیم ، و علاوه بر سخنرانی و تشریح أهداف فاطمیّه ، و برنامه های لازم برای بزرگداشت شهادت فاطمه زهراء سلام الله علیها و نشان دادن أنواع و اقسام پرچمها و پوسترها ، و اهداء آنها به نمازگزاران ، و نیز راهنمائی برای چگونگیِ شروع نهضت فاطمیّه در شهر خوانسار ، به عزاداری پرداختیم ، و با جمع مردمِ با ولایت خوانسار ، برنامۀ سینه زنی مفصّلی اجرا نمودیم .

شب را در مدرسه علمیّۀ ولیّ عصر عجّل الله تعالی فرجه ، به مشورت و بررسی نتایج به دست آمده ، در مراحل انجام شدۀ تبلیغات فاطمیّه و نیز جستجوی راه و روشهای مناسب برای تکامل این حرکت و سیر معنوی پرداختیم ، و با انگشت گذاشتن بر روی موارد موفق تر ، و پر ثمر تر ، و عنایات دریافت شده در همان موارد، همۀ یاران به نتیجه بسیار قطعی و روشنی رسیدیم ، و آن اینکه ، هرچه در این سفر نورانی و حرکت الهی ، از خودمان قطع امید کنیم ، و توجه خود را به سوی خداوند متعال و أهل البیت علیهم السلام معطوف بنمائیم ، و همیشه در حال انقطاع الی الله ، و التجاء و استغاثۀ به اولیاء الهی باشیم ، و حتی از شوخی های حلال (درحال حرکت اتومبیل ها) بپرهیزیم ، و بجای آن از داستانهای مربوط به عنایات و ألطاف أئمّه علیهم السلام و حمایت های آنان از یارانشان ، و ... بهره مند شویم، و دلها را روشن کنیم ، اثر تبلیغاتمان ، شگفت انگیز تر ، و ماندگارتر خواهد بود، و لذا بعد از این نتیجه گیری ، جلسۀ توسّلی برقرار شد ، که هیچگاه از خاطره ها نمی رود، و یک پرواز روحیِ عجیبی ، در آن مدرسه ای که به نام حضرت ولیّ عصر عجّل الله تعالی فرجه نامیده شده است ، انجام گرفت .

صبح هنگام ، پس از نماز جماعت و زیارت عاشوراء ، و توسّل و حالت

استغاثه ، آیه الله ، ابن الرّضا (مؤسّس و سرپرست حوزهٔ علمیّهٔ ولیّ عصر عجّل الله تعالی فرجه خوانسار) به جمع دوستان پیوستند ، و برنامهٔ سفر ، و أهداف فاطمیّه و کارهای انجام شده تشریح گردید، و نمونه هائی از صدها پرچم و پوستر متنوّع و زیبا ، به ایشان ارائه شد ، و ایشان شدیداً تحت تأثیر قرار گرفتند ، و تصمیم قلبیِ خود را اعلام نمودند ، که از همهٔ امکانات اجتماعی ، و نفوذ مردمی ، و وسائل تبلیغاتی که در اختیار دارند، برای عمومی شدنِ نهضت فاطمیّه در منطقه خوانسار ، و نیز به راه انداختن دستجات عزاداری ، و برگزاری مجالس متعدّد و گسترده ، بهره برداری نمایند ، و بدین منظور از پرچمها و پوسترهای موجود ، مقدار قابل توجّهی در اختیار ایشان قرار گرفت ، و بعد از آن هم ، مقدار دیگری برای ایشان ارسال گردید ، و با لطف خداوند ، در اثر این اقدامات ، موج نورانیِ نهضت فاطمیّه در شهر خوانسار فراگیر شده است .

پس از اتمام جلسه ، عازم حرم مطهّر امامزاده أحمد علیه السلام ، فرزند آقا سیّد محمّد علیه السلام (که در نزدیکیِ سامراء ، مزار عظیم و مورد توجّهی دارند ، و فرزند بزرگ امام علیّ النّقی علیه السلام می باشند) گشتیم ، و زیارت دلچسب و روح بخشی نصیبمان شد .

در این هنگام ، صدائی از طبقهٔ دوّم سالن مجاور حرم مطهّر ، ما را متوجّه خود ساخت، و به سوی آن صدا رفتیم ، و ملاحظه کردیم که جلسهٔ تعلیم قرآن و احکام برای نوجوانان دختر می باشد ، که خانم محجّبه و باوقاری ، مسئول تعلیم آنها است ، و دو نفر از دوستان ایشان هم در کنارشان نشسته بودند ، این کمترین ، اجازه گرفتم و تذکّرات معنویِ مهمّی ، به آن نوجوانان دادم ، و سپس به همهٔ آنها از پوسترهای بسیار زیبای مربوط به حضرت زهراء سلام الله علیها هدیه کردم ، و عازم خداحافظی بودم ، که ناگاه ، آن بانوی معلّمه ، سؤال نمود ، که شما از قم

آمده اید ؟ گفتم : نه ، ما از اصـفهان هستیم ، و برای تبلیغ برنامه های شـهادت حضـرت زهراء سـلام الله علیها ، به شـهرها سفر کرده، و به این شهر نیز آمده ایم .

آن بانوی معلّمه ، وقتی این جمله را شـنید ، صـدای گریه اش به شـدت بلنـد شـد ، و مـدّتی آن چنان می گریست ، که قادر بر سخن گفتن نبود، پس از مدتی آرام گرفت، و دلیل گریهٔ او را جویا شدیم ، گفت : من خیال می کردم که شما بازرس هستید ، و از حوزهٔ علمیّهٔ قم ، برای بررسـی چگونگی کلاسـهای قرآن و احکام دینی ، (که من سرپرست آن هستم) آمده اید ، ولی وقتی گفتیـد که از اصـفهان هستیـد ، و برای فاطمـهٔ زهراء سـلام الله علیها سـفر کرده اید ، من تعبیر خواب دو شب قبل خود را دریافتم ، و لذا این چنین منقلب شدم .

حضرت زهراء سلام الله علیها به مجلس قرآن ما تشریف آوردند

دو شب قبل ، در عالم رؤیا دیدم که ، حضـرت زهراء سلام الله علیها افتخار به من دادند ، و به مجلس تدریس قرآن ما تشریف آوردنـد، و مرا سـرافراز نمودنـد ، و از دیروز تـا به حـال در فکر بـودم که تعـبیر این خـواب چیست ؟ و هم اکنـون فهمیـدم که حضور شـما در این مجلس ، بـدون برنـامه ریزیِ قبلی ، و بـدون اینکه بدانیـد که در اینجـا چه خبر است ، در حـالیکه در حـال فعّالیّت برای حضرت زهراء سلام الله علیها هستید مورد عنایت آن حضرت می باشد ، و به این وسیله ، آن بزرگوار عنایت خود را شامل حال ما نموده اند .

توجّه به این جریان ، همهٔ دوسـتان ما را منقلب و گریان نمود، و حکمت آن حالتی که در بیابان ، سـر دو راهی به سوی اسـتان همـدان و شهرسـتان خوانسار ، پیش آمـده بود، و آن اسـتخارهٔ عجیب و نتیجـهٔ آن، به دست آمـد ، و ضـمناً نتیجـهٔ جلسهٔ شـب گذشته ، در مدرسهٔ ولیّ عصر عجّل الله تعالی فرجه روشن شد ، و به دوستان

عرضه داشتم : ببینید ، کمی حالت روحانی و معنوی خود را بهتر می کنیم ، نتیجه های بهتر ، و نورانی تر ، و تکان دهنده تری به دست می آید، و این جریان ، عنایتی است از جانب بی بی دو عالم سلام الله علیها به خدمتگزارانِ آستان مقدسشان ، پس از این برنامه ، مجدّداً چندین گروه ، در شمار دیگری از خیابانهای خوانسار ، مشغول به نصب پوستر گردیدند ، و استقبال مردم از این حرکتِ معنوی ، بسیار عجیب و شوق انگیز بود، و صحنه های بیاد ماندنی از أشکِ جاری ، و اظهار جان نثاری برای حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها و ... از خود بجای می گذاردند .

پس از آن، عازم شهر گلپایگان شدیم ، و این کمترین ، و چند نفر از سالخوردگان کاروان ، به منزل آیه الله العظمی ، آقای حاج شیخ علی آقا صافی گلپایگانی مدّظله رفتیم ، و بقیّهٔ دوستان مشغول به نصب و توزیع پوستر در مغازه ها، و سایر اماکن عمومی گردیدند .

در دیدار با حضرت آیه الله صافی ، گزارشی اجمالی از برنامه های فاطمیّه را به عرض ایشان رساندیم ، و هنگام ظهر به مسجد ایشان رفتیم ، و جماعت بسیار چشمگیری برای نماز حاضر شده بودند ، که از نظر کمیّت و کیفیّت دارای امتیاز بودند . بین نماز ظهر و عصر ، به تشریح برنامه های فاطمیّه پرداختیم، و نشان دادن پرچم هائی که شعارهای تکان دهنده بر آنها نوشته شده بود، و هم چنین پوسترهای متنوّع و عواطف برانگیز ، آن چنان عموم نمازگزاران ، و بالأخص حضرت آیه الله العظمی صافی گلپایگانی را تحت تأثیر قرار داد، که صدای گریهٔ بلندِ مؤمنین و نماز گزاران ، فضای مسجد را منقلب نمود ، و حضرت آیه الله صافی ، شانه هایشان (از شدّت گریه) می لرزید ، و مثل باران اشک می ریختند ، و همین امر سبب شد که تصمیم قبلیِ ما (در مورد کوتاه بودن

سخن) عوض شود ، و نزدیک به یک ساعت ، برنامۀ تشریح أهداف نهضت فاطمیّه ، و نیز پیشنهادات برای گسترش برنامۀ بزرگداشت فاطمیّه در گلپایگان به طول انجامید، و سپس آن بزرگمرد ایستادند ، و با اشک جاری ، از این حرکت مقدّس حمایت کردند، و با کلمات گهربار خودشان ، در اهمیّت و حیاتی بودن این برنامه وسیع و مؤثّر ، عموم حاضرین ، و بالأخص أعضای کاروان تبلیغی فاطمیّه را به فعّالیّت هرچه بیشتر در این زمینه دعوت نمودند ، و با تمام وجودشان برای یاری دهندگان حضرت زهراء سلام الله علیها (که مظلومه و شهیده هستند) دعا کردند ، که این اظهار علاقه ، و دعاهای خالصانه ، در ایجاد عزم راسخ و ثبات قدم شنوندگان بسیار مؤثّر بود .

پس از نماز عصر ، یکی از مدّاحان اصفهانی ، که همراه کاروان بود، به سینه زنی پرداخت، و به مدّت نیم ساعت ، همۀ نمازگزاران (همراه با اشک و نالۀ عجیبی) بر سینه ها می زدند ، و هیچکس مسجد را ترک نکرد، و حضرت آیه الله صافی (با اینکه در اثر کسالت قلبی شدید بسیار در زحمت بودند) به احترام حضرت زهراء سلام الله علیها ، در تمامیِ مدّت سینه زنی ایستاده بودند، و با اینکه صندلی برای ایشان آوردند که بنشینند ، ولی ایشان فرمودند : من در حال سینه زنیِ مردم که ایستاده اند ، نمی نشینم .

پس از پایان عزاداری ، و توزیع پوسترهای گوناگون در میان مردم ، مقرّر گردید که در همان مسجد ، همراهان کاروان فاطمیّه نهار بخورند، و هر چه اصرار کردیم که حضرت آیه الله صافی به منزل تشریف ببرند و استراحت کنند (به جهت شرائط حسّاس کسالت قلبیِ ایشان) ولی تا آخرین دقائق حضور أعضاء کاروان فاطمیّه ، این بزرگمرد در مسجد ، در کنار خدمتگزارانِ حضرت زهراء سلام الله علیها

ص:۴۰۱

ماندند ، و با صـمیمیّتی فراموش ناشدنی ، بر سـر سـفرهٔ طعام نشستند ، و از هر نوع وسیلهٔ استراحتی که برای ایشان آورده شد ، پرهیز کردنـد، و بـه ایـن وسـیله ، علاـقه و اعتقـاد و دلبسـتگیِ عمیـقِ خودشـان را نسـبت به حضـرت زهراء سـلام الله علیهـا ، و حمایتشان را از هر کس که در آستان مقدّس آن حضرت خدمتی بکند ، اظهار داشـتند ، و نحوهٔ برخورد و رفتار آن مرجع و فقیه عظیم الشّـأن ، آن چنـان تـأثیر عمیقی بر روحیّـهٔ همـهٔ دوسـتان گـذاشت ، که زبـانزد همگـان گردیـد ، و هیچگاه فراموش نخواهد شد .

پس از پایان برنامه های گسترده و بسـیار جالب در شـهر گلپایگان ، به سوی شـهر خمین رهسـپار شدیم ، و گروههای متعدّدی در منـاطق مختلف شـهر ، به نصب و توزیع پوستر پرداختنـد ، و آنگـاه به سوی شـهر اراک حرکت نمودیم ، و یـک سـاعت به مغرب وارد شـهر شدیم ، و دوسـتان ، به نصب و توزیع پوستر پرداختند، و برای نماز مغرب و عشاء در یکی از مساجد شهر ، به تشریح برنامه های فاطمیّه در شهرها ، و بالأخص در اصفهان ، و چگونگیِ برنامه های مؤثّر در شهر اراک و پیشنهادات سازنده در این زمینه ، پرداختیم .

سپس عزاداری و سـینه زنی نمودیم ، و مردم با ایمان اراک ، استقبال خوبی نمودند ، و در همان سال ، و سالهای بعد ، حرکت فاطمیّه در شهر اراک ، شکل و وضعیّت قابل توجّهی یافت .

بعـد از پایان جلسه ، به صورت دسـتهٔ عزاداری و سـینه زنی ، با همراهیِ عـدّه ای از نمازگزاران مسـجد ، به جلسهٔ هیئت فاطمیّهٔ اراک (که در همان منطقه تشـکیل می شد) رفتیم ، و أعضای هیئت ، بسیار خشنود شدند ، که کاروان تبلیغیِ فاطمیّه به هیئت آنها (که به نام فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها است) وارد شده اند .

مجلس را در اختیار ما قرار دادند، و با توجّه به گرایش و محبّت شدید اعضای هیئت ، نسبت به حضرت زهراء سلام الله علیها ، فرصت بسیار خوبی بود، برای آماده سازیِ آنها برای فعّالیّت گسترده تر و همه جانبه در سطح شهر ، جهت بزرگداشت ایّام شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها و به همین جهت ، امکانات قابل توجّهی (از پرچم و پوستر) در اختیار آنها قرار داده شد، و مهربانی و صمیمیّت و استقبال آنها از کاروان تبلیغی ، نشان دهندهٔ علاقه و محبّت عمیق آنها ، نسبت به مظلومهٔ تاریخ أهل البیت علیهم السلام بود .

صبح هنگام ، به سوی سلفچگان حرکت کردیم ، که به اصفهان مراجعت نمائیم، ولی حالتی در خود احساس کردم که جاذبه ای مرا به سوی شهر مقدّس قم می کشد ، و به نظرم رسید که به قصد زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها به قم مشرّف شویم، و آن حالت ، آنقدر تأثیر گذار بود، که برای رهائی از آن حالت ، بنا را بر استخاره گذاشتم ، که راهنمائیِ معنویِ قرآن ، مرا مصمّم ساخت که به سوی قم برویم .

یکی از دوستان همسفر ، به جهت قرار و وعده ای که در شهر اصفهان داشت ، تصمیم گرفت که از سلفچگان به طرف اصفهان حرکت کند ، ولی همان حالت در من تکرار شد ، که از ایشان نیز بخواهم که به قم مشرّف شود، و با پیامی تلفنی ، وعدهٔ خود را برهم زند ، و مجدّداً استخاره نمودم ، برای انجام سفر ایشان به قم، که پاسخ برای فعل آن خوب ، و برای ترک آن بسیار بد بود، و لذا همگی عازم قم شدیم .

با تشکیل چند گروه ، مسیر سفلچگان تاقم را تقسیم نمودیم ، و تمامی رستورانها و سوهان فروشی ها و دیگر مغازه ها را در سطحی گسترده ، از أنواع

پوسترهای حضرت زهراء سلام الله علیها نصب نمودیم ، که تأثیر تبلیغیِ آن (به دلیل فراوانیِ تردد وسائل نقلیّه ، و عبور و مرور همهٔ مردم کشور ، در این قسمت) بسیار چشمگیر بود، و همهٔ آن پوسترها تا چند ماه بعد در معرض دید عابرین قرار داشت ، و قسمت قابل توجّهی از آن پوسترها تا سال دیگر ، در بعضی از مغازه ها و رستورانها به چشم می خورد .

پس از آن ، وارد شهر قم شده ، و به زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها مشرّف شدیم، و پس از دیدار با بعضی از علماء عظیم الشّأن ، به مسجد مقدّس جمکران تشرّف یافتیم ، که حادثه ای عجیب اتّفاق افتاد .

در برنامهٔ استغاثه و نماز توسّل به امام زمان عجّل الله تعالی فرجه، بسیاری از دوستان و همراهان ، احساس حالتی استثنائی نمودند ، و یک انقلاب روحیِ غیر متعارف در خود احساس کردند ، و همان شخصی که می خواست از سلفچگان به اصفهان برود ، و استخاره برای قم آمدن او خوب و ترک آن بد آمده بود، ناگاه به یاد جریان مفصّلی افتاد ، که در چند سال قبل رخ داده بود، و او اصلاً آنرا فراموش کرده بود، و داستان از اینقرار می باشد .

کرامتی و بشارتی و عنایتی

در ماه رمضان ، در ایّام شهادت أمیرالمؤمنین علی علیه السلام کاروانی از اصفهان عازم زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها و مسجد مقدّس جمکران می شود ، و أیّام تابستان و هوا گرم بوده است ، شخص مورد نظر ، در میان راه ، به خواندن زیارت و دعا و برنامه های دیگر برای مردم مشغول بوده ، و نزدیک غروب در حرم مطهّر، زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها را برای مردم می خواند ، و در اواخر زیارت (به علّت گرمی هوا ، و روزه دار بودن و مشغول بودن به خواندن دعاها و

زیارات) بسیار خسته و بی حال می شود ، و در هنگام تمام شدن زیارت ، در حالی که قصد می کند دو رکعت نماز بخواند، آقای بزرگواری دست بر سر شانهٔ او می زنند و می فرمایند : ما دوشنبه ها جمکران هستیم ، شما یک هفته دوشنبه به جمکران بیائید) او می گوید چشم ، ولی به مجرّد اینکه وارد نماز می شود ، به خود می آید که این آقا چه کسی بودند ؟ سریعاً نماز را تمام می کند و با دوست خودش ، تمام حرم و رواقها را گردش می کنند ، اثری از آن آقا نمی یابند ، و آن بزرگوار ، لباس سیاه بر تن داشته اند (زیرا ایّام شهادت أمیرالمؤمنین علی علیه السلام بوده است) . او یک سال ، هر هفته تصمیم می گیرد که دوشنبه به جمکران برود، ولی موفّق نمی شود، و سپس قضیّه از ذهن او می رود ، و جریان را فراموش می کند، تا اینکه مشکل بزرگی در قضیّه حج برای او پیش می آید ، و نذر شرعی می کند که اگر مشکل او برطرف گردید ، در یکی از سالها ، در سفر تبلیغیِ فاطمیّه همراه دیگر خدمتگزارانِ آستان مقدّس فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها انجام وظیفه نماید ، و مشکل او بر طرف می گردد ، و در این سال (۱۴۲۰ قمری) مصمّم می شود که در این سفر کاروان فاطمیّه را همراهی نماید ، و از قضا ، حالات بسیار خوبی برای او و سایر همسفرها پیش آمد .

ایشان که قضیّه دوشنبه را به طور کلّی فراموش کرده بود، با پیشنهاد این کمترین ، و موافقت بسیار أکید استخاره ، به قم و جمکران مشرّف گردید ، و در مسجد جمکران حالت معنویِ جالب و استثنائی برایش پیش آمد، و ناگاه قضیّه دوشنبه ، و بشارت چند سال قبل به یادش آمد، و متوجّه شد که دوشنبه است ، و بدون ارادهٔ خودش ، به مسجد جمکران کشیده شده ، و آن حالت استثنائی هم برایش حاصل شده است ، در حالی که در مدّت یکسال ، هرچه اراده کرده بود

دوشنبه ای را به جمکران مشرّف شود موفّق نگشته بود، و هم زمان با ایشان ، برای عدّه دیگری از همسفرها و خدمتگزارانِ حضرت زهراءسلام الله علیها حالات استثنائی معنوی حاصل گردید ، که یک دگرگونی عمومی ایجاد نمود .

از مسجد جمکران به مدرسه ألإمام المهدی علیه السلام مراجعت کردیم ، ولی دیگر کسی آرام و قرار نداشت ، جوان و پیر ، روحانی و دانشگاهی ، بازاری و پیشه ور ، همه ضجّه می زدند، از هوش می رفتند ، یا صاحب الزّمان علیه السلام می گفتند، استغاثه می کردند، و برای آنچه نصیبشان شده بود شکرگذاری می کردند، و مدّت زمانی طولانی، آرام و قرار از همه گرفته شده بود، و أشک و ندبه و ناله ، همه را در بر گرفته بود، و بدین شکل ، برنامۀ سفر تبلیغیِ فاطمیّه در این سال به پایان رسید ، و به این نتیجه رسیدیم که :

رشته ای بر گردنم افکنده دوست

می کشد آنجا که خاطر خواه اوست

سفر به استانهای لرستان و کرمانشاه و همدان

در سال ۱۴۲۱ قمری ، در آستانۀ ایّام فاطمیّه ، با جمعی از دوستان و دلباختگان فاطمۀ زهراء سلام الله علیها ، برای تبلیغ بزرگداشت ایّام شهادت آن حضرت ، عازم چندین شهر بزرگ و کوچک در چندین استان گشتیم .

برای نماز ظهر (به قصد توسّل) همۀ دوستان ، در بیت الزّهراء سلام الله علیها اجتماع نمودند ، و پس از تضرّع و استغاثه ، مشغول آماده سازیِ أنواع پرچمها و پوسترها ، و کتابها و سایر لوازم تبلیغی گردیدند ، و آنها را در یک وانت بار تویوتا قرار دادند، و عازم شهر داران (در منطقۀ فریدن) شدیم ، و در یکی از مساجد این شهر ، به اقامۀ جماعت ، و سخنرانی و تشویق مردم و روحانیّون و طلّاب منطقه ، به بزرگداشت فاطمیّه ، و پخش پوستر در میان آنها پرداختیم ، و با

هماهنگی های مناسب ، و با استفاده از اقداماتی که در سالهای قبل در منطقهٔ فریدن و شهر داران داشتیم ، برای برنامه های فاطمیّه ، تصمیم گیری های مناسبی انجام گرفت .

صبح هنگام ، پس از نماز و دعا و زیارت عاشوراء ، مقداری از مغازه ها و اماکن عمومی شهر را پوستر چسباندیم ، و عازم شهر الیگودرز شدیم ، و علاوه بر اقدام گروههای مسئولِ نصب پوستر در شهر ، با بعضی از روحانیّون متنفّذ در میان مردم و حوزه علمیّهٔ شهر الیگودرز ، راههای عملیِ بزرگداشت ایّام فاطمیّه را برای آنها تشریح کردیم ، و نشانه های موفقیّت روشهای یاد شده را (که در شهرهای دیگر به نتیجه رسیده است) توضیح دادیم ، و عازم شهر ازنا شدیم ، و در آنجا نیز ، مقداری برنامهٔ تبلیغی فشرده داشتیم ، و به شهر درود وارد شدیم .

یک ساعت قبل از ظهر ، با یک سرعتِ عمل چشمگیر ، در تمامیِ خیابانهای شهر ، به مغازه ها و اماکن عمومی پوستر نصب نمودیم ، و در گزارشی که به مسئولین شهر داده شده بود ، که در این مدّت زمان ، تمامیِ شهر زیر پوشش تبلیغاتی فاطمیّه قرار گرفته ، تعجّب کرده بودند .

در پرجمعیّت ترین مسجد شهر ، که به نام مقدّس امام حسین علیه السلام می باشد ، بین نماز ظهر و عصر ، با سخنرانی دربارهٔ اهداف و روشهای بزرگداشت أیّام شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها و نتایج آن ، در تقویت بنیانهای دینی و اخلاقی ، آن چنان جمعیّت نماز گزار تحت تأثیر قرار گرفتند ، که طولانی شدن جلسه را به هیچ عنوان احساس نمی نمودند ، و در هنگامی که دهها نوع پرچم با نوشته ها و مضمونهای مهیّج ، و تکان دهندهٔ احساسات دینی و معنوی ، و هم چنین دهها نوع پوستر با طرحها و أحادیث و مطالب بسیار متنوّع را مشاهده نمودند ،

اشکهای آنها سرازیر شد ، و ناله های جانسوز ، در دفاع از مظلومیّت حضرت زهراء سلام الله علیها سر دادند ، که امام جماعت مسجد و عموم مردم را در یک حالت انقلاب روحیِ کم سابقه ای قرار داد . مجموعۀ برنامۀ تبلیغی در مسجد ، درحدود دو ساعت و نیم به طول انجامید، و تأثیرات معنوی و عاطفی برنامه های سطح شهر ، و هم چنین سخنرانی و فعالیّت های هنگام نماز جماعت در مسجد ، بسیار شگفت انگیز بود .

پس از مقداری استراحت ، به سوی شهر خرّم آباد حرکت کردیم ، و یک ساعت قبل از مغرب ، به فعّالیّت در سطح شهر و نصب و توزیع پوستر پرداختیم ، و برای نماز مغرب و عشاء ، در یکی از مساجد مشهور و پرجمعیّت شهر رفتیم ، و در مدّت دو ساعت و نیم ، به تشریح برنامه ها و ارائۀ راهکارهای آماده سازیِ مردم و مراکز آموزشی و اجتماعی شهر ، برای بزرگداشت فاطمیّه ، پرداختیم ، که با توجّه به اجتماع شمار زیادی از جوانانِ با ولایت ، از یک طرف، و حضور بسیاری از شخصیّت های متنفّذ بازار و مراکز اجتماعیِ شهر ، از طرف دیگر، تأثیر بسیار زیادی گذاشت ، و در همین یک جلسه ، موج بسیار خوبی در زمینۀ نهضت فاطمیّه ، و توجّه به اهمیّت و آثار و برکات بزرگداشت شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها ، حاصل گردید .

هنگام صبح ، پس از نماز جماعت و استغاثه و توسّل و خواندن زیارت عاشوراء ، هنگامی که عازم حرکت به سوی شهر بروجرد بودیم ، یکی از جوانان بسیار علاقمند به حضرت زهراء سلام الله علیها که جزء أعضاء فعّال کاروان تبلیغی فاطمیّه

بود (۱) مرا صـدا زد و گفت : دیشب در عـالم رؤیا دیـدم که همـۀ أعضاء کاروان تبلیغی ، به کربلا رفته ایم، و در ایوان مطهّر امام حسـین علیه السـلام اذن دخول می خوانیم، و شـما به من فرمودید : مادرت در حرم امام حسـین علیه السـلام است ، تو برو داخـل حرم ، و مواظب مـادرت بـاش ، من این رؤیـا را به فـال نیـک گرفتم ، و با توجّه به اینکه قبل از شـروع سـفر نیز یکی از دوستان ، رؤیای جالب دیگری دیده بود، که نشان می داد در این سفر تبلیغی ، ثواب و پاداش زیارت کربلا داده می شود ، در حـالی که در سـفرهای دیگر ، از بشارتهـای گونـا گون چنین اسـتفاده می شـد ، که ثواب زیـارت مـدینه و حرم مطهّر بقیع ، به خدمتگزارانِ آستان مقدّس حضرت زهراء سلام الله علیها عنایت شده است .

سپس عازم شـهر بروجرد شـدیم ، و قبل از ظهر به این شـهر مـذهبی (که خاسـتگاه خاندان بزرگ طباطبائی های بروجردی ، و بالأخص علاّمـۀ نامـدار ، آقا سیّد بحرالعلوم قـدس سِرّه و مرجع عالیقـدر جهان تشیّع، آیه الله العظمی ، آقای حاج آقا حسـین طباطبائی بروجردی قدس سِرُّه متوفای ۱۳۸۰ قمری می باشـد) رسـیدیم ، و گروههـای توزیع پوستر ، به نصب و پخش آن در سطح شـهر پرداختند ، و چند نفری نیز ، به مسجد امام سجّاد علیه السلام رفتیم ، و در تمامیِ قسمتهای مسجد از انواع پرچمها و پوسترهای متنوّع ، و مربوط به حضـرت زهراء سـلام الله علیها نصب کردیم ، آن چنان که هرکس وارد مسجد می شد ، با یک صحنۀ بسیار جالب و نورانی و تکان دهنده ، روبه رو می گردید .

ص:۴۰۹

۱- مـادر این جوان به تازگی از دنیا رفته بود، و به خاطر شـدّت علاقه ای که به مادر خود داشت ، این سـفر معنوی را به نیابت مادر مرحومه اش آمده بود، و ثواب آن را هدیه به روح آن مادر پاکدامن و با ولایت ، کرده بود .

امـام جماعت مسـجد ، بزرگترین شخصیّت علمی و معنویِ شـهر ، حضـرت آیه الله صاحب الزّمانی دام ظلّه بودنـد ، و در برابر عظمت حضرت زهراء سلام الله علیها آن چنان تواضعی از خود نشان دادند که بهت آور بود، و در هنگامی که به ایشان عرضه داشـتم ، برنامه ای برای بزرگـداشت حضـرت زهراء سـلام الله علیها داریم ، اگر اجازه بفرمائیـد انجام دهیم ، ایشان با تواضـعی عجیـب ، مرا شـرمنده کرده، و فرمودنـد : ایـن منبرهـا و محرابهـا ، مـال شـما ذرّیـه هـای پیـامبر صَـلَّی الله عَلَیـهِ والـه و حضـرت زهراءسلام الله علیها است، شما باید آن چنان که می خواهید استفاده کنید ، و مردم را هدایت نمائید .

این ادب و لطف و بزرگواری ، از این بزرگمردِ علم و اجتهاد و تقوی و معنویّت، طوفانی از عشق و ارادت ، نسـبت به حضـرت زهراء سـلام الله علیها در ما و دوسـتانمان ایجاد نمود ، که چقـدر مقام آن حضـرت برجسـته است ، که خدمتگزاری در آسـتان مقدّس آن حضـرت، می تواند چنین آبروئی به انسان ببخشد ، که همچون شخصیّت بزرگوار و عظیم الشّأنی ، با چنین عباراتی ، ما را مورد لطف و مرحمت خود قرار دهند .

بین نماز ظهر و عصر ، (نزدیک به دو ساعت) به تشریح برنامه ها و أهداف و نتایج دینی و معنویِ بزرگداشت مقام و شهادت حضـرت زهراء سـلام الله علیها ، و ارائه و توزیع أنواع پوسترها و پرچمها بین نمازگزاران پرداختیم ، و در ضـمن آن ، به گوشه هـائی از مظلومیّت هـای آن حضـرت اشـاره نمودیم ، که شدیـداً همه را تحت تـأثیر قرار داد ، و اشک و آه مردم ، برنامـهٔ نماز جماعت و سـخنرانی را رونق بخشـید ، تا آنجا که نه تنها از طولانی شـدن برنامه خسـته نشدند ، بلکه پس از اتمام همهٔ کارها ، بـازهم متفرّق نگردیدنـد ، و مخصوصـاً عـدّه ای از آنهـا کـه در دیگر مساجـد و حسـینیّه هـا ، و یـا مراکز علمی و آموزشـی و اجتماعیِ بروجرد و

دیگر شـهرها ، نقشـی داشتند ، مقدار بیشتری از انواع پوستر گرفتند ، تا در آن مراکز و محافل دینی و اجتماعی ، مورد استفاده تبلیغی قرار دهند .

آیه الله صـاحب آلزّمـانی ، پس از اتمام برنامه ، مجـدّداً با خلوص و تواضـعی زائـد الوصف ، از فعّالیّت و اقـدام أعضاء کاروان تبلیغی ، تشکّر نموده ، و دعای خیرشان را بدرقهٔ راهمان قرار دادند .

سپس به طرف شـهر کرمانشاه حرکت کردیم ، و در شـهر نهاوند به نصب و پخش پوستر ، و تبلیغات فشـرده پرداختیم ، و یک ساعت قبل از مغرب به کرمانشاه رسـیدیم ، و با تشـکیل چند گروه منسجم ، در خیابانهای مرکزی و مهم شهر ، به نصب پوستر در مغازه ها و اماکن عمومی پرداختیم ، که تا ساعت ۱۰ شب ادامه یافت ، و پس از آن برای استراحت ، به یکی از مراکز دینیِ کرمانشاه رفتیم ، و شب را در آنجا بیتوته نمودیم .

در شهر کرمانشاه ، به دلیل شرائط خاص اجتماعی و فرهنگیِ شهر ، مشکلاتی را احساس نمودیم ، و لذا نیاز به امدادهای غیبی و عنایت های خاص ، از طرف حضـرت زهراء سلام الله علیها و عزیزانشان ، شدیداً احساس گردید ، و همهٔ همراهان ، دست به دعـا و توسّـل زدنـد ، و مخصوصـاً بعضـی که در این توجّه ، عمیق تر بودنـد ، به حـالت التجـاء و اسـتغاثه درآمدنـد ، که ناگاه درهای رحمت الهی گشوده شد ، و یک تحوّل مهم پدید آمد .

به شـکل غیر منتظره ای ، یـک نفر از آشـنایان بـا هیئآت مـذهبی و عزاداریِ کرمانشاه ، متوجّه برنامه ها و أهـداف سـفر تبلیغی کاروان ما قرار گرفت ، و گفت : اگر فرصت داشته باشید ، تمام سرپرست های هیئتهای کرمانشاه را خبردار می کنم که حاضر شوند ، و شما با آنها مذاکره نمائید ، و در مدّت زمانی کوتاه ،

جمع زیادی از آنها حضور یافتند ، و مجلس با شکوه و پرفیضی آماده گردید .

پس از تشریح هدف و برنامه ، و راه کارهای بزرگداشت فاطمیّه ، با اشاره به مظلومیّت های حضرت زهراء سلام الله علیها آنها آن چنـان تحت تـأثیر قرار گرفتنـد ، که بـا اشـک جـاری ، آمـادگی خودشان را برای اقـدامات لازمه ، جهت انجام برنامه های مناسب در سطح شـهر اعلام نمودنـد ، و عموماً می گفتند : در تمامیِ مدتی که در برنامه های مذهبی و عزاداری ، در جلسات گونـاگون شـرکت کرده ایم ، چنین مجلس نورانی و پر اثر و تکـان دهنـده ای ندیـده ایم (۱) پس از پایـان مجلس ، و تحویل مقـداری پرچم و پوستر ، برای تبلیغـات فاطمیّه در هیئتهای کرمانشاه ، یکی از همسـفرها که روحانیِ دلباخته ای نسبت به أهل البیت علیهم السلام ، پیشنهاد کرد که استخارهای بنمایم ، و در هنگامی که قرآن را باز نمودم ، اوّلین آیه در سر صفحه ، یکی از آیـات بسـیار نورانی و منـاسب ارتباط با أهل البیت علیهم السـلام بود ، که ناگهان او به گریه در آمـد و گفت : امشب شـب جمعه ، و شب زیارتیِ مخصوص حضـرت أبا عبد الله الحسین علیه السلام است ، و امشب را برویم تا مرز خسروی ، و در پشت درهای گمرک ، امام حسـین علیه السلام را زیارت کنیم ، و این استخاره برای همین امر بود، و ناگاه در دل من نیز انقلابی رخ داد، و گفتم : می رویم .

با اینکه برنامهٔ ما بعد از کرمانشاه ، رفتن به شهر همدان بود، ولی برای رسیدن به مرز خسروی رهسپار اسلام آباد غرب شدیم ، و نماز ظهر و عصر را در مسجد جامع شهر خواندیم ، و یک برنامهٔ تبلیغیِ جالب و شایسته ای دربارهٔ فاطمیّه به

۱- سرپرستهای یاد شده ، عموماً مردانی در سنین بالا ، و افرادی علاقمند و باوقار بودند ، که نسبت به حضرت زهراء سلام الله علیها ، دلبستگی و محبّت زیادی اظهار داشتند .

اجرا گذاشتیم ، و رهسپار شهر سرپل ذهاب شدیم ، و با پخش پوستر ، عازم شهر قصر شیرین گشتیم ، و به سوی مرز خسروی روانه شدیم ، ولی به ما گفتند : عبور از قصر شیرین به طرف مرز و گمرک خسروی ، مجوّز مخصوص از فرمانداری و ارتش می خواهد ، و با توجّه به اینکه نزدیک مغرب بود ، صدور مجوّز برای چنین امری ، با مشکل جدّی مواجه بود، ولی اشک جاری و چهره های غمزده ، و دلهای شوریدهٔ همراهان ، مسئولان امر را منقلب نمود، و آنها به احترام امام حسین علیه السلام و به منظور شریک بودن در ثواب زیارت ، برگهٔ عبور تا مرز خسروی را صادر نمودند .

پس از آنکه برگهٔ موافقت از محلّ ادارهٔ مخصوص ارتش (که در بیابانهای اطراف قصر شیرین بود) به دست آمد، به سوی پاسگاه کنترل راه قصر شیرین به طرف مرز خسروی (که عمدهٔ همراهان قبلاً به آنجا رفته ، و منتظر رسیدن ما بودند) به راه افتادیم ، و در هنگامی که از دور نگاه کردیم ، دیدیم که آنها ، با سر و پای برهنه ، رو به شهر مقدّس کربلا ایستاده اند ، و با ناله و گریه با صدای بلند ، مشغول زیارت هستند ، و استغاثه می نمایند ، که مأمورهای حاضر را منقلب کرده بود، و آنها نیز همراهی نموده ، و أشک می ریختند .

صحنهٔ عجیبی بود ، گویا همه در ایوان ورودی حرم امام حسین علیه السلام ایستاده اند ، گویا شبکه های ضریح مطهّر امام حسین علیه السلام را در دست گرفته اند .

آنجا شور بود و سوز ، أشک بود و ناله ، ندبه بود و ضجّه ، و در هنگامی که متوجّه شدند برگهٔ عبور را گرفته ایم ، سر از پا نمی شناختند . از نوجوان دوازده ساله ، تا مرد هفتاد ساله ، همه نشان دادند که ، عشق حسینی در دل آنها چه می کند ، و آنگاه دسته جمعی به سوی مرز حرکت کردیم ، و پس از تجدید وضو

و آمادگی برای خواندن نماز مغرب و عشاء و زیارت امام حسین علیه السلام ، مذاکره نمودیم که آیا در مسجد گمرک (که فرش و کولر دارد) برنامه ها را اجرا کنیم ، یا روی اسفالتهای داغ ، که در تمامیِ روز ، در اثر تابش خورشید ، شدیداً تفتیده شده بود . همه توافق نمودند که ، در پشت درهای خروجی مرز ، روی اسفالتهای داغ ، با پای برهنه ، و بدون جوراب زیارت کنیم .

نماز مغرب و عشا به جماعت خوانده شد ، و آنگاه مشغول زیارت آقا سیّد الشّهداء علیه السلام شدیم ، شب جمعه بود ، شب زیارتیِ مخصوص أبی عبد الله علیه السلام بود، رؤیاهائی که قبل از سفر و در اثناء مسافرت دیده شده بود، در حال تعبیر شدن بود (۱) و لذا، گریه به کسی امان نمی داد ، سوختن پاها بر روی اسفالتهای داغ ، همانند راه رفتن بر روی سبزه های باغهای سرسبز و خرّم جلوه می کرد ،

۱- در شب قبل از شروع مسافرت ، یکی از همراهان (که جوان بسیار با اخلاصی است) در عالم رؤیا می بینند که همه در بیت الزّهراء سلام الله علیها به صف ایستاده اند ، و یکی یکی از این بنده کمترین ، برگۀ جواز کربلا می گیرند . و در شب اقامت در خرّم آباد ، یکی دیگر از همراهان (که او نیز جوان با اخلاصی است) در عالم رؤیا دیده بود که همۀ کاروان در حال اذن دخول گرفتن جهت ورود به حرم مطهّر امام حسین علیه السلام هستیم ، و این کمترین نویسنده ، به او میگویم : مادر تو در داخل حرم است ، برو به او سر بزن ، و مراقب او باش . و در شب اقامت در کرمانشاه ، یکی دیگر از همسفران دلباختۀ حضرت زهراء سلام الله علیها در عالم رؤیا می بیند که همۀ همسفرها ، باحالت عزاداری می خواهیم وارد حرم مطهّر امام حسین علیه السلام شویم ، و این کمترین نیز در جلو دستۀ عزاداری و سینه زنی هستم و در اصفهان ، مادرِ همسر او در عالم رؤیا می بیند که ، همۀ ما به کربلا رفته ایم . و او پس از مراجعت أعضاء کاروان ، باور نمی کرده است که ما ، فقط تا مرز خسروی رفته ایم . و جالب است که در این سفر فاطمیّه ، همه رؤیاها از تشرّف به کربلا پرده بر می داشت ، در حالی که در سفرهای دیگر ، از تشرّف به مدینه و بقیع خبر می داد .

سینه زنی عجیبی انجام شد، همگی ، خود را در حرم امام حسین علیه السلام می دیدند ، و به یاد مظلومیّت و غربت و شهادت آقا ، و عزیزانشان می سوختند .

مأموران گمرک حیران بودند که این چه صحنه ای است ؟ آیا امام حسین علیه السلام با این دلها چه کرده است ؟ به یاد همهٔ دوستان بودیم ، دعا کردیم ، استغاثه نمودیم ، و جالب است که أکثر آن جمع ، بعداً موفّق به زیارت کربلا از نزدیک شدند، و آن شبِ تاریخی ، از بهترین صحنه های به یاد ماندنیِ این سفر فاطمیّه بود .

پس از اتمام زیارت و عزاداری ، جهت خشنودی امام حسین علیه السلام در تمامیِ قسمتهای گمرک ، و مسجد و سایر ملحقات آن ، به شکل گسترده ای پوستر نصب کردیم ، و نیمه شب ، به سوی شهر اسلام آباد غرب حرکت کردیم ، و باقیماندهٔ شب را در مسجد جامع شهر اقامت جستیم .

صبح هنگام ، پس از نماز و زیارت عاشوراء ، به سوی شهر همدان حرکت کردیم ، و در میان راه فقط به نصب و پخش پوستر در شهرهای : صحنه و کنگاور و أسد آباد پرداختیم ، و هنگام ظهر جمعه به شهر همدان رسیدیم ، و پس از اقامهٔ نماز ظهر و عصر ، در مسجد جامع قدیمیِ شهر ، کمی استراحت نموده و سپس به حسینیّهٔ شالباف رفتیم ، و در آنجا با حضور عدّه ای از امناء حسینیّه ، به عزاداری پرداختیم ، که حال و هوای آن بسیار عجیب بود ، و أشک جاری ، در تمامیِ زمان سینه زنی ، از جمعیّت حاضر قطع نمی شد ، و این حالت ، در آماده سازیِ امناء حسینیّه ، برای فعّالیّت و کوشش برای بزرگداشت فاطمیّه در شهر همدان ، بسیار مؤثّر بود .

پس از آن ، مقدار زیادی پوستر و پرچم برای نصب در مراکز دینی و

اجتماعیِ همـدان در اختیـار آنهـا قرار دادیم ، و عازم قبرسـتان شـهر ، و مزار شـریف مرحوم آیه الله العظمی ، آخونـد ملّا علی همـدانی قـدس سِرّه (که از مفاخر علمی و دینی بزرگ همـدان بوده اند) شدیم ، و با زیارت قبور مؤمنین و علماء مدفون در آن مزار ، و نصب و پخش پوستر در آن زیارتگـاه عمومی ، به سوی شـهر ملایـر رهسـپار شـدیم ، و نمـاز مغرب و عشـاء را در یکی از مساجد شـهر ، به جماعت خواندیم ، و با سخنرانی و توضیح و تشریح برنامه های فاطمیّه ، و تشویق مردم و بزرگداشت شهادت فاطمـهٔ زهراءسـلام الله علیها و اهـداء پوسترهای فاطمیّه به آنها ، رهسـپار شـهر گلپایگان شـدیم ، و باقیماندهٔ شب را در یکی از کارخانجات تولید لبنیّات استراحت کردیم ، و فردای آن روز ، برای استمداد از روح مقدّس حضرت معصومه سلام الله علیها برای موفقیّت در برنامه های گسترده فاطمیّه به قم مشـرّف گشتیم ، و با زیارت آن حضـرت ، و نماز اسـتغاثه به امام زمان علیه السلام در مسجد مقدّس جمکران ، کارنامهٔ سفر را بستیم ، و به اصفهان مراجعت نمودیم .

سفر به استانهای مازندران، گلستان و خراسان

در سال ۱۴۲۲ قمری ، در آسـتانهٔ ایّام فاطمیّه ، با جمعی از دلباختگان حضـرت زهراء سلام الله علیها برای انجام تبلیغات فاطمیّه عازم شهرها و مناطق گوناگون گشتیم .

بعد از برگزاری جلسه توسّل ، در بیت الزّهراء سـلام الله علیها اصفهان ، عازم شهر مقدّس قم گشتیم ، و پس از زیارت حضرت معصومه سـلام الله علیها در مدرسهٔ الإمام المهدی علیه السـلام از راهنمائی هایِ معنویِ آیه الله العظمی ، آقای حاج سـید محمد باقر موحّد ابطحی مدّظلّه بهره گرفتیم ، سـپس برای استغاثه به حضرت بقیّه الله الأعظم عجّل الله تعالی فرجه ، جهت موفقیّت در تبلیغات و برنامه های فاطمیّه عازم مسجد مقدّس جمکران شدیم .

ص:۴۱۶

شب چهارشنبه بود، و تمامیِ بیابانهای منطقه ، پُر بود از اتوبوسها و سواریهای شخصی (که از سراسر کشور و همهٔ شهرهای دور و نزدیک ، مشرّف شده بودند) ، به حدّی که ازدحام و فشردگیِ جمعیّت ، انسان را به یاد مشعر الحرام می انداخت .

پس از انجام توسّل ، و خواندن نماز استغاثه به حضرت ولیّ عصر علیه السلام و توزیع مقداری از پوستر های حضرت زهراء سلام الله علیها در میان زائران ، به مدرسهٔ الإمام المهدی علیه السلام برگشتیم ، و صبح هنگام عازم تهران شدیم .

در پمپ بنزین ، و ایستگاه عوارضی تهران (که یکی از مهم ترین و پُر رفت و آمد ترین گذرگاههای کشور می باشد) در سطحی وسیع پوستر نصب کردیم ، که توجّه هر مسافری را به خود جلب می نمود .

سپس به سوی شهر آمل حرکت کردیم ، و در شهرهای : جاجرود و رودهن به نصب و توزیع پوستر پرداختیم ، و یک ساعت به غروب به آمل رسیدیم ، و همراهان به چند گروه تقسیم شدند، و هر دسته ای در بخشی از خیابانهای شهر ، به نصب پوستر در مراکز تجمّع مردم و مغازه ها پرداختند ، که توجّه عمومی را برانگیخت ، و همزمان ، در جواب سؤال مردم که ، این پوسترها مربوط به چیست ؟ با تشریح عنوان فاطمیّه و اهداف آن ، و دعوت آنها به مسجد حضرت امام رضا علیه السلام (برای آشنائی بیشتر) یک موج تبلیغیِ نورانی ، در شهر ایجاد نمودند .

پس از اقامه نماز مغرب و عشا ، در مسجد امام رضا علیه السلام با حضور جمع کثیری از مردم آمل ، به تشریح برنامه های فاطمیّه ، و بیان وظائف همگان در برابر این حرکت دینی و اعتقادی و تربیتی پرداختیم ، و به علت توجّه و استقبال

مستمعین ، چندین ساعت برنامهٔ سخنرانی و اهداء پرچم و پوستر ، و پاسخ به سؤالات دربارهٔ آثار و فوائد این نهضت مقدّس ، به طول انجامید، و سپس به عزاداری و سینه زنیِ پر شور و سوزی پرداختیم ، و امام جماعت مسجد (با حال و روحیّه ای معنوی) از این حرکت و فعّالیّت أعضاء کاروان فاطمیّه (که مرکّب از جوان و پیر ، عالم و عامی ، حوزوی و دانشگاهی بودند) تشکّر و قدردانی نمود .

صبح هنگام ، پس از نماز جماعت و زیارت عاشوراء و استغاثه به حضرت بقیه الله عجّل الله تعالی فرجه ، به سوی شهر ساری براه افتادیم ، و در بین راه با تشکیل گروههای مشخّص ، تمامیِ جایگاههای پمپ بنزین ، و ساختمانهای مورد توجّه را پوستر چسبانیدیم ، که در آن منطقهٔ پر رفت و آمد ، تأثیر تبلیغیِ جالب و ارزشمندی داشت .

در شهر ساری ، در یکی از میدانهای مرکزیِ شهر پیاده شدیم ، و عدّه ای از همراهان ، به نصب انواع پوستر در مغازه ها ، و عدّه ای دیگر ، به توزیع آنها در میان مردم پرداختند ، که با استقبال عمومی (آنهم با حالت ادب و تواضع) و با تکرار جمله های « یازهراء ، جانم به فدایت »، « یا فاطمهٔ زهراء » ، «ماهرچه داریم از حضرت زهراء است » و ...، مواجه گردید ، و حالت روحیِ بعضی از جوانهائی که برای گرفتن پوستر ، به علّت ازدحام جمعیّت ، مدّتی معطّل می ماندند ، و قیافهٔ آنها نشان می داد که اشخاص با فرهنگ و تربیت یافته ، و دارای موقعیّت شایسته ای هستند ، اشک شوق را از چشم دوستان سرازیر می نمود، زیرا احساس می کردند که برای فاطمهٔ زهرائی خدمت می کنند ، که در تمام قلبها نفوذ دارند، و همهٔ انسانها ، به نوعی دلبستهٔ به آن حضرت می باشند .

ص:۴۱۸

پس از آن عـازم بهشـهر شـدیم ، و پس از نصب پوستر در مغـازه هـا ، بعضـی از أعضاء کاروان فاطمی ، به سـراغ این کمترین آمدنـد و گفتنـد : آقایانی هسـتند که می خواهند شـما را ببینند ، وقتی وارد دفتر فعّالیّت آنها شدیم ، همه سـرا پا بلند شدند، و اظهار علاقه و تشـکّر نمودنـد ، و مصـرّانه تقاضا داشـتند که از همـهٔ أعضاء کاروان به صـرف نهار پذیرائی کنند ، ولی به علّت اینکه برنـامه ای برای شـهر گرگان داشتیم ، عـذرخواهی نمودیم ، ولی آنها با جمله ها و نگاههای خودشان ، علاقه و محبّتشان را نسبت به خـدمتگزارانِ فاطمیّه نشان می دادنـد، با اینکه با هیچکدام از آنها آشـنائی نداشـتند ، و چگونگیِ اظهار محبّت ، و ابراز احساسات معنوی آنها ، از خاطره های خوش ، و به یادماندنی ، در این سفر نورانی بود .

برای نماز ظهر و عصر به مسـجد جامع گرگان رفتیم ، و جمعیّت بسـیار زیادی از طبقات مختلف جامعه شرکت کرده بودند، و چهر جماعت حاضر در مسجد ، نشانگر ایمان ، علاقه ، متانت ، محبّت آنها به أهل البیت علیهم السلام بود .

پس از نماز جماعت ، به سـخنرانی و تشـریح برنامه ها و ارائهٔ پرچمها و پوسترها پرداختیم ، در حالی که بعضـی از نمازگزاران که عجله داشـتند برای رفتن و ایسـتاده بودند (با شـنیدن چند دقیقه از توضـیحات) نزدیک آمدند و نشسـتند ، و تا آخر برنامه (که بیش از یـک سـاعت به طول انجامیـد) با توجّه کامل، همراه با قطرات اشک ، دلهایشان را به دنبال کاروان فاطمیان به راه انداختنـد و عـدّه ای از آنها دعوت نمودنـد که در شـهر گرگان چنـد روزی بمانید ، و در سایر مساجد نیز همین توضـیحات را برای مردم بدهید ، و آنها را به وظائفشان در برابر حضرت زهراء سلام الله علیها آشنا سازید ، ولی به آنها عرض می کردیم هم اکنون که شما کاملاً در جریان نهضت فاطمیّه ، و مسئولیت های گوناگون آن

قرار گرفته اید ، لازم است دست به کار شوید ، و در همهٔ مسجدها ، حسینیّه ها ، مراکز آموزشی و اداری و ...، پیام مظلومیّت حضرت زهراء سلام الله علیها را به گوش دیگران برسانید .

به عدّه ای از حاضرین ، که فعّال و مؤثّر بودند، و در محیط کار و محلّ زندگیشان مورد توجّه بودند، مقدار زیادی از پوسترهای متنوّع هدیه کردیم ، که هر کدام از آنها ، به عنوان سربازی در لشکر فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها به انجام وظیفه ، و هدایت و توجیه دیگران بپردازند .

هنگام عصر ، در شهر گرگان به نصب پوستر در مغازه ها و اماکن عمومی پرداختیم ، و رهسپار شهر بجنورد شدیم ، و شب را در یک مسجد به استراحت پرداختیم ، و به شکل جالبی دیوارهای آن را با نام حضرت زهراء سلام الله علیها (در قالب پوستر های متنوّع) تزیین نمودیم .

هنگام صبح ، پس از نماز جماعت و زیارت عاشوراء و استغاثه به حضرت زهراء سلام الله علیها و امام زمان عجّل الله تعالی فرجه رهسپار شهر قوچان شدیم ، و پس از زیارت مزار شریف آقا نجفی قوچانی و استمداد از روح مطهّر آن بزرگمرد، با تشکیل چند گروه فعّال ، در بخشهای مختلف شهر به نصب و توزیع پوستر پرداختیم ، که با استقبال و شور و شوق بسیار شیوای مردم مواجه گردید .

سپس عازم مشهد مقدّس گشته ، و یک ساعت بعد ازظهر وارد حسینیّه اصفهانیها شدیم ، و پس از اقامهٔ نماز جماعت ظهر و عصر ، برای جمع حاضر ، از زائران ساکن حسینیّه ، سخنرانیِ کوتاهی داشتیم ، و توسّل پیدا کردیم ، که حال و هوای معنویِ بسیار خوبی پیدا شد .

هنگام عصر ، به حرم مطهّر حضرت رضا علیه السلام مشرّف شدیم ، و پس از خواندن

زیارت جامعه ، به صحن مسجد گوهرشاد رفتیم ، و مجلس توسّل و عزاداریِ پر سوزی برپا شد ، و روضهٔ حضرت زهراء سلام الله علیها برای خشنودی حضرت رضا علیه السلام خوانده شد ، و توسّط یکی از مدّاحان ، سینه زنیِ مفصّلی انجام گرفت .

در مدّت اقامت کوتاه در مشهد مقدّس (۱) با چند نفر از علماء و نیروهای فعّال در امور أهل البیت علیهم السلام ملاقات و مشورت داشتیم ، و همکاریهای لازم را برای گسترش فاطمیّه در مشهد مقدّس انجام دادیم ، و از پیشرفتهائی که(در اثر فعّالیّت های سالهای گذشته) به دست آمده بود، مطّلع گشتیم .

بعدازظهر آخرین روز زیارتمان ، پس از زیارت وداع ، عازم شهر نیشابور شدیم ، و یک ساعت قبل از مغرب به شهر رسیدیم ، و با تشکیل چند گروه فعّال ، بخشهائی از خیابانهای شهر را (با نصب پوسترهای حضرت زهراء سلام الله علیها به مغازه ها و اماکن عمومی) تزیین و متبرّک نمودیم ، و جهت خواندن نماز مغرب و عشاء ، به مسجد جامع بزرگ و قدیمیِ شهر نیشابور رفتیم .

جمعیّت بسیار عظیمی از علماء، طلّاب حوزهٔ علمیّه ، دانشگاهیان ، بازاریان ، مسئولین و کارمندان ادارات رسمی ، کارگران و کشاورزان و ... اجتماع نمودند ، که در تمامیِ شهرهائی که تاکنون رفته ایم ، چنین نماز جماعت باشکوه و پرجمعیّتی کمتر دیده ایم .

پس از اقامهٔ جماعت ، به تشریح اهداف و برنامه های فاطمیّه ،

۱- در این سفر تبلیغی ، مقصود أصلی ، فعّالیّت تبلیغی در شهر مشهد مقدّس نبود ، زیرا در دو سفر قبل (در سالهای ۱۴۱۷ و ۱۴۱۸) در این زمینه ، در حدّ ممکن فعّالیّت شده بود، بلکه مقصودمان عرض ادب و استغاثه به ذیل عنایت حضرت رضا علیه السلام جهت موفقیّت در مجموع برنامه های فاطمیّه بود .

و موفقیّت هـای به دست آمـده در تمامیِ ایران ، و کشورهای خارجی پرداختیم ، و با ارائـهٔ نمونه هائی از پرچمها و پوسترهای فاطمیّه ، و پیشـنهاد انواع فعّالیّت هائی که در هر شـهری می تواند انجام گیرد ، همانند : تأسـیس خیریّه ها ، درمانگاهها ، و دار الشّـفاها ، و مـدرسه هـا ، و مسـجدها به نـام حضـرت زهراء سـلام الله علیها و نیز با ، به حرکت در آوردن دسـتجات عزاداری ، هماننـد ایّـام عـاشورای حسـینی و برگزاریِ جلسات گسترده ، در مساجـد و مراکز گوناگون اجتماعی و خصوصـی ، تبلیغ فوق العـاده مؤثّری انجـام گرفت ، و بـا توجّه به کثرت جمعیّت و تنوّع آن ، و حضور بسـیاری از شخصـیّت هـای دینی و اجتماعی ، برنامـهٔ بسـیار موفّقیّت آمیزی بود، و توفیق یافتیم که با اهداء پوسترهای متنوّع ، به تک تک أفراد حاضـر در نماز جماعت (که هر کدام از آنها از محلّه یا ناحیه ای از شهر و اطراف آن بودند) پیام نهضت فاطمیّه را به همهٔ نقاط شهر و توابع آن برسانیم .

پس از پایـان برنامـهٔ عمومی ، عـدّه ای از افراد فعّال و علاقمنـد ، که در مساجـد دیگر ، یا حسـینیّه ها، و یا مراکز دانشـگاهی و آموزشـی و اجتماعی ، نفوذی داشتند، مراجعه نمودند ، و با تحویل گرفتن امکانات تبلیغی ، و راهنمائیهای ویژه ، آماده فعّالیّت برای گسترش ابعاد نهضت فاطمیّه (در محیط کار و مسئولیّتشان) گردیدند .

همچنـانکه اسـتقبال مردم نیشـابور از حضـرت رضـا علیه السـلام بی نظیر و تـاریخی بود، و در خاطرهٔ تاریـخ ، به یادگار مانـد ، اسـتقبال عمومیِ مردم نیشابور ، در آن جلسه و آن اجتماع بزرگ ، از برنامه های فاطمیّه نیز ، بسیار جالب و به یاد ماندنی بود، و نشـانه ای از عمق اعتقـاد و دلبسـتگیِ آنهـا ، نسـبت به خانـدان رسـالت ، بالأخص حضـرت زهرای مرضـیّه سـلام الله علیها به حساب آمد .

شب را در یکی از حسینیّه های شهر اقامت نمودیم ، و با پذیرائیِ صمیمانهٔ نیشابوریان ، خاطرهٔ خوشی را در دل و جانمان ثبت نمودیم .

صبح هنگام ، به سوی شهر سبزوار حرکت کردیم ، و مزار شریف امامزاده شعیب علیه السلام را زیارت نمودیم ، و آنگاه به سوی شهر شاهرود روان شدیم ، و پس از ورود در شهر ، مدّتی به نصب پوستر پرداختیم ، و برای نماز ظهر و عصر به مسجد صاحب الزّمان علیه السلام رفتیم ، و پس از نماز جماعت ، توضیحات فشرده ای دربارهٔ موفقیّت های سفرهای تبلیغیِ فاطمیّه ، به سمع حاضرین رساندیم ، و سپس باقیماندهٔ مسیر را تا اصفهان به سرعت پیمودیم ، و تنها به نصب پوستر در اماکن مهم و مورد توجّه اقدام نمودیم ، و با موفقیّت هائی که در زمینهٔ عرض ادب به ساحت مقدّس حضرت زهراء سلام الله علیها و حضرت علی بن موسی الرّضا علیه السلام و حضرت بقیّه الله الأعظم عجّل الله تعالی فرجه و حضرت معصومه سلام الله علیها کسب نموده بودیم ، به وطن برگشتیم ، و امیدواریم که آن بزرگواران ، به لطف و کرمشان قبول فرمایند ، که آرزوی بزرگ ما است .

سفر به استانهای لرستان،کرمانشاه،ایلام و کردستان و همدان

در آستانهٔ ایّام فاطمیّه ۱۴۲۳ قمری ، با جمعی از علاقمندان و خدمتگزارانِ به آستان مقدّس حضرت زهراء سلام الله علیها ، از اقشار مختلف ، أعمّ از مدّرسین و طلّاب و دانشجویان و فارغ التّحصیلان دانشگاه و بازاریان و أصناف ، عازم مسافرت برای تبلیغات فاطمیّه ، و آماده سازیِ مردم شهرها برای بزرگداشت شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها گشتیم .

پس از برگزاریِ جلسهٔ توسّل و استغاثه ، در بیت الزّهراء سلام الله علیها (برای موفقیّت

در امر تبلیغات فاطمیّه) و پس از آماده نمودنِ مقـدار زیادی پوستر و پرچم و کتاب و سایر لوازم تبلیغی (که در یک وانت بار قرار داده شـد) عازم قم شـدیم (۱) و پس از اسـتمداد از روح مقدّس حضـرت معصومه سـلام الله علیها رهسـپار شـهر بروجرد شـدیم ، و برای دوّمین بـار (در سـفرهایِ تبلیغی فـاطمیّه) در مسـجد امام سـجّاد علیه السـلام ، به تشـریح و ترویـج برنامه های فـاطمیّه پرداختیم ، که بـا توجّه به روحیّه و اخلاـص و تواضع آیه الله صـاحب الزّمـانی دام عزّه، و ایمـان و علاقه و ولایت مردم بروجرد، و بالأخص نمازگزاران مسجد یاد شده ، برنامهٔ تبلیغی و عزاداریِ بسیار جالبی به اجراء در آمد، و شدیداً مورد استقبال مردم و نمازگزاران مسجد قرار گرفت (۲) .

پس از آن ، (طبق تصـمیم قبلی) عـازم کرمانشـاه بودیم ، ولی فاصـلهٔ راه زیاد بود، و لـذا تصـمیم گرفتیم ، برای نماز مغرب و عشاء ، در یکی از مساجد شهر همدان به تبلیغ بپردازیم .

بـا ورود در شـهر ، برای انتخـاب مسـجد ، مردّد بـودیم ، و بـا مـوافقت اسـتخاره ، مسـجد میرزا تقی را انتخـاب نمـودیم ، و در هنگامی که به مسـجد وارد شدیم ، متوجّه گشتیم که ، یکی از علماء بزرگوار ، که از سادات عظیم الشّأن نیز هستند ، یعنی آیه الله موسوی ، امام جماعت مسـجد می باشند، و با اجازه گرفتن از ایشان بین نماز مغرب و عشاء ، به تشریح برنامه های فاطمیّه ، و أهداف و نتایج دینی و

۱- در تمامیِ سـفرها، سعی داشته ایم از أرواح مقدّس امامزادگان بزرگوار علیهم السلام استمداد بجوئیم، و لذا در تمامیِ دورهٔ سفر ، به زیارت امامزادگانی که مزار شریفشان در مسیر بوده ، نائل گشته ایم ، و کسب نور و فیض نموده ایم .

۲- سفر أوّل به این شهر ، در سال ۱۴۲۱ قمری بود .

معنویِ آن پرداختیم ، که شدیداً مورد استقبال عموم مردم ، و بالأخص آیه الله موسوی قرار گرفت ، و ایشان با اشکِ ریزان ، در حالی که شانه هایشان می لرزید ، پوسترهای فاطمیّه را که بسیار متنوّع بود، و برای ایشان تازگی داشت ملاحظه فرمودند ، و تشکّر کردند و در حقّ أعضاء کاروان دعا نمودند .

به علت توجّه شدید مردم ، پس از نماز عشاء ، برنامهٔ ارائهٔ پوسترها و پرچمها ، و اهداء آنها به مردم ، و عزاداریِ پرشور و سوز ادامه یافت ، و تا دیر وقت ، علاقمندان به حضرت زهراءسلام الله علیها برای آشنائیِ بیشتر با چگونگیِ اقدام مؤثّر در این زمینه ، با ما مذاکره نمودند ، و عدّه ای از آنها ، که در مراکز دینی و اجتماعیِ همدان ، و شهرهای تابعه نقشی داشتند ، با گرفتنِ پوسترهای بیشتر و یادداشت شماره تلفن برای ادامهٔ ارتباط جهت برگزاری مراسم بزرگداشت شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها علاقه مندیِ خود را نسبت به گسترش أهداف و برنامه های متنوّع فاطمیّه اظهار داشتند .

رؤیائی عجیب و مبشّر

پس از آنکه برنامه های یاد شده به پایان رسید ، بانوئی متدیّنه و با متانت و وقار ، نزد ما آمدند ، و گفتند : دیشب در عالم خواب دیدم که ، در بیابانی هستم، و در اطراف من چند خیمه و چادر و کلبه وجود داشت ، و حضرت زهراء سلام الله علیها نیز حضور داشتند ، که ناگهان کاروانی از عزاداران وارد شدند، و مشغول عزاداری گردیدند، و طولی نکشید که ، حضرت بقیّه الله عجّل الله تعالی فرجه تشریف آوردند، و به هرکدام از حاضرین یک سیب سرخ دادند . بانوی یاد شده ادامه دادند: صبح تا حال ، منتظر بودم ببینم چه می شود ؟ تا اینکه امشب شما به این مسجد آمدید ، و عزاداری کردید ، و بعد به هرکدام از حاضرین گز اصفهان اهداء نمودید، و

فرمودید : به قصد شفاء ، هر نفر یک عدد بردارد ، و من با اجازهٔ شما یکی دیگر برداشتم برای مریضی که در منزل داریم .

جالب توجّه اینست که ، تصمیمِ قبلیِ ما اجرای برنامه در همدان نبود، و اصل ورود و اجرای برنامه در همدان ، و نیز تعیین این مسجد ، بدون تصمیم و پیش بینیِ قبلی انجام گرفت ، و با رؤیای این بانوی صالحه همآهنگ گردید .

سپس برای عزاداری ، به حسینیّه شالبافان رفتیم ، ولی با توجّه به موفقیّت برنامهٔ مفصّل مسجد میرزا تقی ، و رؤیای آن بانوی صالحه (که نشانه ای از عنایت حضرت زهراء سلام الله علیها و حضرت بقیّه الله عجّل الله تعالی فرجه بود) یک انقلاب روحیِ استثنائی ، در همهٔ دوستان بوجود آمده بود، که شور عزاداری را چندین برابر نموده بود، و خاطره ای فراموش ناشدنی ، در دل و جان همه بر جای نهاد .

شب را در حسینیّه بیتوته کردیم ، و صبح هنگام ، پس از نماز و دعا و زیارت عاشوراء ، به سوی کرمانشاه حرکت کردیم ، و در میان راه ، در فرصت های مناسب ، به تبلیغ فاطمیّه و نصب پوستر اقدام می نمودیم .

قبل از ظهر به کرمانشاه رسیدیم ، و پس از نصب پوستر در مغازه ها ، به مسجد نوّاب (که امامت جماعت آن را آیه الله ، سیّد مرتضی نجومی (۱) بر عهده دارند) رفتیم ، و با استقبال گرم و صمیمانهٔ ایشان رو به رو شدیم .

بین نماز ظهر و عصر ، به سخنرانی و تشریح برنامه های فاطمیّه پرداختیم ، و طبق معمول ، دهها نوع پرچم ، و دهها نمونه از پوسترهای فاطمیّه را ارائه نموده ، و دربارهٔ آنها برای مردم توضیح دادیم ، که شدیداً مورد توجّه عموم

۱- ایشان ، علاوه بر شخصیّت علمی ، از خطّاطان نامدار معاصر ، و از اساتید مبرز این هنر اسلامی هستند ، و أخلاق و معاشرت ایشان ، بسیار جالب و شیرین می باشد .

نمازگزاران قرار گرفت ، و با اینکه هنگام ظهر بود، و برنامه نیز طولانی شد، و بیش از یک ساعت ادامه یافت ، جمعیّت فراوانِ حاضر در مسجد ، با علاقهٔ زیاد، و با اشک و ناله ، محبّت قلبی ، و آمادگیِ روحیِ خود را برای بزرگداشت فاطمیّه اظهار داشتند ، و سپس به همهٔ حاضرین از انواع پوسترها و نیز گز اصفهان هدیه گردید (۱).

یکی از نمازگزاران ، با اصرار زیاد ، أعضاء کاروان فاطمیّه را به منزل خود دعوت نمود ، و در هنگامی که وارد شدیم ، ملاحظه نمودیم (که منزل بسیار بزرگی است ، و حال و هوای حسینیّه دارد) و مراسم عزاداری فاطمیّه ، در أیّام شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها در آن انجام می شود ، که همه روزه ، چندین هزار نفر شرکت میکنند ، و از همه آنها به صرف صبحانه (به نام مبارک آن حضرت) پذیرائی می شود .

صاحب منزل ، و بستگان و خانوادهٔ او ، همه از دلباختگان أهل البیت علیهم السلام بودند، و به خاطر عنایات بزرگی که از خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام دیده اند با علاقه و محبّت و صمیمیّت زائد الوصفی ، در پذیرائیِ کاروانِ خدمتگزارانِ به آستان مقدّس حضرت زهراء سلام الله علیها کوشش می نمودند .

هنگام عصر ، در حیاط بزرگ و با صفای همان منزل (که حسینیّه نیز بود)

۱- از جریانات جالب توجّه در این مسجد این که ، پس از پایان برنامه ، شخصی به نزد من آمد، و گفت : من به دلائل خاصّی عازم خودکشی بودم ، و در هنگام عبور از این مسیر ، به دلم افتاد که به مسجد بیایم ، و تاکنون به این مسجد نیامده بودم ، و شدیداً تحت تأثیر سخنان شما و این پوسترها قرار گرفتم ، و در هنگام توزیع پوسترها ، پوستر حضرت محسن علیه السلام به من هدیه گردید ، و نام من نیز محسن است ، و من همهٔ اینها را به فال نیک گرفتم ، و منقلب شدم ، و از تصمیم به خودکشی توبه کرده ، و منصرف شدم ، و این مجلس مرا نجات داد .

حدیث شریف کساء را خواندیم ، و ختم (یا علی) برداشتیم ، و سپس به خیابانها رفتیم ، و گروههای نصب پوستر ، به نحو گسترده ای فعّالیّت نمودند ، و برای نماز مغرب و عشاء ، به مسجد صبّاغ رفتیم ، و در آنجا نیز برنامهٔ بسیار گسترده و مفصّلی داشتیم ، که دو ساعت طول کشید ، و آن چنان همهٔ حاضرین را تحت تأثیر قرار داده بود ، که طولانی شدنِ برنامه را احساس نکرده بودند، تا اینکه از منزلهای آنها به سراغشان آمدند ، و در این هنگام به ساعت خود نگاه کردند، و طولانی شدن مجلس را متوجّه شدند (۱).

پس از آن، با دعوت صاحب منزل ، به همان حسینیّه ای که هنگام ظهر وارد شده بودیم رفتیم ، و پس از صرف شام ، یک جلسهٔ توسّل عجیبی برپا شد ، که با صدای گریهٔ شدید مردان و زنان ، و أشک جاریِ آنها در مصیبت حضرت زهراءسلام الله علیها صحنه ای فراموش ناشدنی بوجود آمد، و این جلسه ، به خاطر تشکّر و قدردانی از بانوانی بود که ، در تهیّهٔ نهار و شام برای خدمتگزارانِ فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها زحمت فراوانی متحمّل شده بودند ، و در جلسهٔ توسّل عصر حضور نداشتند ، و با انجام این برنامهٔ توسّل با حضور آنها ، سپاسگزاریِ معنویِ ، از زحمات آنها ، در آستان مقدّس حضرت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها أنجام پذیرفت .

صبح هنگام ، پس از نماز جماعت و دعا و زیارت عاشوراء و صرف صبحانه ، و با دعای خیر برای صاحب منزل ، و تشکّر از صفا و صمیمیّت

۱- تأثیر برنامه های فاطمیّه بسیار عجیب است ، در بسیاری از موارد ، دو ساعت یا سه ساعت ، برنامه ها ادامه پیدا می کند ، و مستمعین و حاضرین احساس خستگی نمی کنند ، و تا پایان مجلس تمام بخشهای برنامه را مورد توجّه قرار می دهند ، و گاهی از خود بیخود می شوند .

و اخلاص و عرض ادب او (نسبت به حضرت زهراء سلام الله علیها) به سوی شهر ایلام حرکت کردیم ، و قبل از ظهر ، به مسجد جامع بزرگ و زیبای شهر رسیدیم ، و امام جماعت مسجد ، حجّه الإسلام و المسلمین ، آقای حیدری ، که روحانی با ولایت و بسیار علاقمند به أهل البیت علیهم السلام بودند ، با استقبال پرشوری ، از کاروان فاطمیّه تجلیل نمودند ، و در سطحی وسیع ، ستونهای متعدّد و فراوان مسجد ، مزیّن به پوسترها و پرچمهای حضرت زهراء سلام الله علیها گردید، و بین نماز ظهر و عصر ، به نحو مفصّل ، به تشریح برنامه های فاطمیّه ، و لزوم گسترش دادن مراسم عزاداری فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها پرداختیم ، و با توجّه به شرائط استان ایلام، و دور بودن آن از حوزه های علمیّهٔ بزرگ و نیز مرکز کشور ، لزوم و تأثیر فراوان این برنامه ، کاملاً احساس می گردید .

اهداء پوسترهای متنوّع به نمازگزاران ، تأثیر بسیار جالبی داشت ، و در ایجاد آمادگی برای ایّام فاطمیّه بسیار مؤثّر بود .

هنگام عصر ، با تشکیل چند گروه فعّال (هفده گروه) در تمامیِ خیابانهای شهر ایلام ، مغازه ها و اماکن عمومی ، و نیز تاکسی ها و سواری های شخصی و سایر وسائط نقلیّه ، دهها نوع پوستر نصب گردید ، و مردمِ با صفا و با ایمانِ شهر ، با رفتار و گفتار صمیمانهٔ خودشان ، از این حرکت معنوی و ولائی استقبال نمودند ، که برخورد و اظهار علاقهٔ آنها ، همهٔ دوستان را شدیداً تحت تأثیر قرار داده بود .

هنگام نماز مغرب و عشاء نیز ، در مسجد جامع ، با حضور جمعیّت بسیار زیاد نمازگزار، از اقشار مختلف (که در میان آنها از تحصیل کرده های دانشگاهی و حوزوی ، و نیز از مسئولین امور اجتماعی و صنفی فراوان بودند)

به تشریح نهضت فاطمیّه و موفقیّت های آن در کشور، و در سطح جهانی پرداختیم ، و لزوم مشارکتِ همگانی را در تمام شهرها و روستاها، بیان نمودیم ، و با پذیرائی با گز اصفهان ، و اهداء أنواع پوسترها ، شور و شوق آنها را افزایش دادیم ، که کاملاً کارساز و مؤثّر بود .

در مجموع، فعّالیّت های انجام شده در شهر ایلام ، از نظر گسترش ، و تأثیر گذاری ، و استقبال عمومی در همهٔ شهر ، و از ناحیهٔ همهٔ اقشار جامعه ، بسیار جالب و مؤثّر بود، و با توجّه به دوریِ این شهر از مرکز کشور ، و مرزی بودن آن، نیاز به چنین برنامه های دینی (در رابطه با أهل البیت علیهم السلام) شدید می باشد ، و در یک نظر خواهی از همهٔ همراهان ، موارد یاد شده، مورد اتّفاق نظر بود .

صبح هنگام ، بعد از نماز و زیارت عاشوراء ، و استغاثه به حضرت زهراء سلام الله علیها عازم کرمانشاه شدیم ، و برای نماز ظهر و عصر ، به مسجد المهدی علیه السلام وارد شدیم ، و با سخنرانی و توزیع پوستر در میان نمازگزاران ، و برخی از وابستگان به دانشگاه (که برای نمایشگاهی در دانشگاه ، از همه انواع پوستر گرفتند) برنامهٔ خود را دنبال کردیم ، و سپس عازم کردستان شدیم .

قبل از مغرب ، به شهر سنندج رسیدیم ، در حالی که در آن شهر ، دو مرکز عمده برای فعّالیّت شیعیان وجود دارد، یکی حسینیّه ، و دیگری مهدیّه .در ابتداء به حسینیّه رفتیم ، و تمام ستونها و بخشهای گوناگون حسینیّه را (که سالن بسیار بزرگی دارد) از انواع پوسترهای فاطمیّه نصب کردیم ، و به حاضرین نیز، نمونه هائی اهداء نمودیم ، ولی به علّت کمیِ جمعیّت ، برای نماز جماعت عازم مهدیّه شدیم ، که در آن زمان ، محلّ اجتماع عمده ای برای شیعیان بود .

امام جماعت مهدیّه ، درخواست نمود که این کمترین اقامهٔ جماعت را بر

عهده بگیرم ، و چنین شد ، و پس از پایان نماز ، به سخنرانی پرداختیم .

شرکت کنندگان در نماز جماعت (که عموماً تحصیل کرده بودند، و در مراکز رسمی و اجتماعی و علمیِ شهر سنندج ، دارای مسئولیّت بودند) در ابتدای امر ، با حالت استفهام ، و با نگرشی جستجوگرانه ، به سخنان این کمترین گوش فرا دادند ، چون نمی دانستند که آیا بحث درباره فاطمیّه چگونه دنبال می شود ؟ و آیا با توجّه به فضای اعتقادی و فرهنگیِ کردستان ، طرح این مسئله چه عوارضی را به دنبال خواهد داشت ؟ ولی با گذشت یک ربع ساعت از سخنرانی که در حال ایستاده انجام گرفت ، اشکها بر گونه هایشان جاری گشت ، و با سپری شدن نیم ساعت از برنامه ، آرامش روحیِ عجیبی بر حاضرین حاکم گردید ، و متوجّه شدند که مسئلهٔ فاطمیّه آن چنان دنبال می شود که با آرامی ، همه را در صف مدافعین از حقّ حضرت زهراء سلام الله علیها قرار می دهد ، و هر کسی احساس می کند که ، باید در یاری رساندنِ به آن مظلومهٔ بزرگ ، با زبان و قلم ، و گفتار و عمل ، گامی بردارد، و با نشان دادن حزن و اندوه قلبیِ خود، و پوشیدن لباس عزا ، و برگزاری مجلس سوگواری ، در اجرای دستور العمل :

قُل لا أسئَلُكُم عَلَيهِ أجراً إلّا المَوَدَّةَ فِي القُربى

تلاش و کوشش بنماید .

جمعیّت حاضر ، که عموماً دارای فرهنگی برجسته ، و شخصیّتی ممتاز بودند، و در سِمَت و مسئولیّتِ رسمی و اجتماعیِ خود ، تجربه های ارزشمندی را به دست آورده بودند، ملاحظه نمودند که ، در برابر وظیفه ای مهم و اساسی قرار دارند ، که اگر در روش اجرائیِ آن ، از راه و روشی که ارائه می شود ، بهره بگیرند ، بسیار موفّق خواهند بود ، و لذا تمامیِ حاضرین ، در یک حالت شور و

سوز جالبی قرار گرفته بودنـد ، و با دیـدن پرچمهای متعـدّد ، که با شـعارهای زنـده و مسـئولیّت ساز ، و لطیف کننـدهٔ عواطف تزیین شده بود، و نیز با تماشای انواع پوسترهای گوناگون (که با طرحهای مختلف ، و نوشـته های مهیّج ، جاذبهٔ بسـیار زیادی داشت) و به هیجان آمـده بودنـد ، و گویا تمام وجودشان چشم بود و نگاه ، و در هنگام خواندن متن ها و جمله های مورد نظر ، انگار که تمام هستیِ آنها گوش بود و شـنوائی ، و به دنبال این حالت ، اشکِ جاری و صدای گریهٔ بلند ، از مجلس قطع نمی شد .

جوان و پیر ، زن و مرد، همه و همه ، در مصـیبت حضـرت زهراء سـلام الله علیها می سوختنـد ، و همراه با نالهٔ آن حضـرت می نالیدند، و در این حال بود که ، پیشـنهادات مربوط به تجلیل و بزرگداشت شـهادت حضرت زهراء سلام الله علیها را ، با جان و دل می پذیرفتند .

همه ، سپاسـگزار بودند ، برای اینکه توفیق الهی نصیب آنها گشته ، که در جلسه ای شرکت کرده اند که برای بزرگداشت ایّام فاطمیّه برگزار گردیده است ، و سهمی از انجام وظیفه در این زمینه را بر عهده می گیرند .

برنامهٔ یاد شده، تا نزدیک نیمه شب به طول انجامید ، و علاوه بر پوسترهائی که به همهٔ حاضرین (از زن و مرد) هدیه گردید ، کسانی که در مراکز اجتماعی، یا علمی و آموزشی ، دارای موقعیّتی حسّاس بودند ، مقدار زیادی پوستر و پرچم گرفتند ، تا در جاهای مناسب نصب نمایند ، و بدین وسیله ، برنامه های فاطمیّه را در منطقهٔ خودشان ترویج نمایند .

برانگیخته شـدن عواطـف پـاک دینی ، و تـوجّه منطقی و مسـتند به مظلـومیّت حضـرت زهراء سـلام الله علیهـا ، روش معقول و حساب شده ای که در طرح مسئله به کار

رفت ، و فرهنگ بالا و تحصیلات عالیهٔ حاضرین ، همه و همه ، دست به دست هم داد ، که نتیجهٔ تبلیغیِ همین یک جلسه ، یک حرکت پاک و معقول به سوی دفاع از مظلومیّت حضرت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها به حساب آمد، و همهٔ حضّار احساس می کردند ، که می توانند پاسخی به فریاد مظلومیّت آن شهیدهٔ مظلومه ، داشته باشند .

با عنایات الهی و الطاف صاحبان ولایت ، برنامهٔ یاد شده، با موفقیّت کامل، همراه با سوز و شوری به یاد ماندنی به پایان رسید ، و خدای را سپاسگزاریم.

و از نکات مهم و جالب در جلسهٔ یاد شده این بود که ، حضور کاروان فاطمیّه در شهر سنندج و مهدیّه علیه السلام بدون اطّلاع قبلی بود، ولی ، یکی از بانوان متدیّنه و علاقمند به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام در شب قبل از آن مجلس ، خوابی می بیند ، که به دنبال آن در شب یاد شده ، با عبور از خیابانی که مهدیّه در آن واقع است ، ناخود آگاه به سوی مهدیّه کشانده می شود ، و پس از نماز جماعت و شروع سخنرانی و برنامه های یاد شده ، تعبیر کامل رؤیای خود را می یابد .

صبح هنگام ، پس از نماز جماعت و توسّل و استغاثه ، عازم شهر همدان شدیم ، و در میدان بزرگ ورودیِ شهر (که اقشار گوناگون جامعه ، و ساکنین شهرهای مختلف در آن ، در حال رفت و آمد بودند) به توزیع پوستر پرداختیم ، که با استقبال پرشور و شوق زائد الوصفی از ناحیهٔ آنان ، مواجه گشتیم ، و با خواهش و اصرار عجیبی ، تقاضای دریافت پوستر می نمودند ، و آنها را می بوسیدند و به چشم می گذاشتند .

سپس از طریق اراک ، عازم مشهد اردهال و مزار امامزادهٔ عظیم الشّأن ، حضرت علیّ بن محمّد الباقر علیهما السلام شدیم ، و در آنجا با حضور آیه الله العظمی ،

ص:۴۳۳

آقای حاج سیّد محمّـد باقر موحّـد ابطحی مدّظله ، به خواندن زیارت عاشوراء و عزاداری مفصّل و پرسوزی مشـغول شدیم ، و آنگاه به سوی قتلگاه حضـرت علی بن محمّد الباقر عیلهما السـلام (که در بالای کوهی در همان نزدیکی قرار دارد) رفتیم ، و بشـارت هائی هم نصـیبمان گردیـد ، و پایان بخش این سـفر نورانی و معنوی ، برای بزرگـداشت فاطمه سـلام الله علیها زیارت ذرّیّه ای از ذراری حضرت زهراء سلام الله علیها قرار گرفت .

گزارشی کاروانهایِ عزاداری در ایّام فاطمیّه

از سال ۱۴۲۰ قمری ، به دنبال سفارشهای مکرّر و تأکیدات برخی از مراجع معظّم تقلید ، تصمیم گرفتیم که در ایّام فاطمیّه دوّم ، به مناسبت شـهادت حضـرت زهراء سـلام الله علیهـا کـاروان عزاداری به راه بینـدازیم ، و مسـیر حرکت کاروان را عمـدتاً در شهرهای تهران و قم قرار دهیم، زیرا گسترش و عمیق شدن برنامه های بزرگداشت شـهادت فاطمه زهراء سلام الله علیها در این شهرها ، می تواند آثار و نتائج بسیاری را در تمامیِ شهرهای ایران ، و سایر کشورهای جهان داشته باشد .

ویژگی هـایِ اخلاـقی و اعتقـادیِ شـرکت کننـدگان در ایـن حرکت معنـوی ، و دلبـاختگی آنـان در برابر عظمت و شخصـیّت حضرت زهراء سلام الله علیها و دل شکستگی و غمزدگی آنها به مناسبت شهادت و مظلومیّت آن حضرت، و اخلاص و تواضع و بی ادّعـائیِ این دل سوختگـان بی قرار ، نقش بی نظیری در تأثیر گـذاری کاروان عزاداری در تحوّل روحیِ مردم دارد، و هر بیننده ای را تحت تاثیر قرار می دهد

کـاروان عزاداری ، بـا چنـدین اتوبوس و تعـدای از اتومبیـل هـای سواری ، در مسـیر معیّن حرکت می کنـد ، در حالی که یک اتومبیـل مجهّز به بلنـدگوی قویّ در جلوی کـاروان حرکت می کنـد ، و بـا مرثیه سـرائی و زمزمه هـای یـا زهراء حـال و هوای خیابانها و مسیرها را دگرگون ساخته ، و همه را متوجّه ایّام شهادت

ص:۴۳۴

فاطمه زهراء سلام الله علیها می نماید .

تمامیِ اتوبوسها و اتومبیل های سواری ، با نصب پوسترهای مناسب و تکان دهنده ، در قسمت های مهم و مورد توجّه ، تماشاگران را منقلب نموده ، و احساسات و عواطف پاک آنها را بر می انگیزند .

جمعیّت کاروان عزادارای ، در نزدیکیِ مسجد یا حسینیّه ای پیاده می شوند ، و با پای برهنه ، و با لباسهای سیاه و با چهره هائی غمزده و گریان ، بر سر و سینه زنان ، با زمزمهٔ اشعاری بسیار جان سوز و مؤثّر ، مقداری از راه را می پیمایند، و سپس به مجلس عزا وارد می شوند، و با انجام عزاداری پر شور و سوزی ، که از دلهای شکسته و جانهای آتش گرفته ، نشأت می گیرد ، همه را تحت تأثیر قرار داده و عاشورای فاطمی به راه می اندازند .

گزارشهای رسیده از مساجد و حسینیّه ها و محافلی که در آنها کاروان عزاداری عرض ادب نموده اند ، حاکی از تاثیر گذاریِ کم نظیر و بسیار عمیق و سازندهٔ این حرکت معنوی و ولائی می باشد ، و مقایسه ای بین وضعیّت مجالس عزاداری در تهران و قم در سال اوّل این حرکت معنوی ، وسال گذشته ، به خوبی نتایج و آثار عجیبهٔ این حرکت را نشان می دهد .

و هم اکنون به نحو اجمال ، مسیر حرکت کاروان عزاداری را در سالهای گذشته ، با اشاره ای به اماکن مقدّسی که در آنها برنامه عزاداری مفصّل انجام گرفته بیان می نمائیم ، و امید است مورد عنایت بی بی دو عالم ، حضرت زهراء سلام الله علیها و صاحبان عزایِ ایشان ، پیامبر أکرم صَلَّی الله عَلَیهِ واله و أمیر المؤمنین علیه السلام و سایر أئمّهٔ معصومین علیهم السلام قرار گیرد .

***

مسیر کاروان عزاداری در سال ۱۴۲۰قمری

روز اوّل ماه جمادی الثّانیه ، با سه اتوبوس و چندین اتومبیل شخصی ، از اصفهان حرکت کردیم ، و در حالی که عدّه ای از علاقمندان به حضرت زهراء سلام الله علیها کاروان عزا را بدرقه می کردند، با همان حالت کاروانی وارد شاهین شهر شدیم، و عدّه ای از مسئولین هیئآت مذهبی شهر استقبال نمودند ، و پس از گذشتن از خیابانهای شهر ، به سوی میمه و دلیجان حرکت کردیم ، و به صورت کاروانی و با زمزمه های یا زهراء که از بلندگو پخش می شد ، به سوی صحن و سرای امامزاده های مدفون در چند کیلومتری شهر دلیجان رفتیم ، و در آنجا علاوه بر زیارت ، مقداری عزاداری نمودیم ، و آنگاه رهسپار قم شدیم .

نماز مغرب و عشاء را در حرم مطهّر امامزاده شاه جمال علیه السلام (ورودی شهر قم) به جماعت خواندیم ، و پس از مقداری عزاداری ، به منظور تسلیت گوئی به حضرت معصومه سلام الله علیها به جهت شهادت مادر مظلومه شان حضرت زهرای مرضیّه سلام الله علیها به سوی حرم مطهّر روانه گشتیم ، و به صورت یک دستۀ عزاداریِ پرجمعیّت ، منظّم ، همراه با اشک و ناله و سوز ، به صحن مقدّس وارد شدیم، و در مقابل ایوان مطهّر ، با حضور جمعیّت زائری که از شهرها و کشورهای دیگر نیز آمده بودند ، به عزاداری پرداختیم ، و سپس روانۀ بیت الزّهراء سلام الله علیها (که به تازگی زیر نظر ، آیه الله العظمی ، آقای حاج سیّد محمّد باقر موحّد ابطحی مدّظلّه تأسیس گشته) شدیم ، و در تمامیِ مسیر ، موج معنوی بسیار محسوسی در عابران و تماشاگران ایجاد نموده ، و در بیت الزّهراء سلام الله علیها عزاداری مفصّل و پر شوری انجام گرفت ، که تمامیِ حاضران را تحت تأثیر معنوی قرار داد .

قبل از اذان صبح ، نماز شب و مناجات عّده زیادی از اعضاء کاروان ،

زمینه ساز حالات معنوی در جمع عزادار بود، و پس از اقامهٔ نماز جماعت صبح در بیت الزّهراء سلام الله علیها روانهٔ تهران شدیم .

تمامیِ خیابانهای شهر را تا قسمت مرکزیِ آن و ورود به حسینیّه بنی فاطمه ، به صورت کاروانی ، با حرکت منظّم اتوبوسها و سواریها ، و با زمزمه های یا زهراء ، که از بلندگو پخش می شد طی نمودیم ، و تمامیِ مأموران راهنمائی و رانندگان اتومبیل هائی که در خیابانهای پرجمعیّت تهران در حال تردّد بودند ، با احترام تمام ، راه را برای عبور کاروان عزاداری باز می کردند، و عابران پیاده با شنیدن صدای یا زهراء و دیدن اتومبیل هائی که با پوسترهای حضرت زهراء سلام الله علیها حال و هوای خاصّی پیدا کرده بود اشک می ریختند ، و با عزاداری کاروان عزا ، همراهی می نمودند (۱).

در حسینیّه بنی فاطمه ، استقبال شایسته ای انجام شد، و پس از عزاداری مفصّل رهسپار پل سید خندان شدیم ، و برای ورود به مجلس عزاداری ، که در منزل یکی از علماء پر تلاش و دلبستهٔ به أهل البیت علیهم السلام برگزار بود، آماده شدیم ، با پای پیاده و در حال سینه زنی خیابانی را طی نمودیم ، و در نزدیکیِ مجلس عزاداری ملاحظه نمودیم که علماء بزرگوار تهرانی ، به استقبال کاروان عزاداری آمده اند، و با شور و حال جالبی وارد مجلس شدیم ، و نزدیک به سه ساعت عزاداری و سینه زنی کم نظیری انجام شد ، که برخی از خطباء پرسوز سالخورده ، و بعضی از مدّاحان دلسوخته انجام وظیفه نمودند ، و عدّه ای در

۱- سرنشینان اتومبیلهای تهرانی و عابران پیاده ، مایل بودند بفهمند که این کاروان از کدام شهر است ، ولی هیچ نشانه ای از هیچ گروه یا شهر و منطقه ای ، در پرچمها و پوسترها وجود نداشت .

جلسه از هوش رفتند ، و انقلابی برپا گردید ، که هنوز آثار آن در بسیاری از روحیّه ها باقی است ، هنگام عصر ، از تهران به مقصد سواد کوه حرکت کردیم ، و در هنگامی که به آنجا رسیدیم ، ملاحظه نمودیم که حضرت آیه الله نظری (که از علماء با اخلاص و پرتلاش در راه احیاء آثار أهل البیت علیهم السلام عموماً ، و خصوصاً أمر غدیر و فاطمیّه می باشند) به اتّفاق عدّه ای از علماء و جمع کثیری از مردم با ولایت منطقه به استقبال آمده اند ، و چند ساعت در حالت انتظار و عزاداری بوده اند . پس از اقامهٔ نماز جماعت مغرب و عشاء در یکی از مساجد ، حرکت کردیم و در نزدیکیِ مسجد دیگری پیاده شدیم، و با پای پیاده و در حال سینه زنی مسیری را طی کردیم ، و با سیل جمعیّت عظیمی روبرو شدیم که آنها نیز برای استقبال آمده بودند، و به اتّفاق آنها به مسجد و حسینیّه بزرگی وارد شدیم ، که در آنجا عاشورائی برپا شد ، همه علماء و روحانیّون عمامه ها را از سر برداشتند ، و آنجا أشک بود و آه ، بر سر و سینه زنی بود و فریاد یا زهراء و تا نیمهٔ شب عزاداری ادامه داشت ، و مقداری دربارهٔ لزوم بزرگداشت شهادت حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها ، و آثار و برکات آن سخنرانی انجام گرفت .

هنگام اذان صبح روز شهادت (سوّم جمادی الثّانیه) پس از نماز جماعت و زیارت عاشوراء و مقداری ذکر مصیبت ، به سوی شهر ساری حرکت کردیم ، مردم با ولایت و دوستدار أهل البیت علیهم السلام و هیئت های عزاداریِ شهر ساری به استقبال آمده بودند، و در خیابانهای شهر ، با پای برهنه و سرهای بدون عمامه و بر سر و سینه زنان ، عاشورای فاطمی به راه افتاد ، و منطقه به لرزه در آمده بود .

در یکی از مجالس عزاداری حضرت زهراء سلام الله علیها وارد شدیم ، و مدّتی طولانی با همراهی مردم ساری ، به عزاداری و سخنرانی دربارهٔ عظمت شهادت حضرت

زهراء سلام الله علیها و بزرگداشت آن پرداختیم ، که تا ساعت ۱۰/۵ادامه یافت ، پس از آن برای عزاداری و اقامهٔ نماز جماعت ظهر و عصر ، به یکی از باغهای شهر ساری رفتیم .

تجّار و شخصیّت های محترم ساری ، آن چنان در پذیرائی عزاداران حضرت زهراء سلام الله علیها همّت نمودند ، و با اخلاص و تواضع و ادب زائد آلوصفی ، به میهمانان فاطمیّه محبّت نشان دادند ، که همه را منقلب نمود، و موجی از عواطف و احساسات پاک را در وجود همه برانگیخت . آن صحنهٔ با شکوه و به یاد ماندنی نشان داد که با عشق و محبّت پاک ، مشکلات آسان ، و غیر ممکن ها ، ممکن می شود ، و برای ترویج و احیاء دین ، بایستی از این احساسات دینی و معنوی عمیق و ریشه دار بهره گرفت . بعضی ، برگ درختها را خونین دیدند، و بعضی دیگر آنها را به رنگ سیاه و عزادار مشاهده نمودند ، و جلسهٔ آن روز اگر چه در باغی بود، ولی همراه با ضجّه بود و ناله ، و عدّه ای از همراهان ، عشق زیارت حضرت رضا علیه السلام طوفانی در وجودشان بر پا کرده بود، و غوغائی برپا نمودند ، ولی یک راهنمائی معنوی از رفتن به سوی مشهد مقدّس جلوگیری نمود، و برنامه های عزاداری قم ، و تأثیر عجیب آن در شهر و حوزهٔعلمیّهٔ قم، دلیل آن راهنمائیِ معنوی را روشن نمود .

هنگام عصر ، به داخل شهر برگشتیم ، و با حالت عزاداری با پای پیاده ، به سوی مسجد جامع حرکت کردیم ، و پس از اقامهٔ جماعت مغرب و عشاء ، به عنوان شام غریبان برای حضرت زهراء سلام الله علیها با پای پیاده ، و شمع به دست کوچه و خیابان را طی نمودیم ، و با زمزمه های غریبانه و جانسوز به سوی ، منزل آیه الله نظری راهپیمائی کردیم، و در آنجا به سخنرانی یکی از خطباء نامدار گوش

فرا داده و آنگاه همه به عزاداری پر سوز و نالهای پرداختند ، که نظیر آن کمتر دیده می شود و برخی نیز از هوش رفتند .

سپس برای صرف شام به منزل یکی از ارادتمندان حضرت زهراء سلام الله علیها رفتیم ، آنجا همه محبّت بود و صمیمیّت ، احترام بود و ادب ، زن و مرد، ثروتمند و نیاز مند ، همه در کنار هم یک مقصد داشتند ، و یک مقصود ، و آن هم بزرگداشت حضرت زهراء سلام الله علیها .

صبح هنگام ، پس از نماز و دعا و توسّل ، با حالت عزاداری به یکی از مجالس روضهٔ شهر ساری رفتیم ، و پس از انجام مراسم ، با تشکّر صمیمانه از مردم با ایمان و ولایت شهرستان ساری ، و محبّت های فراموش ناشدنی آنها ، به سوی قم حرکت کردیم ، و هنگام شب در بیت الزّهراء سلام الله علیها قم عزاداری نمودیم .

صبح پنجم جمادی الثّانیه ، پس از نماز و دعا و زیارت و استغاثه ، با حالت عزاداری و سینه زنی ، به مجلس روضهٔ نویسندهٔ محقّق و عالیقدر ، آقای مهدی پور رفتیم ، که تأثیر عجیبی بر روحیّهٔ علماء و محقّقین عالیقدر حاضر در مجلس گذاشت ، و همه را در مصیبت حضرت زهراء سلام الله علیها منقلب نمود، و آن چنان عزاداری همراه با انقلاب روحی و اشک و ناله بود ، که بعضی از هوش رفتند ، و طولانی شدن برنامه را کسی احساس نمی کرد .

پس از آن، به ترتیب : به حسینیّهٔ آیه الله العظمی ، آقای حاج سید محمّد وحیدی تبریزی ، و منزل آیه الله العظمی ، آقای حاج سیّد صادق روحانی ، و منزل آیه الله العظمی ، آقای حاج شیخ جواد تبریزی ، و دفتر آیه الله العظمی ، آقای حاج سیّد علی سیستانی ، و منزل آیه الله العظمی ، آقای حاج شیخ حسین وحید خراسانی مدّظلّهم رفتیم ، و در همهٔ این مجالس با حالت عزاداری و سینه زنی وارد می شدیم ، که تحوّلی ایجاد می نمود ، و أشک جاری مراجع معظّم تقلید بر چهره های نورانی آنها ، همهٔ

عزاداران را منقلب می نمود، و شور و سوز دیگری به عزاداری می بخشید . در محضر همهٔ مراجع بزرگوار ، به این حدیث شریف اشاره می کردم (ما تَکامَلَتِ النّبوّه لِنَبِیٍّ حَتّی أَقَرَّ بِفَضلِها وطاعَتِها) و عرضه می داشتم که ، تحقیق علمی ، اجتهاد ، مرجعیّت ، زعامت دینی و اجتماعی برای هیچ شخصیّتی تکامل نمی یابد ، جز همراه با محبّت حضرت زهراء و اطاعت آن حضرت ، و آن بزرگواران با اشک های جاری و نورانی خود، نشان می دادند که راستی همهٔ ارزشها و مقامات را در خود ، تکامل بخشیده اند .

هنگام عصر و شب ، به منزل آیه الله حاج سیّد محمود دهسرخی ، و آیه الله العظمی ، آقای حاج سیّد محمّد شیرازی ، و بیت شریف مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج سیّد محمّد رضا گلپایگانی قدس سِرُّه و سپس به منزل آیه الله العظمی آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی دام ظلّه رفتیم ، و در هر کدام از این بیوت شریفه صحنه هائی از عشق و محبّت ، سوز و گداز و عزاداریهای تکان دهنده شکل می گرفت ، و تأثیر فراوانی بر همهٔ حضّار ، از علماء و فضلاء و طلّاب و عموم مردم می گذاشت ، و به همین جهت عدّه ای از مراجع عظیم الشّأن تأکید نمودند که همه ساله این برنامه را ادامه دهید ، زیرا که احیاء شعائر فاطمیّه ، احیاء دین می باشد ، استقبال و تجلیل مراجع تقلید از این حرکت معنوی و کاروان عزاداری ، نقش بسیار زیادی در گسترش برنامه های بزرگداشت فاطمیّه ایفا نمود، و عزاداران را در تصمیم و اراده شان قاطع تر و مصمّم تر نمود .

از نکات جالب در این سفر این بود که ، یکی از علماء دلباخته أهل البیت علیهم السلام که از سادات نیز می باشد ، به احترام حرکت آیه الله العظمی ، آقای حاج شیخ جواد تبریزی دام ظلّه که در روز شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها فاصله بین بیت

شریفشان تا حرم مطهّر حضرت معصومهسلام الله علیها را با پای برهنه و پیاده پیموده بودند را بوسید ، و به این بوسه افتخار می کرد، و در سال بعد نیز ، در صحنهٔدیگری ، پای حضرت آیه الله العظمی ، آقای وحید خراسانی دام ظلّه را بوسید (۱).

در پایان سفر خبر دار شدیم که ، کرامات و عنایات زیادی به همراهان ، و سایر عزاداران حضرت زهراء سلام الله علیها رسیده است ، که یک نمونهٔ آن مربوط به یکی از طلبه های سیّد میباشد ، که مرثیه ها و زمزمه های یا زهراء را در مسیر با بلندگو می خواند ، او دچار تنگی نفس شدید بود ، که باید داروهائی را مصرف کند و از (اسپری) برای جبران تنگی نفس بهره ببرد، و قبل از شروع سفر همهٔ داروها و وسائل لازم درمانی را همراه خود بر می دارد، ولی در هنگام مصرف آنها هرچه جستجو می کند ، آنها را پیدا نمی کند ، و ناگاه متوجّه می شود که دو ساعت پی در پی خوانده ، و هیچ نیازی به داروها پیدا نکرده است ، و تاکنون که چند سال می گذرد، هیچ نیازی پیدا نکرده ، و شفا یافته است .

و دیگری مربوط به یکی از طلّاب دلسوختهٔ أفغانی است ، که دست او در اثر ترکش خمپاره در جنگهای افغانستان از کار افتاده بود، و نمی توانست دست خود را بالا ـ بیاورد (همهٔ طلّاب هموطن او می دانستند) در مسیر عزاداری ناگاه به فکر می افتد که آیا من می توانم سینه بزنم ، وقتی دستش را بالا می برد، می بیند کاملاً دست او بالا و پائین می رود ، و دست خود را به تمام جهات می تواند

ص:۴۴۲

۱- این در مرجع بزرگوار ، از سال ۱۴۲۰ قمری تاکنون ، روز شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها (سوّم جمادی الثّانیه) از بیت شریفشان تا حرم مطهّر با پای برهنه ، روی اسفالتهای داغ ، با اشک جاری ، به عزاداری می پردازند ، و بسیاری از علماء و مجتهدین و طلّاب و فضلاء و مردم با ایمان آنها را همراهی می نمایند .

حرکت دهد ، و جریان شفای دست خود را در یک جلسهٔ درس بزرگ حوزه علمیّهٔ اصفهان شرح داد ، و عدّه ای از فضلای متدیّن ، تمام گفته های او را تصدیق نمودند ، و بر آن شهادت دادند .

مسیر کاروان عزاداری درسال ۱۴۲۱ قمری

روز اوّل جمادی الثّانیه ، با سه اتوبوس (در هر کدام پنجاه نفر سوار شدند) و چندین اتومبیل سواری ، همانند سال قبل حرکت کردیم ، و در حرم امامزاده شاه جمال علیه السلام قم اقامهٔ نماز جماعت مغرب و عشاء نمودیم ، و سپس با حالت عزاداری و با پای برهنه ، به صحن مقدّس حضرت معصومه سلام الله علیها وارد شدیم ، و آنگاه به بیت الزّهراءسلام الله علیها رفتیم ، و تا نیمه شب به عزاداری پرداختیم . هنگام صبح ، بعد از نماز و زیارت ، به سوی تهران حرکت کردیم ، و خیابانهای شهر را تا میدان قیام و خیابان ری ، به صورت کاروانی و با بلندگو و صدای یا زهراء و مرثیه خوانی طی نموده ، به سمت مکتب الحدیث آیه الله ، رحمانی همدانی حرکت کردیم ، که همه را دگرگون ساخت ، ورود کاروان عزاداری به مکتب الحدیث ، همراه با آن حال و هوای معنوی ، مردم با ایمان تهران را منقلب نمود، و آیه الله رحمانی ، در سخنانی پرشور و همراه با سوز و اشک ، همه را تحت تأثیر قرار دادند ، و با جمله هائی تکان دهنده ، از کاروان عزاداری تجلیل معنوی بسیار جالبی نمودند .

سپس عازم مکتب النّبی صَلَّی الله عَلَیهِ و اله (حسینیّه ای است متعلّق به آذربایجانی ها) شدیم ، و یکی از خیابانها را تا رسیدن به مکتب النبی صَلَّی الله عَلَیهِ و اله و با پای پیاده و حالت عزاداری طی نمودیم ، و در آنجا علاوه بر عزاداری و مرثیه سرائیِ مدّاحان اصفهانی ، آقای سیّدی (یکی از مدّاحان دلسوختهٔ أهل بیت علیهم السلام غوغائی

برپا کرد، که عدّه ای بیهوش شدند، و صدای ضجّه و ناله به آسمان می رفت ، و به خوبی احساس می شد که اهل بیت علیهم السلام حضوری معنوی در مجلس دارند .

سپس به پل سیّد خندان رفتیم ، و در آنجا با استقبال علماء تهران روبرو گشته ، و با حالت عزاداری وارد مجلس روضهٔ حجّه الإسلام و المسلمین ، آقای علّامی شدیم ، و همهٔ علماء عمامه ها را از سر برداشتند ، و عزاداری بسیار مخلصانه ای انجام شد ، که عدّه ای بیهوش شدند .

هنگام عصر عازم مسجد امام موسی بن جعفر علیه السلام واقع در بلوار کشاورز شدیم، و با پای برهنه مقدار زیادی راه را با حالت عزاداری طی نمودیم ، و پس از اقامهٔ نماز جماعت مغرب و عشاء ، به عزاداری بسیار مفصّل پرداختیم ، که مردم تهران را (آن هم در یک منطقهٔ اعیان نشین) بسیار منقلب نمود، و آنها را به سوی حال و هوای معنوی هدایت کرد، و همه سپاسگزاری نمودند ، و شکر خدای را به جا می آوردند ، که در مسجد و منطقهٔ محلّ زندگی آنها ، چنین حرکت دینی و الهیِ تکان دهنده ای انجام گرفته است ، و اصرار داشتند که همه ساله به همین منطقه تهران سفر کنید ، زیرا که نیاز شدید به چنین برنامه ای دارد .

در همان شب ، یکی از بستگانِ یکی از همسفران عزادار ، بدون این که برنامه سفر و جلسات را بداند ، در عالم رؤیا دیده بود که ، کاروان عزاداری وارد حرم امام موسی بن جعفر علیه السلام شده اند ، و عزاداری می کنند .

صبح هنگام عازم قم شدیم ، و به صورت دستهٔ عزاداری به بیت شریف مرحوم آیه الله العظمی ، آقای گلپایگانی قدس سِرّه وارد شدیم ، و پس از مقداری عزاداری عمومی ، با شرکت همهٔ علماء و بزرگانی که در مجلس حضور داشتند ، در سخنانی فشرده ، اقدامات بسیار مؤثّر مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی را در زمینهٔ

بزرگداشت شهادت فاطمه زهراء سلام الله علیها تشریح نمودم ، و به نکات مهمّی در این زمینه توجّه دادم و سپس عرضه داشتم که ، به یاد آن بزرگمرد، ما امروز با پای برهنه (بدون کفش و جوراب) از این بیت شریف ، به سوی حرم مطهّر حضرت معصومه سلام الله علیها به صورت عزاداری و سینه زنی حرکت می کنیم ، و به دنبال این اعلام ، به راه افتادیم ، و جمعیّت عزادار با حضور علماء أعلام ، بر سر و سینه زنان ، بر روی اسفالت های داغ ، برای تسلیت شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها به محضر حضرت معصومه سلام الله علیها به سوی حرم مطهّر آن حضرت رهسپار شدیم .

با ورود در آستانۀ صحن مقدّس ، ناگاه یک انقلاب عجیبی در روح جمعیّت عزادار پیدا شد ، که دلیل ظاهری خاصّی نداشت ، گویا هیچکس اختیار خود را ندارد، شدّت بر سر و سینه زدن ، ضجّه و ناله ، أشک و سوز ، استثنائی بود، بدون اختیار شعار سینه زنی عوض شد ، و همه فریاد می کردند :

کشتند زهراء را - امّ أبیها را

در اثر ضربه های سختی که جمعیّت عزادار بر صورت و سینۀ خود می زدند ، خون جاری شده بود، هیچ کس نمی توانست کنترل عزاداران را در دست بگیرد و در همان هنگامه بود که ، بعضی از عزاداران مخلص و با تقوی ، ادّعای تشرّف به محضر صاحب عزا ، حضرت بقیّه الله ، را نمودند .

انقلاب عجیب جمعیّت عزادار ، و حال و وضعیّت روحیِ آنها ، در صحن مقدّس ، و در مقابل حرم مطهّر حضرت معصومه سلام الله علیها قابل توصیف نیست ، و آنجا بود که به خوبی احساس می شد که محبّت و علاقۀ به حضرت زهراء سلام الله علیها چگونه قلب و جان ، و تمام وجود پیر و جوان ، عالم و عامی ، غنّی و فقیر را تسخیر کرده ، و هرگاه به جوش و خروش در آید ، همانند کوه آتشفشانی عمل می کند که

هیچ نیروئی قادر بر کنترل و مهار او نمی باشد .

پس از آن ، با همان پاهای برهنه و با اشک جاری و گریه و ناله به سوی مدرسه و مؤسّسهٔ الإمام المهدی علیه السلام رهسپار شدیم ، و به امامت آیه الله العظمی آقای حاج سیّد محمّد باقر ابطحی دام ظلّه ، نماز ظهر و عصر را به جماعت خواندیم ، و ایشان مقداری دربارهٔ بزرگداشت شهادت حضرت زهراء سخنرانی نمودند .

هنگام عصر ، به سوی شهر «دِهَق » (در نزدیکیِ علویجه) حرکت کردیم ، و کاروان عزاداری ، با استقبال پرشور و پرجمعیّت مردم با ولایت دهق ، و نیز جمعیّت زیادی (که از اصفهان برای شرکت در آن مراسم حضور یافته بودند) مواجه گردید ، و پس از آن، همه با پای برهنه و پیاده ، یک مسیر طولانی را در حال عزاداری و سینه زنی پیمودیم ، تا این که به صحن مقدّس امامزاده تقیّ بن محسن بن موسی بن جعفر علیهم السلام رسیدیم ، که در بالای بلندی قرار دارد، و در آنجا به نماز جماعت و سخنرانی و عزاداری مفصّل و تاریخی پرداختیم ، که با گذشت چند سال هنوز آثار معنوی و تبلیغی آن در منطقه باقی می باشد ، و تا نیمه شب ، مراسم یاد شده و برنامهٔ دیگری ، در یکی از مراکز دینی شهر دهق ادامه یافت ، و کاملاً تأییدات الهی و ولائی محسوس بود .

مسیر کاروان عزاداری در سال ۱۴۲۲ قمری

در روز دوّم جمادی الثّانیه با سه اتوبوس و یک مینی بوس و چندین اتومبیل سواری ، که همهٔ وسیله های نقلیّه بیش از ظرفیّت معمول آنها سرنشین داشتند و به صورت کاروانی منظّم ، با ذکر یا زهراء و مرثیه ای که از بلندگو پخش می شد خیابانهای اصفهان را طی کردیم ، و با همین سبک ، میمه و دلیجان را پشت سر گذاشتیم ، و نماز مغرب و عشا را در امامزاده شاه جمال علیه السلام قم خواندیم ، و

سریعاً وارد شهر شدیم ، و با پای برهنه به صورت دسته ای طولانی و بسیار منظّم وارد مسجد أعظم ، و سپس صحن مقدّس حضرت معصومه سلام الله علیها گشتیم ، که با توجّه به این که شب شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها بود ، و نماز جماعت صحن مقدّس تازه پایان یافته بود، جمعیّت زائر از همهٔ شهرها و دیگر کشورها ، همانند : عربستان سعودی- بحرین - کویت - امارات - هند - پاکستان - أفغانستان و کشورهای آفریقائی و آسیای میانه و قفقاز و ... حضور داشتند ، و با توجّه به این که عدّه ای از علماء و مدّرسین ، و نیز عدّه ای از تحصیل کرده های دانشگاهی در دستهٔ عزاداری حضور داشتند ، و با حالت اشک و سوز و شور غیر منتظره ای بر سر و سینه می زدند ، توجّه همهٔ زائران و أهالی قم جلب شده ، و همه شدیداً تحت تأثیر قرار گرفته بودند ، و عزاداریِ بسیار منقلب کننده ای انجام گرفت ، سپس با همان پای برهنه و پیاده به بیت الزّهراء سلام الله علیها رفتیم ، که در أثر عزاداریهای دو سال گذشته، حال و هوای بسیار جالب و تکان دهنده ای به خود گرفته بود(۱) و تا دیر زمانی به عزاداری پرداختیم .

یک ساعت قبل از اذان صبح رهسپار تهران شدیم ، و نماز صبح را در یکی از مساجد جادّهٔ قم – تهران خواندیم ، و أوّل آفتاب به شکل کاروان منظّم با وسائل نقلیّه (که با پرچمها و پوسترهای فاطمیّه منظره ای تکان دهنده داشت) با زمزمهٔ یا زهراء و مرثیه سرائی که از بلندگو پخش می شد ، تمامیِ مسیر را تا نزدیک شمیران طی کردیم ، و در نزدیکیِ مسجد حسینیّهٔ ارشاد پیاده شدیم ، و با پاهای

۱- جلسهٔ بیت الزّهراء سلام الله علیها و عزاداری کاروان یاد شده (به گفتهٔ آشنایان با امور عزاداری قم) در بسیاری از جلسات و هیئآت مذهبی این شهر مقدّس ، تأثیر عمیق و دگرگون کننده داشته است

برهنه و بدون کفش و جوراب به سوی مسجد روانه شدیم .

یکی از علماء با ولایت تهران ، که این منظرهٔ مهیّج را دید با اشک جاری و با بدنی لرزان جلو آمد و گفت : مدّتی در خیابان با همین هیئت و حالت ، عزاداری کنید تا مردم تهران و بالأخص مردم این منطقه ، با دیدن این صحنهٔ پر سوز و مخلصانه ، متوجّه عظمت حضرت زهراء سلام الله علیها و شهادت مظلومانهٔ آن حضرت شوند . در مدّت عزاداریِ در خیابان ، سرنشینان هزاران اتومبیل بزرگ و کوچک که عبور نمودند ، حالت دگرگونی در آنها پیدا شد ، عدّه ای اشکهایشان جاری می شد و عدّه ای به سینه می زدند ، و طبق گزارش ها و صحنه هائی که دیده می شد، تأثیر شدید آن منظرهٔ استثنائی ، بالخصوص در خانمهای آن منطقه و در وضعیّت حجاب آنها ، بسیار سازنده و مثبت بود، و به همین جهت عدّهٔ زیادی از بزرگان و شخصیّت های دینی و اجتماعیِ آن منطقه ، اصرار داشتند که در سالهای بعد نیز ، همین برنامه را در تهران داشته باشیم .

سپس وارد مسجد شدیم ، و با همکاری مدّاحان اصفهانی و تهرانی و آذربایجانیِ مقیم تهران ، یک مجلس عجیبی شکل گرفت که از شدّت گریه چشمها کاسهٔ خون شده بود، و صورت ها و سینه ها همه سرخ و بعضاً خونین گردیده بود .

در میان جمع عزادار ، عالم دینی بزرگ ، دانشگاهی با درجهٔ علمیِ بالا ، شخصیّت های اجتماعی و اقتصادی برجسته و ... بسیار بودند ، و همه در مصیبت شهادت حضرت زهراء سلام الله علیهاسلام الله علیها بی تابی می کردند .

پس از آن ، کاروان عزا به سوی منطقهٔ بازار به راه افتاد ، و خیابانها را با ذکر یا زهراء زیر پوشش عزای زهرای شهیده قرار داد .

در خیابان پانزده خرداد (بوذرجمهری سابق) و در آفتاب داغِ اواخر مرداد

ماه ، جوان و پیر ، عالم و عامی ، مهندس و دانشجو ، مدّرس و طلبه با پاهای رشته و بدون جوراب و با سر هائی که گِل عزا بر آن مالیده شده بود به راه افتادند، و تماشاگران و عابران را به یاد مظلومیّت حضرت زهراء سلام الله علیها أنداختند ، اشکها را جاری کردند ، و دلها را در غم مظلومیّت آن شهیدهٔ بزرگ به سوز و گداز در آوردند، و با طیّ مسیری طولانی به مسجد النّبی صَلَّی الله عَلَیهِ واله کوچهٔ تکیهٔ دولت وارد شدند ، و در آنجا با سخنرانی و عزاداری و نماز جماعت ظهر و عصر ، مراسم پایان یافت .

هنگام عصر راهی خیابان ری شدیم ، و با طیّ مسیر خیابانها به صورت کاروان عزا، و سپس با پای پیاده در کوچه ها حرکت کردیم ، و به منزل یکی از علماء با اخلاص و دلباختهٔ حضرت زهراء سلام الله علیها (که در آن مجلس روضه برگزار بود) رفتیم ، و به مدّت دو ساعت ، هر که هر چه داشت از اشک و ناله ، ضجّه وعجّه ، شور و هیجان ، در طبق اخلاص گذاشت ، و به محضر حضرت صدّیقهٔ طاهره سلام الله علیها تسلیم نمود، و به این وسیله عرض تسلیتی به محضر حضرت بقیّه الله الأعظم علیه السلام انجام گرفت .

استقبال مردم تهران در تمامیِ جلسات ، بسیار جالب و نشانهٔ عمق علاقهٔ آنها به حضرت زهراء سلام الله علیها بود .

شبانه رهسپار قم شدیم ، و به زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها نائل گشتیم ، و صبح هنگام ، به منزل نویسندهٔ محقّق ، آقای مهدی پور رفتیم ، و در جلسهٔ سوگواری که همه ساله برگزار می نمایند شرکت جستیم ، و همانند دو سال گذشته مجلسِ عجیب و تکان دهنده ای بود، که حتّی علماء و محقّقین حاضر در مجلس را شدیداً منقلب و گریان نمود ، و همه خاضعانه به عزاداری پر شوری موفّق گردیدند .

سپس به منزل حضرت آیه الله العظمی وحید خراسانی مدّظلّه العالی رفتیم و عدّه ای از علماء و فضلاء قم ، همانند : حضرت آیه الله العظمی ، آقای حاج سیّد محمّد باقر ابطحی مدّظلّه العالی تشریف آوردند ، و حال و هوای عزاداری به جائی رسید که بعضی از علماء حاضر در مجلس ، عمامه از سر خود انداختند ، و دو شخصیّت بزرگوار یادشده نیز ، عمامه های خود را برداشتند ، و گویا منظرهٔ تازیانه زدن به حضرت زهراء سلام الله علیها را می دیدند ، و صدای وا أبتاه وا أبتاه ، أهکذا یفعل بابنتک و صفیّتک را می شنیدند ، و بی اختیار خود را می زدند ، و چشمها کاسهٔ خون شد ، و بدنها سرخ و عرق ریزان گردیده بود .

پس از اتمام عزاداری ، حضرت آیه الله العظمی آقای وحید خراسانی با بیاناتی بسیار شیوا ، و با خلوصی عجیب ، همراه با تجلیل از عظمت بی مانند حضرت زهراء سلام الله علیها برای حاضرین (که آن عزاداری مخلصانه و خاضعانه را انجام دادند) دعا نمودند ، و متواضعانه فرمودند :

امیدوارم به خاطر اینها (اشاره به عزاداران) خداوند به ما هم عنایتی بفرماید که همین تواضع و أدب، نشان می دهد که چرا حضرت بقیّه الله الأعظم سلام الله علیها از دیر زمانی ، به ایشان عنایت داشته اند .

سپس با همان حالت عزاداری و سینه زنی ، به بیت شریف مرجع عالیقدر شیعه مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج سیّد محمّد رضا گلپایگانی قدس سِرُّه (که پیشگام در احیای فاطمیّه و مراسم بزرگداشت شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها بودند) مشرّف شدیم ، حضرت آیه الله العظمی ، آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی مدّ ظلّه العالی و عدّه ای از علماء و مدّرسین عظیم الشّأن حوزهٔ علمیّه و سایر طلّاب و مردم نیز حضور داشتند ، و عزاداری بسیار تکان دهنده ای انجام شد ، که حضرت آیه الله صافی از شدّت گریه شانه هایشان می لرزید ، و پس از پایان عزاداری

توضیحاتی دربارهٔ اقدامات حیاتیِ مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی دادم که برای همه حاضرین جالب و تکان دهنده بود، و سپس حضرت آیه الله صافی مدّ ظلّه با اشک جاری ، و با علاقه و محبّتی زائد الوصف ، نسبت به حضرت زهراء سلام الله علیها از کاروان عزاداری و این همه احساسات پاک قدردانی نمودند ، و این عزاداری های پر شور را سبب استحکام بنیانهای اعتقادی و دینداری ، و حفظ ارزشهای اسلامی دانستند .

پس از آن به مؤسّسهٔ الإمام المهدی علیه السلام رفتیم ، و نماز ظهر و عصر را به جماعت ، به امامت حضرت آیه الله أخوی معظّم ، به شکلی با شکوه و با حالت معنوی برگزار نمودیم .

هنگام عصر ، به بیت شریف آیه الله العظمی ، حاج سیّد محمّد حسینی شیرازی قدس سِرُّه رفتیم ، و در هنگام عزاداری پرشور و سوز طلّاب و سایر عزاداران که یک ساعت به طول انجامید (در تمام مدّت) ایشان شدیداً گریه می کردند ، و چشمهایشان سرخ شده بود، و شانه هایشان به شدّت می لرزید ، و بعد از اتمام برنامه فرمودند : وقتی این جوانها را دیدم که با این شور و علاقه سینه می زنند من در تمام مدّت ، خودم را در حرم مقدّس امام حسین علیه السلام می دیدم ، و پس از آن یک سخنرانی بسیار مفصّل ، دربارهٔ لزوم گسترش تبلیغات شیعه ، با استفاده از وسائل پیشرفتهٔ روز ایراد فرمودند ، و از عزاداران قدر دانی نمودند(۱).

هنگام شب ، به بیت الزّهراء سلام الله علیها رفتیم، و سخنرانی بسیار مفصّل و مستدل و با استفاده از أحادیث و روایات مهم و بهره گیری از تجربیّات چند سال گذشتهٔ

۱- جلسهٔ مذکور ، در آخرین سال عمر شریف آن بزرگ مرجع مجاهد و فداکار و دلبستهٔ حضرت زهراء سلام الله علیها بود ، و چند ماه بعد، در عید فطر ۱۴۲۲ قمری دار فانی را وداع گفتند .

فاطمیّه ، دربارهٔ لزوم بزرگداشت شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها و شرکت عموم طبقات اجتماعی و در همهٔ زمینه ها در این نهضت ایراد نمودم ، که با حضور عدّهٔ زیادی از علماء و مدّرسین و محقّقین و نویسندگان حوزهٔ علمیّهٔ قم ، بسیار مورد استقبال قرار گرفت ، و سپس عزاداری مفصّلی انجام یافت .

مسیر کاروان عزاداری در سال ۱۴۲۳ قمری

روز اوّل جمادی الثّانیه ، با سه دستگاه اتوبوس (که هر کدام پنجاه نفر سوار شدند) و چندین اتومبیل سواری و یک وانت بار (با اطاقک) که حامل بلندگو و عدّه ای از دلسوختگان مخصوص بود، که در تمامی مسیر با سوز و گداز زائد الوصفی زمزمهٔ یا زهراء سلام الله علیها و مرثیه سرائی داشتند ، به شکلی که مردم شهرها و عابرین را منقلب می کرد به سوی قم حرکت نمودیم ، و پس از نماز جماعت مغرب و عشا در امامزاده شاه جمال علیه السلام (در ابتدای ورودی قم) به سوی حرم مطهّر حضرت معصومه سلام الله علیها حرکت کردیم ، و با پای برهنه به سوی مسجد أعظم و صحن مقدّس به راه افتادیم ، و جاذبهٔ معنوی این عزاداریِ بسیار منظّم و مؤدّبانه ، و همراه با اشک و خضوع، آن چنان بود که بسیاری از علماء و زائران دیگر نیز به این جمع بی نام و نشان پیوستند ، و طول صف های عزاداری بسیار زیاد گردید ، مقابل حرم مطهّر به عزاداری پرداختیم ، که زائران ایرانی و عرب و هندی و پاکستانی و ... را تحت تأثیر قرار داد، و اجتماع بزرگی شکل گرفت ، و سپس با پای پیاده و برهنه به سوی بیت الزّهراء سلام الله علیها رهسپار شدیم ، و تا دیر وقت به عزاداری مشغول بودیم ، و همان شب عنایت ویژه ای به بعضی از همراهان شد که در بخش کرامات ذکر کرده ایم .

صبح هنگام ، پس از نماز و دعا و استغاثه ، به زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها

ص:۴۵۲

مشرّف شدیم ، و آنگاه به سوی منزل نویسندهٔ محقّق جناب آقای مهدی پور رفتیم ، و به عزاداری مفصّل پرداختیم ، که برخی از مدّاحان آذربایجانی نیز با سوز جالبی همه را تحت تأثیر قرار دادند ، سپس به ترتیب به بیت شریف مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج سیّد محمّد حسینی شیرازی قدس سِرُّه و بیت شریف مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج سیّد محمّد رضا گلپایگانی قدس سِرُّه و بیت شریف حضرت آیه الله العظمی ، آقای حاج شیخ حسین وحید خراسانی مدّ ظلّه العالی رفتیم ، و در هر یک ازبیوت شریفه به عزاداری مفصّل پرداختیم ، و از دعای خیر و تشویق های علماء بزرگ، و مراجع معظّم حاضر در مجلس بهره مند شدیم .

بعد از ظهر رهسپار تهران گشتیم ، و از ابتدای ورود به شهر تهران تا خیابان کارگر شمالی (که از قسمت های أعیان نشین است) به صورت کاروان منظّم و با صدای یا زهراء که از بلندگوی کاروان عزاداری پخش می شد حرکت کردیم و در مسجد أمیر (که یکی از مساجد پر جمعیّت ، و محل فعّالیّتهای دینی ، با رنگ و عطر ولایت أهل البیت علیهم السلام می باشد) وارد شدیم، و پس از نماز جماعت مغرب و عشاء و سخنرانی دربارهٔ حضرت زهراء سلام الله علیها به عزاداری بسیار تکان دهنده ای پرداختیم ، که جوان و پیر و عالم و عامی را تحت تأثیر قرار داد، و سپس به مجلس عزاداری یکی از ساکنان همان خیابان ، که برای شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها برگزار نموده بود وارد شدیم ، و به اتّفاق مردم سوگوار تهرانی به مدتی طولانی عزاداری نمودیم .

هنگام صبح پس از نماز و زیارت ، به سوی منطقهٔ شمیران و مسجد حسینیّهٔ ارشاد رهسپار شدیم ، و در نزدیکیِ مسجد پیاده شدیم ، و باقیماندهٔ راه را با پای برهنه ، در حالی که همه سیاه پوش بودند، و اسفالتها نیز سیاه رنگ بود

و سفیدی پاهای برهنه (آن هم از کسانی که چهره هایشان نشان می داد که فقط به حساب سوز در مصیبت حضرت زهراء سلام الله علیها و تواضع در برابر عظمت و شهادت آن حضرت این چنین عمل می کنند) مدّتی در خیابان به عزاداری پرداختیم ، که برای سرنشینان هزاران اتومبیل بزرگ و کوچک که در حال عبور بودند بسیار تکان دهنده بود، و آنها در حالی که سوار بر اتومبیلهای خود بودند سرعت خود را کم می کردند، و به سینه می زدند، و بعضی از خانمها که حجاب مناسبی نداشتند تغییر حالت می دادند ، و برخی از آنها توقف نموده و همراه عزاداران اشک می ریختند .

پس از آن وارد مسجد شدیم ، و با مرثیه سرائی مدّاحان اصفهانی و تهرانی و آذربایجانی ، با سوز دل امام زمان عجّل الله تعالی فرجه الشّریف سوختیم ، و با اشک حسنین علیهما السلام و زینبین علیهما السلام أشک ریختیم، و با ناله و فریاد دلسوختگان حضرت زهراءسلام الله علیها در طول تاریخ ، فریاد زدیم و ناله سر دادیم .

در آن مجلس دانشمندان بزرگ علوم روز و علوم دینی ، یکسان أشک می ریختند ، و ثروتمندان و فقراء همسان ناله می کردند، و جوان و پیر ، هماهنگ بر سینه و به سر و صورت می زدند ، و انقلابی در درون همهٔ حضّار پیدا شد ، که ریشه های دین را در اعماق جان همه مستحکم نمود .

در شهر تهران و منطقهٔ شمیرانات ، تفاوت چشمگیری (نسبت به سه سال قبل، که کاروان عزاداری وارد شد) احساس می شد ، و بسیاری از مردم در مناطق گوناگون تهران ، سیاهپوش بودند، و حال و هوائی همانند روز عاشورا داشتند .

پس از آن به سوی مسجد امیر (در خیابان کارگر شمالی) رهسپار شدیم ، و با حضور نمازگزاران و عزاداران مسجد ، در مسیر خیابان کارگر شمالی با

پای برهنه حرکت کردیم ، نوع جمعیّت منطقه ، تعداد فراوان اتومبیلهائی که از آن خیابان بزرگ و پر تردّد عبور می کردند ، و جمعیّت بسیار زیادی که در ساختمانهای چند طبقه سکونت داشتند ، و از پنجره ها به تماشای عزاداران می پرداختند و تأثیر عمیقی که بر همهٔ آنها می گذاشت ، و آنها را به همراهی با عزاداران می کشانید ، به خوبی نشان می داد که عشق و محبّت حضرت زهراء سلام الله علیها آن چنان در دل همه نفوذ و ریشه دارد، که اگر بی شائبه به مردم عرضه شود، همه را به سوی ارزشهای دینی هدایت می نماید .

مردم علاقمند و عزادار مسجد امیر ، تابوتی را (به عنوان نمادی از تابوت حضرت زهراء سلام الله علیها) آماده کرده بودند ، و عدّه ای از سادات ، آن تابوت را در جلوی جمعیّت حمل می کردند ، که بسیاری از عابرین را تحت تأثیر قرار می داد مسیری طولانی طیّ شد، و آنگاه در یک سه راهی توقّف نمودیم ، و مدّاحی تهرانی و دلسوخته ، با شور و نوای بسیار جالبی به مرثیه سرائی و سینه زنی پرداخت ، و ناگاه دیدیم یک عدّه جوان تهرانی ظاهر شدند ، که شور و هیجان آنها همه را تحت تأثیر قرار داد ، و همهٔ سر و صورت و لباسهای خود را خونی کردند . در آن روز (مرداد ماه) یک مسیر چند کیلومتری را روی اسفالتهای داغ با پای برهنه به عزاداری پرداختیم ، تا این که به مجلس عزاداری بزرگی که در منزل مرحوم آیه الله علوی تهرانی برگزار بود رسیدیم ، و آنگاه از مسیر مقابل درب دانشگاه تهران به سوی پل سیّد خندان رهسپار شدیم ، و در برابر درب اصلی دانشگاه ، اجتماع بزرگی از عزاداران را مشاهده نمودیم که با حال و هوای جالبی مشغول برگزاری مراسم عزاداری حضرت زهراء سلام الله علیها بودند ، و با دیدن چنین منظره هائی ، دگرگونیِ شهر تهران را در مسئلهٔ بزرگداشت شهادت

حضرت زهراء سلام الله علیها (در مقایسه با سالهای گذشته) به چشم دیدیم (۱).

نزدیک پل سیّد خندان پیاده شدیم ، و با پای برهنه به جلسهٔ عزای حضرت زهراء سلام الله علیها در منزل یکی از علمای دلباختهٔ آن حضرت ، حجّه الإسلام و المسلمین ، آقای علّامی دامت برکاته وارد شدیم ، در حالی که عدّه زیادی از علمای تهران در مجلس حضور داشتند ، و عزاداری پر شور و تأثیر گذاری انجام شد .

هنگام عصر ، به سوی خیابان ری رهسپار شدیم ، و در جلسهٔ سوگواری منزل حضرت آیه الله تقوی دامت برکاته که از دلباختگان أهل البیت علیهم السلام و بالأخص حضرت زهراء سلام الله علیها می باشند ، به شکل دستهٔ عزاداری وارد شدیم ، و در مدّتی طولانی به عزاداری و سینه زنی پرداختیم ، که حال و هوای عجیبی داشت و آثار عنایت به خوبی احساس می گردید .

پس از پایان عزاداری و دعای ختم مجلس ، منتظر رسیدن وقت نماز مغرب و عشاء بودیم که ، حادثه ای پیش آمد و پیش بینی ها را بر هم زد .

یکی از بندگان شایستهٔ خدا (که دارای حال و روحیّه ای برجسته و استثنائی می باشد) و مورد عنایات أهل البیت علیهم السلام قرار گرفته ، تلفن زد که آیا در این سفر توسّل به حضرت علی اصغر علیه السلام داشته اید ؟ (۲) عرض کردم نه ، ایشان فرمودند حتماً توسّل پیدا کنید ، این بندهٔ کمترین اندیشیدم که از صبح تا عصر ، تمامی

۱- در این سال پرچمهای فاطمیّه در تمامی تهران با طرحها و نوشته های جالب و گوناگون دیده می شد، و روز سوّم جمادی الثّانیه (سالروز شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها) علاوه بر تعطیلِ رسمیِ ادارات و مراکز دولتی ، تمامیِ مغازه ها و بازارها و أصناف تعطیل بودند ، و دقیقاً حال و هوائی همانند روز عاشوراء داشتند .

۲- قبل از ایّام فاطمیّه سال ۱۴۲۳، در یک پیام معنوی مخصوصی ، دستور داده شده بود که در ایّام فاطمیّه امسال ، مکرّراً به حضرت علی اصغر علیه السلام توسّل پیدا شود .

دوستانی که با مرثیه خوانی و اجرای برنامه های سینه زنی های پر شور و طولانی عرض ارادت نموده اند ، آن چنان خسته هستند که پیشنهاد توسّل به حضرت علی اصغر علیه السلام در روز شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها برایشان قابل اجراء نباشد ، و لذا تصمیم گرفتم ، در حدّ ذکر مصیبتی آرام و ساده ، توسّلی به آن عزیز خدا داشته باشم ، و لذا در میان جمع ایستادم ، و عرض کردم : می خواهم برای موفقیّت و نتیجه بخشیِ برنامه های فاطمیّه به حضرت علی اصغر علیه السلام توسّل پیدا کنم ، و با آرامش کامل و ملایم شروع به سخن نمودم ، که ناگاه یک انقلاب عجیبی در جمعیّت حاضر پیدا شد ، و من بی اختیار عمامه را از سرم انداختم ، و عرض کردم : امام زمان علیه السلام ! آیا نمی خواهید به این عزاداران دلسوختهٔ مادرتان عنایت کنید ؟ آثار عنایت غیبی را همه دیدند ، انقلاب بی سابقهٔ مجلس را همه مشاهده کردند ، کسی نمی توانست توجیهی طبیعی برای این وضعیّت پیدا کند، و یکی از طلّاب متدیّن در همان لحظهٔ خاص دیده بودند که ، آقائی در أوّل مجلس ایستاده اند ، و به طرف محور جلسه نظر می فرمایند . او به طرف این کمترین توجّه کرده بود که ، آیا من آقا را می بینم ، ولی وقتی نگاه خود را برگردانده بود دیگر ایشان را ندیده بود، دویده بود در کوچه ها و همهٔ أطراف مجلس را گشته بود، و دیگر هیچ اثری را مشاهده ننموده بود .

تا مدّتی ، جمعیّت حاضر در التهاب بودند ، و کسی نمی توانست آن همه جوش و خروش را مهار کند ، و پایان بخش عزاداریهای فاطمیّهٔ سال ۱۴۲۳ حادثه ای بود که این چنین رخ داد ، و همهٔ حاضرین (از علماء و مدرّسین و مهندسین و دانشگاهیان و أصناف) یقین کردند که عنایتی خاص به عزاداران دلسوخته ، و سر از پا نشناختهٔ حضرت زهرای مرضیّه سلام الله علیها شده است .

پس از نماز جماعت مغرب و عشا به سوی قم و سپس اصفهان حرکت کردیم و با توفیق الهی ، بهرهٔ وافری از عزاداری بر شهید تاریخ أهل البیت علیهم السلام بردیم، که امیدواریم ذخیر آخرتمان باشد

آمین آمین آمین

کاروان عزاداری فاطمیّه به سوی شاهین شهر

در ایّام فاطمیّه اوّل (در سال ۱۴۲۱ قمری) در همان روزهائی که صبح ها در بیت الزّهراء سلام الله علیها مجلس سوگواری حضرت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها برگزار می گردد ، از مردم علاقمند دعوت کردم که همه با لباس سیاه و با وضوء ، در نزدیکی بیت الزّهراءسلام الله علیها (خیابان أحمد آباد) اجتماع نمایند، و به شکل کاروان عزاداری به سوی شاهین شهر (در سی کیلومتری اصفهان) حرکت کنیم .

استقبال عمومی غیر منتظره بود، و در حدود هفتاد اتومبیل سواری ، با نصب پوسترهای حضرت زهراء سلام الله علیها (به شیشه های اتومبیل ها) به حرکت در آمدند، و آن چنان با نظم و ترتیب شایسته ، مسیر اصفهان - شاهین شهر را طی نمودند ، که هر بیننده ای را تحت تأثیر قرار می داد، و یک تحوّل روحی در عابرین پیاده ، و سرنشین های اتومبیل هائی که در طول مسیر بودند ایجاد نمود .

با ورود در شاهین شهر ، و عبور از میدان امام حسین علیه السلام و میدان فاطمیّه در اوّل خیابان فردوسی (که پر جمعیّت ترین خیابان شهر می باشد ، و معمولاً افرادی که از نظر رعایت مسائل دینی و حجابی ، در حدّ مناسب نیستند ، در آن خیابان رفت و آمد دارند) پیاده شدیم ، و در حالی که روحانیّون و مردم شهر برای استقبال اجتماع کرده بودند ، به صورت دستهٔ سینه زنی با نظمی شگفت ، و سوز و شوری تکان دهنده ، در مسیر خیابان به عزاداری پرداختیم ، و آن

چنـان تـاثیر معنوی عجیبی در شـهر ایجـاد کرد، که یک مرتبه چهرهٔ خیابان دگرگون شـد ، و حال و هوای دینی عجیبی غالب گردیـد ، و آنها که احساس می کردنـد وضـعیّت آنها مناسب با آن صـحنه پر نور و مقدّس نیست ، رعایت احترام فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها را نمودنـد ، که موجب جاری شـدن اشک بر چهرهٔ دوسـتان حضـرت زهراء سـلام الله علیها گردید ، و به خوبی احساس شد که محبّت فاطمی در همهٔ دلها نفوذ دارد، و همگان را تحت تأثیر قرار می دهد .

طول جمعیّت آنقدر زیاد بود که اوّل و آخر آنها با زحمت دیده می شد .

پس از طی مسـیری طولانی ، برای اقامهٔ جماعت وارد مسـجد المهدی علیه السـلام شدیم ، و مراسم نماز جماعت و سخنرانی و عزاداری به شـکل بسـیار مؤثّر و مهیّج و با شور زائد الوصفی برگزار گردید ، و سپس کاروان عزاداران اصفهانی به اتّفاق مردم علاقمنـد شاهین شـهر ، عازم مسـجد فاطمیّه (در چهار راه عطّار) شـدیم ، و با حالت سـینه زنی وارد مسـجد گشتیم ، و تا نیمهٔ شب ، برنامه سـخنرانی و عزاداری پر هیجان و همراه با احساسات دینی و ولائی ادامه یافت ، و با دعا برای فرج امام زمان عجّل الله تعالی فرجه الشّریف و برای حاجت روائی عزاداران و عموم مردم ، مراسم یاد شده پایان پذیرفت .

خبر این حرکت عظیم و پر شور ، آن چنان در تمامی شاهین شهر و کلّ منطقه ، به سرعت پخش شد، و همه را تحت تأثیر قرار داد ، که برای ایّـام فـاطمیّه دوم ، با همکاری مردم و مسـئولین شـهر ، تمامی میـدانهای شاهین شـهر و مراکز مهم ، با پرچمهای مخصوص فـاطمیّه سـیاه پوش گردیـد ، و در روز شـهادت حضـرت زهراء سـلام الله علیهـا (سوّم جمادی الثّانیه) در آن سال و سالهای بعد ، دستهٔ عزاداری با همّت خود مردم شاهین شهر به راه افتاد ، و مراسم بزرگداشت

شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها به شکل مطلوب و وسیع ، به صورت « سنّت حسنهٔ جاریه » در آمد .

کاروانهای عزاداری به شهرهای دیگر

در فرصت های گوناگون در سالهای گذشته ، کاروانهای عزاداری با شکوه و معنویّتی ، به شهرهایی همانند : علویجه ، خمینی شهر (در چندین سال) اقلید و ... حرکت کرده ، که تأثیرات بسیار مثبت و سازنده ای داشته است .

نقش و تأثیر کاروانهای عزاداری فاطمیّه در گسترش نهضت فاطمیّه

بسیاری از انسانها ، گرچه فطرتی پاک و روحیّه ای لطیف و عواطف و احساساتی قوی ، در دفاع از مظلوم و حق و حقیقت دارند، ولی در اثر گرفتاریهای زندگی و دوری از اطّلاعات کافی و مفید و عادت های خانوادگی و اجتماعی ، در بسیاری از موارد از موضع گیریهای سازنده ، و اظهار علاقه نسبت به پرچمداران حقّ و حقیقت و چهره های بزرگ کمال و فضیلت ، و مدافعان راستین از حقوق انسانها باز می مانند ، و برای جلب توجّه آنها ، بایستی از عواملی که بر آنگیزند، احساسات ، و تحریک کننده عواطف باشد ، استفاده نمود .

مسئله مظلومیّت و شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها در طول زمان ، از نظرها و دسترس اندیشه ها دور نگهداشته شده بود، تا آنجا که علاقمندان به خاندان رسالت علیهم السلام و سینه زنهای عاشوراء و محرم ، و دلباختگان أمیر المؤمنین علیه السلام نیز در ایّام فاطمیّه کمتر اظهار حزن و دل شکستگی داشتند ، و چه بسا در اثر بی اطّلاعی و بی خبری ، مراسم عقد و عروسی فرزندانشان را در ایّام فاطمیّه

ص:۴۶۰

انجام می دادند، و در شهرهای بزرگ و جامعی (که مرکز فعّالیّتهای دینی و مذهبی

است ، همانند : تهران - مشهد - اصفهان - تبریز و ...) شمار مجالس عزاداری بر فاطمه زهراء سلام الله علیها انگشت شمار ، و آن هم با تعداد محدودی از شرکت کنندگان بود .

نهضت فاطمیّه در چهارده ساله أخیر ، به سرعت سطح آگاهی ها را بالا برد، و یک خیزش عمومی را برای آشنا شدن با فضائل و مناقب حضرت زهراء سلام الله علیها از یک طرف ، و آگاهی و توجّه مردم نسبت به مظلومیّت و شهادت آن حضرت از طرف دیگر، ایجاد کرد، و به سرعت جمعیّت های نا آگاه را به سیل علاقمندان و مشتاقان و دلسوختگان تبدیل نمود، و در این حرکت ، نقش کاروانهای عزاداری ، که با پای برهنه ، أشکهای جاری ، چهره های غم زده ، لباسهای عزا ، شهر به شهر ، خیابان به خیابان ، محلّه به محلّه ، عزاداری می کردند ، بسیار عجیب و غیر منتظره بود .

کاروان عزاداری که در چند سال گذشته از اصفهان به قم - تهران - ساری - و شهرهای دور و نزدیک دیگر به راه می افتد ، آن چنان تأثیر گذار بوده ، که مقایسه وضعیّت شهرهای یاد شده، در سال أول حرکت کاروان ، با حال و هوای مردم همین شهرها در سال گذشته (۱۴۲۳ قمری) تأثیر عجیب و غیرقابل پیش بینی این اقدام معنوی و سازنده را به خوبی نشان می دهد .

در سال اول ورود به تهران ، سؤالهائی از قبیل فاطمیّه چیست ؟ چرا با پای برهنه حرکت می کنید ؟ این جوانهای تحصیل کرده و در سنّ و سال نشاط و شادمانی چرا گریه می کنند ، و بر سر و سینه می زنند ؟ و دهها سؤال دیگر (خصوصاً در منطقهٔ بالای شهر) برخورد می کردیم ، ولی در آخرین سال ، نه

تنهـا بـا چنین سؤالاـتی مواجه نبودیم ، بلکه جوانهـای تهرانی ، سـیاه پوش و عزادار بودنـد ، مغـازه هـا و مجتمع هـای تجاری و اجتماعی تعطیل بودنـد ، و هماننـد روز عاشوراء ، تعطیلیِ عمومی و سـیاه پوشـی ، امری معمول ، و حرکت دسـتجات عزاداری تهرانی متعـدّد ، و مجـالس پر جمعیّت و پر شـور عزاداری فراوان بود، و بسـیاری از جوانهـای (به حسب ظـاهر) غیر مـذهبی و زنهائی که گرچه حجاب مناسبی نداشتند ، در سیل عزاداران و دلسوختگان شهادت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها دیده می شدند ، و جـاذبه نورانی آن مظلومـهٔ معصومه ، و آن شـهیدهٔ سـیلی خورده ، همه را به سوی خود و دین و مـذهب و أرزشـهای والای مکتب أهل البیت علیهم السلام کشانده بود .

نقش و تأثیر کاروانهای تبلیغیِ فاطمیّه در گسترش نهضت فاطمیّه

پیشـگفتار : در طـول تاریـخ شـیعه ، بـه اسـتثنای برخی از دوره هـا و بخشـی از شـهرها و کشورهـا، برگزاری آزادانـه مراسـم بزرگـداشت شخصـیّت أمیر المؤمنین علیه السـلام ، فاطمـهٔ زهراء سـلام الله علیهـا و أئمّـهٔ معصومین علیهم السـلام دچار مشـکل اساسـی بوده است ، و به خـاطر این که برگزاری مراسم عزاداری آن بزرگواران ، و بالأخص حضـرت زهرای مرضـیّه سـلام الله علیها چهرهٔ پلید و کثیف سـتمگران را آشـکار می نموده ، و مهر باطل بر افکار و اعتقادات طرفداران آن سـردمداران تبهکار و ظـالمین و غـاصبین حقوق أمیرالمؤمنین علیه السـلام و فاطمه زهراء سـلام الله علیها می زده است ، بیشترین تلاش را برای پنهان نگهداشـتن مظلومیّت آن بزرگواران ، به کار می گرفته انـد، و در نتیجه ، بسـیاری از حقائق تلـخ تاریخ زندگی أئمّهٔ معصومین علیهم السلام و مادر مظلومهٔ آنها ، برای دوستانشان نیز مجهول مانده است

آری ، تا چند سال گذشته ، در بسیاری از شهرهای شیعه نشین ایران ، و در میان اکثر جمعیّت این کشور طرفدار أهل البیت علیهم السلام بسیاری از حقائق مسلم تاریخی و مظلومیّت ها و حق کشی های انجام یافته ، نسبت به عزیز ترین اولیاء خدا ، مجهول مانده بود، و در هنگامی که نهضت فاطمیّه آغاز گردید ، نقل قضایای قطعه تاریخ خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام و زندگی غمبار حضرت زهرای شهیده

سلام الله علیها (که در معتبر ترین کتابهای عامّه و خاصّه مورد اتّفاق است ، و همگی بر نقل آن هماهنگی دارند) با ناباوریِ مخاطبین مواجه می گردید، و چه بسا با لحن کارآمیزی ، گوینده را تکذیب نموده و با او برخورد می نمودند .

ولی پس از شروع نهضت فاطمیّه ، و مطالعهٔ کتابهای موجود، و تألیف کتابهای تازه ، با تحقیق و بررسی کامل تر و مطالعهٔ اسناد و کتب قدیمی و خطّی فراموش شده ، در لابلای قفسه های کتابخانه ها، و بررسی سطر به سطر نوشته های اهل سنّت و عموم کتابهای معتبر ، نه تنها مصائب و مظلومیّت های جاری بر زبان خطباء و مرثیه سرایان به اثبات رسید ، و مورد تایید قرار گرفت ، بلکه پرده از حقایق بیشتری برداشته شد ، و نکات بسیار دقیق تری از صحنه های تهاجم ستمگران به مهبط وحی (یعنی خانهٔ فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها) کشف گردید ، و أسناد مهم تری برای یک یک از جنایات قاتلین حضرت زهراء سلام الله علیها و حضرت محسن علیه السلام و آتش زدن آنها به خانهٔ وحی ، به دست آمد .

آری ، به یاد می آوریم که ، عموماً علاقمندان به حضرت زهراء سلام الله علیها و دلدادگان به محبّت و مودّت آن حضرت نیز ، در ایّام فاطمیّه ، با تعبیر وفات فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها مسائلی را بازگو می کردند ، و عموم نویسندگان نیز ، کتابهایشان را با نامهای : « وفات حضرت فاطمه سلام الله علیها »، « وفات حضرت

زهراء سـلام الله علیها »، « وفات الصدّیّقه سـلام الله علیها » ، « وفات الصدّیّقه الزّهراء سـلام الله علیها »، « وفات نامهٔ بی بی فاطمه سلام الله علیها » و نامهای دیگر ، تألیف و عرضه می نمودند (۱).

به کارگیریِ کلمهٔ شهادت در اوّلین بار

فراموش نمی کنم که در اوّلین بـار ، در سـال ۱۳۶۴ شمسی (۱۴۰۶ قمری) در اعلامیـهٔ مجلس عزاداری فـاطمیّه (که در منزل شخصی این کمترین ، برگزار می گردید) در متن اعلامیه ، کلمهٔ « شهیده » را با خطّ درشت ، که از دور جلب توجّه می نمود ، و به خطّ ثلث نوشـته شـده بـود چاپ کردم ، و تعجّب و حیرت و شـگفتی بیننـدگان را برانگیخت ، و یکی از بزرگـان ، که لطف و عنایت بزرگوارانه ای نسبت به من داشتند ، شدیداً بر جان من خائف شده بودند ، که مورد سوء قصد گروه تروریستیِ ... قرار گیرم ، و لذا توسّلات زیادی را برای حفظ جان این کمترین برداشته بودند .

آثار و نتایج به دست آمده

تاکنون أکثر اسـتانهای کشور ، زیر پوشـش تبلیغات مخلصانه و پر سوز و شور کاروانهای تبلیغی فاطمیّه قرار گرفته است ، و در هر شـهری که این برنامه انجام شده، از همان سال به بعد ، ایّام فاطمیّه حال و هوای دیگری یافته است ، و گزارشـهای واصله از آن شهرها نشان می دهد ، که با توجّه به اخلاصی که مردم ، از اعضای کاروان احساس می کرده اند ، تحت تأثیر قرار گرفته ، و خود پرچم عزاداری فاطمیّه را در شهر و دیار و روستاهای نزدیک ، برافراشته اند، و به

ص:۴۶۴

۱- به کتابنامـهٔ (فاطمه در آئینهٔ کتاب) چاپ سال ۱۴۲۲ قمری ، از صفحه ۷۰۴ تا ۷۱۲ ، از شماره ۱۹۳۹ تا ۱۹۷۷ مراجعه شود .

خوبی می توان دریافت که حرکت کاروان فاطمیّه تا چه اندازه در ایجاد موج اجتماعی و خیزش عمومی ، نقش عمده و اساسی ایفا نموده است .

آثار کاروان های تبلیغی و عزاداری از دید حاضران و تماشاگران

اشاره

در سالهایی که برای آماده سازی روحانیّت و مردم شهرهای سراسر کشور، جهت برگزاری مراسم بزرگداشت شهادت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها کاروانهای تبلیغی ، نیز کاروانهای عزاداری حرکت کرده ، و فعّالیّت های گسترده و گوناگونی را در راستای هدف یاد شده انجام داده ، آثار و برکات تبلیغی و معنوی شگفتی داشته است، که نه تنها برای شرکت کنندگان در این کاروانها غیر منتظره بوده، بلکه تماشاگرانی که با برنامه های یاد شده برخورد کرده اند ، و گوشه هائی از شور و حال و خلوص و همّت مدافعان حریم عظمت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها را به چشم خود دیده اند ، شدیداً تحت تأثیر قرار گرفته ، و با زبان و عمل ، از آن قدردانی نموده ، و نقش آنها را در تحوّل روحی و انقلاب درونی و صفابخشی به دلها و جانها ، بیش از حدّ متعارف دانسته اند .

این حاضران در صحنه ، و تماشاگران برنامه های تبلیغی و عزاداری فاطمیّه(که از طبقات تحصیل کرده حوزوی و دانشگاهی ، اداری و بازاری، دولتی و مردمی ، پیر و جوان و زن و مرد می باشند) در تماسهای تلفنی و به صورت شفاهی (در گزارشات کتبی و لفظی) آثار و برکات این حرکتهای دسته جمعی را بسیار گسترده و عمیق و ماندگار خوانده اند ، و نقطات قوّت این اقدام معنوی را ، وابسته به عظمت و شخصیّت الهی حضرت زهراء سلام الله علیها و نتیجه اخلاص شرکت کنندگان در برنامه ، و بی اسم و رسم بودن ، و تواضع و فروتنی آنها ، در پیشگاه

ص:۴۶۵

با عظمت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها بر شمرده اند .

و هم اینک ، چند نمونه از گزارشات کتبی ، و چند مورد از گزارشات تلفنی واصله را تقدیم محضر شیفتگان حضرت زهراء سلام الله علیها نموده ، و سپس اشاره ای به محتوای سایر گزارشات تلفنی و شفاهی خواهیم داشت .

۱-هرچه بود اشکهای جاری ، و بالاتر از همه اخلاص بود

یکی از فضلاء عالیقدر ، که سالها در حوزهٔ علمیّه مراحل علمی را با موفقیّت طی نموده ، و خود مبلّغی ارزشمند می باشد ، و با نقطه های قوّت و ضعف برنامه های دینی و تبلیغی آشنا است ، در ضمن یک گزارش مفصّل و چند صفحه ای چنین می نویسد :

بهترین دلیل و گواه بر گفتارم ، سفر و کاروان عزاداران فاطمه زهراء سلام الله علیها در أیّام شهادت آن حضرت ، در سال ۱۴۲۳ می باشد ، که کاملاً یک سفر معنوی و روحانی بود، و در این کاروان عزا به جز اشک و ماتم ، چیز دیگری دیده نمی شد ، هرچه بود اشک های جاری ، و بالاتر از همه اخلاص بود ، و در اثر همین اخلاص ، هر کجا که این کاروان می رسید ، مردم را منقلب می کرد، و انقلاب درونی می ساخت ، که نمونه اش عزاداری در صحن مقدّس حضرت معصومه سلام الله علیها بود ، که زائران را منقلب کرد، و زن و مرد اشکهایشان جاری گردید ، و هم چنین در بیت الزّهراء سلام الله علیها قم غوغائی بر پا شد، و صورتها سرخ شده بود، و در خانه های مراجع تقلید ، همه را شدیداً تحت تأثیر قرار داد ، و أشک همه را سرازیر ساخته بود، و در تهران ، انفجار ایجاد کرده بود .

این کاروان مدیریتش دست هیچ کس نبود ، به جز حضرت مهدی ، امام زمان عجّل الله تعالی فرجه و ابهّت و عظمت و آثار بزرگ برنامه ، به خاطر نظارت آن

حضـرت بود ، که دو نمونـهٔ روشن آن را بنـده بـا چشم خویش مشاهـده کردم ... اگر این کـاروان زیر نظر امام زمان عجّل الله تعالی فرجه نبود، آن صحنه های عجیب دیده نمی شد ، و آن آشکها و گریه ها و حالات معنوی در قم و تهران پیدا نمی شد ، و در شـهر تهران ، آن تحوّل و دگرگونی حاصـل نمی گردیـد ، و این فیض هـا و توجّهات به دست نمی آیـد ، جز با اخلاص نسبت به آن حضرت ، و خداوند ما را از سربازان مخلص آن حضرت قرار دهد .

۲–در این سفر ، حلّ بسیاری از معمّاها را مشاهده کردم

یکی دیگر از فضـلاء عالیقـدر و با اخلاص ، که سالها است لباس نوکری و خـدمتگزاری در آسـتان مقدّس امام زمان عجّل الله تعالی فرجه را بر تن دارد ، در ضمن گزارش مفصّل چهار صفحه ای چنین

می نویسد:

این مسـافرت به عقیـدهٔ بنـده ، مسـافرت عـادی محسوب نمی شود، بلکه آن را سـفری معنوی و معراجی و کمال و سـیر الی الله محسوب می نمایم ، زیرا دسـتاوردهای این سـفر بسـیار عالی و وصف ناشدنی است ... در این سـفر بود که من حلّ بسـیاری از معمّاهـا را عملاً و عیناً مشاهـده کردم ، مثلا فهمیـدم عشق یعنی چه؟ محبّت یعنی چه ؟ اخلاص در عمل یعنی چه ؟ و محبّت به حضـرت زهراء سلام الله علیها را بالعیان در جریان اشکها و سرخ شدن سینه ها ، و خراش صورتها دیدم ، و در این سفر بود که فهمیـدم حضـرت حقّ جلّت عظمته ، بنـدگانی آفریـده است که مصـداق آیـهٔ شـریفهٔ : (قُل لا أسـئَلُکُم عَلَیهِ أجراً إلاَّ المَوَدَّةَ فِی القُربی

می باشند .

***

ص:۴۶۷

نکته های مهم این سفر را خلاصه می کنم :

۱- اوّلین بار که تذکر داده شد به من برای این سفر معنوی ، ناخواسته عوامل مختلف باز دارنده ، جلو نظرم عرض اندام کرد، که بعد از اتمام سفر فهمیدم آن عوامل ، وسوسه های شیطان و هواهای نفسانیم بوده ، که می خواسته اند مرا از فیوضات معنوی و برکات این سفر باز دارند .

۲- در این سفر که سیر و سلوك معنوی محسوب می گردد ، ملاقات با مراجع عظام تقلید صورت گرفت ، که خود فضل بزرگی است

۳- حال و هوای مراجع بزرگ تقلید در عزای فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها روش تعزیه داری و سوگواری را به من آموخت .

۴- در این سفر ، عشق و اخلاص و محبّت و ... به طور أساسی أرزیابی شد، و در چهرهٔ عزاداران مطالعه گردید .

۵- سینه زدنهای مداوم و مفصّل (که ساعتهای متمادی طول کشید) آن چنان حکایت از عشق و محبّت به حضرت زهراء سلام الله علیها می نمود ، که بالا رفتن و پائین آمدن دستها غیر اختیاری محسوب می گردید .

۶- جوش عزاداری در بعضی از مکانها همانند ... و ... و ... به حدّی بود که عنایت و توجّه امام زمان علیه السلام احساس می شد .

۷- انداختن فلان شخصیّت ... عمّامهٔ خود را از سرش در حالت غیر اختیاری در منزل یکی از علماء بزرگ تهران ، خود دلیل دیگر بر عنایت امام زمان عجّل الله تعالی فرجه بود .

۸- پابرهنه راه رفتن عزاداران روی اسفالت های داغ و سوزان تهران (۱) ضرب المثل عشق و اخلاص و محبّت نسبت به حضرت زهراء سلام الله علیها بود، که در یک مجلس عزاداری ، وقتی جریان را نقل کردم ، همه غوغائی برپا کردند ، و صدای گریه از زن و مرد بلند شد .

۳-یا زهراء ، من آمدم تا تو را در خیابانها و پس کوچه هاو در دشت و دمن جستجو کنم

دیگری از زحمت کشیده های در راه تحصیل علم ، و زجر کشیده های در مهاجرت ، برای به دست آوردن علوم و معارف أهل البیت علیهم السلام در گزارش جالبی ، در ابتداء با سوز و گدازی تکان دهنده ، قلم به دست گرفته ، و ارتباط خود را با روح مقدّس حضرت زهراء سلام الله علیها برقرار نموده ، و با اشک قلم ، صفحهٔ کاغذ را سوزنامه ای در غم شهادت آن حضرت نموده است ، و آنگاه مقدّمهٔ حرکت به سوی قم ، همراه با کاروان دلسوختگان فاطمیّه را تشریح نموده ، و سپس نوشته است :

وقتی سر کوچه منزل جنابعالی داشتم مقدّمهٔ سفر را فراهم می کردم ، و مختصر توسّلی و سینه زنی برگزار شد ، در قلبم گفتم یا زهراء ، من آمدم تا تو را در خیابان ها و پس کوچه ها و در دشت و دمن ها پیدا کنم و بجویم ، و اما تو در این سفر چند چیز را برایم عنایت فرما :

۱- شناخت و معرفت ، تا تو را و تمام ذراری و آل رسول الله صَلَّی الله عَلَیهِ و اله را با تمام وجود بشناسم .

۲- مرا از خادمان و نوکران راستین خود و خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام

۱- سفر مورد اشاره ، از ۲۱ مرداد ماه ۱۳۸۱، و در اوج گرمی هوا بود.

قرار بده.

۳- حرمت و کرامت این لباس روحانی را در وجودم حفظ فرما ، تا از سربازان واقعی امام زمان علیه السلام باشم .

۴- در قلم و در زبـان و بیـان ، و در صـدا و حنجره و سـینه ام ، نمکت بیفزا، تا بتوانم از مرز شـما دفاع کنم ، و آنگاه ادامه داده است :

در بیت مرحوم آیه الله العظمی شـیرازی قدس سَرِّه با تعدادی از رفقای قدیمی روبرو شدم ، که کاروان عزاداری سـبب شور و هیجان و احساسات و حال و هوای عجیبی در آنها گشت ، و مکرراً می گفتنـد بسـیار کار خوبی کرده اید ، که در این کاروان عظیم عزاداری شـرکت نموده ایـد ، و در اثر این که منقلب شـده بودند ، با اشک و سـینه زنی در بیت مرحوم آیه الله العظمی ، آقای گلپایگانی قدس سِرِّه و بیت حضرت آیه الله العظمی ، آقای وحید خراسانی دام ظلّه نیز همراه ما آمدند .

سپس ادامه داده است :

مردم تهران را بر خلاف برداشت های قبلی ، و انتظارات خودم یافتم ، و دریافتم که آنها از مذهب و دین نبریده اند ، هرچند از بعضی از ماها ، در اثر بعضی خلافکاری ها بریده اند ، خصوصاً در مناطق حسّاس مشاهده کردم ، که ، حضرت زهراء سلام الله علیها و أهلبیت علیهم السـلام در قلوب مردم مرفّه نیز نفوذ دارند، و آنها نیز دوست می دارند که فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها را سرمشق زنـدگی خود قرار دهند ، و آنها نیز به مراسم دینی و مذهبی به دیدهٔ احترام می نگرند، و می دانند که اگر به مقدّسات مذهبی دهن کجی کنند ضربه می بینند .

صبـح روز دوشـنبه ، که روز شـهادت حضـرت زهراء سـلام الله علیها بود، وقتی از مسـجد أمیر (در خیابان کارگر شـمالی) به طرف چهار راهی به راه افتادیم ، و در وسط

راه توقّف کرده و سینه زنی نمودیم (۱) بی اختیار چشمم افتاد به ساختمان بلندی که در طبقه چهارم ، از لای پرده های نیمه کشیدهٔ آن ، زن و مردی با لباس خواب دیده می شدند، و معلوم بود تازه بیدار شده اند ، ولی چیزی نگذشت که هر دوی آنها روی بام ساختمان رفتند ، و عزاداران را تماشا می کردند، و چند لحظه بعد ، آن مرد پائین آمد و در جمع عزاداران به سینه زنیِ همراه با اشک جاری پرداخت ، و همسر او نیز در بالای بام به عزاداری مشغول بود .

و هم چنین در منزل آیه الله تقوی ، در موقع روضه خواندن و عزاداری ، جوان بسیار درشت هیکل و خَشِنی را دیدم ، که در ابتداء به نظرم رسید ، برای استهزاء و مسخره و اهانت آمده است ، ولی برخلاف تصوّر من ، دیدم که تا آخر مجلس ایستاده بود و اشک می ریخت ، و بازوهایش از شدّت گریه و احساسات می لرزید ، که حالت او مرا نیز منقلب کرد، در حالی که اگر او را در غیر این صحنه می دیدم خیال می کردم ، ضد دین و مذهب و دشمن روحانیّت است .

۴-از نکته های جالب کاروان عزاداری این بود که نه اسم داشت ، و نه بلندگو

یکی از فضلاء أرزشمند غیر ایرانی ، و دلباختهٔ حضرت زهراء سلام الله علیها (که سالها است در ایران اقامت دارد، و مسافرت های زیادی داشته ، و با صحنه های تلخ و شیرین و گوناگونی روبرو گشته) احساسات درونی خود را با مشاهدات عینیِ

۱- عزاداران با پای برهنه روی اسفالت های داغ سینه زنی عجیب و پرشوری داشتند ، و دیدن این منظره ، اشک عابرین را (که پیاده یا سوار بر اتوبوسها و یا اتومبیل های شخصی بودند) جاری می ساخت ، و از ساختمانهای بلند به دیدن منظرهٔ عزاداری ، و همراهی با آنها در سینه زنی می پرداختند .

خود ، در کاروان عزاداری فاطمیّه و در قم و تهران ، و در مجالس و محافل مختلفی که حضور یافته ، تشریح نموده است :

از روزی که از اصفهان حرکت کردیم ، دو چیز توجّه همه را جلب نمود ، اول نظم در حرکت کاروان عزاداری ، دوم شروع برنامه با توسّل ، که در مقابل منزل شما انجام شد، و همه را منقلب کرد، و کاملاً احساس شد که این سفر خدائی است و مخلصانه انجام می شود، و برای شهرت و ... نیست .

در تمام سفر آنچه قابل توجّه بود، حرکت دقیق و حساب شده بود، مثلاً وقتی که وارد صحن مطهّر حضرت معصومه سلام الله علیها شدیم ، مردم تازه از نماز جماعت فارغ شده بودند، و هنوز متفرّق نگردیده بودند، و می دیدم که در میان جمعیّت از همهٔ شهرها و مناطق کشور ، و از خارج ایران (هند، پاکستان ، أفغانستان ، عربستان سعودی ، بحرین، کویت ، عراق و ...) حضور داشتند ، و کاروان عزاداری ، که با پای برهنه وارد صحن مقدّس حضرت معصومه سلام الله علیها شدند ، و با اشک و سوز عزاداری می کردند ، همه را تحت تأثیر قرار داده ، و آنها هم همراهی کردند ، و این وضعیّت ، پیام برای همهٔ شهرها و کشورها داشت .

از نکته های جالب این دسته و کاروان عظیم عزاداری این بود ، که نه اسم داشت و نه بلندگو (۱) و هر چه مردم روی پرچمها را می خواندند، فقط

۱- این کاروان ، در خیابانها و بیابانها ، که همه سوار بر ماشین ها هستند ، بلندگوئی دارد که مرتباً با ذکر یا زهرا ، یا زهرا و خواندن مرثیه آن حضرت ، حال و شور و عزاداری را در همه ایجاد می کند ، ولی در هنگام حرکت پیاده ، با این که طول جمعیّت بسیار زیاد است ، با علامت دستها و رساندن صدا به یکدیگر ، نوحه های عزاداری ، با هماهنگی عجیب و تکان دهنده ای تکرار می گردد .

جمله های تکان دهنده ای در مورد مظلومیّت حضرت زهراء سلام الله علیها می دیدند ، و هیچ نام و نشانی از هیچ شهر یا دسته و گروهی ملاحظه نمی نمودند .

در هرکدام از بیوت آیات عظام که وارد می شدیم ، آنها برنامهٔ مجلس خود را تعطیل می کردند ، و همه به احترام عزاداران بلند می شدند ، و همراهی می کردند .

در قم از همه جالبتر این بود که ، در بیت آیه الله العظمی ، آقای وحید خراسانی خودتان هم نوحهٔ سینه زنی خواندید و گفتید : حضرت آیه الله العظمی وحید خراسانی روز قیامت در پیشگاه حضرت زهراء سلام الله علیها شهادت بدهید ، که این سیّد ، خودش هم برای شما نوحه خواند .

جوان های بسیار باحال و شوری همراه کاروان بودند ، که هر قدر سینه می زدند احساس خستگی نمی کردند ، و خیلی از مواقع آن قدر به سینه می زدند که خون جاری می شد ، و مدّاحان با این که خودشان هم شدیداً سینه می زدند ، ولی در وقت مرثیه خواندن حنجره هایشان خیلی خوب کار می کرد .

در تهران حتّی زنهای بد حجاب ، تحت تأثیر قرار می گرفتند ، و أشک می ریختند و منقلب می شدند، در بالای شهر تهران و در خیابان منتهی به حسینیّه ارشاد ، حرکت کاروان عزاداری با پای برهنه و با آن حالت معنوی ، بسیار حرکتی خدائی و خوبی بود ، و در مسجدِ حسینیّه ، مجلس بسیار خوبی برگزار شد ، و یک نفری که ظاهراً از همان منطقه بود گفت : در عمرم جلسه ای با عظمت همانند این مجلس ندیده بودم .

و هم چنین حرکت از مسجد أمیر (که با پای برهنه در هوای داغ انجام گرفت ، و در حال عادی اصلاً قابل تحمّل نیست) آن روز به حساب فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها در مدّت زمانی طولانی ادامه یافت .

ص:۴۷۳

من تـا حـال در عمرم چنین منقلب نشـده بودم ، و همان جا احساس کردم یقیناً عنایتی بوده است و چنین حرکتی ، جز خالصانه بودن و نظر أئمۀ معصومین علیهم السلام دلیل دیگری نمی تواند داشته باشد .

۵-قدم به قدم این مسافرت ، درس بود و سازندگی و معنویّت

یکی از فضـلای متدّین ، مؤدّب ، دلباختۀ أهل البیت علهم السلام پر تلاش ، که مبلّغ و مدّرس أرزشمندی می باشد ، در ضمن یک گزارش چند صفحه ای و مشتمل بر نکات شایسته دربارۀ برنامه های فاطمیّه می نویسد :

عنایت دیگری که در فاطمیّه دوّم شامل حالم شد، عضویّت در کاروان عزاداری حضرت زهراء سلام الله علیها بود، که هیچگاه انتظار چنین افتخار بزرگ و بهره مندی عظیم از این فیض بزرگ را نداشتم ، ولی بی بی دو عالم حضرت زهراء سلام الله علیها من و دوستان دیگر را به آن مفتخر نمود .

قـدم به قـدم این مسافرت درس بود و سازنـد گی و معنویّت ...، و جا دارد که یکی از عنایات ویژه آن را که نسبت به شـخص بنـده شـده است تـذکّر دهم ، و آن این بـود که در آن جلسـۀ تـاریخی آخر، در حیـاط منزل آیه الله تقوی ، من به خوبی لمس کردم که وقت فیض گرفتن است ، نیّت و هـدف دیرینه ای که داشـتم این بـود که خـدا به من توفیق دهـد که مرکز فرهنگی و کتابخـانه ای به نـام حضـرت زهراء سـلام الله علیهـا ایجـاد نمایم ، که مرکز تبلیغ فرهنگ اهل بیت علهم السـلام قرار گیرد، این حاجت بیشتر از حوائـج دیگر به نظرم آمد ، و خیلی منقلب بودم و فلان شخصیّت ... با آن حال عجیب روضه می خواندند ، و من نگاه مسـتقیم به ایشان داشـتم ، که ناگاه بی اختیار عمّامـۀ خودشان را از سـر به زمین زدند ، و فریاد بر آوردند یا حسـین یا حسین و حاضرین همه در شور و نشاط دیگر ، و در عالم دیگری بودیم ، و من با

تمام وجود احساس کردم که امام زمان عجّل الله تعالی فرجه تشریف دارند و می گویند : یا زهراء ، یا حسین ... خودم را به ایشان رساندم ، و دست ایشان را بوسیدم و عرض کردم : گوشهٔ دلتان به طرف من باشد ، و همان وقت حاجت خود را در نظر گرفتم ، و در همان حال آرامش خاطر پیدا کردم ، و یقین حاصل نمودم که حاجتم انشاء الله برآورده می شود .

۶-هر تماشاگری را متوجّه مظلومیّت حضرت زهراء سلام الله علیها می نمود

یکی از اساتید بزرگوار حوزهٔ علمیّه (که با اخلاص و تواضع کامل در جریان نهضت فاطمیّه همکاری بسیار جالب و مستمر و بی ادعائی داشته اند) در ضمن یک تحلیل جالب از مجموع برنامه های فاطمیّه و نقش و تأثیر عجیب و بی نظیر آن اشاره ای لطیف به یکی از آثار کاروان عزاداری فاطمیّه نموده اند . ذیلاً به فشرده ای از آن توجّه فرمائید :

بعد از اعلام عزای عمومی به مناسبت شهادت دختر گرامی پیامبرصَلَّی الله عَلَیهِ واله شاهد تحوّلی وسیع و گسترده در اجرای مراسم شهادت آن حضرت شدیم ، به نحوی که در اغلب رسانه ها و مطبوعات ، أثری جالب و به یاد ماندنی بر جای گذاشت ، به تدریج جلسات دهگی ، مؤسّسات خیریّه و مراکز درمانی ، و مساجدی به نام آن حضرت تأسیس شد ، و هر روز بر تعداد آنها افزوده می گردد ، و به همین وسیله بسیاری از مردم که حتّی آشنائی مختصری هم با زندگی آن حضرت نداشتند ، به فکر بررسیِ تاریخ و وقایع مهم و روش زندگانی ایشان افتادند ، کتابهای مختلفی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت ، و نکات تازه ای از زندگی آن حضرت کشف شد ، و برای بسیاری که به سادگی از کنار وقایع زندگی آن مظلومه عبور می کردند ، و با نظری ساده لوحانه ، فکر می کردند

که ، حوادث سقیفه و ماجرای آتش زدن خانه علی علیه السلام و کشته شدن حضرت محسن علیه السلام و شکستن پهلو و آزردن بازوی حضرت زهراء سلام الله علیها و سیلی زدن به صورت آن بزرگوار ، و نیز غصب فدک و شهید نمودن و دفن مخفیانه و شبانهٔ آن حضرت ، و خانه نشین کردن حضرت علی علیه السلام و مورد اتهام قرار دادن آن حضرت ، فقط حوادث تاریخی است ، و زمانش سپری شده است ، روشن شد، و به خوبی دریافتند که وحدت اسلامی ، فقط در سایهٔ پرده برداشتن از چهرهٔ حقّ و حقیقت به دست می آید ، که گرد و غبار جهل و کور دلی و لجاجت آن را پوشانده است ، و به خوبی دریافتند که ، فریاد حقّ خواهی و گریه های شبانه روزی و قبر مخفی حضرت زهراء سلام الله علیها ، چگونه می تواند حق را از باطل جدا نماید ، و آن راز پنهان را آشکار کند ، و دانستند چرا گروهی با ظاهری آراسته و حقّ به جانب ، سعی می کردند حوادث صدر اسلام ، جایگاه واقعی خود را در اذهان ملّت های جهان به دست نیاورد ، و شاهد این مطلب انتشار کتابها ، مقالات ، نمایشنامه ها ، فیلم ها و حتّی به راه افتادن مراکز اطّلاع رسانی جهانی برای بیان همین حقیقت است ، که در این دوره و مقطع حسّاس تاریخ ، فقط با نور فاطمه سلام الله علیها هدایت و راهیابی میسّر می شود .

و شاهد دیگر آنکه ، اجرای برنامه های دینی گسترده و عظیمی که ناممکن می نمود ، با نام مقدّس حضرت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها به نحو اعجاز گونه ای میسّر شده، و در سراسر جهان با همین نام مقدّس ، أمر دین به سادگی و آسانی پیش می رود ، و ظهور معجزات و کرامات و رؤیاهای صادقه ، شاهد بسیار بزرگی است که ، هر ابهامی را زایل می کند ، و آن منحرفینی که در زیر نقاب ها و ماسکهای فریبنده ، با سه عنصر مهمّ « مهدویّت » ، « مرجعیّت » ، « عزاداری »

مبـارزه می کردنـد، بـا آشـکار شـدن مظلومیّت فاطمـهٔ زهراء سـلام الله علیها پای به هزیمت گذاشـته ، و جای آنها را عزاداران خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام به غنیمت بردند، و من خودم امسال در همین مراسم کاروان عزاداری فاطمیّه در تهران دیـدم ، که در بعضـی از مراکزی که محـلّ ترویـج أفکار باطل بود، علاوه بر اجرای مراسم عزاداری پر شور و سوز و با عظمت برای مصائب سـرور زنان عالم ، فضائی را به وجود آوره بودنـد که در آن کیفیت ظلم و سـتمی که بر خانـدان عصـمت علیهم السـلام و بالأـخص حضـرت زهراء سـلام الله علیهـا وارد شـده ، بـه خـوبی مجسّم نمـوده بودنـد ، که هر تماشـاگری را متـوجّه مظلومیّت حضرت زهراء سلام الله علیها می نمود .

و به نظر من اگر این عزاداری هـا هیـچ اثر دیگری جز این اثر بزرگ را نـداشت ، بـاز هم مایـهٔ تعجّب و سپاسـگزاری بـود ، در حالی که برکات و آثار آن بسیار گسترده ، متنوّع ، فراگیر و عمیق می باشد .

۷-طوفانهائی از شور و احساسات صادقانه در این جمع عزادار می دیدم

یکی از فضـلای اندیشـمند و با اخلاص و دلبسته به ارزشهای والای مکتب أهل البیت علیهم السلام که در حوزهٔ علمیّه ، علاوه بر تحصیل علم در مراتب عالیه ، تدریس هم می نماید ، می نویسد : در سفرهائی که در کاروان عزاداری بر فاطمهٔ زهراء سلام الله علیهـا به قم و تهران رفته ام ، طوفانهائی از شور و احساسات صادقانه از افراد مختلف این جمع عزادار می دیـدم ، و تاثیراتی که در طول سـفر بر طبقات مختلف مردم شـهرها مشاهده می کردم به گونه ای بود که ، گوئی آنها نیز جزء کاروان ما بودند ، و همراه ما ، با همان شور و حال عزاداری می کردند .

گریهٔ عزادارانِ این کاروان و شرکت کنندگان در مجالس دههٔ فاطمیّه هرکدام

مرتبط به مسائلی می شود که برای تشریح آن ، مجموعه کتابهائی را که در این زمینه نوشته شود می طلبد ، تا حقائق آن گریه های جانسوز کشف شود، و ارتباط آنها با عالم غیب مشخّص گردد . او این بود نمونه ای از گزارشات کتبی و مفصّلی که گزارش دهندگان آن ، خود از مبلّغین و مدّرسین حوزهٔ علمیّه ، و یا از فضلاء عالی مقام و آشنایی با جامعه وأفکار و اندیشه ها و گرایش ها و نگرش های اجتماعی می باشند ، و بررسی صدها گزارش کتبی دیگر نیز ، آثار و نتایج حرکت کاروانهای عزاداری و تبلیغی را بر همین منوال نشان می دهد .

۸-خاطراتی عجیب ، از سفرهائی نورانی و زهرائی

می خواهم شما را با این جمله ها ، به مسافرتی ببرم (۱) که لحظه، لحظه های آن ، خاطراتی عجیب و شنیدنی دارد ، و در تمام لحظات آن ، نام حضرت زهراء سلام الله علیها بر اتومبیل ها و پرچمها ، زبانها ، و قلبهای همسفرهای آن نقش بسته ، و در حالی که پوسترهای گوناگون و با طرح ها و رنگ های مختلف ، و مزیّن به نام مقدّس فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها را بر دست دارند و آنها را به شیشه های مغازه ها ، اتومبیلها ، مسجد ها ، مدرسه ها ، حسینیّه ها ، امامزاده ها و کوچه ها و خیابانها ، و خلاصه هر کجا که محلّ حضور یاعبور شیعیان آل محمّدصَلَّی الله عَلَیهِ و اله باشد

ص:۴۷۸

۱- این بخش ، مقاله ای است از یکی از فضلای بزرگوار و مدّرس حوزهٔ علمیّه ، که در اثر عشق و علاقهٔ شدید نسبت به حضرت زهراء سلام الله علیها و به جهت اخلاص و تواضع در برابر آن حضرت و بدون هیچ ادّعا و انتظاری ، هر نوع خدمت و عرض ادبی که سازنده و مفید باشد و با چهرهای گشاده ، و آغوشی باز ، پذیرا می شود، و با امیدواری کامل در انجام آن می کوشد

می چسبانند ، و بـا هریک از دوسـتان أهل بیت علیهم السـلام و مردم کوچه و بازار که ملاقات می کننـد می گوینـد : آیا می دانیـد که فاطمـۀ زهراء سـلام الله علیها کیسـتند ؟ و چه مقامی دارنـد ؟ آیا می دانید که تمام انبیاء و أولیاء علیهم السـلام به آن حضـرت توسّل می جسته اند ؟ آیا می دانید که خاتم أنبیاءصَلَّی الله عَلَیهِ واله خم می شدند و دست فاطمۀ زهراء سلام الله علیها را می بوسـیدند ؟ آیا حدیث : لولا فاطمه لما خلقتکما را خوانده اید ؟ و آیا می دانید که از اول تا آخر خلقت ، خداوند متعال مانند او را خلق نفرموده ؟ و دربارۀ او آمده است که : فاطمه خیر أهل الأرض ؟ و آیا و آیا و آیا...

آیا می دانید که به او چه ظلم ها کردند ؟ آیا خبر دارید که تازیانه بر بدن او زدند ؟ آیا شنیده اید که محسنش را سقط کردند ؟ آیا از شـهادت مظلومانـۀ او خبر داریـد؟ آیا از گریه های همسـر مظلوم و فرزندان داغدار او ، در دل شـبهای غمبارِ مدینه چه خبر داریـد ؟ آیا اصـلاً می دانید ایّام فاطمیّه به چه روزهائی می گویند ؟ آیا شـما در ایّام عزاداری فاطمۀ زهراء سـلام الله علیها لباس سیاه می پوشید ؟ آیا در مسجد و حسینیّه محلّۀ شما ، مجلس عزاداری برای فاطمۀ زهراء سلام الله علیها برپا می شود ؟ آیا در مدرسه ، اداره ، محلّ کار شما علامتی از عزای فاطمه سلام الله علیها دیده می شود ؟ و آیا و آیا و آیا...

آری این همسـفرهای دلداده ، و این دلبسـتگان دل شکسـته ، در تمامی مدّت سـفر ، نامی غیر نام زهراء سلام الله علیها بر زبان ندارند ، و یادی جز یاد آن عزیز خدا، دلهایشان را مشغول نمی کند .

ای کاش شـما هم در جمع ما بودید، و آن لحظاتی را که یک فرزند دلسوختۀ فاطمۀ زهراء سـلام الله علیها در مساجد و محافل شهرهای گوناگون ، به سخنرانی دربارۀ آن مظلومۀ شهیده ، و وظائفی که شیعیان و دوستان آن حضرت دارند می پردازد،

ص:۴۷۹

تماشا می کردید ، و می دیدید که چگونه مرد و زن ، پیر و جوان، عالم و عامی ، سر تا پا گوش شده اند ، و اشک می ریزند ، و در سوز و گدازی عمیق فرو می روند ، ای کاش بودید و می دیدید آن لحظاتی را که افراد بیدار دل و دلدادهٔ خاندان رسالت علیهم السلام با اشکی جاری و حالتی منقلب می گفتند : ما امسال شهر خود را با پرچمهای سیاه ، در عزای فاطمهٔ مظلومه سلام الله علیها سیاه پوش می کنیم، و در مسجدها و حسینیّه ها ، مجلس سوگواری بر پا می کنیم ، و دستجات عزاداری به راه می اندازیم .

ای کاش بودید و تماشا می کردید که چگونه این مردم علاقمند ، پوسترها را می بوسیدند و به چشم می گذاشتند ، و ملاحظه می کردید که علماء بزرگ ، و شخصیّت های بزرگوار ، چگونه در برابر عظمت حضرت زهراء سلام الله علیها تواضع می نمودند ، و می گفتند : هر کاری از دستمان برآید ، کوتاهی نمی کنیم ، و قول می دادند که با تشکیل جلسات ، و اطعام های عمومی ، و برپایی مراسم سینه زنی مراسم فاطمیّه را در شهر و محلّ خودشان پایه گذاری نمایند .

تماشائی است آن هنگامی که دوستان فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها برای دعوت خدمتگزارانِ فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها به منزل خودشان ، با اشک جاری و با ادبی وصف ناپذیر ، تقاضای رفتن به منزل آنها را می نمایند ، و از یکدیگر سبقت می گیرند .

ای کاش بودید و می دیدید که ، در شهر اردبیل ، شهر امام حسین علیه السلام و أبا الفضل علیه السلام ، شهر فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها و امام زمان علیه السلام به خانهٔ کوچک و به ظاهر محقر یکی از دلدادگان امام حسین علیه السلام وارد شدیم ، و در و دیوار آن ، عکسها و پوسترهای آن ، و گویا آجر و مصالح ساختمانی آن ، همه و همه

یا حسین علیه السلام می گفتند .

بر سر سفره ای نشستیم که با غذائی ساده ، ولی همراه با خلوص و علاقه و شوری کم نظیر آراسته شده بود، و صاحب خانه ، با چهره ای صمیمی و خضوعی عجیب ، آنچه را از ادب و تواضع ، و عشق و علاقه ، در وجود خود داشت در طبق اخلاص گذاشت ، و شب را در آن منزل نورانی استراحت کردیم ، و اول صبح بعد از نماز جماعت و زیارت عاشوراء ، عازم حرکت شدیم ، که ناگاه دیدیم ، صاحب خانه که مردی قوی هیکل بود، مثل کوهی جلو راه خدمتگزارانِ فاطمیّه افتاد، و گفت : من نتوانستم از شما پذیرائی کنم ، و در برابر حضرت زهراء سلام الله علیها شرمنده و خجلم ، شما باید از روی بدن من عبور کنید ، و پا روی صورت و اندام من بگذارید، که در برابر زهرای مرضیّه سلام الله علیها شرمنده نباشم، و آن چنان این جمله را می گفت ، که همه را به گریه در آورد ، و خاطره ای فراموش ناشدنی در ذهن و جان همه بر جای گذاشت ، بعضی خم شدند و صورت او را بوسیدند ، و خواهش کردند که بلند شود، ولی او اصرار می کرد، که ناگاه دیدیم ، یکی از علماء حاضر در جمع ، که از ذراری حضرت زهراء سلام الله علیها بودند ، آن چنان منقلب شده اند ، که نزدیک است از هوش بروند ، دوستان به صاحب خانه گوشزد کردند که ، سیّد دارد از هوش می رود، و او به احترام ذریهٔ زهراء سلام الله علیها برخاست .

و در آن هنگام بود که همه دریافتیم ، هم چنانکه مقام و عظمت حضرت زهراء سلام الله علیها و قبر مطهّر و مظلومیّت آن حضرت مخفی است ، دوستان و مخلصان دلباختهٔ آن حضرت نیز ، در میان جامعه مخفی و پنهانند ، و گاهی رخ می نمایند .

در این سفرها ، دیدیم که چه عشق ها و ارادت ها ، خلوص ها و تواضع ها،

در دل مردمِ سراسر کشور (شهری و روستائی ، جوان و پیر ، زن و مرد ، عالم و عامی) نسبت به حضرت زهراءسلام الله علیها وجود دارد، که در فرصت های مناسب ، آن چنان چهره می نمایاند ، که تماشاگر را به حیرت وا می دارد ، و انسان متوجّه می شود که این عشقها و ارادتها ، با گوشت و پوست و خون مردم عجین شده است ، ولی باید با اقداماتی صادقانه و مخلصانه ، توجّه آنها را به مظلومیّت أهل البیت علیهم السلام و بالأخص زهرای مرضیّه سلام الله علیها جلب نمود ، و آنها را برای دفاع از حقّ آن بزرگواران آماده کرد .

صحنه های تکان دهنده و پرشور و سوز مردم شهرها و مناطق گوناگون کشور آن چنان بود که ، در هر سفری آماده برای سفر بعدی می شدیم ، و همهٔ کارها را به خاطر موفّق شدن برای چنین سفرهائی ، جابه جا می کردیم ، و یا اصلاً چشم پوشی می نمودیم .

* * *

گزارشات تلفنی و شفاهی

در طول چندین سال ، بعد از انجام مسافرت های تبلیغی و در متن سفرها ، اظهار نظرهای گوناگون از روحانیّون عالی مقام ، دانشگاهیان و فرهنگیان ، اداریان و بازاریان همه و همه تأکید بر یک نکته داشته و دارند که ، این کاروانها که متشکّل از استاد و طلبهٔ حوزهٔ علمیّه ، فارغ التّحصیل و دانشجوی دانشگاه ، بازاری و کاسب و کارگر (در سنین مختلف از ۱۵ تا ۷۰ سال) می باشد و فقط یک محور و نقطه اشتراک دارند ، و آن هم محبّت و علاقه شدید به حضرت زهراء سلام الله علیها است و هیچ اسم و عنوان و ادعائی ندارند ، و نفرات مشخصی هم نیستند ، و رفتار آنها مؤدّب ، با اخلاص و متواضعانه می باشد ، و قبل از آنکه

مشوّق دیگران برای برنامه های فاطمیّه باشند ، خودشان سوز دارند، و پیش از آنکه هر کاری را تبلیغ کنند، خودشان به هر کار پر زحمت و کم عنوانی تن در می دهند ، و لذا تأثیر گذاری آنها زیاد است ، و با یک فعّالیّت نصف روزه ، در یک شهر متوسط و یا اقدامی دو روزه در شهرهای بزرگی همچون مشهد مقدّس ، تبریز، شیراز و ... موجی بزرگ ایجاد می کنند .

در بررسی های انجام شده ، درستی گزارشات کتبی و تلفنی و شفاهی ، بیش از حدّ انتظار به اثبات رسیده ، و همین أمر ، فداکاران در راه تبلیغات فاطمیّه را جدّی تر و شائق تر نموده ، و آنها را برای عرض ادب خالصانه و بی نام و نشان آماده تر نموده است .

سپاسگزاری از علماء بزرگ شهرها ، و مراجع معظم تقلید

در پایان، با سپاسگزاری از الطاف الهی و عنایات أهل البیت علیهم السلام از مراجع معظم تقلید ، و علماء بزرگ و عالی مقام در همهٔ شهرها و مناطق کشور ، که با جمله های نورانی و معنوی خود ، این نوع عرض أدبهای فاطمی را مورد بالاترین حمایت و تشویق قرار داده و می دهند، و این حرکتهای معنوی را با عنوانهائی از قبیل : جهاد در راه خدا ، احیاء أمر أهل بیت علیهم السلام ، تحکیم پایه های حمایت از حریم ولایت أهل البیت علیهم السلام ، دفاع از مظلومیّت أمیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرای مرضیّه سلام الله علیها ، ایجاد گرایشهای دینی در جوانان ، حفظ و حراست از حریم حجاب و عفاف و دهها عنوان مقدّس و ارزشمند دیگر ، مورد تائید و حمایت و پشتیبانی قرار می دهند ، تشکّر و قدردانی نموده ، طول عمر و دوام عزّت و موفقیّت در حفظ و حراست از مرزهای دین و مذهب را ، برای آنان آرزو می نمائیم .

نکته هائی مهم ، و برکاتی فراوان در سفرهای فاطمیّه

در سفرهای فاطمیّه که در قالب کاروانهای تبلیغی ، قبل از ایّام فاطمیّه، و نیز کاروانهای عزاداری ، در ایّام شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها أنجام می گیرد ، نکات مهم و اساسی وجود دارد ، که پایهٔ موفقیّت های شگفت آور و گسترده است و یاد آوری برخی از این نکته ها آموزنده می باشد .

۱- با توجّه به این که زمان سفر تبلیغی کوتاه می باشد ، و در مدّت یک هفته ، بایستی به تعداد زیادی شهر بزرگ و کوچک ، در چندین استان ، مسافرت انجام گیرد ، و در هر شهری (به منظور آماده شدن مردم آن شهر ، برای بزرگداشت فاطمیّه) فعّالیّت گسترده ای انجام گیرد، و این امر بدون تأئید الهی و حمایت صاحبان ولایت علیهم السلام ممکن نیست ، لذا از یک ماه قبل از شروع مسافرت ، از همهٔ دلباختگان حضرت زهراء سلام الله علیها تقاضا می کنیم ، که توسّلاتی گسترده برای موفقیّت در برنامه های مورد نظر را داشته باشند ، و لذا هر کدام از آنها ، در نیمه های شب ، و یا در جلسات با اخلاص ، و یا در زیر آسمان با سر برهنه ، به استغاثه و التجاء و انابه می پردازند، و از درگاه قدس ربوبی ، و از پیشگاه مقدّس چهارده معصوم علیهم السلام ، و سایر أولیاء الهی استمداد می نمایند ، و هم چنین ، در روز شروع مسافرت ، جلسه ای به قصد توسّل مخصوص برقرار می شود ، که جمع حاضر در کاروان ، و عدّهٔ دیگری از مخلصان ، به راز و نیاز می پردازند، و سپس از همان مجلس عازم سفر می شوند .

۲- تعیین مسیر مسافرت ، در اختیار هیچ کس نیست ، بلکه پس از انجام توسّلات ، با راهنمائی قرآن و استخاره برخی از صاحب نَفَس ها ، مسیر

ص:۴۸۴

مسافرت انتخاب می شود .

۳- ورود در همهٔ شهرها ، بدون اطّلاع و هماهنگی قبلی می باشد ، و لذا در هر شهری ، و مسجد یا حسینیّه ای که وارد می شویم ، تنها عنایات أهل البیت علیهم السلام عشق و علاقهٔ پاک مردم ، سوز و گداز و شور و شوق خالصانهٔ مهمانها و میزبانها است که ، همهٔ امور را سامان می دهد ، و هیچ گروه و شخصی خود را مطرح نمی کند ، جز به عنوان خدمتگزار دلباخته ، و ارادتمند آماده برای کار .

۴- به دلیل این که مدّت سفر نسبتاً کوتاه ، ولی برنامه و هدف آن سنگین است ، بایستی علاوه بر مددهای غیبی ، از فعّالیّت فشرده ، سرعت در عمل ، فداکاری و از خود گذشتگی ، حدّ أکثر بهره گیری را نمود ، که چنین هم بوده است، و به شهادت همه کسانی که در جریان سفر قرار گرفته و می گیرند ، به راستی همه دست اندرکاران ، آنچه را در توان دارند، در طبق اخلاص می گذارند .

۵- با توجّه به این که داوطلبان این مسافرت زیاد می باشند ، و امکانات مناسب محدود است ، با رعایت اولویّت های معنوی ، و استمداد از عنایات فاطمی ، عدّه ای موفّق به انجام وظیفه می شوند ، که رقم ثابتی ندارند ، بلکه در شرائط معنوی متفاوت ، رقم آنها نیز متغیّر خواهد بود، و آثار و نشانه های خلوص ، بشارات معنوی ، هدایت های الهی ، مورد توجّه می باشد ، و لذا گاهی به خاطر رعایت حالتی منقلب ، و أشکی جاری ، و دلی شکسته ، از ناحیهٔ یک متقاضی سفر ، امکاناتی فراهم می شود، که چنین انسان دلسوخته ای نیز ، به آرزوی خود نائل گردد .

۶- در طول سالهای گذشته ، برای خدمتگزاران فاطمیّه ، به دلائل مختلف و

نشانه های روشن و گوناگون ، ثابت شده است که توفیق انجام وظیفه نمودن ، بایستی مورد امضای قبلی صاحبان عزای فاطمیّه قرار گرفته باشد، مثلاً در یکی از سفرهای تبلیغی که به مقصد مشهد مقدّس و شهرهای واقع در مسیر انجام گرفت ، یکی از دلسوختگان مخلص ، در شب قبل از شروع مسافرت ، از خداوند متعال درخواست کرده بود، نکته ای معنوی برای او روشن شود ، و در عالم رؤیا دیده بود که جمع معیّن برای آن سفر ، همه حاضر هستند، و ندائی بلند شد که : « کابینهٔ زهرائی » ، که بشارتی شیرین و گوارا بود .

و در جریان جالب دیگری ، یکی از علاقمندان به حضرت زهراء سلام الله علیها ، در ماه شعبان ، در عالم رؤیا می بیند که نام او ، برای مسافرت سال آینده معلّق است ، و لذا پس از بیدار شدن ، به توسّلاتی روی می آورد، تا این که در ماه محرّم موفّق می شود ، که به منظور عرض ادب به امام حسین علیه السلام ، اختلافی را که در هیئت محلّه آنها رخ داده برطرف نماید ، و انجام وظیفه می کند ، و در شب بعد ، در عالم رؤیا می بیند یک سیّدی به مسئول نام نویسی سفر ، دستور می دهند که ، نام ایشان را در لیست شرکت کنندگان در سفر بنویس ، تا از اضطراب در آید .

و در یکی از سفرهای مربوط به عزاداری حضرت زهراء سلام الله علیها در ایّام فاطمیّه دوّم ، با این که چندین اتوبوس و تعدادی اتومبیل های سواری آماده شده بود، ولی تعداد متقاضیان بیش از حدّ ظرفیّت وسیله های نقلیّه بود، یکی از طلّاب حوزهٔ علمیّه ، به این نویسندهٔ کمترین گفت : من علاقهٔ شدید برای شرکت در این برنامه عزاداری دارم ، چه کنم ؟ گفتم متوسّل بشوید ، اگر حضرت زهراء سلام الله علیها بخواهند وسیله اش را فراهم می کنند .

او با اصرار و التجاء ، دست به دعا و توسّل برداشته بود، و با خواندن نماز

استغاثه و ذکر یا مولاتی یا فاطمه اغیثینی ، و دیگر برنامه های مناسب ، شب را به نیمه رسانده بود، تا این که به خواب رفته ، و در عالم رؤیا دیده بود کاروانی است که اعضای آن می خواهند با شتر به مکّه و مدینه بروند، و او هم به عنوان آخرین نفر سوار می شود ، و مشرّف می گردد . فردا که روز حرکت بود ، پای اتوبوسها حاضر شد ، و برخی از کسانی که نام نویسی کرده بودند ، در ساعت مقرّر حاضر نشدند ، و او به عنوان آخرین نفر سوار اتوبوس شد و به کاروان عزاداران فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها پیوست .

۷- به علّت قداست هدف ، و نکات یاد شده فوق ، با این که تفاوت بسیار محسوسی در اعضای کاروان وجود دارد . (از نظر سنّی و فرهنگی و موقعیّت اجتماعی) ولی یک هماهنگی و پیوستگی عجیبی احساس می شود ، که لذّت روحی و معنوی سفر را در حدّ بسیار بالائی قرار می دهد .

۸- با توجّه به این که ورود در هر شهر و یا مسجد و حسینیّه ای از آن شهر ، هماهنگی قبلی انجام نگرفته ، از مردم آن شهر سؤال می شود که مسجد های پرجمعیّت و مناسب با هدف تبلیغی فاطمیّه ، کدام هستند ؟ و با توجّه به نکته های مهمّی که در این تحقیق به دست می آید ، و با بهره گیری از هدایت الهی به وسیلهٔ استخاره ، مسجد یا حسینیّه ای انتخاب می گردد ، و برنامه های مناسب در آنجا به اجراء در می آید .

نکته بسیار مهم این است که در بسیاری از موارد ، پس از اتمام مراسم ، و حاصل شدن انقلاب روحی و شور و سوز و أشک و ناله های مستمعین ، معلوم می شود که در شب قبل ، برخی از مردم آن شهر و نمازگزاران مسجد ، صحنهٔ بی سابقه آن مجلس را در عالم رؤیا دیده اند ، و از هنگام صبح ، متحیّر و منتظر

بوده انـد که این چه خوابی بوده است ؟ و پس از آمـدن در مجلس ، و دیـدن آن صـحنه ، به حقیقت أمر آگاهی یافته انـد ، و همین جهات است که سبب می شود تأثیر گذاری برنامه ، غیر عادی و در حدّ کرامت تلقّی شود .

۹- ورود اتومبیـل هـا به دنبـال هم ، در شـهرها، و حرکت در خیابانهـا ، در حـالی که روی شیشه هـای آنها ، پوسترهای تکان دهنـدهٔ فاطمیّه نصب شـده ، و نیز برنامـهٔ نصب پوسترها در جای جایِ شـهر و در مسـیر خیابانها ، زمینـهٔ مساعدی را برای برنامهٔ سخنرانی توجیهی ، در مسجد تعیین شده ، فراهم می سازد .

۱۰ – أدب و احترام أعضـاء کـاروان ، در هنگـام ورود به مغـازه هـا و یـا اداره هـا و مـدارس و ...، و اجـازه گرفتن برای نصـب پوسترها ، تأثیر بسزائی در حسن استقبال مردم دارد، و آنها را به گفتن جمله هائی همانند :

« بفرمائید » ، « هرجا می خواهید بچسبانید » ، « سر و جانم فدای حضرت زهراء سلام الله علیها » ، « فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها در قلب ما هسـتند » ، « یکی هم برای منزل بدهیـد»، « برای دوست همسایه ما هم بدهیـد که مغازه اش بسـته است » ، « بفرمائید منزل مهمان ما باشید » ، « مریضی داریم یک پوستر بدهید بالای سر او نصب کنیم » وا می دارد .

۱۱– در هنگام نصب پوسترها به اتومبیل ها ، گاهی صفی طولانی کشیده می شود برای گرفتن پوستر و نصب آن به اتومبیل .

۱۲ – از نکات بسـیار حسّاس این برنامه ، وابسـته نبودن آن به هیـچ گروه و هیئت و جمعیّت ، و بی نام و نشان بودن پوسترها و پرچمهـا است ، که در بسـیاری از موارد ، در هنگـامی که برای نصب پوسترها کسب اجازه می کننـد ، مسـئول مغازه یا اداره و غیر آن ، در ابتـداء اجـازه نمی دهـد، ولی هنگـامی که به او می گوینـد اسم و نشانی نـدارد، یک مرتبه منقلب می شود، و می گوید : بفرمائید ،

سر و جانم فدای حضرت زهراء سلام الله علیها ، ما خودمان از علاقمندان به این خاندان هستیم .

۱۳ - سخنرانی ها در برگیرندۀ ، توضیحی دربارۀ کارهای انجام شده در شهرها و مناطقی است که پیش قدم بوده اند ، و بیان فضائل و مصائب حضرت زهراء سلام الله علیها و نشان دادن أنواع و اقسام پوسترها و پرچم های تهیّه شده ، و در ضمن آن، تفسیر طرح ها و جمله های انتخابی ، که شکل اجرای برنامۀ سخنرانی (به خاطر سمعی،بصری بودن آن) همه را تحت تأثیر قرار می دهد ، و چه بسا تا سه ساعت به طول می انجامد، و همه با اشک و ناله و سوز و گداز، همراهی می نمایند .

بیان کرامات حضرت زهراء سلام الله علیها به کسانی که عرض ادب نموده ، و فعّالیّتی داشته اند ، و هم چنین بیان استقبال مردم کشور ایران و سایر کشورها ، از برنامه های فاطمیّه ، و تأسیس مساجد و مدارس و بیمارستانها و مراکز خدماتی و علمی و دینی به نام آن حضرت، در همه جای دنیا، و معرّفی کتابهای فراوانی که تألیف شده ، نقش بسیار مؤثّری در آماده نمودن مردم برای تصمیم گیری ، برای امور فاطمیّه دارد، و آنها را برای اقدام در شهر خودشان آماده می سازد .

۱۴- پس از اتمام سخنرانی و ارائه کارهای انجام شده، با انجام برنامۀ سینه زنی پر شور و سوز ، حال و هوای مجلس تکامل می یابد ، و دلها را در یک حالت روحی ، و سیر معنوی قرار می دهد، و همه در می یابند که دلها ، کانون عشق و محبّت حضرت زهراء سلام الله علیها است .

۱۵ - پس از اتمام مجلس ، بسیاری از حاضرین که دارای موقعیّتی در دانشگاه ، یا ادارات رسمی ، ارگانهای دولتی یا مؤسّسه های اجتماعی یا هیئت ها و مساجد و حسینیّه ها هستند ، با گرفتن پوستر و پرچم ، دست به کار

می شونـد ، که محیـط مربوط به خودشـان را مورد تبلیغ و ترویـج برنـامه هـای فاطمیّه قرار دهنـد ، و همان یک مجلس و یک مسجد ، پایه گذار برنامه های فاطمیّه در مراکز علمی و اجتماعی و فرهنگی و دینی دیگر می شود .

۱۶- گاهی برخلاف تصـمیم قبلی (که امشب به فلان شـهر می رویم ، یا برای نماز ظهر و عصـر در فلان شـهر برنامه ای داشته باشـیم) به سوی شـهر دیگری کشـیده می شویم ، که موفقیّت در آن حیرت آور و منقلب کننـده است ، و همه میگوینـد : بـاید خود حضرت زهراء سلام الله علیها برنامه ها را تعیین کنند (۱).

۱۷ – به خاطر نکات یاد شدهٔ فوق ، اگر برای نماز ظهر و عصـر و یا مغرب و عشاء (که فرصت بسیار خوبی برای اجرای برنامه هـای وسـیع می باشـد) به شـهر کوچکی می رسـیدیم ، که به حسب ظـاهر ، فعّالیّت تبلیغی در آن در اولویّت نمی بود، نگران نمی شدیم ، زیرا معتقد شده بودیم که چه بسا آنچه اتفّاق می افتد مورد رضایت حضـرت زهرای مرضیّه غلط است ، و چه بسا تأثیراتی داشـته باشد ، که اصـلاً در قوّهٔ وهم و خیال ما ، قابل تصّور نباشد، و از قضاء چنین برخوردی ، در حفظ حالت خلوص و تواضع و شکسـتن هواهای نفسانی ، بسـیار مؤثّر واقع می گردیـد، و آثار معنوی آن را در ادامهٔ سـفر ، و در برنامه های دیگر کاملاً احساس می کردیم .

۱۸–و آخرین نکته (به یاد آخرین سال عمر شریف حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها)، این که :

ص:۴۹۰

۱– در یکی از این مسافرت ها ، یکی از طلّاب متـدّین و دلباختهٔ أهل بیت علیهم السـلام در عالم رؤیا دیده بود که پاکت هائی جدا ، جدا در کنار هم قرار گرفته ، و ندائی بلند شد که : اینها برنامه های مجالس شما است .(دقّت شود)

در تمامی برنامهٔ سفر (از هنگام شروع مقدّمات ، و در حین سفر ، و نیز پس از بازگشت موفقیّت آمیز آن ، نشانه های لطف روشن و قطعی حضرت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها وهم صاحبان عزای آن حضرت (پدر و همسر و فرزندان معصومشان) برای همه ظاهر و آشکار می گردید ، که ذیلاً به سه مورد اشاره می نمایم :

الف – در تهران ، در مسجدی نزدیک بلوار کشاورز ، پس از آنکه پوسترها ارائه شد ، و بین حضّار مجلس تقسیم گردید ، یکی از بانوان متدّینه اظهار داشت : دیشب در عالم رؤیا دیدم که آقای بزرگواری همین پوسترها را به مردم نشان می دادند .

ب – در شهر مذهبی خوانسار ، پس از آنکه به حرم مطهّر امامزاده أحمد علیه السلام (که آن بزرگوار ، طبق مشهور بین مردم ، فرزند آقا سیّد محمّد علیه السلام « مدفون در نزدیک سامراء می باشد » و در نتیجه ، پسر عموی حضرت بقیّه الله علیه السلام هستند) مشرّف شدیم ، صداهائی از طبقهٔ دوّم شنیدیم ، و در هنگامی که به آنجا رفتیم ، ملاحظه نمودیم که جلسهٔ آموزش قرآن و احکام برای دختران می باشد ، و خانم با کمال و أدبی ، به تعلیم آنها مشغول است ، و دو نفر دیگر هم برای دیدار او حضور داشتند ، این کمترین ، اجازه گرفتم که چند تذکّر معنوی و به یادماندنی به آنها بدهم ، و به همهٔ حاضرین ، از پوستر های حضرت زهراء سلام الله علیها هدیه داده شد ، و در این هنگام، آن خانم معلّمه (که قبلاً ـ خیال می کرد ما به عنوان بازرسی در مورد کیفیّت کار و جلسات درسی و قرآنی او ، از حوزهٔ علمیّهٔ قم آمده ایم) سؤال کرد که شما از کجا آمده اید؟ وهدف شما چیست ؟ جواب دادم : از اصفهان آمده ایم ، برای تبلیغ برنامه های حضرت زهراء سلام الله علیها ، او با شنیدن این

جواب ، آن چنان فریاد زد و بلند گریه کرد، که به تعجّب فرو رفتیم ، و پس از مدّتی گریه و ناله ، در هنگامی که آرام گرفت ، سؤال کردیم چه شد که این چنین منقلب شدید و گریه کردید ؟ گفت : دو شب قبل در عالم خواب دیدم که حضرت فاطمۀ زهراء سلام الله علیها به جلسۀ ما تشریف آوردند، و من دو روز است ، در فکر هستم که قضیّه چیست ؟ و حضور حضرت در این جلسه چه تعبیری دارد ؟ و در ابتداء که شما به جلسه آمدید خیال کردم که بازرس هستید ، ولی وقتی پوسترهای حضرت زهراء سلام الله علیها را به ما و شاگردان دادید ، و گفتید که برای ترویج از مراسم بزرگداشت حضرت زهراء سلام الله علیها آمده اید ، تعبیر خوابم را یافتم و متوجّه شدم آمدن شما با این هدف مقدّس ، به جلسۀ قرآن ، نشانه ای از ، نظر لطف حضرت می باشد ، و لذا این چنین به گریه در آمدم (۱).

ج - در یکی از سفرها، قرار بود که به شهر ایلام برویم ، ولی با محاسبۀ زمان، متوجّه شدیم که در زمان مناسب به شهر یاد شده نمی رسیم ، لذا تصمیم گرفتیم به شهر همدان برویم ، و فردای آن عازم ایلام بشویم . با مساعدت استخاره ، مسجدی را انتخاب نمودیم ، و در هنگام ورود، متوجّه شدیم که امام جماعت ،

۱- از نکات بسیار مهم در این جریان این است که ، در مسیر سفر یاد شده ، پس از اجرای برنامه در لردگان و شهرکرد، عازم همدان بودیم ، ولی در وسط راه ، یک انقلاب درونی غیر قابل توجیهی در خودم یافتم ، که هرچه خواستم به مسیر قبلی ادامه دهیم ، ممکن نبود، لذا استخاره کردم که مسیر را تغییر داده ، و به سوی خوانسار و گلپایگان حرکت کنیم ، و آیه ای که در آن استخاره آمد ، نشان می داد که کارها به دست خدا و با ارادۀ او انجام می شود ، و لذا تصمیم گرفتیم که به خوانسار برویم ، و جالب تر این که ، جلب توجّه ما به جلسۀ یاد شده ، کاملاً غیر منتظره و عجیب بود ، و رؤیای آن بانوی دلباختۀ فاطمۀ زهراء سلام الله علیها، نشانه ای روشن از الطاف حضرت زهراء سلام الله علیها بشمار آمد .

یکی از علماء سالخورده و سادات بزرگوار می باشند ، و با کسب اجازه از

ایشان، برنامهٔ خودمان را شروع کردیم و آن چنان آن عالم بزرگوار گریه می کردند ، و عموم مردم با اشک و ناله و شور و سوزشان ، از تذکّرات مطرح شده، و تماشای پرچمها و پوسترها و پیشنهادات لازمه برای برگزاری برنامه های فاطمیّه در همدان ، استقبال کردند که مجلس یاد شده دو ساعت طول کشید ، و بسیاری از حاضرین در مجلس (که مسئول هیئت یا مدرسه یا مسجد یا اداره ای بودند، و یا در شهرکهای اطراف همدان ، و در دانشگاههای منطقه حضور داشتند) با شوق و علاقهٔ عجیبی مقدار زیادی پوستر و پرچم ، برای تبلیغ و ترویج و پایه گذاری برنامه های فاطمیّه در آن مراکز و شهرهای اطراف دریافت نمودند .

نکته جالب این بود که آن شب ، به دلیل یک أمر معنوی خاصّی ، از همهٔ حاضران در مسجد ، به وسیلهٔ گز اصفهان پذیرائی شد ، و تذکّر دادیم که چون به قصد خاصّی می باشد ، هرکسی فقط یک عدد بردارد .

پس از اتمام مراسم ، بانوی محجّبه و متدّینه ای ، که آثار کمال و شخصیّت ، در رفتار و گفتارشان ظاهر بود، فرمودند : امروز صبح تا به حال ، منتظر چنین صحنه ای بودم ، زیرا دیشب در عالم رؤیا دیدم ، که در بیابانی هستم و در اطراف من چند خیمه و چادر و کلبه ای وجود داشت ، و حضرت زهراء سلام الله علیها نیز حضور داشتند ، ناگاه بدون مقدّمه ، کاروانی از عزاداران حضرت زهراء سلام الله علیها وارد شدند ، و مشغول عزاداری گردیدند ، طولی نکشید که حضرت بقیّه الله الأعظم علیه السلام تشریف آوردند، و به هر کدام از حاضرین یک سیب سرخ دادند ، وقتی که از خواب بیدار شدم ، منتظر بودم که ببینم چه پیش می آید ؟ که امشب کاروان

عزاداری حضـرت زهراء سـلام الله علیها به این مسجد آمدند ، و عزاداری کردند، و سپس به هر یک نفر یک گز دادید ، و من برای مریضی که دارم یک گز دیگر بر می دارم ، که برای شفای او ببرم ، به خاطر این که می دانم جلسهٔ امشب ، مورد عنایت اهل بیت علیهم السلام می باشد .

ص:۴۹۴

کرامات وعنایات گستردهٔ فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها

اشاره

ص:۴۹۵

۱-عطیّه ای الهی پس از ۲۷ سال « نوزادی چراغ زندگی »

۲۶ سال از ازدواج مرد و زنی می گذشت ، که تمام برنامه های پزشکی و اقدامات تجربی را انجام داده بودند ، و زندگی آنها با تولّد فرزندی که چشم و چراغ زندگی آنها باشد روشنائی نیافته بود، و پزشکان از بچّه دار شدن آنها مأیوس گردیده بودند .

خانم خانواده یاد شده ، در ایّام فاطمیّه (۱۴۱۵ قمری) در آخرین روزهای جلسهٔ روضه و عزاداری در منزل نویسندهٔ کمترین (۱) حاضر شده ، و برای این که فرزندی به او عطا شود ، متوسّل به ذیل عنایت حضرت زهراء سلام الله علیها گردیده بود و به قصد استشفاء ، از صبحانه جلسهٔ عزاداری میل نموده بود .

پس از مدّت زمانی ، علائمی را در خود احساس کرده بود، و پس از بررسی و آزمایش معلوم شده بود که بعد از گذشت ۲۶ سال از ازدواج آنان ، و بی ثمر بودن همه گونه درمان قدیم و جدید ، باردار گردیده است .

در تاریخ شنبه ۱۸ جمادی الاولی ۱۴۱۶ قمری برابر با ۲۲ /۷/ ۱۳۷۴ شمسی ، در یکی از مجالس عزاداری حضرت زهراء سلام الله علیها یکی از دوستان ، مرا

۱- مجلس یاد شده ، با حضور خدمتگذاران و گویندگان و مدّاحان و شرکت کنندگان با اخلاص ، حال و هوای معنوی برجسته ای دارد، و از همهٔ شهرهای دور و نزدیک همانند : مشهد مقدّس ، قم، تهران ، ساری ، زنجان ، تبریز ، قزوین ، سیرجان ، یزد ، اقلید و ... در آن شرکت می جویند ، و مورد عنایت حضرت زهراء سلام الله علیها قرار میگیرند .

صدا زد و بشارت داد ، امروز خانم فلانی (با عنایت حضرت زهراء سلام الله علیها پس از ۲۷ سال که از ازدواج او سپری شده) دختری زائیده که مایل است نام او را شما بگذارید ، و دقیقاً روز تولّد این نوزاد ، مطابق بود با روزی که در سال گذشته ، به قصد توسّل و استشفاء در مجلس عزاداری فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها شرکت نموده و متوسّل شده بود .

در تاریخ ۲۰ جمادی الاولی به منزل آنها رفتم و مجلس عجیبی بود ، همه با اشک شوق و شادمانی در اطراف مادری که پس از ۲۷ سال فرزندی سالم به دنیا آورده ، اجتماع کرده بودند ، و اینجانب که تماشاگر صحنه ای عجیب و کرامتی بزرگ از فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها بودم ، اشک چشمانم قطع نمی شد ، و در هنگامی که نوزاد را به من دادند که با گفتن اذان و اقامه ، نام او را بگذارم ، دیدم چه قدر نورانی است ، و با قیافه ای جذّاب و گیرا ، نشان می داد که عطیّه ای الهی با عنایت حضرت زهراء سلام الله علیها نصیب خانواده و پدر و مادر او شده است .

نام او را زهراء و نام دیگر او را عطیّه (بخشیده شده) نهادم ، و خدای را بر این کرامت بزرگ سپاس گفتم ، و هم اکنون با گذشت بیش از هفت سال ، خاطرهٔ آن مجلس نام گذاری (که امواج شوق و شور و شعف بر همهٔ حاضرین حاکم بود) را فراموش ننموده ام .

۲-من فرزندان و دوستان زیادی دارم که مشکل شما را حل می کنند

سیّد یتیمی از أهل أفغانستان (به نام سیّد سلمان موسوی) در سنّ هفت سالگی پایش می شکند ، و به خاطر نداشتن سرپرست و نبودن امکانات مالی و درمانی معالجه نمی شود، و با گذشت زمان و بزرگتر شدن از نظر سنّی ، پای

شکسته به اندازهٔ شش سانتیمتر کوتاه می شود . در سال ۱۴۱۵ قمری به ایران هجرت می کند و وارد حوزهٔ علمیّه می گردد، و برای معالجه به بیمارستان بزرگ الزّهراء سلام الله علیها مراجعه می نماید و بستری می شود .

یکی از بستگان او به اینجانب (سیّد حجّه موّحد ابطحی) مراجعه نمود ، و من نامه ای به بیمارستان نوشتم که حدّ أکثر همکاری ممکن را با او بنمایند ، و به آن شخص همراه گفتم : پس از مشخّص شدن هزینه ها و انجام تخفیف های ممکن ، نتیجهٔ کار را به من بگوئید تا به اندازه توان کمک کنم .

در تاریخ ششم رمضان المبارک ۱۴۱۵ پس از انجام عمل جرّاحی ، او را از بیمارستان ألزّهراءسلام الله علیها مرخّص می کنند ، و پس از تخفیف های ممکن ، مبلغ زیادی بایستی به صندوق بیمارستان پرداخت شود، که برای آن طلبهٔ جوان یتیم فراهم نبود، و لذا شخص همراه او به مدرسهٔ صدر بازار و حجرهٔ این بندهٔ کمترین مراجعه کرد، و جریان کار و هزینهٔ سنگین عمل را بیان نمود، و خوشبختانه یکی از دوستان أهل خیر که از تجّار متدّین و نیکوکار است، به دیدن من آمده بود (و سابقه نداشت که در حجرهٔ مدرسه به ملاقات من بیاید و او از چگونگی داستان مطّلع شد، و همهٔ هزینه های باقی مانده را بر عهده گرفت ، و آن شخص همراه با خوشحالی به بیمارستان رفته بود، و به آن طلبهٔ سیّد یتیم خبر داده بود که مشکل برطرف گردیده است . او در جواب گفته بود که میدانستم ، گفته بود از کجا ؟ - پاسخ داده بود که دیشب در عالم رؤیا دیدم در مدرسهٔ علمیّهٔ ذوالفقار هستم ، و طلبه ها با هم صحبت می کردند ، که راه کربلا باز شده است ، و از هر نفر مبلغی می گیرند و او را به کربلا می برند، و من بسیار ناراحت شدم و گفتم اگر به جای رفتن به بیمارستان و مقروض کردن خود، پولی تهیّه می کردم و به کربلا می رفتم،

ص:۴۹۹

آنجا شفای خودم را می گرفتم، و در حال اندیشه و تفّکر بودم ، و سرم به طرف پائین بود، ناگاه احساس کردم شخصی سرم را تکان میدهد ، و می گوید: پسرم چرا ناراحت هستی ، سرم را بلند کردم دیدم خانمی هستند با چادر سبز رنگ ، پیش خود فکر کردم که ایشان ایرانی نیستند (چون ایرانیها چادر مشکی به سر می کنند) به من فرمودند :

ناراحت نباش ، من بچه ها و دوستان زیادی دارم که مشکل شما را حل می کنند گفتم خانم شما کیستید ؟ فرمودند : مرا نمی شناسی ، من مادرت هستم ، من فریاد زدم که شما مادرم هستید ؟ که با صدای فریاد من ، رفیقم که در اطاق بیمارستان بود مرا از خواب بیدار کرد . و این چنین با لطف و عنایت حضرت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها مشکل مالی و درمانی او برطرف گردید .

۳-با توسّل به حضرت زهراء سلام الله علیها . شفایش را از امام رضا علیه السلام گرفت

در سال ۱۳۷۶ (۱۴۱۸ قمری) یکی از علاقمندان به حضرت زهراء سلام الله علیها به شکل عجیبی شفا یافت ، و جریان کسالت و شفای خود را مفصّلاً نوشته است که خلاصه آن را ذیلاً ، نقل می نمایم .

یک ماه قبل از ایّام فاطمیّه ، ناگهان بالای ناف من به اندازهٔ یک پسته بالا آمد و أوّل احساس درد نمی کردم ، ولی با گذشت زمان ، اندازهٔ آن برآمدگی بزرگتر می شد ، و دچار درد شدم ، و لذا به پزشک مراجعه کردم ، و او پیشنهاد عمل جرّاحی به وسیلهٔ دکتر متخصّص و برجسته نمود، و من شدیداً ناراحت شدم .

ایّام فاطمیّه رسید و همه روزه ، در منزل ... که مجلس با معنویتی است ،

شرکت می کردم ، و توسّل داشتم ، و روز آخر که نهار می دادند ، به قصد شفا شرکت نمودم ، و نیّت کردم که این غذای مربوط به حضرت زهراء سلام الله علیها را می خورم ، که از این مرض و ناراحتی نجات پیدا کنم ، آن روز به پایان رسید ، و هنگام شب به خواب رفتم ، و در عالم رؤیا دیدم که در حرم حضرت علیّ بن موسی الرّضا علیه السلام هستم ، و در وسط جمعیّت ، با حال پریشان راه می رفتم ، و چند نفر به من گفتند : اگر شفا میخواهی ایشان، آقا علیّ بن موسی الرّضا علیه السلام هستند ، برو و شفایت را بگیر ، من دویدم و در هنگامی که به ایشان رسیدم ، عرض کردم : آقا، من گرفتارم ، من مریض هستم ، من آمده ام تا شفای خود را از خداوند متعال ، و از شما آقای بزرگوار بگیرم . حضرت رضا علیه السلام بدون این که با من سخنی بگویند ، دست مرا گرفتند و به سوی ضریح مطهّر حرکت کردند ، ناگهان چشمم افتاد به یک پارچه سبزی که روی یک قبری افتاده بود، و چهار یا پنج نفر با لباسهای سر تا پا مشکی ، و نقابهای سیاه ، در اطراف آن قبر نشسته بودند ، آقا به من فرمودند : اگر حاجت می خواهی از این قبر بگیر ، من افتادم روی قبر و آن پارچه را مرتّب می بوسیدم و می بوئیدم . یک مرتبه سرم را بلند کردم ، دیدم آقا، بالای سرم ایستاده اند و فرمودند : حاجتت را بگیر ، دو مرتبه افتادم روی قبر و بوسیدم ، و پارچه را بوئیدم و سرم را روی قبر گذاشتم ، ولی در هنگامی که سرم را برداشتم ، دیدم کسی نیست و از خواب بیدار شدم ، و ملاحظه کردم که نه از آن برآمدگی اثری هست ، و نه هیچ گونه دردی احساس می کردم، و هم اکنون نیز با گذشت مدّت زمانی طولانی ، هیچ گونه اثر و دردی را در خود احساس نمی کنم .

شخص یاد شده ، به اینجانب (نویسندهٔ کمترین) مراجعه نمود، و جریان را

نقل کرد، من به او پیشنهاد کردم که به همان دکتر مراجعه کند ، و او نظر خودش را اعلان نماید ، پس از دو روز ، شخص یاد شده ، با نوشتهٔ رسمی دکتر معالج خود مراجعه کرد ، و آقای دکتر تشخیص قبلی ، و وضعیّت فعلی او را تائید نموده بودند، و بدین وسیله معلوم شد که مریض یاد شده ، با توسّل به حضرت زهراء سلام الله علیها مورد عنایت حضرت علیّ بن موسی الرّضا علیه السلام و قبر مطهّر آن حضرت قرار گرفته و شفا یافته است .

۴-مفاتیح الجنان را به روح مقدّس حضرت زهراء سلام الله علیها هدیه کردم

مرحوم حاج شیخ مهدی محدّث زاده ، فرزند بزرگوار محدّث نامدار شیعه ، مرحوم حاج شیخ عبّاس قمی (صاحب تالیفات فراوان) و از همه مشهورتر ، کتاب برجستهٔ مفاتیح الجنان ، فرمودند :

از پدرم سؤال کردم که چگونه شد کتاب مفاتیح الجنان این قدر مورد توّجه قرار گرفت ، که همهٔ کتابهای دعای قبلی را که از آثار بزرگان نامدار شیعه می باشد تحت الشّعاع خود قرار داد، و عالَم گیر شد ؟ و در همه جا و در نزد همه کس مورد قبول قرار گرفت ؟ . پدرم فرمودند : وقتی کتاب مفاتیح الجنان را تألیف نمودم ، آن را به روح مقدّس حضرت زهراء سلام الله علیها هدیه کردم(۱)و در نتیجه

۱- البته روشن است که اهداء نمودن آن بزرگمرد ، یک کار تشریفاتی (که مرسوم است در أول هر کتاب ، آن را به شخصیّتهای بزرگ و الهی اهداء می نمایند ، و در بعضی موارد از خلوص لازم برخوردار نیست) نبوده است ، بلکه مرتبهٔ اخلاص مرحوم قمی قدس سِرُّه آن چنان بوده ، که اهداء او به روح مقدّس حضرت زهراء سلام الله علیها هیچ گونه شائبه ای نداشته ، و لذا چنین أثر عجیبی داشته است

چنین موقعیّتی برای این کتاب حاصل گردید .

۵-روضهٔ محسن مرا بخوانید

در پایان ماه محرّم و صفر ۱۴۲۳ قمری ، و پس از دست یابی به موفقیّت های چشمگیری در جریان برگزاری مراسم عاشورای حسینی ، که مقارن با حلول سال جدید شمسی (۱۳۸۱) گردیده بود، و با همکاری عدّهٔ زیادی از فضلاء و طلّاب و روحانیّون ، و مخصوصاً یاران مخلص برنامه های فاطمیّه ، و با همّت و حسن نیّت عموم مردم با ولایت ، موفّق گشتیم که از بی احترامی به مقدّسات عاشورای حسینی در ایّام نوروز جلوگیری نمائیم ، تصمیم گرفتیم که به شکرانهٔ این نعمت ، روز شهادت حضرت علیّ بن موسی الرّضا علیه السلام (آخر ماه صفر) با جمعی از علاقمندان و خدمتگذاران در برنامه های فاطمیّه به وسیلهٔ یک اتوبوس ، به مشهد مقدّس مشرّف شویم .

در هنگام شروع سفر از اصفهان ، یکی از همسفرانی که عازم مشهد مقدّس بود، در هنگام حرکت خبردار شد که فرزند خردسال او ناگهان مبتلا به تب و کسالت شدیدی شده ، و نیاز به بستری شدن در بیمارستان دارد و با اشکی جاری و حالتی افسرده و پریشان ، از مسافرت صرف نظر نمود .

کاروان زیارتی ، پس از ورود به مشهد مقدّس و تشرّف به حرم مطهّر امام رضا علیه السلام و انجام برنامه های زیارتی ، به شبستان مجاور کفشداری وارد شدند و در حالتی عجیب و استثنائی به عزاداری و سینه زنی پرداختند، و اشک و ناله در مجلس موج می زد، و پس از پایان مرثیّه سرائی و سینه زنی مدّاحان ، ناگاه در هنگام دعاء مُلهَم شدم که ایّام آتش زدن و هجوم به در خانهٔ فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها و شهادت حضرت محسن علیه السلام است ، و رو کردم به مردم و گفتم : در کنار حرم علیّ

بن موسی الرّضا علیه السلام مناسب است برای مصیبت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها در این ایّام و آتش زدن به در خانه آن حضرت، و شهادت محسن علیه السلام عزاداری کنیم .

تأثیر این پیشنهاد عجیب بود ، صدای ضجّه و ناله از جمعیّت بلند شد، و تمام خستگی راه و زیارت و عزاداریهای انجام شده از همه برطرف گردید ، و مجدّداً سینه زنی شروع شد، و شدّت اشک و ناله و سوز جمعیّت غیر منتظره بود، و همهٔ حاضرین ، علاقه و دلسوزی خودشان را نسبت به حضرت محسن و شهادت مظلومانهٔ آن حضرت نشان دادند ، و مجلس یاد شده بسیار طولانی شد

پس از مراجعت به محلّ استراحت ، صدای تلفن بلند شد ، و پس از مکالمه معلوم شد که همان همسفری است که به علّت بیماری فرزندش از سفر باز ماند ، گوشی تلفن را گرفتم که احوال پرسی کنم ، گفت در اثر عنایتی ، فرزندم شفا گرفت ، شرح آن را جویا شدم ، گفت : وقتی اتوبوس زائرین از جلو منزل ما عبور کرد ، بسیار ناراحت شدم که چرا توفیق زیارت از من گرفته شد و به منزل وارد شده و به خواب رفتم ، در عالم رؤیا دیدم که غمگین نشسته ام ، شخصی آمد و سؤال کرد ، چرا ناراحتی ؟ گفتم : از فیض زیارت امام رضا علیه السلام محروم شده ام ، او گفت ناراحت نباش ، بیا تا با هم به مشهد برویم، ناگاه دیدم مقابل گنبد و بارگاه حضرت علیّ بن موسی الرّضا علیه السلام ایستاده ام ، و آن شخص اشاره نموده و فرمودند : ببین اتوبوس دوستان تو در راه است و آنها فردا به مشهد می رسند ، سلام مرا به آنها برسان و به سر دستهٔ آنها بگو : مادرم فاطمه فرمودند :

روضهٔ محسن من را بخوانید سپس از خواب بیدار شدم ، و بعد از این رؤیا حال فرزندم به صورت ناگهانی بهبود یافته است .

ص:۵۰۴

با توجّه به نشانه های روشنی که همه ملاحظه نمودند ، و وضعیّت مجلس عزاداری برای حضرت محسن علیه السلام در شبستان مسجد گوهرشاد ، و رؤیای جالبی که در اصفهان دیده شده بود، عنایت حضرت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها به مجلس معلوم گردید ، و مشخّص شد که توجّه به عزاداری بر حضرت محسن علیه السلام (که قبل از اطّلاع از خواب حاصل گردید) أمری الهامی بوده است .

۶-شفای فوری بانوئی با توسّل به ختم صلوات فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها

یکی از مهندسین متدّین و با ولایت و مورد اعتماد، جریان خانم خانواده ای را نقل نمودند ، که گرفتار بیماری ناشناخته ای گردیده بود، و درمان و داروها ، نه تنها مفید واقع نمی گردید ، بلکه روز به روز حال او بدتر می شد ، و آرزوی مرگ از خدا می کرد، و در اثر توسّل به حضرت زهراء سلام الله علیها (به وسیلهٔ ختم صلوات بر آن حضرت) مورد عنایت قرار گرفته و حضرت زهراء سلام الله علیها به دیدن او آمدند ، و در اثر آن عنایت و شفای فوری ، نه تنها عموم خانواده آنها به سوی أرزشهای دینی روی آوردند ، بلکه سه خانواده دیگر نیز (که با آنها در ارتباط بودند) و در اثر مشاهده این معجزه آشکار منقلب گردیده ، و پای بند برنامه های دینی گردیدند .

و اینک عین داستان شفا یافتن را ، به قلم آقای مهندس یاد شده (با کمی تغییر در عبارت) نقل می نمائیم .شفای خانمی که ۵۳ روز در بستر بیماری بود

خانم معلّمی که مبتلا به بیماری دیابت بود، مبتلا به درد عمومی در تمام بدن شد، و ظرف مدّت ۵۳ روز بستری شدن ، پزشکان بیماری او را تشخیص

ندادند ، و أنواع دستورات پزشکی و داروهای گوناگون مؤثّر واقع نگردید ، و خودش کاملاً از بهبودی مأیوس گردید .

یک روز به منزل او تلفن زدم ، و از همسرش جویای حال او شدم ، گفت : زندگی ما با بیماری خانم فلج شده ، و هیچ آثار بهبودی در او مشاهده نمی شود، و پزشکان هم به نتیجه ای نرسیده اند، و او همواره از درد عمومی ناله می کند ، و دیروز به من گفت : من دیگر طاقت این درد را ندارم ، و دعا کن بمیرم .

بعد از این ، شوهرش به من گفت : همسرم می خواهد با تو صحبت کند، و او گوشی تلفن را گرفت و با صدای ضعیف و با حالت اضطرار و بیچارگی گفت : آقای فلانی ، خیلی التماس دعا ، گفتم : انشاء الله ، ولی شما در این شرائط خودتان دعا کنید ، گفت : شما که می دانید من روسیاهم و از شما می خواهم برای من کاری بکنید .

بعد از خداحافظی در فکر بودم که چه کاری می توانم برای او بکنم ، ناگاه به یادم آمد که روز دوشنبه است ، و همهٔ هفته ها شام دوشنبه ، هیئت حضرت أبا الفضل علیه السلام تشکیل می شود و به نظرم رسید که در مجلس یاد شده شرکت کنم، و برای شفای او توسّل پیدا کنم .

همان شب در جلسه شرکت کردم ، و با وضو رو به قبله نشستم ، و برای طلب شفای آن خانم ، به خواندن ۵۳۰ بار ذکر صلوات بر فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها (أَللّهُمَ صَلِّ عَلى فاطِمَةَ وأبیها ...) مشغول شدم .

به خاطر این که ایّام فاطمیّه نزدیک بود ، سخنران جلسه ، آیه الله ، آقای حاج آقا حسن فقیّه امامی دامت برکاته متوسّل به حضرت زهراء سلام الله علیها شدند ، و حال و هوای معنوی مجلس بسیار عالی شد ، و مدّاحان اهل بیت علیهم السلام نیز یکی پس از

دیگری ، به حضـرت فاطمهٔ زهراء سـلام الله علیها متوسّل شدند ، و جمعیّت حاضر در مجلس (که بیش از دو هزار نفر بودند) حـالت معنوی خوبی پیـدا کردنـد، و خود من هم حـالت عجیبی پیـدا کرده بودم ، و نزدیـک به آخر مجلس بود که ۵۳۰ مرتبه صلوات بر فاطمـهٔ زهراء سـلام الله علیها به پایان رسـید ، و من آن حضـرت را به حقّ فرزندشان حضـرت أبا الفضل علیه السـلام قسم دادم ، که آن زن را شفا بدهند .

فردای آن شب به منزل آن خانم تلفن زدم ، که أحوال او را بپرسم ، خودش گوشـی تلفن را برداشت ، و با صدای رسا و بسیار شـاد و سـرحال جواب داد (در حـالی که در تمام مـدّت بیماریش ، هرگاه تلفن می زدم، یکی از بسـتگان او گوشـی را بر می داشتند)از حال و وضعیّت مزاج و درد او جویا شدم ، گفت : خیلی خوبم ، دیشب حضرت زهراء سلام الله علیها به اطاقم آمدند و شـفایم دادند ، پرسیدم شرح قضیّه چیست ؟ گفت : دیشب ساعت ۱۱ از شدّت درد و خستگی خوابیدم پس از آن ، در عالم رؤیا دیـدم که درب اطاق باز شـد، و بانوئی نورانی (سـرا پا پوشـیده) وارد شدنـد ، و در گوشهٔ اطاق رو به من ایسـتادند و در عالم خواب متوجّه شدم که حضـرت زهراء سـلام الله علیها هستند ، شوهرم را صدا زدم و گفتم : قاسم ، قاسم بلند شو حضرت زهراء سـلام الله علیها آمده اند شـفایم بدهند ، و در همین حال از خواب پریدم و متوجّه شدم که سر تا پا غرق در عرق هستم ، و دیگر احساس ناراحتی ندارم .

من به او گفتم مگر به شـما نمی گفتم خودتان دعا کنیـد ، و شـما آن قـدر قابلیّت داریـد که حضـرت زهراء سـلام الله علیها به اطاقتـان می آینـد ، در جواب گفت آقای مهنـدس ، شـما دربارهٔ نماز و حجاب مرتّب سـفارش می کردی ، و من از این به بعد تصمیم گرفته ام که در نماز و حجاب کوتاهی نکنم ، و کاملاً دستورات دینی را رعایت بنمایم .

ص:۵۰۷

هم اکنون در تاریخ ۱۳۷۵/۲/۲۹پس از گذشت مدّتی طولانی از تاریخ واقعهٔ یاد شده که پائیز ۱۳۷۳ بوده ، هیچ آثار درد و ناراحتی در آن خانم پیدا نشده ، و به هیچ پزشکی هم مراجعه نکرده ، و هیچ داروئی هم مصرف ننموده ، و به برکت این عنایت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها ، خانوادهٔ یاد شده که «کاهل الصلوه » بودند همگی نماز خوان شده ، و رعایت دستورات دینی را می نمایند ، و بسیاری از شبهای سه شنبه به مسجد مقدّس جمکران می روند، و نیز به برکت این لطف حضرت زهراء سلام الله علیها ، سه خانواده دیگر هم که با آنها در ارتباط بودند، همگی أهل طاعت و کارهای خیر و پسندیده شده اند .

نکتهٔ جالب در قضیّه یاد شده این است که ، زمان رؤیای آن خانم و تشرّف او به محضر مقدّس حضرت زهراء سلام الله علیها ساعت ۱۱/۵شب بوده ، که دقیقاً مقارن با ساعت ختم جلسه و توسّل به صلوات حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها بوده است .

۷–به خاطر حضرت زهراء سلام الله علیها امام رضا علیه السلام مهمانی می کنند

یکی از اهالی بندر عبّاس مشرّف به مشهد مقدّس و زیارت امام علیّ بن موسی الرّضا علیه السلام می شود ، در یکی از رواقهای نزدیک به حرم مطهّر می بیند یک عالم با وقار ، که دارای قیافه و هیبتی ارزشمند می باشد ، برای چند نفر از بانوان آهسته و ملایم روضه می خواند ، دیدن این صحنه برای او غیر منتظره بوده است ، و به خوبی می فهمد که ایشان از خدّام و روضه خوانهای حرم مطهّر نیستند، بلکه یکی از علماء بزرگوار می باشند ، و مرسوم نیست که چنین عالم هائی برای زائرین روضه بخوانند ، لذا صبر می کند تا برنامهٔ ایشان تمام شود و جلو می رود و پس از عرض سلام ، دربارهٔ نام و شهر و خصوصیّات ایشان سؤال می کند و می پرسد چرا شما در اینجا برای چند نفر زن روضه

می خوانیـد ؟ ایشان پس از معرّفی خود به عنوان خادمین اصـفهانی می فرمایند:اگر کسـی در حرم علیّ بن موسـی الرّضا علیه السـلام روضـهٔ مادرشان حضـرت فاطمـهٔ زهراء سـلام الله علیها را بخواند ، آن حضـرت او را مهمانی می کنند ، و من برای این چند نفر خانم که از بسـتگان من هسـتند ، به امید مهمانی امام رضا علیه السلام روضهٔ مادرشان حضرت زهراء سلام الله علیها را می خواندم .

سالها می گذرد ، همان شـخص که أهل بندرعبّاس بوده به مشهد مقدّس مشرّف می شود و می بیند در صحن و آستان مقدّس حضـرت رضـا علیه السـلام جمعیّت و ازدحام عجیبی است ، سؤال می کنـد چه خبر است ؟ می گوینـد یکی از علماء بزرگ و برجسـتهٔ اصـفهان ، مرحوم آیه الله ، حاج آقا حسـین خادمی (رئیس حوزهٔ علمیّـهٔ اصـفهان) از دنیا رفته انـد ، و جنازهٔ ایشان را برای دفن در جوار امام رضا به مشهد آورده اند ، و این جمعیّت و تشییع جنازهٔ عظیم ، مربوط به ایشان می باشد .

مرد بندرعبّاسـی ، خود را به نزدیـک محـلّ دفن مرحوم آیه الله خـادمی قـدس سِرّه می رسانـد ، می بینـد قبر ایشان دقیقاً همان جایی است که چندین سال گذشـته ، ایشان را در حال خواندن روضهٔ حضـرت زهراء سـلام الله علیها برای خشـنودی امام رضا علیه السـلام دیده است ، و ملاحظه می کند که این چنین ، حضـرت رضا علیه السلام مهمانی کرده اند، و این بزرگمرد و عالم برجسته و عظیم الشّأن را از اصفهان به سوی حرم مطهّر خود دعوت نموده و در جوار خود قرار داده اند .

۸-برنامهٔ اطعام داریم ، شما هم بمانید

ایّام فاطمیّه بود و به مناسـبت برنامه های گستردهٔ نهضت فاطمیّه بیشتر اوقات را صـرف جلسات فاطمیّه مناطق گوناگون شـهر و نواحی تابعه می نمودم ،

و روزها از أوّل أذان صبح تا ساعتی قبل از ظهر ، در منزل شخصی مجلس عزاداری گسترده برای فاطمۀ زهراء سلام الله علیها داشتیم .

در یکی از شبهای فاطمیّه أوّل ، در ضمن برنامه های پی در پی که انجام می دادم برای تهیّه وسیله ای به منزل آمدم ، و در تاریکی ، یک نفر را دیدم که پشت در ایستاده و پاکتی را به دستم داد و گفت : این مبلغ را به مصرف اطعام و نهار روضۀ منزلتان برسانید ، ولی به خاطر این که در سالهای گذشته برنامۀ اطعام عمومی نداشتیم ، خواستم جواب ردّ بدهم ، و پول را (که نمی دانستم چه مقدار است) قبول نکنم ، ولی نیروئی از درون وجود من ، مرا باز داشت ، و برخلاف نظر و اراده ام پاکت سر بستۀ پول را قبول کردم ، در حالی که دهندۀ پول را هم نمی شناختم .

مقدّمات اطعام (در آخرین روز مراسم عزاداری) فراهم شد ، یکی از چهره های برجسته در تقوی و معنویّت ، که دارای حالات شایسته ای است و مشمول عنایات خاصّی می باشد را دعوت کردم که برای نهار روز آخر حضور داشته باشد ، با شنیدن دعوت من، حالت عجیبی پیدا کرد و گفت : به من فرموده بودند : برنامۀ اطعام داریم شما هم بمانید

بندۀ کمترین که متوجّه شدم این قضیّه طبیعی و معمولی نیست ، برای دلگرمی معنوی دهندۀ پول (که فقط با شکل ظاهری و صورت او را می شناختم، و دیگر خصوصیّات او را به هیچ عنوان خبر نداشتم) او را در جریان فوق قرار دادم ، و عبارت یاد شده را به او گفتم ، که ناگاه صیحه ای زد و به زمین افتاد و از هوش رفت ، و توضیحی دربارۀ علّت صیحه زدن و بیهوش شدن خود نداد .

روز پایان مراسم عزاداری و اطعام عمومی رسید ، مجلس استثنائی بود، و هر کسی متوجّه می شد که عنایت خاصِّ ولائی بر مجلس حاکم است ، و در هنگامی که عزاداران پس از صرف نهار خارج می شدند ، سؤال می کردند این چه بوی عطری بود که از غذای امروز استشمام می شد .

تکرار سؤال ، از جانب أفراد گوناگون ، به خوبی نشان میداد که قضیّه ، طبیعی و یا احساسی تصادفی برای یک نفر نیست .

سلسله مسائل غیر طبیعی در این جریان ، برای من شدیداً سؤالی را مطرح کرده بود، که قضیّهٔ آن پول و آن اطعام (که برخلاف ارادهٔ این کمترین اتفّاق افتاد و ...) چه بوده است ، و مایل بودم که صاحب پول را ببینم و از او سؤالی بنمایم ولی نام و نشانی از او نداشتم .

تا این که یک روز در حالی که سوار اتومبیل شخصی یکی از دوستان بودم ، او را دیدم ، و از او خواستم که سوار شود، ولی هر چه خواستم از جریان آن پول بگوید ، مطلبی اظهار نکرد، متوجّه شدم مایل نیست رانندهٔ اتومبیل خبردار شود ، و لذا در گوشه ای به تنهائی از او سؤال کردم ، گفت : در ایّام فاطمیّه ، روزها در جلسهٔ عزاداری منزل شما شرکت می کردم ، تا این که یکی از روزها بعد از ظهر ، در حالت استراحت بودم (ولی بیدار بودم) صدائی شنیدم که فلان مبلغ ، برای نهار روضهٔ منزل فلانی بپرداز .

هرچه فکر کردم پولی در اختیارم نبود، و متحیّر بودم چه کنم ، و این چه صدائی بود؟ فردا صبح وقتی به محلّ کسب و تجارت رفتم ، یک نفری که از او طلب داشتم و هرچه مطالبه می کردم از پرداخت بدهی خود امتناع می کرد ، و مأیوس از او بودم، همان مبلغ را (بدون کم و زیاد) آورد و تحویل داد ، که عیناً

برای نهار جلسهٔ عزاداری و انجام آن دستور غیبی پرداختم (۱).

پس از شنیدن این جریان ، علاقهٔ بیشتری پیدا کردم به این که با حالات و درجه اعتماد و وثوق به او آشنا شوم ، و لذا با پی گیری قضیّه از بعضی از بستگان او (که مورد اعتماد هستند ، و آشنائی کامل با آنها دارم) دربارهٔ خصوصیّات و حالات او سؤال کردم ، معلوم شد او فردی معتقد و دلبستهٔ به أهل البیت علیهم السلام و علاقمند به حضرت زهراء سلام الله علیها است ، و علاوه بر این مورد، قضیّهٔ جالب دیگری هم دارد بدین شرح:

بعد از انجام وظیفه ، و پرداخت مبلغ یاد شده ، روزی در جلسهٔ عزاداری . فاطمیّه در حال بیداری کامل صدائی می شنود که : به خاطر این عمل تو ... دادیم (و در آن جمله ای که می شنود، از عنایتی بزرگ برای نسل او در آینده یاد شده ، که برخی از نشانه های روشن آن هم أکنون ظاهر شده است) .

۹-دستور حضرت زهراء سلام الله علیها به علّامهٔ امینی(کار ایشان را حل کنید)

پس از موفقیّت در برنامهٔ گستردهٔ برگزاری ۳۰۰ جشن غدیر ، و اعطای بیست هزار جایزه به کسانی که همنام أمیر المؤمنین علی علیه السلام بودند ، همراه با جمعی از یاران و دلباختگان امور فاطمیّه (که در انجام برنامهٔ یاد شده مخلصانه و با علاقهٔ شدید همکاری کرده بودند) در یک سفر معنوی و پرفیض ، به زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها در قم ، و حضرت عبد العظیم حسنی علیه السلام در ری ، و چند مزار شریف از بزرگان دین ، همانند شیخ صدوق در مزار ابن بابویه تهران مشرّف

۱- نکتهٔ بسیار مهم این است که پس از انجام برنامهٔ اطعام و پرداخت هزینه های آن ، معلوم گردید که مبلغ یاد شده کاملاً برابر با هزینه های پرداختی می باشد .

شدیم ، و نیز به دیدار برخی از مراجع تقلید و علماء بزرگوار موفّق گشتیم .

در تهران (به مناسبت موضوع سفر و اقدام در أمر غدیر) با فرزند ارشد مرحوم علّامهٔ امینی (صاحب کتاب عظیم الغدیر) یعنی حجه الإسلام و المسلمین شیخ محمّد هادی أمینی ملاقات کردیم ، و نکته های مهمّی را از محضر ایشان استفاده نمودیم ، و از جمله این که ایشان فرمودند : در دیداری با پدرم (به صورت رؤیا یا مکاشفه) خبر دادند که به زودی راه عتبات عراق باز می شود(۱) .

در این ملاقات ، فرزند علّامهٔ امینی جریان عجیبی را به این شرح نقل کردند :

بعد از رحلت پدرم (علّامهٔ امینی) شخصی بدون اجازه و هماهنگی در مورد یکی از آثار پدرم اقدامی کرد ، که به نظر من (که وصّی ایشان بودم) نمی بایست انجام می گرفت ، و لذا به دادگاه شکایت کردم و با گذشت زمان ، آن شخص از نظر قانونی گرفتار می شد ، و موفقیّت نصیب من می گردید ، و او هرچه اصرار می کرد که دست از شکایت و تعقیب قانونی بردارم ، موافقت نمی کردم، تا این که به مکّه مکرّمه مشرّف شدم ، و در یک شب ، عمرهٔ کامله ای برای پدرم (علّامهٔ أمینی) انجام دادم ، با تمام مستحبّات و آداب ، حتّی در بعضی از مراحل با پای برهنه راه را طی نمودم، پس از اتمام عمره ، در حال خستگی شدید به خواب رفتم ، در عالم رؤیا پدرم را دیدم ، ایشان به من فرمودند:

جای من خوب است ، این قدر خودت را به خاطر من به سختی نینداز ، سپس فرمودند :

چند روز پیش حضرت زهراء سلام الله علیها مرا خواستند ، و من به محضر ایشان شرفیاب شدم ، حضرت به من فرمودند : برای فلان شخص (همان کسی که از او

۱- شش ماه بعد از آن ملاقات راه عتبات عراق باز گردید .

شکایت کرده بودم) مشکلی پیش آمده ، و ایشان به ما متوسّل شده اند، کار ایشان را حل کنید ، من از خواب بیدار شدم ، و پس از بازگشت به ایران ، پرونده شکایت را پاره کردم، و آن شخص تعجّب کرد، و هنگامی که جریان خواب را برای او گفتم ، تصدیق نمود و گفت : وقتی متوجّه شدم که با اصرار خودم نمی توانم تصمیم شما را در امر شکایت عوض کنم ، به نظرم رسید که تنها راه نجات من ، توسّل به حضرت زهراء سلام الله علیها است ، و لذا متوسّل به آن حضرت شدم ، و خوشحالم که از این راه به نتیجه رسیده ام .

۱۰-من که مزدم را گرفتم

یکی از کسانی که از اوّل نهضت فاطمیّه (سال ۱۴۱۱ قمری) تا کنون ، از جان و مال و آبرو و امکانات خود در راه ترویج و حمایت از مراسم بزرگداشت شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها دریغ نکرده است ، در همان سال أوّل مشکلی داشت که با توجّه به شرائط جامعه در آن روز ، و طرف هائی که با آنها درگیر بود برطرف شدن آن غیر قابل پیش بینی بود ، از یک ماه قبل از ایّام فاطمیّه ، در آماده سازی کسانی که می توانستند در برگزاری مراسم فاطمیّه اقدام کنند . فعّالیّت چشمگیر و مستمرّی داشت ، و در دههٔ فاطمیّه أوّل (۱۱ تا ۲۰ جمادی الاولی) مجدّانه و با پشتکار ، گامهای مؤثّری برداشت .

آخرین شب از دههٔ فاطمیّه ، در یکی از جلسات عزاداری حضرت زهراء سلام الله علیها او را ملاقات کردم ، و در حالی که اشک چشمانش را گرفته بود، با حالت شورو التهاب عجیبی گفت : من که مزدم را گرفتم ، پرسیدم چگونه ؟ گفت : کسی در منزل نبود، رفتم سری بزنم و به جلسه عزاداری بیایم ، در همان هنگام صدای تلفن بلند شد ، گوشی را برداشتم از تهران زنگ می زدند ، متن حکم دادگاه را که صد

در صـد به نفع من بود قرائت کردنـد، و گفتند می خواستیم زودتر بشارت را به شـما بدهیم و حکم مکتوب را بعداً برایتان می فرستیم . سـپس افزود: اگر تا آخر عمرم برای فاطمـهٔ زهراء سـلام الله علیها قـدم بردارم و خرج کنم ، به ارزش آنچه که نصـیبم نمودند نمی رسد . او تاکنون نیز (که سال ۱۴۲۴ قمری است) در ادامهٔ برنامه های فاطمیّه کوتاهی نکرده است .

۱۱-خدایا ! این جوان به ما متوسّل شده

یکی از تجّار متـدّین و محترم و علاقمنـد به خانـدان نبوّت علیه السـلام چهل سال پیش دل درد عجیبی پیـدا می کنـد ، و ورم بسـیار شدیدی بر او عارض می شود ، و شـکم او بسیار بالا می آید ، برای معالجه از پزشکان زیادی کمک می گیرد ولی هیچ اقدام و درمانی مؤثّر واقع نمی شود .

عدّه ای از همسایگان او عازم سـفر کربلا می شوند و ایشان چندین عریضه (نامه) می نویسد برای حضـرت سـیّد الشّـهداء امام حسـین علیه السـلام و حضـرت أبا الفضل علیه السـلام و کاظمین علیهما السـلام و یک عریضه نیز برای حضرت زهراء سلام الله علیها می نویسد یکی از همسایه ها با دیدن عریضهٔ حضـرت زهراء سـلام الله علیها می گوید قبر حضـرت زهراء سـلام الله علیها که معلوم نیست کجا است ، این جمله او را ناراحت می کند و لذا با حالتی محزون و غصّه دار در پائین عریضهٔ حضـرت زهراء سلام الله علیها می نویسد : یا امام حسـین علیه السـلام اگر چه کسی از قبر مادرتان خبر نداشته باشد ، شما آگاه هستید ، پس از شما تقاضا دارم که این عریضه را به مادر تان برسانید .

همسایه ها به سفر کربلا مشرّف می شوند، و چند روزی می گذرد ، مریض نام برده ، شبی در عالم رؤیا می بیند که ، حضرت زهراء سلام الله علیها تشریف آوردند ، در حالی که تمام بدن حضرت پوشیده بود ، و بر صورت مبارکشان دو نقاب زده

بودنـد ، و دو فرزنـد کوچـک و خردسـال همراهشان بودنـد ، یکی در طرف راست و دیگری در طرف چپ ، این سه بزرگوار تشریف آوردند و روبروی مریض نشستند ، حضرت زهراء سلام الله علیها پیراهن او را بالا زدند و با این که دستهایشان پوشیده بود ، باز هم دسـتها را زیر چادر بردنـد ، و بر روی شـکم او (که ورم بسـیار داشت) قرار دادنـد ، و دست چپ را بلند کرده و فرمودند : فرزندانم من دعا می کنم ، شما آمین بگوئید ، سپس عرضه داشتند :

خـدایا این جوان به ما متوسّل شـده ، اگر عمر او تمام شده عمری دوباره به او عطا فرما، و فرزندان آن حضـرت آمین گفتند، و سپس در حالی که عقب عقب می رفتنـد چنـد مرتبه فرمودنـد : تو خوب شدی تو خوب شدی تو خوب شدی و هم أکنون که چهل سال از این جریان و عنایت بزرگ می گذرد آن عارضه دیگر تکرار نشده است .

۱۲-اتّفاقاً اینجا را مادرم حضرت زهراء سلام الله علیها سفارش کرده اند

یکی از مردان مورد وثوق ، و دل بسـتگان به فاطمـهٔ زهراء سـلام الله علیهـا در اثر تصادف ، چنـد جای بـدنش ، هماننـد پهلو و قفسهٔ سینه ، ضربات سختی می بیند، تا آنجا که نشستن و برخاستن برایش مشکل می شود، و برای جابجا شدن و برخاستن چند نفر باید به او کمک بدهند ، و به خاطر شکستگی قفسهٔ سینه ، نفس کشیدن نیز برای او مشکل می شود ، او می گوید:

در چنین حـالی به یـاد مصیبت هـای حضـرت زهراء سـلام الله علیهـا افتادم ، و با اشک و گریـهٔ فراوان ، به ظالمین و قاتلین آن حضـرت لعن و نفرین می کردم ، و ضـمناً شـفای خود را نیز می طلبیـدم ، تـا آنکه شبی در عـالم رؤیا دیـدم ، که گروهی پنج نفری (که یکی از آنها مقام بالاتری داشتند و در پیشاپیش گروه حرکت

می کردنـد) به عیادت بیماران می رفتنـد ، و من در خیمه ای خوابیـده بودم، وقتی به خیمـۀ من رسـیدند آن بزرگواری که در جلـو حرکت می کردنـد ، رو به دیگران کرده و فرمودنـد : بایـد اینجـا هم برای ملاقـات برویم ، ولی آن نفرات دیگر ، عرضـه داشتند : نه ، اسم او در لیست ما نیست ، ولی آن بزرگواری که مقدّم بر همه بودند ، فرمودند :

اتّفاقاً ، اینجا را مادرم حضـرت زهراء سـلام الله علیها سفارش کرده اند سپس وارد خیمه شدند ، و در کنار بستر من نشستند ، و در حالی که من خوابیده بودم دست مبارکشان را بر آن قسـمتهائی از بدنم که درد می کرد (از جمله پهلو و سـینه ام) مالیدند و فرمودنـد : خوب شـد ، من عرض کردم پشت و کتفم نیز درد می کنـد ، فرمودنـد طوری نیست ، گفتم : چرا درد می کنـد ، فرمودند :

و اشـکالی نـدارد، بایـد درد کنـد تا لعن یادت نرود از خواب بیـدار شدم ، به رسم هر روز نماز صـبح را نشسـته خواندم ، ولی ناگاه متوجّه شدم که می توانم ایستاده نماز بخوانم ، لذا مجدّداً نماز صبح را ایستاده خواندم ، و در آن أیّام (که ماه صفر بود) و در همسـایگی مـا مجلس روضه برقرار بود ، از منزل خـارج شـدم که به مجلس عزاداری بروم ، همسایه ها و هر کس مرا می دیـد و خبر از حـال و وضـعیّت من داشت تعجّب می کرد که چگونه توانسـته ام از منزل خـارج شوم . از آن روز به بعـد ، تمام دردهای بدنم برطرف شده ، به جز کتف و شانه ام که گاهی درد می گیرد ، و من هم طبق دستور آن بزرگوار لعن بر قاتلین و ضاربین حضـرت زهراء سـلام الله علیها را فراموش نکرده ام ، و همه روزه یکصد مرتبه لعن بر دشـمنان و سـتمگران بر حضرت زهراء سلام الله علیها می فرستم . در حال حاضر (بهار ۱۳۸۲ شمسی) از این قضیّه چهار سال می گذرد .

۱۳–عنایت أمیر المؤمنین و حضرت زهراء سلام الله علیها

یکی از خطبای فعّال و دلسوز در راه أهل البیت علیهم السلام داستان جالب و آموزنده ای را از کرامت و عنایت مولی علی علیه السلام و حضرت زهراء سلام الله علیها که برای خودشان اتّفاق افتاده نقل نموده اند ، که ذیلاً با کمی تلخیص نقل می نمائیم .

ضمن رفت و آمدهای مکرّر به جزیرهٔ قشم ، گاهی توقّف بیشتری در آن جزیره داشتم ، خصوصاً در سال ۱۳۶۶ شمسی ، که به أمر مرحوم آیه الله العظمی ، آقای گلپایگانی قدس سِرُّه چند ماه متوالی در آن جزیره به اقامهٔ جماعت و تبلیغ اشتغال داشتم . مدّتی بود کمردردی پیدا کرده بودم و پزشکان و متخصّصان پس از مداواهای معمولی و آزمایشات ، از معالجهٔ آن (بدون جرّاحی) اظهار عجز کردند، و من ناگریز بودم قبل از خواب موزائیکی را گرم کنم و دور آن را با پارچه پیچیده ، زیر کمرم بگذارم) تا بتوانم با تخفیف درد آن بخوابم . پیداست تحمّل شیئی در زیر کمر در هنگام خواب ، جز در خواب های عمیق شبیه بیهوشی ممکن نیست ، به خصوص در هوای گرم قشم آن هم در فصل تابستان .

لازم به تذّکر است که چون تعداد شیعیان قشم کمتر از أهل تسنّن است شیعیان در بعضی از جهات و شعائر مذهبی ، ملاحظاتی داشتند ، خصوصاً که گاهی ملاحظات خویشاوندی هم در بینشان بود .

نزدیک ایّام فاطمیّه بود ، من به دوستان گفتم خوب است در مسجد صاحب الزّمان علیه السلام روز شهادت آن بانوی بزرگوار را اعلام عزا کنیم ، و مراسمی به این مناسبت داشته باشیم ، گفتند : ممکن است أهل تسنّن مانع شوند، و نزاعی پیش آید، گفتم : من به ذکر مناقبی چند از خصوصیّات و فضایل آن دخت والای

پیغمبر سلام الله علیها می پردازم ، به طوری که حسّاسیّتی به وجود نیاید ، گفتند : همین مقدار را هم نمی گذارند ، گفتم : اطّلاعیّه ای می نویسیم و در چند مسجد و نقطه پرجمعیّت نصب می کنیم ، اگر سر و صدا راه انداختند متوقّف می کنیم ، پس از اعلام خبری نشد ، لذا مجلس عزا را بر پا کردیم .

و از طرف دیگر، چند روز قبل از این جریان ، در روزنامهٔ کیهان دو بیت شعر (از کسی که ادّعا کرده بود اگر کسی مثل آن دو بیت را بگوید همهٔ هستی خود را به او می دهد و آدرس هم داده بود) را دیده بودم ، خواستم جواب او را بدهم ، ولی فکر کردم به خاطر این که أیّام متعلّق به حضرت زهراء سلام الله علیها است ، خوب است شعری با همان وزن و قافیه در شأن آن بزرگوار بگویم ، و وقت گرانبهایم را صرف به هم بافتن کلمات و لغات نکنم ، و أشعاری را سرودم و مجلس عزا نیز برپا شد ، بالای منبر رفتم و مطالبی در فضایل آن بانوی گرانقدر به زبان آوردم ، جمعیّت هم زیاد آمده بود و به هر حال عزاداری خوبی شد ، و سر و صدا هم راه نیفتاد ، روز بعد هم عازم اصفهان بودم .

شب در عالم خواب دیدم که ، در اصفهان هستم و نزدیک دبستان دخترانهٔ فاطمیّه (که خود مؤسّس آن بودم) قرار دارم ، ناگهان صدای مناجاتی با صوت بسیار زیبای عربی از آن مدرسه به گوشم رسید ، بسیار تعجّب کردم که در مدرسه دخترانه ، مرد چه می کند ؟ و این چه صدایی است که می شنوم ؟ وارد مدرسه شدم دیدم کسی در مدرسه نیست ، و صدا از داخل دفتر است ، دفتر مدرسه یک پلّه داشت ، پا روی پلّه گذاشتم ، دیدم در دفتر ، میز و صندلی وجود ندارد، ولی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهراء سلام الله علیها هر دو بزرگوار روی فرش ، مقابل هم ، پشت به دیوار نشسته اند، و أمیرالمؤمنین علیه السلام مشغول

مناجات هستند ، سلام کردم و جواب شنیدم ، آنگاه مؤدّب و دو زانو دم در نشستم ، و به نظرم می رسد سؤالی هم از آقا نمودم ، و آن حضرت جواب دادند ، ولی چون که ابهّت آن مجلس مرا گرفته بود، دست به سینه گذارده ، خداحافظی کردم و بیرون آمدم ، ولی هرچه از دفتر مدرسه دور می شدم صدای آن حضرت در گوشم ضعیف نمی شد ، عیناً مثل وقتی که در محضر مقدّسشان بودم .

وقتی بیدار شدم دیگر احساس درد نکردم ، و از آن تاریخ (شهریور ۱۳۵۶) تاکنون (اسفند ماه ۱۳۸۱) دیگر آن عارضه به سراغم نیامده است .

أمّا آن دو بیتی که در روزنامهٔ کیهان درج شده بود، و شاعرش هستی خود را برای آورندهٔ همانند آن ، به عنوان جایزه معیّن کرده بود این است :

نسیم تا سر زلف نگار می شکند

ز قلب عاشق بی دل ، قرار می شکند

صفای گلشن . و صحرا و سوسنستان را

شمیم پیرهن گلعذار ، می شکند

و أشعاری را که من در شأن حضرت زهراء سلام الله علیها در جواب او گفتم : از این قرار می باشد (۱).

صفای مهر تو لطف بهار می شکند

به جان ، کلام تو لحن هزار می شکند

فرشته سان چو خرامد به بوستان عفاف

بها ، ز سرو و گل آن گلعذار می شکند

شراب صافی سرچشمهٔ فضائل او

از طالبان فضیلت خُمار می شکند

۱- از مجموعهٔ آن أشعار مفصّل ، فقط ۱۵ بیت را نقل می نمائیم .

جلال فاطمه بین کز برای تعظیمش

کمر زقامت لیل ونهار می شکند

برای بوسهٔ درگاه عزّتش خورشید

ز گردش از فلک خود مدار می شکند

جلال فضّهٔ او عرضه گر شود به جهان

شکوه نه فلک زرنگار می شکند

بتول ، زوجهٔ آن شیر حق که گاه نبرد

صف عدو به دم ذوالفقار می شکند

نگر جلال و مقامش به سورهٔ کوثر

که طعنی طعنه زن بد شعار می شکند

خطاب أمّ أبیها به او زختم رسل

شکوه هر لقب از روزگار می شکند

جلال لؤلؤ ومرجان بحرعزّت او

ابهّت و عظمت ، از بحار می شکند

چو بود نطفهٔ زهرا به صلب ابراهیم

از آن خلیل خداحَرَّنار می شکند

زبیت فاطمه غم برد روشنائی را

چنان ضیاء که لیل از نهار می شکند

دل از حسین و حسن چون شکست از غم مام

زعرش أعظم حق ، گوشوار می شکند

گرفت سینهٔ شیر خدا ، که مرگ بتول

مصیبتی است که صبر و قرار می شکند

نماند قدرت « فیروزیان » به شرح غمی

که ذوق می برد و ، ابتکار می شکند

۱۴-امام زمان علیه السلام با نام مادرشان فاطمه سلام الله علیها عنایت می کنند

مرحوم آیه الله ، سیّد محمّد حسن میرجهانی متوفّای ایّام فاطمیّه ۱۴۱۳ قمری (که از علماء مبرّز اصفهان ، و دارای تألیفات فراوان بودند ، و در أمر حضرت زهراء سلام الله علیها و حضرت بقیّه الله الأعظم عجّل الله فرجه بسیار جدّی و فعّال بودند) مورد عنایت حضرت بقیّه الله الأعظم با نام فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها قرار می گیرند ، که جریان آن را عیناً از کتاب کرامات الصّالحین نقل می نمائیم .

مدّتها بود که به پادرد شدیدی گرفتار شده ، و با همهٔ تلاش و کوشش و مراجعه به پزشکان جدید و اطبّای قدیم ، راه به جایی نبرده، و از فشار بیماری نقرس و سیاتیک (که آن روزها « عرق النساء » نام داشت) دیگر جانم به لب رسیده بود . روزی برخی از دوستان نزدم آمدند و مرا به شیروان خراسان بردند و به هنگام بازگشت بود که در قوچان توقّف نموده ، و به زیارت امامزاده ابراهیم علیه السلام

در خارج از شهر قوچان رفتیم و از آنجایی که هوائی لطیف و منظرهٔ جالبی داشت ، دوستان پیشنهاد کردند که آن روز نهار را در آنجا بمانیم و اینجانب هم پذیرفتم . آنان مشغول تهیّه غذا شدند و من برای تجدید وضو به سوی رودخانه ای که از نزدیک امامزاده می گذشت رفتم .

فاصله تا رودخانه برای من زیاد بود ، اما آهسته آهسته خود را تا آنجا کشیدم ، و تجدید وضو نمودم، و در کنار رودخانه نشسته و به تماشای مناظر

ص:۵۲۲

زیبا و دل انگیز طبیعت پرداختم .

ناگـاه دیـدم فردی به ظاهر عادی (که در لباس چوپانان منطقه به نظر می رسـیدند) به سویم آمدنـد ، و پس از سـلام ، همانند دوستی بسـیار نزدیک گفتند : فلانی شـما هستید ؟ گفتم : آری ، شما ؟ گفتند : با این که اهل دعا و دوا هستی هنوز پای خود را معالجه نکرده ای ؟ گفتم : تاکنون که نشده است ، پرسیدند : دوست داری درد پا و بیماریت را معالجه کنم ؟ گفتم چرا که نه ؟ نزدیکتر آمدنـد و در کنـار من نشسـتند ، و از جیب خود چـاقوی کوچکی بیرون آوردنـد ، و بـا به زبـان آوردن نام مادرم فاطمه ، نوک چاقو را بر أوّل نقطـهٔ درد نهادنـد ، و تا پشت پا و انتهای موضع درد کشـیدند و فشار دادنـد ، از شدّت درد کمی فریاد کشـیدم و گفتم : آخ ، چاقو را برداشتند و گفتند : خوب شدی ، برخیز، به پا خاستم و دست به عصا بردم که مثل همیشه با عصا حرکت کنم ، که ایشان عصا را از من گرفتنـد و به آن سوی رودخانه افکندنـد ، به خود آمـدم دیدم عجب گویی پایم سالم است و هیـچ اثری از درد نیست ، پرسـیدم : شـما اینجا چه می کنیـد ؟ با اشاره به أطراف ، فرمودند : من در همین قلعه ها هسـتم ، گفتم : پس من کجا می توانم شما را ببینم ؟ فرمودند : تو آدرس مرا نخواهی دانست ، أمّا من آدرس شما و منزلتان را می دانم کجـاست ، و درست و دقیق بـاز گفتنـد ، و فرمودنـد: هرگاه مقتضـی باشـد نزد شـما خواهم آمـد، و آنگاه از من دور شدند .

در همین گیر و دار دوسـتان از راه رسیدند و گفتند : پس عصایت کو ؟ گفتم : آقا را دریابید ! أمّا هر چه جستجو کردند اثری از آقا نیافتند (۱) .

ص:۵۲۳

۱- کرامات الصّالحین ، صفحهٔ ۱۱۴ - ۱۱۵

۱۵–دستور و عنایت حضرت زهراء سلام الله علیها به آیه الله العظمی گلپایگانی

از هفتاد سال قبل ، توسّل مرجع عالیقدر شیعه ، مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج سیّد محمّد رضا گلپایگانی قدس سِرُّه متوفّای ۱۴۱۴ قمری ، به ذیل عنایت حضرت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها بر اساس دستور آن حضرت آغاز گردید .

جریان از این قرار است که ، در عالم رؤیا بی بی دو عالم حضرت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها به ایشان أمر فرمودند : که آقای « عیون » روضه بخوانند ، و مبلغی نیز برای این امر معیّن فرمودند . آقای « عیون » که از دوستان و شیفتگان خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام بودند، کار را شروع کردند و بحمد الله تاکنون نیز ادامه دارد، و در هر زمان وعّاظ نامدار و بزرگواری افاضه می نموده اند (۱).

جالب است که در عزاداری عاشورای حسینی امسال (۱۴۲۴ قمری) روز آخر مجلس (که سیزدهم محرّم الحرام بوده است) دو رؤیای بشارت دهنده نقل گردیده که ذیلاً ذکر می نمائیم :

الف – یکی از وابستگان به بیت شریف مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج سیّد أحمد خوانساری قدس سِرُّه متوفّای ۱۴۰۵، در عالم رؤیا می بیند که پاکت های زیادی آماده شده است در اطاق شخصی مرحوم آیه الله العظمی ، آقای گلپایگانی قدس سِرُّه شخص خواب بیننده می خواسته به پاکتها دست بزند ، بانوی سیّده ای که به نام فاطمه است ، و از بیت یکی از مراجع معظّم تقلید می باشد ، می گوید : دست نزنید این پاکتها را مرّتب کرده ایم برای آنهائی که در این مجلس روضه خوانده اند ، و ذکر مصائب أهل بیت علیهم السلام نموده اند .

۱– مجلّهٔ خورشید مکّه ، شمارهٔ ۵، صفحهٔ ۱۸ ، جمادی الأولی و جمادی الثّانیه ۱۴۲۳

ب – شخص دیگری نیز در عالم رؤیا می بیند که ، در اطاقی که مخصوص آیه الله العظمی گلپایگانی و همسرشان (که به نام فاطمه بوده) (۱) خانم مجلّله ای نیز حضور داشته انـد (که ایشان هم به نام فاطمه بوده انـد) و قواره های پارچه های نو برای مستمعین و شرکت کنندگان در مجلس روضه و عزاداری بیت آیه الله العظمی گلپایگانی قدس سِرُّه آماده شده بوده است .

۱۶–یا فاطمهٔ زهراء ! آیا شما هم جواب ردّ می دهید

یکی از طلّاب فاضل و شایسته و پای بند به ارزشهای دینی و مکتب أهل البیت علیهم السلام و از کسانی که از اوّلین سال شروع نهضت فاطمیّه برنامهٔ عزاداری و مراسم بزرگداشت شهادت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها را در منطقهٔ خودشان با علاقه و جدیّت تمام به اجراء در آورده ، و بیت الزّهراء سلام الله علیها جالب و قابل توجّهی هم تأسیس نموده است ، هفت سال از ازدواج او گذشته ، و فرزندی نصیبش نگردیده بود، و معالجات معمولی هم به ثمر نرسیده بود، و در نهایت ، تصمیم گرفته بود که به شهر یزد برود، و در مرکز پزشکی مهمّی که برای درمان ناباروری تأسیس شده به معالجه بپردازد، و در آن مرکز ، تمامی مراحل درمانی ممکن را طی می کند ، و همهٔ راههای طبّی که احتمال داده می شده مؤثّر واقع شود می پیماید ، و در آخرین نوبت مراجعه ، پزشک متخصّص که تمامی برنامه ها را

۱– از نکات جالب این است که مرحوم آیه الله العظمی آقای گلپایگانی قدس سِرُّه تمام دختران خود را با اسماء و ألقاب حضرت زهراء سلام الله علیها نام گذاری نموده اند ، و به دنبال آن، فرزندان ایشان نیز دخترانشان را با نامها و ألقاب آن حضرت نامیده اند ، بنابراین دختران و نوه ها ونتیجه های ایشان به نامهای : فاطمه ، زهراء ، صدّیقه ، بتول، عذراء ، حوراء، طیّبه ، رضیّه ، زکیّه ، مرضیّه و ... می باشند .

کنترل و اقدام می نموده ، با یک جلسه گفتگوی مفصّل با ایشان ، سعی می کند به ایشان روحیّه بدهد و ایشان را قانع کند که خود را از نظر روحی برای نداشتن فرزنـد آماده سازد ، و با صـراحت جواب قطعی و مایوس کننـده ای را به ایشان می دهـد و می گوید : دیگر هیچ اقدامی نکنید که فائده ندارد .

این طلبه و روحانی خـدمت گـذار به آسـتان مقـدّس حضـرت زهراء سـلام الله علیها با چشم گریان و دل مأیوس (از معالجات طبّی و وسائل پیشـرفتهٔ پزشـکی) از شهر یزد عازم اصفهان می شود ، و در تمامی راه با اشک جاری به بانوی دو عالم حضرت زهراء سلام الله علیها عرضه می دارد که ، آیا شما هم جواب رد میدهید ؟

به خانه و زندگی خودش در اصـفهان بر می گردد و زمانی زیادی نمی گذرد که علائم حمل در همسرش می یابد، و با لطف و عنایت حضـرت زهراء سـلام الله علیها فرزنـدی سالم پیـدا می کنـد و آثار کرامت و عظمت حضـرت را در زندگی خود ، به روشنی و به نحو شگفتی آفرین در می یابد .

۱۷-هرکس از حضرت زهراء سلام الله علیها دفاع کند ما او را بلند می کنیم

در سـال ۱۴۱۶ قمری ، برای آمـاده سـازی روحـانیّت و هیئـات مـذهبی و عمـوم مردم اسـتان فـارس برای برگزاری مراسـم بزرگداشت شـهادت حضـرت زهراء سـلام الله علیها و احیاء فاطمیّه ، با جمعی از دلدادگان به مقام و عظمت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها به شـهرهای : آباده ، اقلیـد ، دهبیـد ، مرودشت ، شـیراز مسافرت نمودیم ، و در هر کدام از شـهرهای یاد شده ، برنامه های مفصّل و جالبی انجام گردیـد ، که با اسـتقبال مخلصانهٔ مردم و علماء و دست اندرکاران امور دینی مساجد و حسـیتّیه ها و محافل مذهبی شهرها مواجه گردید .

در شیراز ، شب جمعه ای به مسجد الرّسول صَلَّی الله عَلَیهِ واله (که از مساجد جدید التّأسیس و با شکوه می باشد ، و در محلّهٔ قصر الدّشت که از قسمت های مهم شیراز می باشد واقع شده ، و به امامت آیه الله حدائق شیرازی دام عزّه ، برنامه های دینی منظّم و آبرومند و جالب توجّهی دارد) رفتیم ، و به ایشان عرضه داشتیم که برنامه ای داریم برای توجّه دادن مردم به احیاء أمر فاطمیّه و بزرگداشت شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها ، ایشان فرمودند : با این که شبهای جمعه برنامهٔ دعای کمیل داریم و مدّاح مخصوص و مشهوری را دعوت کرده ایم ، ولی ، امر حضرت زهراء سلام الله علیها مقدّم است ، و ما پس از نماز مغرب و عشاء مجلس را در اختیار شما می گذاریم .

پس از اقامهٔ نماز جماعت ، برنامهٔ فاطمیّه را شروع کردیم ، و با ارائهٔ نمونه های فراوان از پرچمها و پوسترهای فاطمیّه ، و توضیح دربارهٔ محتوی و أهداف و تأثیرات معنوی و تبلیغی هر کدام ، و لزوم اقدام هر یک از مردم برای دفاع از حریم شخصیّت و مظلومیّت حضرت زهراء سلام الله علیها ، آن چنان حالت معنوی و شور و سوز عجیبی در مسجد پیدا شد که همه را منقلب و آمادهٔ هر نوع فداکاری نمود .

جمعیّت نمازگزار مسجد که بیشتر از طبقات تحصیل کرده و دارای شخصیّت اجتماعی بودند ، و زن و مرد آنها از فرهنگ و تربیت و شخصیّت ممتازی برخوردار بودند، در تمام مدّت برنامه که نزدیک به سه ساعت به طول انجامید، نه تنها در حال استماع و توجّه بودند ، بلکه هیچگاه اشک چشم آنها در تمام مدّت برنامه قطع نگردید، و با یک انقلاب معنوی در دل و جانشان ، به شنیدن و دل دادن و تصمیم گیری درونی برای تلاش ممکن در أمر دفاع از مظلومیّت

فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها مشغول بودند .

پس از اتمام توضیحات ، و تشریح گوشه هائی از مظلومیّت و عظمت شخصیّت و شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها مقدار بسیار زیادی از دهها نوع پوستر در اختیار حاضرین (که در تمامی شبستان و بالکن و حیاط مسجد نشسته بودند) قرار داده شد، و کسانی که در دانشگاهها یا مدارس و دبیرستانها و یا ادارات و اماکن عمومی نقشی داشتند ، برای هر کدام از آن مراکز ، مقدار زیادی از پوستر های متنوّع گرفتند ، که در آن محیط ها آمادگی ایجاد کنند ، و قدم مؤثّری برای احیای فاطمیّه بردارند .

پس از اتمام برنامه ، حضرت آیه الله حدائق میکروفن را گرفتند ، و سخنان مهیّج و استثنائی در عظمت برنامه یاد شده بیان کردند و فرمودند:

اگرامشب دعای کمیل می خواندیم ، ما دعا کرده بودیم ، ولی هم اکنون که این جلسه بزرگ در دفاع از حق حضرت زهراء سلام الله علیها برگزار گردید ، حضرت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها به ما دعا می کنند ، و دعای حضرت زهراء سلام الله علیها هزار بار بالاتر از دعائی است که ما بکنیم . و با این قبیل کلمات مهیّج و مخلصانه که بیان نمودند ، حمایتی بی دریغ نسبت به برنامه های فاطمیّه از خود نشان دادند .

پس از پایان مجلس به حسینیّه بزرگی که در دروازهٔ کازرون می باشد رفتیم، و جمع اصفهانی با عدّه ای از وابستگان به آن حسینیّه ، یک عزاداری به یاد ماندنی و پر شور و معنوی انجام دادیم ، سپس مؤسّس حسینیّه (که یکی از مردان نیکوکار و دلباختهٔ أهل البیت بود) داستانی را در مورد موفقیّت در امر تأسیس چنین حسینیّه ای تشریح نمود:

در شیراز شخصی بود در لباس روحانیّت ، و منبر می رفت ، و انحرافات فکری و اعتقادی داشت ، و نسبت به مقام شامخ و مقدّس أهل البیت علیهم السلام بی احترامی و اهانت می نمود ، و بالأخص در ایّام شهادت ها أفکار انحرافی خود را ترویج می کرد ، یک وقتی در ایّام شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها تصمیم گرفتم که به جلسهٔ او و پیروانش بروم ، که اگر سخنی نامناسب و ناروا گفت ، با او به مبارزه و مقابله بپردازم ، اگر چه کتک بخورم و مشکلاتی برایم حاصل شود .

به جلسهٔ سخنرانی او رفتم، و از قضا در آن مجلس ، وی صحبتی برخلاف شئون أهل البیت و حضرت زهراء سلام الله علیها به میان نیاورد و جلسه تمام شد ، شب بعد در عالم خواب صدائی شنیدم که گفت :

هرکس از حضرت زهراء سلام الله علیها دفاع کند ما او را بلند می کنیم بعد از این جریان بود که به شکل معجزه آسائی موفّق شدم این حسینیّهٔ بزرگ و با عظمت را تأسیس و تکمیل نمایم .

۱۸-بگو مصیبت مادرم فاطمه را بخواند

یکی از اولیاء خدا در مشهد مقدّس شبی در عالم رؤیا می بیند که ، جنازه ای را در حرم مطهّر حضرت رضا علیه السلام آوردند ، و خود حضرت تا دم در ، به استقبال جنازه تشریف آوردند ، او از همراهان جنازه سؤال می کند این جنازه از کیست ؟ آنها در جواب می گویند : آقای درچه ای است، و از اصفهان است ، و در مشهد فوت شده است ، او در عالم رؤیا می بیند ، در هنگامی که جنازه را در اطراف

ضریح حضـرت رضا علیه السلام طواف دادند (۱) و بالای سـر مطهّر قرار دادند ، حضـرت رضا فرمودند : به فلانی بگو زیارت مرا برای این جنـازه بخوانـد ، زیارت امین الله خوانـده شـد، وقتی خواسـتند جنازه را ببرنـد ، حضـرت اشاره به محلّی نمودنـد و فرمودند : اینجا جنازه را به زمین بگذارید و فرش حرم را جمع کنید و بر روی جنازه بتکانید ، تا غبار فرش حرم من تمام جنازه را بگیرد، و همه دسـتورات آن حضـرت اجراء گردیـد ، سـپس جنـازه را از حرم مطهّر بیرون آوردنـد ، و حضـرت نیز تشـریف آوردند و دستور دادند که جنازه را پشت پنجره فولاد به زمین بگذارید و فرمودند :

و به این مرشد بگوئید روضه مادرم زهرا سـلام الله علیها را بخواند سپس جنازه را حرکت دادند و حضرت رضا علیه السلام آن را بدرقه کردند .

یـک ماه از جریان رؤیای عجیب و سرتاسـر عنایت گـذشت ، تا این که روزی همین شخصیّت یاد شـده و صاحب رؤیا ، وارد صحن مطهّر می شود و ملاحظه می کنـد همان جنازه و همان همراهان و تشـییع کننـدگان هسـتند، سؤال می کنـد این جنازه از کیست ؟ می گوینـد : یکی از علماء اصـفهان است به نام آقای درچه ای که برای زیارت به مشـهد مشـرّف شـده و فوت شـده است ، آن بزرگمرد، بـا توجّه به رؤیـائی که قبلاً دیـده بودنـد ، دنبال جنازه حرکت می کننـد ، و وارد حرم مطهّر می شونـد و صـدای حضـرت رضـا را می شـنود که می فرماینـد : خوش آمـدی ، و در هنگـامی که جنازه را در بالای سـر مطهّر آوردنـد ، حضرت فرمودند : بگوئید زیارت من را بخوانند و زیارت خوانده شد ، جنازه را حرکت دادند در نزدیکی

۱- در آن زمان ، جمعیّت زائرین به اندازه امروز نبوده ، و می توانستند جنازه را طواف بدهند

در حرم ، حضرت فرمودند : جنازه را به زمین بگذارید ، و غبار فرش حرم را بر او بتکانید ، و سپس جنازه را پشت پنجره فولاد آوردند ، باز صدای حضرت را می شنود که می فرمایند : بگوئید مصیبت مادرم فاطمه را بخوانند .

و در یک کلام، تمام آنچه را در عالم رؤیا ، در یک ماه قبل دیده بود، در عالم بیداری هم می بیند ، جز آنکه در بیداری شخص حضرت رضا علیه السلام را نمی دیده ولی صدای آن حضرت را می شنیده است .

در این جریان نکات بسیاری هست از عنایت حضرت رضا علیه السلام به زائر خودشان ، و تأثیر غبار حرم مطهّر و بالأخص ذکر مصیبت حضرت زهراء سلام الله علیها و نشانه های موجود در این رؤیا ، آن را از حدّ رؤیای صادقانه فراتر می برد ، و در مرز معجزه و کرامتی بزرگ از امام علیّ بن موسی الرّضا علیه السلام قرار می دهد .

۱۹-چرا به حضرت زهراء سلام الله علیها توسّل پیدا نمی کنی ؟

یکی از خطباء عالیقدر که در راه خدمت به خاندان رسالت علیهم السلام و فعّالیّت های تبلیغی (زبانی و عملی) دارای سابقهٔ طولانی می باشد ، نقل می نماید :

زن و شوهری از نزدیکان من در ابتدای ازدواج ، اتاقی در منزل بسیار کوچکی در قم اجاره کرده بودند ، صاحب خانه آنها که شخص مستضعفی بود و آن خانه را با زحمت و قرض بسیار ساخته بود، اجازه نمی داد که از آب لوله کشی که تازه انجام شده بود (حتّی برای وضوء) استفاده نمایند ، به همین علّت این زن و شوهر مجبور بودند که برای وضوء و دستشویی و شستن لباس از جوی آب بیرون منزل استفاده کنند ، که آن هم همیشه جریان نداشت .

گرچه این نحو زندگی مشکل است ، ولی زندگی طلبگی (به خصوص أوائل

آن) همیشه با مشکلات بسیاری توأم می باشد ، که جز با صبر و تحمّل و قناعت طی نمی شود .

مرحوم حجّه الإسلام و المسلمین ، حاج شیخ عباسعلی اسلامی قدس سِرُّه که از محارم آن بانو بودند ، شبی در قم در آن اتاق به سر بردند ، هنگام صبح که برای وضوء به حیاط رفتند ، در بازگشت به اتاق بسیار ناراحت بودند ، چون به محض این که شیر آب را برای وضوء باز کرده بودند ، زن صاحب خانه شروع کرده بود به غُرو لُند کردن ، آقای اسلامی که از این برخورد ناراحت شده بودند با عصبانیّت به بانوی مستأجره گفتند :

چرا به حضرت زهراء سلام الله علیها توسّل پیدا نمی کنی ؟ و چرا نماز توسّل به آن بزرگوار را نمی خوانی ، و خانه ای مستقل از آن حضرت نمی خواهی ؟ آن خانم گفت : من نماز حضرت زهراء سلام الله علیها را خواندم و با چشم گریان منزلی از آن بانوی بزرگوار خواستم ، شب در عالم خواب دیدم شخصی درب منزل صدا میزند : کسی می خواهد خانه بخرد؟ من در عالم خواب گفتم : بله ، من میخواهم ، شوهرم گفت : من طلبه ای بیش نیستم از کجا قادر به خرید خانه هستم ، گفتم : حالا برویم خانه را ببینیم ، با اصرار من حرکت کردیم ، کوچه هایی را یکی پس از دیگری طی کردیم ، رسیدیم به کوچه ای که شوهرم منزلی را نشان داد و گفت : این جا منزل فلان مرجع بزرگ است ، پس به درب منزلی رسیدیم ، آن راهنما در زد، مردی که پارچهٔ سیاهی به عنوان علامت سیادت بر سر داشت در را باز کرد، ما از پلّه پائین آمدیم ، حیاطی کوچک بود که دو اتاق پائین و دو اتاق بالا داشت ، در همین هنگام از خواب بیدار شدم .

صبح شد ، هنوز همسرم از خانه بیرون نرفته بود که دیدم کسی صدا میزند :

کسی در این جا قصد خرید منزل دارد؟ من نگاه کردم دیدم همان قیافه ای است که در خواب دیدم ، به شوهرم گفتم : برخیز برویم که حضرت زهراء سلام الله علیها گویا عنایتی فرموده اند ، جواب او همان سخن دربارهٔ عدم توانایی مالی بود که در خواب از او شنیده بودم ، من به او گفتم : حالا دیدن منزل که اشکال ندارد ، حرکت کردیم ، مسیر راه به همان صورت بود که در خواب دیدم ، همان کوچه را طی کردیم و به منزل آن مرجع بزرگوار رسیدیم ، در کوچه های بعد ، به منزل همان سیّد که در خواب دیده بودم وارد شدیم ، خانه را قولنامه کردیم و به تدریج پول آن پرداخت شد ، و بحمد الله صاحب خانه شدیم .

گر نگاهی به ما کند زهرا

دردها را دوا کند زهرا

کم نخواه از عنایت و کرمش

کانچه خواهی عطا کند زهرا

۲۰-فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها به منزل ذریّهٔ خود تشریف می آورند

مرحوم پدرم ، آیه الله ، حاج سیّد مرتضی موحّد ابطحی قدس سِرُّه (متوفّای أیّام فاطمیّه ۱۴۱۳ قمری) می فرمودند :

شبهائی که فردای آن مناسبتی با یکی از میلادها و یا شهادتهای معصومین علیهم السلام داشت (گرچه بنابر قول یا روایتی باشد) حتماً و بدون استثناء خوابی می دیدم ، که در آن بشارتی و یا هدایتی و نکته ای بود، و چه بسا وقتی بیدار می شدم ، و متوجّه می گشتم که خوابی دیده ام ، و به نظرم می رسید که فردا خبری نیست ، و ارتباط خاصّی با خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام ندارد، وقتی به کتابهای حدیث و تاریخ مراجعه می نمودم ، ملاحظه می کردم که طبق روایتی و یا قولی در آن روز ، میلاد یا شهادت یکی از خاندان رسالت طول می باشد .

ایشان می فرمودند : در یکی از چنین شبهائی ، در عالم خواب خبر آوردند

ص:۵۳۳

که حضرت زهراء سلام الله علیها تشریف می آورند، و ناگاه متوجّه شدم که ایشان با دو نفر بانوی دیگر ، که همراهشان بودند ، و من آنهـا را نشـناختم، تشـریف آوردنـد ، و در اطـاق مهمانخـانه نشسـتند ، ولی آن حضـرت کاملاً پوشـیده بودنـد ، و حتّی صورت مبارکشـان پوشـیده بود، من بـا ادب کامـل و دو زانو در مقابـل آن حضـرت نشسـتم ، و در حالی که دسـتهایم بر روی زانویم بود، و با تواضع و احترام تمام در مقابل ایشان نشسته بودم ، عرضه داشتم : گرچه گناهان ما، ما را از فیض دیدار محروم می سازد، ولی از ذریّه بودن بیرون نمی برد .

ناگاه حضـرت زهراء سـلام الله علیها پوشـش صورتشان را عقب زدند ، و من صورت مبارکشان را دیدم ، پس از آن ، حضرت زهراء سـلام الله علیها حرکت کردند که تشـریف ببرند ، من دسـتمالم را از جیب خودم در آوردم ، و خواسـتم گرد کفش پای راست مبارک حضـرت را پاک کنم (که برای تبرّک و استشفاء برای مریضها ، از آن بهره مند شوم) اشاره به کفش پای چپ نمودند ، و فرمودند :

آن را پاک کن که در کربلا افتاده است و این جمله اشاره است به این که ، استشـفاء بایـد به وسـیله امام حسـین علیه السـلام و تربت آن حضرت انجام گیرد .

۲۱-من راضی نمی شوم این شهر ویران شود

مرحوم آیه الله العظمی ، آقا سیّد عبدالهادی شـیرازی قدس سِرُّه (متوفّای ۱۳۸۱ قمری) که از مراجع بزرگ تقلید شـیعه ، و از زعمـای عظیم الشّان حوزهٔ علمیّـهٔ نجف اشـرف بوده انـد ، و پس از ارتحال مرجع جهانی عالم تشیّع ، مرحوم آیه الله العظمی ، حاج آقا حسـین طباطبائی بروجردی قدس سِرُّه ، مدّتی زمام مرجعیّت شیعه را در دست داشتند ، شبی در عالم رؤیا می بینند که ، مجلسی است که خاتم أنبیاء ،

حضرت محمّد بن عبد الله و نیز أمیرالمؤمنین علی و حضرت زهرای مرضیّه و امام حسن و امام حسین علیهم السلام تشریف دارند ، و جبرئیل امین ، از طرف پروردگار، نامه ای را به محضر رسول خداصَلَّی الله عَلَیهِ واله تقدیم نمودند ، و آن حضرت، آن را امضاء فرمودند ، و سپس هرکدام از : أمیر المؤمنین علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیهما السلام نیز امضاء نمودند ، ولی در هنگامی که نامه را به محضر حضرت زهرای مرضیّه سلام الله علیها تقدیم نمودند ، ایشان پرسیدند : آیا این حکم قطعی الهی است ، و غیر قابل تغییر ؟ و در هنگامی که جبرئیل امین پاسخ دادند ، که این حکم ، قطعی و لایتغیر نیست ، حضرت زهراء سلام الله علیها فرمودند : من امضاء نمی کنم .

آیه الله العظمی شیرازی برایشان سؤال مطرح می شود که ، آیا حکم مذکور در نامه چیست ؟ و چرا حضرت زهراء سلام الله علیها امضاء نفرمودند ، پاسخ دریافت می کنند که ، حکم موجود در نامه ، مربوط به نابودی یکی از شهرهای بزرگ ایران ... است ، و علّت امتناع حضرت از امضاء ، این است که می فرمایند : در این شهر عزای حسینم برپا می شود ، و من راضی نمی شوم که این شهر ، دچار ویرانی و نابودی گردد (۱).

۲۲-با عنایت حضرت زهراء ، ذهن و هوش او متحوّل می شود

یکی از اساتید مجرّب و بسیار متّقی نقل فرمودند که : طلبه ای بود بسیار کند ذهن و کم هوش ، که درس صرف میر (که یکی از کتب درسی ابتدائی حوزهٔ علمیّهٔ می باشد) را سه مرتبه خواند ، و در امتحان پایانی آن مردود شد ، ولی به عنوان این که پیش از این تکرار یک درس ، روحیّهٔ او را می شکند (به عنوان

۱- این قضیّه را شخصاً ، از یکی از شاگردان بزرگ و مورد علاقه آن مرجع عالیقدر شنیدم

ارفاق) با توافق مدرّسین و مسئولین امور درسی حوزهٔ علمیّه ، مقرّر شد ، کتاب بعدی ، یعنی کتاب تصریف را شروع کند ، ولی به همان وضعیّت قبلی ، برنامهٔ او ادامه یافت ، و به هیچ عنوان ، درس را یاد نمی گرفت ، تا این که استاد یاد شده، تصمیم می گیرد که ، کتاب عوامل فی النّحو را با بیانی بسیار ساده ، و با روش هائی که کار یادگیری را آسان می کند ، برای او درس بگوید ، ولی در هنگامی که درس را از او می پرسد ، ملاحظه می نماید که به هیچ وجه ، درس را یاد نگرفته است . استاد یاد شده ، با صمیمیّت از او می پرسد : چرا نمی توانی درس را جواب بدهی ؟ آن طلبه می گوید : می خواهم درس بخوانم ، ولی به هیچ وجه نمی توانم ، و استعداد و هوش برای فهمیدن درس در من نیست .

تا این که در جلسه ای که برای برنامه ریزی در امور فاطمیّه سلام الله علیها برگزار گردید ، و مرحوم آیه الله صافی قدس سِرُّه و مرحوم آیه الله ، حاج سیّد أحمد فقیه امامی قدس سِرُّه نیز حضور داشتند ، استاد یاد شده ، به آن طلبه می گوید ، شما هم تصمیم بگیرید برای یاری حضرت زهراء سلام الله علیها قدمی بردارید، و خدمتی را بر عهده بگیرید، آن طلبه قبول می کند، و با اخلاص و فداکاری کامل ، در این زمینه اقدام می کند ، و ناگاه متوجّه می شود، که او دگرگون شده ، و در درس سیوطی (یکی دیگر از کتب درسی حوزهٔ علمیّه) همانند طلّاب درس خوان، درسها را یاد می گیرد، و در درس کتاب مغنی ، بهتر از دیگران درس را متوجّه می شود ، و علاوه بر آن ، در هنگام درس ، به مدّرس کتاب ، أشکال می گیرد (که یک امتیاز علمی ، و نشانهٔ استعداد و پرکاری شاگرد می باشد) و در جریان یک عنایتی معنوی ، به آن طلبه اعلام می شود که ، آنچه لطف به او شده ، از ناحیهٔ معصومین علیهم السلام و بالأخص حضرت زهراء سلام الله علیها بوده است .

ص:۵۳۶

در حال حاضـر ، همان طلبهٔ کم اسـتعداد و کم هوش قبلی ، از مدرّسین و مبلّغین نامدار حوزهٔ علمیّهٔ است ، و با عنایت حضرت زهراء سلام الله علیها به توفیقات بزرگی دست یافته است .

۲۳-حضرت زهراء گلی را به من دادند ، بوئیدم و ...

مرحوم آیه الله ، آقای حاج سیّد أحمد فقیه امامی قدس سِرُّه که در راه احیاء و بزرگداشت شهادت حضرت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها از پیشگامان بزرگ ، و از مدافعین سرسخت حقّ آن حضرت بودند ، و اوّلین تابلوی بزرگ و چشمگیر را ، به نام «کتابخانهٔ عمومی الزّهراء سلام الله علیها » ایشان در بلندترین قسمت مسجدشان ، واقع در خیابان عبد الرّزاق ، در سال ۱۴۰۰ قمری نصب نمودند (۱)و در جریان نهضت فاطمیّه ، از سال ۱۴۱۱ قمری (یکهزار و چهارصدمین سال شهادت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها) با استفاده از همهٔ امکانات جانی ، مالی ، آبروئی ، اندیشه ای ، همراه با تواضع ، حسن أخلاق ، و حسن تدبیر ، بیشترین کوشش را در پیشرفت و موفقیّت حرکت فاطمیّه انجام دادند ، و تشویق های مؤثّر و نافذ ایشان ، در به حرکت درآمدن دستجات عزاداری ، و تداوم آن، در سالهای بعد ، و در گسترش فعّالیّت های گوناگون اجتماعی ، در این زمینه نقشی حیاتی داشت ، و نام ایشان

۱- در آن زمان ، با توجّه به قدرت و نفوذ گروهها ، و أشخاص سست عقیده ، و یا منحرف و مخالف أمر ولایت أهل البیت علیهم السلام و خصوصاً در مسئلهٔ مظلومیّت حضرت زهراء سلام الله علیها چنین اقدامی ، جرأت و شجاعت قابل توجّهی لازم داشت ، و یک نوع مبارزه با آن جریانات انحرافی ، از مکتب ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام محسوب می گردید . (به یادوارهٔ آیه الله فقیه امامی ، شرح حال ایشان صفحهٔ ۱۰۱ - ۱۰۳ به قلم این نویسنده ، مراجعه گردد) .

را با حرکت و نهضت فاطمیّه پیوند زد .

در سال ۱۴۱۴ قمری ، در آخرین روز دههٔ فاطمیّه دوّم (دهم جمادی الثّانیه) ایشان در کتابخانهٔ عمومی الزّهراء سلام الله علیها بدرود حیات گفتند ، و در هنگامی که به میز مخصوص ایشان مراجعه شد ، ملاحظه گردید ، که ایشان قبل از بدرود حیات ، در حال نوشتن متن اطّلاعیه ای برای جشن میلاد مقدّس حضرت زهراء سلام الله علیها بوده اند ، که در صدر آن نوشته بودند :

إنَّما سُمِّيَت فاطِمَة ، لأنَّ الخَلقَ فُطِمُوا عَن مَعرِفَتِها

پس از درگذشت ایشان، یکی از بستگان آن بزرگمرد ، در عالم رؤیا دیده بود ، که ایشان فرمودند : در هنگام جان دادن ، همهٔ معصومین علیهم السلام تشریف آوردند و حضرت زهراء سلام الله علیها گلی به من دادند و بوئیدم ، و آنقدر لذّت بردم ، که اگر به من پیشنهاد می کردند به دنیا برگردم ، راضی نمی شدم .

و این چنین ، در آخرین لحظات ، حضرت زهراءسلام الله علیها قدردانی و تشکّر خودشان را ، از ارادتمند و یاور و مدافع حقّشان اظهار داشتند .

۲۴-با عنایت حضرت زهراء علا از مرگ نجات یافت

یکی از مهندسین با تقوی و دلبسته به ولایت أهل البیت علیهم السلام که وابسته به یکی از خاندانهای اصیل علمی و تقوائی است ، نقل کردند:

یکی از دوستان من ، مردی است که چندین سال پیش ، به علّت بیماری و نارسایی قلبی ، در یکی از بیمارستانهای بزرگ اصفهان بستری بود، و پزشک معالج او که از دوستان من است ، برایم توضیح داد که ، بیماری قلبی ایشان صعب العلاج است ، و امکان عمل و جرّاحی هم وجود ندارد، و باید با آن مدارا کند ، و خیلی مراعات نماید ، و بیشتر استراحت کند .

ایشان یکماه در بیمارستان ، و سه ماه هم در منزل بستری بود، و پس از آن ، از منزل خارج شد، و به کار مشغول گردید . و روزی ، از من خواست که به تنهائی با او گفتگوئی داشته باشم ، و اظهار نمود

که در اواخر روزهائی که بستری بودم ، اتّفاقی افتاد که به کسی نگفته ام ، و از من خواست که تا زنده است به نام او برای کسی نقل ننمایم . او گفت :

در اطاق ، به تنهائی در بستر بیماری افتاده بودم ، در اطاق به طرف حیاط منزل باز بود، ناگاه دیدم ستونی از چیزی که نه غبار بود و نه نور (حالت خاصّی داشت) به طرف حیاط کشیده شد ، و مرد جوان و سفید پوشی ظاهر گردید ، و وارد اطاق شد ، و پائین بستر من قرار گرفت ، و متوجّه شدم که او ملک الموت است ، و برای قبض روح من آمده ، از او خواستم مهلتی بدهد، نپذیرفت ، به او عرضه داشتم ، دختری دارم و برای او جهیزیّه تهیه نکرده ام ، مهلتی بدهید ، باز هم نپذیرفت ، گفتم قرض زیادی دارم و بدهکارم ، مهلتی بدهید ، باز هم نپذیرفت ، پیشانیم عرق کرد، مستأصل و بیچاره شدم ، در حال پریشانی به سختی گفتم : یا زهراء ، یا زهراء ، و دیگر توان حرکت دادن زبانم را نداشتم ، در دلم گفتم : یا زهراء ، یا زهراء ، ناگاه دیدم آن مرد سفید پوش ، عقب عقب به طرف حیاط رفت ، و در همانجائی که آمده بود ، ستونی نه از نور و نه از غبار پیدا شد ، و او پنهان گردید .

مهندس یاد شده می فرمود: از آن زمان تا کنون (محرّم الحرام ۱۴۲۳ قمری) پانزده سال می گذرد، و او زنده است ، و به کار و زندگی خود مشغول می باشد .

۲۵–عنایت حضرت رقیّه ، در حلّ مشکل بیت الزّهراء سلام دالله علیها

در اولین سال نهضت فاطمیّه (۱۴۱۱ قمری) مرحوم آیه الله صدّیقین ، در

تعبیر یک رؤیای عجیبه ای به این نویسندهٔ کمترین فرمودند :

شما موفّق می شوید ، پایگاهی را برای فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها به وجود بیاورید .

عرضه داشتم ، آیا منظور همین برنامه هائی است که موفّق شده ایم در احیاء أمر حضرت زهراء سلام الله علیها انجام دهیم ؟ فرمودند : اینها کار است ، و تعبیری که به نظرم می رسد ، مربوط به مکان و جایگاهی است ، برای کارهای فاطمیّه سلام الله علیها .

سالها گذشت ، روزی یکی از کسانی که حالات و روحیّات ویژه ای دارد ، و نکته های برجسته ای را ، زودتر از وقوعش اشاره می کند ، به منزل ما آمد، و هنگام بازگشت ، در داخل کوچه ، دست به دیوار منزل همسایهٔ مجاور زد، و گفت : اینجا بیت الزّهراء سلام الله علیها است ، و دیگر هیچ توضیحی نداد .

یک سال پس از آن ، شبی یکی از بزرگان علم و دین ، که از دلباختگان خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام می باشد ، و عمر پربرکت خود را با اخلاص و تواضع در خدمت پیامبر و ائمّهٔ معصومین و حضرت زهرای مرضیّه سلام الله علیها و بالأخص در راه بزرگداشت نام و یاد حضرت بقیّه الله الأعظم مصروف داشته ، و بارها مورد عنایت خاص و ألطاف ویژهٔ آن بزرگوران قرار گرفته ، در منزل ما مهمان بودند ، و در هنگام صرف صبحانه فرمودند : دیشب در هنگام سحر ، و در تاریکی کامل ، در حالی که مشغول تهجّد بودم ، دیدم این قسمت (و اشاره کردند به قسمتی که منزل همسایهٔ مجاور می باشد) نور است ، و غیر از این بخش ، هیچ کدام از کوچه و منازل دیگر، چنین حالتی نداشت ، و به نظرم می رسد این قطعه زمین و این منزل ، مورد عنایت خاص أهل بیت علسهم السلام می باشد

در همان ایّام ، مالک منزل مذکور ، در یک گفتگوی حضوری ، خبر داد که پروانهٔ ساختمانی گرفته است ، که منزل خود را در سه طبقه بسازد ، و برای این

أمر یک سال فعّالیّت کرده ، و مبلغ زیادی هم پرداخت نموده است .

این خبر ، شدیداً مرا تحت تاثیر قرار داد ، زیرا از یک طرف ، ساخته شدن چنین ساختمان بلندی ، در جوار منزل ما مشکلاتی از نظر اشراف داشتن همسایه بر حیاط منزل و ... ایجاد می کرد ، (ولی سخنی برای گفتن به او نداشتم زیرا می خواست از حق قانونی و عرفی خود استفاده کند) و از طرف دیگر، این مطلب ، با آن بشارتهای معنوی مکرّر ناسازگار بود .

به نظرم رسید که ، به یادگار خردسال ، ولی بزرگ امام حسین علیه السلام یعنی حضرت رقیه سلام الله علیها متوسّل شوم، و در همان ایّام به زیارت حضرت زینب و حضرت رقیه سلام الله علیها (در سوریه) و زیارت عتبات عالیات عراق (کربلا و نجف و کاظمین و سامراء) مشرّف شدم ، و در حرم حضرت رقیه سلام الله علیها به ایشان عرضه داشتم ، مشکل بیت الزّهراء را می خواهم با دستهای شما حل شود، و در محضر مقدّس أمیر المؤمنین و امام حسین علیه السلام عرضه می داشتم که : باز شدن گره کار بیت الزّهراء سلام الله علیها را از عزیزتان حضرت رقیه سلام الله علیها خواسته ام

و این شمائید و آبروی فرزند شهیده تان در هنگام بازگشت از زیارت عتبات مقدّسه ، خبردار شدم حوادثی غیر منتظره رخ داده ، که برنامه های همسایه را برهم زده است ، تا این که به من پیغام داد که ، تصمیم گرفته ام منزلم را بفروشم ، اگر مایل به خریدن هستید، آماده شوید.

شادمانی خبر اجابت دعا ، و رسیدن عنایت و لطف از طرف حضرت رقیه سلام الله علیها از خاطره های شیرین ، و فراموش ناشدنی زندگی من است .

حوادثی که پیش آمد، و بدون اختیار روز انعقاد عقد قرار داد را به تأخیر انداخت ، تا روز شهادت حضرت رقیه سلام الله علیها (یعنی پنجم ماه صفر) و تمام مدّت

جلسهٔ معامله ، اشک همهٔ حاضـرین جاری بود، و نیز رؤیاهای قبل و مقارن زمان نوشتن قولنامه ، همه و همه نشان می داد که ، عنایات غیبی ، تعیین کنندهٔ برنامه هائی است که در حال اجرا و تحقّق می باشد .

توسّلات و استغاثه ها قطع نگردید

فروشـنده منزل یـاد شـده ، با توجّه به بعضـی از بشارتها و رؤیاهای تکان دهنـده ای که همسـر او و بعضـی از همسایگان دیـده بودند، تحت تأثیر قرار گرفته ، و قبل از انتقال رسـمی ملک و قبض ثمن ، کلید منزل را تحویل داد ، و تعمیرات لازم برای بهره برداری محـل ، در برنـامه هـای فاطمیّه ، شـروع گردیـد ، و از روز أول ، با حضور معمار و اسـتاد کار و کارگران ، عزاداری بر حضـرت زهراء سـلام الله علیهـا بر روی خاکهـا و نخاله های ساختمانی شـروع گردیـد ، و در تمام مـدّت انجام تعمیرات ، همهٔ دست انـدر کارهـای تعمیرات و نقّاشـی ، و سـایر کارهـای مربوط به آمـاده سازی برای برنامه های فاطمیّه سـلام الله علیها همه روزه مهمان حضرت زهراء سلام الله علیها بودند، و همراه با توسّل پذیرائی می شدند .

من که از اینجا نمی روم ، هر که می خواهد برود

در تمام مدّت انجام تعمیرات ، و پذیرائی ها و توسّـلات ، داستانهای شگفتی رخ داد، که هر کدام ، آموزنده و تکان دهنده ، و در برگیرنـدهٔ نشانه ای از کرامت و عنایتی می باشـد ، که از آن جمله است این که ، در روز شـهادت امام حسن عسـکری علیه السلام یکی از علماء عظیم الشّان قم به اصفهان تشریف آوردند ، و یکی از شعرای با اخلاص و نامدار مشهد مقدّس ، به اتّفاق برخی از همراهانشـان ، (بـدون برنـامه ریزی قبلی) به بیت الزّهراء سـلام الله علیها (منزل یاد شـده ای که در حال تعمیر بود، و همهٔ جای آن را خاک و نخاله های بنّائی پوشانده بود) آمدند، و با

گسترده شـدن موکت کهنه ای بر روی خاکهـا ، به یـاد حضـرت بقیّه الله الأعظم عجـل الله تعالی فرجه (که روز شـهادت پـدر بزرگوارشان بود) و مادر مظلومه و شـهیده شان ، حضـرت زهرای مرضیّه سلام الله علیها (که آن مکان ، به نام مقدّسشان بود) غوغـائی برپـا شـد ، و دلی نبود که آتش نگیرد ، و ناله ای نبود که از عمق جان به آسـمان بلنـد نشود، آن چنان که همسایه ها آمده بودند ، و پشت دیوار کو چه نشسته بودند ، و همراهی می کردند .

جلسـهٔ یاد شده سه ساعت به طول انجامید ، و برخی از همراهان آن شاعر دلسوخته و مخلص أهل البیت علیهم السـلام به ایشان گفتند : ما مهمان هستیم ، منتظر ما هستند ، و ایشان در جواب گفتند :

من که از اینجا نمی روم ، هر که می خواهد برود

۲۶–اینجا در باز شده بود

پس از آنکه محـلّ بیت الزّهراء سـلام الله علیهـا به منظور بهره برداری برای فعـالیّت هـای فـاطمیّه خریـداری شـد ، و نشانه های فراوان عنایت و لطف غیبی در مورد آن ، بر غریبه و آشـنا ظاهر گردیـد ، دو جریان مشابه ، مربوط به دو زمان ، و از ناحیـهٔ دو نفری که هیچ گونه ارتباط و آشنائی با یکدیگر ندارند کشف گردید ، که به راستی

حیرت آور می باشـد . در انجـام تعمیرات بیت الزّهراء سـلام الله علیها ، به نظر آمـد که دری از داخل یک اطاق ، به کوچه باز شود ، که در هنگـام برگزاری مراسم عزاداری گستردهٔ فـاطمیّه ، برای جابجـائی وسائـل ، و تسـهیل در امر پـذیرائی بانوان بهره گیری شود ، و چنین اقدامی انجام شد ، و تاکنون أثر بسیار مفید و بیش از حدّ انتظار ، در کیفیّت برگزاری مجلس ، و آرامش و نظم آن داشته است .

یکی از دو نفر یاد شده ، دو سال قبل از خریداری شدن محل ، در حالی که

مالک آن ، تصمیم بر تجدید بنای آن به صورت سه طبقه ، برای سکونت شخصی داشته است ، و دیگری شش سال قبل از خریداری ، در عالم رؤیا دیده بودند که، این خانه بیت الزّهراء سلام الله علیها شده ، و دقیقاً در همین محل یاد شده ، دری به کوچه باز شده است ، و در هنگامی که معمار و استاد کار ، و تمام دست أندرکاران برگزاری جلسهٔ عزاداری فاطمیّه ، از جریان این دو رؤیای عجیب که در برگیرندهٔ خبری از آینده بوده ، مطّلع گردیدند ، همه حیرت زده شدند .

جالب است بدانیم که ، یکی از آن دو نفر ، ضمن درستکاری و راستگوئی ، خیلی در فکر مسائل عزاداری و تأسیس مؤسّسات دینی و ولائی نیست ، و دیگری شدیداً دلبستگی به مسائل معنوی و توسّلات دارد، و همیشه در ترویج کارهای أهل البیت علیهم السلام کوشا می باشد ، ولی دو رؤیای کاملاً مشابه ، و در موضوع خود یکسان ، در دو زمان ، و بدون این که آن دو نفر با هم کوچکترین آشنائی و ارتباطی داشته باشند ، پرده از یک نشانهٔ گویا ، از عنایات الهیّه بر می دارد .

۲۷-دخترم فاطمه پناهگاه مردم است

در ضمن مطالعه برای دستیابی به مطالب برجسته ، در مورد فضائل و مصائب و شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها به این مضمون برجسته و دلنشین برخوردم که (دخترم فاطمه ، پناهگاه مردم است) و در میان صدها پرچمی که برای مراسم بزرگداشت شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها و نصب در خیابانها و میدانهای شهر آماده کردیم ، چند پرچم نیز با همین عبارت آماده نمودیم و در جاهای مناسب قرار دادیم ، و از جمله ، یکی از آنها را در مجلس عزاداری در منزل ، بیت الزّهراء سلام الله علیها نصب نمودیم .

در روز پایان عزاداری ، پس از انجام اطعام عمومی ، یکی از خدمتگزاران با اخلاص حضرت زهراء سلام الله علیها بعد از ظهر در عالم رؤیا دیده بود که ، خدمتگزاران فاطمیّه ، پرچمها و وسائل عزاداری را باز می کنند ، و در محلّی قرار می دهند ، و بانوی مجلّله ای نظارت می فرمایند ، و همهٔ کارها زیر نظر ایشان است ، شخص یاد شده عرضه می دارد که ، این پرچم را به من بدهید (اشاره به پرچمی که بر روی آن ، جمله « دخترم فاطمه ، پناهگاه مردم است » نوشته شده بوده است) آن بانوی بزرگوار می فرمایند : این پرچم را می خواهیم نگهداریم برای مجلس عزاداری سال آینده، شخص یاد شده در عالم رؤیا مقداری نگران می شود که اینجا منزل فلانی است ، و این بانو چرا دخالت می کنند ، و با لحنی که مقداری جنبهٔ انتقاد داشته می گوید : شما تا حالا کجا بوده اید ؟ آن بزرگوار می فرمایند که من مراقب هر دو در (1) بودم ، و از واردین پذیرائی می کردم ، و به آنها خوش آمد می گفتم ، و مقدمشان را گرامی می داشتم .

وقتی بیدار می شود ، از بی ادبی و عدم توجّه خودش نگران می شود ، و از محضر مقدّس حضرت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها عذرخواهی می نماید .

در سال بعد ، سفارش کردم که تعداد زیادی از همین پرچم ، با جملهٔ یاد شده که مورد عنایت بوده ، آماده نمایند ، که در سطح شهر در جاهای گوناگون نصب گردد، و دو عدد از آنها را هم برای دو محل ، در مجلس عزاداری ، در نظر گرفتم.

مجلس سوگواری شروع شد ، و ساعاتی از برنامهٔ جلسه سپری گردید ،

۱- در آن زمان ، فقط دو در برای ورود به جلسهٔ عزاداری وجود داشت، و پس از آن ، با ضمیمه شدن یک منزل دیگر به مجموعه بیت الزّهراء سلام الله علیها درهای ورودی جلسه ، به سه عدد أفزایش یافت .

شخصی آمد و گفت : چرا پرچم (دخترم فاطمه ، پناهگاه مردم است) را نصب نکرده اید ؟ گفتم : دو عدد نصب شده است ، چطور؟ گفت که در عالم رؤیا دیـدم که گفتند فلان پرچم را نزده اند ، من شدیداً نگران شدم ، و شـخصاً رفتم تمام سه منزلی که محلّ برگزاری جلسهٔ عزاداری است ، و همهٔ مسیر طولانی کوچه تا سر خیابان را دیدم ، معلوم شد که دوستان در اثر غفلت ، هیچکدام از دو پرچم را نصب نکرده اند ، با کمال تأسّف و معذرت خواهی از محضر حضرت فاطمهٔ زهراء ، دو پرچم را در دو محـل منـاسب و شایسـته قرار دادیم ، و مخصوصـاً یکی از آنهـا را روبروی منـبر ، در بالاـی مجلس ، و در جـائی که تـوجّه همگان به او باشد نصب نمودیم

روز آخر مجلس فرا رسـید ، و در هنگام ظهر ، پس از اقامـهٔ جماعت ، عدّه ای از شـعراء و مدّاحان أهل البیت علیهم السـلام به مرثیه سـرائی و عزاداری پرداختنـد ، و در ضـمن یکی از اشـعار خوانـده شده ، جمله ای بود که در زبان شـعر رائج است ، ولی ظـاهر او بـا در نظر گرفتن معنـای لغـوی (نه کنـایه ای و شـعری) دارای اشـکال می بود ، در این هنگـام یکی از حاضـرین در مجلس بلنـد شـد ، و اعتراض کرد، و عدّه ای از شـعر قرائت شده دفاع کردند ، ناگاه احساس کردم که اگر این بحث و گفتگو دنبال شود ، آن حالت معنوی و روحانی که در مجلس حاکم است را تحت تأثیر قرار می دهد .

در حالت انقطاع کامل ، قلبم متوجّه حضـرت زهراء سـلام الله علیها شد ، و از آن بزرگوار مدد خواستم ، و به سوی منبر رفتم ، که تقاضـا کنم این گفتگو را رهـا کننـد ، و حـال مجلس را خراب نکننـد ، ولی به شـکلی معجزه آسـا ، و غیر قابـل تصّور ، به مجرّد این که پای منبر رسیدم ، از مطلب و جمله ای که در نظر گرفته بودم ، هیچ اثری

در ذهنم باقی نمانده بود ، و گویا حافظه ام را به کلّی از دست داده ام ، ولی هنگامی که خواستم سخنی بگویم ، چشمم به پرچم (دخترم فاطمه ، پناهگاه مردم است) افتاد ، و برق آسا تصمیم گرفتم که ، جریان پرچم را بگویم ، و یک مرتبه انقلاب عجیبی در مجلس حاصل شد ، و گویا رسول خدا صَلَّی الله عَلَیهِ واله سر از قبر بیرون آورده، و به أهل مجلس می گویند :

دخترم فاطمه ، پناهگاه مردم است

که ناگاه اشک ها سرازیر شد ، صدای یا زهراء یا زهراء از مردم بلند شد ، و پس از آن ، چند دعا کردم و همه چیز به حال طبیعی خودش برگشت ، و فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها تسلّط ولائی و احاطهٔ ملکوتی خودشان را بر قلبها و احساسات ، به نمایش گذاردند، و به نحو قطع و یقین مشخّص شد که ، تمامی وقایع مربوط به پرچم یاد شده، مورد توجّه و عنایت آن بزرگوار بوده است .

۲۸-کسی که خانه اش را به مادر ما حضرت زهراء سلام الله علیها می دهد نمی خواهی وقتت را به او بدهی

در منطقهٔ دروازه شیراز اصفهان ، که از بخشهای مرفّه و پیشرفته ، و دارای موقعیّت بالای اجتماعی می باشد ، شخصی خانهٔ خود را که دارای قیمتی بسیار بالا ـ بوده ، وقف بر حضرت زهراء سلام الله علیها نموده ، و با ضمیمه نمودن قطعه زمینی به مساحت یکهزار متر ، فاطمیّه ای را در آن منطقه پایه گذاری نموده است ، و همه ساله در ایّام فاطمیّه ، مجلس عزاداری بسیار مفصّل و با شکوهی برگزار می کند ، که در هر شب ، هزاران نفر را اطعام می نماید ، و همزمان با او ، شخص دیگری در بیت الزّهراء سلام الله علیها خیابان پاسداران تهران ، مجلس عزاداری مفصّلی برقرار

می نمود .

ص:۵۴۷

یکی از خطباء و وعّاظ نامدار ، در هر دو مجلس برنامهٔ سخنرانی داشته است ، که پنج شب در تهران ، و پنج شب در اصفهان ، در این دو مجلس انجام وظیفه می نموده ، تا این که در سال ۱۳۸۱ شمسی ، در اثر اختلاف شخصی شدیدی ، که بین دو نفر برگزار کنندهٔ مجلس تهران و اصفهان پیدا شده بود، یکی از دو مؤسّـِس یاد شده ، فشار زیادی را بر گویندهٔ یاد شده وارد می کند ، که مجلس دیگری را ترک کند .

خطیب یاد شده، اظهار می دارد که اگر شما با هم اختلاف و کدورتی دارید ، کار را به مجلس فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها نکشانید ، ولی این سخنان فائدهٔ نمی بخشد به و او بر اصرار خود پا برجا بوده است.

خطیب یاد شده تصمیم می گیرد که به هیچ کدام از دو مجلس نرود، و پیغام می فرستد که من در جلسهٔ شما شرکت نمی کنم ، و در آن أیّام ، در شهر سیرجان برنامهٔ سخنرانی داشته ، و تلفن همراه خودش را خاموش می کند ، که هیچ کدام به او دسترسی پیدا نکنند .

پنج یا شش شب قبل از شروع دو مجلس ، خطیب یاد شده در عالم رؤیا ، مرحوم آیه الله آقای ، حاج سیّد أحمد فقیه امامی قدس سِرُّه را می بیند ، و سلام می کند ، و دست ایشان را می بوسد ، ایشان با تندی عجیبی می فرمایند :

شنیده ام نمی خواهی به مجلس کوی سپاهان (دروازه شیراز اصفهان) بروی؟ عرض می کند که حاج آقا ، به خدا مانده ام چه کنم ؟

می فرمایند فلانی ... اگر به آن مجلس نرفتی ، به خدا قسم چوب حضرت زهراء سلام الله علیها را خواهی خورد ، کسی که خانه اش را به مادر ما حضرت زهراء سلام الله علیها می دهد ، تو نمی خواهی وقتت را به او بدهی ؟

صبح بیدار می شود ، و به هر دو برگزار کنندهٔ مجلس اصفهان و تهران می گوید ، به هر دو مجلس می آیم ، و آنها هم بر خلاف اصرار قبلی می پذیرند .

بانی اصفهانی یاد شده ، وقتی در جریان قرار می گیرد، و گفتار مرحوم آیه الله امامی قدس سِرّه در عالم رؤیا را می شنود ، منقلب می شود ، و شروع می کند به گریه کردن ، و می گوید: خداوند هم ما را ببخشد و هم آن کسانی را که این سیّد مظلوم را اذیّت کردند .

۲۹-مشکل سفر زیارتی حضرت زینب در جلسهٔ فاطمیّه برطرف شد

یکی از فضلای مخلص و با ادب و مورد اعتماد ، که برای برنامه های فاطمیّه با استمدادهای معنوی و توسّلات و پشتکار خالصانه ، فعّالیّت های مؤثّری دارد ، در گزارش خود می نویسد :

قرار بود که در ایّام فاطمیّه امسال (۱۴۲۳ قمری) به پابوسی نائبه الزّهراء سلام الله علیها یعنی حضرت زینب سلام الله علیها مشرّف شوم ، و گذرنامه ها نیز صادر و ویزا شده بود، ناگاه از شهرمان تلفن زدند که ، سازمان حج و زیارت به کار شما ایراد گرفته است ، و با مسافرت شما به سوریّه موافقت نمی نماید ، و با شنیدن این خبر ، حالت منقلب و عجیبی پیدا کردم . یکی از دوستان خبر داد که امروز عصر در منزل ... جلسهٔ برنامه ریزی جهت برنامه های تبلیغی و اجرائی فاطمیّه است ، به نظرم آمد که وضو بگیرم، و به قصد توسّل به جلسهٔ یاد شده بروم ، و هنگامی که می خواستم وارد جلسه بشوم، از بس ناامید بودم، و نگرانی داشتم ، گفتم : یا حضرت زهراء ، اگر مشکل من برطرف نشد ، دیگر در امور فاطمیّه اقدام نمی کنم (و البتّه هیچ گاه چنین بی ادبانه و خشمگین ، با اولیاء الهی سخن نگفته بودم) ولی

در اثر عنایت حضـرت زهراء سلام الله علیها برای دوّمین بار تلفن زدند که ، به تهران بروید ، و فلان مدارک را ببرید ، و سریعاً مشـکل برطرف شد، و همراه با پوسترها و تبلیغات فاطمیّه سلام الله علیها روانهٔ سوریه گشته ، و با جمعی از علاقه مندان به أهل البیت علیهم السـلام مشرّف به زیارت حضرت زینب و حضرت رقیه علیهما السلام و دیگر مشاهد مشرّفه دمشق و حلب شدیم ، و شب و روز شـهادت حضـرت زهراء سـلام الله علیها را در حرم مطهّر حضرت زینب و حضرت رقیه علیهما السلام به عزاداری پرداختیم .

۳۰-چرا نمی آئی ؟ حتما بیا

در آسـتانه برنـامه های فاطمیّه ۱۴۲۳ قمری ، در جلسـهٔ درس حـوزهٔ علمیّه ، از فضـلا و طلّـاب حاضـر در مجلس درس دعـوت نمودم ، که برای شروع برنامه های تبلیغی و اجرائی مراسم بزرگداشت شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها در مجلسی که در بیت الزّهراء سـلام الله علیها به جهت برنامه ریزی و هماهنگی فعّالیّت ها تشـکیل می شود حضور یابند ، یکی از فضـلاء حاضـر در مجلس که مشغول به دورهٔ سطوح عالیه است ، می نویسد :

بنده تصـمیم گرفتم که در جلسهٔ بیت الزّهراء سـلام الله علیها شـرکت نکنم ، یکی به دلیل امتحانات ، و دیگری به دلیل این که خیال کردم ، که اگر کاری بکنم ، به جز پخش پوستر و فعّالیّت برای نشر آنها در نقاط مختلف نیست ، ولی شب در عالم رؤیا منظره ای را مشاهده کردم ، و شما خطاب به من فرمودند : چرا نمی آئی ؟ حتما بیا ، هنگام صبح که بیدار شدم (با نشانه هائی که در کار بود) قلبم مطمئن شـد که ، رسانـدن و نشـر پوسترها هم مورد توجّه است ، و لـذا نه تنها خودم اقدام کردم ، بلکه با کمک پسر دائی و خواهر زاده ام ، پوسترهائی را به شهرستان جیرفت فرستادم ، و تقاضا کردم که شخصاً پوسترها را در جاهای مهم

و حسّاس نصب کنند ، و آنها هم چنین کردند، و سپس خودم به شهر کاشان رفتم، و با نصب پوسترهای فاطمیّه سلام الله علیها در نقاط حسّاس ، و خیابانهای مهمّ شهر انجام وظیفه کردم ، و آن چنان با استقبال بسیار خوب مردم روبرو شدم ، که

خودم بسیار لـذّت بردم ، و امیـدوارم که حضـرت زهرای مرضـیّه سـلام الله علیها این عرض أدب ها را بپذیرند، و مورد عنایت خود قرار دهند .

۳۱-نوری سبز رنگ در هنگام نماز استغاثه به حضرت زهراء سلام الله علیها

یکی از فضـلای متدّین و دلسوختهٔ أهل البیت علیهم السـلام که از سادات و ذرّیّه های حضرت زهراء سلام الله علیها می باشد ، در شب شـهادت حضرت زهراء علی (سیزدهم جمادی الاولی ۱۴۲۳) در هنگام سـحر قبل از اذان صبح ، مشغول خواندن نماز توسّل و اسـتغاثه به حضـرت زهراء سـلام الله علیها می شود ، در هنگام قنوت نماز ، ملاحظه می نماید که چراغی مثل شمع ، با نور سبز رنگ ، بر روی سجّاده او که گسترده بوده وجود دارد، و پس از مقداری زمان خاموش می شود ، و این چنین نشانه ها و بشارتهائی ، قلوب دلبستگان به حضرت زهراء سلام الله علیها را روشن و ثابت و برقرار و مستحکم می نماید .

۳۲-أین الفاطمیّون ؟

یکی از طلّاب سابقه دار ، که خود و همسـرش از علاقه منـدان به فاطمـهٔ زهراء سـلام الله علیها هسـتند ، و در خدمت به آسـتان مقـدّس صدیقهٔ کبری سـلام الله علیها کوشـش می کنند ، در ایّام فاطمیّهٔ دوّم در سال ۱۴۲۳ قمری ، پس از انجـام فعّالیّت های تبلیغی برای مراسم شـهادت حضـرت زهراء سـلام الله علیها و فرستادن پوستر به کردستان و سنندج و ...، شبی در عالم رؤیا می بیند که ، قیامت برپا شده است ، و صدائی

می شنود : أین الفاطمیّون ؟ و به نظرش می رسد که او و همسرش مرده اند ، و در حال زنده شدن هستند ، مثل این که در حال بیـدار شـدن از خواب هسـتند ، که برای دوّمین بـار می شـنود أین الفـاطمیّون ؟ و بـاز هم برای سوّمین نوبت می شـنود که أین الفـاطمیّون ؟ و به یـک باره بلنـد می شود ، و دست همسـرش را (که او هم در قبری در کنار او بوده) می گیرد و می گویـد : بلند شو برویم ، ما را صدا می زنند و می گویند أین الفاطمیّون ؟ ما با این صدا خوانده شدیم ، و هر دو با سـرعت رو به بهشت روان می شوند، و او به همسـرش می گوید : بالاخره ما جزء شفاعت شدگان بی بی دو عالم ، فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها شده ایم .

۳۳-خوشگذرانی در ایّام فاطمیّه به آتش سوزی و عزا مبدّل گردید

یکی از فامیل هائی که بخشـی از آنها در اصـفهان ساکن هسـتند، و برخی دیگر در تهران ، در ایّام فاطمیّهٔ ۱۴۲۳ قمری ، که با تعطیلات تابسـتانی مصادف و همزمان بود، آنها که در اصـفهان ساکن بودنـد ، به مناسـبت تعطیلات به تهران سـفر کردنـد ، و تهرانی ها نیز کارهایشان را رها کردنـد ، که در کنار یکـدیگر خوش بگذرانند، و به سـیاحت بروند ، و در پاسخ کسانی که به آنها گفته بودنـد، دههٔ فاطمیّه و ایّام عزاداری است ، و مناسب خوشـگذرانی نیست ، گفته بودند : آخر دههٔ فاطمیّه از کجا پیدا شــده ؟ ، و وسائـل خوشــگذرانی را برای خودشـان مهیّا کرده بودنـد ، کـه ناگـاه آب گرم کـن منزل آتش می گیرد، و همه ناراحت و پریشان می شوند ، و پس از خاموش کردن آتش سعی می کنند ، شادمانی و نشاط را به جمع خودشان بازگردانند ، و به قول خودشان نگذارند بچّه ها ضربهٔ روحی ببینند ، ولی ناگاه صدای تلفن به صدا در می آید ، و از اصفهان خبر می دهند که

پـدرتان مریض است ، و او را به بیمارسـتان انتقال داده انـد ، باز هم سـعی می کننـد دل خودشان را آرام نگهدارنـد، و در حدّ ممکن برنامـۀ شـادی را حفظ کننـد ، ولی پس از مـدّتی ، از اصـفهان تلفن می زننـد ، که پـدرتان از دنیا رفت ، و سـفرۀ عزا و مصـیبت برپـا گردیـد ، و همگـان به اشـتباه خودشـان اعتراف کردنـد ، و در آن ایّام ، از حضـرت فاطمـۀ زهراء سـلام الله علیها عـذرخواهی نمودنـد ، و تصـمیم گرفتند که در سالهای آینده ، نه تنها از اشـتباه گذشـته فاصـله بگیرند ، و به جشن و شادمانی نپردازند ، بلکه در عزاداری بر مظلومۀ تاریخ اسلام ، حضرت زهرای شهیده سلام الله علیها کوشش نموده ، و سوگواری نمایند .(۱)

۳۴-... و اینگونه باران رحمت می بارید

در حدود سال ۱۴۱۹ قمری ، و در جریان نهضت فاطمیّه ، در روز سوّم جمادی الثّانیه (سالروز شـهادت فاطمۀ زهراء سـلام الله علیها) با حضور طلّاب و مدرّسـین حوزۀ علمیّه ، و جمعی از بازاریان اصـفهان ، مجلس عزاداری بسـیار بزرگ و پرشوری ، در مسـجد نو بازار تشـکیل شد، و پس از انجام سـخنرانی به وسیلۀ این نویسندۀ کمترین ، و سینه زنی و عزاداری بسیار جانسوزی ، به وسـیلۀ دلباختگـان حضـرت زهراء سـلام الله علیهـا ، به صورت دسـتۀ عزاداری به داخـل بازار رفتیم ، و سـپس به خیابان عبد الرّزاق وارد شـدیم ، و با توجّه به این که صدها نفر از مدّرسـین و طلّاب ، و جمعی از مردم بازار حضور داشـتند ، صـحنۀ تکان دهنده ای به وجود آمد، و هر بیننده ای را که از مسیر خیابان عبور می کرد، به حالت حزن و اندوه

۱- در سالهای گذشـته ، نمونۀ این جریان ، مکرّر اتّفاق افتاده ، و کسانی که اسائۀ أدب به ساحت مقدّس حضـرت زهراء سلام الله علیها نموده اند ، به سزای عمل زشت خودشان رسیده اند .

می برد، و اشک آنها را سرازیر می کرد، و سپس داخل بازار مسجد جامع شدیم، و به سوی مزار شریف احیاگر مکتب أهل البیت علهم السلام یعنی علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی قدس سِرُّه روانه شدیم ، و در کنار مرقد مطهّر ایشان ، عزاداری عجیب و پر شوری انجام گرفت ، و با سخنرانی ... که بسیار مهیّج و جانسوز بود، و دربارهٔ مصائب حضرت زهراء سلام الله علیها ایراد گردید ، شور عزاداری دو چندان شد و همه را منقلب نمود، و حالت عجیبی در مجلس پیدا شد .

در همان ایّام، یکی از مدّرسین عالیقدر ، که در برنامه های فاطمیّه با اخلاص و تواضع شایانی اقدام می نماید ، در عالم رؤیا می بیند که، همان مجلس عزاداری در جوار مرقد علّامهٔ مجلسی برپاست ، و گویندهٔ یاد شده ، یعنی ... در حال سخن گفتن است ، و هرگاه دهان خود را برای بیان مطالب و مصائب حضرت زهراء سلام الله علیها باز می کند ، باران می بارد، و هرگاه دهان را می بندد ، باران قطع می شود، و بدین وسیله نشان داده شد که ، سخن در دفاع از مظلومهٔ بزرگ تاریخ ، حضرت زهرای مرضیّه سلام الله علیها باران رحمت است ، و پاک کننده و دور کنندهٔ چرکی ها و آلودگی ها است .

۳۵-من هم عزادار فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها شده بودم

آقا هم با من گریه می کردند داستان عجیبی است از جوان گنهکاری که ، به وسیلهٔ توفیق در عزاداری برای فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها به جایی می رسد ، که ندائی غیبی او را صدا می زند محمّد جان بیدار شو وقت نماز است ، و به قلبش الهام می شود که ، این صدای حضرت زهراء سلام الله علیها است ، و این نشانهٔ قبولی توبهٔ او است ، اینک این شما و این داستان جالب و آموزنده آن جوان .

شب عجیبی بود ... در آن تـاریکی جوانهای عاشق را می دیـدم که ، با لباس عزا ، فقط یا فاطمه سـلام الله علیها می گفتنـد ، و عاشقانه بر سر و سینهٔ خود می زدند . این اوّلین بار بود که در مجلس عزای یکی از معصومین علیهم السلام شرکت می کردم . کناری ایسـتادم ، و به گذشـته ها برگشـتم ... بیست و چهار سال را در غفلت کامل ، و دوری از یاد خـدا و معنویّات گذرانـده بودم ، چه دوران تاریک و تنفّر انگیزی ... ولی دو روز پیش ، به محضـر یکی از اولیاء خدا رسیده، و برای خروج از این غفلت و بازگشت به سوی پروردگار مهربانم ، کمک خواسـتم ، که ایشان راه و رسم چگونه توبه کردن ، و بخشـش گناهان گذشـته را برایم توضـیح داده بودنـد . در این دو روز ، برخلاـف سایر عمر ، دائم در فکر چگونگی کسب رضایت خداونـد مهربان ، و پـذیرش توبه ام بودم ، و حـالتی بین خوف و رجـاء داشـتم ، به راستی ممکن است این کوه گناهـان ، و این دیوارهـای ضـخیم فاصلهٔ از خدا فرو ریزد ؟ برای اوّلین بار بود که دعا می خواندم ، و با اشک ندامت از خداوند طلب بخشش می نمودم .

شور و حـال عزاداران ، بـار دیگر من را به خود آورد، و بـا خود اندیشـیدم راستی چرا من نمی توانم مثـل آنان عزاداری کنم ؟ مگر نه این که حضـرت زهراء سـلام الله علیهـا مـادر من و همـهٔ شـیعیان هسـتند ؟ به خـود فشـار آورده ، و همراه آنهـا مشـغول عزاداری شـدم ، و به سـر و سـینه می زدم ، ولی نـاراحت بودم که این کـار را از روی سوز دل انجام نمی دهم ، در همان حال متوسّل به آقا امام زمان علیه السـلام شده ، و خالصانه عرض کردم : آقا مجلس عزای مادرتان است ، به من هم حال عزا عنایت فرمائیـد ، تا بتوانم برای مادرتان عزاداری کنم . شوری در دلم پیـدا شد ، دیگر حال خودم را نمی فهمیدم ، اشک می ریختم و از سوز دل به سر و صورت

ص:۵۵۵

می زدم، آن طور که حتّی برای عزای نزدیکـانم ، عزاداری نمی کردم ، یـا فـاطمه ، یـا فـاطمه ... می گفتم، و نفهمیـدم مجلس چقـدر طـول کشـید ... مجلس تمـام شـده بود، ولی من نمی توانسـتم جلوی گریـهٔ خودم را بگیرم ، بله ! من هم به واقع عزادار حضـرت فاطمهٔ زهراء سـلام الله علیها شده بودم . بعد از مجلس ، یکسـره به طرف حرم مطهّر حضرت حضرت رضا علیه السلام رفتم . پس از زیارت ، شـروع کردم زیر لب ، برای حضـرت رضا علیه السـلام روضه حضرت فاطمه سلام الله علیها را خواندم ، احسـاس می کردم آقـا هم بـا من گریه می کننـد ...، به طرف خـانه به راه افتـادم ، احسـاس سـبکی عجیـبی می کردم، در دلم طراوتی را احساس می کردم ، که تا حال تجربه نکرده بودم ، راستی آیا خداند توبهٔ من را به خاطر عزاداری بر حضـرت زهراء سلام الله علیها پـذیرفته بود ؟ شب ، قبل از خواب خیلی گریسـتم ، و با اصـرار از خـدا خواسـتم ، اگر توبه ام قبول شـده است ، امشب نشانه ای به من عنایت فرماید، تا دلم آرام گیرد .

نیمه شب با صـدایی بسـیار مهربان ، از خواب بیدار شدم : محمّد جان بیدار شو، وقت نماز است ! از خواب بیدار شدم ، ولی از جا بلند نشدم . مجدّداً صدا از بیرون اطاق آمد که : وقت نماز است ! صدا شبیه صدای مادرم بود، ولی با مهربانی صد چندان ، و آنقـدر نافـذ که بـا تمـام وجود از آن لـذّت بردم ، پـایین رفتم تـا داخل حیاط وضو بگیرم ، با تعجّب دیـدم ، در اطاقهای آن طرف حیاط (جائی که پـدر و مادرم آنجا بودنـد) همه خواب هسـتند ، و حتی درب ورودی آن ساختمان قفل است ، ناگهان به قلبم الهام شد این صدای حضـرت زهراء سلام الله علیها بود، و همان نشانه ای است که می خواستی. حالم منقلب شد ، وضو گرفته و به طرف اطاقم به راه افتادم ، آرامش و وقار معنوی و بی سابقه ای بر من مستولی شد ، آمادهٔ نماز شدم ، اذان را شروع کردم ، ألله أکبر... تمام سلّول های بدنم به همراه روحم

جملات أذان و اقامه را بیان می کردند ، وقتی وارد در نماز شدم ، حال عجیبی داشتم ، روحم وسعت یافته بود، و با تمام وجود احساس می کردم ، در آغوش پروردگارم قرار گرفته ام ، و کدورت ها و فاصله های چندین ساله ، از بین رفته است . ذائقهٔ معنوی ام باز شده بود، و همزمان با قرائت حمد ، مزهٔ شیرین و خوشایندی تمام فضای دهانم را پر نمود .

آری ، بعد از سه روز از شروع توبهٔ نصوح ، به شفاعت مادرم حضرت زهراء سلام الله علیها و به خاطر عزاداری خالصانه بر آن حضرت ، توبه ام به محضر پروردگار ، علیرغم سنگینی گناهان و آلودگی های فراوان روحی ، پذیرفته شده، و کبوتر روحم ، پای مجروحش از زنجیرهای غفلت و گناه باز ، و آمادهٔ پرواز به سوی معنویات گردیده بود (۱).

۳۶-دختر آلمانی و پدر او : ای فاطمهٔ پهلو شکسته ! حضرت زهراءسلام الله علیها:من فاطمهٔپهلو شکسته ام

روزی مرجع عالیقدر شیعه ، آیه الله العظمی ، آقای حاج سیّد محمّد هادی میلانی قدس سِرّه نشسته بودند ، که مرد و زنی با چند فرزند ، بر ایشان وارد شدند ، و گفتند: ما از کشور آلمان آمده ایم ، و می خواهیم مسلمان شویم .

جریان از این قرار است که ، این خانواده در کشور آلمان زندگی می کردند، دخترشان پهلویش شکست ، و پزشکان از درمان او عاجز شدند ، و بالأخره گفتند که باید پهلوی این دختر را عمل کرد، ولی خطرناک است . دختر آلمانی حاضر نشد زیر تیغ عمل جراحی برود، و گفت حاضرم بمیرم ولی زیر تیغ عمل جراحی نروم . دخترك پهلو شکسته را به خانه آوردند، آنها در خانه یک

۱- مجلّه خورشید مکّه ، صفحهٔ ۲۵، شمارهٔ ۵ جمادی الاولی و جمادی الثّانیهٔ ۱۴۲۳

خدمتکار ایرانی داشتند به نام (بی بی) ، یک روز این دخترک پهلو شکسته ، با بی بی درد دل می کرد، و می گفت که : حاضرم بیست میلیون بدهم ، ولی پهلویم معالجه شود، ولی فکر نمی کنم دکتری بتواند مرا معالجه کند ، و من ناکام از دنیا می روم . بعد از این حرفها گریه و ناله اش شروع شد . بی بی خدمتکار ناراحت شد، و به دخترک با مهربانی گفت : من یک دکتر سراغ دارم ، دخترک گفت من این بیست میلیون را به او می دهم، بی بی خدمتکار گفت پول مال خودت باشد و این را بدان که من سیّده هستم ، و جدّهٔ من فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها است ، که او هم پهلویش شکسته بود، اگر می خواهی پهلویت خوب شود ، با چشم گریان بگو :

ای فاطمهٔ پهلو شکسته ! ، دخترک با دلی سوزان ولی امیدوار ، و با اشک چشم، هی صدا میزد ای فاطمه پهلو شکسته و همین طور تکرار و التماس می نمود و اشک می ریخت ، از این صحنه ، دل بی بی خدمتکار هم شکست ، و می گفت : ای فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها من یک بیمار آلمانی آورده ام در خانه ات ، پدر دخترک هم از صدای ناله این دو شروع کرد به فریاد زدن، و می گفت : ای فاطمهٔ پهلو شکسته هر سه نفر با دل پر از درد ولی امید وار ، فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها را صدا می زدند . ناگهان خانمی مهربان ، و عزیز و بزرگوار آمدند، و بر پهلوی دختر کوچک دستی کشیدند و فرمودند : خوب می شوی ، و همان جا دخترک به دست بانوی دو عالم شفا یافت . دختر آلمانی گفت : شما کیستید ؟ آن خانم فرمود که : من فاطمهٔ پهلو شکسته هستم و بعد تشریف بردند (۱).

۱- مجلّهٔ خورشید مکّه ، شمارهٔ ۵، صفحهٔ ۱۰، جمادی الاولی و جمادی الثّانیه ۱۴۲۳

۳۷-جلسهٔ حدیث کساء و شفای جوان مسیحی در واشنگتن

در واشنگتن ، در ایالات متّحدهٔ آمریکا ، از طرف مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج سیّد محمّد حسینی شیرازی قدس سِرُّه حسینیّه ای تأسیس شده ، به نام (ألرّسول الأعظم صَلّی الله عَلَیهِ واله) که در دههٔ فاطمیّه ، مراسم عزاداری برای حضرت زهرای مرضیّه سلام الله علیها بر گزار می گردد، و شبهای جمعه نیز ، مراسم دعا و توسّل ، و قرائت حدیث شریف کساء ، بر قرار می باشد .

یکی از روحانیّون بزرگوار ، که از طرف بیت آیه الله العظمی شیرازی ، در آن حسینیّه و مرکز بزرگ دینی ، انجام وظیفه می کند ، نقل می نماید :

روزی در یکی از خیابانهای واشنگتن ، پشت چراغ خطر ، منتظر آزاد شدن راه بودم ، که دیدم یک خانم بی حجاب ، به طرف اتومبیل من آمد، و در حال گریه شدید گفت : حاج آقا شما ایرانی هستید ؟ گفتم بله ، گفت : التماس دعا دارم، من یک جوان ۱۹ ساله دارم ، که سرطان خون دارد، و در بیمارستان بستری است ، و حالش بسیار بد است ، گفتم شما شب جمعه بیائید در مجلس حدیث کساء ، در حسینیّه .

شب جمعه آن زن آمد ، و دعا کرد و از قندهائی که برای تبرّک در جلسهٔ حدیث کساء به حاضرین داده می شود ، به او هم دادیم ، و قدری آش نذری

(شله زرد) نیز به او داده شد، و گفتیم قدری به جوان سرطانی بدهید ، گفت او نمی تواند چیزی بخورد، گفتم اگر یک ذره هم هست در دهان او بگذارید .

دو روز بعد، دیدیم که آن خانم ، گریه کنان به حسینیّه آمد، و خیال کردیم جوانش فوت شده است ، و خواستیم به او تسلیت بگوئیم ، ولی او گفت : حاج آقا ، وقتی مقدار کمی از (شله زرد) را در دهانش گذاشتیم ، فوراً چشم باز کرد و حالش خوب شد ، و پزشکان ، برای بررسی حال او جلسهٔ مشورتی گرفتند ،

ص:۵۵۹

و اظهار داشتند که او شفا یافتهٔ حضرت مسیح علیه السلام است ، ولی من گفتم : او شفا یافته امام حسین علیه السلام است .

در نوبت های بعد ، که آن زن به حسینیّه آمد ، با حجاب اسلامی بود، و روسری بر سر کرده بود، و شخصاً جریان زندگی و شفای فرزندش را برای حاضرین تعریف کرد . او گفت : مردم ! من زنی مسیحی هستم ، و بیست سال قبل ، در ایران من حامله بودم و شوهرم را از دست دادم ، و سپس به آمریکا آمدم ، و در ایران فعّالیّت های تبلیغی یکی از علماء بزرگ نتوانست مرا مسلمان کند ، ولی امروز به برکت امام حسین علیه السلام و حسینیّه ، و به سبب حدیث کساء ، مسلمان می شوم ، و حدیث کسای حضرت زهراء سلام الله علیها مرا به سوی اسلام هدایت کرد .

۳۸-جاذبهٔ معنوی و نور حضرت زهراء سلام الله علیها

او را به سوی اسلام کشید در بسیاری از کشورهای خارجی (در اروپا، آمریکا و کانادا، استرالیا، آفریقا، و قارهٔ بزرگ آسیا) مساجد و حسینیّه ها، و مراکز دینی و علمی زیادی به نام مقدّس فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها تأسیس گشته ، که محل فعّالیّت های تبلیغی و اجتماعی پیروان مکتب مقدّس أهل البیت علیهم السلام می باشد ، و هرکدام از آنها جایگاه تابش انوار آن حضرت ، بر دلها و جانها می باشد .

یکی از فرزندان مرحوم استاد حبیب الله فضائلی (خطّاط نامدار ایران و اسلام و مکتب تشیع (۱)) نقل فرموده بودند :

ص:۵۶۰

۱- استاد حبیب الله فضائلی ، خطّاط نامدار و بزرگی بودند که ، فضائل و ارزشهای والائی را در خود داشتند ، ایشان شاعر و نویسنده ، و صاحب تألیفات بودند ، و از نظر اخلاقی ، فردی متواضع ، با أدب و متین و علاقمند به خاندان رسالت علیهم السلام بشمار می رفتند در عمر پربرکتشان بیشترین اثر را ، در نوشتن قرآن و أحادیث أهل البیت علیهم السلام ، و کتیبه های حرمها و ضریحهای ائمّهٔ معصومین علیهم السلام و امامزاده های عظیم الشّأن ، و مساجد و حسینیّه ها و کتابخانه های مذهبی از خود به جای گذاشتند ، و نام و یاد خویش را جاوید ساختند .

در کشور کانادا ، مسجدی به نام حضرت زهراء سلام الله علیها ساخته شده است ، که موجب هدایت عدّه ای از غیر مسلمانها به سوی مکتب تشیّع و أهل البیت علیهم السلام گردیده است . دختری به سوی اسلام و تشیّع رو می آورد ، و در هنگامی که از او سؤال می کنند : چه چیزی باعث مسلمان شدن شما گردید ؟ در جواب می گوید : هر روز برای رفتن به محل کارم سوار بر وسیلهٔ نقلیّه ای عمومی می شدم ، وقتی آن وسیلهٔ نقلیّه در ایستگاه مقابل مسجد الزّهراء سلام الله علیها توقّف می کرد، یک حالت عجیبی به من دست می داد، تا این که یک روز تصمیم گرفتم پیاده شوم و تحقیق کنم ، پس از آن متوجّه شدم که این ساختمان ، مسجد است ، و متعلّق به مسلمانان ، و محلّ عبادت آنها می باشد ، و به نام حضرت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها نامیده می شود . سؤال کردم فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها کیستند ؟ گفتند دختر پیامبر اسلام ، حضرت خاتم الأنبیاء محمّد مصطفی صَلّی الله عَلَیهِ و اله ، لذا من علاقمند شدم که راجع به آن حضرت تحقیق کنم ، و همین مطلب موجب مسلمان شدن من گردید ، و شیعه دوازده امامی شدم .

۳۹-و این است ، عاقبت کسی که روضه حضرت زهراء سلام الله علیها را نخواند واز...دفاع کند

در ماه جمادی الاولی ۱۴۰۸ قمری ، و نیز جمادی الاولی ۱۴۰۹، یکی از فضلاء و مدرّسین متدیّن ، و مخلص و دلباختهٔ أهل البیت علیهم السلام بالأخص حضرت

زهراء سلام الله علیها در دو رؤیای عجیب و شگفت انگیز ، حقائقی را ملاحظه می کند که، نه تنها با روایات و عقائد شیعه منطبق است ، بلکه هماهنگی دو رؤیا در دو سال ، و جریاناتی که در سالهای بعد اتّفاق افتاد ، نشانه های صدق رؤیا و هشدار بسیار جدّی برای همهٔ طلّاب و عهده داران مسئولیّت های دینی و روحانی می باشد ، و اینک شرح ماجرا:

در ماه جمادی الاولی ۱۴۰۸ قمری ، همزمان با ایّام فاطمیّه أوّل ، صبحها در منزل یکی از اساتید حوزهٔ علمیّه ، جلسهٔ عزاداری برپا بود، و من شرکت می کردم ، در شب پنجشنبه ای در عالم خواب دیدم ، یکی از مراجع بزرگ که دارای موقعیّت رسمی نیز بودند، با ابهّت زیادی وارد مدرسهٔ علمیّه ... شدند ، و یکی از اساتید مدرسه به استقبال ایشان رفتند ، و استاد بزرگوار دیگری در حالی که می گریستند مسائل مربوط به اصفهان و حوزهٔ علمیّه ، و درد دلهای خود را می گفتند ، آن مرجع بزرگوار عصبانی شده بودند و گوشی تلفن را برداشتند ، و به آن کسی که سردمدار بسیاری از مسائل نگران کننده بود، خطاب می کردند ...،... (بدون ألقاب و ألفاظ احترام آمیز) ناگهان متوجّه شدم که مرحوم آیه الله خادمی قدس سِرّه (1) با حالت خوشحالی تشریف می آورند ، و من نیز با دیدن ایشان خوشحال شدم ، و رفتم زیر بغلهای ایشان را گرفتم ، و به این بهانه

۱- مرحوم آیه الله ، حاج آقا حسین خادمی ، از برجسته ترین علماء حوزهٔ علمیّهٔ اصفهان ، و رئیس حوزهٔ علمیّه بودند ، و در برابر افکار و اندیشه های انحرافی ، و خطوط التقاطی و ضدّ ولایت أهل البیت علیهم السلام نقش بسزائی داشتند ، و شخصیّت و بیت ایشان ، پناهگاهی برای مردم با ایمان و طرفداران ارزشهای اصیل مکتب تشیّع به حساب می آمد .

وارد مجلس شـدم ، و همهٔ اساتید و طلّاب ، به احترام ایشان برخاسـتند ، ولی ناگهان دیدم ... در حال احتضار می باشد (بدون لبـاس روحـانیّت) و آیه الله خـادمی تشـریف آوردنـد و در کنـار او نشسـتند ، و با انجام برنامه هائی شادمانی می کردنـد، و به طلّاب حاضر نیز دستور دادند که آنها هم همراهی کنند و شادمانی نمایند، و یک نفر به همان شخصی که در حال احتضار بود و لباس روحانیّت نداشت و جوراب زنانه پوشـیده بود گفت : این است عاقبت کسی که روضهٔ حضرت زهراء سلام الله علیها را نخواند و از ... لعنت الله علیه طرفداری کند .

دقیقاً پس از یک سال (در ایّام فاطمیّه ۱۴۰۹) در شب پنجشنبه ای مجدّداً در عالم خواب دیدم که ، برای تبلیغ دین عازم یکی از کشورهـای خـارج ایران هسـتم ، و به دنبال انقلابی که در آنجا رخ داد ، امکانات سـفر فراهم گشت ، و پس از ورود به آن کشور وارد سـالنی شـدیم ، ناگـاه متوجّه شـدیم که صـدای در خـانه بلنـد شـد و ... (همان شخصـی که در رؤیای سال قبل به صورت محتضـر افتاده بود) بدون لباس روحانیّت همراه شـخص دیگری وارد شدند ، و عدّه زیادی از طلبه ها که از مدرسه ای بودند که با آن شخص دارای هماهنگی فکری و روحی بودند ، و عموماً لباسی نامناسب با لباس روحانیّت بر تن داشتند ، وارد گردیدند، و آن شـخص مجدّداً در جلو سالن مثل محتضـر خوابیده بود، و عبائی بر روی آن کشیده شده بود، و یکی از اساتید حوزهٔ علمیّه (که دارای علاقه و اعتقاد زیادی نسـبت به أهل البیت علیهم السـلام و حضـرت زهراء سلام الله علیها هستند) وارد شدند، و خوشحال بودند و به طلبه های آن مدرسه نیز دستور دادند شادی کنید .

نکته های مهمّی در این دو رؤیا وجود دارد، از نظر زمان و فاصلهٔ دو رؤیا ، و اتّفاقاتی که در عالم رؤیا رخ داده ، و این که آن شخص ، در اثر هم سوئی

و حمایت از منحرفین از مکتب أهل البیت علیهم السلام گرفتار مشکلات فراوان گردید ، و خیر و برکت از عمر و زندگی خود ندید !! .

۴۰-بگو یا زهراء ، و بیا بالا

در شروع نهضت فاطمیّه ، در سال ۱۴۱۱ قمری ، یکی از دبیرهای آموزش و پرورش اصفهان (که مردی متدیّن ، و از شعرای أهل البیت علیهم السلام می باشد ، و أشعار فراوانی در مدح و مرثیهٔ خاندان رسالت ، بالأخص حضرت زهراء سلام الله علیها و أبی عبد الله الحسین علیه السلام سروده ، و مورد استفادهٔ مدّاحان و مرثیه خوانها می باشد) یکی از روزها ، از راه بسیار دور به منزل این کمترین ، که مجلس سوگ و عزای فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها برقرار بود آمد ، و در حالتی منقلب جریان تشرّف خودش را ، که همراه با نشانه های صدق و حقیقت بود بیان نمود:

دیشب در عالم خواب دیدم که ، اعلام شد حضرت بقیّه الله عجّل الله تعالی فرجه تشریف آورده اند ، و با اشاره به یک سوئی ، گفته شد که آقا آنجا تشریف دارند، وقتی نظر کردم دیدم موانع زیادی بین من و محل ایستادن آقا وجود دارد ، از قبیل : آتش و گودال و آب زیاد . من همهٔ موانع را پشت سر گذاشتم ، و خودم را به آب زدم ، و به طرف جایگاه آن حضرت رفتم ، ناگاه دیدم حضرت در خشکی، و در پایان آبها ایستاده اند و فرمودند :

دستت را به من بده ، و بگو یا زهراء ، و بیا بالا

وقتی یا زهراء گفتم ، حضرت دستم را گرفتند و از آب بیرون کشیدند ، که ناگاه دیدم ، همهٔ مردم نیز یا زهراء گویان ، به جانب حضرت به راه افتادند .

***

ص:۵۶۴

۴۱-هرگاه به یاد آن دیدار ، و آن خیمه می افتم قلبم می خواهد از هم بپاشد

یکی از روحانیّون فعّال (که از طلّاب حوزهٔ علمیّه می باشد ، و در منطقه و محل خود، در برنامه های فاطمیّه ، مخلصانه فعّالیّت گسترده ای دارد) می نویسد: به دنبال جلسهٔ عزاداری و سوگواری بر فاطمهٔ زهراءسلام الله علیها در مسجد روستای محل زندگیمان ، در ایّام فاطمیّه ، در سال ۱۳۷۲ شمسی (۱۴۱۴ قمری) بعد از پایان یافتن مراسم روضه و عزا ، با خدای خود و حضرت زهراء سلام الله علیها مناجات و زمزمه ای داشتم ، که اگر این عزاداری مورد قبول قرار گرفته ، و حضرت زهراء سلام الله علیها آن را پسندیده اند ، اثری و نشانه ای ظاهر شود، آنگاه ده مرتبه صلوات مخصوص فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها یعنی :

أَللّهُمَّ صَلِّ عَلی فاطِمَةَ و أبیها ، و بَعلِها وبَنیها ، و السِّرِّ المُستَودَعِ فیها

بِعَدَدِ ما أحاطَ بِه عِلمُکَ

را خواندم و خوابیدم ، همان شب در عالم رؤیا دیدم که ، در همان مسجد محل که مراسم عزاداری بر پا بود وارد شدم ، و مسجد بسیار پاکیزه بود و کسی در آنجا نبود ، ولی در محلّی که وسائل چای و پذیرائی نهاده می شد ، خیمهٔ سفید و کوچکی نصب شده است ، فقط دو نفر از علماء و سادات بزرگوار را دیدم که یکی در درگاه خیمه نشسته ، و دیگری در حال رفت و آمد است ، و دیدم در محلّ گودی ، تابلوها و پوسترهای حضرت فاطمه سلام الله علیها که در کوچه و بازار و خیابانها و منزلها در عالَم بیداری نصب می شود ، به وسیلهٔ آن عالمی که آنها را تهیّه و چاپ و منتشر می نماید ، به سرعت از آن محل گود ، در آورده و پخش می شود ، و من خواستم وارد آن خیمه شوم ، آن دو بزرگوار (که هر دو را

می شناسم)مرا منع نمودند، و فرمودند : شما نامحرم هستی و من متوجّه شدم که چه کسی (یعنی حضرت زهراء سلام الله علیها) در خیمه هستند ، و دیدم نور مایل به سبزی از صورت آن دو بزرگوار ظاهر بود .

در سال ۱۳۷۳ (۱۴۱۵ قمری) در شب آخر مجلس روضه و عزاداری ، در همان مسجد و همان محل ، پس از پایان مجلس ، در عالم رؤیا ، مشابه خواب سال گذشته را دیدم ، لکن من خودم چای می آوردم و به یکی از آن دو بزرگوار می دادم ، و ایشان به نفر دوّم تحویل می دادند، و نفر دوّم به داخل خیمه می بردند، و به من اجازه ورود ندادند ، و فقط آن دو بزرگوار به داخل خیمه می رفتند .

در سال ۱۳۷۴ (۱۴۱۶ قمری) در شب آخر مجلس ، عیناً همان خواب دو سال قبل را دیدم ، فقط مطلب جدیدی که دیدم این بود که بالای درب مسجد محلّ عزاداری ، تابلوئی نصب شده با این عبارت : دار التّبلیغ فاطمه الزّهراء سلام الله علیها و در دو طرف این تابلو ، در هر طرف ، نام یکی از آن دو بزرگواری که در هر سه رؤیا مسئول خیمهٔ حضرت زهراء سلام الله علیها بودند ، نوشته شده بود ، و من به فکر فرو رفته بودم که این دو بزرگوار چه نقش مهمّی دارند ، که نامشان در دو طرف تابلو نقش بسته است ؟ وقتی وارد مسجد شدم ، دیدم در تمام مسجد ، پوسترهای چاپ شده نصب شده است ، و هم چنین تابلوهائی که با پارچه های جیر اعلاء، به وسیلهٔ کارخانهٔ گلبافت تهیّه شده ، آنها هم در اطراف مسجد قرار داده شده بود .

در این نوبت رؤیا ، در نزد خودم فکر کردم که سینی چای را شخصاً به داخل خیمه می برم ، تا از داخل خیمه مطّلع شوم ، و این بار آن دو بزرگوار منع جدّی

نکردند ، بلکه یکی از آنها تبسّمی هم نمودند ، و وقتی وارد خیمه شدم و به آرزویم رسیدم ، صحنه ای دیدم که هرگاه به یاد آن دیدار و آن خیمه می افتم ، قلبم می خواهد پاره شود، و هیچ گاه در تمام عمر چنین حالت معنوی و روحی برایم حاصل نشده است . دیدم تشکی پهن است ، و دو بالش گذاشته شده و بی بی دو عالم فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها بر آن تکیه زده اند ، و صورت حضرت را دیدم و بدنم به لرزه افتاد ، و عرق از من می ریخت ، و قلبم می تپید ، و از صدای گریه و ناله ام ، أطرافیانم مرا بیدار کردند .

به فکر فرو رفتم که چرا در دو سال گذشته ، هرچه کردم مرا به خیمهٔ حضرت زهراء سلام الله علیها و به ملاقات حضرت راه ندادند، و در سال سوّم اجازه ورود و ملاقات دادند ؟ با یکی از علماء بزرگ قم در میان گذاشتم ، ایشان فرمودند : در دو سال قبل به حضرت زهراء سلام الله علیها نامحرم بوده ای ، و در سال سوّم به علّت ازدواج با یک علویّه از سادات صحیح النسب طباطبائی ، با آن حضرت محرم شده ای ، و عنوان دامادی آن حضرت را یافته ای .

در این رؤیاهای پی در پی در سه سال ، آنهم در شب آخر مجلس ، پس از انجام خدمتگزاری خالصانه به آستان مقدّس حضرت زهراء سلام الله علیها (با یک محتوی و با خصوصیّات کاملاً مشابه) و تکامل یافتن مراسم ، با نصب تابلوی دار التّبلیغ فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها و نیز تزئین تمام مسجد با انواع پرچمها و پوسترها و اجازه دیدار یافتن شخص بینندهٔ خواب (پس از انجام خدمات و کوشش صادقانه در برگزاری مجلس عزاداری فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها و تشویق عموم مردم به احیای فاطمیّه سلام الله علیها) نکته های لطیف و بشارت های جالبی است که ، طالبان فیض را به سوی منبع نور و برکت ، به حرکت می آورد .

ص:۵۶۷

۴۲-اینها را به عنوان برات ، به کسانی بدهید که در این مجلس شرکت می کنند

یکی از فضلاء عالیقدر ، که در درس خواندن و تدریس و تالیف کتاب ، به موفقیّت هایی دست یافته ، و از نظر تقوی و معنویّت ، دارای مقامی بس بلند می باشد ، در سال ۱۴۱۱ قمری (اوّلین سال شروع نهضت فاطمیّه) در أیّام شهادت صدّیقهٔ کبری ، فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها در شب نیمهٔ ماه جمادی الُاولی ، در عالم رؤیا می بیند که ، دو بانوی با عظمت زیر بغلها و دو بازوی بانوی مقدّسه ای را گرفته ، و به منزل یکی از علماء و سادات ، که در همان ایّام ، مجلس عزاداری عجیب و پرفیضی برگزار بوده ، تشریف آوردند . از نشانه های روشنی مشخّص گردیده بود که ، آن بانوی مقدّسه ، حضرت فاطمهٔ، زهراء سلام الله علیها هستند ، و صدائی بلند شده ، و آن دو بانوئی را که زیر بغل حضرت زهراء سلام الله علیها را گرفته بودند معرّفی کرده بود، آن بانوئی که در طرف راست حضرت فاطمه سلام الله علیها بودند ، حضرت زینب کبری سلام الله علیها و آنکه در طرف چپ بودند ، حضرت اُمّ کلثوم سلام الله علیها بودند .

حضرت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها پاکت بزرگی که در آن ورقه های زیادی بوده ، به صاحب مجلس عزاداری دادند و فرمودند :

اینها را به کسانی بدهید که ، در این مجلس شرکت می کنند

این رؤیا دو مرتبه تکرار می شود ، و در مرتبهٔ دوّم ، صاحب منزل و مجلس در عالم رؤیا و در محضر حضرت زهراء سلام الله علیها حالت بکاء و گریه شدیدی داشته است .

بینندهٔ خواب ، امیدواری به مجلس یاد شده أفزایش می یابد ، و به قصد توسّل ، برای حلّ مشکل تهیّهٔ کتابهائی که برای کارهای علمی و درسی لازم

داشته ، در مجلس یاد شده شرکت می کند ، و عصر همان روز ، شخصی به حجرهٔ او می آید، و با اصرار زیاد مبلغ پولی را به او می دهد و می رود ، وقتی پولها را می شمارد ، دقیقاً و بدون کم و زیاد ، همان مبلغی بوده که مورد نظر و نیّت او بوده است ، و بدین وسیله ، به شکلی معجزه آسا ، عنایت ویژهٔ حضرت زهراء سلام الله علیها نه تنها مشکل او را بر طرف می کند ، بلکه با توجّه به عنایت آن حضرت، در حالتی از شوق و شعف ، و احساسی معنوی قرار می گیرد ، و صدق رؤیای خود را در می یابد .

۴۳-چهرهٔ کبود شده ای نمایان گردید ، و نظری به من نمود

در سال ۱۴۱۱ قمری ، و شروع نهضت فراگیر فاطمیّه ، یکی از دلباختگان فاطمه زهراء سلام الله علیها که با علم و دانش ، و با زبان و قلم و کوشش های خود، خدمت زیادی به أرزشهای دینی و مکتب مقدّس أهل البیت علیهما السلام نموده است، جریان جالبی را نوشت و در اختیار این کمترین خدمتگزار آستان مقدّس حضرت زهراء سلام الله علیها قرار داد، که فشردهٔ آن را می خوانید :

در دههٔ فاطمیّهٔ امسال ، جذبهٔ خاصّی را در وجود خویش احساس می نمودم ، لذا با عشق فراوانی در مجالس سوگواری حضرت صدّیقهٔ أطهر سلام الله علیها ، مخصوصاً مجلس روضه خوانی (که صبحها در منزل یکی از أساتید بزرگوار و سادات محترم تشکیل می شود) شرکت می کردم، و احساس می کردم در آن مجلس ، نورانیّت عجیبی برایم حاصل می شود .

جمعه شبی بود، و سخت در غم و أندوه فرو رفته بودم ، و مشکل عظیمی اتّفاق افتاده بود، و مرا در زیر فشار خود به سختی گرفتار کرده بود، و من با خودم حدیث نفس می کردم و می گفتم : آیا می شود حضرت زهراء سلام الله علیها به این

گدای ناقابل نظر لطفی مبذول فرمایند ؟ بالأخره در حال گریهٔ شدید ، و در حالی پریشان و مضطر ، حدود دو ساعت در عالَم رؤیا خوابی طولانی دیدم ، و در هنگامی که بیدار شدم گریه می کردم ، و خلاصهٔ آن خواب این است :

جمعیّت فوق اُلعاده ای مشغول تشییع جنازه بودند، و از نشانه ها معلوم بود که جنازهٔ مطهر حضرت زهراء سلام الله علیها است ، و جنازه را به سوی مکانی بردند که شبیه خانه های قدیمی بود، و این گدای ناقابل نیز که در میان جمعیّت بودم با خود می گفتم آیا حضرت زهراء سلام الله علیها توجّهی به ما دارند یا نه ؟ به صورت اعجاز ، دری از آن خانه باز شد و من داخل خانه شدم ، و جنازهٔ حضرت از روی دستهای جمعیّت ، در آن خانه قرار داده شد، و در آن حال پارچهٔ سفیدی که بر روی تابوت بود به أندازهٔ صورت عقب رفت ، و چهرهٔ کبود آن حضرت نمایان گردید (۱) و نگاهی به من نمودند ، و دو مرتبه پارچه روی صورت را گرفت ، و در این موقع ، زبانم قدرت تکلّم نداشت ، و وحشت زده شده بودم ، از وضعیّت صورت حضرت ، و نگاه عمیق ایشان ...

پس از آن تشرّف و آن نگاه لطف ، تمام آن غم و أندوهها برطرف شد ، و آن مشکلاتی که مرا در هم می شکست برطرف گردید .

این نویسندهٔ کمترین ، در تاریخ هفتم محرّم اُلحرام ۱۴۲۳ قمری ، با صاحب داستان ، ملاقات داشتم ، و ایشان ضمن تأیید قضایای گذشته ، اظهار داشتند : هم اکنون که آن مشکلات را به یاد می آورم ، و برطرف شدن آنها را مورد توجّه قرار میدهم ، بر خود می لرزم ، و برکات آن عنایت تاکنون در زندگیم ادامه

۱- شخص یاد شده از ذراری حضرت زهرا سلام الله علیها نمی باشد ، ولی همسرش علویّه است ، و بدین وسیله بر حضرت زهرا سلام الله علیها محرم میباشد

داشته است .

گر نگاهی به ما کند زهرا

دردها را دوا کند زهرا

۴۴-هدایا را به همهٔ حضّار بدهید

در سال ۱۴۱۷ قمری ، در آستانهٔ فرا رسیدن ایّام فاطمیّه ، مطابق برنامه همه ساله با جمعی از دلسوختگان مصائب فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها که از حوزهٔ علمیهٔ و بازار و تحصیل کرده های دانشگاهی و دیگر أقشار بودند ، عازم مسافرتی تبلیغی ، برای آگاه کردن و به حرکت درآوردن مردم برخی از استانها شدیم (۱) . یکی از روحانیّون علاقمند و دلسوختهٔ حضرت زهراء سلام الله علیها که در سفر سال گذشته همراه کاروان تبلیغی بود و خدمات شایانی کرد و لذّت معنوی فراوانی برد، به دلائل شخصی و خانوادگی ، موفّق به همراهی در مسافرت سال ۱۴۱۷ نگردید ، و بسیار نگران بود، و در همان زمان موفّق به زیارت امام علی بن موسی الرّضا علیه السلام گردید ، و برای موفقیّت برنامه های فاطمیّه سلام الله علیها و کاروان تبلیغی ، بسیار دعا می کرد . در شب جمعه ای که أعضاء کاروان تبلیغی در مسافرت بودند، در عالم رؤیا می بیند که ، دوستان فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها از سفر تبلیغی برگشته اند ، و در منزل این نویسندهٔ کمترین اجتماعی دارند ، و از طرف حضرت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها صندوق هدایائی فرستاده شده ، که از جای خوش آب و هوا و قابل احترامی (شاید بهشت) آمده بوده، و در آن صندوق ، بسته های زیبائی قرار داشته ، که بایستی به أفراد کاروان داده شود، ولی در هنگام تقسیم هدایا پیام دیگری رسیده بود،

۱- در بخش مسافرتهای فاطمیّه گزارشی از این سفرها را عرضه نموده ایم .

که به همـهٔ حضار بدهید ، و به آن روحانی علاقمند و دلباختهٔ حضـرت زهراء سـلام الله علیها (که نیّت همراهی و همکاری در برنامه های فاطمیّه را داشـته ، ولی به علّت مشـکلات شخصی موفّق نگردیده بوده ، و تنها با دعای خیر کاروان فاطمیّه را بدرقه می کرده) نیز هدیهٔ فاطمی داده می شود .

در آن فضـای ملکوتی و نورانی ، همه خوشـحال و شادمان بوده انـد که ، از طرف حضـرت زهراء سـلام الله علیها مورد عنایت قرار گرفته انـد ، و این کمترین هم خشـنود بوده ام که اگر بـا دعوت دوسـتان به این سـفرها ، و برنامه های پرمشـقّت ، أسـباب زحمت آنها را فراهم نموده ام ، ولی با لطف و عنایت مخصوص حضرت صدّیقهٔ طاهره سلام الله علیها خستگی کارها و سفرها جبران می شود ، و همه به برکات و فیض های بزرگی نائل می شوند .

۴۵–ایشان بخشیده شده ، از او پذیرائی کنید

یکی از جوانهای دلبسـته به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام در سال ۱۳۷۵ شمسی چنین جریانی در عالم خواب برایش رخ می دهـد . روز قیـامت فرا رسـیده بود، چهـار نفر دست و پای مرا گرفته بودنـد ، و می خواسـتند در آتش بیندازنـد ، من با چشـمانی پر از اشـک ، روی به چهارده معصوم علیهم السـلام می آوردم ، و به آنها متوسّل می شـدم ، و آنها را قسم می دادم که به من کمـک کننـد ، و مرا از این آتش سوزان و عظیم نجات دهنـد ، ولی هیـچ کس جواب مرا نمی داد ، و هیـچ کس به کمک من نمی آمد ، در لحظات آخر که می خواسـتند مرا در آتش بیندازند (آتشـی که شـعله هایش کشیده و سوزان بود، و از آتش ، صـدای گریه و نـاله بلنـد می شـد) یک لحظه ، با دلی سوخته و چشـمانی پر از اشک ، به حضـرت فاطمه سـلام الله علیها گفتم : یا فاطمه الزّهراء سلام الله علیها ، من و پدرم که اینقدر

به پسرتان خدمت کردیم ، منی که شب و روز در حسینیّه او کمک می کردم ، در عزاداری و روضه خوانی آن شرکت و کمک می کردم ، و هر چه در توانم بود و می توانستم ، برای حسینت انجام می دادم ، ولی حالا پسرتان به کمک من نمی آیند ، تا مرا از این آتش و این همه عذاب نجات دهند . همین طور که داشتم اینها را می گفتم ، و درد دل می کردم، و خود را سرزنش می نمودم ، دیگر امیدم از همه جا و همه کس قطع شده بود ، دیگر داشتم از حال می رفتم ، در همین موقع

که آن چهار نفر دست و پای مرا گرفته بودند ، و داشتند مرا تکان می دادند که در آتش بیندازند) دیدم کسی گوشه ای از پیراهن سفید بلندی که بر تن داشتم را گرفت ، و با لحن زیبا و جالب گفت : ایشان بخشیده شد ، از او پذیرائی کنید . من تا این سخن را شنیدم ، به اطراف خود نگاه کردم ، تا صاحب صدا را پیدا کنم، ولی کسی را پیدا نکردم ، آن چهار نفر مرا آهسته و آرام بر روی زمین گذاشتند ، و در همین لحظه نگاهی به آتش کردم ، دیدم که آتش کم کم خاموش شد، و زمین صاف و زیبائی به وجود آمد، ولی من فقط دنبال صاحب صدا می گشتم ، در همین حال دوباره نگاهم به آنجائی که آتش عظیم می سوخت افتاد ، درختهائی سبز شد با میوه هائی مختلف ، و درختهائی عظیم و بلند و بسیار قشنگ روئید، و همین طور درختان و گلها از زمین می روئیدند و صدای بلبلان تمام فضا را گرفته بود، گلها بوی عطر می دادند، و آن آتش سوزان تبدیل به گلستان شد ، و در همین هنگام دیدم مردی با قامتی کشیده و پیراهن سبز بلند ، از چند قدمی من عبور می کرد، از او پرسیدم : ای برادر ! آیا شما می دانید که چه کسی مرا از این آتش عظیم و سوزان نجات داد ، آن مرد جوان گفت :

آری ، حسین ، پسر فاطمه

ص:۵۷۳

گفتم : می خواهم این حسین مهربان را ببینم ، در جواب من گفت : تو لیاقت دیدن امام حسین علیه السلام را نداری ، همین که صدای ایشان را شنیدی بس است ، شکرش را بکن ، بسیارند آنانکه صدای حسین علیه السلام هم به گوششان نمی رسد ، در همین موقع از خواب پریدم ، از تمام وجودم عرق جاری بود ، بدنم از عرق خیس شده بود ، سرم به قدری درد می کرد که نزدیک بود از حال بروم ، حالم أصلاً خوب نبود ، به زحمت بلند شدم و آهسته و آرام ، چند دور ، دور مدرسه راه رفتم ، تا کمی آرام گرفتم ، و به حجرهٔ خود برگشتم ، بسیار خسته بودم و می ترسیدم ، أفکار گوناگون تمام وجودم را گرفته بود، تا این که بعد از مدّتی دوباره به خواب رفتم .

۴۶–شفای طفل سرباز فاطمهٔ زهراء

یکی از طلّاب حوزهٔ علمیّه ، که سیّدی علاقمند و دلبسته به أهل البیت علیهم السلام می باشد ، و در ایّام فاطمیّه خدمات ارزشمندی در ترویج برنامه های حضرت زهراء سلام الله علیها انجام داده و می دهد ، فرزندی پیدا می کند ، و در دو سالگی او متوجّه می شوند که در قلب او سوراخی است ، و دچار تشنّج نیز می شود ، و پس از مراجعه به چندین پزشک و تأئید مطلب ، دست به دامان أئمّهٔ اطهار علیهم السلام بالأخص حضرت بقیّه الله الأعظم عجّل الله تعالی فرجه می شود و عرضه می دارد: یا صاحب الزّمان علیه السلام فرزند یکی از سربازان بی لیاقت شما مریض شده است ، شما را به حقّ مادرتان حضرت زهراء سلام الله علیها قسم می دهم که ، شفای فرزندم را از خدا بخواهید ، و بعد از آن روزی فرزندش را نزد یکی از متخصّصان قلب کودکان می برد، و پس از انجام اِکُو و آزمایشات لازم اعلام می دارد که ، سوراخی که در قلب وجود داشته ، و به اندازهٔ ناخن دست بوده بسته شده ، و عمدهٔ آن برطرف

گردیده است . و بدین وسیله ، سرباز امام زمان علیه السلام و خدمتگزار آستان مقدّس حضرت زهرای مرضیّه سلام الله علیها پاداش سربازی مخلصانهٔ خود را می گیرد، و خود و همسر و خانواده شان شادمان می گردند .

۴۷-عطر افشانی در جلسه فاطمیّه سلام الله علیها

در روز شهادت صدیقّهٔ طاهره سلام الله علیها (سوّم جمادی الثّانیه ۱۴۱۷ قمری) در مسجد نو بازار ، مجلس عزاداری برای فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها تشکیل دادیم ، که أکثر شرکت کنندگان در مجلس ، از مدرّسین و فضلاء وطلّاب ، و بخشی هم از بازاریان و کسبه بودند ، و مجلس باشکوه و پرفیض و عجیبی بود، که شور عزاداری بر همهٔ حاضرین حاکمیّت داشت ، و پس از اتمام جلسه ، از مسیر بازار و قسمتی از خیابان عبد الرّزاق ، به سوی مزار شریف علّامهٔ مجلسی قدس سِرّهُ (در جوار مسجد جامع) به صورت دستهٔ عزاداری حرکت کردیم ، و در طول راه، و در حرم مطهّر علّامهٔ مجلسی ، اشک جاری ، و سوز عزاداری ، و متانت و نظم عزاداران ، همهٔ عابرین و سرنشینان اتوبوسها و سواریهای مسیر خیابان را تحت تأثیر قرار داده بود، و آنها هم هماهنگ با دستهٔ عزاداری ، نسبت به حضرت زهراء سلام الله علیها عرض أدبی می کردند ، و جمعیّت کثیری از مردم ، به جمع عزاداران پیوستند . در أوّل مجلس ، در مسجد نو بازار (که شمار محدودی از عزاداران حاضر شده بودند و جلسه رسمیّت نیافته بود) و به یکی از طلّاب سادات پیشنهاد کردم که با سخنانی کوتاه ، عرض ادب و توسّلی به حضرت زهراء سلام الله علیها داشته باشند ، و ایشان قبول کردند . ایشان در شام شهادت ، در عالم رؤیا می بینند که ، مجلسی برقرار است ، و یکی

از علماء سادات ، که در جریان فاطمیّه خدمات فراوانی انجام داده اند، ظرفی از عطر در دستشان هست ، و عطر افشانی می کنند ، و مقداری از همان عطر را به گویندهٔ یاد شده می دهند ، و او غرق در نشاط و سرور می شود ، و لذّت فراوانی می برد، که برای او موجب شکر و سپاسگزاری بر توفیق در امر خدمتگزاری در أمر فاطمیّه سلام الله علیها می گردد .

۴۸-پاداش هائی بزرگ ، برای فداکاریهای با اخلاص

اشاره

یکی از طلبه های پر سوز و شور و فداکار و با اعتقاد ولائی ، که سالها است در برنامه های مرتبط با حضرت زهراء سلام الله علیها و مراسم بزرگداشت شهادت آن حضرت، با اعتقادی محکم ، و جِدّیّتی کم نظیر فعّالیّت می کند ، و تواضع و أدب او در برابر خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام ، شایان توجّه می باشد ، نمونه هائی از عنایات حضرت زهراء سلام الله علیها و أهل البیت علیهم السلام را با اصرار شدید این نویسنده کمترین (بدون نام و عنوان) مرقوم داشته اند ، که برای روشنی چشم دلباختگان حضرت زهراء سلام الله علیها تقدیم می نمایم :

شما بروی طلبگی ، به نفعت می باشد

قبل از ورود در حوزهٔ علمیّه ، و اشتغال به برنامهٔ طلبگی ، در دبیرستانی درس می خواندم ، ولی در اثر وجود بعضی از مفاسد اخلاقی ، و رفتارهای منافی با دستورات دینی ، آن دبیرستان را ترک کردم ، و به دنبال شغلی بودم ، ولی پدرم دوستان زیادی داشت ، که با کمک آنها می خواست تحصیل خود را ادامه بدهم ، و در زمینهٔ پزشکی در ارتش ، یا مهندسی کشاورزی تحصیل کنم ، ولی یکی از دوستان پدرم گفت : برای انتخاب مسیر کار و برنامهٔ زندگیت ، برو نزد آیه الله

صدّیقین [(۱)] استخاره کن . همراه بـا یکی از دوسـتانم ، آدرس ایشـان را پرسـیدیم و رفـتیم در زدیم ، آقـا خودشـان تشـریف آوردنـد ، و فرمودنـد : بفرمائیـد ، عرض کردم : اسـتخاره می خـواهم ، در را بسـتند ، و پس از یـک دقیقه در را بـاز کردنـد و فرمودند : شـما بروی طلبگی ، به نفعت می باشد . برای من تعجّب زیادی پیدا شد ، چونکه نه ایشان مرا می شـناختند ، و نه من موضوع اسـتخاره را گفتم ، و لذا تصـمیم گرفتم که وارد حوزهٔ علمیّه شوم ، و به مخالفت های بسیار زیاد و گسترده ای که می شد ، اعتنا نکنم .

نور حضرت زهراء علی چراغ راه زندگیم

سال أوّل طلبگی با دوسـتانی آشـنا شدم که در کارهای مراسم بزرگداشت شـهادت حضـرت زهراء سـلام الله علیها فعّالیّت می کردند ، و من هم در زمینهٔ نصب پوسترها در سـطح شـهر ، و در مغازه های خیابانها همکاری کردم . شب پنجشـنبه ای بود که فردای آن ، امتحان یکی از درسـهای اصـلی من بود، و از قضا ، برنامهٔ نصب پرچم ها در سـطح شهر [(۲)] در آن شب انجام می گرفت ، و من تصـمیم گرفتم که در برنامـهٔ یاد شـده شـرکت کنم ، و به همدرسـی هایم گفتم : بیائید ما هم برویم برای نصب پرچم هـا، آنهـا گفتنـد : این کارهـا که فردا در جلسه امتحان ، برای ما جواب سؤال امتحانی نمی شود ، من به آنها گفتم : اگر فردا در

۱- متوفّای ایّام فاطمیّه ۱۴۱۴ قمری

۲- نصب پرچمهای بزرگداشت شـهادت حضرت زهراء سلام الله علیها در شب انجام می گرفت ، و شرکت کنندگان در برنامه ، پس از عزاداری پر شور و سوزی برای آن حضـرت ، از ساعت ۱۰ شب تا أذان صـبح پرچمها را نصب می کردند ، در حالی که همه با وضو بودند .

جلسهٔ امتحان موفّق نشوم، بعد از ایّام فاطمیّه با موافقت استادان ، مجدّداً امتحان میدهم ، ولی موفقیّت خدمت به آستان مقدّس حضرت زهراء سلام الله علیها قابل جبران نیست ، و ممکن است تا سال دیگر هم زنده نباشم که در این برنامه شرکت کنم . شب شد ، و برنامهٔ دعای توسّل و عزاداری ، در مدرسهٔ مرحوم آیه الله خادمی قدس سِرّهُ انجام شد، و حرکت کردیم برای نصب پرچمها در میدانهای شهر ، برخی از خدمتگزاران برنامهٔ فاطمیّه ، به خاطر سرمای شدیدی که در آن زمان بود ، و نصب پرچمها نیز در فضای باز ، و بالای تیرهای چراغ برق ، و بر روی نردبانهای بلند بایستی انجام گیرد ، به من پیشنهاد کردند که تو برگرد، با سنّ و سال کمی که داری ممکن است سرماخوردگی پیدا کنی و أذیّت بشوی ، ولی گفتم من تصمیم خود را گرفته ام و می آیم ، و تا هنگام اذان صبح ، همکاری کردم و پس از خواندن نماز خوابیدم ، و ساعت ۹ صبح بیدار شدم ، در حالی که با خستگی زیاد و سرمای شدید شب گذشته ، آمادگی ظاهری برای شرکت در امتحان نداشتم ، ولی به هر شکلی بود در جلسهٔ امتحان حاضر شدم ، و مشغول نوشتن پاسخ سؤالات شدم ، ولی از شدّت خستگی ، در وسط امتحان به خواب رفتم و دوستانم مرا بیدار کردند . احساس کردم ، کار بر من مشکل شده است ، متوسّل به حضرت زهراء سلام الله علیها شدم ، و به آن حضرت استغاثه نمودم ، ناگاه احساس کردم که وقتی به سؤالها نگاه می کنم ، گویا جوابهای آنها در دفترم ، در جلو چشمم می باشد ، جواب همهٔ سؤال ها را نوشتم ، و برگه را تحویل دادم ، پس از این که نتیجهٔ امتحانات اعلام شد ، تنها کسی که نمرهٔ ۱۹ آورده بود من بودم ، و بقیّه به نتیجهٔ دلخواه و مطلوب خودشان دست نیافتند .

ص:۵۷۸

مشکل سربازیم را حل کردند

چند سالی گذشت ، و همسر و یک فرزند نصیبم شده بود ، شبی با همسرم و پدر او نشسته بودیم ، گفتم می خواهم سربازی خودم را بخرم(۱) گفتند : با چه پولی ؟ گفتم با امام حسین علیه السلام ، با حضرت زهراء سلام الله علیها گفتند : اینها درست است ، ولی پول نمی شود، گفتم بلی می شود .

به دوستانم ، که در راه عزاداری با آنها همراه و هم نوا هستیم ، گفتم چهارده شب ، چهارده عدد زیارت عاشوراء ، به عنوان نذر حضرت زهراء سلام الله علیها و حضرت زینب سلام الله علیها و حضرت نرجس خاتون سلام الله علیها بخوانیم ، که مشکل سربازی مرا آنها برطرف کنند ، و نخواهیم به کس دیگری التماس کنیم . شب هفتم رسید که سه شنبه بود ، در عالم رؤیا دیدم که در حیاط مدرسهٔ علمیّه ایستاده ام ، و خیلی ناراحت بودم برای این قضیّه ، شخصی آمده و با دست سر شانه من زد و گفت : فلانی چه مشکلی داری ؟ چرا این قدر ناراحتی ؟ گفتم مشکل سربازی دارم ، گفت می خواهی چه کار کنی ؟ گفتم می خواهم بخرم، دست کرد توی جیبش و پنج عدد چک یکصد هزار تومانی به من داد و گفت : برو دنبال کار سربازیت ، و بقیّه اش را هم فراهم می کنیم . وقتی از خواب بیدار شدم ، به فال نیک گرفتم و امیدوار شدم ، صبح پنجشنبه شد، از منزل بیرون رفتم ، در خیابان حافظ با شخصی برخورد کردم که به من گفت : من نه اسم تو را می دانم و نه شماره تلفن و نه آدرسی از شما دارم که تماس

۱- در آن زمان طبق بخشنامه ای ، این برنامه انجام می شد و سپس لغو گردید .

بگیرم، و ألاـن سه روز است که دنبال شـما می گردم (۱) بیـا در دفتر من بـا تو کـاری دارم ، وقتی به دفتر کار او رفتم ، گفت شما پول نمی خواهی ؟ گفتم چه کسـی از پول بدش می آید ؟ چطور مگه ؟ گفت نمی دانم برای حسـینیّه می خواهی یا برای خودت ، یا برای کس دیگری ، ولی همین را می دانم که (و به گریه درآمد و با اشک ریزان گفت) سه شـنبه شب در خواب دیدم ، که آقا امام حسین علیه السلام دست تو را گرفته بودند ، و به من فرمودند : فلانی ، فلان مبلغ را به ایشان بده ، و در این هنگام ، چکی نوشت و به من داد ، و من در جیبم گذاشـتم، و از او پرسـیدم چگونه و در چه زمانی بایـد پس بـدهم ؟ با گریه گفت : به من گفته اند که به تو بدهم ، و دیگر ربطی به من ندارد ، خودت می دانی و آقا امام حسین علیه السلام .

وقتی از دفتر او بیرون آمـدم و چـک را ملاـحظه کردم ، دیـدم مبلغ آن پانصـد هزار تومـان است ، و رنـگ چک هم سبز بود، همانند چکهائی که در عالم خواب به من داده بودند ، که آنها هم سبز رنگ بود، و رفتم دنبال برنامه ، و سـربازیم را خریدم و آخرین روزی که کار خرید سربازیم تمام شد ، اعلان کردند که ، بخشنامه لغو شده ، و دیگر خرید سربازی تعطیل گردید .

***

۱- رؤیـای طلبـهٔ یاد شـده ، سه شـنبه بوده و زمان ملاقات با این شـخص ، پنجشـنبه و روز سوّم بوده است ، و خود این شـخص گفته : که سه روز است به دنبال تو می گردم ، و معلوم می شود جریان خواب این طلبه و دستوری که به آن شخص داده شده ، در یک زمان بوده است .

باید در خانهٔ خودم عزاداری و سینه زنی داشته باشم

وقتی کار خرید سربازی تمام شد ، رفتم نزد پدر همسرم و گفتم دیدید که چگونه با لطف بزرگواران ، سربازیم را خریدم ، و بدانید انشاء الله در ایّام فاطمیّه در منزل خودم عزاداری و سینه زنی برپا می کنیم ، همسرم گفت : منظورت چیست ؟ گفتم همان بزرگوارانی که مشکل سربازیم را برطرف نمودند ، مشکل مسکن مرا نیز حل می کنند ، همسرم گفت : می دانی اگر بخواهی یک قطعهٔ زمین کوچک هم بخری چقدر پول می خواهد ؟ این مسئله با مشکل سربازی فرق بسیار دارد ، برای سربازی هشتصد هزار تومان خرج کردی ، ولی در این کار هزینهٔ بسیار زیادی لازم است ، گفتم برای ارباب من کاه و کوه فرق نمی کند ، فقط می دانم که ایّام شهادت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها در خانهٔ خودمان هستیم .

یک روز از مدرسه به منزل رفتم ، دیدم همسرم قولنامه ای را به من نشان داد راجع به یک قطعهٔ زمین ، به مساحت ۷۵ متر و نوشته شده است که مبلغ کُلّاً پرداخت شده است ، به ایشان گفتم : این زمین خانه ، تا به بینم بقیّهٔ امور چگونه می شود .

فقط سه ماه تا ایّام فاطمیّه وقت داشتیم ، دوستان و عزیزانی که در زیر سایهٔ أهل البیت علیهم السلام با آنها انس دارم ، مردانه به کمک آمدند ، و بدون این که حتّی یک ریال مزد کارگر و بنّا بدهم ، کارهای اصلی ساختمان انجام شد ، و قابل استفاده گردید ، وسائل زندگی هم جابجا شد، و به منزل جدید منتقل شدم ، به همسرم گفتم چه شبی است ؟ گفت چطور ؟ گفتم چند روز به ایّام شهادت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها داریم ؟ گفت : سه روز ، گفتم دیدی که بزرگانی که دم از آنها می زنم مرا به موقع به منزل خودمان وارد کردند .

ص:۵۸۱

به قصد تشرّف به کربلا در کاروان عزاداری فاطمیّه شرکت می کنم

در سال ۱۳۸۱ (۱۴۲۳ قمری) در برنامه های بزرگداشت شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها شرکت کردم ، و خبردار شدم که شخصی در رؤیای جالبی ، دیده بوده که روی یک دریای وسیعی ، یک کشتی در حال حرکت است ، و حاج آقا حجّت موحّد ابطحی و همهٔ کسانی که در کارهای فاطمیّه و نصب پوسترها و پرچم ها همکاری می کنند ، داخل کشتی هستند ، و بر دیوارهٔ کشتی نوشته شده :

انّ الحسین مصباح الهدی و سفینه النّجاه

این خبر مرا منقلب کرد و گفتم حتماً خبری هست ، و در حین انجام برنامه های فاطمیّه متوسّل می شدم ، و می گفتم : بی بی جان کربلاـ ، و همین جمله ورد زبانم شده بود. کاروان عزاداری فاطمیّه از اصفهان حرکت کرد، و پس از ورود به قم، و عزاداری پر شور و مهیّج ، در صحن مقدّس حضرت معصومه سلام الله علیها که تمام زائران ایرانی (از همه شهرها) و خارجی (از بسیاری کشورها) را تحت تأثیر قرار داده بود، به بیت الزّهراء سلام الله علیها قم ، که به وسیله آیه الله العظمی ، آقای حاج سیّد محمّد باقر موحّد ابطحی مدّظله تأسیس شده ، و در ایّام شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها مجلس عزاداری پرشور و برجسته ای در آن برگزار می شود ، شرکت کردیم ، و پس از پایان مراسم عزاداری و سینه زنی ، در هنگامی که می خواستم استراحت کنم ، سرم را نزدیک منبر گذاشتم و پایم را طرف دیگری قرار دادم ، (که بی احترامی به منبری که محلّ ذکر حضرت زهراء سلام الله علیها است نباشد) و به خواب رفتم، در عالم رویا دیدم : بیت الزّهراء سلام الله علیها خیلی روشن است ، و منشاء و مبداء این روشنائی از روی منبر است ، و من همین طوری که خوابیده بودم، صدای

خانمی را از طرف منبر شنیدم که فرمودند : فلانی ! کاروان کربلای حسینم در حال حرکت هستند ، مگر تو دلت نمی خواست بروی کربلا ؟ چرا خوابیده ای ؟ بنده از جا بلند شدم ، و دست بر سینه گذاشتم و گفتم : ألسّلام علیك یا أبا عبد الله ، و عرض کردم کیست که نخواهد به کربلا برود ؟ و در این هنگام از خواب بیدار شدم ، و قضیّه خواب را برای دوستانم ذکر نکردم ، فقط اعلان کردم که من حاجتم را گرفتم .

روز ولادت حضرت زهراء سلام الله علیها برای رفتن کربلا نام نویسی کردم ، و جریان از این قرار بود که شخصی آمد، و مبلغی آورد برایم و گفت : برو کربلا و پس از آنکه بدهی منزلت را تمام کردی ، ماهی بیست هزار تومان برای ادای این قرض به من بپرداز . این مطلب را در حالی می نویسم که چند روز دیگر در کربلا هستم، و به عشق آقایم امام حسین علیه السلام و عنایت حضرت زهراء سلام الله علیها خوابم نمی برد ، و در پوست خود نمی گنجم . اگر بخواهم تمام عنایاتی که از طرف حضرت زهراء سلام الله علیها و امام حسین علیه السلام و حضرت زینب سلام الله علیها به این حقیر شده است را بنویسم ، شاید یک کتاب بشود ، و به همین اندازه بسنده می کنم .

۴۹-دقیقاً آنچه نیاز داشتم رسید

یکی از مدرّسین حوزهٔ علمیّه ، که روحانی با تقوی و مؤدّب و دارای اخلاق شایسته می باشد ، نقل نمودند که :

در سال ۱۳۶۷، جهت تهیّهٔ مسکن نیاز به مبلغی پول داشتم ، که تحصیل آن برایم مقدور نبود ، لذا عریضه ای به محضر مقدّس حضرت بقیّه الله الأعظم علیه السلام نوشتم، و ایشان را به حقّ مادرشان حضرت زهرای مرضیّه سلام الله علیها قسم دادم ، سپس آن را در چاه آبی که در مدرسهٔ الغدیر وجود داشت انداختم ، پس از مدّتی ، مقداری از

آن پول فراهم گردید ، و بخش دیگری از آن باقی ماند ، أیّام ولادت حضرت زهراء سلام الله علیها رسید ، و عصرها در مسجد آیه الله امامی (مسجدی که کتابخانهٔ الزّهراء در آن واقع است) در درس مرحوم آیه الله ، حاج سیّد أحمد فقیه امامی قدس سِرّه شرکت می کردم ، بعد از درس ، بدون این که من کوچکترین کلمه ای بگویم، و یا ایشان را در جریان امر قرار دهم ، مرا صدا زدند و به شکلی که کسی متوجّه نشود، مبلغی را به من دادند ، که ملاحظه کردم ، دقیقاً همان مبلغ باقیمانده بود، و بدین وسیله در شب میلاد حضرت زهراء سلام الله علیها مشکل من به دست یکی از مدافعان بزرگ آن حضرت، در مسجدی که پایگاه علمی و دینی حضرت زهراء سلام الله علیها است، برطرف گردید .

و نکتهٔ جالب این که آن بزرگمرد، مرحوم آقای حبیب الله ایزدی (که از کارکنان با اخلاص و همیشگی کتابخانهٔ الزّهراء سلام الله علیها بود) را صدا زدند و فرمودند : چند بسته کتاب عوالم العلوم (بخش مربوط به حضرت زهراء سلام الله علیها) بیاور ، و به هر کدام از طلّاب حاضر در جلسهٔ درس ، یک عدد از کتاب یاد شده را به عنوان عیدی میلاد حضرت زهراء سلام الله علیها دادند .

۵۰-نگران نباشید، ما او را شفا می دهیم

یکی از روحانیّون با تقوی ، و با أدب و خدمتگزار آستان مقدّس أهل البیت علیهم السلام نقل نمودند که :

در تابستان ۱۳۸۰ شمسی ، غدّه هائی در گردن همسرم پیدا شد، و هرچه به پزشک مراجعه کردیم بهبودی حاصل نگردید ، پس از معاینات و بررسی های طبّی و آزمایشگاهی ، سرطان بدخیم غدد لنفاوی تشخیص داده شد، و پزشک متخصّص ، انجام دادن مجدّد بررسی های آزمایشگاهی را لازم دانست .

آن روزها مصادف بود با ایّام شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها ، تمام فامیل و نزدیکان، متوسّل به آن حضرت شدند ، و نذر و نیازی داشتند ، تا این که پسر بزرگم شیخ محمّد (۱) به مزار شریف امامزاده ابراهیم بن موسی بن جعفرعلیهما السلام واقع در اصفهانک می رود، و با حالت تضرّع شدیدی ، شروع به خواندن دعای توسّل می نماید ، وقتی به نام مقدّس امام هفتم علیه السلام می رسد ، حالت خواب بر او غلبه پیدا می کند ، و در عالم رؤیا می بیند که در خانهٔ ما سفرهٔ بزرگی پهن شده ، و میوه و شربت در سفره است ، و پیامبر أکرم صَلَّی الله عَلَیهِ واله و حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و امام زمان ، حضرت بقیّه الله الأعظم عجّل الله تعالی فرجه ، و شماری از یاران و صحابه تشریف دارند، یکی از اصحاب و یاران ، به آن بزرگواران شربت می داده ، وقتی نوبت به حضرت زهراء سلام الله علیها می رسد ، آن حضرت مقداری از شربت را می نوشند و به دست مبارک امام زمان عجّل الله تعالی فرجه می دهند ، و اشاره به همسرم کرده و می فرمایند :

این شربت را به خدمتگزار ما بدهید ، و بگوئید نماز فرزندم مهدی علیه السلام را فراموش نکنید ، و سپس به بینندهٔ خواب می فرمایند : نگران نباشید ما او را شفا می دهیم.

بعد از این رؤیای بشارت دهنده ، همهٔ بستگان و نزدیکان ، نماز امام زمان علیه السلام و نماز حضرت زهراء سلام الله علیها را انجام دادند ، و پس از گذشت روزهائی ، آزمایشات مجدّد انجام گرفت ، و همسرم را نزد پزشک متخصّص بردیم ، که اتّفاقاً مصادف با روز میلاد مقدّس حضرت زهراء سلام الله علیها بود، پزشک یاد شده با انجام

۱- من با آقای شیخ محمّد کاملاً آشنا هستم ، دارای حالات معنوی جالب و کم نظیری است ، و عنایات زیادی به او شده است ، حفظه الله تعالی .

بررسی های مجدّد ، و دیدن نتایج آزمایشات جدید ، اظهار تعجّب و خوشحالی کرد و گفت : همسر شما رو به بهبود است ، و معجزه ای شده است .

جالب این است که تمامی این جریانات بین أیّام شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها و سالروز میلاد مقدّس آن حضرت اتّفاق افتاد ، و در روز تولّد حضرت زهراء سلام الله علیها ، خانواده و بستگان ما عیدی بزرگی دریافت نمودند ، و خبر شفای ایشان همه را خشنود نمود، و هم اکنون که یک سال و چند ماه از این قضیّه می گذرد، أثری از این بیماری در ایشان نیست ، و در صحّت و سلامتی کامل بسر می برند .

۵۱-عزاداران فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها جلوی موادّ مذاب آتشفشان را می گرفتند

از منطقهٔ قهدریجان (از توابع اصفهان) (که در گذشته ، مرکز پیدایش و فعّالیّت یک گروه خطرناک و منحرف و ضد ولایت أهل البیت علیهم السلام بود) همانند دیگر مناطق ، از فاطمیّه خبری نبود، و لذا در همان أیّام ، مراسم عقد و عروسی برگزار می گردید ، تا این که در یکهزار و چهارصدمین سال شهادت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها نهضت فاطمیّه شروع گردید ، و در اثر اقدامات یکی از طلّاب فعّال حوزهٔ علمیّه (که از همان منطقه بود) هیئات مذهبی و عموم مردم به حرکت درآمدند ، و در مساجد و مراکز هیئت ها ، برنامهٔ سوگواری و حرکت دستجات عزاداری آغاز گردید ، و در هر شبی مردم همهٔ مسجدها و هیئت ها ، با پرچم و علامت به سوی مسجدی معیّن به راه می افتادند ، و با همکاری همهٔ دستجات ، برنامهٔ بسیار جالبی انجام می گرفت، و در اثر استقبال عمومی از یک طرف ، و بشارتها و کرامت هائی که از طرف حضرت زهراء سلام الله علیها می رسید ، از طرف دیگر ، سبب شد که برنامهٔ فاطمیّه نه تنها در قهدریجان ، بلکه در بخشها و روستاهای

أطراف آن نیز برگزار گشته و گسترش یابد ، و ذیلاً به یکی از آن بشارتهای جالب اشاره می نمائیم .

یکی از اشخاص با ایمان و ارادتمند به حضرت فاطمه سلام الله علیها در همان شبهائی که برنامهٔ عزاداری هیئت ها انجام می شده ، در عالم رؤیا می بیند که، در اطراف شهر آتش فشانی شروع به فعّالیّت نموده ، و موادّ مذاب آن به طرف مردم می آید و همه وحشت زده فرار می کردند و فریاد می زدند ، و آن موادّ مذاب آنها را تعقیب می کرد ، ناگاه می بینند آنهائی که برنامهٔ فاطمیّه را شروع کرده اند ، بین مردم و آتش های مذاب فاصله شدند و می گفتند :

غصّه نخورید ، فقط بگوئید یا فاطمه

و آنقدر جلوی موادّ مذاب را گرفتند ، تا آنکه آن مواد سرد شد ، و مردم بر روی آنها راه می رفتند .

و هم چنین در اثر کرامت ها و برآورده شدن حاجات و رؤیاهای تکان دهنده ، که هر انسان دیر باوری را قانع می ساخت ، نهضت فاطمیّه در تمامی منطقه فراگیر شد ، تا آنجا که در روز شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها (سوّم جمادی الثّانیه) از قهدریجان ، زازران ، دشتچی ، گلدشت ، شرکت گاز و ... دستجات عزاداری به سوی امامزادهٔ محل (که مرکز اجتماعات عزاداری در روزهای مهم مانند ۲۱ رمضان و ۲۸ صفر و ... می باشد) به راه می افتند ، و تماشاگران را به اعجاب وا داشته و می گویند : این همه هیئت کجا بوده است ؟

۵۲-چرا دوستان دست خالی از خانهٔ شما بیرون رفتند

یکی از روحانیّون حوزهٔ علمیّه که دارای صفای روحی خاصّی می باشد ، چنین نقل کرد: شب جمعه ، در شام تولّد حضرت صدّیقهٔ طاهره سلام الله علیها در سال ۱۴۱۵

ص:۵۸۷

قمری ، سه ساعت بعد از نیمه شب ، در عالم رؤیا دیدم ، جلسه ای بر پا می باشد ، و أمیر المؤمنین و حضرت زهراء و امام حسن و امام حسین و ائمّهٔ اطهار علیهم السلام و حضرت أبا الفضل علیه السلام و عدّهٔ زیادی از بزرگان (به علاوهٔ عدّه ای از سادات) حاضر بودند و حضرت زهراء سلام الله علیها به من فرمودند :

به پسرم آقا حجّت الله بگوئید (چون ایشان از دوستان فلانی ... هستند) به ایشان بگویند ، چرا روز پنج شنبه دوستان من دست خالی از خانهٔ شما بیرون رفتند ، آنها به عشق من آمده بودند (۱) عرض کردم می گویم ، سپس دیدم خانم دیگری وارد جلسه شدند ، که شدیداً مورد توجّه قرار گرفتند، سؤال کردم ایشان چه کسی هستند ، گفتند : از شهر خودتان اصفهان هستند، مادر فلانی هستند ، ایشان گفتند : به پسرم بگوئید حضرت زهراء سلام الله علیها خیلی از شما راضی هستند ، و از اقدامات شما خشنود می باشند ، و از طرف من چشمان پسرم را ببوسید ، گفتم

۱- روز پنج شنبه ، سالروز تولّد حضرت زهراء سلام الله علیها بوده ، و من شخصاً تحقیق کردم ، معلوم شد که عدّه ای از طلّاب ، به منزل یکی از علماء بزرگوار و طراز أوّل اصفهان (که در عالم رؤیا نامشان ذکر شده بود) به عنوان تبریک میلاد حضرت زهراء سلام الله علیها رفته بودند ،و یکی از آنها نیز به دست ایشان عمّامه می گذارد، ولی آن بزرگوار در اثر غفلت ، به آن طلبه هائی که برای تولّد حضرت زهراء سلام الله علیها آمده بودند عیدی نمی دهند ، و پس از آنکه فهمیدم رؤیای یاد شده ، صادقه است ، به آن بزرگوار جریان رؤیا و پیغام حضرت زهراء سلام الله علیها را عرض کردم ، و گفتم استخاره کنید اگر مساعدت کرد، همه آنها را که در آن روز به دیدن شما آمده بودند، مورد لطف قرار دهید ، و جبران کنید ، و در هنگامی که استخاره کردند این آیه آمد: وَالَّذینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنهُم سَيِّئاتِهِم وَ لَنَجزِيَنَّهُم أحسَنَ الَّذی كانُوا يَعمَلُونَ (عنکبوت /۷) که جملهٔ لَنُكَفِّرَنَّ عَنهُم سَيِّئاتِهِم اشارهٔ لطیفی به تأثیر پیشنهاد یاد شده دارد .

چرا ؟ فرمودند : چونکه این چشمها در شادی حضرت زهراء سلام الله علیها شاد، و در مصیبت آن حضرت گریان است ...، و گفتند به ایشان بگوئید ، در جلساتی که هستید توسّل به حضرت أبا الفضل علیه السلام را زیاد کنید ، چون مادرم حضرت زهراء سلام الله علیها علاقهٔ زیادی به فرزندشان حضرت عبّاس علیه السلام دارند، و سپس رو کردند به من و فرمودند : روضهٔ حضرت عبّاس علیه السلام را برای ما بخوان ، من مشغول خواندن شدم و أمیر المؤمنین علیه السلام و حضرت زهراء سلام الله علیها و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و خود حضرت أبا الفضل علیه السلام همه گریه می کردند، و پس از پایان جلسه دیدم که حضرت أبا الفضل علیه السلام دو بال داشتند ، و مثل فرشته ها پرواز می کردند ، و از صدای روضه و گریهٔ من در عالم خواب ، همهٔ خانواده ام بیدار شدند .

۵۳-آمده ام تشکّر کنم از ...

در سال ۱۴۱۱ قمری ، روز جمعه ۱۳ ربیع الثّانی ، به منظور بزرگداشت یکهزار و چهارصدمین سال شهادت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها ، جلسه ای در منزل این کمترین نویسنده ، برگزار نمودیم ، که عدّه ای از علماء دلسوختهٔ أهل البیت علیهم السلام ، همانند مرحوم پدرم ، آیه الله ، حاج سیّد مرتضی موحّد ابطحی ، و مرحوم آیه الله حاج شیخ حسن صافی اصفهانی، و مرحوم آیه الله ، حاج سید أحمد فقیه امامی قدّس سرّهم ، و عدّهٔ دیگری از علماء و مدرّسین و طلّاب و شعراء و مدّاحان و پزشکان و مهندسان ، و اساتید دانشگاه و اُمناء خیریّه ها ، و هیئات مذهبی و دیگر اقشار مردم علاقمند به خاندان نبوّت و رسالت علیهم السلام حضور داشتند ، پیشنهاداتی راجع به بزرگداشت چهاردهمین قرن شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها از طریق سرودن اشعار، به کارگیری قلم ها و بیان ها ، یاری رسانی به نیازمندان به نام حضرت زهراء سلام الله علیها

به حرکت در آوردن دستجات عزاداری در سطحی وسیع ، برگزاری مجالس و محافل سوگواری به أندازهٔ چندین برابر سالهای قبل ، اطعام های عمومی (هماننـد اطعامهای مراسم عاشوراء) و نصب پرچمها و پلاکاردها در تمام میـدانهای شـهر ، و نصـب پوسترهـا در تمـام مغـازه ها و ادارات و مـدارس و اتوبوسـهای داخل شـهر و بین شـهری و ... را به حاضـرین در مجلس عرضـه نمودم، که با توجّه به عنایات غیبی ، و بشاراتی که قبل از تشـکیل جلسه رسـیده بود، مورد استقبال غیر منتظره ای قرار گرفت ، و در تمـامیِ مـدّت برقراری جلسه (نزدیـک به سه ساعت) أشک و سوز و حالت معنویِ حاکم بر مجلس قطع نمی شـد، و در هنگامی که شـعراء حاضر در جلسه ، سروده های خودشان را به سبک ساده (و نه به صورت مرثیه سرائی) می خواندند ، قلبها به طپش می افتاد و شانه ها می لرزید ، و أشک ها سـرازیر می شد ، علماء و أساتید دانشـگاه و پزشـکان و شـعراء و شخصیّت های مردمیِ حاضـر در مجلس، آن چنان منقلب شده بودند ، که برای خودشان و دیگر حاضرین مجلس ، شگفت انگیز بود، و کسـی نبود که دست غیـبی را در برگزاری و ادارهٔ جلسه ، احسـاس ننمایـد ، و به همین جهت تمـامیِ پیشـنهادها ، نه تنهـا لفظاً مورد پـذیرش قرار گرفت ، بلکه در روزهـا و هفته هـای پس از مجلس یـاد شـده ، همـهٔ آنهـا بسـیار بیش از حـدّ انتظـار عملی گردید ، و در زمینهٔ هر کدام از موادّ پیشـنهادی (از نظر کمّیّت و کیفیّت) اقدامات بی سابقه ، شگفت أنگیز ، ماندگار ، پر أثر ، مهیّج ، حرکت آفرین ، تحقّق یافت ، تا آنجائی که هیـچ کس و هیچ گروهی نمی تواند آن همه موفقیّت را به غیر از عنایت الهی و تصـرّف ولایتیِ صاحبان ولایت ، و بالأخص حضـرت زهراء سـلام الله علیها و وارث خون مقدّسـشان ، حضـرت بقیّه الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه نسبت دهد .

ص:۵۹۰

نقش و تأثیر سخنان آن روز مدافع حریم أهل البیت علیهم السلام و دلسوختهٔ حضرت زهراء سلام الله علیها مرحوم آیه الله ، حاج سیّد أحمد فقیه امامی قدس سرُّه که در پایان آن مجلس نورانی ایراد کردند ، و حمایت های بی دریغ و مستمر ایشان در طول اجرای برنامه های یاد شده ، نشانهٔ بزرگی از خلوص و دلبستگی و دلباختگی آن بزرگوار ، نسبت به حضرت زهراء سلام الله علیها و وسیلهٔ بی نظیری برای حفظ نام و یاد ایشان در دلها و در همیشهٔ تاریخ زندگی دوستداران خاندان رسالت می باشد(۱) که :

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شده به عشق

ثبت است بر جریدهٔ عالم دوام ما

پس از گذشت سه روز از جلسهٔ یاد شده ، یکی از فضلای عالیقدر آن زمان ، که هم اکنون از محقّقین و مدرّسین بزرگوار می باشد ، و دارای حالات و روحیات ویژهٔ معنوی است ، به دیدن این کمترین آمد و گفت : در عالم رؤیا دیدم که دو نفر بانو (یکی بزرگتر و دیگری کوچکتر) زیر بغل بانوی بزرگواری را گرفته بودند ، و احساس می شد که آن بانو مریضه هستند ، در عالم رؤیا سؤالی به نظرم رسید

۱- بعد از رحلت مرحوم آیه الله امامی قدس سِرُّه ، در عالم رؤیا شخصی از ایشان پرسیده بود ، که دلیل این همه موفقیّت و عظمت برای شما چیست ؟ و چگونه شده که تا این اندازه مقام معنوی و محبوبیّت در دلها یافته اید ؟ ایشان در جواب سؤال ، پاسخ را به یادداشتی حواله نموده بودند و پس از آنکه در بیداری به آن نوشته مراجعه می شود، ملاحظه می کنند که در آن نوشته است : گیرند اگر نوار قلبم روزی گوید ضربان قلب من یا زهراء و به این وسیله ، رمز عظمت معنوی و محبوبیّت خود را در عشق و علاقهٔ شدید نسبت به حضرت زهرا سلام الله علیها معرّفی فرمودند .

که آن دو بانو کیستند ؟ (زیرا بانوی اصلی را در رؤیای دیگری که عنایتی نصیبم فرمودند ، می شناختم که حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها هستند) صدائی شنیدم که آنها ، حضرت زینب و حضرت اُمّ کلثوم علیهما السلام هستند . آن دو بانوی بزرگوار ، حضرت زهراءسلام الله علیها را به منزل شما ، و در اطاقی که برای خانمها معیّن شده بود آوردند ، و پائین جلسه نشستند و فرمودند : آمده ام تشکّر کنم از فلانی ، به خاطر طرح هائی که در نظر دارد ، برای سالگرد مصیبت من . و شما در نهایت احترام نسبت به آن حضرت برخورد می کردید ، و احساس می شد که منزل شما نورانیّت خاصّی پیدا کرده ، و بوی خوشی استشمام می گردید . و پس از آنکه در عالم رؤیا ، حضرت زهراء سلام الله علیها تشریف بردند، شما گریه می کردید و می گفتید : ببین هنوز کاری را که انجام نداده ایم ، چقدر بزرگوارانه تشکّر می کنند . پس از آنکه بینندهٔ خواب ، جریان را تعریف کردند ، از ایشان جویا شدم ، که آیا چه اطّلاعی از برنامه های یاد شده دارند، در جواب معلوم شد که کوچکترین خبر و آگاهی ندارند ، و پس از آنکه شرح جلسهٔ روز جمعه ، و بشارات و عنایات قبل و مقارن جلسه را بازگو کردم ، ایشان بسیار تعجّب کردند، و تصدیق نمودند که آن بزرگواران از دقیق ترین و پنهان ترین امور آگاهی دارند ، و عرض ادب ها و خدمتگزاری ها را مورد لطف قرار می دهند .

۵۴-کسی که گرد و غبار مجلس حسینم به چشم او می رود نباید نگران باشد

پس از آنکه مادر عزیز و فداکارمان ، بانوی صالحه و عابده ، حاجیه منصوره

ص:۵۹۲

خانم فقیه أحمد آبادی ، بنت مرحوم آیه الله ، آقا سیّد محمّد تقی فقیه أحمد آبادی(صاحب کتاب مکیال المکارم) در ماه ربیع الاوّل ۱۴۰۷ قمری ، دار دنیا را وداع نمودند ، جنازهٔ ایشان در جوار امامزاده جعفر و امامزاده مرتضی علیهما السلام دفن گردید ، و پس از آن با تعمیرات اساسی و اقدامات مناسب ، صحن و بقعهٔ دو امامزادهٔ یاد شده از حالت متروکه و مخروبه در آمد، و در ماه ذی الحجّه ، به یاد آن بانوی صالحه، مجلس عزاداری و روضه خوانی در صحن مطهّر آن دو امامزاده برقرار گردید . یکی از طلّاب متدّین آن زمان (که هم اکنون از مدرّسین و محقّقین و دارای تألیف می باشد) همه روزه از ساعت ۴ بعداز ظهر تا ۹ شب ، برای برگزاری جلسهٔ یاد شده ، حدّاکثر همکاری را مبذول می داشت ، و با خلوصی کامل و آرامشی عجیب ، در خدمت به مجلس عزای یاد شده موفّق بود . مراسم یاد شده پایان یافت ، و در جمع آوری وسائل مجلس عزاداری و رساندن آنها به صاحبانش ، مخلصانه اقدام نمود، و هیچگونه توضیحی در مورد انگیزهٔ درونی خود ، برای این فعّالیّت گسترده ، بیان ننمود . سالهای گذشت ، و در جریان برنامهٔ بزرگداشت یکهزار و چهارصدهمین سال شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها زمینهای معنوی فراهم گردید ، که ایشان موظّف شد تا پرده از راز آن همکاری در مجلس عزای حسینی بردارد، که شرح آن چنین

است :

من مشغول درس و بحث حوزه ای بودم ، که عارضه ای در چشمم پیدا شد، و به پزشک متخصّص مراجعه نمودم ، و او پس از آزمایشات دقیق ، اعلام کرد که چشم شما نیاز به یک عمل جرّاحی سنگین با هزینهٔ زیاد دارد، و هیچ راه درمان

به وسیلهٔ دارو وجود ندارد . من که یک طلبه مبتدی بودم، و تازه به شهر و حوزهٔ علمیّه وارد شده بودم، و از عمل جرّاحی می ترسیدم ، و هزینهٔ سنگین جرّاحی و بیمارستان را نیز نداشتم ، شدیداً نگران و پریشان شدم ، و در هنگامی که شما خبر دادند که چنین مجلس عزاداری ، در امامزاده جعفر علیه السلام برگزار می کنید ، و از طلّاب حوزهٔ علمیّه ، برای همکاری در جلسهٔ یاد شده کمک خواستید ، من نیّت کردم که برای شفای چشمم ، و به منظور این که نیازی به عمل جرّاحی پیدا نکنم ، در تمامی برنامه های مجلس ، کمک هائی را که از دستم بر می آید انجام دهم ، و برای این که در قصد و نیّتم شائبه ای پیدا نشود ، برای صرف شامی که برای خدمتگزاران جلسه ، و خانواده و بیت شما فراهم می شد نمی ماندم ، و هیچ توضیحی هم دربارهٔ قصد و نیّت خود نمی دادم . هنگامی که مجلس یاد شده پایان یافت ، و فرشهای زیادی که در تمامی صحن امامزاده گسترده می شد جمع کردیم ، و وسائل و پرچم های عزاداری را بسته بندی نمودیم ، و به صاحبانش بر گرداندیم ، و تا ساعتی قبل از ظهر (که تابستان هم بود) طول کشید ، خسته شدم ، و به حجره رفتم و خوابیدم ، در عالم رؤیا حضرت زهراء سلام الله علیها را دیدم که فرمودند : چرا ناراحتی ؟ عرض کردم چشمم ناراحتی دارد، و گفته اند جرّاحی لازم دارد ، حضرت فرمودند :

کسیکه گرد و غبار مجلس عزای حسینم به چشم او می رود

نباید نگران باشد ، تو شفا گرفته ای

از خواب بیدار شدم و خوشحال گردیدم ، و عصر همان روز رفتم نزد همان دکتر متخصّص ، و از او خواستم معاینهٔ مجدّدی داشته باشد، و پس از معاینه ، با شگفتی اعلام کرد که : هیچ عارضه ای در چشم شما نیست ، و هیچ گونه درمانی

لازم ندارد[(۱)] و به دلائلی ، مایل نبودم که این جریان را مطرح سازم ، تا این که در جریان شروع مراسم بزرگداشت شهادت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها مأموریت معنوی خاصّی یافته ام ، که آن عنایت و لطف را برای شما نقل نمایم .

۵۵-حضرت زهراء : باید روضهٔ حضرت رقیّه و حضرت أبا الفضل علیهما السلام بر پاکنی

یکی از امام جماعت ها ، که فردی مورد وثوق ، و شدیداً علاقمند به حضرت زهراء سلام الله علیها می باشند ، دربارهٔ شفای یکی از نمازگزاران مسجدشان ، که به نام فاطمه زهراء سلام الله علیها می باشد ، نقل فرمودند :

بنده ، مدّتی بود مریض شده بودم و نمی توانستم راه بروم ، و هرچه به پزشک مراجعه می کردم و از اعضای بدنم عکس برداری می کردند ، و معالجه می نمودند، فایده ای نمی کرد، و هر روز در بیمارستان بودم ، تا این که تصمیم گرفتم یکی از لباس هایم را به منبر حضرت زهراء سلام الله علیها ببندم ، و هر روز به مسجد می رفتم و به آن حضرت متوسّل می شدم ، تا این که یک شب در عالم رویا دیدم پیراهنم باز شده است ، فردا صبح پسرم به مسجد می رود و می بیند که پیراهنم از منبر باز شده است ، و به دنبال این جریان ، حالم خوب شد و نجات پیدا کردم . در شب بعد ، در عالم رؤیا دیدم حضرت زهراء سلام الله علیها فرمودند : باید روضهٔ حضرت رقیّه سلام الله علیها و حضرت أبا الفضل علیه السلام در منزلت بر پا کنی . و من هم انجام وظیفه

۱- هم اکنون که بیش از پانزده سال از آن قضیّه می گذرد ، ایشان نه تنها احتیاجی به درمان چشم ، یا عینک و .. پیدا نکرده ، بلکه در تحصیل علم و تدریس و تحقیق و تألیف ، در حدّ أعلی موفّق به مطالعهٔ کتابها می باشد ، و هیچ گونه عارضهٔ چشمی ندارد . وهذا من فضل الله و عنایه الزّهراءسلام الله علیها ، و أثر غبار مجلس عزاء الحسین علیه السلام

نمودم، و برنامۀ روضه های یاد شده را انجام دادم .

۵۶–و این هم شفای بعد از نا امیدی

یکی از اهالی ملك شهر ، مبتلا به کسالت سختی شد ، و پزشکان مرض او را تشخیص ندادند ، و تمام بدن او بی حس شده و از کار افتاد، و او را در بیمارستان خورشید بستری کردند، و پس از مدّتی معالجه به جایی رسید که سوزن در پای او فرو بردند و اصلاً متوجّه نگردید، و معالجات به ثمر نرسید ، و أطرافیان و بستگان به حالت اضطرار افتادند ، و خودش پس از شفا یافتن ، خبر داد که من مأیوس شده بودم و شهادتین خود را هم گفتم . پس از انتقال به منزل در حال ناامیدی ، در کنار بستر او توسّل به حضرت أبا الفضل علیه السلام پیدا می کنند ، و در مسجد الزهرای ملك شهر (که شفاخانه است ، و زمین و نیز ساختمان طبقۀ دوّم آن به نام حضرت أبا الفضل علیه السلام می باشد ، و تاکنون بسیاری از بیماران در آن شفا یافته اند) برای او توسّل به حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها پیدا می کنند، و به شکل عجیب و معجزه آسائی شفا پیدا می کند و از کام مرگ نجات می یابد .

۵۷–برادر ! بچّه شفا پیدا کرد

یك خانوادۀ نیازمند ، که از مشکلات اقتصادی شدیداً رنج می برند ، دختر کوچکی داشتند ، که در اثر بی توجّهی پا بر روی او می گذارند و پای او معیوب می شود ، و نمی توانسته است راه برود ، پزشکان هم ، عمل جرّاحی با هزینۀ سنگین به او پیشنهاد می کنند ، و آنها در اثر فقر و تنگدستی ، قادر بر معالجۀ دختر خود نبوده اند . شبی دختر را به مسجد الزّهرا سلام الله علیها واقع در ملك شهر می برند ، و متوسّل می شوند، مادر دختر در همان شب در عالم رؤیا می بیند ، که حضرت سیّد الشّهداء

ص:۵۹۶

و حضـرت أبا الفضل عليهما السـلام از طبقهٔ بالای مسـجد (كه به نام حضـرت أبا الفضل عليه السلام نامگذاری شده) در حال پائين آمدن هستند ، و حضرت أبا الفضل عليه السلام به امام حسين عليه السلام عرض می كنند برادر ! بچّه شفا پيدا كرد هنگام صبح ، كه مادر بيدار می شود ، ملاحظه می كند دختر شـفا يافته است . نويسندهٔ كمترين ، از يكی از همسايه های مسجد (كه بانوئی سيّده و صالحه است) تحقيق كردم ، ايشان گفتند ، بلی صحيح است، و اين دختر مدرسه می رود و ديگر نيازی به عصا ندارد، در حالی كه قبلاً حالت فلج داشته است .

۵۸–ما تو را شفا داديم ، به پدرت بگو با ما قهر نكند

دختر يكی از سـاكنين ملـك شـهر مبتلاـ به سـرطان می شود ، و معالجـات فراوان و هزينـهٔ سـنگين به جـايی نمی رسـد ، شـب چهارشـنبه ای همراه بـا هيئت حضـرت أبـا الفضـل عليه السـلام (كه مردم را به قم و مسـجد جمكران می برد) عازم آن مكان مقـدّس بوده است ، كه يكی ديگر از زائران ، وقـتی از جريـان كسـالت و سـرطان آن دختر مطّلع می شود، می گويـد : مسـجد الزّهرای ملـك شـهر مورد عنايت است و برای شـفای اين دختر برو در اين مسـجد توسّل پيدا كن . او به قصد توسّل به حضرت زهراء سـلام الله عليهـا به مسـجد می رود و دعا می كنـد و ملاحظه می نمايـد كه خبری نشـد ، نگران می شود ، و با حالت دل شكستگی می گويد ، گويا ما، در خانهٔ أهل البيت عليهم السلام آبروئی نداريم و همان شب دختر او (بيمار سرطانی) در عالم رؤيا مشرّف به محضر حضرت زهراء سلام الله عليها می شود، و آن حضرت دست مباركشان را بر روی بدن او می كشند و می فرمايند :

ما تو را شفا داديم ، به پدرت بگو با ما قهر نكند

ص:۵۹۷

۵۹-سرت را بلند کن و بگو : یا فاطمه الزّهراء

بانوئی سیّده و صالحه ، دچار ناراحتی أعصاب بوده تا جائی که شبها به خواب نمی رفته ، و در نگرانی شدید به سر می برده است ، او می گوید : در عالم رؤیا دیدم آقائی تشریف آوردند ، و در خانهٔ ما را زدند ، رفتم در را باز کردم و سلام کردم ، ۳۰ - ۴۰ ساله به نظر می رسیدند، عرض کردم خسته به نظر می رسید ؟ فرمودند : از راه دوری آمده ام ، ناگهان در برابر درب مسجد الزّهرا سلام الله علیها ظاهر شدیم ، فرمودند : ببوس کاشی های لاجوردی را ، گفتم : کاشی کی مراد می دهد ؟ فرمودند سرت را بلند کن و بگو یا فاطمه الزّهراء سلام الله علیها من هم اطاعت کردم و گفتم ، یا فاطمه الزّهراء سلام الله علیها ، فرمودند : روزی یک مرتبه بگو و بیا مسجد ، برای اعصابت خوب است ، و در آن هنگام بیدار شدم . از آن زمان تاکنون ، من هر روز به مسجد می آیم و یا فاطمه الزّهراء سلام الله علیها را می گویم و ناراحتی أعصابم برطرف شده ، و شبها به راحتی به خواب می روم ، و هیچ وقت این برنامه را ترک نمی کنم .

۶۰-شما کجا رفتید ؟ این مریض خوب شدنی نبود

در مسجد الزّهراء سلام الله علیها ملک شهر اصفهان (که زمین آن ، به نام حضرت أبا الفضل علیه السلام بوده ، و یک نفر تمام مخارج ساختمانی او را پرداخته است ، و گفته است می خواهم مسجد ، به نام حضرت زهراء سلام الله علیها باشد، ولی به احترام حضرت أبا الفضل علیه السلام طبقهٔ دوّم مسجد را به نام آن حضرت ساخته اند) جریان جالبی اتّفاق افتاده که شرح آن چنین است : همسر یکی از نمازگزاران این مسجد (که شغل بنّائی دارد و مدّاح و مرثیه خوان أهل البیت علیهم السلام هم هست ، و برای مسجد زحمت بسیار کشیده) بیمار بوده ، و

بچه سقط می کرده است ، و معالجات پزشکان اثری برای او نداشته است ، تا آنجا که دکترها جواب قطعی داده و گفتند : او خوب نمی شود . ایشان می گوید : شبی دلم شکست ، و چون کلید مسجد نزدم بود ، آمدم در مسجد ، و با حضرت زهراء سلام الله علیها درد دل گفتم ، و عرض کردم چرا جواب ما را نمی دهید ؟ همان شب همسرم شفا یافت ، و فردا که آزمایش جدیدی از او به عمل آوردند ، جواب آزمایش عالی بود ، و در هنگامی که به همان پزشک قبلی مراجعه کردیم ، و جواب آزمایش را دید ، تعجّب کرد، و با حال گریه گفت : شما کجا رفتید ؟ این مریض خوب شدنی نبود، و با حال و هوای خاصّی گفت : فقط در حقّ خودتان دعا می کنید ؟ برای ما هم دعا کنید .

۶۱-حضرت زهراء سلام الله علیها: شما را چه شده ؟ بلند شو برو

یکی از همسایگان مسجد الزّهراء سلام الله علیها ملک شهر ، که مسئول تنظیم دستگاه بلندگوی مسجد است ، در روز تاسوعائی (در سال ۱۳۷۸) پس از عزاداری خسته می شود و به خواب می رود ، بعد از مدّتی که بیدار می شود ، تصمیم می گیرد بلند شود ، ناگاه بی اختیار به سختی به زمین می خورد، و دیگر چیزی نمی فهمد ، و به سختی بیمار می گردد ، به حدّی که زن و بچّهٔ او دستش را می گرفته و راه می برده اند . تا این که شبی در عالم رؤیا می بیند ، که هلیکوپتر سفیدی که نور سبزی از او ساطع است ، پرواز می کند ، و در محل کار او فرود می آید ، ولی او در حال بیماری بوده و خوابیده بوده است ، ناگهان صدای بانوئی را می شنود که می فرمایند :

تو را چه شده ؟ بلند شو و برو دستگاه بلندگو را تنظیم کن

ناگاه متوجّه می شود که ایشان حضرت زهراء سلام الله علیها هستند ، تصمیم می گیرد که

خودش را به حضرت برساند ، ولی هلیکوپتر پرواز می کند ، و متوجّه می شود که در بدنش ناراحتی احساس نمی کند، و بیدار می شود، می بیند ساعت یک و نیم بعد از نیمه شب است ، و پس از نقل رؤیا برای همسرش ، مدّتی هر دو گریه می کنند ، و بر لطف حضرت زهراء سلام الله علیها خدای را سپاس میگویند .

۶۲-شجره نامهٔ ما، در حدیث کساء است

یکی از نمازگزاران مسجد الزّهراء سلام الله علیها (که مدّاحی هم می نماید و در خدمت به آستان مقدّس حضرت زهراء سلام الله علیها سابقه دیرینه دارد) در بیمارستان حضرت عیسی بن مریم علیه السلام بستری می شود ، و فشار خون او به ۴ می رسد ، و حال او بسیار وخیم می شود . حالت توسّل پیدا می کند و عرض می کند : یا فاطمه الزّهراء سلام الله علیها ، چندین سال بود آرزو می کردم که در این محل (مسجد الزّهراء سلام الله علیها) مسجد ساخته شود ، و از ده - دوازده سالگی ، مدّاحی شما و فرزندانتان را می کرده ام ، مرا شفا دهید ، و از این مهلکه برهانید و سپس آنقدر گریه می کند تا به خواب می رود . او نقل می کند که : در عالم رویا دیدم وارد مسجد الزّهراء سلام الله علیها شدم ، و جمعیّت زیادی مشغول عزاداری بودند ، و سیّد و آقای بزرگواری مشغول سخنرانی بودند ، پس از آنکه مراسم تمام شد من به محضر ایشان رسیدم و ایشان فرمودند: ما می خواهیم بیرق (۱) را عوض کنیم ، من از مسجد خارج شدم و با خودم گفتم ، مقداری از پارچهٔ بیرق را می گیرم و نزد خود نگه می دارم تا خدا مرا شفا دهد ، همین که وارد مسجد شدم ، دیدم آقا مشغول سلام دادن به أئمّهٔ

۱- منظور پرچم عزاداری است

معصومین علیهم السـلام هسـتند ، همین که رسیدند به نام مبارک امام علی بن موسی الرّضا علیه السلام من روضهٔ امام هشتم را خوانـدم ، ایشان زیاد گریه کردنـد ، تا این که از هوش رفتنـد ، پس از آنکه به هوش آمدنـد ، به من فرمودند : مأموران ما می آینـد برای عـوض کردن بیرق ، ناگهـان دیـدم چنـد نفر نقـاب دار آمدنـد ، و بیرق قبلی را آوردنـد خـدمت ایشـان ، آقـا یک مقـداری از پارچـهٔ سـبز را که از آن بیرق بود ، به یـک بچّه ۱۳ سـاله ، که در مسـجد مشـغول تلاوت قرآن بود دادنـد، و یک مقداری از آن را به من دادند ، در این هنگام من سؤال کردم شـما کیستید و از کجا آمده اید ؟ فرمودند : از راه دور ، و شجره نامـهٔ ما هم در حدیث کساء است . ناگهان پرسـتار مرا از خواب بیدار کرد ، که فشار خون مرا (که قبلاً بر روی ۴ بود) بگیرد، دید فشارم روی ۱۳ است ، و متوجّه شدم که در عالم رؤیا آنقدر گریه کرده ام که ملافه ام خیس شده است .

۶۳–پاشو دنبال دستهٔ عزاداری برو

در سال ۱۳۷۸ – ۱۳۷۹ از ناراحتی کلیّه رنـج می بردم ، و هفته ای دو بار مرا دیالیز می کردنـد، شب و روز تاسوعا دنبال دسـتهٔ عزاداری حرکت کردم ، و مدّاحی می کردم و خیلی خسـته شده بودم ، شب عاشوراء با دسـتهٔ سینه زنی و زنجیر زنی آمدیم به مسجد حضرت زهراء سلام الله علیها و از شدّت درد کلیّه و خستگی افتادم ، و توان این که دنبال دستهٔ عزاداری بروم را نداشتم ، مرا به گوشه ای از مسـجد بردنـد ، و روی خاکها قرار دادنـد، و یک موکت بر روی من انداختنـد . پزشک معالج من (که از متخصّصـین نامدار است) مرا جواب کرده بود ، و ناراحتی کلیّه هم سخت مرا آزار می داد و بیچاره ام کرده بود ، در این حال خطاب به امام حسین علیه السلام عرض کردم ، نمی خواهم شما را به مادرتان حضرت

زهراء سلام الله علیها قسم بدهم ، و شدیداً به گریه افتادم ، و حالتی پیدا کردم که دوستان خیال کردند رفتنی هستم و بیهوش شدم ، در عالم بیهوشی آقای بزرگواری را دیدم که به من فرمودند :

بلند شو دنبال دسته عزاداری برو گفتم : نمی توانم ، مریض هستم ، فرمودند : ما تو را کمک می کنیم باید نزد فلان طبیب بروی (و نام او را ذکر فرمودند) انشاء الله خداوند تو را شفا می دهد، در همین لحظه بود که به هوش آمدم و دیدم دستهٔ عزاداری وارد مسجد شدند و من احساس کردم که حالم خوب شده ، و لذا بلند شدم و صدایم را به یاحسین یاحسین بلند کردم ، و به دوستان گفتم من شفایم را گرفتم . پس از آن طبق دستور آقا ، به همان پزشکی که دستور داده بودند مراجعه کردم ، و زیر نظر او برنامهٔ تعویض کلیّه انجام شد ، و هم اکنون حالم خوب شده است . این قضیّه را امام جماعت مسجد الزّهراء سلام الله علیها که از دلباختگان آن حضرت، و از مدرّسین بزرگوار حوزهٔ علمیّه می باشند ، نقل فرمودند .

۶۴–به شکرانهٔ این که حضرت زهراء سلام الله علیها شفایش دادند

می خواهیم به مشهد مقدّس برویم در ماه صفر ۱۴۲۰ قمری ، خانمی (که دچار بیماری شدید أعصاب گردیده و پزشکان از او قطع امید کرده بودند) را به مسجد الزّهرای سلام الله علیها ملك شهر می آورند و می گویند : اگر بنا است بمیرد در مسجد بمیرد، و آن چنان بیماری بر او غلبه کرده بوده ، که او را روی دست می آورند ، و قادر به راه رفتن و سخن گفتن نبوده است . از خادم مسجد اجازه می گیرند که شب را در مسجد بیتوته کنند ، بعضی از

همسایگان مسجد هم در کنار او می ماننـد . آن خانم مریض ، پس از مدّتی به خواب می رود، و در عالم رؤیا می بیند که دو نفر بـانوی بزرگوار نزد او آمدنـد، و یکی از آنها کلیـدی را به او می دهـد و دیگری می فرمایـد ، کلیـد من بهتر به درد او می خورد [(۱)](#) و پس از آنکه کلیـد را می گیرد و بیـدار می شود ، احساس می کند شـفا پیدا کرده است . هنگام صبح ، این خانم بیمـار شـفا یـافته ، با پای خودش به منزل می رود ، در حالی که شب قبل او را روی دست آورده بودنـد . امام جماعت مسـجد الزّهراء سـلام الله علیها فرمودنـد : بعـد از گـذشت یک هفته از جریان یاد شده ، از پدر آن خانم حال او را جویا شدم ، گفت : بحمد الله خوب شده ، و شوهر او گفت : به شـکرانهٔ این که همسـرم را حضرت زهراء سلام الله علیها شفا دادند، می خواهیم به مشهد مقدّس و به زیارت حضرت رضا علیه السلام برویم .

۶۵- گر گدا کاهل بود تقصیر صاحب خانه چیست

بانوی صالحه ای از همسایگان مسـجد الزّهراء سلام الله علیها ملک شهر می گوید : در شب چهارشنبه موفّق نشدم که در جلسهٔ دعای توسّل مسجد شرکت کنم ، در همان شب در عالم رؤیا دیدم که حضرت زهراء سلام الله علیها فرمودند :

گر گدا کاهل بود تقصیر صاحب خانه چیست

۶۶-فردا در جلسهٔ روضهٔ ... شرکت کنید زیرا...

یکی از روحانیون متدّین و مورد وثوق و دلباختهٔ حضرت زهراء سلام الله علیها چنین نقل

ص:۶۰۳

۱- توسّلات و عنایات أهل البیت علیهم السلام هر کدام کلیدی برای باز شدن گرهها ، و گشوده شدن درهای بسته است .

فرمودند که : شب جمعهٔ ۱۲ جمادی الاولی ۱۴۱۹ در عالم رؤیا دیدم ، که به من گفته شد: فردا در روضهٔ منزل فلانی شرکت کنید ، زیرا که ... شرکت می کنند (و نام آن آقا که از علماء بزرگ مقیم قم ، و از خدمتگزاران بزرگ به آثار و أحادیث أئمّهٔ معصومین علیهم السلام می باشند ، و دربارهٔ حضرت زهراء سلام الله علیها خدمات علمی و اجتماعی بسیار ارزشمندی انجام داده اند را ذکر نمودند) به نظرم رسید که جلسهٔ یاد شده مورد عنایت است ، و می روم که از فیض و برکت مجلس بهره مند شوم ، صبح جمعه عازم مجلس یاد شده گردیدم ، وقتی خواستم بنشینم ، ناگاه صدائی بلند شد که : برای تشریف فرمائی آیه الله سیّد محمّد باقر موحّد ابطحی صلوات بفرستید . ایشان همان وقت از راه می رسیدند ، و برای شرکت در مجلس یاد شده، از قم عازم اصفهان گردیده بودند، و نشانهٔ روشنی برای صدق و حقیقت رؤیا ظاهر گردید .

۶۷-و این هم نمونه ای از تأثیرات شگفت

یکی از طلّاب حوزهٔ علمیّه که تحت تأثیر پیشنهادات و راهنمائی های مربوط به برنامه های فاطمیّه قرار گرفته بود، و اوّلین سفر تبلیغی خود را در ایّام شهادت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها و در رابطه با آن حضرت قرار داده بود ، در سفری تبلیغی به مناسبت فاطمیّهٔ ۱۴۲۲ قمری ، در میان راه یک ماشین پژوی لوکس و تمیز ، او را سوار می کند که قسمتی از مسیر را طی کند ، به راننده می گوید اجازه می دهید یکی از این پوسترهای فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها را به ماشین شما بچسبانم ؟ وقتی رانندهٔ اتومبیل چشمش به نام مقدّس حضرت زهراء سلام الله علیها می افتد اشک از چشمانش سرازیر می شود، و می گوید : بچسبانید . تا این که می رسند به یک جادّهٔ خاکی که آن طلبهٔ مبلّغ می خواسته است از آن راه به مقصد خود برسد ، رانندهٔ ماشین

عذرخواهی می کند، و می گوید با توجّه به شرائط من و ماشین ، نمی توانم شما را به مقصد برسانم ، و ان طلبه پیاده می شود و به سوی مقصد روانه می گردد ، که ناگاه پس از گذشت مدّت زمانی کوتاه ، صدای ماشین می شنود و متوجّه می گردد همان راننده و ماشین است ، و جلوی پای او متوقّف می شود و می گوید: من مقداری راه را طی نمودم و ناگاه بدون ارادهٔ خودم ماشین را متوقّف نموده و برگشتم ، و با خودم گفتم اگر این ماشین تکه تکه هم بشود، این مبلّغ حضرت زهراء سلام الله علیها را به مقصدش می رسانم ، و بدین گونه عشق و علاقهٔ قلبی نسبت به حضرت زهراء سلام الله علیها تجلّی می یابد ، و کار و خدمت در آستان مقدّس آن حضرت آسان و گوارا می گردد .

۶۸-نمکش از آقای ... است

یکی از طلّاب معمّم و روحانی و مهاجر افغانی ، که در برنامه های فاطمیّه بسیار فعّال است ، و با استمداد از أرواح مقدّسهٔ أهل البیت علیهم السلام و بالأخص حضرت زهرای مرضیّه سلام الله علیها کوشش زیاد و موفّقی در توجّه دادن مردم به مراسم فاطمیّه و عزاداری های حضرت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها دارد ، می نویسد : روزی به منزل یکی از مردان نیکوکار ، که با پسرش آشنائی داشتم رفتم ، و پس از مقداری گفتگو ملاحظه نمودم که منزل بزرگی دارد، به او گفتم چه می شود که در ایّام فاطمیّه ای که در پیش است ، جلسهٔ عزاداری برقرار کنیم و من هم برنامهٔ سخنرانی و نصب پرچم و پوستر و ... را انجام می دهم ، و او هم که مردی علاقمند و مذهبی بود پذیرفت ، و روحانی دیگری هم که در نزدیکی آن منزل بود بلندگو آورد و خودش هم سخنرانی کرد، و ما را هم بسیار تشویق نمود . مجلس بسیار جالب و با شکوهی با حضور زنان و مردان با ایمان تشکیل شد، و

یکی از روزها، خانمی گفت: در عالم خواب دیدم که شما روضه می خوانید و جلسهٔ بسیار جالب و باشکوهی بود ، و یک نفر گفت نمکش از آقای حجّت است آن خانم أصلاً نامی از آن آقای یاد شده نشنیده بود، و ایشان را هم نمی شناخت، و معنای نمکش از ایشان است را هم نمی دانست ، در حالی که قبل از این که این خانم رؤیای خودش را نقل کند ، من در آن جلسه ، روضه خوانده بودم، و چندین شعر از آن شخصی که در عالم رؤیا نامش برده شده بود و من از ایشان گرفته بودم خواندم ، و تأثیر عجیبی گذاشت و مجلس را منقلب کرد، و حال و شور و عجیبی پیدا شد ، و من متوجّه شدم که نمکش از ... است یعنی چه ؟ و این بشارت و نشانه ای بود برای این که مجلس یاد شده مورد عنایت و لطف حضرت زهراءسلام الله علیها قرار گرفته است .

۶۹-چکی به من دادند که باور نمی کردم

فهمیدم که آنها بزرگ هستند ألان که این قسمت را می نویسم منقلب شده ام ، گزارشات مدرّسین ، فضلاء، طلّاب و ... را دربارهٔ آنچه در ایّام فاطمیّه سلام الله علیها از مردم، عزاداریها ، اطعام و احسانها به نام فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها مجالس و دستجات عزاداری و ... دیده و شنیده اند مطالعه می کنم ، با این که ایّام محرّم و عزای حسینی است ، ولی این گزارشات را برای سوّمین بار مطالعه می کنم ، اخلاص ها، پشتکارها ، همبستگیها ، ایثارها ، اظهار ارادت ها و ... از یک طرف ، و کرامت ها و عنایت ها و درسهای الهی از طرف دیگر ، در گزارشهای فاطمیّه تکان دهنده است . یکی از فضلای علاقمند که امام جماعت هم می باشد ، تحت تأثیر سخنانی که

قبل از ایّام فاطمیّه در جلسهٔ درس گفته بودم ، که شما در کار مربوط به حضرت زهراء سلام الله علیها اقدام کنید ، و حتی اگر لازم دیدید هزینهٔ برگزاری مجلس را خودتان بپردازید، و بدانید که خاندان عصمت و طهارت شما را تنها نمی گذارند ، قرار گرفته بود، و اطّلاعیه ای برای مراسم فاطمیّه چاپ کرده بود، و جلسهٔ عزاداری در مسجد را اعلام نمود بود . یکی از هیئت امنای مسجد اظهار داشته بود، آیا هزینه های مجلس را کسی بر عهده گرفته ؟ و آیا مجلس بانی دارد؟ و ایشان در جواب گفته بود ما کار خودمان را می کنیم ، و آنها کار خودشان را ، و کدام بانی از خود فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها بهتر ؟ . چندین شب سوگواری و حرکت کاروان عزاداری در خیابان و در منطقهٔ گلستان شهداء ، و اطعام عمومی انجام شد، و هنوز سخنرانی شب آخر به پایان نرسیده بود که ، یک نفر قطعه چکی به من داد (با مبلغی بالا) و ایمان پیدا کردم به سخن شما که گفتید : شما کار خودتان را انجام دهید و بدانید که هم از نظر مادّی و هم از نظر معنوی به شما کمک خواهند نمود .

۷۰-در اثر بی احترامی ، عروسی به عزا مبدّل می شود

در ایّام فاطمیّهٔ اوّل در سال ۱۴۲۲ قمری و در ایّام شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها در یکی از محلّه های اصفهان ، مراسم عروسی برگزار می شود، و با این که در همان محل ، در مسجدی به نام مبارک حضرت امام حسن علیه السلام مجلس عزاداری حضرت زهراء سلام الله علیها برقرار بوده است ، مراسم عروسی تا یک ساعت بعد از نیمه شب ادامه می یابد، و با ساز و نواز و وسائل غنا و موسیقی به خوش گذرانی می پردازند ، و به حریم ناموس الهی حضرت صدّیقهٔ کبری سلام الله علیها بی احترامی می نمایند ، ولی سزای عمل زشت آنها گریبانشان را می گیرد ، و داماد دچار برق

ص:۶۰۷

گرفتگی می شود، و عروس و دو فامیل به عزا می نشینند .

۷۱-فقط این بیت به ما داده شده است

در سال ۱۴۲۱ قمری ، یکی از پوسترهـائی که چـاپ و منتشـر شـد شدیـداً مورد توجّه قرار گرفت ، و تاکنون چنـدین بار و در چندین سال مکرّراً چاپ شده است . در بالای طرح آن ، چشمی است که از گوشهٔ آن قطرات خون جاری است ، و در قسمت پـائین طرح ، تـابوتی است که بر روی بالهائی قرار گرفته است . هنگامی که طرح یاد شـده مراحل طراحی و اربراش آن (یک نوع رنگ آمیزی است) انجام شد ، به نظر رسید ، که اگر أشعاری مناسب این طرح، ضمیمه شود، تأثیر عاطفی و روحی آن را بیشتر می نماید ، لذا در جلسه ای که عدّه ای از شـعرا و مدّاحان أهل البیت علیهم السـلام حضور داشـتند ، طرح آماده و رنگ آمیزی شـده را بـدون مقـدّمه نشان دادم و گفتم : برای این طرح شـعری می خواهم که در آن گنجانیـده شود، ناگاه به فاصـلهٔ تقریبی ۱۳ - ۱۴ ثانیه یکی از آنها گفت :

آن شب که ز چشمان علی خون می ریخت

تابوت تو بر دوش ملائک می رفت

رو کردم به آن شاعری که این بیت را انشاء کرد و گفتم : آیا این شـعر را قبلاً سـروده بودی ؟ گفت : نه (۱)به او گفتم شعر را به زبانت جاری کردنـد ، وگرنه شـعری که تمام مضـمون پوستر را بـدون یک کلمه کم و یا زیاد ، بدون سابقه و توجّه قبلی به مضمون ، در بر داشته باشد ، و در مدت ۱۳ یا ۱۴ ثانیه سروده

۱- شاعر یاد شده ، از سادات و مورد وثوق ، و دارای روح ولایت أهل البیت علیهم السلام می باشد .

شود، بدون تأیید غیبی ممکن نیست . به او گفتم شعر را بنویس و به من بده ، تا به خطّاطی بدهم که با خطّ زیبا بنویسد ، و در طرح گنجانیده شود ، گفت آماده می کنم و می فرستم . فردای آن روز همان شعر را به ضمیمهٔ شعر دیگری ، به صورت یک رباعی فرستاد ، و در هنگامی که آن دو بیت را ملاحظه کردم ، تفاوت عجیبی از نظر تأثیرگذاری بر روح و احساسات ، بین آن دو بیت احساس کردم ، و تصمیم گرفتم فقط همان یک بیت روز گذشته را در متن پوستر قرار دهم . چند ساعتی گذشت ، و همان کسی که دو بیت را برایم آورده بود ، در یک مجلس عزاداری مرا دید و گفت : فلانی (شاعر یاد شده) امروز عصر با یک حالت اضطراب و پریشانی آمد به سراغ من ، و گفت : فقط همان شعر دیروز را چاپ کنید ، زیرا بعد از آنکه دو بیت را ارسال کردم ، در عالم رؤیا دیدم چند نفر در حالت نصب یک پرچم هستند ، و بر روی آن فقط همان شعر أوّل نوشته شده بود، به آنها گفتم من دو بیت سروده ام چرا بیت دوّم را در این پرچم ننوشته اید ؟ جواب دادند : آنچه در اختیار ما قرار داده اند فقط همین یک بیت است . وقتی از خواب بیدار شدم ، متوجّه شدم که تنها همان بیتی که الهامی بوده مورد عنایت است ، و شعر دیگر نبایستی ضمیمه شود .

۷۲-یک بیت را من می گویم ، بقیّه اش را تو بگو

اشاره

آقای ژولیدهٔ نیشابوری (که یکی از شعرای نامدار و با ولایت می باشد ، و دیوان ها و مجموعه های شعری فراوانی از او به چاپ رسیده) نقل فرمودند که : در عالم رؤیا دیدم در مسجد گوهرشاد در مشهد مقدّس هستم ، و من و یکی دیگر از شعرای نامدار ایستاده بودیم ، و یکی از منبری های با ولایت (که از سادات

بزرگوار می باشد) و از بالای منبر رو به ما کرد و گفت : بیائید جلو ، وقتی رفتیم نزدیک ، با خطاب به آن شاعری که با من بود، دستور دادند شعری بخواند ، و او هم انجام وظیفه نمود، و از شدّت سوز و گریه و عزاداری غوغائی بپا شد ، سپس آن سیّد بزرگوار به من گفتند : فلانی تو هم شعری بخوان ، گفتم شعری ندارم ، فرمودند یک بیت من می گویم ، دنباله اش را تو آماده کن ، و همینجا بخوان ، و آن بیت این بود:

ای آنکه بر صحیفهٔ حق پشت پا زدی

آتش به جان خلق و همه ماسوی زدی

ودنباله شعر را در عالم خواب سرودم و خواندم :

روزی که دادگاه عدالت به پا شود

آگه شوی که تیر جفا را کجا زدی

می پرسد از تو مهدی ما با چه جرأتی

آتش به درب خانهٔ شیر خدا زدی

دستت بریده باد که با بودن حسن

سیلی به روی مادر ما، از جفا زدی

در کوچه ای که رهگذر خاص و عام بود

باتازیانه مادر ما را چرا زدی

این مضمون را در شعری بیاور

آقای ژولیدهٔ نیشابوری ، نقل نمودند که ، من در عالم رؤیا دیدم مرحوم آیه الله ، آقای حاج سیّد أحمد فقیه امام قدس سِرُّه در باغی نشسته اند(۱) و مرا پهلوی خودشان

۱- البته من ایشان را در زمان حیاتشان ندیده بودم ، ولی در عالم خواب شناختم

نشاندند و فرمودند : بد ترین درد برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام این بود که آن نانجیب (...) می ایستاد ، و با نگاه تمسخر آمیزش لبخند فاتحانه می زد، یعنی دیدی که آخر تو را شکست دادم ، و سپس فرمودند : این مضمون را به شعر در آور ، و من در عالم خواب این شعر را سرودم ، و در همانجا خواندم و ایشان لبهای من را بوسیدند و آن شعر این است :

زهرای من ، که هست علی پای بست تو

ای اختیار هستی عالم ، به دست تو

آن بی حیا به طعنه به من گفت یا علی

دیدی که زنده ماندم و دیدم شکست تو

۷۳–روضهٔ شما باید به اندازهٔ عمرمادرم زهراءسلام الله علیها ۱۸ روز باشد

اشاره

أیّام محرّم ۱۴۲۲ قمری بود که یک نوار کاست ، محتوی گزارشی از یک عنایت و معجزهٔ حسینی بسیار عجیب و تکان دهنده به دستم رسید، و بعد از شنیدن آن، جمعی از دوستان و علاقمندان به أهل البیت علیهم السلام نیز گوش دادند ، و تحت تأثیر قرار گرفتند ، و تصمیم گرفتیم با چند اتومبیل سواری به شهر کرمان برویم و آن کسی را که مورد آن عنایت عجیب و معجزهٔ استثنائی قرار گرفته(و در آن أیّام ، مجلس عزاداری بسیار شگفتی آفرین و کم نظیری دارد) از نزدیک به بینیم ، و در آن جلسهٔ عزاداری که با عنایت حضرت سیّد الشّهداء علیه السلام پایه گذاری شده شرکت کنیم ، و بهرهٔ معنوی ببریم .

با عدّه ای از علاقمندان به خاندان رسالت ، با حالت توسّل و با استمداد از روح مقدّس حضرت امّ البنین و چهار فرزند بزرگوارشان ، هنگام صبح از اصفهان به مقصد کرمان حرکت کردیم و برای نماز ظهر در مسجد حضرت أبا الفضل علیه السلام (که در بیابانهای بین یزد و کرمان می باشد ، و به عنوان یاد بود یک معجزهٔ بزرگ از

حضـرت أبا الفضل علیه السلام تأسیس شده) وارد شدیم ، و پس از اقامۀ نماز ظهر و عصر و توسّل به ذیل عنایت باب الحوائج قمر بنی هاشم علیه السلام رهسپار کرمان شدیم ، و هنگام مغرب به شهر کرمان رسیدیم ، و پس از اقامۀ نماز جماعت در یکی از مساجد نزدیک محلِّ برگزاری مجلس عزاداری یاد شده ، به سوی مجلس روضه حرکت کردیم .

از فاصلۀ زیـادی تا مجلس ، با سـیل جمعیّت برخورد کردیم ، که حالت چهره ها ، و جمعیّت بی شـماری که از هر طرف ، در حال پراکنـده شـدن بودنـد ، و کوچه های زیادی که در آنها فرش گسترده شـده بود، به خوبی نشان می داد که این مجلس از نظر کمیّت اجتماع کنندگان ، کم نظیر ، و از نظر کیفیّت معنوی و روحی شرکت کنندگان ، استثنائی و برجسته است .

هنگامی که وارد حسینیّه شدیم ، ملاحظه کردیم که باقی ماندۀ جمعیّت (1)انبوهی از عزاداران می باشند که به همراهی با آنان ، عزاداری بسـیار مفصّل و پر سوز و شوری برگزار نمودیم ، و سـپس دعای کمیل خوانـده شد، و مراسم عزاداری پایان یافت . پس از صرف شام ، از آقای حاج ماشاء الله خداداد که چهل سال قبل مورد لطف و عنایت عجیب سیّد الشّهداء امام حسین علیه السـلام قرار گرفته ، درخواست نمودیم که جریـان کسـالت مرگبـار خودش ، و عنـایت و لطف حیـات بخش امـام حسـین علیه السـلام را نقل کند ، و در آن مجلسـی که تا بعد از نیمه شب به طول انجامید، غوغائی برپا شد، و حال و هوای معنوی ، و سوز و شور کم نظیری ، بر همۀ حاضرین حاکم

۱- زمان مجلس یاد شـده ، عصـرها می باشد ، و در آن شب (که شب جمعه بود و جمعیّت قابل توجّهی از اصـفهان وارد شده بود) برنامۀ مفصّلی نیز به اجراء درآمد .

گردید ، که از خاطره های فراموش ناشدنی زندگی همهٔ حاضرین در آن مجلس ، محسوب گردید . حاج ماشاء الله خداداد ، داستان مفصّل بیماری و شفای خود را چنین تشریح کرد: در سنین جوانی به شغل نجّاری مشغول بودم ، یک روز احساس تهوّع شدیدی نمودم ، آن چنان که نمی توانستم تحمّل کنم ، نزد پزشکی که در همسایگی مغازه ام بود رفتم ، بعد از معاینه ، نارسائی و مشکل کلیه تشخیص داد، و برای پانزده روز نسخه نوشت ، و داروهائی را توصیه نمود، و در منزل بستری شدم ، و پانزده روز ، به دو سال رسید ، و هرچه زمان می گذشت و داروها را مصرف می نمودم حالم بدتر می شد ، از آب خوردن هم منع شده بودم ، از خوردن گوشت قرمز و گوشت مرغ و میوه نیز ممنوع گردیده بودم ، از بس تشنه می شدم قاشق را تر می کردند و به لبانم می مالیدند ، به هیچ عنوان ادرار از من خارج نمیشد ، چون که کلیّه ها کاملاً از کار افتاده بودند (البتّه در آن زمان دستگاه دیالیز وجود نداشت) بدن من ورم کرده بود و در ناحیهٔ شکم ، آن چنان متورّم شده و بالا آمده بود که داخل شکم پیدا بود و مرتّب پوست آن می ترکید ، و از آن آب بیرون می زد، و از شدّت درد و ناراحتی ، به دیوار پنجه می کشیدم ، و دیوار گود شده بود . بعد از دو سال معالجه و نا امیدی کامل و ناتوانی از ادامهٔ درمان ، قرار شد که مرا به بیمارستان ببرند ، وقتی خواستند مرا حرکت بدهند ، ملاحظه نمودند که موریانه تخت و تشک زیر بدنم را خورده ، و مقداری گردهٔ مرا نیز خورده بود، و در اثر بی حسّی که در پوست و بدنم پیدا شده بود، متوجّه آن نگردیده بودم . در بیمارستان ، شورای پزشکی تشکیل دادند ، و هر روز دوبار بدنم را زیر برق

می گذاشتند ، و دستگاهی از خارج آورده بودند ، که کارهائی روی بدنم انجام می داد و با سرنگ آبهای شکم را می کشیدند ، ولی هیچ کدام از برنامه های درمانی مؤثّر واقع نمی شد . پس از یک دورهٔ شش ماهه ، مرا مرخّص نموده به منزل فرستادند ، ولی حالم روز به روز بدتر می شد ، و لذا با وساطت پزشک معالج من ، مجدّداً مرا به بیمارستان بردند ، و باز بعد از یک دورهٔ شش ماههٔ دیگر ، مرا به منزل باز گرداندند . در این مرحله حال من انقدر بد شده بود که پوست شکم پاره شد، و روده هایم بیرون ریخت ، و با وساطت یکی از روحانیّون کرمان ، مجدّداً به بیمارستان منتقل شدم . استاندار وقت کرمان ، به دیدن بیماران آمده بود، بعد از دیدن چند بیمار کلیوی ، به نزدیک تخت من آمد ، و در هنگامی که حال مرا دید ناراحت شد و گفت او جوان است ، باید کمکش کنیم ، ولی وقتی پتو را از روی بدنم عقب زدند، و حالت شکم و روده های مرا دید ، عقب رفت و گفت او را به خارج بفرستید مخارج او را من میدهم ، دکتر جلو آمد و پلک چشم مرا بالا ـ زد، و گفت : این مریض ۲۴ ساعت دیگر بیشتر زنده نیست ، فقط سه بچّه کوچک دارد اگر لطف کنید آنها را به پرورشگاه تحویل دهید .

با شنیدن این مطالب ، بسیار ناراحت شدم ، و با این که قبلاً هم متوسّل به امام حسین علیه السلام شده بودم ، ولی در این حال با حالت دل شکستگی مخصوص ، عرض کردم آقا امام حسین علیه السلام نمی خواهم بمیرم ، نمی خواهم بچّه هایم را به پرورشگاه ببرند ، مرا شفا دهید ، تا همه بیایند و ببینند که چگونه شفایم را از شما

گرفته ام . ۲۴ ساعت گذشت ، و نمردم و چون که فکر می کردند آخر عمر من است ، بچّه هایم را نیز به بیمارستان آورده بودند ، که در آخر عمر در کنارم باشند . با توجّه به نا امیدی پزشکان مرا به منزل آوردند ، و أیّام نزدیک محرّم بود ، و دیگر همهٔ امیدم امام حسین علیه السلام بود و بس . روز هشتم محرم شد .

قاصد حسینی آمد

ناگهان دیدم کبوتر سفید رنگی وارد اطاق من شد ، و روی تخت نشست ، و با آمدن کبوتر ، گویا من سبک شدم ، و پیش خودم گفتم کبوتر امام حسین علیه السلام است ، سپس گفتم : آقا ، اگر واقعاً این کبوتر از طرف شما آمده ، یا روی سینه ام بیاید یا در زیر تخت من برود، ناگاه دیدم که کبوتر به زیر تخت رفته و من بدین

جهت آرام تر شدم . ساعتی بعد مادرم وارد اطاق شد ، در حالی که دستمالی در دست داشت ، گفت : پسرم این دستمال آغشته به اشک بر امام حسین علیه السلام است ، و دستمال را به سینهٔ من مالید ، چون نمی توانستم حرف بزنم با اشاره به او فهماندم که مهمان دارم ، در زیر تخت است ، باید در کاسه و بشقاب چینی برای او آب و دانه بیاوری ، چون قاصد امام حسین علیه السلام است . امید داشتم که روز تاسوعا یا عاشورا شفا پیدا کنم ، ولی خبری نشد ، روز ۱۱ و ۱۲ نیز گذشت و خبری نشد ، و این کبوتر تا روز چهاردهم محرّم ، نه آب خورد و نه دانه .

سقف شکافته شد،عنایت رسید

شب شانزدهم محرّم رسید ، نیمه شب بود ، گفتم آقا امام حسین علیه السلام عاشورا هم گذشت خبری نشد ، هنوز کلامم تمام نشده بود ، که دیدم سقف شکافته شد، و

دیدم امام حسین علیه السلام همانند یک پارچه نور وارد اطاق من شدند ، و در کنار و به من لبخندی زدند ، من از تخت پائین تخت من روی صندلی نشستند(۱) آمدم و با یک دست بازوی حضرت را گرفتم ، و دست دیگرم را روی شانهٔ آن حضرت قرار دادم ، و گفتم : نگاه کردن به صورت عالم عبادت است ، آقا شما چه کسی هستید ؟ فرمودند : تو چه کسی را صدا می زدی ؟ گفتم امام حسین علیه السلام هستم ، تو چه می خواهی ، گفتم : شما می دانید را ، فرمودند : من امام حسین علیه السلام که من چه چیزی می خواهم ، فرمودند : آنچه می خواستی ما بتو دادیم (۲) . ناگهان دوباره سقف اطاق شکافته شد، و دو دست بریدهٔ حضرت أبا الفضل علیه السلام در حالی که بشقابی بر روی آنها بود ، در کنار امام حسین علیه السلام حاضر شد ، من نگاه به آن دستها کردم ، آقا فرمودند : به من نگاه کن ، بعد از آن، آقا دست مرا گرفتند و به مسجد خواجهٔ خضر کرمان بردند ، در حالی که دو دست بریده نیز ، در کنار آن حضرت بود، آنجا یک منبر زیبائی گذاشته شده بود، و جمعیّتی که تمام نور بودند، در جلو مقدم مبارک آقا، ایستادند ، و وقتی آقا امام حسین علیه السلام نشستند آنها هم نشستند ، و من دست به سینه مقابل آقا ایستاده بودم، و می گفتم : نگاه به صورت عالم عبادت است . ناگهان از آن حال بیرون آمدم ، و دیدم در اطاق خودم هستم ، ولی اطاقم حال

ص:۶۱۶

۱- برای دکترها یا بزرگانی که به عیادت می آمدند ، یک صندلی چوبی گذاشته بودند ، که حضرت امام حسین علیه السلام بر روی آن نشستند ، و هنوز هم آن صندلی باقی است ، و بیماران ، خودشان را به پایهٔ آن صندلی می بندند ، و طلب شفا می کنند .

۲- همه چیز به من دادند ، شفای کامل ، آبرو ، روضه خوانی برای آقا، مال و ... بلکه بالاتر از آنچه می خواستم ، به من عطا فرمودند .

و هوای دیگری داشت ، همه نور شاه بود، و بوی تربت امام حسین علیه السلام استشمام می شد ، و آن کبوتر دور من می چرخید و با صدای بلند می خواند ، ناگاه متوجّه شدم ، بدنم سبک شده ، دست به شکمم کشیدم ، دیدم سالم است ، از تخت پائین آمدم ، و به خاطر این که در اطاق از پشت بسته بود، ضربه ای به در زدم ، مادرم آمد مرا در بغل گرفت و گفت چه خبر است ؟ در این اطاق چه شده است ؟ چه بوی تربتی می آید؟ وارد حیاط شدم احساس کردم باید به دستشوئی بروم ، بعد از چهار سال ادرار همراه چرک و خون از من خارج شد، و بدنم کاملاً راحت گردید ، دیدم ساعت ۲ بعد از نصف شب است ، تا صبح یا حسین ، یا حسین گفتم و گریه کردم ، و همسایگان از صدای گریه خیال کرده بودند من مرده ام ، و برای مرگ من ، بستگانم گریه می کنند ، صبح وقتی که برای تشییع جنازهٔ من آمدند ، دیدند من سالم هستم و شفا گرفته ام ، همه جمع شدند و شفا یافتن مرا دیدند . در آن هنگام ، کفش و لباسی نداشتم (بعد از چهار سال در بستر بیماری و مرگ بودن) آنها رفتند ، برایم کفش و لباس اوردند ، برای ظهر تصمیم گرفتم به مسجد بروم ، سوار تاکسی شدم ، رانندهٔ تاکسی گفت : تو کیستی که تاکنون چنین مسافری ندیده بودم ؟ و دلش نمی خواست مرا پیاده کند ، در صف جماعت نشسته بودم یکی از نمازگزاران گفت : این جوان چقدر شباهت به آقا ماشاء الله نجّار دارد ، دیگری گفت : بیچاره آقا ماشاء الله در حال مرگ است ، کارش تمام است ، گفتم : من آقا ماشاء الله هستم ، که ناگاه مردم دورم جمع شدند و می خواستند لباسهایم را برای تبرّک قطعه قطعه کنند و ببرند ، ولی عدّه ای دیگر مانع شدند .

خبر به پزشکی که سالها بود معالجه ام می کرد رسید ، مرا برای آزمایش به بیمارستان دعوت کرد ، دکترهای خارجی هم بودند ، و پس از آزمایش ادرار و نتیجهٔ بسیار خوب آن (در حالی که قبلاً ادرار نمی کردم و با سرنگ آب بدنم را می کشیدند) و با دیدن قیافهٔ من ، همه تعجب می کردند ، و عدّه ای گریه می کردند، و پزشک معالج من که سیّد هم بود، به دکترهای خارجی گفت : جدّم امام حسین علیه السلام او را شفا داده اند . بعضی از پرستاران آن روز بیمارستان هنوز زنده هستند ، و در جلسهٔ روضه ای که برگزار می کنیم ، خدمت می کنند .

آقا امام حسین ! می خواهم روضه بخوانم

سال بعد شد ، أیّام محرّم فرا رسید ، دلم می خواست که در این منزل (که امام حسین علیه السلام قدم در آن گذاشته اند) روضه خوانی کنم ، ولی هیچ قدرت مالی نداشتم ، دیوانه وار رفتم در وسط آن اطاق ، و گفتم آقا امام حسین می خواهم روضه خوانی کنم ، بعضی گفتند : بگذار برای سال بعد، مادرم گفت : امسال جلسهٔ روضهٔ مختصری در مسجد الرّضا علیه السلام که در نزدیکی منزلمان هست برقرار کن تا سال بعد ، ولی قبول نکردم ، و به خود آقا متوسّل شدم و بسیار گریه کردم، تا این که شبی در حالت غم و غصّه به خواب رفتم ، و در عالم خواب دیدم آقا امام حسین علیه السلام با حالتی نورانی تشریف آوردند ، و در وسط حیاط منزل ایستادند ، در حالی که عبائی بر دوش و نعلین زردی به پا داشتند ، با حالت أدب دست به سینه مقابلشان ایستادم ، حضرت لبخندی به من زدند ، گفتم آقا کجا بودید ؟ فرمودند : مگر تو نمی خواهی روضه بخوانی ؟ من آمده ام کمکت کنم، و فرمودند : جاروئی حاضر کن ، من یک مقدار گردش کردم و متوجّه بودم

که جاروهای ما کثیف است و مناسب نیست به دست حضرت بدهم ، دوباره مقابل حضرت آمدم و دست به سینه ایستادم ، حضرت فرمودند جارویت چه شد ؟ هیچ جواب ندادم ، ناگاه نوری از آسمان آمد ، دیدم یک جاروئی است همه اش نور ، و تمام محلّه را روشن کرده که نمی توانم تشریح کنم، حضرت آن را به دست گرفتند ، و به اندازهٔ یک فرش ۳×۴ از حیاط منزل را جاروب زدند ، و بعد با دست مبارکشان اشاره فرمودند که منبر را اینجا بگذار ، تو روضه بخوان ما تو را کمک کردیم و رفتیم ، چشمهایم را باز کردم ، ساعت ۲ بعد از نصف شب بود ، باز هم تا صبح ، یا حسین ، یا حسین گفتم و گریه کردم ، و عرض کردم : آقا ممنونم ، کمکم کردید ، راحت شدم ، أذان صبح شد ، نماز خواندم ، صدای در خانه بلند شد ، وقتی در را باز کردم آقائی پشت در بود گفت ، چرا ناراحت هستی ؟ گفتم ناراحت نیستم ، مقداری قند و چای داد و گفت : اینها را آقا امام حسین علیه السلام برایت فرستاده اند ، و هرچه تو دیدی من هم دیدم (۱) ناراحت نباش ، حضرت دستور دادند که فلانی را دعوت کنم بیاید روضه بخواند . بدین صورت مجلس روضه شروع شد ، از روز اوّل ، مجلس بسیار عجیبی بود، جمعیّت زیادی می آمدند ، علماء نیز شرکت می کردند ، مردم می گفتند اینجا چه خبر است ؟ ما حاجات مهمّ خود را از امام حسین علیه السلام گرفته ایم، و در حقیقت ، مجلس روضه ، شفاخانهٔ امام حسین علیه السلام گردیده بود . در حال حاضر ، همان اطاقی که آقا تشریف آوردند و همان صندلی که حضرت بر روی

۱- یعنی من هم به محضر امام حسین علیه السلام ، و می دانم به تو چه فرموده اند .شرفیاب شدم ، و دستورات کار را به من دادند

او نشستند هنوز باقی است (۱) و بیماران صعب العلاجی شفا گرفته اند که در دفتری که موجود بود ، وضعیّت و نوع مشکل و شفای آنها ثبت شده است .

در روز شهادت حضرت زهراء کبوتر پرواز کرد

کبوتری که در روز هشتم محرّم و در مقدّمهٔ شفای من وارد اطاق شده بود، در روز شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها یک دور ، دور خانه زد و روی زانویم نشست ، من دانه های گندم را در کف دستم قرار دادم و نزدیک او بردم ، ناگاه کبوتر به سوی آسمان (به صورت نور) پرواز کرد، من شروع کردم به سر و صورت زدن و میگفتم : کبوترم رفت . پس از آن به مجلس علماء شهر رفتم ، گفتند چه خبر شده است ، قضیّه را شرح دادم ، آنها فرمودند : نگران نباش این کبوتر قاصد امام حسین علیه السلام بوده، و حالا که مأموریّتش تمام شده برگشته است .این کبوتر هر سال ، یک روز در جلسهٔ روضه می آید ، و بعد از گردش دور خیمهٔ امام حسین علیه السلام ساعاتی را در مجلس می نشیند ، و از جمله : در سال قبل (۱۴۲۱ قمری) در هنگام شفا گرفتن زنی که سرطان مغزی داشت ، آن کبوتر حاضر بود . شاعر و مدّاح مشهور ، آقای حاج غلامرضا سازگار نقل کردند : من نشسته بودم که آقائی وارد شدند (که بعداً مشخّص گردید از خدّام با اخلاص

۱- همهٔ جمعیّت اصفهانی که برای مراسم روضه شرکت کرده بودند مشاهده نمودند که بیماران زیادی را از راه دور و نزدیک آورده بودند ، و در آن اطاق و در فضای مجاور آن قرار داده بودند ، و با ریسمانی به پای آن صندلی مخصوص بسته بودند ، و تا کنون بیماران زیادی شفا گرفته اند .

و سالخورده آستان مقدّس امام علی بن موسی الرّضا علیه السلام هستند) پرسیدند حاج ماشاء الله خداداد کیست و ألان کجاست ؟ به همراه یکدیگر نزد حاج ماشاء الله رفتیم ، به ایشان گفت : تو کاری نداشته باش چه کسی هستم و از کجا آمده ام ، فقط من پیغامی از طرف حضرت رضا علیه السلام برای شما آورده ام ، حضرت فرمودند :

روضهٔ شما باید به اندازهٔ سنّ مادرم زهراء سلام الله علیها هجده روز باشد

و گلاب مجلس را هم من می دهم ، و باید این گلاب را در مجلس بپاشید ، آن روز ، آخر مجلس ، و روز دوازدهم روضه بود ، که بایستی مجلس پایان می یافت ، حاج ماشاء الله در همان لحظه گفت شما اعلام کنید : و در وقتی که مطلب را برای مردم گفتم ، آن چنان مجلس منقلب شد ، و صدای ضجّه و شیون بلند گردید که دیگر امکان سخن گفتن نبود، و تا مدّتی صبر کردم ، و به علّت نوع تأثیری که بر مجلس گذاشته شد ، و دگرگونی غیر عادّی که حاصل گردید ، یقین کردم که سخن ، از امام علی بن موسی الرّضا علیه السلام است ، که با این تأثیر عجیب و غیر عادی ، تمام دلها و مغزها و جانها را تسخیر نمود .

آقای حاج آقا سازگار نقل نمودند : حاج آقا ماشاء الله در یکی از سالها ، تشرّف به محضر حضرت بقیّه الله عجّل الله تعالی فرجه پیدا می کند ، و آن حضرت مقداری نبات به او داده بودند ، و حاج آقا ماشاء الله ، به اندازهٔ یک عدس از آن نبات را به خانوادهٔ من (همسرم) داده بودند ، یکی از همسایگان ما ، در تهران بچّه ای داشت مبتلا به بیماری تالاسمی ، مادر این بچّه ، روزی به منزل ما آمده بود و بسیار گریه و زاری و التماس نموده بود که ، چون شما فعلاً نیازی به این نبات متبرّک ندارید، آن را به من بدهید برای بچّهٔ من که در حال تلف شدن است ، همسرم تحت تأثیر حالت اضطرار مادر بیچاره ، نبات یاد شده را به او می دهد ،

و پس از خوردن آن ، بچّه شفا پیدا می کند ، و پس از انجام آزمایشات پزشکی ، شفای کامل او تأیید می گردد . در حال حاضر (در سال ۱۴۲۴ قمری ، که این داستان را می نگارم) چهل سال از جریان شفای عجیب حاج ماشاء الله خداداد (نجّار) می گذرد، و او با کهولت سن ، بسیار سرزنده است ، و روحیه ای بسیار عالی دارد ، و در أیّام برگزاری عزاداری بسیار گسترده و عظیم (به مدّت ۱۸ روز) آنهم در حسینیّه ای بزرگ ، با ضمیمه شدن کوچه های اطراف ، و آمدن علاقمندان از شهرهای دور و نزدیک ، با کمال علاقه و شور و عشق حسینی ، در خدمت مهمانان حضرت سیّد الشّهداء علیه السلام می باشد . او در اثر عنایت حسینی و لطف امام رضا علیه السلام و حضرت بقیّه الله الأعظم عجّل الله تعالی فرجه به عنایاتی مفتخر گردیده ، و شرح قسمتی از آن عنایات را در آن شب و جلسهٔ به یاد ماندنی برای این کمترین نویسنده، بازگو نمود، ولی به خاطر عهد و پیمانی که با من بسته ، از ذکر آنها معذور می باشم .

۷۴-پشیمانی انتقاد کنندهٔ به شکل برنامهٔ فاطمیّه

در یکی از سالهای گذشته ، برنامه های بزرگداشت ایّام شهادت فاطمه زهراء سلام الله علیها انجام شد ، و طلّاب و مدرّسین و جوانهای با اخلاص و مردم معتقد و فداکار ، هرکدام به شکلی عرض أدب و ارادت نمودند ، و مخلصانه در نشر و ترویج نام و یاد و مکتب انسان ساز حضرت زهراء سلام الله علیها همّت گماشتند ، پس از گذشت مدّت زمانی ، یک نفر که به افکار و سلیقهٔ شخصی خود زیاد پای بند بود عدّه ای از طلّاب فداکار در راه نصب پرچمها و پوسترهای فاطمیّه سلام الله علیها را جمع کرده ، و به شکلی شدید به آنها اعتراض نمود ، که چرا پرچمها و پوسترها اسم و آدرس

نـدارد، و به هیچ عنوان جنبه های اخلاص و آثار و برکات خلوص نیّت را مورد توجّه قرار نمی داد ، و در آخر گفتگو و بحث ، سـخنان خود را صحیح و برتر می دانست . دو هفته از این ماجرا گذشت ، با یک حالت پشیمانی و ندامت شدید ، به یکی از مدرّسـین عالی قدر (که در برنامه های فاطمیّه با اخلاص کامل ،فعّالیّت مسـتمر و کارسازی دارد) گفته بود ، طلبه هائی را که در آن جلسـهٔ بحث و گفتگو بودنـد حاضـر کنید ، می خواهم با آنها صـحبتی داشـته باشم ، مدّرس یاد شده می پرسد ، جریان چیست ؟ می گویـد : من مرحوم آیه الله العظمی ، حـاج سـیّد أحمـد خوانسـاری قـدس سِرّه (۱) را بـا لباسـی خوب و هیئت و جمالی عالی دیـدم ، و ایشان با حالت عصـبانیّت شدید به من فرمودند : چرا اعتراض کردی به کار پوسترها ، و با کلمات تند و خطاب و عتاب زیاد با من سخن گفتند ، و لذا من از سخنان خودم پشیمانم و می خواهم از حق تعالی و حضرت صدّیقهٔ کبری سلام الله علیها عذر خواهی کنم و آن طلبه ها را جمع کنم و پشیمانی خودم را علناً و رسماً اعلام نمایم .

۷۵-من در کشورتان یک فرزند دارم برو آنجا

خـانمی است به نـام زهرهٔ کریمی (که قبلاً کلیمی بوده و به اسـلام روی آورده) زنـدگیش نکته هـای مهم و جـالبی دارد که قسـمت هائی از آنرا ملاحظه می نمائید هفت هشت ساله بودم که به خاطر همسایگی با مسـلمانان ، با اسـلام آشنا شدم و قضیّه ای عجیب مرا به سوی امام حسین علیه السلام کشانید .

۱- ایشان از مراجع معظّم تقلید بودند و از نظر مقام تقوی و معنویّت ، تال تِلو معصوم بشمار می رفتند ، و در ربیع الثّانی ۱۴۰۵ قمری وفات یافتند .

هشت ساله بودم برای تهیّه نان به نانوائی رفتم ، یک جوان مسلمان ریگ بسیار داغی که از نان سنگک جدا شده بود را در پیراهنم انداخت و من در اثر سوزش بدنم به خاطر آن سنگ داغ بی تاب شدم و گفتم : اگر امام حسین علیه السلام شما راست است خدا کند به حقّ ایشان ، جوان مرگ شوی ، و آن جوان در همان ایّام به طور ناگهانی دل درد شدیدی گرفت و نتوانستند معالجه اش کنند و جوان مرگ شد . در همان ایّام احساس خاصّی نسبت به امام حسین علیه السلام پیدا کردم ، و عشق و علاقه ام به آن حضرت زیاد شد ، و در ایّام سوگواری تاسوعا و عاشورا توجّهم به آن بزرگوار جلب می گردید ، و عنایتی را هم دیدم که مرا بیشتر جذب نمود . مادرم یازده دختر داشت و هیچ پسر نداشت ، و پدرم او را سرزنش می کرد، تا یک روز تاسوعا همراه مادرم به سقّاخانه ای رفتیم ، و مادرم یک بسته شمع خرید و پشت پنجرهٔ سقّاخانه آنها را روشن نمود و گفت : یا امام حسین علیه السلام اگر شما نزد خدا محبوبیّتی دارید، از خداوند بخواهید که پسری به من عنایت کند . در سال بعد در همان روز تاسوعا و در همان لحظه ای که شمعها را روشن نموده بود، خداوند دو پسر به او عطا کرد و ما بسیار خوشحال شدیم . مدّتی بعد مادرم خواب دیده بود که آقائی فرمودند : دو پسر به تو دادیم که یکی به درد دنیایت بخورد و دیگری به درد آخرتت . همین طور هم شد یکی از آن دو پسر پس از چهل روز از دنیا رفت ، و دیگری باقی ماند که الان با خانواده اش در اصفهان زندگی می کند . پس از این جریانها تصمیم گرفتم که مسلمان شوم ، و پس از اسلام آوردن نزد امام جمعه آن زمان ، پدرم مرا نفرین کرد و از خانه بیرون نمود، و سالهایی را با مشکلات زیاد سپری نمودم .

یک روز پسرم در کوچه مشغول بازی بود ، و در اثر غفلت شاگرد اتوبوس دستش لای درب اتوبوس گیر کرد و به پوست آویزان شد ، دکتری انگشتان او را پیوند زد، ولی عمل جرّاحی خوب انجام نشده بود، و لذا دست پسرم عفونت کرد و گفتند باید دست او از آرنج قطع شود، ولی من دلم نمی خواست ، از پزشک سؤال کردم راه دیگری هست ؟ گفت : در خارج ممکن است عمل کنند و مداوا نمایند . و من با توجّه به شنیده هایم دربارهٔ متخصّصین اسرائیلی ، منزلم را فروختم و با پس اندازی که داشتم به اسرائیل رفتم ، و آنجا هم گفتند دیر آمده ای ، اگر سه ماه قبل می آمدی می توانستیم کاری بکنیم ، ولی هم أکنون جز با قطع دست نمی شود کار دیگری کرد، و برخلاف میل قلبی ام برای قطع دست فرزندم آماده شدم ، ولی شب قبل از عمل جرّاحی ، در حالت خواب و بیداری را مشاهده نمودم ، و در حالتی که دامنشان را با دستم بودم که حضرت زهراء سلام الله علیها محکم گرفته بودم ، گریه و زاری می کردم و شفای فرزندم را از ایشان می خواستم ، ایشان دست مرا بالا بردند و فرمودند :

من در کشور تان یک فرزندی دارم ، برو آنجا ، چرا اینجا آمده ای ؟

و ناراحت نباش دست پسرت را قطع نمی کنند هنوز دامن ایشان در دستم بود که از خواب بیدار شدم ، تقریباً دو ساعت از نیمه شب گذشته بود، به سرپرستار بخش و مسئول بیمارستان مراجعه کردم ، ولی با خشم و تندی به من گفتند برو بخواب ، و این مسئله را با دکترش در میان بگذار ، صبح این مطلب را با دکتر در میان گذاشتم و گفتم نمی خواهم دست پسرم قطع شود، ولی دکتر از حرف من ناراحت شد و قبول نمی کرد، و گفت هرچه دیرتر دست او را قطع کنی ضررش بیشتر است ، ولی من با اصرار زیاد نگذاشتم این

عمل انجام گیرد و دکتر میگفت در آینده می فهمید اشتباه کرده اید ، و فرزندتان را بدبخت نموده اید ، و در هر صورت ، تعهّد دادم و سریعاً به ایران برگشتم ، و به مشهد مقدّس مشرّف شدم، و از امام رضا علیه السلام شفای او را گرفتم . وقتی وارد مشهد شدم ، در اطراف حرم ، در خیابان طبرسی ، اتاقی اجاره کردم، سپس با دلی شکسته به سوی حرم مطهّر روانه شدم ، و چون کاملاً ـ راهها را بلد نبودم ناگاه خودم را جلوی پنجره فولاد دیدم ، در آنجا شروع کردم به راز و نیاز و زاری با آقا امام رضا علیه السلام و گفتم :

من بدون اجازه اینجا نیامده ام ، از مادر بزرگوارتان فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها دستور دارم و می خواهم با دلی خوش از اینجا بروم ، پس از مدّتی مردم أطرافم حلقه زدند و یکی از خادمان گفت :

دخترم ! آنچه می خواستی گرفتی

در این هنگام ، از نظر روحی سبک شده بودم ، و تصمیم بر رفتن گرفتم ، ساعت ۱۱ شب بود ، از داروخانه وسیلهٔ پانسمان گرفتم و به خانه رفتم ، وقتی دست پسرم را برای پانسمان باز کردم دیدم کاملاً خوب شده ، و هیچ اثری از زخمها در او نیست ، از شدّت خوشحالی به خیابان دویدم و فریاد کشیدم ، به طوری که مردم خیال کردند دیوانه شده ام ، بعداً پسرم گفت آن وقتی که پشت پنجرهٔ فولاد بودم ، آقائی با لباسی بلند که به زمین کشیده می شد آمدند ، سپس دستم را لای لباسشان پیچیدند ، در آن موقع احساس کردم دستم خوب شده و بهبودی کامل یافته ، و پس از دیدن این معجزه ، بیشتر شیفتهٔ آقا علیّ بن موسی الرّضا علیه السلام شدم، و عدّه ای از مردم ، به خاطر این عنایت ، به دیدن ما آمدند . پس از آن از آقا خواستم که توفیق دهند مجاور مشهد مقدّس شوم ، که چنین هم

شد، و ۲۸ سال است که در مشهد مقدّس ساکن گردیده ام ، و خدا را بر این نعمت بزرگ شکر گزاری می کنم (۱).

۷۶-میزبان شما فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها هستند

یکی از خطباء پر تلاش در راه احیاء أمر أهل بیت علیهم السلام که در فعّالیّت های تبلیغی در مناطقی که شیعیان در اقلیّت و محرومیّت به سر می برند، کارهای زیادی انجام داده ، و مساجد و مراکز دینی به نامهای مقدّس أمیرالمؤمنین و حضرت زهراء علیهما السلام و حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه و حضرت اباالفضل علیه السلام و دیگر پیشوایان دینی تأسیس نموده ، و با پایه گذاری هر مسجد و حسینیّه و کتابخانه ای ، گویا خانه ای برای أهل بیت علیهم السلام بنا می کند ، مورد عنایتی قرار گرفته ، که داستان آن را ذیلاً ملاحظه می نمائید : وقتی پسرم در تصادف ماشین سخت مصدوم شد ، تمام اوقات شب و روز من به مدّت یک سال که او بستری بود اشغال شد . لذا از این که نمی توانستم برای تبلیغ و کارهای خدماتی به اطراف مسافرت کنم بسیار ناراحت بودم ، به خصوص که مساجد نیمه تمام بعضی از نقاط استان سیستان و بلوچستان متوقّف مانده بود . یک شب از آن جهت که نکند سلب توفیق از من شده است ، بسیار ناراحت بودم، خواب دیدم که مثل همیشه به سفر رفته ام و خوشحال بودم که به کارهایم خواهم رسید ، خود را در بیابان و در مقابل ساختمانی یک طبقه و گلی (که آن قدر بزرگ بود که قسمت زیادی از آن بیابان را اشغال کرده بود) دیدم ، متحیّر شدم که این جا کجاست و چرا به این جا آمده ام ؟ خواستم از صاحب خانه در

ص:۶۲۷

۱- مجّلهٔ زائر ، سال پنجم، شمارهٔ نهم ، آذر و دی ۱۳۷۷ ، صفحهٔ ۲۲ - ۲۳

این مورد سؤال کنم ولی کسی داخل منزل نبود ، بی اختیار وارد منزل و أوّلین اتاق شدم ، اتاقها تو در تو ، و خالی از سکنه بود، ترسیدم که اگر الان صاحب خانه وارد شود فکر می کند که یک نفر در لباس روحانی برای دزدی آمده است ، از هر دری می خواستم بیرون روم وارد اتاق دیگری می شدم ، تا در آخرین مرحله ، وارد اتاق ساده و کوچکی شدم ، باز همان فکر مرا ناراحت کرد، ناگهان از یکی از درها خانمی وارد شد ، من بدون دیدن صورت او سر را به زیر انداختم و گفتم : خانم ! معذرت می خواهم ، من مسافرم و راه را گم کرده ام ، و نمی دانم این اتاقهای تو در تو چیست ، و من ألان کجا هستم ؟ آن خانم که لباسی ساده ای بر تن داشتند ، گفتند : هرکجا هستید قدمتان روی چشم . ناگهان مردی از در دیگر وارد اتاق شد ، من نخست به وحشت افتادم که این مرد اگر سؤال کند با این زن در این اتاق چه می کنی چه جواب دهم ؟ بلافاصله گفتم : آقا ببخشید ، این خانم همین الان وارد شدند ، و من هم مسافر راه گم کرده ای هستم و بی اختیار گرفتار این اتاقها شده ام ، و نمی دانم کجا هستم، و اگر میهمان محسوب شوم ، نمی دانم میزبان من چه کسی است ؟ آن مرد گفت :

میزبان شما فاطمه زهراء سلام الله علیها هستند

از خواب بیدار شدم ، و به نظرم رسید که چون میزبان من فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها بودند ، آن اتاقهای تو در تو ، شاید مصداق آیهٔ شریفهٔ :

فی بُیُوتٍ أذِنَ الله أن تُرفَعَ وَیُذکَرَ فیها اسمُهُ ، بیوت أهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام باشد .

۷۷-مجازات کار شکنی و مخالفت در مورد حقّ حضرت زهراء

در أوائل انقلاب اسلامی (به بهانه های ساختگی و یا سست و فرومایه) کسانی

و گروههائی بودنـد که نه تنها هیـچ اقدامی دربارهٔ دفاع از مظلومیّت حضـرت زهراء سـلام الله علیها نمی کردند ، بلکه با افسانه سازی ، ذکر مصیبت و بیان مظلومیّت های آن شهیدهٔ بزرگ را زیر سؤال می بردند ، و حتّی در بزرگترین رسانهٔ عمومی با نقل قضـیّه ای ساختگی ، روضه خواندن برای حضـرت زهراء سـلام الله علیها را مورد تهاجم قرار دادند ، و تبرّی از ظالمین و قاتلین آن حضرت را از بزرگترین کارهای منفی به حساب می آوردند ، و با توجیهات غیر اصولی و فریبکارانه ، سعی می کردند که محبّت دشـمنان و سـتمگران بر فاطمـهٔ زهراء سـلام الله علیهـا را در دلهـا ایجاد و تقویت کننـد ، و لا أقل از روشن شـدن حقائق تاریـخ ، و کشف جرائم آن جنایتکاران ، جلوگیری نماینـد ، مبادا دلها از آنها نفرت پیدا کند . ولی مظلومیّت و حقّانیّت فاطمهٔ زهراء سـلام الله علیها آثار خود را ظاهر نمود، و آنها به شـکلهای گوناگون بدنام و ذلیل و رسوا گردیدند ، و عدّه ای از آنها (برخلاف أفکار و اندیشه های قبلی خود) در دفاع از حقّ مسلّم و مظلومیّت حضرت زهراء سلام الله علیها اقدام نمودند . بعضی از آنها که در راه اشـتباه خود پافشاری داشـتند ، به وسیلهٔ اشتباهکاری های گوناگون خود ، به تباهی و نابودی کشیده شده ، و به بدترین وجهی ، ذلیلانه به درک رفتند ، و یا به انزوای همراه با بدنامی و ذلّت گرفتار شدند .

۷۸-مرحباً بک

یکی از خطباء نامدار و با سابقه ، و پر تلاش در راه کمک به شـیعیان (در مناطقی که اکثریّت با مخالفین است) که دهها سال از عمر پر برکت خود را در راه تأسیس مساجد ، حسـینیّه ها ، کتابخانه ها ، خانه های عالم و یاری رساندن به شیعیان محروم ، بالأخص در استانهای : هرمزگان (بندرعبّاس) سیستان و

بلوچستان مصرف نموده ، و هم اکنون نیز با کهولت سن ، در راه احیاء آثار أهل بیت علیهم السلام دست از جهاد و کوشش برنداشته است ، قضیّهٔ عجیب و تکان دهندهٔ زیر را نقل می نمودند ، که ذیلاً تقدیم دلباختگان و دلسوختگان حضرت زهراء سلام الله علیها می نمایم : أوائل انقلاب بود ، با جمعی از دوستان و یاران (برای رسیدگی به یک سری مسائل) به استان هرمزگان و جزیرهٔ قشم رفتیم ، شبی در یک مجلسی که جمعیّت فراوانی از متعصّبین غیر شیعه حضور داشتند ، منبر رفتم و حدیثی را در فضائل أمیرالمؤمنین علی علیه السلام از زبان أبوبکر نقل کردم ، و به ملاحظه تعصّب حاضرین در مجلس (که از مخالفین بودند) گفتم ابوبکر صدّیق ، سخنرانی تمام شد و به منزل میزبانمان رفتیم ، و پس از صرف شام خوابیدیم ، ناگاه در نیمه های شب با صدای گریهٔ یکی از همسفران بیدار شدیم ، معلوم شد، آن همسفر (که مادر او هم سیّده است) در عالم رؤیا صدای بانوئی را شنیده ، که از کلمهٔ صدّیق اظهار تبرّی و نارضایتی کرده اند ، و بینندهٔ خواب گریه می کرد و جریان را نقل می نمود، و همه نگران شدیم . اینجانب ، برای این که بغض و شدّت نگرانی حضرت زهراء سلام الله علیها را نسبت به دشمنانشان برای شیعیان و دوستان آن حضرت تشریح کنم ، در اوّلین جلسهٔ سخنرانی در ایّام فاطمیّه سلام الله علیها در شهر اصفهان ، جریان را نقل کردم ، شب بعد دیدم بانی و برگزار کنندهٔ مجلس ، که فردی بسیار متدّین و مخلص ولی بی سواد بود، با چشم گریان در مجلس ایستاده ، و مرا بغل کرد و بوسید و گفت : مرحباً بک یعنی چه ؟ گفتم چرا گریه می کنی ؟ و این سؤال برای چیست ؟ گفت : دیشب در عالم خواب دیدم شما بالای همین منبر هستید ، و در همان حال که در

مورد غضب و خشم حضرت زهراء سلام الله علیها نسبت به دشمنانشان سخن می گفتید ، و داستان کلمۀ صدّیق و نگرانی حضرت را شرح می دادید ، دیدم خانمی نورانی و نقاب بر رو، از میان زنها برخاستند ، و مرا صدا زدند و فرمودند: به این آقا بگو : « مرحباً بک » با شنیدن این رؤیا و لطف و مرحمت حضرت زهراء سلام الله علیها منقلب شدم ، و متوجّه گشتم که ، آن حضرت تا حدّی نسبت به دشمنان خودشان خشمگین و غضبناک هستند ، که راضی نیستند نسبت به آنها ، با الفاظ احترام آمیز برخورد شود، و همان شب جریان خواب بانی مجلس را برای مردم شرح دادم، و این مطلب تقریباً روضۀ آن شب بود، و همه را دگرگون و منقلب کرد، و در این زمینه این دو بیت را سروده ام :

زبسکه فاطمه از دشمنان بد آئین

ستم کشید و نبودش بجز دلی خونین

نه راضی است ، که کس نام دشمنی او را

برد به نیکی و ، سازد به احترام قرین

۷۹-همانطور که خودت می گوئی صحیح است و ترک نکن

مهندسی است دلبسته به أهل البیت علیهم السلام و علاقمند به حضرت زهراء سلام الله علیها و جریانی برایش اتّفاق افتاده ، که چنین تعریف می کند : صلوات بر فاطمۀ زهراء سلام الله علیها را از یکی از علماء بزرگ ، این چنین یاد گرفته و حفظ نموده بودم :

اَللّهُمَ صَلِّ عَلی فاطِمَةَ وأبیها وبَعلِها وبَنیها وَ ألسِّرِّ المُستَودَعِ

فیها بِعَدَدِ ما أحاطَ بِه عِلمُکَ

و در قنوت نمازها این صلوات نورانی و پر فیض را می خواندم ، تا این که در یکی از سالها (در ایّام فاطمیّه) به مجلسی رفتم ، و گوینده ای همان صلوات را می خواند ، ولی در اعراب آن ، در دو مورد غیر از آنچه ذکر شد قرائت نمود ، و من دچار تردید شدم ، و با این که به آن عالم بزرگی که از او فرا گرفته بودم

کاملاً اعتماد داشتم ، ولی با این حال به نظرم رسید ، تا بررسی مجدّد انجام نداده ام صلوات را در قنوت نماز خود نخوانم ، ولی پس از گذشت مدّت زمانی ، نگران شدم ، که چرا موفّق به تحقیق نشده ، و از خواندن صلوات محروم شده ام در عالم رؤیا ، در منزل قدیمی پدرم ، در اطاق بزرگ پذیرائی ، که در قدیم می گفتند (پنج دری) (۱) و محلّ نشست پدرم با علماء بزرگ بود، و بسیاری از مجالس و محافل دینی در آن تشکیل می شد (و از قداست خاصّی برخوردار است) دیدم روحانی سیّدی نشسته اند ، و گویا روی سجّاده ای هستند ، و من هم رفتم ، و در طرف راست آن بزرگوار یک قدم عقب تر نشستم ، و بدون این که سؤالی بکنم و سخنی بگویم و صورت ایشان را ببینم ، ایشان صورتشان را به طرف من برگرداندند و فرمودند :

همانطور که خودت می گوئی صحیح است و ترک نکن

مهندس یاد شده، در جلسه ای کنار این نویسندهٔ کمترین نشست ، و صلوات بر فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها را به همان نحوی که آن عالم بزرگ به ایشان یاد داده بود خواند ، و ضمن نقل خواب خود ، پرسید آیا این صلوات را صحیح خواندم ؟ گفتم : بله ، همین طور صحیح است ، و از نظر اعراب و علم نحو همین گونه باید خوانده شود ، و آنچه در عالم رؤیا دیده ای کاملاً با قواعد عربی مطابقت دارد .

۸۰-همان ساعتی که توسّل به حضرت زهراء سلام الله علیها پیدا می کنند

یکی از ارادتمندان و دلباختگان آستان مقدّس حضرت زهراء سلام الله علیها نقل فرمودند

۱- اطاقی بود که پنج درب داشت ، و نسبتاً بزرگ و محلّ پذیرائی مهمان بود

که : یکی از روحانیّون (که اهل منبر نیز می باشد) گفتند : روزی در فکر فرو رفتم که سی سال است خود را سرباز امام زمان عجّل الله فرجه می دانم ، و منبر می روم ، و هنوز لیاقت دیدار آقا را نیافته ام ، و به نظرم رسید که توسّل پیدا کنم ، و ختمی بردارم تا به آرزویم نائل شوم ، و لذا تصمیم گرفتم چهل شب چهارشنبه به مسجد مقدّس جمکران بروم، و حاجتم را از خود آقا بخواهم، و به همین جهت ، شبهای چهارشنبه با حالت التجاء و توسّل ، به مسجد جمکران می رفتم ، و در حالت قنوت نماز با اشک جاری میگفتم :

أَللّهُمّ ارزُقنی زِیارَهَ حُجَّهِ بنِ الحَسَن علیه السلام

تا این که چهل شب گذشت ، و خبری نشد ، ولی من به توسّل و استغاثه ام ادامه دادم ، و شبها در منزل خودم ، در دل شب ، نماز امام زمان عجّل الله فرجه را می خواندم و با سوز و ناله و اشک ، همان دعا را تکرار می کردم . شبی در عالم رؤیا ، به محضر آقای بزرگواری مشرّف شدم ، فرمودند : چه می گوئی ؟ عرض کردم : عشق دیدار آقا روز به روز در وجودم شعله ور می شود، چه کنم ؟ فرمودند : در مجالس آقا أبا عبد الله الحسین علیه السلام به حاجتت می رسی ، پرسیدم در کدام مجلس ؟ فرمودند : فرق نمی کند ، عرض کردم : در چه وقت ؟ فرمودند : همان ساعتی که توسّل به حضرت زهراء سلام الله علیها پیدا می شود.روز بعد یکی از دوستان ، مجلسی برپا کرده بود، و برای مدّت پنج روز دعوت کرد که من منبر بروم ، قبول کردم و روزها به مجلس او می رفتم ، تا این که در روز پنجم ، که روز آخر مجلس بود ، طبق معمول (که در آخرین روز مجلس ، متوسّل به حضرت زهراء سلام الله علیها می شوند و از مصیبت آن حضرت می خوانند) به حضرت زهراء سلام الله علیها متوسّل شدم ، و از مصائب آن حضرت خواندم، در ابتداء

منبر، دو نفر از دوستان ، با مقداری فاصله از یکدیگر در ایوان نشسته بودند ، ولی به مجرّد این که وارد ذکر مصیبت شدم ، دیدم آقای بزرگواری ، با شال سبز و بسیار نورانی ، بین آن دو نفر نشسته اند ، و آن چنان اشک می ریختند و روی پای خود و نیز به صورت خود می زدند ، که توجّه من کاملاً به سوی ایشان جلب شده بود، و با خودم می گفتم ، ایشان کیستند با این خصوصیّات ؟ و با خودم گفتم: وقتی از منبر پائین آمدم ، می روم به محضر ایشان ، و التماس دعا می گویم، ولی وقتی روضه ام تمام شد ، ایشان را ندیدم ، رفتم سراغ آن دو نفر ، و از آنها پرسیدم ، این آقا کجا رفتند ؟ در جواب من گفتند: ما کسی را ندیدیم ، و من فهمیدم که آقا حضرت بقیّه الله الأعظم علیه السلام بوده اند ، که در هنگام توسّل به حضرت زهراء سلام الله علیها (طبق وعده و بشارت قبلی) به دیدارشان نائل گردیده ام .

۸۱-کلمهٔ خانم را دوست نمی داریم،نام دیگری ببرید

یکی از دلباختگان حضرت زهراء سلام الله علیها که سالهای طولانی است در آستان مقدّس حضرت زهراء سلام الله علیها و حضرت بقیّه الله عجّل الله فرجه عرض ادب می نماید ، و خدمتگزاری درگاه أهل البیت علیهم السلام را افتخار خود می داند ، با این که مدّاح رسمی نمی باشد ، ولی گاهی بانقل بعضی از قضایای مربوط به حضرت زهراء سلام الله علیها و امام زمان علیه السلام (همراه با ذکر مصیبت) نام خود را در لیست ذاکرین أهل البیت علیهم السلام قرار می دهد . ایشان نقل کردند که ، در هنگام نقل داستانهای عنایات حضرت زهراء سلام الله علیها کلمهٔ خانم را به کار می بردم ، تا این که یک روز یکی از روحانیّون (که سیّد هم هستند) به من فرمودند : شما مدّاح هستید ؟ گفتم : نه ، ایشان در فکر فرو رفتند ، چند دقیقه گذشت ، از ایشان پرسیدم چطور ؟ فرمودند ، در عالم خواب پیغامی

برای شما به وسیلهٔ من فرستاده اند ، ولی شما که می گوئید من مدّاح نیستم ، و معنای این پیغام را نمی فهمم ، گفتم : البتّه گاهی از اوقات از حضرت زهراء سلام الله علیها می خوانم ، در این هنگام ایشان فرمودند : حضرت زهراء سلام الله علیها به من فرمودند که به شما بگویم :

ما این کلمهٔ خانم را دوست نمی داریم ، چرا یکی دیگر از ألقاب

و أسماء را نمی گوئید ، مثل مادر ، بی بی ، أم الأئمّه

***

۸۲-شماکه چای مجلس حسینم را نمی خورید

مرحوم آیه الله ، آقای حاج سیّد أحمد امامی قدس سِرُّه نقل می فرمودند : یکی از روزهای ماه محرّم و دههٔ عاشوراء ، مادر ما (مرحومه حاجیه خانم امامی العریضی) به مجلس روضهٔ منزل مرحوم حاج سیّد حسن بنکدار(۱) رفته بودند، و با توجّه به رعایت احتیاط و در نظر گرفتن نظافت و تمیز بودن ، چای روضه را میل نکرده بودند .

شب در عالم رؤیا دیده بودند که ، حضرت زهراء سلام الله علیها برگه های سبزی را به مردم می دهند ، و می فرمایند : برگهٔ ورود بهشت است . ایشان نیز جلو می روند و عرض می کنند : به من هم از این برگه ها عنایت کنید ، حضرت زهراء سلام الله علیها می فرمایند : شما که چای مجلس حسینم را نمی خورید .

۱- مجلس روضهٔ منزل مرحوم حاج سیّد حسن بنکدار ، سابقهٔ بیش از یکصد و سی سال دارد، و از مجالس با معنویّت و استثنائی می باشد ، و تاکنون حال و هوای معنوی آن محفوظ مانده است ، و فیض و برکات حسینی در این مجلس ، به عزاداران و سوگواران می رسد .

از آن زمان ، مادرمان وقتی در مجالس روضهٔ امام حسین علیه السلام شرکت می کردند، لازم می دانستند که از چای مجلس عزای حسینی بنوشند.

۸۳-خداوند خیرت بدهد ، از جدّ غریب ما دفاع کردی،نترس

یکی از خطباء مشهور که ، نسبت به أهل البیت علیهم السلام و حضرت زهراء سلام الله علیها ، علاقه و محبّت فراوان دارد ، می نویسد : یکی از مبلّغین وهّابیّت ، که بر علیه شیعه فعّالیّت و تبلیغ بسیاری دارد، و مدرسه ای نیز برای تربیت شاگردان مکتب مخالفین تأسیس نموده است ، در یک سخنرانی بسیار زشت در مورد غدیر ، آن را به تمسخر می گیرد و رد می کند ، و از طرف دیگر ، در بعضی از مناطق محلّ سکونت مخالفین ، در روز عاشورائی ، نسبت به سیّد الشّهداء ، امام حسین علیه السلام ، اهانت نموده ، و یکی از پرچمهای عزای امام حسین علیه السلام را آتش زده بودند ، و در یکی دیگر از همان مناطق ، جمله های اهانت آمیز نسبت به شیعیان و مقدّسات آنها ، بر دیوارها نوشته بودند . هنگامی که از مطالب یاد شده مطّلع شدم ، بسیار نگران و پریشان گشتم ، و در یکی از سخنرانی ها ، دو ساعت صحبت کردم ، و أبعاد گوناگون غدیر را بحث کردم، و از ۱۳ رجب تا غدیر خم ، و از غدیر خم تا محراب خونین مسجد کوفه را ، مورد تجزیه و تحلیل قرار دادم ، و با تأئید الهی و کمک أرواح مقدّس معصومین علیهم السلام مطالبی را بیان کردم ، که دیگر محال می دانم بتوانم چنین سخنانی را (با آن بیان و حالت روحی عجیب) تکرار کنم . چنان سکوتی بر مجلس حکمفرما بود ، که گویا کسی نفس نمی کشید، و چشم مستمعین خیره مانده بود، وقتی صحبت از مظلومیّت های أمیر المؤمنین علیه السلام به میان می آمد ، صدای ضجّهٔ مردم بلند می شد ، و با اشک ریزان ، زمین و زمان را

می لرزاندند . سخنرانی تمام شد ، وقتی به ساعت نگاه کردم ، دیدم دو ساعت است که منبر رفته ام ، و نه خودم ، و نه مستمعین ، هیچکس متوجّه طولانی شدن سخنرانی نگردیده بود . جوانان غیور آن منطقه ، بسیار تشکّر کردند و گفتند : ما دربارهٔ غدیر چنین سخنانی نشنیده بودیم ، و آگاهی نداشتیم .

فردای آن شب ، همسرم از شهر خودمان به منطقه ای که در آن سخنرانی کردم تلفن زد، و با حالت گریهٔ بسیار شدیدی گفت : موضوع سخن و بحث دیشب شما چه بوده است ؟ گفتم : چطور ؟ گفت : دیشب خواب عجیبی دیدم ، حضرت رضا علیه السلام تشریف آوردند، و دو عدد سیب سرخ به من دادند ، و فرمودند: یکی از اینها را خودت بخور و دیگری را به شوهرت بده ، و از قول ما به او بگو :

خداوند خیرت بدهد که از جدّ غریب ما دفاع کردی ! نترس

در ایّام ۲۷ رجب امسال نیز به خراسان بیا ، ما با تو کار داریم

من خیلی خوشحال شدم ، و از این که موفّق شده ام که در عمرم ، ولو یک بار، آقا و مولایم را خوشحال کنم بسیار مسرور شدم ، و بسیار گریستم (البتّه گریهٔ شوق) پنج شب آخر ماه رجب را ، قبلاً- در یکی از شهرستانها قول داده بودم که برای سخنرانی بروم ، ولی به خاطر همین دستور امام رضا علیه السلام پیغام دادم که نمی توانم بیایم ، و برنامه ام را به تأخیر انداختم ، آنها نیز قبول کردند ، و به مشهد مشرّف شدم ، که مورد عنایاتی قرار گرفتم ، ولی دستور مخفی نگهداشتن آن را به من داده اند ، فقط یکی از برکات آن را مجاز هستم بگویم ، و آن این که ۲۰ روز بعد از آن، به سوریّه و زیارت حضرت زینب سلام الله علیها و حضرت رقیّه سلام الله علیها و عراق (کربلا و نجف و کاظمین و سامرا) مشرّف شدم .

و از آن طرف ، در اثر تحریکات برخی عناصر فرصت طلب (برای جلب آراء مخالفین ، در انتخابات) و نیز در اثر تحریک برخی از متعصّبین مخالفین ، قضیّهٔ سخنرانی ، بعد از چهار ماه ، به دادگاه مرکز استان کشیده شد ، و مرا به دادگاه دعوت کردند . در این زمان ، من در آبادان سخنرانی می کردم ، بعد از اتمام برنامهٔ سخنرانی ، شبانه بایستی به محلّ دادگاه (که در استان دیگری بود) حرکت می کردم ، در میان راه توسّل به حضرت زهراء سلام الله علیها و أهل البیت علیهم السلام داشتم ، و چهارده هزار لعن (از قسم چهار ضرب) بر دشمنان أمیر المؤمنین علیه السلام و قاتلین حضرت زهراء سلام الله علیها فرستادم ، و صبح به دادگاه رفتم ، دیدم عدّه ای از رهبران دینی مخالفین جمع شده اند ، و با داد و فریاد و بهانه جوئی های گوناگون و تکیه بر عنوانهائی که می توانست برای آنها نقطهٔ قوّت باشد ، فضای دادگاه را مسموم کرده بودند ، تا این که نوبت دفاع به من رسید .

یکی از چهره های ارزشمند دادگاه ، برای وضو گرفتن خارج شد و سراغ مرا گرفت ، و با لبخندی گفت:

ما هیچگاه خودمان را مدیون فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها نمی کنیم

شما فقط در دفاع از خودتان بگوئید : من در سخنرانیم قصد دفاع از پیامبر اسلام صَلَّی الله عَلَیهِ واله و حضرت زهراء سلام الله علیها داشته ام ، و اعتراضات من در سخنرانی ، نسبت به کسانی بوده ، که رعایت حرمت پیامبرصَلَّی الله عَلَیهِ واله و اوامر آن حضرت را ننموده اند ، و نسبت هذیان گوئی به پیامبرصَلَّی الله عَلَیهِ واله داده اند ، و با شکستن حریم رسول خدا صَلَّی الله عَلَیهِ واله و آزار دادن به حضرت زهراء سلام الله علیها ، پیامبر خدا را آزار داده اند ، و هیچ قصدی جز این نداشته ام . پس از رسمی شدن جلسه دادگاه ، بر همین مطالب تأکید کردم ، و مسئولین

ص:۶۳۸

دادگاه اعلام نمودند که نتیجه را بعداً به شما ابلاغ می نمائیم . روز پنجشنبه ای بود ، که در اصفهان وعده کرده بودم ، به منزل یکی از علماء بروم ، برای این که در رابطه با کرامات و ألطاف حضرت زهراء سلام الله علیها مذاکره نمایم، تا این که در این زمینه گامی برداشته شود، دقیقاً مقابل منزل آن عالم ، در هنگامی که در ماشین را بستم ، صدای زنگ تلفن همراه من بلند شد ، و از دادگاه (که در استان دیگری بود) نتیجهٔ حکم را به من اعلام نمودند ، و گفتند: همین الآن نتیجهٔ حکم دادگاه (که تبرئهٔ شما است) اعلام گردید ، و برائت شما صادر شد، آری ، در لحظه ای حسّاس ، و در هنگام شروع اقدامی دیگر برای حضرت زهراء سلام الله علیها بشارت ختم پرونده داده شد ، و کرامتی دیگر و لطفی گواراتر ، از جانب آن حضرت ، دل آزرده ام را تسلّی بخشید ، و سرافرازم نمود .

۸۴-به خدا عنایت حضرت زهراء سلام الله علیها نصیبت شده است

یکی از افراد مورد وثوق و ارادتمند به حضرت زهرای مرضیّه سلام الله علیها که شبهای چهارشنبه مرتّباً به مسجد جمکران می رود نقل نمود که :

در یکی از نوبت ها که به جمکران می رفتم ، در میان راه ، نماز استغاثه به حضرت زهراء سلام الله علیها را به مردم تعلیم دادم (۱) و پس از گذشت سه ماه ، روزی در یکی از

۱- در روایت است که ، هرگاه به سوی حق تعالی ترا حاجتی است ، که سینه ات از آن تنگ شده ، دو رکعت نماز بخوان ، و چون سلام نماز را دادی ، سه مرتبه تکبیر بگو، و سپس تسبیحات حضرت زهراء سلام الله علیها را بخوان ، پس از آن به سجده برو ، و یکصد مرتبه بگو : یا مولاتی یا فاطمه اغیثینی ، پس جانب راست صورت را بر زمین بگذار و همین جمله را یکصد مرتبه بگو ، پس از آن به سجده برو ، و همین ذکر را یکصد مرتبه بگو، و پس از آن ، جانب چپ را بر زمین بگذار و یکصد مرتبه بگو ، سپس به سجده برو ، و یکصد و ده مرتبه بگو ، و حاجت خود را ذکر کن ، همانا خداوند حاجت تو را روا خواهد نمود انشاء الله (حاشیهٔ مفاتیح الجنان ، از مرحوم قمی)

خیابانها ایستاده بودم ، ناگاه دیدم خانمی در تاکسی نشسته بود ، وقتی مرا دید پیاده شد و گفت : سه ماه است دنبال شما می گردم که بشارتی بدهم . سه ماه قبل که شما در راه قم و جمکران ، نماز استغاثه به حضرت زهراء سلام الله علیها را تعلیم دادید ، من دچار مشکل مهمّی بودم به این شرح: بیماری خطرناکی داشتم که پس از انجام آزمایشات و معاینات پزشکی ، دکتر جرّاح گفت : شما دو عمل جرّاحی مهم دارید ، که باید هرچه زودتر انجام بدهید، و هر یک ساعت تأخیر ، شما را ماهها به مرگ نزدیک می کند ، گفتم چه کنم ؟ گفت پانصد هزار تومان هزینهٔ عمل ، و پانصد هزار تومان هزینهٔ بیمارستان می شود ، آماده کن تا هرچه زودتر مورد عمل جرّاحی قرار بگیری .

شدیداً نگران شدم ، و شوهرم یک کارگر ساده است (با روزی دو هزار و پانصد تومان در آمد) و سه بچّه دختر هم دارم ، و اجاره نشین هم هستیم ، وقتی نظریّهٔ دکتر را به شوهرم گفتم ، گفت : چه کنم ؟ و شبها که از سر کار می آمد با شرمندگی به من نگاه می کرد ، و در کناری می نشست و گریه می نمود ، زیرا هزینهٔ بیمارستان را نداشت ، و من هم وقتی به سه دختر بچّه ام نگاه می کردم ، و یتیمی آنها را در نظر می آوردم ، گریه می کردم ، و در فکر فرو می رفتم که آیا این سه دختر کوچک با یتیمی و بی مادری چه خواهند کرد؟

یکی از روزها ، همسایهٔ نزدیکمان مرا دید و گفت : چرا اینقدر غم زده ای ؟ دلیلش را گفتم ، و او که وضعیّت زندگی ما را می دانست ، گفت : شبهای چهارشنبه ، عدّه ای گرفتار به مسجد جمکران می روند و مشکلات خودشان را با

امام زمان علیه السلام در میان می گذارند ، و برطرف می کنند ، تو هم برو انشاء الله شفایت را می گیری . خوشحال شدم ، و تصمیم گرفتم من هم به امام زمان علیه السلام پناهنده شوم ، و هفتهٔ چهارمی بود که به جمکران می رفتم ، و شما در اتوبوس ، نماز استغاثه به حضرت زهراء سلام الله علیها را تعلیم دادید . وقتی به مسجد جمکران رسیدم ، به آقا امام زمان علیه السلام عرض کردم ، من میهمان شما هستم ، ولی اوّل نماز مادر تان فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها را می خوانم ، و شما را قسم می دهم که نگذارید سه دختر بچّه من یتیم شوند ، در این زمانه ، و با مشکلات زندگی ، دخترهای بدون مادر چه بر سرشان می آید ؟ مشغول نماز حضرت زهراء سلام الله علیها شدم ، در قسمت آخر نماز ، هنگامی که ۱۰ عدد آخر ذکر یا مولاتی یا فاطمه اغیثینی را می گفتم ، نفهمیدم چه شد ، آیا خواب رفتم ، یا حالت مکاشفه بود ، دیدم چهار بانوی مجلّله در اطرافم هستند ، یکی از آنها مقام والائی داشتند، به یکی دیگر از آنها اشاره فرمودند ، او آمد و دست مبارکش را زیر گلوی من قرار داد، و تا روی مچ پایم کشید ، ناگاه به خود آمدم ، دیدم کسی نیست و احساس کردم که خوب شده ام . وقتی به اصفهان برگشتم به دکتر مراجعه کردم ، و درخواست نمودم که مجدّداً آزمایشات را انجام دهد ، گفت : برای من حتمی و ثابت است که بیماری شما در چه وضعیّتی است ، و اگر چند روز دیگر کوتاهی کنی ، از دست من هم کاری ساخته نیست ، ولی اصرار کردم که دستور آزمایشات مجدّد را بنویسد ، وقتی جواب آزمایشها را نزد او بردم ، گفت : اینها اشتباهی به تو داده شده ، گفتم : می دانم این جوابها مربوط به من است ، أشکم جاری شد و جریان مسجد جمکران و نماز حضرت زهراء سلام الله علیها را گفتم ، أشک دکتر نیز بی اختیار در آمد، و با دستمال کاغذی اشک های خود را پاک کرد و گفت :

به خدا قسم عنایت خاصّهٔ حضرت زهراء سلام الله علیها نصیبت شده است

۸۵-شفای تو را از خدا گرفتیم

نقل کنندهٔ داستان قبل ، کرامت دیگری از کرامات حضرت زهراء سلام الله علیها را بدین گونه تعریف نمودند : روز بیست و پنجم ماه مبارک رمضان در سال ۱۳۸۰ (۱۴۲۲ قمری) شخصی به منظور دعوت جهت جلسهٔ دعای توسّل مراجعه نمود ، عذرخواهی کردم ، و دعوت او را قبول ننمودم، ولی او اصرار کرد و گفت : قضیّه ای اتّفاق افتاده که در ارتباط با شما است ، و لازم است در این جلسه شرکت کنید . از جریان سؤال کردم ، در پاسخ گفت : شما در مسیر اصفهان - قم در اتوبوس زائران و راهیان مسجد مقدّس جمکران ، قضیّه ای را (از توسّل به نماز استغاثه به حضرت زهراء سلام الله علیها) نقل کردید(۱) و من دختر برادری دارم که مبتلا به سرطان خون شده بود، در حالی که همسر و دو بچهٔ خردسال دارد، و چند ماه در بیمارستان سیّد الشّهداء علیه السلام (که مخصوص بیماران مبتلا به سرطان می باشد) بستری بود، و هر دو روز یک بار ، یک واحد خون به او تزریق می کردند ، و معالجات گوناگون و گسترده هیچ اثری نداشت ، و حال مریض روز به روز بدتر می شد . خبردار شدیم که دکتر متخصّص و برجسته ای به تازگی از خارج به ایران آمده ، و در یکی از بیمارستانهای تهران مشغول به کار شده است ، ولی ملاقات او هزینه و معطّلی زیاد دارد، ولی با همهٔ مشکلاتی که سر راه بود، مریض را با چند نفر

۱- ایشان مرتّب در شبهای چهارشنبه ، به مسجد جمکران مشرف می شوند، و برای زائران برنامه اجرا می کنند .

همراه ، به بیمارستان تهران منتقل نمودیم ، و دو روز در انتظار به سر بردیم ، تا این که نوبت معاینهٔ مریض ما رسید .

هنگامی که دکتر یاد شده مریض را دید و پرونده او را ملاحظه کرد ، گفت : مرده را نزد من آورده اید ؟ او تا چند ساعت دیگر کارش تمام است ، و زنده نمی ماند ، هر چه زودتر او را به اصفهان ببرید ، که در جمع فامیل و خانوادهٔ خودش جان بسپارد . همه پریشان و گریان خارج شدند ، شوهر او گفت : چند روز دیگر در بیمارستان تهران می مانیم ، و هرچه همراهان اصرار کردند برای بازگشت به اصفهان نپذیرفت ، و در همان بخشی که چند روز بستری بود، او را نگه داشتند ، شوهر او پرونده اش را برداشت ، و مخفیانه عازم جمکران شد ، و فقط به یکی از همراهان مریض خبر داد که من به کجا می روم .

آن مرد بیچاره به مسجد جمکران می رود، و نماز استغاثه به حضرت زهراء سلام الله علیها را (که در داستان قبل شرح داده شد) می خواند، و عرض می کند : یا زهراء سلام الله علیها در خانهٔ فرزندتان (مسجد جمکران) به شما متوسّل شده ام ، به حقّ همسرتان حضرت علی علیه السلام از خدا بخواهید که بچّه هایم یتیم نشوند ، و در بخش آخر ذکرهای سجد نماز حضرت زهراء سلام الله علیها آن حضرت را به حقّ فرزندانشان قسم می دهد ، تا این که نماز به پایان می رسد، و سپس می رود نزدیک چاهی که مردم عریضه های خودشان را به محضر مقدّس امام زمان علیه السلام به آن چاه می اندازند، و شروع می کند به درد دل گفتن و عرضه می دارد: آقا ! بیچاره شده ام ، به مادرتان زهرای مرضیّه سلام الله علیها متوسّل شده ام ، اینجا می نشینم و عاجزانه می خواهم به حقّ مادر تان ، که مریض مرا شفا دهید ، از اینجا نمی روم ، و هیچ غذا و آب نمی خورم ، تا این که با او شفا بگیرد، و یا من هم از پا در آیم (چون طاقت یتیم

داری و دوری همسرم را ندارم) .

تا یک شبانه روز ، به همین حال می ماند، تا این که می بیند همان شخصی که به او محرمانه گفته بود من به جمکران می روم ، بالای سر او ایستاده و می گوید : بیا که مورد عنایت قرار گرفته ای ، و حضرت زهراء سلام الله علیها همسرت را شفا داده اند ، می گوید چه خبر شده ؟ می گوید : چند ساعت قبل ، همسرت در عالم خواب مشرّف می شود به محضر مقدّس چند بانوی مجلّله ، که به عیادت او آمده بودند ، و یکی از آنها فرموده بودند : ما شفای تو را از خدا گرفتیم ، او بیدار می شود و شروع می کند به گریه و ناله و می گوید: من شفا گرفته ام ، همه دور او جمع می شوند ، و دکترها و پرستارها حاضر می شوند و وضعیّت او را می بینند ، و هنگامی که او را نزد همان دکتر مخصوص می برند، و معاینات پزشکی انجام می دهد ، می گوید : او هیچ گونه اثری از سرطان در بدنش نیست ، و هم اکنون او آمده است به مسجد جمکران ، و خود را روی زمین انداخته، و از حضرت زهراء سلام الله علیها تشکّر می کند ، که سبب شفای او گردیده اند .

ناقل داستان می گوید: در جلسهٔ یاد شده شرکت کردم، و از همان خانم شفا یافته خواستیم که جریان شفای خود را نقل کند ، و او گفت : همهٔ اینهائی که در این جلسه حضور دارند ، از همسایگان و فامیل من هستند ، و در دورهٔ بیماری و گرفتاری من به عیادتم می آمدند ، و هم اکنون با عنایت حضرت زهراء سلام الله علیها می بینید که شفا یافته ام .

۸۶–نام کتاب را بگذارید أفسانهٔ خلافت

یکی از خطباء دلبسته به أهل البیت علیهم السلام و حضرت زهراء سلام الله علیها می نویسد : خیلی دلم گرفته بود، نه حال حرف زدن داشتم و نه حال مطالعه ، چون شنیده

بودم که در فلان منطقه ، وهّابیها غوغا می کنند ، و مقالات و نشریّاتی بر علیه شیعه تهیّه و توزیع می نمایند .

خیلی علاقه داشتم ، کاری برای دفاع از أهل البیت علیهم السلام و شیعیان و یاران آنها بکنم ، و از بی حالی و بی همّتی خودم سخت ناراحت بودم .

چند روزی گذشت ، تا این که به فکر افتادم ، مطالبی را جمع آوری کنم ، و یکصد و ده سؤال را طرح نمایم ، و با مدارک و منابع مخالفین ، پاسخ آنها را بدهم . به سراغ کتابهائی از قبیل : ألمراجعات ، شبهای پیشاور ، أمیر المؤمنین علیه السلام از دیدگاه خلفاء ، ثم اهتدیت و دهها کتاب دیگر رفتم ، و هرچه کتاب در این زمینه داشتم بررسی کردم ، و یک مقالۀ قابل توجّهی آماده شد ، و در همین هنگام مشرّف شدم به سوریّه (حرم حضرت زینب و حضرت رقیّه و سایر أهل البیت علیهم السلام در شام) و کربلا و نجف و ... در سوریّه ، شبی خواب عجیبی دیدم ، و آن این که در مدرسۀ نیم آور اصفهان هستم ، ناگاه متوجّه شدم مرحوم آیه الله ، حاج سیّد أحمد فقیه امامی قدس سِرُّه وارد شدند، و در حجرۀ خودشان را باز کردند، و می خواستند وارد شوند ، عرض

کردم : حاج آقا ، حاج آقا ، ایشان برگشتند و با لبخندی پدرانه فرمودند : کجائی ای ... (و نام مرا ذکر کردند) و گفتم : حاج آقا شنیده اید چه شده ؟ فرمودند : چه شده ؟ گفتم : یک کتابی بر علیه مادرتان نوشته اند به نام (أفسانۀ شهادت) فرمودند شما چه کرده اید برای مادر ما ؟ عرض کردم: آقا، من یک جزوه ای در رد آن تهیّه کرده ام ، و نامش را گذارده ام ... فرمودند : نام کتابشان چیست ؟ عرض کردم افسانۀ شهادت ، فرمودند : شما نیز نام کتابتان را بگذارید

« أفسانۀ خلافت »

سپس وارد حجره شـدیم ، و فرمودنـد : قلم را بردار ، تا مقـدّمه ای بر کتابت بگویم ، و تو بنویسـی و ایشان فرمودند ، و من در عالم رؤیا نوشتم .

هنگامی که بیـدار شـدم ، مطالب ایشان در ذهنم بود ، و در بیـداری قلم را برداشـتم و در حدود ۹۸ یا ۹۹ درصـد آن را که در ذهنم بود نوشتم که موجود می باشد .

۸۷-هنوز مادرم زهراء سلام الله علیها راضی نشده اند

در اوج بحران جنگ هشت سالهٔ ایران و عراق بود، و شـهرهای بزرگ و یا مقدّسـی همانند : اصـفهان و قم و دهها شهر دیگر ، همه روزه بمباران و یا موشک باران می شدنـد و ساکنین شـهرها عموماً آوارهٔ شـهرهای دوردست و یا روسـتاها شده بودند ، و درگیری هـای شدیـد در میـدانهای نبرد جنوب و غرب کشور از یـک طرف ، و بمبارانهـا و موشـک بارانهای شـهرها از طرف دیگر، سیل کشته و مجروح و خرابی و آوارگی را به سوی مردم سرازیر می کرد .

ایّام فاطمیّه بود، و شهر قم و شمار دیگری از شهرها زیر بمباران و موشک باران عراقیها تقریباً خالی شده بود .

در بیـت یکی از مراجع معظّم تقلیـد ، مراسم عزاداری بر فاطمـهٔ زهراء سـلام الله علیهـا برگزار شـده بـود، و عـدّهٔ کمی در آن شرکت کرده بودند ، و واعظ مجلس ناگاه می گوید بیائید امروز خالصانه و با حالت التجاء به محضـر حضـرت بقیّه الله الأعظم عجّل الله فرجه متوسّل شویم که این بلا برطرف شود ، و بمبارانهای پی در پی پایان یابد ، ناگاه آن مرجع عظیم الشّأن با دسـت اشاره می کنند به آن واعظ ، که سـخن خود را قطع کند و خودشان می فرمایند : از آقا (یعنی حضرت بقیّه الله عجّل الله فرجه) خواسته شده است ، و ایشان هم فرموده اند ما راضی شده ایم، ولی هنوز مادرمان

(حضـرت زهراء) راضی نشده اند (۱). بـدین وسـیله اعلام کرده بودند که عامل گرفتاری و اسـتمرار آن ، و نزول آن بلیّه ها ، عـدم خشـنودی حضـرت زهراء سـلام الله علیهـا بوده است ، و شاهـد این مطلب این که در زمـان جنگ خلیـج (جنگ عراق و کویت و آمریکا) در سال ۱۴۱۱ قمری ، دشـمنان در صدد بودند که آتش جنگ را به ایران سرایت بدهند ، ولی در اثر توجّه به هـدایتهای غیبی و تـذکّرات معنوی ، و توسّل به حضـرت زهراء سـلام الله علیها و عزاداریهای بی سابقه ، و پخش برنامه های گستردهٔ مراسم بزرگداشت شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ، و هم چنین تعطیل رسـمی و کامل یک روز (از طرف هیئت دولت) به مناسـبت شـهادت آن حضـرت، و نیز اختصاص خطبه های نماز جمعه در سراسر کشور، به بیان عظمت و شخصیّت و شهادت و مظلومیّت آن شهیدهٔ مظلومه ، و روضه خوانی رسمی و به قصد توسّل در تمـام مساجـد و حسـینیّه هـا و گـذرها، خطر و بلا از کشور ایران دفع گردیـد ، و دشـمنان اسـلام و ایران ، به نقشه های شوم و أهداف پلیدشان دست نیافتند .

۸۸-اگر سابقهٔ نوکری حسینم را نداشتی نمی گذاشتم زنده از این خانه خارج شوی

یکی از خطبای نامدار و با ولایت نقل فرمودند که :

۱- همین جریـان در آن زمـان ، توجّه منـاسبی را برانگیخته بود تا در مورد احقاق حق حضـرت زهراء سـلام الله علیها و دفاع از مظلومیّت آن حضـرت ، اقداماتی انجام گیرد ، و از نفوذ و تصـمیم گیری کسانی که در مورد حقوق آن حضـرت کارشکنی و ... می کردند جلوگیری شود ، و به تدریج ، از تسلط و اقتدار آنها کاسته گردد .

در یکی از شهرها برنامهٔ سخنرانی داشتم و موضوع بحث ، أهمیت مجالس أهل بیت علیهم السلام بود ، بعد از پایان مجلس ، یکی از معتمدین شهر ، قضیّهٔ عجیبی را نقل نمود که ما را منقلب کرد .

او گفت : ما تازه خانه ای خریده ، و چند ماهی بود که در آن سکونت اختیار کرده بودیم ، زیرزمینی داشت که برای مجلس عزاداری بسیار مناسب بود، تصمیم گرفتیم که چند روزی روضه خوانی کنیم ، همسرم گفت : ما تازه به این محل آمده ایم و کسی ما را نمی شناسد ، بعید است کسی استقبال کند ، گفتم : ما برای جمعیّت روضه نمی خوانیم ، اگر صاحب مجلس تشریف بیاورند برای ما افتخار است .

یکی از روضه خوانهای شهر را دعوت کردیم و یک نفری را برای تهیّه چای در نظر گرفتیم ، و مجلس را آماده کردیم و روضه خوان هم آمد ولی هیچ کس شرکت نکرد ، و آن روضه خوان صبحانه خورد و گفت : چون کسی نیامده ، فردا روضه می خوانم و خداحافظی کرد و رفت ، ما هم نوار یکی از منبرهای مرحوم کافی (خطیب نامدار و دلسوختهٔ امام زمان علیه السلام) را گذاشتیم و سه نفری برای مصائب امام حسین علیه السلام گریه کردیم .

فردا نیز قضیّه تکرار شد و ما نیز با شنیدن روضهٔ مرحوم آقای کافی از نوار ، عزاداری کردیم.

روز سوّم شد و روضه خوان آمد و دید کسی نیامده است و غیر از من و همسرم و شخص مسئول چای ریزی ، شرکت کنندهٔ دیگری نیست ، خنده ای کرد و گفت : حالا که کسی به منزل تو نمی آید ، پس خودت روضه بخوان و همسرت و چای ریز هم گریه کنند، این را گفت و از پلّه های زیرزمین بالا رفت ، هنوز از در

خانه بیرون نرفته بود، ناگهان دیدیم آن روضه خوان به روی زمین افتاد و از هوش رفت .

رفتیم بالای سرش ، دیدیم از پای او خون جاری است ، فوراً او را به بیمارستان منتقل کردیم و چندین بخیه به او زدند .

شب شد ، در نیمه های شب دیدم همسرم دیوانه وار گریه می کند ، و باحال و سوز عجیبی دوید پائین ، و وارد زیر زمین (محلّ برگزاری مجلس عزاداری امام حسین علیه السلام) شد ، سؤال کردم ، چه شده است ؟ او فقط گریه می کرد و جاروب را برداشت و مجلس را جاروب می کرد . حیاط منزل را جاروب زد و گریه می کرد، در حیاط را باز کرد، و مشغول جاروب زدن شد، و به شدّت گریه می کرد و زیر لب می گفت : بی بی جان خوش آمدید .

هرچه می پرسیدم چه شده است ؟ فقط گریه می کرد ، صبح شد ، دیدم قالیچه ای را برداشته ، و دم در منزل انداخت ، و خودش روی زمین ، در کنار قالیچه نشست و گریه می کرد .

گفتم : خانم ! شما را به جدّه ات زهراء سلام الله علیها قسم می دهم ، بگو چه شده ؟ گفت : دیشب خواب مادرم حضرت زهراء سلام الله علیها را دیدم ، ایشان خیلی ناراحت بودند و گریه می کردند، و فرمودند : ناراحت نباش اگر کسی به منزلت نمی آید! به آن شیخ روضه خوان بگو : اگر سابقهٔ نوکری حسینم را نداشتی ، نمی گذاشتم زنده از این خانه خارج شوی ، چرا به مجلس حسینم اهانت کردی ، تو نمی توانی ببینی أنبیاء و ملائکه در این مجلس نشسته اند ، و خانه پر از جمعیّت است که حتّی جای من در خانه نیست و من در کوچه ایستاده ام ، و به شرکت کنندگان در مجلس حسینم خوش آمد می گویم .

ص:۶۴۹

آن روز نیز نواری از مرحوم کافی گذاشتیم ، و سه نفری گریه کردیم ، ولی می دانستیم که دیگر تنها نیستیم و حضرت زهراء سلام الله علیها (صاحب مجلس) حضور دارند

۸۹-روضهٔ قسم را بخوانید

در سال ۱۴۰۷ قمری ، در ایّام میلاد مقدّس امام علیّ بن موسی الرّضا علیه السلام عدّه ای از محقّقین دلسوخته و مصیبت زدهٔ عراقی (۱) (که زیر نظر آیه الله العظمی، آقای حاج سیّد محمّد باقر موحّد ابطحی مدّظلّه ، در مؤسّسهٔ الإمام المهدی عجّل الله فرجه قم ، به فعّالیّت علمی و تحقیقی مشغول بودند ، و در زمینهٔ اخبار و آثار أئمّهٔ معصومین علیهم السلام و احیاء و نشر آنها انجام وظیفه می نمودند ، با دلهائی شکسته ، و روح و روانی خسته ، به حضرت آیه الله ، موحّد ابطحی عرضه داشتند : ما و خانواده هایمان ، که از جوار أمیر المؤمنین حضرت علی علیه السلام و حضرت سیّد الشّهداء امام حسین علیه السلام دور مانده ایم ، و در غربت بسر می بریم ، در اثر شرائط سخت زندگیمان ، قادر نیستیم وسائل سفر زیارتی امام علیّ بن موسی الرّضا علیه السلام را فراهم نمائیم ، و اگر شما مساعدت نمائید ، در این ایّام میلاد آن بزرگوار، چند روزی را به زیارت آن حضرت مشرّف شویم، و در جوار حرم ایشان ، از رنجها و فشارهای روحی رهائی یابیم . آیه الله موحّد ابطحی فرمودند : به خاطر شرائط بحرانی جنگی (جنگ هشت سالهٔ ایران و عراق) امکانات مالی برای اعزام بیش از هشتاد نفر (محقّقین یاد شده و

۱- این جمع دانشمند و محقّق ، در اثر ستمگریهای حکومت ظالم بعثی عراق ، از شهر و کشور عزیزشان (عراق) رانده و آواره شده ، و به جرم مخالفت و اعتراض به برنامه های ضد اسلامی و ضدّ شیعی و ضدّ انسانی بعثی های عَفلَقی ، از خانه و کاشانهٔ خود دور افتاده ، و در جوار حضرت معصومه سلام الله علیها پناه گرفته بودند .

خانواده هایشان) در اختیارم نبود، ولی از طرف دیگر، از دلهای شکسته، و تلخی های زندگی ، و سختی غربت و آوارگی آنها (که شدیداً آزارشان می داد) خبر داشتم ، و به خوبی احساس می کردم که چنین سفر زیارتی ، چه تأثیر مثبت و سازنده ای برای آنها دارد ، و لذا ظهر دوشنبه ای به مسجد مقدّس جمکران مشرّف شدم، و با التجاء و با حالت تضرّع ویژه ای ، به حضرت بقیّه الله الأعظم عجّل الله فرجه متوسّل شدم ، و به دنبال آن توسّل و استغاثه ، جریان عجیب و غیر منتظرهای اتّفاق افتاد ، که مشتمل بر کرامات متعدّد بود ، که ذیلاً نقل می شود : یکی از دلباختگان امام علی بن موسی الرّضا علیه السلام در حرم مطهّر آن حضرت مشغول دعا و زیارت بوده ، که ناگاه صدائی می شنود:

(برو به شهر قم ، و هیئت امام زمانی را بیاور به مشهد)

وقتی به اطراف خود توجّه می کند ، می بیند کسی نیست که این جمله را گفته باشد، و متوجّه می شود که این صدا ، از جانب آقا امام رضا علیه السلام است . وی بلافاصله عازم قم می شود، ولی وقتی به شهر مقدّس قم می رسد ، ناگاه به

خود می آید ، که این هیئت در کجا است؟ و آدرس آنها چیست ؟ و سرپرست و مسئول آنها کیست ؟ حیران و سرگردان می ماند ، و لذا به حرم مطهّر حضرت معصومه سلام الله علیها مشرّف می شود ، و عرض می کند : برادر بزرگوار شما به من مأموریتی داده اند ، که به هیچ عنوان نشانه ای برای چگونگی انجام آن ندارم ، که ناگاه با یکی از پیر غلامان آستان مقدّس حضرت بقیّه الله عجّل الله فرجه برخورد می کند ، و سرگردانی خود را مطرح می نماید ، او می گوید : نگران نباش مقصود آقا فلان جمعیّت ، و سرپرست آنها فلان شخصیّت است ، و آدرس او هم فلان جا است . او به نشانی مورد نظر مراجعه می کنند ، و در حالی که حضرت آیه الله موحّد ابطحی

و آن دلباختهٔ امام هشتم علیه السلام هیچ کدام یکدیگر را نمی شناخته اند ، با نشانه های غیبی ، دست به کار می شوند، و هشتاد و چهار نفر (محقّقین یاد شده و خانواده هایشان) به وسیلهٔ سه دستگاه اتوبوس ، عازم مشهد مقدّس می شوند . یکی از متدیّنین متمکّن ، منزل بسیار بزرگی را در اختیار این جمع دلسوخته ، و مهمان دعوت شده امام علیّ بن موسی الرّضا علیه السلام می گذارد، و در روزهای اقامت آنها (قبل از ظهرها) در همان منزل ، مراسم روضه خوانی برای حضرت زهرای مرضیّه سلام الله علیها برقرار می نمایند (۱) در یکی از روزهای روضه خوانی ، در یک عنایت غیبی ، به شکل الهام و بدون هیچ گونه سابقهٔ ذهنی، توجّه داده می شود که :

روضهٔ قسم را بخوانید به آیه الله موحّد ابطحی الهامی می شود که مقصود ، قضیّهٔ هنگام کفن حضرت زهراء سلام الله علیها است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند : پس از آنکه حضرت زهراء سلام الله علیها را کفن و حنوط کردم ، فرزندانم را یکی یکی صدا زدم و گفتم : بیائید بار دیگر مادر تان را ببنید ، که دیگر دیدار به بهشت و قیامت افتاد ، و سپس فرمودند :

أنّی أُشهِدُ الله أنَّها قَد حَنَّت و أنَّت و مَدَّت یَدَیها

وضَمَّمتهُما إلی صَدرِها مَلِیّاً (۲)

یعنی خدا را شاهد می گیرم که ، حضرت زهراء سلام الله علیها ناله ای کردند و دو دستشان را دراز کردند ، و حسنین علیهما السلام را محکم به سینهٔ خود چسبانیدند .

۱- با این که ایّام میلاد مقدّس امام رضا علیه السلام بوده است ، ولی به علّت عنایت خاصّ آن حضرت نسبت به مادرشان ، و مصائب و مظلومیّت آن حضرت، مجلس عزاداری و توسّل به آن مظلومهٔ شهیده برگزار می گردد .

۲- بحار الأنوار ، جلد ۴۳، صفحهٔ ۱۷۹

آیه الله موحّد ابطحی فرمودند : وقتی این قسمت از روضه خوانده شد (که أمیر المؤمنین علیه السلام قسم یاد می کنند ، و خدا را شاهد می گیرند بر آن صحنه جانسوز و دلخراش ، که جنازهٔ حضرت زهراء سلام الله علیها دست در آورده ، و عزیزان خود را بـه سینه چسبانیدند) ناگـاه نـوری مجلس را فرا گرفت ، که بر نـور خورشـید غلبه کرد (۱) و چهـارده دقیقه این نـور تَلَؤلُؤ داشت، و هم زمـان بوی عطر عجیبی (که همراه بـا بوی کـافور بود) مجلس را احـاطه کرد، که تمـامی أهـل مجلس (حتّی در قسـمت بانوان که جـدا بود) آن نور را دیدنـد ، و آن بوی خوش را استشـمام نمودند، در حالی که در میان آن جمعیّت زیاد ، عدّه ای از مهندسین و تحصیل کرده های دانشگاهی ، و محقّقین و علماء بزرگوار شرکت داشتند ، و آن چنان زلزله ای معنوی در روح و روان حاضرین در مجلس افتاد ، که عجیب و استثنائی بود .

آنچه برای بعضـی از صـاحب نفس های اهل دل ، مورد توجّه قرار گرفته بود، این بود که مقارن گفتن جملـهٔ (کفن باز شـد و دو دست حضـرت زهراء سـلام الله علیهـا بیرون آمـد) بوی حنوط در مجلس به مشام رسـید ، و بعـد از هزار و چهارصـد سال ، افاضـهٔ غیبی ، توسّط حنوط بهشتی متعلّق به حضـرت زهراء سـلام الله علیها (۲) مجلس را در بر گرفت (بـا تـوجّه به این که بر سینـهٔ آن حضـرت از حنوط بهشتی مخصوص مالیده شده بوده) و همهٔ حاضـرین ، به وضوح کامل آن بوی خوش را استشـمام نمودند .

۱- مجلس یاد شده قبل از ظهر بوده است .

۲- جبرئیل امین ، برای پیامبر اکرم صَلَّی الله عَلَیهِ واله حنوط بهشتی آوردند ، و آن حضرت آن را بر سه قسمت تقسیم کردند ، و هر قسمتی را برای خودشان و أمیر المؤمنین علیه السلام و حضرت زهراء سلام الله علیها اختصاص دادند .

هم اکنون که جریان یاد شده را می نویسم ، عدّه ای از حاضـرین در آن مجلس، در قید حیات هستند ، و در شهر مقدّس قم به خدمات علمی و تحقیق و تألیف اشـتغال دارند، و همین قضـیّه در پاورقی کتاب ارزشـمند (ألخرائج و الجرائح قطب راوندی) جلد ۱ ، صفحهٔ ۴(با تحقیق مؤسّسهٔ الإمام المهدی) مورد اشاره قرار گرفته است .

۹۰- ۱۵۰۰ نفر به آئین تشیّع هدایت شدند

آقای معظّم علی ، از شـیعیان پاکسـتان ، و از طلّاب حوزهٔ علمیّـهٔ قم ، داسـتان شـیعه شدن پدرش « ملک محمّد أشـرف » را این گونه شرح می دهد(۱) . پدرم عضو ارتش بود، و از هم دوره ای های «ضـیاء الحق » رئیس جمهور سابق پاکستان بود، او یک مسـلمان غیر شیعه و متعصّب ، و به اعتقادات مذهبی خود پای بند بود، و از مذهب شیعه به شدّت تنفّر داشت ، و عقیده اش را همه جا با صـراحت اعلام می کرد ، او در مسائل عقیـدتی هرگز مسامحه نمی کرد، و با مخالفان عقیـده اش ، با خشونت رفتار می نمود ، بدین جهت مخالفین شیعه ، به او لقب «عمر» و شیعیان به او لقب « هیتلر » داده بودند .

عموی من ، شـخص معتدلی بود، مدّتی در مورد مسائل اختلافی بین شـیعه و مخالفین آنها مطالعه کرد، سـرانجام به آئین تشـیّع مشرّف شد، ولی شیعه شدنش را از پدرم مخفی می کرد، پس از شش ماه پدرم مطّلع شد ، و تصمیم گرفت که او را بکشد . و لذا عمویم فرار کرد و تا شش ماه دیگر به محلّ زندگی ما نیامد ، و

۱- این داسـتان و دوازده شمارهٔ بعد از آن ، به وسیلهٔ نویسندهٔ محقّق و صاحب تألیفات بسیار، آقای حاج شیخ علی أکبر مهدی پور دام عزّه ، در اختیار این کمترین نویسنده قرار گرفته است .

این مدّت به این وضعیّت گذشت . روزی مادر بزرگم به پدرم گفت : دلم برای برادرت تنگ شده ، بگذار او بیاید تا من او را ببینم، پـدرم گفت : اگر او بیایـد، تا او در اینجاست من به خانه نمی آیم، و نظر به این که او از ترس پـدرم جرأت نمی کرد به این منطقه بیایـد ، آدرس او را به پـدرم دادنـد که او خودش برود و او را بیـاورد ، پـدرم رفت و محلّ عمویم را پیـدا کرد و به همراه یکـدیگر به سوی محـلّ سـکونت خود حرکـت کردنـد . شب در مسافرخـانه ای در وسط راه استراحت می کننـد ، پـدرم تصـمیم می گیرد که همانجـا برادرش را بکشـد ، ولی سه بار به صورت غیر عادّی از جایش می پرد، سـرانجام از تصـمیم خود منصـرف می شود . وقتی به خانه و کاشانهٔ خود می آیند ، هرگز در مجلسی با یکدیگر جمع نمی شوند ، پس از مدّتی یکی از خویشاونـدان فوت می کنـد ، ناگزیر در مراسم او جمع می شونـد، در مجلس فاتحهٔ آن فامیل ، که دو برادر در کنار یکـدیگر بودند ، یکی از مولوی ها (۱) به پـدرم می گوید : چرا برادرت کافر شده است ؟ در پاسخ آن مولوی ، عمویم می گوید : من حاضـرم در مورد تشیّع و تسنّن با شما مباهله کنم ، من و شما یک مشت آتش در دست بگیریم ، اگر دست من نسوخت ، شما شیعه شوید، اگر دست شـما نسوزد من ستی بشوم . یکی از سنّی ها ، زود آتش سـر قلیانی را در کف دست عمویم می ریزد ، هیچ تأثیری نمی کند ، آنگاه سر قلیان دیگری را بر می دارد که آتش آن را در کف دست آن مولوی بریزد، او فرار می کند . پس از مشاهدهٔ این حادثه ، پدرم نسبت به مذهب خود بی عقیده می شود ، نماز

۱- عالم های سنّی را مولوی می گویند .

را ترک می کند ، و دیگر در اجتماعات دینی شرکت نمی نماید . عمویم به او می گوید : هر کجا آن مولوی را دیدی ، از او بپرس که داستان فدک چه بود؟

پس از دو سال ، پدرم او را می بیند ، و از او می پرسد که داستان فدک چه بوده؟

مولوی می گوید : به شرط این که به کسی نگوئی ، میگویم ، فدک عبارت از چهار تا نخل بود ، که حضرت فاطمه آن را ادّعا می کرد و أبو بکر به او تحویل نداد، پدرم می گوید : خیلی کار بدی کرده ، اگر دختر کدخدا چیزی از من مطالبه کند ، حتماً از او دریغ نمی کنم ، آیا تنها یادگار پیامبر از او چهار تا نخل مطالبه کرده و او امتناع کرده است ؟ ! پدرم پس از چند سال ، در مجلسی با یک روحانی شیعه برخورد می کند ، داستان فدک را از او می پرسد ، او نیز مشروح داستان را برای او بازگو می کند . پدرم در آن مجلس رسماً شیعه می شود ، و از مذهب مخالفین بیزاری می جوید .

مدّتی بعد، یک روحانی شیعه به روستای ما آمد، و او شخص بسیار فاضل و متدیّنی بود ، و رفتار و گفتارش برای پدرم بسیار جالب توجّه قرار گرفت ، و پدرم به شدّت شیفتهٔ رفتار او گردید ، و اعتقادات شیعه کاملاً در اعماق جانش رسوخ یافت .

جنگ هندوستان و پاکستان پیش آمد، پدرم زخمی گردید ، و به دست هندی ها اسیر شد ، یک سال او را معالجه نمودند، و تا حدّی بهبودی پیدا کرد، ولی پزشکان گفته بودند : اگر یک بار سرفه یا عطسه کند ، می میرد . روزی یک نفر هندی برای زندانی ها سخنرانی می کرده ، در وسط سخنرانی او ، پدرم می گوید : ماه محرّم فرا می رسد ، ما می خواهیم مجلس روضه برگزار کنیم ، او می گوید : مانعی ندارد ، برنج و روغنش را نیز ما می دهیم ، در میان زندانیان شش نفر أسیر

شیعه بوده انـد ، مقـدّمات روضه را فراهم می کنند ، فقط از نظر روضه خوان مشـکل داشـته اند . پدرم در آن شب بعد از نیمه شب ، حضـرت امام حسـین علیه السـلام را در عالم رؤیا می بیند ، و آن حضـرت می فرمایند : خودت روضه بخوان ، پدرم می گوید : من بلد نیستم ، امام حسین علیه السلام می فرمایند : تو مگر آیهٔ تطهیر را نمی دانی ؟ (1) پدرم بیدار می شود ، و متوجّه می گردد که کاملًا بر آیـهٔ تطهیر آگاهی و اطّلاع دارد، و می تواند در پیرامون آن سـخنرانی کند ، بار دیگر به خواب می رود و امام حسین علیه السلام را در عالم رؤیا می بیند ، و آن حضرت می فرمایند : تو مگر آیهٔ مباهله را نمی دانی ؟ (2) وقتی بیدار می شود ، احسـاس می کنـد که کاملاً بر آیـهٔ مباهله تسـلّط دارد، برای بار سوّم امام حسـین علیه السـلام در عالم رؤیا به او می فرماینـد : تو مگر آیهٔ مودّت را نمی دانی ؟ (3) هنگامی که بیدار می شود ، احساس می کند که امام حسـین علیه السلام بالای سرش نشسـته انـد ، و مطـالب مربـوط به آیـهٔ مودّت کاملاًـ در ذهن او موج می زنـد . کوتـاه سـخن این که ، او ألآـن، یکی از گوینـدگان مـذهبی بسـیار موفّق و مبرّز جهـان شـیعه است ، و سـخنرانی های شـش ساعته ایراد می کنـد ، و هرگز دربارهٔ هیچ مطلبی فرو نمی ماند .

یک سال پیش که من این مطلب را دریافت کردم (در مدّت چهار سال و نیم) موفّق شده بود که تعداد ۱۵۰۰ نفر را به مذهب شیعه هدایت کند . او هیچ سوادی ندارد، ولی در هر موردی که به بحث می پردازد ، آیات مربوطه ،

۱- سورهٔ أحزاب ، آیهٔ ۳۳

۲- سورهٔ آل عمران ، آیهٔ ۶۱

۳- سورهٔ شوری ، آیهٔ ۲۳

در ذهنش نقش می بندد ، و به صورت دقیق و مرتبط ، با استفادهٔ از آنها استدلال می کند (۱).

جالب تر این که ، در موقع مباحثه اش با مولوی ها، آنها در مقابلش فرو می مانند، و او مطالبهٔ دلیل می کند ، ولی آنها اظهار عجز می نمایند .

بسیار اتّفاق افتاده ، که از حافظان قرآن آیه ای را سؤال کرده ، آنها هر چه فکر کرده اند به یادشان نیامده است . او اینک در پاکستان است ، و به عنوان یک چهرهٔ نیرومند در تبلیغات شیعه مورد نظر و توجّه همگانی می باشد .

۹۱-با توسّل به حضرت زهراء سلام اللّه علیها از زندان رهائی یافت

یکی از خطباء با ولایت ، و دلبستهٔ به أهل البیت علیهم السلام گرفتار و زندانی می شود، و به هشت سال حبس محکوم می گردد . پس از یک سال و اندی ، احساس خستگی روحی می کند ، و حوصله اش به سر می آید ، و به یادش می افتد که علّامهٔ طباطبائی قدس سِرُّه ذکر و صلواتی را تعلیم داده بودند ، که مورد عنایت می باشد ، ایشان متوسّل به همان صلوات می شود ، و در کمتر از دو ساعت از زندان آزاد می گردد ، در حالی که از مقدار محکومیّت هشت سالهٔ او ، فقط یک سال و أندی گذشته بوده است .

صلوات یاد شده ، طبق تعلیم علّامهٔ طباطبائی (صاحب تفسیر المیزان) چنین می باشد : ۵۳۰ مرتبه صلوات بر فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها به این شکل خوانده شود :

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی فاطِمَةَ و أبیها ، وَبَعلِها وبَنیها،

۱- شبیه داستان کربلایی کاظم ، که به شکل معجزه آسائی ، حافظ تمامی قرآن گردید ، و علماء بزرگ او را آزمایش کردند ، و تحقّق آن أمر غیر طبیعی را ، به نحو مسلّم دریافتند .

وَالسِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فیها بِعَدَدِ ما أحاطَ بِهِ عِلْمُکَ

و عدد ۵۳۰ مطابق است به حساب حروف أبجد ، با شماره حروف «فاطمه»

به این ترتیب : (ف=۸۰+ا=۱+ط ۹+م ۴۰+ت ۴۰۰)

۹۲-عمر مجدّد به برکت برگزاری مجلس برای حضرت زهراء سلام الله علیها

سالیان متمادی است که همه ساله در منزل ما در ایّام فاطمیّه ، از أوّل جمادی الثّانیه (به مدّت پنج روز) مجلس عزای حضرت صدّیقهٔ طاهره سلام الله علیها برگزار می گردد، و با توجّه به این که قبلاً منزل ما کوچك بود ، روی حیاط را خیمه می زدیم ، تا افراد شرکت کننده ، در فضای حیاط و اطاقهای دو طرف بنشینند .

در حدود پانزده سال پیش ، شبی برنامهٔ خیمه زدن ، تا حوالی نصف شب طول کشید ، هنگامی که از پشت بام پائین آمدم ، دیدم همسرم به شدّت مریض است ، به یکی از دوستان تلفن زدم ، و او را از خواب بیدار نمودم ، و با ماشین ایشان همسرم را به بیمارستان رساندیم ، و مسئولین بیمارستان گفتند : ایشان باید بستری شوند ، لذا پس از بستری نمودن همسرم ، برای بقیّهٔ مقدّمات مجلس روضه به منزل باز گشتم . أوّل صبح مجلس عزاداری برگزار گردید ، پس از پایان یافتن مراسم ، به بیمارستان رفتم ، گفتند که ایشان مرخص است ، و می توانید ایشان را ببرید . در همان شب یکی از فرزندانم خوابی دیده بود، و برای این که تاریخ خواب فراموش نشود آن را یادداشت کردم ، و در حدود شش ماه بعد (در مشهد مقدّس) به خدمت مرحوم آیه آلله صدّیقین اصفهانی

ص:۶۵۹

رسیدم (۱) متن خواب را به ایشـان عرض کردم ، فرمودنـد : این خواب به أیّـام فـاطمیّه مربوط می شود ؟ گفتم : بله ، دقیقاً در شب اوّل ماه جمادی الثّانیه دیده شده ، فرمودند : آیا شـما در آن أیّام روضه داشتید ؟ گفتم : بله ، فرمودند : آیا در آن مجلس برنامـهٔ اطعام نیز بود؟ عرض کردم : مسـمّای صبحانه ای بود، فرمودند: در آن شب قرار بود یکی از اعضای خانواده شـما فوت کند، ولی به برکت مجلس حضـرت فاطمه سلام الله علیها و اطعام در آن مجلس ، خداوند عمر مجدّدی به او عطا فرموده است .

۹۳-فردا آزاد خواهید شد

یکی از طلّاب حوزهٔ علمیّـهٔ قم ، در سالهای گذشـته ، گرفتار زنـدان گردیده بود و مدّت ۷۵ روز (به جهت یک سلسـله مسائل سیاسـی) در سلّول انفرادی به سـر برده بود ، در روزهای واپسین ، که مصادف با روز میلاد مسعود حضرت رسول أکرم صَلَّی الله عَلَیهِ واله بوده است ، یـک بازجوئی ۱۸ سـاعته ، از او به عمل آورده بودنـد ، و به تعبیر خود باز پرس « کلوخی » با او رفتار کرده بودنـد و در شب آخر ، به پیشـگاه حضـرت فـاطمه زهراء سـلام الله علیها عرض کرده بود : ای بی بی دو عالم ! شـما می دانیـد که در مجلس عزایتـان ، من همواره سـعی می کنم که کفشـهای شـرکت کننـدگان را خودم جفت کنم ، و نمی گـذارم شخص دیگری متکفّل این خـدمت بشود، روا ندارید که بیشتر از این ، من از خدمت در درگاه شـما محروم باشم ، و عمرم در اینجا تباه شود و همان شب در عالم خواب به او گفته بودنـد : حضـرت زهراء سـلام الله علیها برای کار شـما اقدام نموده اند، و حسنین علیه السلام

مداخله نموده اند ، فردا آزاد خواهید شد

ص:۶۶۰

۱- ایشان در تعبیر خواب چهرهای استثنائی و مورد عنایت بودند .

صبح هنگام ، در اوّل وقت اداری ، او را به دادسرا برده بودند ، و مقدّمات آزادیش در همان روز فراهم گردیده بود .

۹۴-بچّه دار شدن چند بانوی محترمه با عنایت حضرت فاطمه

سالیان متمادی است که در منزل یکی از علماء قم ، در ایّام نهم ربیع الاوّل (که مصادف است با روز شروع امامت حضرت بقیّه الله أرواحنا فداه) برای روشنی چشم حضرت زهراء سلام الله علیها مجلس عید الزّهراء سلام الله علیها برای بانوان برگزار می شود . در این مجلس ، علاوه بر شرکت خانواده های عده ای از علمای حوزهٔ علمیّهٔ قم، أفرادی نیز از بستگان ایشان (از شهرستانهای دیگر) نیز حضور پیدا می کنند . یکی از شرکت کنندگان شهرستانی (که یکی از همسایگانش ، سالیان درازی از ازدواج او گذشته بوده و بچّه دار نمی شده ، و معالجات گوناگون نیز، بی نتیجه مانده بوده است) در یکی از سالها در کنار خانمی نشسته بوده ، و او اظهار می کند که من سالها بود ازدواج کرده بودم ، و صاحب فرزند نمی شدم ، سال گذشته در این مجلس متوسّل شدم ، و این بچّه که در آغوش من است ، از برکت توسّل به حضرت زهراء سلام الله علیها در این مجلس می باشد ، تصادفاً بانوی دیگری نیز ، چنین مطلبی را ابراز می کند ، آن بانوی شهرستانی هنگامی که به شهر خود باز می گردد ، این موضوع را برای همسایه اش نقل می کند ، و او علاقمند می شود که در این مجلس شرکت کند .

سال بعد ، در این مجلس شرکت می نماید ، و به حضرت صدّیقهٔ طاهره سلام الله علیها متوسّل می شود ، و از برکات بی بی دو عالم بچّه دار می شود ، و در سال بعد همراه فرزندش ، برای شرکت در مجلس یاد شده راهی قم می شود .

ص:۶۶۱

۹۵-شفای بیمار به برکت نذرختم قرآن برای حضرت فاطمه سلام الله علیها

ختم بسیار مجرّبی است ، که در چندین مورد، به آن عمل کرده و نتیجه گرفته ایم ، کیفیّت آن چنین است : کسی که حاجت مهمّی دارد ، به مشهد مقدّس مشرّف شود ، و در حرم مطهّر حضرت ثامن الحجج علیه السلام نذر کند که اگر خداوند منّان ، حاجتش را بر آورده نماید ، پس از روا شدن حاجت ، در حرم مطهّر حضرت امام رضا علیه السلام به نیّت حضرت زهراء سلام الله علیها یک ختم قرآن تلاوت کند . چند سال پیش ، پدر بزرگوارم به شدّت بیمار شدند ، و از آزمایشها ، چنین به دست آمد که ، کیسهٔ صفرای ایشان پر شده ، و به شدّت بحرانی گردیده است . از طرفی هم نیاز به عمل پروستات داشتند ، و پزشکان گفتند : هر دو عمل باید انجام شود، ولی با توجه به سنّ بالای ایشان ، هر کدام از دو مورد عمل شود ، دیگری به شدّت خطر آفرین خواهد بود، لذا به مشهد مقدّس مشرّف شدم، و در بالای سر حضرت علیّ بن موسی الرّضا علیه السلام نذر کردم ، و با عنایت حضرت زهراء سلام الله علیها هر دو مورد ، بدون عمل جرّاحی بهبودی کامل یافت ، و من به نذر خود عمل کردم ، و قرآن کریم را به قصد حضرت زهراء سلام الله علیها در حرم آن امام ثامن و ضامن ، ختم نمودم و به محضر آن بانوی دو عالم تقدیم نمودم .

۹۶-حلّ مشکل یک مرکز درمانی با توسّل به حضرت زهراء

چند سال پیش در فصل تابستان برای صلهٔ أرحام به تبریز رفته بودم ، روزی با جمعی از دوستان برای استفاده از آب دریاچهٔ ارومیّه ، به بندر شرفخانه رفتیم، یکی از دوستان (که از بنیان گذاران هیئت عیادت بیماران تبریز می باشد) ما را در آن سفر همراهی می کرد، از ایشان در مورد وضعیّت هیئت یاد شده پرسیدم ، اظهار کرد که با مشکلات اقتصادی حادّی مواجه شده است ، و احتمالاً فعّالیّت

هیئت تعطیل شود ، به جهت آگاهی خودم از تلاشهای بسیار ارزشمند هیئت یاد شده ، از این خبر بسیار متأثر گردیدم و گفتم : به هر شکلی هست نباید این مؤسّسه (با آن همه خدمات درخشان) تعطیل شود ، دوست عزیز ما گفت : یک قطعه زمینی متعلّق به آن هیئت است ، که متأسّفانه غصب شده ، و هر چه نذر و نیاز کرده ایم نتیجه نداشته است ، و اگر مشکل آن زمین برطرف شود ، به خاطر أرزش زیادی که دارد ، مشکل هیئت به کلّی رفع می شود ، بندهٔ کمترین جریان نذر ختم قرآن برای حضرت فاطمه سلام الله علیها را برای ایشان بیان کردم ، ایشان در جواب من فرمودند : من می توانم یک سفر چند ساعته به مشهد مقدّس بروم ، و در حرم مطهّر امام هشتم علیه السلام صیغهٔ نذر را بخوانم، ولی به جهت کارهای گستردهٔ هیئت نمی توانم چند روز در مشهد مقدّس توقّف نموده ، و قرآن را در حرم مطهّر ختم کنم . اینجانب (با توجّه به ارزش خدمات این مرکز) به ایشان گفتم : شما مشرّف بشوید ، و صیغهٔ نذر را انجام بدهید ، و پس از رفع مشکل ، من به مشهد مقدّس مشرّف می شوم ، و قرآن کریم را در حرم مطهّر امام رضا علیه السلام به نیّت حضرت فاطمه سلام الله علیها ختم می کنم ، ایشان در همان هفته به مشهد مقدّس مشرّف شدند ، و صیغهٔ نذر را جاری کردند، و همان روز مراجعت نمودند ، و بیش از چند روزی نگذشت که به من اطّلاع دادند که مشکل پیچیدهٔ چند ساله ، بدون این که أعضای هیئت اقدامی کرده باشند، حلّ شده ، و مشکل مالی مؤسّسه به طور کلّی مرتفع گردیده است . من نیز در همان أیّام ، به مشهد مقدّس و حرم حضرت رضا علیه السلام مشرّف شدم ، و نذر ایشان را انجام دادم .

ص:۶۶۳

۹۷-نماز استغاثه به حضرت فاطمه سلام الله علیها

یکی از دوستان ما ، که از سادات جلیل القدر هستند ، هر وقت با یک مشکل جدّی مواجه می شوند ، نماز استغاثه به حضرت زهراء سلام الله علیها را که در مفاتیح الجنان هست می خوانند ، و نتیجهٔ سریع می گیرند ، در مواردی (به جهت ارتباط نزدیکی که داریم) از مشکل و توسّل ایشان مطلّع می شدم ، و پس از مدّت کوتاهی ، از رفع مشکل ایشان نیز آگاه می گردیدم .

۹۸-مقامی ارجمند در اثر دفاع از حضرت فاطمه سلام الله علیها

شخصی از اهالی « خوی » در دوران سربازی ، با درجه دار مافوق خود، به صحرا می رود ، در حالی که نمی دانسته است که آن مافوق ، دشمن أهلبیت علیهم السلام و ناصبی می باشد ، نام حضرت صدّیقهٔ طاهره سلام الله علیها برده می شود،وآن شخص درخه دار،تعبیر نا شایستی بر زبان جاری می کند،سرباز یاد شده از شنیدن آن جمله سراسر بدنش می لرزد،وبدون این که عواقب کار را بررسی کند ،دستش روی ماشهٔ تفنگ می رود،وآن فرد نا سزا گوی را هدف می گیرد و می کشد،او دیگر به شهر وپادگان برنگشته ،واز همانجا به سوی مرز ترکیه حرکت می کند ،وبا پای پیاده،به عتبات عالیات عراق مشرّف می شود.

یک سال واندودی در عتبات مقدّسه می ماند،وسپس به طرف ایران واستان فارس حرکت کرده ،در یکی از مدارس شیراز،چند ماهی اقامت می نماید ،خادم مدرسه احساس می کند که این فرد،شب ها در حجره مشغول عبادت است،ودر اواخر شب(در حالی که در مدرسه بسته است)بیرون می روند،و بعد از طلوع آفتاب به مدرسه بر می گردد.چند شب در حیاط مدرسه مراقب می نماید،واو را شدیداً تحت نظر می گیرد،ومتوجّه می شود که او شبها مشغول عبادت است و بعد از نیمه شب مقدار کمی

می خوابد ، سپس بیدار شده و تجدید وضوء می کند ، و مشغول تهجّد و نماز شب می شود، و سپس به شکل عجیبی غائب می گردد ، و بعد از طلوع آفتاب به مدرسه باز می گردد .

یک شب در موقعی که چراغ حجره روشن بوده ، در می زند و وارد اطاق می شود، و از ایشان شرح ماجرا را سؤال می کند ، وی می گوید : اگر قبل از امشب این ماجرا را از من می پرسیدی هرگز پاسخ نمی دادم ، ولی نظر به این که امشب ، آخرین شب عمر من می باشد ، و در هنگام بامداد از این جهان رخت بر می بندم ، داستان خود را برای تو شرح می دهم ، انگاه داستان آن مرد ناصبی را بازگو کرده ، از عنایاتی که در سفر عتبات عالیات عراق (کربلا و نجف و ...) نصیبش شده گفتگو می نماید ، و سپس اظهار می دارد که ، من هر روز صبح به بیرون شیراز می رفتم ، و در آنجا با چند نفر از دوستان امام زمان علیه السلام پشت سر حضرت بقیّه آللہ أرواحنا فداه نماز صبح را می خواندیم .

خادم مدرسه دربارهٔ دیگر افراد سؤال می نماید ، او یک نفری را که در مقابل مسجد نو ، در نزدیکی حرم حضرت شاه چراغ علیه السلام پینه دوزی می کرده ، معرّفی می نماید . خادم مدرسه به کار خود مشغول می شود، و قبل از طلوع آفتاب متوجّه می گردد که در مدرسه را می کوبند ، هنگامی که در را باز می کند، می بیند که آیه الله کجوری (که از علمای مهّم شهر شیراز ، و از شاگردان معروف شیخ أنصاری قدس سِرُّه بوده اند) هستند ، آیه الله کجوری می پرسند : آیا کسی در مدرسه از دنیا رفته است ؟ خادم مدرسه اظهار بی اطّلاعی می کند ، ایشان می فرمایند : من خوابیده بودم ، در عالم رؤیا به محضر مقدّس حضرت ولیّ عصر علیه السلام مشرّف شدم و ایشان فرمودند : یکی از دوستان ما در این مدرسه از دنیا رفته ، چون غریب

است و در این شهر کسی را ندارد ، به کفن و دفن او همّت بگمارید .

هنگامی که خادم مدرسه در خدمت آقای کجوری ، به حجرهٔ آن بزرگوار می روند ، می بینند که رو به قبله خوابیده ، و جان به جان آفرین تسلیم کرده است مرحوم آیه الله کجوری به مردم اطّلاع می دهند ، و شهر شیراز به حالت تعطیل در می آید ، و اهالی شهر در مراسم تشییع این بزرگمرد شرکت می کنند . نگارنده می گوید : این داستان را قبلًا از مرحوم آیه الله ، حاج شیخ محمّد خادمی شنیده بودم ، سپس از مرحوم حجّه الإسلام و المسلمین ، آقای حاج شیخ جلال الدّین آیه الله زاده با تفصیل بیشتری شنیدم . مرحوم آیه الله زاده می فرمودند : أخوی بزرگوارم مرحوم آیه الله حاج شیخ بهاء الدّین محلّاتی قدس سِرُّه متعهّد و ملتزم بودند که هر صبح جمعه (بین الطّلوعین) در کنار قبر ایشان حضور پیدا کنند ، و پس از قرائت فاتحه و سوره هائی از قرآن ، برای فرج مولی حضرت بقیّه الله أرواحنا فداه دعا نمایند .

قبر سرباز یاد شده (که به نام مرحوم عبد الغفور خوئی بوده) در قبرستان دار السلام شیراز ، واقع در بلوار سیبویه می باشد . مرحوم عبد الغفور در میان أهل شیراز به « سرباز گمنام » معروف است . سنگ قبر ایشان ، به أمر مرحوم آیه الله کجوری تهیّه شده ، و نوشته های روی سنگ قبر به قلم ایشان می باشد .

۹۹ –شفای مریض در اثر توسّل به حضرت فاطمه سلام اللّه علیها

آقای سیّد أحمد ، نوادهٔ مرحوم سیّد ابراهیم میلانی ، در تبریز مریض بود ، دختر یکی از مراجع تقلید ، پدرش را در عالم خواب می بیند ، و ایشان می فرمایند : آقای سیّد أحمد مریض است ، فردا شب (شب سوّم جمادی الثّانی) یقیناً شب شهادت حضرت فاطمه سلام الله علیها است ، و حدیث کساء ، یقیناً از حضرت فاطمه سلام الله علیها

می باشد ، فردا شب در اطاق مخصوص من گرد آمده ، برای شفای ایشان حدیث کساء بخوانید . فردا در اطاق مخصوص آن مرجع والامقام گرد آمدند، و حدیث کساء خواندند ، و ایشان از برکت توسّل به حضرت زهراء سلام الله علیها بهبودی

یافتند (۱)

۱۰۰-ارزش والای خدمت در مجالس فاطمیّه

دختر یکی از مراجع بزرگوار تقلید ، در عالم رؤیا می بیند که در ایّام شهادت حضرت فاطمه سلام الله علیها در منزلش مجلس عزاداری برقرار است ، و او برای کارهای مقدّماتی روضه تلاش می کند ، در این اثنا می بیند که مرحوم پدرش آمده اند ، عرض می کند که خیر است انشاء الله ، می فرمایند : شما برای مادرم حضرت فاطمه سلام الله علیها مجلس گرفته اید ، آمده ام کمک کنم . سپس فرموده بودند : خانمی که قرار است سخنرانی کند ، به او بگوئید در اوّل جلسه ، ۵۳۰ بار بگوید:

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی فاطِمَةَ وأبیها وبَعلِها وبَنیها ، بِعَدَدِ ما أحاطَ بِهِ عِلمُکَ

سپس اظهار تأسف کرده بودند که چرا در این مجالس ، خطبهٔ حضرت زهراء سلام الله علیها به طور کامل خوانده نمی شود (۲)

۱۰۱-عنایت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها به یکی از خدمتگزاران خود

یکی از فضلای حوزهٔ علمیّهٔ قم ، که برای حضرت فاطمه سلام الله علیها مجلس روضه اقامه می کند ، و برای خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام خدمات فرهنگی انجام می دهد ،

ص:۶۶۷

۱- مردگان با ما سخن می گویند ، صفحهٔ ۲۵

۲- در یکی از داستانهای گذشته ، در تعلیم مرحوم علّامهٔ طباطبائی قدس سِرُّه جملهٔ(والسِّرِّالمُستَودَعِ فیها) در مجموع جمله های صلوات ، ذکر گردیده است .

شبی در عالم رؤیا می بینند که حضرت زهراء سلام الله علیها به افتخار او مجلس بزرگداشتی ترتیب داده اند ، و صدها نفر از اهل ولایت ، در آن مجلس دعوت شده اند ، و سفرهٔ بسیار رنگینی پهن گردیده ، و همگان بر سر سفرهٔ احسان حضرت زهراء سلام الله علیها متنعّم هستند ، و آن حضرت شخصاً در این مجلس حضور دارند، و از کنار سفره عبور می کنند ، و به حاضران خوش آمد می گویند .

۱۰۲-پیدا شدن گمشده در اثر توسّل به حضرت زهراء سلام الله علیها

۳۳ سال پیش ، دوست گرانقدرم حجّه الإسلام و المسلمین آقای ، حاج شیخ جواد علّامی ، به شهر «تکاب » دعوت می شوند، و خدمات شایسته ای انجام می دهند ، و اختلافات مردم را رفع می نمایند ، و در میان اهالی شهر صلح و صفا ایجاد می کنند . ایشان موفّق می شوند که سه مسجد به نامهای : مسجد صاحب الأمر علیه السلام و مسجد ولیّ عصر علیه السلام و مسجد امام زمان علیه السلام در آنجا تأسیس نمایند ، به هنگام بازگشت به قم ، در خیابان سپه تهران ، از گاراژ میهن تور ، به سوی گاراژ شمس العماره (در خیابان ناصر خسرو) عزیمت می کنند ، و ساک دستی خود را پشت تاکسی می گذارند ، و رانندهٔ تاکسی خیال می کند که صاحب ساک ، هنوز در تاکسی نشسته است ، و لذا حرکت می کند و ایشان با دست خالی به قم بر می گردند ، در حالی که در آن ساک مقداری پول و هشت مجلّد دفتر یادداشت بوده است ، و ایشان برای گم شدن آن دفترها بسیار ناراحت بوده اند . عصر جمعه ای برای شرکت در مجلس روضه به منزل مرحوم آیه الله ، حاج سیّد حسین قاضی طباطبائی (پسر خاله علّامهٔ طباطبائی ، و صاحب کرامات فراوان) می رود، مرحوم قاضی از ایشان می پرسد که چرا ناراحت هستید ؟ ایشان داستان را نقل می کنند ، آیه الله قاضی می فرمایند : شما امروز یک روضهٔ حضرت

زهراء سلام الله علیها بخوانید ، هفتهٔ آینده نیز همین جا یک روضهٔ دیگری از آن حضرت بخوانید ، من ساک شما را می دهم .

آقای علّامی ، دو هفته در آن محفل روحانی و نورانی ، روضـهٔ حضـرت زهراء سـلام الله علیها را می خواند و متوسّل می شود، روز شـنبه ، به فرمان آقای قاضی به تهران می رود، و به یکی از آشنایان خود سر می زند ، او اظهار می کند ، که همین الآن به مـا زنگ زدنـد که ساک آقای علّامی پیـدا شـده ، و ایشان به مرکز امور تاکسـی ها مراجعه می کنـد ، و ساکش را تحویل می گیرد، در حالی که پولها و دفترها دست نخورده بوده است .

۱۰۳–آبشار فاطمی در مسجد امام حسین علیه السلام

در اوّلین سالهـای شـروع نهضت فاطمیّه ، همراه عـدّه ای از دلسوختگان شـهادت فاطمـهٔ زهراء سـلام الله علیها بی نام و نشان به صورت دستهٔ عزاداری ، به سوی خمینی شـهر رفتیم ، و پس از طیّ مسـیری طولانی با حالت سـینه زنی وارد مسجد امام حسین علیه السـلام در محلهٔ خوزان شدیم ، مجلس و مراسم عجیبی بود، و برنامهٔ سخنرانی و سینه زنی تا بعد از نیمه شب ادامه یافت ، و حال و هوای معنوی مراسم ، همه را تحت تأثیر قرار داده بود، و خدا را شـکر می کردند که چنین توفیقی یافته اند . در همان شب ، یکی از مردان متدّین و با ولایت (یعنی مرحوم حاج علی أصـغر حبیبی که اخیراً فوت شده است) در عالم رؤیا می بیند که ، از سـمت راست حسینیّه ، سمت ایوان مسجد امام حسین علیه السلام آبشار بزرگی پیدا شده ، و جریان دارد ، و حسینیّه را آب فرا گرفته است . در این حال مردم علاوه بر نوشـیدن آب و شسـتن صورتهای خود ، ظرفهای خود را می آوردنـد و پر می کردند ، ولی

ظرفهای آنها مختلف بود (بعضی از آنها کوچک و بعضی بزرگ بود) (۱) و بدین وسیله ، عنایت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها به عزاداران آن حضرت، آن هم به گونه ای عام و گسترده ، در قالب آبشاری زلال و پاک و سیراب کننده ، اظهار می گردد . یکی از علمائی که در جریان نهضت فاطمیّه ، و گسترش آن در خمینی شهر ، بسیار جدیّت و کوشش داشته و دارند ، با شنیدن این رؤیا ، شدیداً تحت تأثیر قرار می گیرند ، و تلاش خود را در زمینهٔ بزرگداشت فاطمیّه افزایش می دهند ، و به خاطر شوق زیادی که نسبت به سرودن شعر برای اهل بیت علیهم السلام در دل و جانشان پیدا شده بوده ، به حضرت زهراء سلام الله علیها متوسّل می شوند، و تقاضا می کنند که از آن آبشار فاطمی سیرابشان نمایند ، ناگاه متوجّه می شوند که بدون سابقهٔ قبلی ، قادر بر سرودن شعر هستند، و از آن زمان تاکنون ، در حدود دو هزار بیت شعر در بارهٔ فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها وفاطمیّه و حضرت بقیّه الله علیه السلام و کارنامهٔ سیاه أهل سقیفه و ... سروده اند .

۱۰۴-نگران نباش ... اینجاست

حجّه الإسلام و المسلمین ، آقای حاج سیّد محمود میردامادی دام توفیقه ، که از اوّلین سالهای حرکت فاطمیّه و بزرگداشت شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها در سطحی وسیع و گسترده و با پشتکاری مجدّانه ، در روشنگری و هدایت جامعه ، و برگزاری مجالس عزای فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها و به حرکت درآوردن دستجات عزاداری (مخصوصاً در خمینی شهر) اقدام نموده اند، و تاکنون، همه ساله قدم های مثبت و مؤثّری بر می دارند، می فرمودند :

ص:۶۷۰

۱- آری ! هرکس مطابق ظرفیّت و آمادگی خود ، از آبشار فیض فاطمی بهره می برد .

در عالم رؤیا دیدم در صحرای عرفات هستیم ، و مجلسی را به نام حضرت فاطمۀ زهراء سلام الله علیها در آن صحرا برپا نموده ایم ، و پرچمهای مخملی به رنگ سبز، در حالی که شعارهای مظلومیّت حضرت زهراء سلام الله علیها بر آنها نوشته شده بود ، به ستونهای خیمه ها نصب می کردیم .

همانند ایّام حج ، خیمه های زیادی برپا بود ، و جمعیّت های فراوانی از ملتهای مختلف ، در حال تماشای پرچمها بودند ، و پرچم ها در خیمۀ مخصوصی نگهداری می شد ، و به ترتیب آن پرچمها ، به ستونها و کوچه هائی که از خیمه ها درست شده بود نصب می گردید ، بنده در عالم رؤیا نگران بودم که مبادا ین پرچمها کافی نباشد ، و به همۀ خیمه ها و کوچه ها نرسد ، در این حال وارد خیمۀ محلّ نگهداری پرچمها شدم ، دیدم پرچمها بسیار زیبا می باشند ، و یکی بهتر از دیگری ، ولی تعداد آنها کم بود، نگرانی خودم را به زبان آوردم، ناگاه دیدم آقائی نورانی به شکل سیّدی جلیل القدر ، در کنارم ظاهر گردیده و فرمودند : نگران نباش ... اینجا است (و نام یکی از علمائی که در برنامه های فاطمیّه عرض أدب و اخلاصی دارد، و مایل نیست نامش ذکر شود ، به زبان آوردند) با شنیدن این سخن قلبم آرام گرفت، و از خواب بیدار شدم .

متوجّه شدم که این خواب پیام دارد، پیام نصرت و پیروزی ، و همه باید بدانیم که امام زمان علیه السلام ناظر أعمال ما می باشند و کمک می دهند، و از یارانشان حمایت می نمایند ، و باید بدانیم که حرکت نورانی فاطمیّه ، مقدّمه ای بر ظهور حضرت مهدی (عج) است ، و باید همه تلاش کنیم که ندای مظلومیّت حضرت زهراء سلام الله علیها را به جهانیان برسانیم ، و شعارهای فاطمیّه را در مقابل دیدگان همۀ ملتها و مردم کشورها قرار دهیم .

ص:۶۷۱

۱۰۵-به نحوی توسّل به حضرت زهراء سلام الله علیها پیدا کن که ...

یکی از فضلاء عالیقدر ، که در آستان مقدّس صدّیقهٔ طاهره سلام الله علیها مخلصانه خدمات بسیار زیادی انجام داده و می دهد ، مورد عنایاتی قرار گرفته است که به چند مورد آنها اشاره می نمائیم : چند سال قبل در عالم رؤیا دیدم که در منزل مرحوم آیه الله ، حاج سیّد أحمد فقیه امامی قدس سِرُّه مجلس عزاداری برپاست ، و خود ایشان پای منبر نشسته اند و به من فرمودند برو منبر ، عرض کردم آقا منبریهای مهم تشریف دارند، فرمودند :

ما می خواهیم شما منبر بروید ایّام فاطمیّه رسید ، منزل یکی از علماء سادات ، مجلس عزاداری باحال و معنویّتی بود، روز أول مجلس (به قصد استفاده از فیض معنوی جلسهٔ عزاداری) وارد شدم ، صاحب منزل (عالم مورد اشاره در فوق) به من فرمودند : روزها کمی زودتر بیائید ، و پس از خوانده شدن زیارت عاشوراء منبر بروید ، و من پذیرفتم . در روز شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها برنامهٔ زیارت عاشوراء و زیارت حضرت زهراء سلام الله علیها طول کشید ، و به نظرم رسید که در آن روز به منبر نروم ، که برنامهٔ سایر گویندگان (که بایستی در ساعت معیّن به منبر بروند) بر هم زده نشود، و لذا به صاحب منزل (عالم یاد شده) گفتم : آقایان تشریف دارند و به فیض می رسانند ، ایشان فرمودند :

ما می خواهیم شما منبر بروید و دقیقاً عین جمله ای را که مرحوم آیه الله امامی قدس سِرُّه چند ماه قبل در عالم رؤیا فرموده بودند ، ایشان به من گفتند ، در حالی که هیچ خبر از رؤیای من نداشتند . بعد از ظهر روز دهم مجلس ، در عالم رؤیا دیدم که در خدمت آن عالم بزرگوار

(صاحب منزل) ایستاده ام ، و ایشان با دست راست بر سینهٔ من زدند و فرمودند :

به نحوی توّسل به حضرت زهراء سلام الله علیها پیدا کن که

امام زمان علیه السلام تشریف بیاورند از خواب بیدار شدم ، و فهمیدم که در دو روز آینده (۱) عنایتی می شود ، روز دوازدهم که روز جمعه بود، مسئله ازدواج أمیر المومنین علیه السلام و حضرت زهراء سلام الله علیها را بالای منبر مطرح نمودم، و از ابتدای بحث به خوبی معلوم بود که مجلس مورد لطف قرار گرفته ، و عموم مستمعین با شنیدن جریان ازدواج آن بزرگواران گریه می کردند ، و رسیدم به ذکر مصیبت ، و عرض کردم در دو صحنه أمیر المؤمنین علیه السلام از خدا آرزوی مرگ نمودند ، یکی در هنگامی که جلو آن حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها را می زدند ، و آن حضرت فرموده اند :

فلیت ابن طالب مات قبل یومه هذا (۲) و دیگری در هنگامی که پس از دفن حضرت زهراء سلام الله علیها می فرمودند :

نفسی علی زفراتها محبوسه

یا لیتها خرجت مع الزّفرات (۳)

در این حال احساس کردم عنایت ویژه ای شده است ، و بعد از این جریان ، توان و توفیق یافتم که در سخنرانی هایم در بارهٔ امام زمان علیه السلام بحث کنم (در حالی که قبل از این جریان چنین توان و توفیقی نداشتم) و از آن تاریخ ، شوق و علاقهٔ خاصّی نسبت به حضرت بقیّه الله علیه السلام پیدا کرده ام .

۱- در آن سال ، به دلیل عنایتی غیبی ، مجلس یاد شده به مدّت دوازده روز برگزار گردید

۲- ای کاش فرزند أبی طالب قبل از این روز مرده بود (و این منظره را نمی دید).

۳- جان من ، با آه و ناله ام (در سینه ام) حبس شده ، ای کاش جانم ، با آن آه و ناله ها خارج می شد

چند ماهی گذشت و دچار غفلتی شدم ، و در عالم رؤیا ندائی به گوشم رسید که :

بعد از هفت سال ، گُلی در زندگیت روئیده است ، مواظب باش آن را پایمال نکنی

وقتی بیدار شدم و به فکر افتادم ، گلی که هفت سال است در زندگیم روئیده چیست ؟ مروری بر برنامه های گذشته زندگیم نمودم ، ملاحظه کردم که شروع اقدام گسترده ام دربارهٔ حضرت زهراء سلام الله علیها همراهی در مسافرت دسته جمعی ، در کاروان تبلیغی فاطمیّه بوده است ، که تاریخ آن در صفحهٔ أوّل مفاتیح الجنان که به عنوان یادگار سفر تبلیغی فاطمیّه اهداء شده بود ، ضبط گردیده ، و خدای را شکر کردم که با هشدارها و راهنمائی های مکرّر (به احترام فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها) از لغزشهای خطرناک محفوظم داشته اند .

۱۰۶-با دست روی بدنم کشیدند و بشارت شفا به من دادند

یکی از دلباختگان نسبت به حضرت زهراء سلام الله علیها که خود ذریّهٔ آن حضرت است و در راه اهل بیت علیهم السلام و حضرت بقیّه الله علیه السلام توفیقاتی دارد ، نقل نمودکه :

در سال ۱۳۷۰ شمسی ، به مدّت دو ماه ، در مدینهٔ منورّه در خدمت زائران رسول خدا صَلَّی الله عَلَیهِ واله و حضرت زهراء سلام الله علیها بودم، و هر هفته پانصد نفر در هتل محلّ اقامت ما وارد می شدند ، و به انجام وظیفه در راه خدمت به آنها مشغول بودیم . در یکی از هفته ها ، در هنگام ورود زائران جدید ، صدای نالهٔ جان سوزی شنیدم که بانوئی با صدای پر سوزی می گفت : مادر ! دخترم را به من برگردان ، و مرّتب ناله می زد، صبح روز بعد، در رستوران هتل هنگام خوردن صبحانه ، همان صدا با همان حالت ، شنیده می شد و قطع نمی گردید ، شب در هنگام صرف شام نیز با همان صدا برخورد کردم . یکی از بستگان من در میان زائران بود، از او سؤال کردم که صاحب ناله کیست ؟ و چرا این طور می نالد ؟ و دیروز تا حال آرام

نشده است ، گفت : او دختر هیجده ساله ای دارد که مبتلا به سرطان می باشد ، و دکترها جواب ردّ به او داده اند ، و گفته اند : او بیش از پنج روز دیگر زنده نمی ماند ، و با این حال مردّد بوده است که با این وضعیّت چه کند ؟ و آیا از سفر به مکّه و مدینه منصرف شود؟ ولی تصمیم می گیرد به قصد شفای دخترش عازم زیارت شود ، و در هنگامی که می خواسته است حرکت کند، به کنار بستر دخترش می رود ، می بیند که او توان سخن گفتن ندارد، ولی چادر مادرش را می گیرد ، و همراه با اشک ریزان ، با اشاره به او می فهماند که با این حال من ، کجا می روی ؟ من در حال مرگ هستم ، مادر به فرزند مریض خود (که در آخرین روزهای عمر بوده است) می گوید : برای شفای تو به زیارت مادرم فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها می روم . حال ، که به مدینه رسیده و منظرهٔ قبرستان بقیع را دیده ، می گوید : با یک چشمم برای غربت و مظلومیّت مادرم زهراء سلام الله علیها گریه می کنم ، و با چشم دیگر برای دخترم که با آن حال با او خداحافظی نمودم ، اشک می ریزم .

شب جمعه فرا رسید ، همگی برای خواندن دعای کمیل به کنار حرم با صفای بقیع مشرّف شدیم ، و آن زن روضه خوان جلسه بود، و با ناله های جانسوز خودش همه را منقلب می کرد، پس از پایان دعا به نزد او رفتم ، و او را دلداری دادم و گفتم : شما سر سفرهٔ کرم حضرت زهراء سلام الله علیها آمده اید ، انشاء الله دخترتان خوب می شود . از آن تاریخ ده روز گذشت ، شب در هنگام شام خوردن ، مسئول هتل صدا زد آقای ... از ایران تلفن دارید ، وقتی گوشی را به دست گرفتم، متوجّه شدم همان خانمی است که آن همه ناله می کرد، و گفت : امشب برو به زیارت بقیع ، و از مادرمان حضرت زهراء سلام الله علیها تشکّر و سپاسگزاری کن ، زیرا ایشان

دخترم را شفا داده اند ، گفتم قضیّه چیست ؟ گفت : هنگامی که به فرودگاه رسیدیم، دیدم دخترم به استقبال آمده، و در یک دست دستهٔ گل گرفته، و در دست دیگر ، عکس ها و برگه های آزمایش های پزشکی را گرفته است و می گوید: مادر کجا رفتی ؟ به کی گفتی ؟ چه کردی ؟ برگه های آزمایش را نگاه کن هیچ اثری از سرطان در وجودم نیست ، گفتم چه خبر شده است ؟ گفت : یک شب در عالم خواب دیدم عدّه ای زن سیاه پوش وارد اطاقم شدند ، و بانوئی از آنها با محبّت با من سخن گفتند ، و با دست مبارکشان بر روی بدنم کشیدند، و بشارت به من دادند و فرمودند : من از خداوند شفایت را درخواست نمودم ، و او اجابت فرمود، و هنگامی که بیدار شدم ، احساس کردم شفا یافته ام و هم أکنون در حالت سلامت کامل به سر می برم

۱۰۷-خاطره ای از مرحوم کافی دربارهٔ حضرت زهرا سلام الله علیها

واعظ نامدار و شهید راه أهل البیت علیهم السلام و دلباختهٔ و فدائی امام زمان علیه السلام مرحوم حاج شیخ احمد کافی قدس سِرُّه چند روزی در بیت شریف آیه الله العظمی ، آقای گلپایگانی قدس سِرُّه منبر می رود ، و در بیان مصائب حضرت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها این قضیّه را نقل می نماید : یک عاشق دلباختهٔ أمیر المؤمنین علیه السلام رفت به نجف أشرف، و پس از اذن دخول گرفتن ، وارد حرم مطهّر أمیر المؤمنین علی علیه السلام گردید ، و عرض کرد یا علی ! هر که می آید به محضر شما چیزی هدیه می کند ، وأمّا من دستم خالی است ، و فقط یک شعر برای شما می خوانم و می روم ، أمّا هرچه کرد نتوانست شعرش را بخواند ، و از خدمت حضرت مرخّص شد و آن شب با گریه و اندوه خوابید .

در عالم رؤیا حضرت أمیر المؤمنین علیه السلام به او فرمودند چرا گریه می کنی ؟ عرض کرد

چرا گریه نکنم ، و حال آنکه نتوانستم به محضر شما عرض أدب نمایم ، حضرت فرمودند : تو بخوان ، هر جا نتوانستی خودم تو را کمک می کنم او گفت : به پیش مصطفی شرمنده باشم ، ولی نتوانست بقیّه شعر را بگوید و أمیر المؤمنین علیه السلام فرمودند بخوان : که زهراء مرده و ، من زنده باشم (1) که مجموع دو مصرع که یکی از آن زائر ، و دیگری از أمیر المؤمنین علی علیه السلام است ، این چنین می باشد :

به پیش مصطفی شرمنده باشم که زهرا مرده و من زنده باشم

۱۰۸–أرواح مقدسهٔ همهٔ امامان در عزاداری های اصفهان حضور داشتند

یکی از دبیر های مذهبی و متدّین ، و علاقمند به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام بالأخص حضرت زهراء سلام الله علیها و امام زمان علیه السلام (که همسر و فرزندان او نیز کاملاً در این راستا قرار دارند) دختری دارد که در سنّ سه سالگی به داخل حوض منزل می افتد ، و مدّت زمانی کسی متوجّه نمی شود و در هنگامی که پدر او با صدای زنگ در خانه از خواب بیدار می شود، می بیند دختر بچّه ، روی آب حوض افتاده و شکم او پر از آب است ، و در حالت اضطراب با توجّه به اعتقاد و علاقه ای که به امام زمان علیه السلام داشته و دارد ، فریاد یا صاحب الزّمان سر می دهد ، و بچّه را از آب بالا می کشد ، و به بیمارستان می برد ولی نه تنها بچّه با لطف آن حضرت از کام مرگ نجات پیدا می کند ، بلکه از آن زمان ، حالت روحی او متحوّل می شود، و یک حالت معنوی استثنائی پیدا می کند، که در میان هم سن و سالها ، و دیگر افراد خانواده و فامیل ، مورد توجّه می باشد .

۱– مجلّه خورشید مکّه ، صفحهٔ ۱۸، شمارهٔ ۵، جمادی الاولی و جمادی الثّانیه ۱۴۲۳

این دختر در سنّ هجده سالگی در ایّام شـهادت حضرت زهراء سلام الله علیها در سال ۱۴۱۸ قمری ، عصر جمعه ۲۸ /۶/ ۱۳۷۶ خواب جـالب تکان دهنـده ای می بینـد، و در عالم رؤیا متوجّه می شود که همـۀ معصومین علیهم السـلام به اصـفهان تشـریف آورده انـد ، در حـالی که بعضـی از آنهـا سوار بر اسب بوده انـد ، در عـالم رؤیا ، شـخص مـدّاحی روضه می خوانـده ، و ذکر مصائب حضـرت زهراء سـلام الله علیها می نموده ، و مردم به گریه و عزاداری مشغول بوده اند ، و آن مدّاح نام همۀ معصومین علیهم السـلام را ذکر می نموده ، به جز حضرت بقیّه الله الأعظم عجّل الله فرجه (۱) ولی در میان ائمّه علیهم السلام نام حضرت امـام حسـن و حضـرت امـام حسـین و امـام علی بـن موسـی الرّضـا علیهـم السـلام را بیش از همه به زبـان می آورده است . آن بزرگواران ، به خاطر عزاداری بر حضـرت زهراء سـلام الله علیها به اصـفهان تشـریف آورده بودند ، و در این شهر ، مهمان این بندۀ کمترین ، خدمتگذار آسـتان مقدّس حضـرت زهراء سلام الله علیها (سیّد حجّه موّحد أبطحی) بوده اند، و این بند ناچیز با یک ماشین سفید رنگ ، جابه جائی آن بزرگواران را بر عهده داشته ام ، و خواب بیننده اصرار داشته است که محلّ سکونت آن معصومین علیهم السلام را بفهمد ، ولی اظهار شده که این از اسرار است .

۱۰۹-همۀ امامان و أولیاء الهی میزبان مجلس فاطمه زهراء سلام الله علیها هستند

از شـروع نهضت فـاطمیّه در سال ۱۴۱۱ قمری (یکهزار و چهارصـدمین سـال شـهادت فاطمـۀ زهراء سـلام الله علیها) همه ساله یکماه قبل از ایّام فاطمیّه سلام الله علیها در أیّام

۱- شایـد به این جهت بـوده که ، در این زمـان ، صـاحب اختیـار همـۀ امور ، آن حضـرت می باشـند ، و همـۀ معصومین علیهم السلام به منزلۀ میهمان وارد بر آن حضرت بوده اند .

سـالروز شـهادت حضـرت معصومه سـلام الله علیهـا روز جمعه ای در منزل این نویسـندهٔ کمـترین جلسه ای بر گزار می شود ، با حضور اقشار مختلف ، از علماء و خطباء و شعراء و مدّاحان و طبقات تحصیل کرده و هیئات عزاداری ، به منظور توجّه دادن به لزوم شـروع مقـدّمات برگزاری مراسم فـاطمیّه سـلام الله علیها و بیان راههای ممکن برای دسترسـی به فعّالیّت های مؤثّر در این زمینه .

تشـکیل این جلسـهٔ یـک روزه ، به خصوص در سال اوّل و دوّم شـروع نهضت فاطمیّه (که با حضور بزرگوارنی همچون پـدرم مرحوم آیت الله حاج سیّد مرتضـی موّحد ابطحی قدس سِرّه و مرحوم آیت الله حاج شـیخ حسن صافی اصـفهانی قدس سِرّه و مرحوم آیت الله حاج سیّد أحمـد فقیه امامی قـدس سِرُّه و عـدّه ای دیگر از علماء و بزرگان علم وأدب برگزار گردید) از نظر معنوی و نشانه های عنایت غیبی ، عجیب و اسـتثنائی بود ، و در حرکت دادن اقشار مردم به سوی فعّالیّت های بسـیار گسترده و عمیق و با خلوص ، تأثیری غیر قابل توصیف داشت .

شرکت کنندگان در جلسه و خدمتگزاران ، با اشـکی جاری و دلی سوزان و حالتی منقلب ، به برنامه های مجلس توجّه داشتند ، و در هر سـال بشـارات و نشانه های غیر قابل تردیـد ظاهر می گردیـد ، و عنایت غیبی الهی و حمایت قطعی صاحبان ولایت ، یعنی پیـامبر أکرم صَلَّی الله عَلَیهِ واله و أئمّـهٔ معصومین علیهم السـلام و حضـرت زهرای اطهر سـلام الله علیها و نیز أرواح علماء بزرگ و صلحا و ... به وضوح و با نشانه های روشن ، آشکار می گردید .

در یکی از این سالهـا ، یکی از کسـانی که رؤیاهایش عجیب و کم نظیر ، و همراه با نشانه های شـگفت آور است ، و دیر باور ترین افراد را به باور می رساند، در شبی که فردای آن مجلس یاد شده برگزار می گردید ، در عالم رؤیا می بیند که ، از سر

خیابـان تـا آخر کوچه ، و از در منزل تا اطاقهائی که مجلس حضـرت زهراء سـلام الله علیها (بخش مردانه و زنانه) برگزار می گردید ، بزرگان و شخصـیّت های برجسـته ای (در دو صف طولانی و منظّم) ایسـتاده بوده اند ، و به احترام شرکت کنندگان در مجلس افتتاحیّهٔ برنـامه هـای فـاطمیّه ، اظهـار لطـف و عنـایت می فرمـوده انـد . در میـان آن همـه بزرگـان ، حضـرات أئمّهٔ معصومین علیهم السـلام و علماء برجسـتهٔ تاریـخ درخشان مکتب أهل البیت علیهم السـلام هماننـد علّامـهٔ مجلسـی قدس سِرّه و برخی از امامزادگان بزرگوار علیهم السـلام حضور داشته اند ، و به احترام بانوی بزرگ اسلام، حضرت زهرای مرضیّه سلام الله علیها و مجلس بزرگداشت آن حضرت ، به شرکت کنندگان در مجلس اظهار لطف و احترام می نمودند .

۱۱۰-آیه الله العظمی خوانساری خشنود شدند

در ایّام شـهادت حضـرت زهراء سـلام الله علیهـا (فـاطمیّه دوّم) چهـار سـال است که موفّق شـده ایم به حرکت دادن کـاروان عزاداری از اصفهان به شهر مقدّس قم و نیز تهران و ساری و برخی دیگر شهرها ، و در این کاروان که از اقشار مختلف حضور دارنـد ، و اخلاـص و تواضع و دلسوختگی و فـداکاری در پیر و جوان کـاروان حـاکم می باشـد ، آن چنـان حالتی در جمعیّت عزادار یاد شده احساس می شود ، که هر بیننده ای را تحت تأثیر قرار می دهد ، و در آسـتان مقدّس حضرت معصومه سلام الله علیها و بیوت مراجع معظّم تقلید و علمای عالی مقام ، در شـهر مقدّس قم و مسـجد ها و حسـینیّه های تهران و شهرها ، و نیز در مسیر خیابانها و کوچه ها ، تماشای این جمع عزادار ، که با پای برهنه و با اشـکی جاری و چهره هائی درهم کشـیده ، در حال عزاداری خالصانه هستند ، نه تنها مردم مذهبی و آشنای با فرهنگ عزاداری را منقلب می کند ، بلکه در منطقه های بالای شهر تهران ، که

بسیاری از آنها با حال و هوای فاطمیّه و عزاداری آشنا نیستند ، آن چنان تأثیر می گذارد، که حیرت آور است .

در دو نوبت از این سفرهای معنوی ، موفّق شدیم که در شهر تهران ، در یکی از مراکز دینی که با اجازه و حمایت مرحوم آیه الله العظمی ، حاج سیّد أحمد خوانساری قدس سِرُّه (متوفّای ۱۴۰۵ قمری) تأسیس شده ، ولی در طول چندین سال ، با نفوذ أفکار گروههای منحرف ، برنامه های نامطلوب از دیدگاه أهل البیت علیهم السلام در آن انجام می گرفته شرکت کنیم ، و با انجام عزاداری بسیار مفصّل و پر از اشک و سوز و منقلب کننده ، در آن مرکز و در خیابان منتهی به آن، حال و هوای ولائی جالبی ایجاد گردید ، بطوری که همهٔ حاضران را شدیداً تحت تأثیر قرار داد ، و برخی از آنها (از علماء و دیگر مردمان) که در جریان آن مرکز دینی و تاریخچهٔ آن بودند ، اظهار داشتند : امروز روح مرحوم آیه الله العظمی خوانساری از این برنامه و عزاداری برای حضرت زهراء سلام الله علیها شاد گردید . و در این هنگام بود که تعبیر رؤیائی عجیب که یکی از اولیاء الهی چند ماه قبل از این تاریخ دیده بودند ، به دست آمد ، در آن رؤیا مرحوم آیه الله العظمی حاج سیّد أحمد خوانساری قدس سِرُّه لطف و عنایت خودشان را متوجّه این کمترین نویسنده (که نقشی در به حرکت درآوردن کاروان عزاداری داشتم) نمودند ، و دلیل و انگیزهٔ آن اظهار عنایت (با نکاتی که در بر داشت) معلوم نبود، ولی در جریان عزاداری یاد شده ، تعبیر رؤیا به خوبی مشخّص گردید ، چنانچه قرآن در قصّهٔ حضرت یوسف علیه السلام می فرماید : هذا تعبیر رؤیای قد جعله ربی حقّا

۱۱۱–برای من هر کاری که می توانید انجام دهید

در اوّلین سال حرکت و نهضت فاطمیّه در یکهزار و چهارصدمین سال شهادت

ص:۶۸۱

فاطمـۀ زهراء سـلام الله علیها پس از آنکه ایّام فاطمیّه اوّل سپری گردیـد ، و اقدامات مفصّل و گوناگونی در زمینۀ آماده سازی شهرها و روستاهای بزرگ و کوچک استان اصفهان و چندین شهر بزرگ دیگر ، با کمک و همکاری علماء و عموم طبقات مردم انجام داده بودم ، و مجلس عزاداری در منزل شخصی هم بسیار گسترده و مفصّل برگزار شده بود، در خود احساس خستگی می نمودم ، و لذا تصمیم گرفتم که برای ایّام فاطمیّۀ دوّم (دهۀ أوّل جمادی الثّانیه) فقط در مجالس عزاداری شرکت کنم ، و به عنوان مستمع حضور داشته باشم ، و مسئولیتی در کارهای اجرائی بزرگداشت فاطمیّۀ دوّم بر عهده نگیرم ، و هیچ کس از نیّت قلبی و قصد شخصی من اطّلاعی نداشت ، و در گفتارم مواظب بودم کسی از این نیّت شخصی بوئی نبرد . یکی از روزها در بین نماز ظهر و عصر ، که همه روزه سخنان کوتاهی را به مناسبت عرضه می دارم ، دیدم یکی از افراد بسیار متّقی و دارای حال و هوای معنوی و مورد عنایت خاصّ أهل البیت علیهم السلام در یکی از صفوف جماعت حاضر است ، و متوجّه شدم که کار مهمّی دارد، زیرا راه او با محلّ برگزاری نماز جماعت فاصله زیادی داشت .

پس از اقامۀ نماز عصر به نزد من آمد و گفت : با شما کار مهمّی دارم ، امروز قبل از ظهر در عالم خواب دیدم(1) که حضرت زهراء سلام الله علیها با حالت رنجور و کسالت خوابیده اند و فرمودند : به فلانی بگو برای من هر کاری که می تواند انجام دهد . و من این پیغام را برای شما آورده ام ، و جالب این است که در همان ایّام ، یکی از علماء بزرگ قم ، که از بهره مندان از عنایات خاصّ أهل البیت علیهم السلام می باشند ،

۱- ایشان به علّت این که قسمت قابل توجّهی از شب را به تهجّد و مطالعه می پردازد ، قبل از ظهر کمی استراحت می کند .

و دارای حال و هوای ملکوتی هستند ، تلفن کردند ، که چه نیّتی در دل داری ؟ می خواهی در یک کار بزرگ الهی کوتاهی کنی ، حتماً از نیّت و قصد خودت برگرد ، و به راهی که نشانت داده اند ادامه بده ، و لذا پس از این دو جریان ، مصمّم گشتم که برای فاطمیّهٔ دوّم نیز ، یک سلسله برنامه هایی را انجام دهم که تاکنون ادامه دارد، و حرکت کاروان عظیم عزاداری به سوی قم و تهران و ساری و ... در سالهای اخیر ، در راستای همین برنامه می باشد .

۱۱۲–دیداری تاریخی و نشستی پربرکت

پس از انجام برنامه های بزرگداشت یکهزار و چهارصدمین سال شهادت فاطمه زهراء سلام الله علیها فرصتی به دست آمد ، که جلسه ای نزدیک به چهار ساعت ، با مرحوم آیه الله ، حاج شیخ محمّد باقر صدّیقّین متوفای ایّام فاطمیّه ۱۴۱۴ قمری داشته باشم، که در تمامی فرصت موجود، سخن در رابطه با مسائل فاطمیّه و بزرگداشت شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها و آثار و برکات آن بود، و آن بزرگمرد که نسبت به مقام برجسته و استثنائی حضرت زهراء سلام الله علیها ، دلبستگی عجیبی داشتند با علاقهٔ شگفت آوری به سخنان و گزارشهای این کمترین ، در رابطه با برنامه های انجام شده گوش می دادند ، و نکات فراموش ناشدنی مهم و عجیبی را دربارهٔ بعضی از وقایع اتّفاق افتاده ، و رؤیاهای مربوطه بیان داشتند ، که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می نمایم .

گفتم : شنیده ام در ایّام برگزاری مراسم یکهزار و چهارصدمین سال شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها رؤیای مهمّی در کار بوده ، و شما تعبیر کرده اید ، و تعبیر شما

در تعطیل رسمی سالروز شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها مؤثّر بوده است (۱) فرمودند : بله ، یکی از شخصیّت ها از تهران به من تلفن کردند که یکی از مقامات عالیهٔ کشور خواب مهمّی دیده اند که مایلند شما تعبیر بنمائید ، و من با هواپیما به تهران رفتم و با ایشان ملاقات کردم ، و ایشان خواب مفصّلی دیده بودند ، و من تعبیر کردم (۲) که خطراتی برای کشور و ملّت ایران پیش آمده است ، که تنها راه برطرف شدن آن تجلیل از حضرت زهراء سلام الله علیها و أداء حقوق ایشان ، و توسّل به ذیل عنایت آن مظلومه (آن هم در حدّ مناسب عظمت کشور) می باشد . و سپس فرمودند : خواب های دیگری نیز دیده شده ، که همه نشان می دهد ، که خطر بزرگی متوجّه ایران گردیده ، و بزرگداشت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها وسیلهٔ منحصر برا دفع آن است .

و آنگاه رؤیای دیگری را برای ایشان نقل کردم ، که یکی از دلباختگان و خدمتگزاران آستان مقدّس حضرت زهراء سلام الله علیها دیده بودند ، و ایشان در تعبیر آن رؤیا فرمودند : شما کتابی دربارهٔ حضرت زهراء سلام الله علیها منتشر می سازید ، که بسیار سودمند واقع می شود ، در حالی که آن بزرگمرد ، در جریان تألیف کتاب یادواره یکهزار و چهارصدمین سال شهادت فاطمهٔ زهراء سلام الله علیها (که مقدّمات آن را فراهم می کردم) نبودند .

و سپس رؤیای دیگری را که شخص دیگری از مخلصین حضرت زهراء سلام الله علیها

۱- در آن سال با تصویب هیئت دولت ، یک روز به عنوان بزرگداشت یکهزار و چهارصدمین سال شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها تعطیل رسمی اعلام شد ، که بازتاب داخلی و جهانی آن بسیار عظیم و موفقیّت آمیز بود .
۲- تعبیرهای مرحوم آیه الله صدّیقین بسیار جالب و گاهی حیرت آور بود .

دیده بود نقل کردم ، و ایشان فرمودند : شما محلّی را برای برنامه های فاطمیّه پایه گزاری می کنید ، که آثار و برکات زیادی دارد، و پس از چند سال (به شکل غیر منتظره و بدون مقدّمات اختیاری) محلّی خریداری شد (در مجاورت منزل مسکونی خودمان) که رسماً به عنوان بیت الزّهراء سلام الله علیها نامیده شده است .

هم چنین رؤیای دیگری ، یکی دیگر از دوستان فاطمۀ زهراء سلام الله علیها دیده بود، که ایشان تعبیر نمودند : شما مبلغی را که بابت فلان عنوان بوده ، در راه حضرت زهراء سلام الله علیها مصرف کرده اید ، و مرضیٍّ آن حضرت بوده است ، و با توجّه به نشانۀ دقیقی که ذکر نمودند ، آن چنان تعبیر ایشان عجیب بود که مدّتی مرا در یک حالت بهت زدگی فرو برده بود . و جالب توجّه این است که آنچه در عالم رؤیا دیده شده بود (در همۀ موارد یاد شده) به حسب ظاهر ، ارتباط و مناسبتی با تعبیرهای یاد شده نداشت ، ولی همۀ آن تعبیرات به وقوع پیوست و صحیح بود آنچه در تمام مدّت جلسۀ چهار ساعته ، از آن بزرگوار احساس کردم ، علاقه ای شدید ، نسبت به حضرت زهراء سلام الله علیها و قاطعیّتی عجیب دربارۀ برکات آن حضرت و آثار توسّل به ذیل عنایت آن بانوی مظلومۀ شهیده بود .

حشره الله تعالی مع مولاته و سیّدته فاطمه الزهراء سلام الله علیها

۱۱۳–پای پوسترها اسمی نباشد

در دوّمین سال حرکت و نهضت فاطمیّه چندین نوع پوستر آماده کرده بودیم که از مرحلۀ طراحی تا خطّاطی و تهیّه فیلم و زینگ به انجام رسیده بود، و قرار بود که چاپ آن انجام شود، و هرکدام از این پوسترها ، به نام مسجد یا حسینیّه یا کتابخانه و یا هیئتی بود، و همانند همۀ پوسترها و پرچمهای تبلیغی ، وابستگی به شخص یا گروه یا دستۀ خاصّی در آن اعلام می گردید .

یکی از روزهـا ، پس از برگزاری نمـاز جماعت ظهر و عصـر ، یکی از اولیاء الهی (که دارای روحیّـهٔ معنوی و اخلاص عجیبی است) به نزد اینجـانب آمـد و گفت : در عالم رؤیا شـرفیاب محضـر حضـرت زهراء سـلام الله علیها شـدم ، و تمام پوسترها در دست مبارک حضـرت بود، و یکی یکی ملاحظه می فرمودند ، و مورد عنایت قرار می دادند ، و مخصوصاً پوستری که در آن حدیث شریف امام حسن عسکری علیه السلام در آن طراحی شده بود با این عبارت :

نحن حجّه الله علی الخلق و فاطمه حجّه علینا

مورد توجّه خاص و عنایت بیشتر آن حضرت بود، و سپس فرمودند :

به فلانی بگوئید پای اینها اسمی نباشد

وقتی این پیام بزرگ و همراه با لطف (که با قرائن و شواهدی که اینجانب در اختیار داشـتم ، پیامی حقیقی ، و رؤیای یاد شده از رویاهای صادقهٔ قطعیّه بود) به من رسـید ، با دو دست بر روی چشـمهایم گذاشتم ، و از آن تاریخ تاکنون متجاوز از دویست و پنجـاه نوع پوستر ، و دههـا نوع پرچم چـاپی ، و هزاران پرچم دست نویس آماده و پخش شـده است ، که هیـچ کـدام اسم و آدرس و عنوانی ندارد، و برکات و آثار عجیبهٔ معنوی و اجتماعی ، از اطاعت این دسـتور نصـیبمان گشته ، و چه بسیار موفقیّت هائی که در اثر این راهنمائی نورانی در جریان نهضت عظیم فاطمیّه حاصل گشته است .

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹